

ê

سرشناسه: علوی حسینی، نیره‌السادات.
عنوان: آل‌الله در کتاب‌الله، «فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن کریم» جلد پنجم.
سوره‌های نور - روم.
مشخصات ظاهری: ۸ جلد.
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک (جلد پنجم) ۹ - ۱۲۱ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: براساس جلد اول
یادداشت: عنوان دیگر: فضایل و مناقب چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن کریم.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: تفاسیر شیعه - قرن ۱۴.
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام در قرآن.
موضوع: خاندان نبوت در قرآن.
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام - فضایل - احادیث.
موضوع: چهارده معصوم علیهم‌السلام - احادیث.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶، ۸۵ ع ۹ ج / ۱۰۴ BP
رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷/۱۵۹
شماره مدرک: ۴۲۴۶۱۵۹

آل‌الله در کتاب‌الله (جلد پنجم)
مشخصات ظاهری: ۸ جلد
مؤلف: نیره‌السادات علوی حسینی
انتشارات: طوبای محبت
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
چاپخانه و نوبت چاپ: طه، اول ۱۳۹۶
شابک (دوره) ۵ - ۱۱۶ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
شابک (جلد پنجم) ۹ - ۱۲۱ - ۳۶۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸
قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

پخش تهران: ۶۶۹۲۳۲۳۴ - ۰۲۱
نشانی: قم، بلوار سمیه، خیابان عباس‌آباد (شهیدین)، پلاک ۱۱۲
۰۹۱۲۲۵۳۴۹۶۷ ۰۹۱۲۶۵۱۴۳۲۹ ۰۲۵ - ۳۷۸۳۲۱۴۳ ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۰۶۶
مرکز توزیع بین‌المللی کتاب و آثار اسلامی رسالت غدیر
www.tobaymohebat.ir
info@tobaymohebat.ir
www.islamicbookshop.net

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله ربّ العالمين، و الصَّلوة و السَّلَام عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
مُحَمَّدٍ «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ»، وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
المعصومين «سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ»، سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ
حُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ «صَلَوَاتِ اللَّهِ وَ سَلَامِهِ عَلَيْهِ»، وَ لَعْنَةَ اللَّهِ
عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ، مِنْ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.
آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

آل الله در کتاب الله

«فضائل و مناقب چهارده معصوم علیهم السّلام در قرآن کریم»

جلد پنجم

سوره های نور، فرقان، شعرا، نمل، قصص، عنکبوت، روم
لقمان، احزاب، سبأ، فاطر، یس، صافات، ص، زمر، مؤمن، فصلت

تألیف:

نیّره السّادات علوی حسینی

هنگام زیارت امام حسین علیه السّلام در نیمه ماه رجب، و هنگام

زیارت امام هادی علیه السّلام عرض می کنیم:

السّلام علیکم یا آل الله

السّلام علیک یا آل الله

فهرست

سوره نور

- آیه ۲۶، سوره نور: ۱۱
- آیه ۳۵ سوره نور: ۱۵
- آیه ۳۶، ۳۷ و ۳۸ سوره نور: ۳۸
- آیه ۵۵ سوره نور: ۵۱
- آیه ۶۳ سوره نور: ۵۹

سوره فرقان

- آیه ۲۳ سوره فرقان: ۶۳
- آیه ۲۷، ۲۸، ۲۹ سوره فرقان: ۷۰
- آیه ۷۴ سوره فرقان: ۸۲

سوره شعراء

- آیه ۲۱۴ سوره شعراء: ۹۱
- آیه ۲۲۷ سوره شعراء: ۱۰۱
- آیه ۲۲۷ سوره شعراء: ۱۱۵

سوره نمل

- آیه ۱۶ سوره نمل: ۱۲۱
آیه ۱۸۹ و ۹۰ سوره نمل: ۱۳۵

سوره قصص

- آیه ۵ و ۶ سوره قصص: ۱۴۷

سوره عنکبوت

- آیه ۴۹ سوره عنکبوت: ۱۶۳

سوره روم

- آیه ۳۰ سوره روم: ۱۷۵

سوره لقمان

- آیه ۲۰ سوره لقمان: ۱۸۳
آیه ۲۲ سوره لقمان: ۱۹۱
آیه ۲۷ سوره لقمان: ۱۹۸

سوره احزاب

- آیه ۴ سوره احزاب: ۲۱۵
آیه ۶ سوره احزاب: ۲۲۴
آیه ۲۳ سوره احزاب: ۲۳۷
آیه ۳۳ سوره احزاب: ۲۴۵
آیه ۵۶ سوره احزاب: ۲۸۰
آیه ۷۲ سوره احزاب: ۲۹۵

سوره سبأ

آیه ۴۶ سوره سبأ: ۳۱۱

سوره فاطر

آیه ۱۰ سوره فاطر: ۳۱۷

آیه ۳۴ سوره فاطر: ۳۲۶

آیه ۴۱ سوره فاطر: ۳۳۱

سوره یس

آیه ۱۱ سوره یس: ۳۴۵

آیه ۱۲ سوره یس: ۳۵۳

سوره صافات

آیه ۲۴ سوره صافات: ۳۶۵

سوره ص

آیه ۶۷ و ۶۸ سوره ص: ۳۷۹

سوره زمر

آیه ۹ سوره زمر: ۳۸۵

آیه ۱۷ سوره زمر: ۳۹۲

آیه ۲۹ سوره زمر: ۳۹۷

آیه ۳۳ سوره زمر: ۴۰۳

آیه ۵۳ سوره زمر: ۴۰۹

آیه ۵۶ سوره زمر: ۴۱۹

آیه ۶۰ سوره زمر: ۴۳۲

آیه ۷۳ سوره زمر: ۴۳۹

سوره مؤمن

آیه ۷ سوره مؤمن: ۴۴۷

سوره فصلت

آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فصلت: ۴۵۹

آیه ۲۹ سوره فصلت: ۴۶۵

آیه ۳۰ سوره فصلت: ۴۷۰

آیه ۳۳ سوره فصلت: ۴۸۱

فهرست احادیث ۴۸۹

منابع و ماخذ ۵۰۳

«سوره نور»

آیه ۲۶، سوره نور:

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ...»

ترجمه:

زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند و مردان خبیث و ناپاک به زنان خبیث و ناپاک تعلق دارند.

همچنین، زنان طیب و پاک از آن مردان طیب و پاکند و مردان طیب و پاک به زنان طیب و پاک تعلق دارند.^۱

منظور از خبیثین و خبیثات در این آیه شریفه چیست؟

منظور از خبیثین و خبیثات در این آیه شریفه می‌تواند موارد ذیل باشد:

۱. سخنان زشت و ناروا مانند تهمت، دروغ، ناسزا و امثال این‌ها؛

۲. گناهان و سیئات؛

۳. زنان و مردان خبیث و ناپاک و آلوده دامن؛

منظور از طیبین و طیبات در این آیه شریفه چیست؟

منظور از طیبین و طیبات در این آیه شریفه می‌تواند موارد ذیل باشد:

۱. تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۴۵۰.

۱. سخنان نیکو و خوب؛

۲. کارهای نیکو و پسندیده یعنی حسنات؛

۳. زنان و مردان طیب و پاکدامن.

برخی از مفسرین اظهار می نمایند که:

منظور از خبیثین و خبیثات غیر مؤمنین هستند «زنان و مردان غیر مؤمن»

و منظور از طیبین و طیبات مؤمنین می باشند «زنان و مردان مؤمن».

بنابراین:

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ = یعنی:

۱. سخنان زشت و ناروا «دروغ گفتن، تهمت زدن و ...» تعلق به افراد خبیث و

پلید دارد و افراد خبیث و پلید متعلق به سخنان زشت و ناروا هستند؛

۲. گناهان و سیئات مربوط به افراد خبیث و پلید هستند و افراد خبیث و پلید

مربوط به گناهان و سیئات؛

۳. زنان خبیث و آلوده دامن از آن مردان خبیث و پلید هستند و مردان خبیث و

پلید از آن زنان خبیث و آلوده دامن؛

قابل ذکر است که هر سه مورد فوق‌الشاره می تواند صحیح باشد لیکن معنی سوّم

واضح تر و روشن تر است و ظاهراً منظور آیه شریفه نیز همین معنا می باشد، یعنی:

زنان خبیث از آن مردان خبیث و مردان خبیث از آن زنان خبیث می باشند.

وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ = یعنی:

۱. سخنان نیکو برای افراد پاک و طیب و افراد پاک و طیب برای سخنان نیکو و

طیب می باشند؛

۲. کارهای نیکو و پسندیده یعنی حسنات از آن افراد طیب و پاک است و افراد

پاک و طیب از آن کارهای نیکو و پسندیده «یعنی حسنات»؛

۳. زنان پاک و پاکدامن از آن مردان طیب و پاک می باشند و مردان طیب و پاک

از آن زنان پاک و پاکدامن؛

هر سه مورد فوق می تواند صحیح باشد لیکن معنی سوّم واضح تر و روشن تر

است و ظاهراً منظور آیه شریفه نیز همین معنا است، یعنی:

زنان پاک و پاکدامن از آن مردان طیب و پاک می‌باشند و مردان طیب و پاک از آن زنان پاک و پاکدامن، یا:

زنان مؤمن برای مردان مؤمن و مردان مؤمن برای زنان مؤمن.
بنابراین:

خییثات و خبیثون اشاره به زنان و مردان آلوده دامن است،
و طیبات و طیبین اشاره به زنان و مردان پاکدامن و مؤمن.
اگر آیه شریفه زنان خبیث و آلوده دامن را به مردان خبیث و مردان خبیث را به
زنان خبیث و آلوده دامن اختصاص داده،
همچنین زنان و مردان پاک و طیب را نیز به یکدیگر اختصاص داده به خاطر
هم‌جنسی و هم‌سنخ بودن آنها می‌باشد،
و به عبارت دیگر هر کس سراغ همفکر و هم‌نوع خود می‌رود، پاکان به سوی
پاکان و ناپاکان به سوی ناپاکان.^۱

حدیث:

وقتی معاویه بن ابی سفیان و یارانش به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام
دشنام و ناسزا گفتند وجود مقدس امام مجتبی علیه‌السلام این آیه شریفه را «آیه ۲۶
سوره نور» را تلاوت نموده و به معاویه فرمود:

ای معاویه:

به خدا قسم:

الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ تَوَّ وَ پيروان تو می‌باشند،
وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ عَلِيٌّ بِنِ ابِيطَالِبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شِيعِيَانِ اَنْ حَضْرَتِ

هستند، یعنی:

ای معاویه:

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۲۱.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۴۳.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۴۵۱-۴۵۲.

به خدا قسم مردان خبیث و ناپاک و زنان خبیث و آلوده دامن تو و پیروان تو می‌باشند،
و مردان طیب و زنان پاک و پاکدامن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و شیعیان آن حضرت هستند.^۱

۱. احتجاج طبرسی، جلد دوم، احتجاج امام مجتبی علیه‌السلام در مجلس معاویه، صفحه ۴۰، حدیث ۱۵۰.
تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۵۷، حدیث ۷۵ «حدیث ۷۷۳۷».
المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۵۷.
تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۰۱.

آیه ۳۵ سوره نور:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ، يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ، نُورٌ عَلَى نُورٍ، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

ترجمه:

خداوند متعال نور آسمانها و زمین است،
 مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی پرفروغ باشد،
 آن چراغ داخل حبابی «داخل شیشه‌ای» قرار گرفته که آن حباب «شیشه» شفاف و
 درخشنده است مانند یک ستاره فروزان و پرنور. این چراغ با روغنی افروخته می‌شود
 که از درخت پربرکت زیتون گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی.
 روغن این چراغ آنچنان صاف و خالص است که نزدیک است بدون تماس با آتش
 شعله‌ور شود.

نوری است فوق نور «نوری بالای نوری»،
 خداوند هر کس را که بخواهد به نور خود هدایت می‌کند.
 خداوند برای مردم مثل‌ها می‌زند و خداوند به هر چیزی دانا است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

مِشْكَاةٌ = چراغدان، محفظه‌ای که چراغ را آنجا قرار می‌دهند.
 در گذشته، داخل اطاق و در دیوار اطاق «دیواری که مُشرف به حیاط بود» طاقچه‌ای
 درست می‌کردند «شبیبه به پنجره» و در آن قسمت از طاقچه که به طرف حیاط بود
 شیشه می‌گذاشتند «بین اطاق و حیاط» تا وقتی چراغ را روشن کرده و روی طاقچه
 گذاشتند هم داخل اطاق روشن شود و هم داخل حیاط، و ضمناً باد و طوفان نیز نتواند
 چراغ را خاموش کند.

۱. تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۰۲ - ۵۰۳.

مِصْبَاح = چراغ؛

زِجَاغَه = شیشه، مقصود حبایی است شیشه‌ای که روی چراغ می‌گذاشتند تا باد آن را خاموش نکند، و ضمناً نور چراغ نیز بیش‌تر شود؛

كَوْكَبٌ = ستاره، ستاره پرنور؛

كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ = ستاره درخشان، ستاره پرنور؛

يُوقَدُ = برافروخته می‌شود، روشن می‌شود، فروغ می‌گیرد «ایقاد به معنی روشن کردن چراغ یا آتش است»؛

ضَوْءٌ، ضِيَاءٌ = روشنی، نور؛

زَيْتٌ = روغن، روغنی که از زیتون می‌گیرند.^۱

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ = خداوند متعال نور آسمان‌ها و زمین است.

خصوصیات و ویژگی‌های نور:

۱. لطیف‌ترین و زیباترین عنصر در جهان ماده است و سرچشمه همه زیبایی‌ها است، و اهمیّت و زیبایی نور و روشنایی زمانی مشخص می‌شود که با نقطه مقابلش یعنی ظلمت و تاریکی مقایسه شود.

۲. سرعت نور از سرعت همه اجسام بیش‌تر است یعنی در هر ثانیه سیصد هزار کیلومتر را طی می‌کند.

۳. همه چیز به وسیله نور دیده می‌شود، یعنی اگر نور نباشد هیچ جسم و هیچ شیئی را نمی‌توانیم ببینیم، پس نور باعث می‌شود تا اشیاء و اجسام ظاهر شوند و دیده شوند و به همین علت:

نور مظهر است «یعنی ظاهرکننده» اما خودش ظاهر است و دیده می‌شود و ما برای دیدن نور احتیاج به چیزی نداریم که نور را به ما نشان دهد و ظاهر کند تا

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۷۵ - ۱۷۶.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۰۹ - ۵۱۰.
مفردات راغب.

ما او را ببینیم.

پس، نور:

الف) خودش ظاهر است «واضح است، آشکار است» و هر چشم سالمی می تواند آن را ببیند و برای دیدن نور چشم سالم نیاز به هیچ چیز ندارد.

ب) نور، مُظهِر است، یعنی ظاهرکننده اشیاء و اجسام، پس اگر نور نباشد با اینکه اجسام و اشیاء وجود دارند و هستند و چشم ما نیز کاملاً سالم می باشد لیکن قادر به دیدن اشیاء نخواهیم بود.

پس نور عبارت از چیزی است که ظاهر بالذات است و مُظهِر غیر (مُظهِر اجسام قابل دیدن)

۴. منشأ گرما و حرارت است.

۵. عامل حیات است و بدون نور اکثر جانوران و گیاهان از بین می روند، و خصوصیات دیگری که این جا مجال پرداختن به آن نیست.

بنابراین، با این ویژگی هایی که برای نور عنوان شد اگر بخواهیم برای ذات پاک خداوند متعال از بین این همه عناصر مادی تشبیهی بیاوریم و تمثیلی بزینم «با علم به اینکه خداوند متعال شبیه به هیچ چیزی نیست و خداوند متعال در قرآن کریم فرموده: لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» آیا غیر از واژه و کلمه نور می توانیم از کلمه دیگری استفاده کنیم، ضمناً اگر نور را به معنی وسیع آن در نظر بگیریم یعنی هر چیز که ذاتش ظاهر و آشکار باشد و ظاهرکننده غیر «ظاهر بالذات و مُظهِر غیر»، در این صورت به کار بردن کلمه نور در ذات پاک خداوند متعال جنبه تشبیه نیز نخواهد داشت چرا که در عالم خلقت و عالم هستی از خداوند متعال آشکارتر نیست و تمام آنچه غیر او است از برکت وجود او آشکار و ظاهر می باشد.

این قسمت از آیه شریفه ممکن است معانی ذیل را نیز شامل شود.

خداوند متعال نور آسمانها و زمین می باشد یعنی:

الف) خداوند متعال خالق نور است و آسمانها و زمین را به وسیله خورشید و ماه

و ستارگان روشن می کند.

ب) خداوند متعال زینت بخش آسمانها است با ملائکه و فرشتگان، و زینت بخش زمین است با انبیاء و اوصیاء آنها «یعنی آسمانها را با ملائکه و زمین را با انبیاء و اوصیاء آنها زینت داده است».

قابل ذکر است که در قرآن کریم و احادیث و روایات از چند چیز به عنوان نور یاد شده است که به تعدادی از آنها اشاره می شود.

۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

در آیه ۴۶ سوره احزاب آمده: **وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا**، یعنی ما تو را «خطاب به پیامبر اکرم» به اذن و فرمان خدا دعوت کننده مردم به سوی خدا قرار دادیم و چراغی نوربخش و نوردهنده.

۲. ائمه معصومین علیهم السلام و اهل بیت پیامبر اکرم:

آیه ۱۷۴ سوره نساء، آیه ۱۲۲ سوره انعام، آیه ۱۵۷ سوره اعراف و آیه ۸ سوره تغابن که تأویل این آیات شریفه در رابطه با اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت آن بزرگواران می باشد، همچنین در زیارت جامعه کبیره آمده که: **خَلَقَكُمْ اللَّهُ نُورًا... أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ**.

۳. قرآن کریم:

آیات متعددی در این خصوص است از جمله آیه ۱۵ سوره مائده.

۴. ایمان:

آیات مختلفی در این رابطه است از جمله آیه ۲۵۷ سوره بقره.

۵. هدایت الهی:

آیه ۱۲۲ سوره انعام، که ظاهر آیه شریفه در رابطه با هدایت الهی است لیکن تأویل کلمه نور در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام هستند.

۶. دین اسلام:

آیه ۳۲ سوره توبه، که ظاهر آیه شریفه در رابطه با دین اسلام است لیکن تأویل آن در خصوص امام زمان سلام الله علیه می باشد.
با توجه به این توضیحات، الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ می تواند معانی ذیل را داشته باشد

۱. خداوند متعال نور آسمانها و زمین است، یعنی:

خداوند متعال خالق و پدیدآورنده همه هستی و خلقت می باشد و هادی و هدایت کننده آنها به سمتی است که به مصلحت و صلاح آنها می باشد.

۲. خداوند متعال نور آسمانها و زمین است، یعنی:

با نور خورشید و ماه و ستارگان، آسمانها و زمین را روشن می کند.

۳. خداوند متعال نور آسمانها و زمین است، یعنی:

با ملائکه آسمانها را زینت می بخشد و با پیامبران و اوصیاء آنها را زینت می دهد.

۴. خداوند متعال نور آسمانها و زمین می باشد چرا که خداوند متعال ظاهر بالذات است و مظهر غیر، و نور نیز اگر به معنی وسیع کلمه در نظر گرفته شود همین مقصود را می رساند، یعنی هر چیزی که ذاتش ظاهر و آشکار باشد و ظاهرکننده غیر، بنابراین:

خداوند سبحان نوری است که به وسیله او آسمانها و زمین و همه مخلوقات ظهور یافته اند.

چون خداوند متعال ظاهر بالذات است و مظهر غیر «به همین لحاظ همه مخلوقات به وسیله خداوند متعال ایجاد می شوند و ظهور می یابند» لذا به این اعتبار خداوند متعال را نور می دانیم، نه اینکه خداوند متعال نعوذ بالله از جنس و سنخ نوری است که ما آن را می شناسیم و در علم فیزیک از آن صحبت می شود که از فوتون تشکیل شده و تئوری های مختلفی نیز درباره نور ارائه شده از قبیل تئوری ذره ای بودن نور یا موجی بودن و یا سایر خواص نور.

پس، خداوند متعال نور است به این اعتبار که ظاهر بالذات است و مظهر غیر. قابل ذکر است که در آیات فراوانی آمده که خداوند متعال آفریننده و خالق آسمانها و زمین و آنچه که بین آنها است.

از جمله در آیه اول و دوم سوره انعام و آیه دوم و سوم سوره ملک آمده که خداوند متعال خالق آسمانها، زمین، انسان، نور، ظلمات، حیات و موت می باشد «و در یک کلام خالق همه مخلوقات».

در دعای جوشن کبیر و در بند چهل و هفتم این دعا که مجموعه ای از صفات خداوند متعال مطرح شده آمده است که:

يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُنَوَّرَ النُّورِ، يَا خَالِقَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ النُّورِ، يَا مُقَدِّرَ النُّورِ، يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ يَا نُوراً قَبْلَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُوراً بَعْدَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُوراً فَوْقَ كُلِّ نُورٍ، يَا نُوراً لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ، یعنی:

ای نور نورها، ای روشنی بخش نور، ای خالق و آفریننده نور، ای تدبیرکننده نور، ای تقدیرکننده نور، ای نور همه نورها، ای نور قبل از هر نور، ای نور بعد از هر نور، ای نوری که برتر و بالاتر از هر نوری، ای نوری که همانندش نوری نیست.

به این ترتیب ملاحظه می شود که همه انوار هستی و خلقت از نور خداوند متعال مایه می گیرد و به نور ذات پاک خداوند متعال منتهی می گردد.

قابل ذکر است که دعای جوشن کبیر را حضرت جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آوردند.^۱

در ادامه آیه شریفه برای اینکه این نور خداوند و این نور الهی به خوبی تبیین شود و مردم بتوانند به خوبی آن را درک کنند خداوند متعال مثال می زند تا موضوع به فهم و درک مردم نزدیک شود،

مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاتٍ، فِيهَا مِصْبَاحٌ = مَثَلُ نُورِ خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ هَمَانَنَدِ چَرَاغَدَانِي است که داخل آن چراغی قرار گرفته است.

خداوند متعال این مثال را برای توضیح و تبیین نور خودش می زند.

۱. مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۳۸.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۷۶.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۰۴ تا ۵۰۸.

مقصود از نور خدا چیست «مقصود از مَثَلُ نُورِهِ چیست»؟

اقوال مختلفی در این باب عنوان شده که ممکن است همه آنها صحیح باشد.

۱. مقصود از نور خدا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت می‌باشند، یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام.

در این خصوص روایات و احادیثی نیز از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

۲. مقصود از نور خدا قرآن کریم است که دل‌ها و قلوب مؤمنین را نورانی می‌کند.

۳. منظور از نور خدا نور هدایتی است که خداوند متعال در دل مؤمنین برافروخته است.

۴. مقصود از نور خدا حقیقت ایمان است که خداوند متعال آن را به مؤمنین اختصاص داده است.

۵. مقصود از نور خدا روح تقوا و اطاعت است که خداوند متعال به مؤمنین اعطا فرموده است.

۶. مقصود از نور خدا آیات و نشانه‌های وجود خداوند متعال و یگانگی خدا و عدل خداوند متعال است که از شدت ظهور مانند نور است.

مصادیق مختلفی برای نور خدا ذکر شد لیکن روح همه آنها در واقع یک چیز می‌باشد و آن نور ایمان و نور هدایت است که خداوند متعال آن را فقط به مؤمنین اختصاص داده و در دل آنها قرار داده تا در راه سیر به سوی خدا و رفتن به طرف خداوند متعال از آن نور الهی بهره ببرند.

این نور ایمان و هدایت که به مؤمنین اختصاص یافته دارای همان چهار عاملی است که خداوند متعال در آیه شریفه مثال زده است که در ادامه بحث به آن اشاره خواهد شد.

تا این جا معنی آیه شریفه این شد که خداوند متعال نور خودش را «همان نور ایمان و هدایت که به مؤمنین اختصاص یافته» به مشکاة و چراغانی تشبیه فرموده که داخل آن مصباح قرار گرفته است «یعنی چراغی پرفروغ».

ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ = یعنی این چراغ پرفروغ داخل شیشه قرار گرفته است.
 سابق بر این روی چراغ شیشه می گذاشتند تا هم چراغ پرنورتر شود و هم اینکه باد و طوفان چراغ را خاموش نکند.
 الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ = یعنی این شیشه‌ای که روی چراغ قرار گرفته مانند ستاره فروزان و پرنور می باشد.

تشبیه زجاجه «شیشه» به ستاره درخشان و پرنور به خاطر شدت نور چراغ می باشد و این شدت نور چراغ باعث می شود تا این شیشه مانند ستاره درخشان و پرنور بدرخشد.

يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ = این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتون گرفته شده که نه شرقی است و نه غربی.
 یعنی این مصباح «چراغ» که روشن است ماده سوختی خود را از درخت زیتون گرفته که این درخت زیتون نه شرقی است نه غربی، یعنی:

این درخت نه در طرف شرق باغ و در پناه دیوار واقع شده و نه در غرب باغ و در پناه دیوار، بلکه در وسط و در جایی واقع شده که تمام جوانب آن به طور یکسان در معرض تابش خورشید قرار گرفته و میوه آن کاملاً می رسد.

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ أَلَمَ تَمَسُّهُ نَارٌ = روغن این چراغ آنچنان صاف و خالص است که گوئی بدون تماس با آتش می خواهد شعله ور شود.
 نُورٌ عَلَى نُورٍ = نوری است بالای نور دیگر.

این جمله به نور زجاجه «شیشه» بازمی گردد و معنایش این است که:
 نور زجاجه «شیشه» نوری است عظیم که بالای نور عظیم دیگری قرار گرفته است.

مراد از بودن نور بالای نور دیگر دو چندان بودن نور و شدت نور می باشد نه تعدد آن.

نور مربوط به مصباح «چراغ» است و زجاجه «شیشه» آن نور را تشدید می کند و این است معنی نوری بالای نور دیگر.

در حقیقت یک نور بیش تر وجود ندارد و آن هم نور چراغ است که شیشه چراغ

آن را تشدید می‌کند و این شیشه خودش مثل ستاره فروزان و پرنور دیده می‌شود، لیکن نور شیشه از چراغ می‌باشد که نور چراغ را دو چندان می‌کند.

يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ = خداوند هر کس را که بخواهد به نور خود هدایت می‌کند.

وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ = خداوند متعال مثال می‌آورد و مثل‌ها می‌زند تا از آسان‌ترین راه حقایق را به مردم نشان دهد تا عالم و عامی و باسواد و بی‌سواد آن را بفهمند، و در واقع این مثل‌زدن‌ها برای این است که همه مردم به سهولت مطلب را درک کنند.

وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ = خداوند متعال به همه چیزها آگاه است. قابل ذکر است که این نور ایمان و نور هدایت که در دل و قلب مؤمنین است و خداوند متعال آن را به مؤمنین اختصاص داده دارای همان چهار عاملی است که در آن مصباح «چراغ» موجود است. «البته تشبیه است»، یعنی:

۱. مشکاة، سینه مؤمن است.

۲. زجاجه، قلب مؤمن است.

۳. مصباح، شعله‌های ایمان است که در دل و قلب مؤمن دیده می‌شود.

۴. شجره مبارکه زیتونه، همان وحی الهی است که ایمان مؤمنین به وسیله آن شعله‌ور و پربار می‌گردد.

بنابراین نور ایمان و نور هدایت همان نور خدا است، و این نور خدا همان نوری است که از یک طرف آسمان‌ها و زمین و همه هستی را نورانی نموده و از طرف دیگر در دل و قلب مؤمنین جای گرفته و همه وجود مؤمنین را نورانی نموده است.

مؤمنین آیات و نشانه‌های خداوند متعال را با عقل و علم خویش می‌یابند و در آن‌ها تدبّر می‌کنند و آن‌ها را با نور ایمان و هدایت که خداوند متعال در دل و قلبشان قرار داده ممزوج و مخلوط می‌کنند که نتیجه آن افزایش ایمان و معرفت آن‌ها می‌شود و این قضیه مصداق نُورٌ عَلَى نُورٍ می‌باشد.

اینکه این مصباح الهدی «مصباح و چراغ هدایت» در چه مکان‌ها و منازلی استقرار

دارند و دیده می‌شوند در آیه بعد آمده است.^۱

حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ - آیه ۳۵ سوره نور» فرمودند:

مِشْكَاتُ نُورِ عِلْمٍ اسْتِ كَهْ دَرِ سَیْنِهِ پِیَامْبِرِ اَكْرَمِ اسْتِ،
ز جَاحِهِ سَیْنِهِ امیرالمؤمنین عَلِيِّ بْنِ ابیطَالِبٍ عَلَیْهِ السَّلَامِ اسْتِ كَهْ عِلْمِ پِیَامْبِرِ اَكْرَمِ بَه
سَیْنِهِ اِیْشَانِ مَنْتَقِلِ شَدَهْ اسْتِ،

يَكَاذُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ يَعْنِي اَهْلَ بَيْتِ پِیَامْبِرِ اَكْرَمِ وَ عَالِمَانَ آلِ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَعْنِي اَئِمَّةَ مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَهْ بَهْ عِلْمِ خُودِ سَخْنِ مِیْ كُوینْدِ قَبْلِ اَزْ
آنكه از آن بزرگواران سؤال شود،

نُورٌ عَلِيٌّ نُورٌ يَعْنِي اِمَامِي اَزْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَهْ بَعْدِ اَزْ اِمَامِي مِیْ اَیْدِ «يَعْنِي اَئِمَّةَ
مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَهْ يَكِي بَعْدِ اَزْ دِیْگَرِي بَهْ اِمَامَتِ مِیْ رَسَنْدِ».

این بزرگواران حجت‌های خداوند متعال هستند و خداوند متعال آن‌ها را خلیفه و
جانشین و حجت خویش در روی زمین قرار داده است.

این حدیث را عیسی بن راشد از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۲. امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... - آیه

۳۵، سوره نور» فرمودند:

مِشْكَاتُ وَجُودِ نَازِنِينَ فَاطِمَةَ زَهْرًا سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا اسْتِ.

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۳۹ - ۱۴۰.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۷۸ تا ۱۸۰.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲.

۲. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۱.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۳، حدیث ۵.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۴.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۱۷۴ «حدیث ۷۸۳۶».

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۱۹.

مِصْبَاحِ اِمَامِ حَسَنِ مَجْتَبِي سَلَامِ اللّٰهِ عَلَيْهِ اسْت. زُجَاجَه اِمَامِ حَسِينِ سَلَامِ اللّٰهِ عَلَيْهِ مِي بَاشَد. كَوَكَبِ دُرِّي «سِتاره پرنور و فروغ» فاطمه زهرا سَلَامِ اللّٰهِ عَلَيْهَا اسْت در ميان بانوان و زنان عالم.

نُورٌ عَلٰى نُورٍ يَعْنِي اِمَامِ مَعْصُومِي كِه پَس از اِمَامِ مَعْصُومِ دِيگَرِي مِي آيَد. يَهْدِي اللّٰهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ يَعْنِي خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ هَر كَس رَا كِه بَخَوَاهَد بَه سَوِي ائِمَّه مَعْصُومِيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ هِدَايَتِ و رَاهَنَمَايِي مِي كَنَد. اِيْنِ حَدِيْثِ رَا صَالِحِ بِنِ سَهْلِ هَمْدَانِيْ از اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ نَقْلِ نَمُودِه اسْت.^۱

توضیح:

روایات و احادیث فراوانی از ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده که این آیه شریفه را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت تطبیق فرموده‌اند.

همانطور که قبلاً نیز عرض شده تطبیق آیات شریفه قرآن کریم به یکی از چهارده معصوم علیهم السّلام و یا به همه آن ذوات مقدّسه تأویل آیات شریفه قرآن کریم می‌باشد که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم السّلام صادر شده و اشاره به بطن قرآن کریم و معنی باطنی آیات شریفه قرآن کریم دارد نه تفسیر آیات شریفه قرآن کریم و معنی ظاهری آیات شریفه، لذا ملاحظه می‌فرمائید که مشکاه در یک روایت به قلب و سینه مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تطبیق شده و در روایت دیگر به وجود نورانی فاطمه زهرا سلام الله علیها، و یا در یک روایت زجاجه به وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تطبیق شده و در روایت و حدیث دیگر به وجود مبارک امام مجتبی و سیدالشهدا سلام الله علیهما.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۸، حدیث ۵ «حدیث ۵۱۳».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۰، ۵۷۴، ۵۷۸، حدیث ۲ و ۸ و ۱۳.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۵.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۸۹، حدیث ۱۶۹ «حدیث ۷۸۳۱».

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۲۰.

بنابراین اختلاف روایات و احادیث حاکی از تضاد بین روایات نیست و این روایات و احادیث هیچگونه مغایرتی با یکدیگر ندارند چرا که آیات شریفه قرآن کریم مفاهیم وسیعی دارند و بطونی، لذا هر روایت یکی از مصادیق بارز آیات شریفه را بیان نموده و معنی باطنی آن را روشن می‌کند.^۱

۳. امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» - آیه ۳۵ سوره نور» فرمودند:

این آیه شریفه مثلی است که خداوند متعال برای ما اهل بیت پیامبر اکرم زده است. به درستی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت و ائمه معصومین علیهم‌السلام از آیات خداوند متعال می‌باشند، آیاتی که مردم به وسیله آنها به سوی توحید و به سوی خداوند متعال راه می‌یابند و هدایت می‌شوند.^۲

۴. امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» - آیه ۳۵، سوره نور» فرمودند:

مشکاة قلب و دل مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، مصباح نور علم و هدایت است.

زجاجه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام است که بعد از رحلت پیامبر اکرم مصباح علم و هدایت در قلب و دل آن حضرت قرار گرفت. این حدیث را جابر از وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۳

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۴.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۲۰.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۳، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۸۹، حدیث ۱۷۲ «حدیث ۷۸۳۴».

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۳ - ۲۰۴.

۳. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۴.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۱۶.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۱، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۹۳، حدیث ۱۷۷ «حدیث ۷۸۳۹».

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۱۹.

۵. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... - آیه ۳۵ سوره نور» فرمودند:

ما مشكاة هستيم و وجود مبارك پیامبر اکرم مصباح است،
و منظور از يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ یعنی:

خداوند متعال هر کس را که بخواهد به سوی ما و به ولایت ما هدایت می فرماید.^۱

۶. امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ... - آیه ۳۵ سوره نور» فرمودند:

منظور از نور خدا «مَثَلُ نُورِهِ» در این آیه شریفه وجود مقدّس پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد،

مِشْكَاةٍ سینه مبارک پیامبر اکرم است،

فِيهَا مِصْبَاحٌ یعنی نور علم و نبوت،

الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ یعنی علم پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ می باشد، که به قلب مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام سرازیر شده است،

الزُّجَاجَةُ كَانَتْهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ یعنی وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی علیه السّلام،

يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ یعنی علمی که از دهان مبارک آل محمد علیهم السّلام و اهل بیت آن حضرت خارج می شود،

و نُورٌ عَلَى نُورٍ یعنی امام معصومی که بعد از هر امام معصومی به امامت می رسد.

این حدیث را فضیل بن یسار از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۷. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ... - آیه ۳۵ سوره نور» فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۹، حدیث ۱۵.

مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۱.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۲، حدیث ۴.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۱۷۳ «حدیث ۷۸۳۵».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۱۵ - ۶۱۶.

مقصود از مشکاة در این آیه شریفه سینه مبارک پیامبر اکرم می باشد که داخل آن مصباح «چراغ» قرار گرفته است، و آن مصباح نیز مصباح علم است که داخل زجاجه ای «شیشه ای» واقع شده، و آن زجاجه وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است که علم و دانش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد او است. این حدیث را جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۸. وجود مقدس امام رضا علیه السلام در پاسخ به نامه عبدالله بن جنذب که از آن حضرت در رابطه با این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ...» آیه ۳۵ سوره نور» سؤال کرده بود فرمودند:
بدان و آگاه باش که:

وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم امین خداوند متعال در میان مخلوقش بود و هنگامی که آن حضرت رحلت فرمود ما اهل بیت پیامبر اکرم وارث آن حضرت شدیم، بنابراین:
ما امینان خداوند متعال در روی زمین هستیم و به هر کس که نگاه کنیم حقیقت ایمان و نفاق او را درمی یابیم.

در ادامه فرمایش آن حضرت آمده است که:
نام شیعیان ما و نام پدر آنها نوشته شده است «یعنی ما اسم شیعیان خودمان و نام پدر آنها را می شناسیم»،

و تا روز قیامت غیر از ما و شیعیان ما کسی مسلمان واقعی نیست.
ما از نور وجود مبارک پیامبر اکرم نور می گیریم و آن حضرت نیز از نور خدا نور می گیرند و شیعیان ما نیز از نور ما نور می گیرند.

وجود مقدس امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خویش «در مکتوب آن حضرت به عبدالله بن جنذب» فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۳، حدیث ۶.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۸، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۹۳، حدیث ۱۷۵ «حدیث ۷۸۳۷».

هر کس از ما جدا شود «امامت ما را نپذیرد» هلاک می شود،
 و هر کس از ما پیروی کند نجات می یابد،
 هر کس از ما جدا شود و ما را انکار نماید کافر است،
 و هر کس ولایت ما را بپذیرد و از ما پیروی نماید مؤمن می باشد.
 هیچ کافری ما را دوست نمی دارد، و هیچ مؤمنی ما را دشمن نمی دارد،
 بنابراین:

هر کس با دوستی و محبت ما از دنیا برود خداوند متعال او را با ما مبعوث می کند،
 و هر کس که از ما نباشد «شیعه و پیرو ما نباشد» از دین اسلام بهره ای نبرده است.
 وجود مقدّس امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 مثل ما در قرآن کریم چنین است و آنگاه آن حضرت به آیه ۳۵ سوره نور اشاره
 نموده و فرمودند:

مقصود از مَشْكَاءَ در این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاءٍ، فِيهَا
 مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ... - آیه ۳۵ سوره نور» ما هستیم،
 مقصود از مصباح در این آیه شریفه وجود مبارک پیامبر اکرم است،
 مقصود از نُورٌ عَلَى نُورٌ در این آیه شریفه امامی است که پس از هر امامی به امامت
 می رسد،

مقصود از نور در این قسمت از آیه شریفه «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ - آیه ۳۵ سوره
 نور» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد،
 خداوند متعال هر کس را که دوست داشته باشد به ولایت ما هدایت و راهنمایی
 می فرماید، و خداوند متعال بر خود واجب دانسته که محبّین و دوستان ما را با چهره ای
 نورانی مبعوث کند «برانگیزد»،

و محبّین پرهیزکار ما را با شهدا و صدیقین و صالحین محشور بفرماید.^۱

۱. تفسیر قمی، جلد سوم، صفحه ۳۲۲ - ۳۲۳.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۵، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۹۵، حدیث ۱۸۰ «حدیث ۷۸۴۲».

۹. علی بن جعفر می گوید:

از وجود مقدّس ابوالحسن «امام کاظم یا امام رضا علیهما السّلام» درباره این آیه شریفه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» - آیه ۳۵ سوره نور» سؤال کردم و آن حضرت در پاسخ به سؤال من فرمود:

مقصود از مشکاة در این آیه شریفه وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها است، مقصود از مصباح در این آیه شریفه امام حسن و امام حسین علیهما السّلام می باشند، مقصود از زجاجه در این آیه شریفه وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که در میان بانوان جهان مانند ستاره ای درخشان هستند، مقصود از نُورِ عَلِي نُورِ در این آیه شریفه امامی است که پس از امامی دیگر به امامت می رسد،

و مقصود از يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ این است که:

خداوند متعال هر کس را که بخواهد به ولایت ما هدایت و راهنمایی می فرماید. این حدیث را تفسیر برهان از مناقب ابن مغازلی شافعی نقل نموده است.^۱

۱۰. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از حضرات معصومین علیهم السّلام خدمت آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى، وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى، یعنی:

سلام بر ائمه هدایت،

و سلام بر چراغ های تاریکی، یعنی:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که ائمه هدایت هستید و مردم را به راه راست و به صراط مستقیم الهی هدایت می فرمائید،

و سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که چراغ های تاریکی هستید.

وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام در این فرمایش نورانی خویش وجود مبارک ائمه معصومین علیهم السّلام را به مصابیح تشبیه فرموده «مصابیح جمع مصباح یعنی

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۷۹، حدیث ۱۶.

چراغ‌ها» و جهل و ضلالت و گمراهی را به ظلمت و تاریکی «دُجی یعنی ظلمت و تاریکی».

این فرمایش امام هادی علیه‌السلام بر اساس استعاره است زیرا در این کلام نورانی، ائمه معصومین علیهم‌السلام به مصابیح تشبیه شده‌اند و جهل و ظلمت و گمراهی به ظلمت و تاریکی، بنابراین:

همچنان‌که انسان در تاریکی شب به چراغ نیاز دارد تا از راه منحرف نشده و به چاه نیفتد، در تاریکی و ظلمات جهل و گمراهی نیز به چراغ معنوی نیاز دارد تا او را از خطرات حفظ نماید، و این چراغ‌های معنوی که از آن‌ها به عنوان مصباح و مصابیح یاد شده وجود مقدس ائمه معصومین هستند که از جانب خداوند متعال مأموریت دارند تا مردم را از ظلمت به طرف نور هدایت نمایند.^۱

قابل ذکر است که در آیات دیگری نیز نور به ائمه معصومین علیهم‌السلام تأویل شده که ذیلاً به تعدادی از آن آیات شریفه اشاره می‌شود.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا - آیه ۱۷۴، سوره نساء».

«أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا - آیه ۱۲۲، سوره انعام»

«قَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ - آیه ۱۵۷، سوره اعراف».

«فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ - آیه ۸، سوره تغابن».

ذیل این آیات شریفه توضیحات لازم به عرض رسیده است.

ملاحظه فرمودید که ائمه معصومین علیهم‌السلام مصباح هدایت «چراغ هدایت» هستند و مردم را به سوی خداوند متعال و به صراط مستقیم الهی هدایت می‌کنند. به عنوان حسن ختام این بحث به یک حدیث نورانی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم‌السلام در رابطه با سیدالشهداء علیه‌السلام صادر شده اشاره می‌شود.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تالیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۲۹ تا ۱۳۲.

در این حدیث شریف آمده است که:
 إِنَّ الْحُسَيْنَ مُصْبِحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ، یعنی:
 امام حسین علیه السلام چراغ هدایت است و کشتی نجات «همینطور سایر ائمه
 علیهم السلام».

توضیح:

الف) هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السلام «مثلاً زیارت امام کاظم و امام رضا
 سلام الله علیهما»، همچنین هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السلام در روزهای هفته
 محضر آن ذوات مقدسه عرض می کنیم:
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ؛
 السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ؛
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ؛
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ.
 این زیارت شریف «زیارت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام در روزهای
 هفته» از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز
 آمده است.

ب) در آیه ۳۵ سوره نور صحبت از این بود که خداوند متعال نور آسمانها و
 زمین است، همچنین خداوند متعال نور خویش را به مشکاة مَثَل زده بود که داخل
 آن مصباح قرار گرفته و آن مصباح نیز داخل زجاجه ای قرار گرفته که مانند ستاره
 درخشان و پرنور می باشد و تعابیر دیگری که ذیل آیه شریفه به آن ها اشاره شد.
 همانطور که در بخش حدیث ملاحظه فرمودید مقصود از نور خدا و مشکاة و
 مُصْبِح و زُجَاجِه و نُورٌ عَلٰی نُورٍ و يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وجود مقدس پیامبر اکرم صلی
 الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مبارک چهارده معصوم
 علیهم السلام بودند.

خداوند متعال پس از این آیه شریفه در آیه ۳۹ و ۴۰ همین سوره «سوره مبارکه نور»

به اوضاع و احوال کافرین پرداخته و ظلمت و جهل و کُفر آن‌ها را بیان می‌فرماید.
همانطور که ملاحظه فرمودید طبق آیه ۳۵ سوره نور، وجود مبارک پیامبر اکرم
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم
عليهم السَّلام مَثَل نور خداوند متعال هستند،

اما در آیات ۳۹ و ۴۰ سوره نور سخن از کسانی است که اعتقادات و اعمال و رفتار
آن‌ها به ظلمت تشبیه شده آن هم نه ظلمت عادی و معمولی، بلکه ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ
بَعْضٍ، یعنی ظلمت‌هایی که یکی بر فراز دیگری قرار گرفته است.

خداوند متعال اعمال این گروه فاسد و کافر را با دو مثال بیان فرموده و در واقع
اعمال این گروه را تشبیه به دو چیز نموده و فرموده:

اعمال این کافرین مانند سراب است در یک کویر که از دور شبیه آب می‌باشد لیکن
وقتی به سراغ آن‌ها می‌روی چیزی نمی‌یابی،

یعنی این افراد ظاهراً اعمالی انجام می‌دهند که مثل اعمال سایر مسلمین است اما
اعمال این افراد هیچ ارزشی در پیشگاه خداوند متعال ندارد و خداوند متعال این
اعمال را به سراب تشبیه فرموده است «ترجمه و توضیح آیه ۳۹».

همچنین، خداوند متعال در آیه ۴۰ سوره نور اعمال این گروه فاسد و کافر و
منحرف را به ظلمات تشبیه فرموده و می‌فرماید:

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ
بَعْضٍ...»، یعنی:

اعمال این کافرین مانند ظلماتی است در یک دریای پهناور که موجی آن را
پوشانده و بر فراز آن موج موج دیگری است و بر فراز آن ابر تاریک و سیاهی قرار
گرفته و به این ترتیب ظلمت‌هایی است که یکی روی دیگری قرار گرفته «ظُلُمَاتٌ
بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»، یعنی:

ظلمت دریا از یک طرف، ظلمت امواج خروشان دریا از طرف دیگر، و ظلمت ابر
تیره‌ای که بالای دریا قرار گرفته باعث می‌شود که همه جا را ظلمت فرا بگیرد.

لازم به ذکر است که این ظلمت‌ها روی هم قرار گرفته‌اند «أَوَّل ظلمت اعماق دریا،
روی آن ظلمت امواج خروشان، و روی آن ابر تیره و تار».

بَحْرُ لُجِّي = دریای عمیق و پرموج؛
ظُلُمَات = جمع ظلمت یعنی تاریکی‌ها؛
سَحَاب = ابر.

ذیل آیه ۳۵ سوره نور احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شد که طبق آن احادیث شریف و نورانی مصادیق نور خداوند متعال و مشکاة و مصباح و زجاجه «که نور خداوند متعال به آن‌ها مَثَل زده شده بود» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت بودند. در آیه ۴۰ سوره نور به سه ظلمت اشاره شده است.
۱. ظلمت دریا:

به جهت اینکه نور مستقیم خورشید فقط چند متر می‌تواند به داخل آب نفوذ کند، لذا اعماق دریاها و اقیانوس‌ها کاملاً تاریک هستند.

۲. ظلمت امواج خروشان:

اگر آب دریاها و اقیانوس‌ها آرام و بدون تلاطم باشد نور خورشید تا عمق بیش‌تری نفوذ می‌کند «تا حداکثر عمقی که می‌تواند نفوذ کند نفوذ می‌کند»، لیکن در دریای متلاطم و عمیق مقدار نفوذ نور کاهش می‌یابد.

۳. ظلمت ابر متراکم و تیره:

ابر متراکمی که روی دریاها و اقیانوس‌ها قرار می‌گیرد مانع می‌شود تا نور خورشید مستقیماً به دریا و اقیانوس بتابد، لذا وجود ابر متراکم در مقابل خورشید باعث تاریک شدن هوا می‌شود «روزهای ابری این قضیه کاملاً مشهود است»، لذا این ابر متراکم و تیره عامل ظلمت و تاریکی هر چه بیش‌تر می‌باشد.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۷-۱۴۸.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷.

توضیح:

ظلمت اعماق آب از یک سو، ظلمت امواج خروشان دریا از سوی دیگر، و ظلمت ابر متراکم و تیره از سوی دیگر ظلماتی هستند که بر روی یکدیگر قرار گرفته و به تعبیر قرآن کریم **ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ**، و بدیهی است در این تاریکی و ظلمت مطلق اگر انسان دستش را مقابل چشمان خویش نیز بگیرد نمی تواند آن ها را ببیند تا چه رسد به نقاط دورتر.

کافرانی که از نور ایمان بی بهره می باشند در چنین ظلماتی گرفتارند، ضمن اینکه خودشان نیز مصداق بارز این ظلمات هستند.

اینکه مصداق **اتَمَّ** و **اکمل** و مصداق بارز ظلمات که در آیه ۴۰ سوره نور از آن صحبت شده چه کسانی هستند در بخش حدیث خواهد آمد.

قابل ذکر است که این احادیث شریف افراد مختلفی را به عنوان مصادیق ظلمت معرفی می نمایند و همانطور که در صفحات قبل اشاره شد این احادیث هیچگونه مغایرتی با هم ندارند چرا که آیات شریفه قرآن کریم مفاهیم وسیعی دارند و همچنین دارای بطن های متعدد، که وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام از بطون قرآن کریم و تأویل آیات شریفه قرآن کریم مطلع بوده و آن را بیان می فرمایند، لذا ممکن است یک آیه قرآن کریم چندین مصداق داشته باشد.

حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیات شریفه «آیات ۳۹ و ۴۰

سوره نور» فرمودند:

منظور از:

ظُلُمَاتٌ فِی بَحْرِ لُجْیٍّ «ظلمت دریای عمیق و پرموج» فلانی و فلانی هستند،

منظور از:

يَعْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ «ظلمت امواج خروشان» فلانی است،

و منظور از:

مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ «ظلمت ابر متراکم و تیره» معاویه بن ابی

سفیان و فتنه‌های بنی‌امیه است، و این سه ظلمت ظلمت‌هایی هستند یکی بر فراز دیگری.

این حدیث را صلاح بن سهل همدانی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف) طبق این حدیث شریف مصداق ظلمت اول «ظلمت اعماق دریاها» فلانی و فلانی هستند،

مصداق ظلمت دوم «ظلمت امواج خروشان دریا» فلانی است،
و مصداق ظلمت سوم «ظلمت ابر متراکم و تیره» معاویه بن ابی سفیان و فتنه‌های بنی‌امیه می‌باشد.

بنابراین، مصادیق این سه ظلمت که از آن‌ها یاد شد و ملاحظه فرمودید ظلماتی هستند یکی بر فراز دیگری، یعنی ظُلماتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، و در مقابل این ظلمت‌ها که خداوند متعال در آیه ۳۹ و ۴۰ سوره نور به کفّار نسبت داده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام قرار گرفته‌اند که نور خداوند متعال هستند، آن هم نوری فوق نور دیگر یعنی نُورٌ عَلٰی نُورٍ.

ب) ذیل آیه ۲۵۷ سوره بقره حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل شد که آن حضرت فرمودند:

النُّورُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالظُّلُمَاتُ عَدُوَّهُمْ، یعنی:
آل محمد علیهم‌السلام نور هستند و دشمنان آن‌ها ظلمات.

۲. امام صادق علیه‌السلام درباره این آیات شریفه «آیات ۳۹ و ۴۰ سوره نور» فرمودند:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۸، حدیث ۵ «حدیث ۵۱۳».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۹۰ - ۵۹۱، حدیث ۱ و ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۰۵ - ۳۰۷، حدیث ۱۹۶ و ۱۹۹ «حدیث ۷۸۵۸ و ۷۸۶۱».

ظُلُمَاتٌ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ فَلَانِي و فَلَانِي و فَلَانِي هَسْتَنَد،
 يَعْشَاهُ مَوْجٌ مِّنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ سِرَان و اصْحَابِ جَمَلٍ و صَفِيْن و نَهْرَوَان مِي بَاشَنَد،
 و مَنظور از مِّنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ بَنِي اَمِيَه هَسْتَنَد،
 و همه افراد اين سه گروه ظلمت‌هايي هَسْتَنَد يَكِي بر فراز ديگري، يعنِي:
 ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ^۱.

۱ . تفسير برهان، جلد ششم، صفحه ۵۱۹، حديث ۳.

آیه ۳۶، ۳۷ و ۳۸ سوره نور:

«فِي بُيُوتٍ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» آیه ۳۶.
 «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا
 تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» آیه ۳۷.
 «لِيَجْزِيََهُمُ اللهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»
 آیه ۳۸.

ترجمه:

این مصباح «چراغ هدایت» در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند متعال اذن و اجازه داده و مقرر فرموده تا رفیع شده و برافراشته شوند و در آن‌ها نام خدا برده شود. صبح و شام در آن خانه‌ها تسبیح خدا را می‌گویند «اهل آن خانه‌ها» (۳۶). در این خانه‌ها مردانی هستند «افرادی هستند» که هیچ تجارت و معامله‌ای آن‌ها را از یاد خدا و اقامه نماز و دادن زکات غافل نمی‌کند، آن‌ها از روزی می‌ترسند «یعنی از روز قیامت» که در آن روز دل‌ها و چشم‌ها منقلب می‌شوند «زیر و رو می‌شوند» (۳۷). آن‌ها این عبادات را انجام می‌دهند تا خداوند متعال بهتر از آنچه که عمل کرده‌اند به آن‌ها پاداش دهد «تا آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد»، و از فضل خویش بر پاداش آن‌ها بیفزاید «با فضل خود بر پاداش آن‌ها بیفزاید». خداوند متعال به هر کس که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد. (۳۸)^۱

شرح لغات و توضیحات:

غُدُو = جمع غداة یعنی صبح؛

بُيُوت = خانه، منزل «جمع بیت می‌شود بُيُوت»؛

آصَال = جمع اصیل یعنی عصر «شام»؛

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۳۷.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۰۳.

تُلَّهِمُّهُمَّ = از الهاء می آید یعنی بازداشتن کسی از کاری؛
 قلب = برگرداندن چیزی از این رو به آن رو؛
 بیع = دادن کالا و گرفتن بهای آن؛

تجارت = استمرار در کسب «بیع و تجارت در واقع به یک معنا هستند»^۱.

در آیه ۳۵ آمده بود که خداوند متعال نور آسمانها و زمین است، و در ادامه آیه شریفه خداوند متعال نور خودش را به چراغدانی «مشکاة» تشبیه فرموده بود که داخل این چراغدان چراغی پرفروغ «مصباح» قرار گرفته و این چراغ داخل یک شیشه‌ای «زُجاجه» واقع شده که نور چراغ به این شیشه برخورد کرده و آن را مثل کوكب دُرّی «ستاره درخشان و پرنور» می‌کند.

بیان شد که این چراغ، چراغ هدایت است و نور خدا یعنی نور هدایت و ایمان «البته چهارده معصوم علیهم السّلام عالی‌ترین مصداق نور خدا هستند که ذکر شد». اینکه این مصباح «چراغ هدایت» که نور ایمان و نور هدایت را به جهان منتشر می‌کند کجا واقع شده و در چه خانه‌هایی است در آیات ۳۶ تا ۳۸ مشخص شده است، که انشاءالله تعالی به آن اشاره خواهد شد.

گرچه احادیث ذیل آیه ۳۵ سوره نور مصادیق نور خداوند متعال و مصادیق مشکاة و مصباح و زجاجه و کوكب دُرّی «چراغدان- چراغ، شیشه و حباب، ستاره پرنور و درخشان» را مشخص فرمود و معلوم شد که این بزرگواران وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام هستند، و بالطبع وقتی مصادیق انوار الهی و مصادیق مشکاة، مصباح، زجاجه و کوكب دُرّی را شناختیم بیوت و خانه‌هایی را که این مصادیق در آنها واقع شده‌اند را نیز می‌شناسیم، یعنی عالی‌ترین مصداق این بیوت، بیوت و منازل چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشد.

در آیات ۳۶، ۳۷ و ۳۸ خصوصیات و ویژگی‌های این بیوت «خانه‌ها» و صفات و ویژگی‌های ساکنین آنها بیان شده است.

در بخش حدیث عرض خواهد شد که عالی‌ترین و بارزترین مصداق این بیوت که

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۸۲-۱۸۳.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۱۷.

چراغ هدایت در آن‌ها واقع شده و نور ایمان و هدایت از آن‌جا به سراسر جهان منتشر می‌شود بیت شریف و نورانی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا سلام الله علیهما می‌باشد.

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۳۶ سوره نور» می‌فرماید:

فِي بُيُوتٍ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ = این مصباح هدایت و این چراغ هدایت در خانه‌هایی قرار گرفته که خداوند متعال اجازه داده و مقرر فرموده تا رفیع شوند و نام خدا در آن‌ها برده شود.

منظور از رفیع بودن این بیوت «خانه‌ها» رفعت و بالا بودن قدر و ارزش و منزلت آن بیوت می‌باشد.

همچنین گفته شده که منظور از رفعت بیوت تطهیر و پاک کردن بیوت و اهل آن از آلودگی‌ها و معاصی می‌باشد و موید این مطلب آیه ۳۳ سوره احزاب است که خداوند متعال اراده فرموده تا اهل این خانه را از پلیدی پاک کند و تطهیر نماید.

هر دو نظر در واقع یک معنا را می‌رسانند، یعنی وقتی این بیوت از معاصی و آلودگی‌ها تطهیر و پاک شدند قدر و منزلت آن بیوت و اهل آن‌ها بیش‌تر خواهد شد، پس این خانه‌ها خانه‌هایی هستند که:

خداوند متعال اذن داده و مقرر فرموده تا رفیع شوند و رفعت مقام پیدا کنند «از طریق تطهیر و پاک کردن بیوت و اهل آن که هیچ معصیتی در آن‌جا صورت نگیرد» و نام خدا در آن‌ها برده شود.

يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ = این چراغ هدایت «یعنی این مصباح» در خانه‌هایی است که در آن خانه‌ها نام خدا برده می‌شود.

برده شدن نام خدا در این خانه‌ها استمرار دارد یعنی اهل این خانه‌ها لایزال و مدام نام خدا را می‌برند و این عمل استمرار دارد.

مقصود از بردن نام خدا تلاوت قرآن کریم و یا بردن اسماء نیکوی خداوند متعال «اسماء الحسنی» و یا هر دو آن‌ها می‌باشد.

يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ = این خانه‌های رفیع و بلندمرتبه خانه‌هایی هستند که اهل آن‌ها هر صبح و شام تسبیح خداوند متعال را می‌گویند.

مقصود از تسبیح کردن خداوند متعال تنزیه و پاک شمردن خداوند متعال است از هر عیب و نقص.

پس، مقصود از تسبیح خداوند متعال یعنی منزّه دانستن خداوند متعال از هر عیب و نقص،

و وقتی که تسبیح کامل شد معرفت نیز کامل می‌شود، و پس از اینکه معرفت به خداوند متعال کامل شد آن وقت خود به خود حمد و ثنا جای خود را می‌گیرد، و خلاصه کلام اینکه حمد و ثنای واقعی بعد از حصول معرفت است و خلوص معرفت نیز زمانی حاصل می‌شود که انسان تمام صفات نقص را از خداوند متعال نفی کند یعنی خداوند متعال را تسبیح نماید.

اشاره به تسبیح و تنزیه خداوند متعال در هر صبح و شام کنایه از استمرار تسبیح اهل این خانه‌ها در تمام اوقات شبانه روز است نه اینکه اختصاص به صبح و شام داشته باشد، لذا اهل این خانه‌ها مدام در حال تسبیح و تنزیه خداوند متعال می‌باشند. رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ = در این خانه‌ها مردانی هستند «افرادی هستند» که تجارت و خرید و فروش «کار و کسب» آن‌ها را از یاد خدا و اقامه نماز و اداء زکات باز نمی‌دارد.

مراد از اقامه نماز و اداء زکات فقط اشاره به این دو فریضه یعنی نماز خواندن و پرداختن زکات نیست، بلکه مقصود انجام دادن همه واجبات می‌باشد که خداوند متعال ما را موظف به انجام آن‌ها نموده است.

اقامه نماز تجسّم عبودیت و بندگی ما در مقابل خداوند متعال است، و پرداختن زکات تجسّم وظیفه ما در مقابل خلق، ضمن اینکه این آیه شریفه اقامه نماز و اداء زکات «خواندن نمازهای واجب و پرداختن حقوق واجب و شرعی» را نیز تأکید می‌فرماید، بنابراین:

معنی این آیه شریفه «آیه ۳۷ سوره نور» به اختصار این می‌شود که:
در این خانه‌ها افراد و رجالی هستند که تجارت و کار و کسب آن‌ها را از یاد خدا «عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» غافل نمی‌کند.

مقصود از این قسمت آیه شریفه «عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» و مقصود از عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، ذکر قلبی

است که نقطه مقابل فراموشی و غفلت از یاد خدا می باشد.

به عبارت دیگر مراد از ذکر الله در این آیه شریفه ذکر قلبی است، و مراد از اقامه نماز و اداء زکات ذکر عملی می باشد چرا که نماز و زکات نیز از مصادیق ذکر خدا هستند، لیکن ذکر عملی نه قلبی.

يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ = آن‌ها «اهل این خانه‌ها» از روزی می ترسند «یعنی از روز قیامت» که در آن روز دل‌ها و چشم‌ها منقلب می شوند «زیر و رو می شوند» يَخَافُونَ به مقتضای اینکه فعل مضارع است دلالت بر استمرار خوف و ترس آن‌ها از قیامت دارد.

اهل این خانه‌ها از روز قیامت می ترسند چرا که روز قیامت روز انقلاب و دگرگونی حالت دل‌ها و چشم‌ها می باشد.

منظور از تَقَلَّبُ قلوب و ابصار «انقلاب و دگرگونی حالت دل‌ها و چشم‌ها» این است که دل‌ها و قلوبی که در دنیا نسبت به خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام و احکام اسلام و به طور کلی به آیات خداوند متعال شک و تردید داشتند در روز قیامت شک و تردید آن‌ها به یقین تبدیل می شود چرا که همه وعده و وعیدهایی را که خداوند متعال داده بود آن‌ها در روز قیامت می بینند و به همین جهت شک و تردید انسان‌ها به یقین مبدل می شود.

چشم‌ها مثل دل‌ها در روز قیامت منقلب شده و حقایق را می بینند، یعنی چشم‌هایی که در دنیا آیات بی شمار خداوند متعال را می دیدند اما به آن‌ها بی توجه بودند و از این آیات خداوند پی به حق نمی بردند همین چشم‌ها در روز قیامت منقلب شده و تیزبین می شوند و با نگاه کردن به اوضاع و احوال قیامت همه حقایق آن را متوجه می شوند.

لازم به ذکر است که:

چشم‌ها و دل‌هایی که در دنیا کور بوده و از حقایق غافل بودند، انقلاب و دگرگونی آن‌ها در روز قیامت جز افزایش حسرت و اندوه آن‌ها خاصیت دیگری برای آن‌ها نخواهد داشت.

در همین رابطه آیات متعددی در قرآن کریم آمده است، از جمله در آیه ۲۲ سوره

ق و آیه ۴۷ سوره زمر آمده که خداوند متعال می فرماید:

فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ، یعنی:

امروز «روز قیامت» ما پرده‌ها را از مقابل چشم تو برداشتیم و چشم تو امروز تیزبین است.

وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَّا اللَّهُ مَاءً لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ، یعنی:

روز قیامت از جانب خداوند متعال حقایقی برای آن‌ها کشف می‌شود که هرگز گمان نمی‌کردند و احتمالش را نمی‌دادند. «البته این آیه شریفه در رابطه با ظالمین است، لیکن آشکار شدن حقایق مربوط به همه است».

پس، تقلب قلوب و ابصار یعنی:

در روز قیامت دل‌ها از شک به یقین می‌رسند زیرا پرده‌ها کنار می‌روند و حقایق ظاهر و آشکار می‌شوند و چشم‌ها نیز روز قیامت تیزبین می‌شوند.

قابل ذکر است که اولیاء خداوند متعال یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام از این قاعده مستثنی هستند یعنی پرده‌ای در مقابل چشم آن‌ها نیست که روز قیامت آن پرده‌ها کنار بروند، چرا که آن بزرگواران حجج خداوند متعال و خلفاء خداوند متعال در روی زمین هستند «خلیفه یعنی جانشین» و از طرف خداوند متعال مأموریت دارند تا پرده‌ها را در همین دنیا از مقابل چشم مردم کنار بزنند و آن‌ها را با حقایق هستی و خلقت آشنا کنند.

در این جا به دو فرمایش از فرمایشات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اشاره می‌شود تا روشن شود آن بزرگواران همه حقایق را با چشم دل می‌دیدند.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

من خداوندی را که نبینم عبادت نمی‌کنم یا عبادت نکرده‌ام،

از آن حضرت سؤال شد که آیا خداوند متعال را می‌بینید،

و آن حضرت فرمودند بله، اما با چشم دل نه با چشم سر.

همچنین آن حضرت فرمودند:

لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا أَرَدْتُ يَقِينًا، یعنی:

اگر همه پرده‌ها کنار بروند و تمام حقایق ظاهر و آشکار شوند چیزی به یقین من

اضافه نمی شود.

معنی این فرمایش حضرت علی علیه السلام این است که من همه حقایق را تمام و کمال می بینم و پرده ای مقابل چشمان من نیست که اگر آن‌ها کنار بروند به یقین من افزوده شود.

در آیه بعد «آیه ۳۸ سوره نور» آمده است که:

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ = اهل این خانه‌ها این کارها را «تسبیح خدا، غافل نشدن از یاد خدا، اقامه نماز، اداء زکات و ...» انجام می دهند تا خداوند متعال بهتر از آنچه که عمل کرده‌اند به آن‌ها پاداش بدهد و از فضل خویش به پاداش آن‌ها بیفزاید، و ادامه آیه شریفه «وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» نیز موید این معنا می باشد، یعنی:

خداوند متعال در مقابل هر عمل صالحی که در هر باب انجام داده‌اند پاداش بهترین عمل در آن باب را به ایشان می دهد،

و یا اینکه خداوند متعال بهتر از آنچه را که عمل کرده‌اند به آن‌ها پاداش می دهد.

کلمه فضل در جمله *يَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ* به معنی عطا و بخشش است، یعنی خداوند متعال به اهل این خانه‌ها آنقدر عطا می کند و آنقدر می بخشد که به مراتب بیش تر از پاداش اعمال صالح آن‌ها است.

به عبارت دیگر پاداشی که خداوند متعال به اهل این خانه‌ها می دهد هرگز مساوی با اعمال صالح آن‌ها نیست بلکه به مراتب بیش تر از پاداشی است که آن اعمال استحقاق آن را داشتند، لذا این پاداش اضافی غیر پاداش اعمال است و به مراتب از آن اعمال عالی تر و عظیم تر می باشد.

خداوند متعال در مواضع متعددی در قرآن کریم این موضوع را بیان فرموده که اجر و پاداشی که خداوند متعال به صالحان و متقین اعطا می فرماید به مراتب بیش تر از پاداش اعمال آن‌ها است، و لذا در موارد فراوانی از جمله در آیه ۳۴ سوره زمر، آیه ۱۶ سوره فرقان و آیه ۳۱ سوره نحل پاداش و اجر مؤمنین و صالحان را منوط به خواسته خود آنان نموده و فرموده آن‌ها هر چه که بخواهند خداوند متعال به آن‌ها اعطا می فرماید.

وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ = خداوند متعال هر کس را که بخواهد بی حساب روزی می دهد و از مواهب بی انتهای خویش بهره مند می سازد.

معنی این قسمت از آیه شریفه این است که:

اجر و پاداش هر عمل برابر و متناسب با همان عمل است، یعنی هر کس عمل صالحی انجام دهد استحقاق پاداش او به اندازه عملی است که انجام داده، لیکن خداوند متعال از فضل خودش پاداش چند برابر به صاحب عمل می دهد «يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ»، تازه از این هم بالاتر و بیش تر اعطا می فرماید، و این اعطا و بخشش خداوند متعال به حدی زیاد است «به حدی بی حساب است» که درک و فهم بشر از تصور آن عاجز می باشد و اصلاً نمی تواند تصورش را بکند، و در نتیجه آن را از خداوند متعال تقاضا و درخواست نیز نمی نماید، و به همین جهت این موهبت و بخشش خداوند متعال بخشش و موهبت و رزقی است حساب نشده.^۱

ملاحظه فرمودید که:

مصباح هدایت در خانه‌هایی است که این ویژگی‌ها را دارند:

۱. به امر خداوند متعال ایجاد شده و رفعت مقام پیدا کرده‌اند.

۲. مرکز یاد خداوند متعال هستند.

۳. مردانی «افرادی» در این منزل هستند که:

الف) صبح و شام به تسبیح خداوند متعال مشغول می‌باشند.

ب) کسب و کار و جاذبه‌های دنیا آن‌ها را از یاد خداوند متعال غافل نمی‌کند.

ج) اقامه نماز می‌کنند.

د) اداء زکات می‌نمایند.

این بیوت و اهل این بیوت «خانه‌ها» سرچشمه و مرکز هدایت و ایمان هستند و

حقایق اسلام و احکام الهی از این بیوت به سراسر جهان منتشر می‌شود.

مصادق عام این بیوت مساجد و منازل اولیاء و انبیاء و اوصیاء آن‌ها می‌باشد، لیکن

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۳ - ۱۴۴.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۱۸۲ تا ۱۸۸.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۱۴ - ۵۱۷.

این بیوت مصداق اتم و اکملی نیز دارند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
منظور از بیوت در این آیه شریفه «فِي بُيُوتٍ اَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ...» آیه ۳۶ سوره نور»
بیوت انبیاء می باشد.
ابوبکر سؤال کرد یا رسول الله، آیا بیت علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا «سلام الله علیهما» هم از آن بیوت می باشد.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ به سؤال ابوبکر فرمود:
نَعَمْ، مِنْ اَفْضَلِهَا، یعنی:
بله، بالاتر از آن ها است «بله، از برترین آن بیوت است».^۲

۲. امام باقر علیه السلام فرمودند:
منظور از بیوت در این آیه شریفه «فِي بُيُوتٍ اَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ...» بیت شریف
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و بیوت انبیاء می باشد.
این حدیث را جابر از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۳

۱. تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۱۵ تا ۵۱۷.

۲. مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۴۳.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱۹۴ «حدیث ۷۸۵۶».

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۱۶.

۳. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۵.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۱۸.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۱۶.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۸۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۹۷، حدیث ۱۸۱ «حدیث ۷۸۴۳».

۳. امام باقر علیه‌السلام به یکی از علماء اهل بصره به نام قتاده که در خدمت آن حضرت بود و ابهت آن حضرت او را مضطرب نموده بود فرمود:
ای قتاده:

آیا می‌دانی کجا هستی و در چه خانه‌ای هستی.

امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش به قتاده فرمود:
ای قتاده، تو در خانه‌ای هستی و مقابل کسی نشسته‌ای که خداوند متعال در رابطه با آن‌ها و بیت آن‌ها فرموده:

«فِي بُيُوتٍ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ... رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ... آیات ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ سوره نور».

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۴. ابن عباس می‌گوید من در مسجد النبوی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودم و قاری قرآن مشغول تلاوت قرآن کریم بود که رسید به این آیه شریفه:
«فِي بُيُوتٍ أذنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللهِ... - آیات ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ سوره نور».

ابن عباس می‌گوید خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم:
یا رسول الله، منظور از بیوت در این آیه شریفه بیوت چه کسانی است.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَوْمِيَاءَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِ بِنْتِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهَا،
یعنی:

منظور بیوت انبیاء می‌باشد و با دست مبارک خویش به بیت دخترش فاطمه زهرا صلوات الله علیها اشاره فرمود.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۸۲، حدیث ۴.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۱۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۰۱، حدیث ۱۹۰ «حدیث ۷۸۵۲».

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۲۰.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۸۶، حدیث ۱۱.

۵. موسی بن عبدالله نخعی می گوید خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شده و خدمت آن امام بزرگوار عرض کردم:

یابن رسول الله، مرا زیارتی کامل و جامع تعلیم فرما تا هر گاه خواستم یکی از شما بزرگواران از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از شما ائمه معصومین علیهم السلام را زیارت کنم آن را بخوانم.

وجود مقدس امام هادی علیه السلام فرمودند:

هر گاه خواستید یکی از ما معصومین از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نمایند اینگونه زیارت کنید، و سپس امام هادی علیه السلام زیارتنامه ای را انشا فرمودند که به زیارت جامعه کبیره معروف است و شیخ صدوق آن را در کتاب های من لایحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا علیه السلام نقل کرده و شیخ عباس قمی نیز در مفاتیح الجنان آورده است.

در قسمتی از این زیارتنامه شریف آمده است که:

خَلَقَكُمْ اللهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَ شِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...، یعنی:

امام معصومی را که زیارت می کنیم به حضرتش عرض می کنیم:

خداوند متعال شما را نورهایی آفرید و گرداگرد عرش خود قرار داد و با آوردن شما به دنیا به ما منت نهاد و شما را در بیوت و خانه هایی قرار داد و اذن داد تا آن خانه ها رفعت مقام پیدا کنند و در آن خانه ها نام خدا برده شود «شما را در بیوت و خانه هایی قرار داد که به اذن خداوند متعال آن خانه ها رفعت مقام یافته اند و در آن خانه ها نام خدا برده می شود»^۱.

۶. وجود مقدس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

منظور از بیوت در این آیه شریفه «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...» - آیه ۳۶، سوره نور» بیوت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام و بیوت آل محمد علیهم السلام می باشد «یعنی بیت شریف حضرت

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۲۹۹، حدیث ۱۸۳ «حدیث ۷۸۴۵».

علی و حضرت زهرا و بیوت یازده امام معصوم علیهم السّلام منظور این آیه شریفه می‌باشد».

این حدیث را عیسی بن داود از وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

اهل سنّت نیز در کتب خویش از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده‌اند که منظور از بیوت در این آیه شریفه «آیه ۳۶ سوره نور» بیت انبیاء الهی و بیت شریف حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما می‌باشد. به عنوان نمونه به یک حدیث شریف اشاره می‌شود.

انس بن مالک و بریده نقل نموده‌اند که:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در حال تلاوت این آیه شریفه «فِي بُيُوتٍ اِذْنُ اللّٰهِ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...» آیه ۳۶ سوره نور» بودند که مردی از جای خود بلند شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

منظور این آیه شریفه چه بیوتی است.

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمود:

منظور بیوت انبیاء است.

در این هنگام ابوبکر از جای خود بلند شد و به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

آیا بیت علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا سلام الله علیهما هم در زمره این بیوت است.

وجود مبارک پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال ابوبکر فرمود:

نَعَمْ، مِنْ اَفْضَلِهَا، یعنی:

بله، از برترین آن بیوت است «بله، بالاتر از آن‌ها است».

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۸۶، حدیث ۱۰.

این حدیث شریف را تفاسیر درالمنثور، ثعلبی، روح المعانی، همچنین شواهدالتنزیل
«از تفاسیر و از کتب معروف اهل سنت» نقل نموده‌اند.^۱

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۵.
تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۸.
تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱۴.

آیه ۵۵ سوره نور:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...»

ترجمه:

خداوند متعال به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح می‌کنند و عده داده تا آن‌ها را در روی زمین خلیفه کند «حاکم روی زمین کند و حکومت ببخشد» همانطور که پیشینیان را خلیفه کرد «به آن‌ها حکومت بخشید»، و دین و آئینی را که برای آن‌ها پسندیده تمکین بخشید «یعنی دین اسلام را استقرار دهد و پابرجا نماید»، و پس از ترس آن‌ها را ایمنی بخشید تا مرا «خداوند متعال را» عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند.^۱

شأن نزول:

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان به مدینه مهاجرت کردند و انصار با آغوش باز آن‌ها را پذیرفتند همه اعراب به دشمنی با مسلمانان برخاستند لذا مسلمانان شب‌ها با سلاح می‌خوابیدند و روزها سلاح را از خودشان جدا نمی‌کردند.

ادامه این وضعیت برای مسلمانان سخت و دشوار بود و به همین لحاظ با خودشان می‌گفتند آیا روزی خواهد آمد که ما در امنیت و آسایش قرار بگیریم و جز از خداوند متعال از کسی نترسیم.

پس از این قضیه بود که خداوند متعال این آیه شریفه را نازل فرمودند. در واقع این آیه شریفه وعده‌ای است که خداوند متعال به مؤمنین می‌دهد مبنی بر

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۱.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۰۹.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۶۲.

اینکه زمین در اختیار آن‌ها خواهد بود و در روی زمین حاکمیت پیدا خواهند نمود و امنیت جایگزین ترس خواهد شد و در آن زمان مسلمانان از کفار و مشرکین و منافقین ترس و واهمه‌ای نخواهند داشت و قادر خواهند بود که خداوند متعال را آزادانه عبادت کنند و آن هنگام دین اسلام بر همه ادیان غلبه خواهد کرد.

این وعده خداوند متعال پس از چند سال برای مسلمین مدینه محقق شد و مردم مکه و مدینه و اطراف آن‌ها یا مسلمان شدند و یا اینکه تسلیم حکومت مسلمین گردیدند، اما اینکه چه زمانی اسلام در تمام کره زمین گسترش خواهد یافت و تنها یک حکومت در سراسر جهان وجود خواهد داشت آن هم به نام حکومت جهانی اسلام، انشاءالله تعالی در بخش حدیث مشخص خواهد شد.^۱

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ = خداوند متعال در این آیه شریفه همه مسلمین را مورد خطاب قرار می‌دهد اما وعده حاکمیت در روی زمین را فقط به مؤمنینی اختصاص می‌دهد که هم ایمان داشته باشند و هم عمل صالح انجام بدهند، بنابراین وعده خداوند متعال شامل حال مؤمنینی خواهد بود که این دو خصوصیت در آن‌ها باشد:

۱. ایمان داشته باشند. «ایمان به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام و به روز قیامت».

۲. عمل صالح انجام دهند، یعنی به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند «به واجبات عمل کرده و از محرّمات اجتناب نمایند».

به این مؤمنین خداوند متعال وعده می‌دهد که:

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ = آن‌ها را در روی زمین خلیفه خواهد نمود و به آن‌ها حکومت خواهد بخشید و آن‌ها را حاکم روی زمین خواهد نمود، همانطور که امت‌های قبل از اسلام را خلیفه نمود و به آن‌ها حکومت بخشید و آن‌ها را حاکم زمین قرار داد «حاکمیت در همان منطقه‌ای که آن‌جا زندگی می‌کردند

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۲.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۳۰.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۶۲ - ۵۶۳.

نه حاکمیت در تمام کره زمین».

این اُمّت‌هایی که خداوند متعال آن‌ها را خلیفه و حاکم نمود و به حاکمیت رساند قوم نوح و هود و صالح و شعیب و بنی اسرائیل و... بودند،

پس مراد از لَيْسَتْخُلَفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ «مراد از استخلاف در روی زمین» این است که خداوند متعال به این مؤمنین «با ویژگی‌هایی که برای آن‌ها ذکر شد» در روی زمین خلافت می‌دهد،

و مراد از خلافت ارث دادن زمین به ایشان و مسلط کردن آن‌ها بر زمین می‌باشد «آن‌ها را حاکم و حکمران زمین و اهل زمین خواهد کرد».

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ = دینی را که برای آن‌ها پسندیده «اسلام» در روی زمین تمکین خواهد بخشید و استوار و پابرجا خواهد نمود.

تمکین در دین یعنی چه:

تمکین هر چیز کنایه از ثبات آن چیز و زوال‌ناپذیری آن می‌باشد، بنابراین: تمکین دین عبارت است از اینکه دین اسلام در جامعه مورد عمل قرار بگیرد و هیچ قدرتی نتواند از آن جلوگیری نماید و معارف آن مورد اعتقاد همه باشد، همچنین گفته شده که تمکین دین یعنی عزیز و قدرتمند کردن اهل دین «مؤمنین» و ذلیل و خوار کردن مُنکِرین و مخالفین دین.

بدیهی است مقصود از دین در این آیه شریفه دین اسلام است.

پس، معنی این قسمت از آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال دینی را که برای مؤمنین پسندیده «یعنی دین اسلام» آن را در روی زمین مستقر خواهد نمود، عزیز و قدرتمند خواهد کرد، و بر همه ادیان غلبه خواهد داد «یعنی دین اسلام جهانگیر خواهد شد».

وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا = خوف و ترس آن‌ها را به امنیت تبدیل می‌کند. خداوند متعال وعده فرموده تا پس از ترس به آن‌ها ایمنی خواهد بخشید.

این وعده الهی در صدر اسلام تا حدی محقق شد یعنی، مسلمانانی که در مکه در خوف و ترس زندگی می‌کردند و به وسیله کفار و مشرکین شکنجه و آزار می‌شدند

پس از هجرت به مدینه خداوند متعال به آنها عزّت و قدرت بخشید و دیگر آن ترس و خوف را نداشتند، لیکن تحقق کامل این وعده الهی انشاءالله تعالی در زمان ظهور امام زمان سلام الله علیه صورت خواهد پذیرفت.

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا = بعد از اینکه خداوند متعال مؤمنین را در روی زمین حکومت و خلافت داد و دین اسلام را بر همه ادیان غلبه داد و اسلام را عزیز «قوی و شکست ناپذیر» و مقتدر نمود، در آن وقت و در آن هنگام وضع آنچنان می شود که خداوند متعال درباره آن روز می فرماید که در آن روز فقط مرا «خداوند متعال را» می پرستند و چیزی را شریک من قرار نمی دهند.

یعنی یک جامعه صالحی درست می شود که در آن جامعه صالح و امن جز خداوند متعال چیز دیگری پرستش نمی شود و خداپرستی خالص و ناب در همه جهان رایج می شود به نحوی که هیچگونه شرک اعم از شرک آشکار یا پنهان دیده نمی شود «یعنی نفی شرک به طور کامل و به طور اطلاق».

خلاصه معنی آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال به مؤمنین وعده فرموده که آنها را در روی زمین حاکمیت خواهد بخشید و آنها را حکمران زمین خواهد نمود و دین اسلام را در سراسر کره زمین مستقر خواهد کرد و آن را به ادیان دیگر غلبه خواهد داد و مؤمنین جامعه صالح و امنی خواهند داشت و در آن زمان فقط خداوند متعال پرستش خواهد شد و شرک به تمام معنا از کره زمین ریشه کن خواهد گردید.

همانطور که در بخش حدیث اشاره خواهد شد این وعده جمیل و زیبای خداوند متعال پس از ظهور امام زمان صلوات الله و سلامه علیه به طور کامل محقق خواهد شد و در سراسر کره زمین یک حکومت آن هم به امامت و زعامت حضرت حجة بن الحسن المهدي سلام الله علیه تشکیل خواهد شد.^۱

۱. مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۲ - ۱۶۳.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۶۳ تا ۵۶۶.

حدیث:

۱. امام سجّاد علیه السّلام این آیه شریفه را تلاوت کرده «آیه ۵۵ سوره نور» سپس فرمودند:

هَمْ وَاللّٰهِ شِيعَتُنَا اَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلٰى يَدَيِ رَجُلٍ مِّنَّا وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْاُمَّةِ، وَ هُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:
لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا اِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِّنْ عِثْرَتِي، اِسْمُهُ اِسْمِي، يَمْلَأُ
الْاَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، يَعْنِي:

به خدا قسم آن‌ها شیعیان ما اهل بیت می‌باشند که خداوند متعال به دست مردی از ما که مهدی این امت است این وعده‌ها را درباره آن‌ها محقق و عملی می‌سازد. سپس امام سجّاد علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره حضرت مهدی علیه السّلام فرموده‌اند:

اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند متعال آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی از عترت و اهل بیت من که همانم من است زمامدار و حاکم زمین شود و زمین را پس از آنکه پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند. شبیه این روایت از امام باقر و امام صادق سلام الله علیهما نیز نقل شده است.^۱

توضیح:

پس منظور از الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره نور» وجود مبارک پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت می‌باشند که خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه نوید و بشارت می‌دهد که خلیفه و زمامدار و حاکم زمین می‌شوند و در تمام بلاد و سراسر جهان قدرت را به دست می‌گیرند و این قضیه در زمان حضرت

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۴.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۲۹.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۱۸، حدیث ۱۱.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۳۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۲۲۶ «حدیث ۷۸۸۸».

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۶۷ - ۵۶۸.

مهدی علیه السلام محقق خواهد شد.^۱

۲. از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که فرموده اند:

این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره نور» درباره مهدی آل محمد علیهم السلام است.^۲

۳. از وجود مبارک امام صادق علیه السلام در خصوص این آیه شریفه «آیه ۵۵

سوره نور» سؤال شد آن حضرت فرمودند:

هُمُ الْأَئِمَّةُ يَعْنِي:

آن ها ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

این حدیث را عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۳

۴. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال در قرآن کریم در رابطه با والیان امر «صاحبان امر، اولی الامر، جانشینان

رسول الله» بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ - آیه ۵۵ سوره

نور».

۱. نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۲۲۶ «حدیث ۷۸۸۸».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۳۰.

مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۴.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۳۰.

۲. مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۶۴.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۱۸، حدیث ۱۰.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۲۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۲۲۵ «حدیث ۷۸۸۷».

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۶۷ - ۵۶۸.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۳۰.

۳. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۷۵، حدیث ۳ «حدیث ۵۰۸».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۰۷، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۱۷، حدیث ۲۱۷ «حدیث ۷۸۷۹».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۲۹.

سپس وجود مبارک امام باقر علیه السلام فرمودند:

ما هستیم آن والیان امر.

«والیان امر = اولی الامر، صاحب اختیار مردم، سرپرست مردم، امام، جانشین

رسول الله»^۱.

۵. امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...» - آیه ۵۵ سوره نور» درباره حضرت قائم علیه السلام و اصحاب آن حضرت می باشد. این حدیث را هم ابو بصیر و هم عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۶. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

تحقق وعده الهی در این آیه شریفه «آیه ۵۵ سوره نور» مربوط به زمانی است که از اسلام جز اسم آن و از قرآن جز رسم آن «جز خط آن» چیزی باقی نمانده باشد، و در این زمان صاحب الامر «یعنی وجود مقدس امام زمان سلام الله علیه» از نظر و از چشم مردم غایب می باشند تا اینکه خداوند متعال آن حضرت را با لشگریان غیبی خودش تأیید و یاری نماید و آن حضرت دین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بر همه ادیان دیگر غلبه دهد «غلبه اسلام به ادیان دیگر و تشکیل حکومت واحد جهانی به وسیله امام زمان علیه السلام، یعنی عملی شدن وعده خداوند متعال که در آیه ۵۵ سوره نور به آن بشارت داده شده است»^۳.

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۶۶ تا ۳۶۸، حدیث ۷ «حدیث ۶۴۳».

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۱۹، حدیث ۲۱۸ «حدیث ۷۸۸۰».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۲۹.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۰۷، حدیث ۴.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۰۸، حدیث ۶.

۳. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۱۹، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۲۳، حدیث ۲۲۱ «حدیث ۷۸۸۳».

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۳۱.

توضیح:

ذیل آیه ۳۲ و ۳۳ سوره توبه، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، آیه ۴۱ سوره حج و آیه ۵ سوره قصص در رابطه با ظهور امام زمان سلام الله علیه و غلبه اسلام بر تمام ادیان دیگر و تشکیل حکومت واحد جهانی به دست مبارک آن حضرت احادیثی درج شده است.

آیه ۶۳ سوره نور:

«لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...»

ترجمه:

صدا کردن و همچنین دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در بین خودتان مانند صدا کردن و دعوت خودتان ندانید.^۱

شرح لغات و توضیحات:

در آیات گذشته در خصوص دو موضوع مواردی عنوان شده بود «به قرار ذیل»:

۱. نحوه معاشرت مسلمانان با اقوام و دوستان خویش.

۲. لزوم اطاعت از خدا و رسول.

در این آیه شریفه خداوند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد که:

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا = یعنی:

ای مردم، دعوت پیامبر اکرم را مانند دعوت بین خودتان ندانید.

درباره اینکه مقصود از دعاء رسول «دعوت رسول الله» چیست مفسرین سه قول بیان

کرده‌اند که هر سه قول می‌تواند صحیح باشد.

۱. خداوند متعال به مردم امر می‌فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را

مورد تعظیم و تکریم فراوان قرار بدهند و آن حضرت را به همه مردم ترجیح دهند و

وقتی خواستند ایشان را صدا کنند او را با اسم صدا نکنند، یعنی به آن حضرت نگویند

یا محمد، ای پسر عبدالله، یا ابالقاسم، بلکه ایشان را با ادب و احترام و تواضع کامل

که شایسته مقام رسالت و نبوت می‌باشد صدا کنند و اینگونه صدا کنند:

یا رسول الله، یا نبی الله، آن هم با کمال تواضع و احترام.

۲. خداوند متعال به مردم دستور می‌دهد که دعوت پیامبر با دعوت شما فرق

دارد، یعنی دعوت پیامبر اکرم درباره شرکت مردم در نماز جمعه، حفر خندق،

۱. تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۹۷ - ۶۰۳.

حضور در میدان نبرد و جهاد با دشمنان و هر گونه دعوت پیامبر با دعوت سایر مردم تفاوت دارد و مردم ملزم به اطاعت از دعوت آن حضرت می‌باشند چرا که هر چه ایشان بفرمایند از جانب خداوند متعال است و اگر کسی از اوامر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سرپیچی کند از اوامر خداوند متعال سرپیچی کرده است، لذا این آیه شریفه به مردم دستور می‌دهد که چنانچه پیامبر اکرم شما را به هر کاری دعوت نمود «دعوت به نماز جماعت، دعوت به نماز جمعه، دعوت به جهاد، دعوت به مشورت در امور اجتماعی و دعوت در هر موضوعی» بلافاصله دعوت پیامبر اکرم را اجابت کنید چرا که امر و فرمان پیامبر اکرم امر و فرمان خداوند متعال است و همچنین نهی پیامبر اکرم نیز نهی خداوند متعال، بنابراین مؤمن واقعی کسی است که همه اوامر و نواهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بلافاصله و بی چون و چرا اجرا کند.

ذیل آیه ۵۹ سوره نساء و ذیل آیه هفتم سوره حشر در این رابطه توضیحات کاملی ارائه شده است.

۳. خداوند متعال مردم را بر حذر می‌دارد از اینکه کاری کنند که مورد نفرین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار بگیرند چرا که دعای آن حضرت «چه به نفع فرد مقابل باشد و چه به ضررش» با دعای دیگران تفاوت دارد، زیرا دعای آن حضرت مستجاب است و هر دعایی که بفرماید بلافاصله به هدف اجابت می‌رسد.

همانطور که عرض شد هر سه قول می‌تواند صحیح باشد.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۷۶ - ۱۷۷.

تفسیر نمونه، جلد چهاردهم، صفحه ۵۹۹ - ۶۰۳.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۴۷.

حدیث:

۱. وجود مقدّس ابا عبدالله الحسین علیه السّلام از مادر بزرگوار خویش صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نقل می کند که آن حضرت فرمودند: وقتی این آیه شریفه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» - آیه ۶۳ سوره نور» نازل شد خدمت پدر بزرگوارم حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شده و پدرم را با عنوان یا رسول الله صدا کردم، و پس از این قضیه بود که پدرم مرا در آغوش گرفته و فرمود:

يَا بُنَيَّةَ:

لَمْ تَنْزِلْ فِيكِ وَلَا فِي أَهْلِكِ،

أَنْتِ مِنِّي وَأَنَا مِنْكِ...، یعنی:

دخترم:

این آیه شریفه برای تو و اهل تو «اهل بیت تو» نازل نشده است،

دخترم:

تو از من هستی و من از تو،

دخترم:

وقتی تو مرا پدر صدا می کنی بیش تر دوست دارم «پدرجان گفتن تو برای من دوست داشتنی تر است»،

و خداوند متعال نیز از آن راضی تر است.^۱

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام از صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها

نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وقتی که این آیه شریفه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» - آیه ۶۳

سوره نور» نازل شد از رسول خدا به خاطر هیبتش شرم داشتم که آن حضرت را

پدرجان صدا کنم «می ترسیدم که پیامبر اکرم را با عنوان پدرجان صدا کنم»، و به همین

جهت به آن بزرگوار عرض می کردم یا رسول الله.

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۳۰، حدیث ۱.

وجود مقدّس فاطمه زهرا سلام الله علیها در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 دو یا سه بار من پدرم را با عنوان یا رسول الله صدا کردم، و در هر دو سه بار که آن
 حضرت را با عنوان یا رسول الله صدا می کردم آن حضرت از من روی برمی گردانید تا
 آنکه مرا مورد خطاب قرار داده و فرمود:

یا فاطمَةُ:

إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَلَا فِي أَهْلِكَ وَلَا فِي نَسْلِكَ،

أَنْتِ مِنِّي وَأَنَا مِنْكِ،

إِنَّمَا نَزَلْتُ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ...،

وَإِنَّ قَوْلَكَ يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحَبُّ لِلْقَلْبِ وَأَرْضِي لِلرَّبِّ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم به فاطمه زهرا سلام الله علیها فرمود:

ای فاطمه:

این آیه شریفه درباره تو و اهل بیت تو و اولاد تو «نسل تو» نازل نشده است «یعنی

تو و اهل بیت تو و ذریّه تو مخاطب این آیه شریفه نیستید»،

ای فاطمه:

تو از من هستی و من از تو، بلکه:

این آیه درباره اهل جفا نازل شده است.

ای فاطمه:

تو مرا پدرجان صدا کن زیرا این گفتار و این خطاب تو قلب پدرت را بیش تر زنده

می کند و خداوند متعال از آن راضی تر است.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۶۴۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۴۳، حدیث ۲۶۵ «حدیث ۷۹۲۷».

«سوره فرقان»

آیه ۲۳ سوره فرقان:

«وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنَّ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ما به سراغ تمام اعمالی که آن‌ها انجام داده‌اند می‌رویم «ما به اعمال آن‌ها می‌پردازیم» و همه اعمال آن‌ها را مانند ذرات گرد و غبار در هوا پراکنده می‌کنیم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

قَدِمْنَا = از ماده قدوم به معنی وارد شدن، سراغ چیزی رفتن. این کلمه در این آیه شریفه جدی بودن مطلب را می‌رساند و موضوع را تأکید می‌کند، یعنی حتماً و مسلماً به سراغ کارهای آن‌ها می‌رویم. عَمَلٌ = کاری که با قصد و اراده صورت می‌گیرد «کاری را که شخص با قصد و اراده انجام می‌دهد عَمَل می‌نامند»، لیکن فعل به کاری گفته می‌شود که با قصد و یا بی‌قصد از موجود زنده سر می‌زند.

هَبَاءٌ = ذرات بسیار ریز گرد و غبار که در حال عادی انسان آن‌ها را نمی‌بیند «به علت ریز بودن»، مگر زمانی که نور خورشید از یک منفذ و روزنه‌ای به اطاق تاریک

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۸۹.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۷۵.

بتابد که در این صورت این ذرات گرد و غبار که معلّق در هوا می‌باشند قابل رؤیت و مشاهده می‌شوند «این ذرات گرد و غبار به حدّی کوچک هستند و به قدری وزن آن‌ها ناچیز است که به زمین نمی‌افتند و جاذبه زمین باعث افتادن آن‌ها به زمین نمی‌شود».

مَثُوراً = از کلمه نثر می‌آید و نثر یعنی پاشیدن، پراکندن!

خداوند متعال در این آیه شریفه اعمال کفّار و مشرکین را در روز قیامت مجسّم فرموده است.

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ = ما به طور قطع و یقین سراغ همه اعمال کفّار و مشرکین خواهیم رفت و به آن‌ها خواهیم پرداخت.

در این آیه شریفه بحث از همه اعمال کفّار و مشرکین است، یعنی:

اگر کفّار و مشرکین در دنیا اعمالی انجام داده‌اند که این اعمال ذاتاً بد بوده‌اند، مانند ظلم به دیگران، خوردن مال مردم به ناحق، تجاوز به نوامیس مردم، قتل نفس و... بدیهی است که پاداش این اعمال غیر از آتش جهنّم نیست، اما در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره فرقان» صحبت از همه اعمال کفّار و مشرکین و منکرین ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام است،

یعنی اگر این افراد در دنیا اعمالی انجام داده‌اند که ذاتاً خوب بوده «مثل کمک به مستمندان، سیر کردن گرسنه‌ها، صله رحم، آزاد کردن برده و...»، چون این اعمال را جهت تقرب به درگاه خداوند متعال انجام نداده‌اند «یا برای تقرب به بت‌ها بوده یا تقرب به حکام ظلم و جور و یا تقرب به غاصبین خلافت و یا تقرب به هر چیزی که ارتباط با خدا و رسول و ائمه علیهم‌السلام نداشته است»، لذا این اعمال صالح نیز به حال صاحبانش ذره‌ای فایده نخواهند داشت.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال می‌فرماید:

ما در آخرت و روز قیامت به سراغ همه اعمال این افراد «کفّار و مشرکین و منکرین

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۸۹.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۷۵.

ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام» می‌رویم و به آنها می‌پردازیم.
در ادامه آیه شریفه به سرنوشت اعمال این افراد اشاره نموده و می‌فرماید:
فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا = همه اعمال این افراد را مانند گرد و غبار در هوا پخش می‌کنیم،
یعنی:

اگر این افراد «کفار و مشرکین و منکرین ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام» در دنیا اعمالی انجام داده‌اند که ظاهراً خوب بوده آن اعمال را نیز به همراه دیگر اعمالشان همچون ذرات گرد و غبار در هوا پخش کرده و آنها را محو و نابود می‌کنیم.
خلاصه معنی آیه شریفه این شد که:

خداوند متعال می‌فرماید:

ما روز قیامت به سراغ همه اعمال آنها می‌رویم و به یک یک اعمالی که انجام داده‌اند می‌پردازیم و آنها را طوری از هم می‌پاشیم که مانند گرد و غبار نابود شوند و فایده‌ای برای صاحبان اعمال «انجام‌دهندگان اعمال» نداشته باشند.

این نوع بیان در واقع یک نوع تمثیل می‌باشد و می‌خواهد قهر و غضب خداوند متعال را برساند که خداوند متعال تمام اعمال کفار و مشرکین را «به خاطر شرک و کفرشان» نابود نموده و بی‌اثر می‌کند طوری که اعمالی که حتی ظاهراً نیز خوب بوده‌اند نفعی به حال آنها نخواهد داشت.

دلیل عقلی این موضوع نیز کاملاً روشن است چرا که وقتی انسان در اصول دین مشکل داشته باشد و در شک و تردید باشد و یا منکر یکی از موارد اصول دین بشود «انکار خدا یا رسول خدا یا ائمه معصومین علیهم السّلام و یا انکار قیامت»، در این صورت همه اعمال انسان تباه و نابود می‌شود و اصطلاحاً هَبَاءً مَّنْثُورًا می‌شود.

اینکه غیر از کفار و مشرکین چه افرادی چنین سرنوشتی دارند انشاءالله تعالی در بخش حدیث اشاره خواهد شد.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۹۷-۱۹۸.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۸۹-۲۹۶.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۷۵-۷۶.

توضیح:

همانطور که ملاحظه فرمودید کفار و مشرکین از مصادیق این آیه شریفه هستند، یعنی اگر آن‌ها در دنیا اعمال صالح و شایسته‌ای نیز انجام داده باشند «از قبیل کمک به مستمندان و فقرا، صلّه رحم، سیر کردن گرسنه و...» اعمال آن‌ها هیچ و پوچ شده و تباه می‌گردد.

قابل ذکر است که:

علاوه بر کفار و مشرکین و منافقین، این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره فرقان» مصداق اتمّ و اکملی نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره فرقان» فرمودند: افرادی هستند که خداوند متعال اعمال آن‌ها را در روز قیامت هیچ و پوچ کرده و مانند گرد و غبار نابود می‌نماید «اعمال آن‌ها هَبَاءٌ مَّثُوراً می‌شود». سپس امام باقر سلام‌الله علیه در ادامه فرمایش خویش فرمودند: به خدا قسم این‌ها کسانی هستند که وقتی در دنیا چیزی از حرام به آنها پیشنهاد می‌شد آن را می‌پذیرفتند، لیکن وقتی فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به آن‌ها گفته می‌شد آن را انکار می‌کردند. این حدیث شریف را ابی حمزه ثمالی از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۲. از وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام سؤال شد اعمال چه کسانی در روز قیامت هَبَاءٌ مَّثُوراً می‌شود «هیچ و پوچ و تباه می‌گردد».

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

اعمال دشمنان ما و اعمال دشمنان شیعیان ما.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴-۱۵.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۴۹، حدیث ۳.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۳، حدیث ۳۲ «حدیث ۱۷۹۶».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۷۷-۷۸.

این حدیث را سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۳. امام سجّاد علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:
به خدا قسم:

اگر روز قیامت فردی با عمل هفتاد پیغمبر محشور شود، خداوند متعال اعمال او را نمی پذیرد مگر اینکه ولایت من و ولایت اهل بیت مرا قبول داشته باشد «یعنی اگر فردی اعمال و عبادات هفتاد پیغمبر در نامه عملش باشد اما ولایت پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت یعنی ولایت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام را نپذیرفته باشد خداوند متعال هیچکدام از اعمال وی را نمی پذیرد، و این قضیه همان تباه شدن و ضایع شدن و حَبَط اعمال می باشد که در این آیه شریفه به هَبَاءً مَنثورًا تعبیر شده است».

این حدیث را یونس بن حباب از امام سجّاد علیه السلام نقل نموده است.^۲

۴. در یک حدیث طولانی از وجود مقدّس عسکری سلام الله علیه نقل شده که آن حضرت در رابطه با اهمیّت زکات و نماز و همچنین در رابطه با اهمیّت ولایت ائمه معصومین علیهم السلام مطالبی فرمودند که ذیلاً به خلاصه ای از فرمایش آن حضرت که در رابطه با اهمیّت ولایت ائمه معصومین علیهم السلام می باشد اشاره می شود.
در قسمتی از فرمایش وجود مقدّس امام عسکری علیه السلام آمده است که:
منادی خداوند متعال روز قیامت ندا می دهد که:

این نگهبانان آتش «ای ملائکه مأمور آتش»:

بیائید و این اعمال را بردارید و آن ها را بسوزانید و نابود کنید زیرا صاحب این اعمال

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۵.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۵۰، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۵، حدیث ۳۴ «حدیث ۱۷۹۶۳».

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۵۶، حدیث ۸.

امالی شیخ طوسی، جلد اول، مجلس پنجم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۴۲ «حدیث ۲۲۹».

به ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و ولایت اهل بیت او ایمان نداشته است.^۱

۵. ابو اسحاق لیتی می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله:

از نواصب و دشمنان شما کسانی را یافته‌ام که «افرادی از نواصب را می بینم که»:

بسیار نماز می خوانند،

فراوان روزه می گیرند،

زکات اموالشان را می پردازند،

حج و عمره به جای می آورند،

بر جهاد مشتاق و حریص می باشند،

اعمال صالح به جای می آورند،

صله رحم می کنند،

حقوق برادران دینی خودشان را ادا می کنند،

از خوردن شراب احتراز می کنند،

مرتکب زنا و لواط و سایر فواحش «سایر گناهان» نمی شوند،

لیکن این نواصب اینگونه هستند که:

اگر شرق و غرب عالم را پر از طلا و نقره بکنند و به آنها بدهند تا از محبت

طواغیت «خلفا و حکام ظلم و جور» دست کشیده و به سوی شما ائمه معصومین

علیهم السلام بیایند و ولایت شما را بپذیرند این کار را نخواهند کرد،

و حتی اگر با شمشیر کشته شوند حاضر نمی شوند از دوستی و محبت طواغیت و

حکام ظلم و جور دست بردارند، همچنین:

این نواصب اینگونه هستند که اگر فضیلت و منقبتی از فضائل و مناقب شما ائمه

معصومین علیهم السلام را بشنوند بدحال شده و آن را ناپسند شمرده و رنگ چهره

آنها تغییر کرده و آثار کراهت در صورتشان دیده می شود، و همه اینها به خاطر

دشمنی آنها با شما اهل بیت پیامبر اکرم می باشد.

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۵۴، حدیث ۷.

ابو اسحاق لیثی می گوید:

پس از عرایض بنده وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام تبسّمی نموده و فرمودند:
ای ابو اسحاق:

این جا است که این ناصبی ها با این همه اعمال صالحی که انجام می دهند هلاک می شوند و وارد جهنّم شده و مخلّد در آتش جهنّم هستند، و خداوند متعال درباره آن ها می فرماید:

«وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا - آیه ۲۳ سوره فرقان»^۱.

توضیح:

همانطور که ملاحظه فرمودید اگر کسی تمام عمر خویش مشغول عبادت باشد و از همه گناهان احتراز نماید لیکن به ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان نداشته باشد و ولایت و امامت آن ذوات مقدّسه را نپذیرفته باشد تمام اعمال چنین شخصی حبط می شود و هَبَاءً مَّنْثُورًا می گردد، یعنی تمام اعمال صالح او هیچ و پوچ و تباه می گردد گویی که اصلاً عمل صالحی انجام نداده است و جایگاه ابدی و همیشگی چنین شخصی جهنّم می باشد.

ذیل چند آیه شریفه به این موضوع اشاره شده که تعدادی از آن ها را ملاحظه می فرمایید.

آیه ۵ سوره مائده «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ...».

آیه ۸۲ سوره طه «إِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا...».

آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا...».

آیه ۱۰۵ سوره كهف «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ...».

آیه ۳۷ سوره ابراهیم «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ...».

آیه ۱۸۰ سوره اعراف «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا...».

آیات ۱ تا ۷ سوره غاشیه «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ...».

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۳، حدیث ۳۳ «حدیث ۷۹۶۲»
علل الشراعی شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۳۸۵، صفحه ۹۷۲ تا ۹۴۱، حدیث ۸۱.

آیه ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان:

«وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» آیه ۲۷.

«يا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» آیه ۲۸.

«لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي...» آیه ۲۹.

ترجمه:

روزی که «روز قیامت» ظالم از شدت پشیمانی دو دست خود را «انگشتان خود را» با دندان می‌گزد و می‌گوید این کاش به راه پیامبر رفته بودم «از پیامبر اکرم اطاعت کرده و از هدایت او بهره‌مند شده بودم»،
و ای کاش فلانی «مقصود از فلانی هر کسی است که انسان را از راه راست منحرف می‌کند» را به عنوان دوست برای خودم انتخاب نکرده بودم.
او «فلانی» مرا از ذکر «حق، قرآن کریم، علی بن ابیطالب علیه السلام» گمراه کرد و مرا از او دور نمود بعد از اینکه به سراغ من آمده بود «مرا از توجه به حق که پیامبر اکرم آورده بود مانع شد و گمراهم کرد»^۱.

شرح لغات و توضیحات:

يَعَضُّ از ماده عَضَّ می‌آید، عَضَّ یعنی گاز گرفتن با دندان.
معمولاً این تعبیر در مورد کسانی به کار می‌رود که از شدت حسرت و تأسّف ناراحت باشند. در زبان فارسی نیز ضرب‌المثلی است که می‌گوید فلان کس انگشت حسرت به دندان می‌گزید، لیکن در زبان عرب می‌گویند فلان کس از شدت حسرت دستش را با دندان می‌گزید و گاز می‌گرفت.

اگر در این آیه شریفه کلمه يَدَيْهِ آمده، یعنی:

هر دو دستش را با دندان می‌گزید و گاز می‌گرفت، و این امر حاکی از شدت

۱. مجمع‌البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۹۴ - ۱۹۹.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۹۳ - ۲۹۴.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۸۴.

تَأْسَفُ و شدت حسرت شخص نادم و پشیمان می‌باشد.^۱
 این سه آیه شریفه حالت تأسف و حسرت انسان‌های گنهکار را در روز قیامت بیان می‌فرماید که چگونه از شدت حسرت دست‌های خودشان را با دندان‌های خویش گاز می‌گیرند و نادم و پشیمان هستند که چرا در دنیا از حق پیروی نکرده و باطل را تبعیت و همراهی نمودند.

خداوند متعال در بیان حال این ظالمین در قیامت اینگونه می‌فرماید:
 وَيَوْمَ يَعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ = قیامت روزی است که ظالم و ستمگر از فرط ندامت و از شدت پشیمانی دستان خویش «انگشتانش را» با دندان می‌گزد و گاز می‌گیرد.
 پشیمانی و ندامت از این جهت است که در دنیا از حق تبعیت و پیروی نکرده و همواره ملازم و همراه مخالفین دین بوده و لذا به جای اعمال صالح، گناه و معصیت در نامه اعمال وی ثبت و ضبط شده و دیگر جای جبران و تلافی هم نیست که بتواند از گناهان خویش کاسته و به اعمال صالح خویش بیفزاید چرا که قیامت جای حساب است نه عمل، در حالی که دنیا دقیقاً حالت عکس دارد یعنی جای عمل است نه حساب، لذا گنهکاران در روز قیامت به شدت نادم هستند لیکن پشیمانی و ندامت سودی به حال آن‌ها ندارد.

مقصود از ظالم در این آیه شریفه عام است و شامل همه ظالمین و همه افرادی می‌شود که در دنیا از باطل پیروی کرده و مرتکب گناه شده و به همین جهت روز قیامت نادم و پشیمان می‌باشند چرا که جایگاه خود را در آتش جهنم مشاهده می‌کنند، اما این ظالم که در آیه شریفه از آن صحبت شده یک مصداق بارز و آشکار و به قول معروف مصداق اتم و اکملی نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

این ظالم در حالی که دست‌ها و انگشت‌هایش را از شدت حسرت و اندوه می‌گزد و گاز می‌گیرد با خودش می‌گوید:

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا = این ظالم در روز قیامت می‌گوید:

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۹۳.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۸۶.

ای کاش زمانی که در دنیا بودم به راه پیامبر اکرم می‌رفتم و از هدایت ایشان بهره‌مند می‌شدم «کاش به همراه پیامبر اکرم راهی به سوی هدایت انتخاب کرده بودم».

مقصود این است که ظالم با خودش می‌گوید:

ای کاش در دنیا از هدایت پیامبر اکرم بهره‌مند می‌شدم و مطیع محض آن حضرت بودم و هر چه را که امر می‌فرمود انجام می‌دادم و آنچه را که نهی می‌فرمود ترک می‌کردم و بعد از رحلت آن حضرت نیز از اوصیاء آن حضرت که منصوب از جانب خداوند متعال بودند بی‌چون و چرا تبعیت می‌نمودم.

این ظالم و گنهکار در ادامه گفته خویش که حاکی از حسرت و ندامت شدید وی می‌باشد اینگونه می‌گوید که:

یا وَيْلَتِي = ای وای بر من؛

لَيْتَنِي = کاش، من؛

لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا = فلان کس را به عنوان دوست برای خودم انتخاب نکرده بودم.

فرد ظالم که به شدت حسرت زمان از دست رفته را می‌خورد روز قیامت پس از مشاهده آتش جهنم می‌گوید:

وای بر من، ای کاش زمانی که در دنیا بودم فلان شخص گمراه را به عنوان دوست برای خودم انتخاب نمی‌کردم و با او دوست نمی‌شدم که مرا فریب دهد و از راه راست منحرف کرده و به انحراف بکشاند تا مستحق آتش جهنم شوم.

مقصود از کلمه فلان در این آیه شریفه نیز عام می‌باشد و شامل همه افرادی می‌شود که در دنیا مردم را فریب داده و اغفال نموده و آن‌ها را گمراه می‌کنند. «هر دوست و رفیقی که انسان را گمراه کند».

اما این کلمه فلان که در آیه شریفه آمده مصداق خاص و اصطلاحاً مصداق اتم و اکملی نیز دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

قابل ذکر است که یکی از اسامی قیامت **يَوْمُ الْحَسْرَةِ** می‌باشد «روز حسرت

خوردن» چرا که افراد گنهکار وقتی که جایگاه خودشان را در جهنم می بینند حسرت می خورند که چرا در دنیا از انبیاء و اوصیاء آنها و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» تبعیت نکرده و چرا مرتکب گناه شدند که الان باید عقوبت آنها را متحمل شوند و در آتش جهنم بسوزند.

افراد صالح و نیکوکار نیز که از پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت تبعیت کرده و اعمال صالح انجام داده و به بهشت می روند روز قیامت تأسف و حسرت می خورند که چرا اعمال صالح و مستحبات بیش تری انجام ندادند تا مقام آنها در بهشت بالاتر از این باشد، اما تفاوت بین این دو حسرت از زمین تا آسمان است. همانطور که عرض شد مقصود از ظالم در این آیه شریفه همه ظلمه «ظالمین» می باشند که مستحق آتش جهنم هستند،

و مقصود از فلان در این آیه شریفه همه دوستان و یاران گمراه و منحرف می باشند که انسان را از راه راست منحرف کرده و باعث جهنمی شدن شخص می گردند، لیکن این دو کلمه یعنی ظالم و فلان مصادیق اتم و اکملی دارند که در بخش حدیث به آنها اشاره خواهد شد.

آیه بعد «آیه ۲۹ سوره فرقان» در ادامه آیات قبل بوده و در این آیه شریفه آمده که: ظالم در روز قیامت در ادامه صحبت خویش که ناشی از حسرت و تأسف شدید او می باشد این چنین می گوید:

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذُّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي = فلانی مرا از ذکر گمراه کرد و دور نمود پس از اینکه سراغ من آمده بود.

اینکه مقصود از ذکر در این آیه شریفه چیست «تأویل آیه شریفه» که فلانی باعث شده تا ظالم از او اعراض نماید انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.^۱

۱. مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۱۹۹.

المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۹۳ - ۲۹۴.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۸۶ - ۸۷.

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام باقر و امام صادق علیهما السّلام درباره این آیه شریفه «وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا - آیه ۲۷، سوره فرقان» فرمودند:

مقصود از سبیل در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد. این حدیث را ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السّلام و حریر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

منظور این حدیث شریف این است که روز قیامت آن فرد ظالم وقتی جایگاه خودش را در جهنّم مشاهده می کند با خودش می گوید:

ای کاش در دنیا همراه پیامبر اکرم و علی بن ابیطالب علیهما السّلام بودم و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام اطاعت می کردم و به راه آنها می رفتم و علی بن ابیطالب علیه السّلام را ولی و امام خویش انتخاب می نمودم.

این جملات را کسانی در قیامت به زبان می آورند که پس از رحلت پیامبر اکرم حقّ علی بن ابیطالب علیه السّلام یعنی خلافت را غصب کرده و آن حضرت را خانه نشین نمودند.

۲. امام باقر علیه السّلام درباره این آیات شریفه «وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا - يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا - آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فرقان» فرمودند:

۱. المیزان، جلد بیست و نهم، صفحه ۲۹۸.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۵۹، حدیث ۲.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۶۰، حدیث ۳.

گوینده این مطالب فلانی است که روز قیامت می گوید این کاش در دنیا فلانی را به عنوان دوست برای خودم انتخاب نمی کردم.
این حدیث را حریر از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۳. امام باقر و امام صادق علیهما السّلام درباره آیات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان فرمودند:

«إِنَّ هَذِهِ الْآيَاتِ نَزَلَتْ فِي رَجُلَيْنِ مِنْ مَشَائِخِ قُرَيْشٍ أَسْلَمَا بِالْإِسْلَامِ وَكَانَا يُنَافِقَانِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ...»، یعنی:

این آیات شریفه درباره دو نفر از بزرگان قریش نازل شده است که به زبان اسلام اختیار کردند لیکن با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم منافقانه برخورد نمودند. بین آنها در روز اخوت و برادری رفاقت و برادری ایجاد شده بود و نهایتاً یکی باعث انحراف دیگری شد و در نتیجه آنها هلاک شدند «دچار ضلالت و گمراهی شدند».

در این آیات شریفه خداوند متعال داستان آنها را در قیامت بیان می فرماید که وضعشان چگونه است و هنگام نزول عذاب به یکدیگر چه می گویند.^۲

توضیح:

در آیه ۲۹ سوره فرقان ادامه صحبت ظالم در روز قیامت بیان شده و آمده که این فرد در روز قیامت می گوید:

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي، یعنی:

فلانی مرا از ذکر گمراه کرد و دور نمود پس از اینکه ذکر به سراغ من آمده بود.

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۶۰، حدیث ۵.
۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۷۱، حدیث ۱۲.

مقصود از ذکر می تواند موارد ذیل باشد:

الف) قرآن کریم؛

ب) حق؛

ج) امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد».

هر سه موضوع در واقع یک مطلب را می رسانند و تجلی و ظهور همه آنها در وجود علی بن ابیطالب علیه السلام خلاصه می شود، زیرا امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرآن ناطق می باشد و آن حضرت در جنگ صفین این مطلب را بیان فرمودند، ضمن اینکه حضرت علی علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام عین حق می باشند و در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره آمده که:

الْحَقُّ مَعَكُمْ وَ فِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ، یعنی:

حق همراه شما در شما از شما و به سوی شما است، همچنین در احادیث فراوانی آمده که الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ، لذا معنی آیه شریفه این می شود که: ظالم در روز قیامت می گوید:

فلانی مرا از حق یعنی از علی بن ابیطالب علیه السلام دور کرد و مرا گمراه نمود آن هم پس از اینکه سعادت به سراغ من آمده بود و من می توانستم از طریق پیروی از حق یعنی پیروی از علی بن ابیطالب علیه السلام سعادت مند و رستگار شوم.

ذیل آیات ۳۶ تا ۳۹ سوره زخرف «وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ...» حدیثی نقل شده که روز قیامت یکی از آنها از دیگری تبری جسته و می گوید ای کاش در دنیا به اندازه شرق تا غرب عالم از تو دور بودم و ای کاش هرگز تو را نمی دیدم.

پس از ارائه این توضیحات مختصر باز می گردیم به ادامه بخش حدیث.

۴. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

در وجود من فضائل و مناقب فراوانی هست که بیان آنها وقت طولانی می خواهد، اما با این وجود بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنها پیراهن

خلافت را پوشیده و با من منازعه کردند در حالی که در رابطه با خلافت آن‌ها حقی نداشتند و به علت ضلالت و گمراهی خلافت را غصب کردند و به نادانی خلافت را از آن خود دانستند.

یکی از این‌ها روز قیامت خواهد گفت «می‌گوید»:

ای کاش فلانی را به عنوان دوست برای خودم انتخاب نمی‌کردم تا مرا از ذکر «یعنی علی بن ابیطالب علیه‌السلام» دور کند.

سپس وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

منم آن ذُکر که آن‌ها از آن گمراه شدند،

منم آن سییل و راهی که آن‌ها از آن اعراض نمودند،

منم آن ایمانی که آن‌ها به آن کفر ورزیدند،

منم آن قرآنی که آن‌ها آن را مهجور داشتند «آن را ترک کردند»،

منم آن دینی که آن‌ها آن را تکذیب کردند،

منم آن صراط مستقیم و راه راستی که آن‌ها از آن انحراف پیدا کردند.^۱

توضیح:

کلیه افرادی که ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را منکر شده و آن را نپذیرفتند در زمره کسانی هستند که:

به ایمان کفر ورزیدند،

قرآن را ترک کرده و آن را کنار گذاشتند،

دین اسلام را تکذیب کردند،

از صراط مستقیم انحراف پیدا کردند، و...

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۹، حدیث ۴۱ «حدیث ۷۹۷۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۷ - ۱۸.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۶۷، حدیث ۷.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۷۲، حدیث ۱.

لازم به ذکر است که:

آن جا که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید منم آن قرآنی که آن ها آن را مهجور داشتند اشاره به آیه ۳۰ همین سوره مبارکه دارد که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت در پیشگاه خداوند متعال لب به شکایت باز کرده و به خداوند متعال عرضه می دارد:

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت به خداوند متعال شکایت کرده و عرض می کند:

خداوندا، این قوم و این امت من بعد از رحلت من قرآن را ترک کرده و از آن دوری جستند و آن را کنار گذاشتند «مهجور = متروک، ترک شده، وانهاده».

ظاهر آیه شریفه این است که شکایت پیامبر اکرم از امتش این است که بعد از رحلت آن حضرت امت پیامبر اکرم قرآن را کنار گذاشته و به احکام و دستورات قرآن کریم عمل نکردند، لیکن تأویل آیه شریفه همان است که در فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده، یعنی:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت به پیشگاه خداوند متعال شکایت می کند که خداوندا:

قوم و امت من بعد از رحلت من امیرالمؤمنین علی علیه السلام را ترک کرده و ایشان را تنها گذاشته و سراغ دیگران رفتند.

۵. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

تأویل این آیات شریفه «وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا - يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا - آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فرقان» این است که: فلانی روز قیامت اینچنین خواهد گفت که:

ای کاش من در دنیا فلانی را دوست خودم انتخاب نمی کردم «زیرا او باعث ضلالت و گمراهی من شد».

این حدیث را ابو الخطاب از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۶. وجود مقدس امام عسکری علیه السلام فرمودند:

کسانی که ظاهراً با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بیعت نمودند اما در نهان و باطن خویش عهد و پیمان خویش را شکسته و بر نفاق خود باقی ماندند این افراد هنگام مرگ ملک الموت را می بینند که برای قبض روح آنها آمده و در همان حال جایگاه آنها در جهنم به آنها نشان داده می شود و به آنها گفته می شود که اگر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را پذیرفته بودید و بر این عهد و پیمان خویش باقی مانده بودید الان جایگاه شما در بهشت بود و از انواع نعمات بهشتی بهره مند می شدید، لیکن چون پیمان شکنی کردید و بر عهد و پیمان خویش در رابطه با ولایت حضرت علی علیه السلام محکم و استوار باقی نماندید لذا جهنم با انواع عذاب هایش منتظر شما است.

این جا است که این فرد و این افراد «کسانی که ظاهراً ولایت حضرت امیر علیه السلام را پذیرفتند اما باطناً آن را قبول نداشته و بعد از رحلت پیامبر اکرم مخالفت خویش را با آن حضرت علنی نمودند» می گویند:

ای کاش به راه پیامبر اکرم رفته بودیم و از هدایت ایشان بهره مند می شدیم و دستورات آن حضرت را در باره ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اجرا می کردیم.^۲

۷. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از این آیه شریفه «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ

سَبِيلًا - آیه ۲۷ سوره فرقان» این است که:

روز قیامت فلانی خواهد گفت:

يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ عَلِيًّا وَلِيًّا، یعنی:

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۶۰، حدیث ۴.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۷۰، حدیث ۸.

ای کاش در دنیا به همراه پیامبر اکرم راهی به سوی هدایت انتخاب کرده بودم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان ولی و امام خویش برگزیده بودم. منظور از این آیه شریفه «یا ویلتی لیئنی لِمَ اتَّخَذُ فُلَانًا حَلِیْلًا» - آیه ۲۸ سوره فرقان» این است که:

روز قیامت فلانی خواهد گفت:

ای کاش زمانی که در دنیا بودم فلانی را به عنوان دوست خودم انتخاب نمی کردم. منظور از ذکر در این آیه شریفه «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي» - آیه ۲۹ سوره فرقان» ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام «و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام» می باشد.

این حدیث را یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۸. وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

منظور از سبیل در این آیه شریفه «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» - آیه ۲۷ سوره فرقان» وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد،

و منظور از ذکر در این آیه شریفه «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي» - آیه ۲۹ سوره فرقان» نیز وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۲

توضیح:

با توجه به احادیثی که ملاحظه فرمودید معنی آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فرقان «تأویل آیات شریفه» این می شود که:

روز قیامت، فلانی از فرط ندامت و از شدت پشیمانی دستان خویش را با دندان

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۷.

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۷۱، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۶۹، حدیث ۴۰ «حدیث ۱۷۹۶۹».

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۷۱، حدیث ۱۱.

می‌گزد و گاز می‌گیرد و با خودش می‌گوید:

ای کاش زمانی که در دنیا بودم با پیامبر اکرم راهی به سوی هدایت انتخاب کرده بودم و علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان ولی و امام خودم انتخاب می‌کردم و برمی‌گزیدم «آیه ۲۷ سوره فرقان».

ای کاش زمانی که در دنیا بودم فلانی را به عنوان دوست و رفیق انتخاب نمی‌کردم تا باعث انحراف من از راه راست بشود «آیه ۲۸».

او باعث گمراهی من شد و مرا از ولایت و امامت علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام و پذیرش امامت و ولایت آن حضرت دور نمود پس از این که پیامبر اکرم ولایت و امامت آن حضرت را اعلام فرموده بود و امامت آن حضرت برای من روشن و قطعی شده بود «آیه ۲۹».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت لب به شکایت گشوده و به خداوند متعال عرض می‌کند:
خداوندا:

این قوم من و این امت من بعد از رحلت من امیرالمؤمنین علیّ بن ابیطالب علیه‌السلام را ترک کرده و از آن حضرت دوری نمودند «آیه ۳۰ سوره فرقان».

آیه ۷۴ سوره فرقان:

«... رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا».

ترجمه:

عبادالرَّحْمَنِ «بندگان شایسته و صالح خدا» به خداوند متعال عرض می کنند: خداوندا، از همسران و فرزندانمان نسلی پرهیزکار به ما ببخش که باعث روشنی چشم ما گردد، و ما را امام و پیشوای پرهیزکاران قرار بده.^۱

شرح لغات و توضیحات:

ازواج = همسران؛

ذُرِّيَّة = فرزندان؛

قُرَّةَ عَيْن = نور چشم، کنایه از کسی است که باعث سرور و خوشحالی انسان شود. به عبارت دیگر به کسی که باعث مسرت و شادی و سرور انسان شود نور چشم و قره عین گفته می شود، لذا اگر به فرزند و نوه و نتیجه و ذرّیه و نسل انسان قره عین «نور چشم» گفته می شود به همین دلیل است.^۲

تا آیه ۶۳ سوره فرقان چند آیه در رابطه با کفار و مشرکین مطرح شده بود و خداوند متعال اوصاف این عناصر لجوج و گمراه را بیان فرموده بودند.

پس از آن خداوند متعال طی چندین آیه «از آیه ۶۳ تا آیه ۷۶» به توصیف عبادالرَّحْمَنِ یعنی بندگان خالص و ویژه خود پرداخته و به جایگاه آن‌ها در بهشت اشاره می فرماید.

قابل ذکر است صفاتی را که خداوند متعال در رابطه با عبادالرَّحْمَنِ می فرماید اوصاف همه مؤمنین نیست بلکه این اوصاف که برای عبادالرَّحْمَنِ بیان شده اوصاف

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۵.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۱۸۸.

۲. المیزان، جلد سی ام، صفحه ۷۶.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۱۸۸.

مؤمنین ویژه و خالص و ممتازی است که در صف مقدم ایمان قرار دارند، لذا برترین و بالاترین درجات بهشت نیز متعلق به آنان می‌باشد.

اینکه مصداق اتم و اکمل عباد الرحمن «بندگان خالص و ویژه و ممتاز خداوند متعال» چه کسانی هستند انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.^۱ خداوند متعال در آیات ۶۳ تا ۷۶ سوره فرقان به توصیف عباد الرحمن پرداخته و می‌فرماید:

عباد الرحمن «بندگان خالص و ویژه و ممتاز الهی» کسانی هستند که:

۱. در روی زمین با تواضع راه می‌روند «با تکبر و غرور راه نمی‌روند»
۲. اگر از جهال و نادانان سخنان و حرکات زشت و ناروایی بشنوند و ببینند، پاسخ سالم و درستی که خالی از گناه باشد به آنها می‌دهند، به عبارت دیگر جهل جاهلان را با جهل مقابله نمی‌کنند.
۳. شب را با سجود و قیام سپری می‌کنند، یعنی مقداری از شب را به نماز و عبادت و مناجات با خداوند متعال مشغول هستند.
۴. از مجازات و کیفر الهی خوف و ترس دارند، لذا از خداوند متعال درخواست می‌کنند تا عذاب جهنم را از آنها برطرف نماید.
۵. موقعی که انفاق می‌کنند «انفاق یعنی بذل مال در راه خدا» رعایت اعتدال را دارند، یعنی نه اسراف می‌کنند و نه اقتار «اسراف در انفاق یعنی انسان هر چه دارد به دیگران بدهد به حدی که خودش نیازمند و فقیر شود. نقطه مقابل اسراف اقتار می‌باشد، یعنی انسان از ترس اینکه مبادا فقیر شود به دیگران کمک نکند و به مشکل نیازمندان رسیدگی نکند».
۶. توحید آنها خالص است و کم‌ترین شرک حتی شرک خفی و پنهان نیز ندارند
۷. هرگز کسی را به ناحق نمی‌کشند مگر در مواردی که خداوند متعال امر فرموده باشد، مثل موضوع قصاص یا جاری کردن حد.

۱. المیزان، جلد سی‌ام، صفحه ۶۶.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۱۶۷، ۱۸۹، ۱۹۱.

۸. هرگز مرتکب زنا نمی‌شوند و دامن عفت آن‌ها هرگز آلوده نمی‌شود.
 ۹. شهادت زور نمی‌دهند «زور = ۱- جلوه دادن باطل به صورت حق؛ ۲- کارهای لهُو و باطل»، یعنی عبدالرحمن:

(الف) شهادت به باطل نمی‌دهد «شهادت و گواهی به دروغ نمی‌دهند».

(ب) در مجالس باطل و لهُو حاضر نمی‌شوند.

شهادت، هم به معنی گواهی دادن و شهادت دادن است، هم به معنی حضور.
 ۱۰. هر گاه به جمعی برسند که مشغول کارهای لغو و بیهوده هستند از آن‌ها روی برمی‌گردانند و از آن‌ها دور می‌شوند و خودشان را پاک‌تر و منزّه‌تر از آن می‌دانند که با آن‌ها اختلاط و همنشینی کنند.

۱۱. چشم بینا و گوش شنوا دارند و لذا وقتی که آیات خداوند متعال را می‌شنوند و می‌بینند به حکمت آن‌ها پی برده و با بصیرت و آگاهی کامل آن‌ها را می‌پذیرند و از آن‌ها پند می‌گیرند.

۱۲. عبدالرحمن از خداوند متعال درخواست می‌کنند که خداوندا:

(الف) رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ.

(ب) وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.

همان‌طور که ملاحظه فرمودید عبدالرحمن «بندگان خالص و ویژه و ممتاز خدا» ویژگی‌ها و خصوصیتی دارند که به آن‌ها اشاره شد.

یکی از ویژگی‌های این بندگان خالص و عباد صالح خداوند متعال این است که همواره و پیوسته از خداوند متعال درخواست نموده و به خداوند متعال عرض می‌کنند:

رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ = خداوندا، از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که باعث روشنی چشم ما گردند.

به عبارت دیگر، عباد صالح خداوند متعال به خداوند متعال عرض می‌کنند: خداوندا، از همسران و فرزندانمان نسلی پرهیزکار و متقی به ما عطا کن و ببخش که باعث خوشحالی و رضایت و سرور ما باشند، یعنی:

خدایا، از همسران و فرزندانمان نسلی پرهیزکار به ما هبه کن و ببخش که موفق به

عبادت و پرستش تو کردند و ما را بدین وسیله شاد و مسرور نمایند. عبادالرّحمن و عباد صالح و ممتاز خداوند متعال هرگز قانع به این نیستند که فقط خودشان و همسرانشان و فرزندانسان و نسلشان موحد و خداشناس باشند و خداوند تبارک و تعالی را عبادت نمایند، بلکه درخواست آن‌ها از خداوند متعال این است که آن‌ها را امام و پیشوای متّین قرار دهد تا آن‌ها را نیز به راه حق دعوت نمایند،

لذا در انتهای این آیه شریفه در ادامه تقاضا و درخواست خویش از خداوند متعال درخواست می‌کنند که خداوندا:

وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا = خداوندا، ما را امام و پیشوای متّین و پرهیزکاران قرار بده تا پرهیزکاران و مؤمنین به ما تأسی نموده و از ما پیروی کنند.

همانطور که قبلاً نیز عرض شد این آیات شریفه صفات و ویژگی‌های همه مؤمنین را بیان نمی‌کند بلکه اوصاف گروه مؤمنین ممتاز را که در صف مقدم ایمان قرار دارند تحت عنوان عبادالرّحمن شرح می‌دهد که در واقع بندگان خاص خداوند رحمان می‌باشند که الگو و سرمشق پرهیزکاران بوده و چراغ هدایت به سوی حق تعالی هستند و کار آن‌ها هدایت مردم به سوی خداوند متعال می‌باشد.

در آیات بعد «آیه ۷۵ و ۷۶» خداوند متعال به جایگاه این بندگان خاص خویش و این عباد صالح خودش اشاره نموده و می‌فرماید:

این عبادالرّحمن و این بندگان خاص و ویژه رحمان در عالی‌ترین درجه بهشت و در رفیع‌ترین موضع بهشت قرار می‌گیرند و جاودانه در آنجا اقامت می‌کنند.

به عبارت دیگر عالی‌ترین غرفه‌ها و جایگاه‌های بهشت یعنی بهترین و برترین منزلگاه‌های بهشت اختصاص به این عباد صالح و بندگان خاص و ویژه رحمان دارد که خداوند متعال به آن بزرگواران اعطا فرموده است.

اینکه این عبادالرّحمن و این بندگان خاص رحمان چه کسانی هستند که عالی‌ترین غرفه‌های بهشت و درجه اعلاّی بهشت به آن‌ها اعطا شده انشاءالله تعالی در بخش

حدیث بیان خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جبرئیل علیه السلام فرمود:
ازواج ما کیست «منظور از مِّنْ اَزْوَاجِنَا در آیه ۷۴ سوره فرقان چه کسی است»؟
جبرئیل عرض کرد: حضرت خدیجه سلام الله علیها؛
پیامبر اکرم به جبرئیل فرمود:
ذُرَّیَّه ما کیست «منظور از ذُرَّیَاتِنَا در آیه ۷۴ سوره فرقان چه کسی است»؟
جبرئیل عرض کرد: حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها؛
پیامبر اکرم به جبرئیل فرمود:
قَرَّةَ اَعین ما چه کسانی هستند «منظور از قُرَّةَ اَعْیُنٍ در آیه ۷۴ سوره فرقان چه کسانی
هستند»؟
جبرئیل عرض کرد: حسن و حسین علیهما السلام «و ائمه معصومین علیهم السلام».
پیامبر اکرم به جبرئیل فرمود:
وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقینِ اِمَامًا چه کسی است «منظور از وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقینِ اِمَامًا در آیه ۷۴ سوره
فرقان چه کسی است»؟
جبرئیل عرض کرد:
منظور امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.
این حدیث را ابو سعید خدری از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۲

۱. مجمع البیان، جلد هفدهم، صفحه ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۰ «ذیل آیه ۶۳ تا ۷۵».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۶۷ تا ۷۰، ۷۵، ۷۶ «ذیل آیه ۶۳ تا ۷۵».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۸۵ تا ۱۹۱ «ذیل آیه ۶۳ تا ۷۵».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۵ - ۴۶.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۰۷ - ۷۰۸، حدیث ۳ و ۷.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۳۳ حدیث ۱۴۱ «حدیث ۸۰۷۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۶.

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۷۴ سوره فرقان» ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام را قصد کرده است «منظور آیه شریفه ما هستیم».

این حدیث را ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۳. سلیمان بن خالد نقل می کند که:

من در محضر امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً» آیه ۷۴ سوره فرقان» تلاوت کردم، و پس از پایان تلاوت من وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:
این آیه شریفه درباره ما نازل شده است.^۲

۴. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً» آیه ۷۴ سوره فرقان» فرمودند:
منظور این آیه شریفه هادیانی هستند که مردم را هدایت و رهبری می کنند.
وجود مبارک امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
این آیه شریفه «آیه ۷۴ سوره فرقان» خاص آل محمد علیهم السلام است.
این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۳

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۱۴۰ «حدیث ۸۰۶۹».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۱۴۲ «حدیث ۸۰۷۱».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۸۲.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۵ - ۴۶.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۱۹۰.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۹۸، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۳۳، حدیث ۱۳۸ «حدیث ۸۰۶۷».

۳. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۵.

توضیح:

به عرض رسید که:

خداوند متعال طی دوازده آیه «آیات ۶۳ تا ۷۴ سوره فرقان» اوصاف و ویژگی های عبادالرَّحمن یعنی عباد صالح و بندگان ممتاز خویش را بیان فرموده و سپس در آیه ۷۵ و ۷۶ همین سوره «سوره فرقان» به جایگاه رفیع و والای عبادالرَّحمن در روز قیامت اشاره فرموده و بیان فرموده که عالی ترین غرفه ها و جایگاه های بهشت و برترین منزلگاه های بهشت اختصاص به عبادالرَّحمن دارد که خصوصیات و ویژگی های آنها طی دوازده آیه بیان شد، همچنین:

در این دو آیه شریفه «آیه ۷۵ و ۷۶ سوره فرقان» بیان شد که:

عبادالرَّحمن در عالی ترین درجات بهشت اسکان دارند و ملائکه الهی به آنها تحیت و سلام می فرستند،
و عبادالرَّحمن برای ابد و برای همیشه در عالی ترین جایگاه های اقامت خواهند داشت،

و این جایگاه و محل اقامت به حدی زیبا و مجلل و با شکوه است که خداوند متعال در وصف آن می فرماید:

حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا «آیه ۷۶ سوره فرقان»، یعنی:

چه قرارگاه خوب و چه جایگاه زیبایی.

مصدق اتم و اکمل عبادالرَّحمن که بخشی از صفات آنها در این آیات شریفه بیان شد «آیه ۶۳ تا ۷۴ سوره فرقان» وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام هستند که عالی ترین جایگاه های بهشت را خداوند متعال به آن ذوات مقدسه اختصاص داده است.

به عنوان نمونه به دو حدیث شریف اشاره می شود.

۱. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیات شریفه «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ

يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هُونَآ آیه ۶۳ تا ۷۴ سوره فرقان» فرمودند:

مقصود از عبادالرَّحمن در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

این حدیث را زراره از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۲. سلیمان بن جعفر می‌گوید:

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیات شریفه «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا، وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا... آیات ۶۳ تا ۷۴ سوره فرقان» فرمودند:

مقصود از عبادالرحمن در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۹۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۳۹، حدیث ۹۰ «حدیث ۸۰۱۹».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۹.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۶۹۴، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۳۹۹، حدیث ۹۱ «حدیث ۸۰۲۰».

«سوره شعراء»

آیه ۲۱۴ سوره شعراء:

«وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور می دهد که: ای پیامبر، خویشاوندان نزدیکت را بترسان «به اسلام دعوت کن، و آنها را از شرک و مخالفت فرمان خدا بترسان».^۱

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از مبعوث شدن به رسالت تا سه سال به طور مخفیانه مردم را به اسلام دعوت می فرمود، آن هم افرادی از نزدیکان خویش را.

پس از بعثت پیامبر اکرم از مردان اولین کسی که به ایشان ایمان آورد وجود مقدس علی بن ابیطالب علیه السلام بود که در آن زمان ده سال سن داشت، و اولین بانویی که اسلام آورد همسر گرامی پیامبر اکرم یعنی حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها بود.

۱. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۶۶.
تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۳۹۲.

این دو بزرگوار بلافاصله پس از بعثت پیامبر اکرم به آن حضرت ایمان آوردند. پیامبر اکرم در سه سال اوّل بعثت به طور مخفیانه افراد را به دین اسلام دعوت می نمود تا اینکه خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد تا دعوت خویش را در بین اقوام و خویشاوندان نزدیک خویش علنی و آشکار نماید. آنچنان که در کتب معتبر تواریخ اسلامی آمده این قضیه در سال سوم بعثت بوده است. خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۱۴ سوره شعراء» به پیامبر اکرم دستور می فرماید که ای پیامبر:

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ = یعنی:

ای پیامبر، اقوام و خویشاوندان نزدیکت را بترسان، یعنی آن‌ها را به پرستش خدای یگانه دعوت کن.

می دانیم که اوّلین دعوت پیامبر اکرم و اوّلین دستور پیامبر اکرم به مردم «چه در دعوت مخفی و چه در دعوت علنی و آشکار» دعوت به پرستش خدای یگانه و ممانعت مردم از شرک و بت پرستی بود، لذا اوّلین فرمان پیامبر اکرم و اوّلین موضوعی که به مردم می فرمود این بود که:

قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا، یعنی:

بگوئید جز خدای یکتا و جز خدای یگانه خدایی نیست تا رستگار شوید،

یعنی اوّلین دعوت پیامبر اکرم دعوت به توحید بود.

حدیثی که مربوط به انذار بستگان نزدیک «دعوت خویشاوندان نزدیک» می باشد به حدیث یوم الدار معروف است که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

حدیث یوم الدار:

در روایت است که وقتی این آیه شریفه نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قریب به چهل نفر از اولاد عبدالمطلب را دعوت فرمود و به حضرت علی علیه السلام که آن زمان سیزده سال از سن او می گذشت دستور داد تا یک ران گوسفند را پخته و همه آن چهل نفر را با آن یک ران گوسفند طعام دادند به نحوی که همه آن‌ها سیر شدند، و یک قده آب یا شیر نیز به آن چهل مهمان دادند و همه آن‌ها از این

یک قدح «یک ظرف» نوشیدند به نحوی که آن‌ها سیراب شدند «این عمل معجزه‌ای بود تا مهمانان به چشم خود آن را مشاهده کنند». پس از همین اطعام بود که ابولهب به حاضرین گفت این مرد «یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم» شما را سحر و جادو کرد. این قضیه «دعوت چهل نفر از اولاد عبدالمطلب»، دو روز تکرار شد و پس از اطعام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن‌ها را به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت نموده و فرمود:

خداوند متعال مرا مأمور نموده تا خویشاوندان نزدیکم را به دین اسلام و به پرستش خدای یگانه دعوت کنم، حال چه کسی دست دوستی به من می‌دهد و با من بیعت می‌کند تا پس از من وصی من، وارث من و جانشین من باشد.

هیچ کس دعوت پیامبر اکرم را اجابت نکرد جز علی بن ابیطالب علیه السلام. پیامبر اکرم سه بار فرمایش خویش را تکرار فرمودند لیکن در هر سه نوبت فقط امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام بود که دعوت پیامبر اکرم را اجابت کرده و به آن حضرت پاسخ مثبت داد و در همین جلسه بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به عنوان وصی و وارث و جانشین خویش به حضار معرفی نموده و دست مبارک خویش را بر روی شانه حضرت علی علیه السلام گذاشته و فرمودند:

إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيَّيْ وَ خَلِيفَتِي فَيُكْمُ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ،

لیکن اکثریت حضار درحالی که خنده تمسخرآمیزی بر لب داشتند به حضرت ابوطالب گفتند که پسرت را اطاعت کن که او را بر تو امیر ساخت.^۱

حدیث:

۱. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

وقتی این آیه شریفه نازل شد «آیه ۲۱۴ سوره شعراء» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

یا علی، خداوند متعال به من امر فرموده تا خویشاوندان نزدیکم را به پرستش

۱. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۶۶ - ۶۷.
تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۳۹۸ - ۳۹۹.

خدای یگانه دعوت کنم.

به امر پیامبر اکرم حدود چهل نفر از بستگان نزدیک پیامبر اکرم از جمله عباس، حمزه، ابولهب «عموهای پیامبر اکرم» به میهانی دعوت شدند.

پس از صرف غذا پیامبر اکرم می خواستند وظیفه خویش را ابلاغ کنند که ابولهب با صحبت های خود زمینه این کار از بین برد.

روز بعد پیامبر اکرم مجدداً آن ها را دعوت نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از صرف غذا به جمع حاضر که حدود چهل نفر بودند فرمودند:

ای فرزندان عبدالمطلب، به خدا قسم من هیچ جوانی را در عرب نمی شناسم و سراغ ندارم که برای قوم خویش چیزی بهتر از آنچه که من آورده ام آورده باشد،

من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام و خداوند متعال به من دستور داده تا شما را به پرستش او دعوت کنم،

کدام یک از شما مرا در این کار یاری خواهد نمود تا برادر، وصی، وزیر و جانشین من باشد.

همه حاضرین سکوت کردند غیر از من «یعنی علی علیه السلام» که از همه آن ها سنم کمتر بود «حدود سیزده سالگی».

من برخاستم و به پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

من در این راه یار و یاور شما هستم، و پس از اظهارات من پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دست مرا گرفت و فرمود:

إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فَيُكْمُ، فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ، یعنی:

این علی بن ابیطالب، برادر من، وصی من، وزیر و خلیفه و جانشین من در بین شما است،

پس سخنان او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید.

پس از این قضیه، حاضرین از جای خود برخاسته و درحالی که اکثر آن ها خنده

تمسخر آمیزی بر لب داشتند به حضرت ابوطالب علیه السّلام گفتند:
 به فرمان پسرت باش و از او اطاعت کن.
 این حدیث را عبدالله بن عباس از وجود مبارک حضرت علی علیه السّلام نقل
 نموده است.^۱

۲. امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:
 وقتی آیه وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم
 فرزندان عبدالمطلب را که در آن موقع چهل نفر یا یک نفر کمتر و بیشتر بودند دعوت
 نموده و فرمودند:

کدام یک از شما برادر، وارث، وزیر، وصی، و خلیفه من می شود.
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم این سخن را به یک یک آنان فرمود لیکن
 هیچکدام از حاضرین جوابی ندادند تا اینکه پیامبر اکرم رو به من کرده «یعنی علی
 علیه السّلام» و آن مطالب را به من فرمود.
 علی علیه السّلام می فرماید، من خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم عرضه
 داشتم:

یا رسول الله، من حاضرم.
 در این هنگام پیامبر اکرم رو به فرزندان عبدالمطلب نموده و فرمودند:
 ای بنی عبدالمطلب:
 این علی بن ابیطالب، وارث من، وزیر و جانشین من و خلیفه من می باشد.
 پس از این فرمایشات پیامبر اکرم حاضرین در حالی که به عنوان تمسخر و استهزاء
 می خندیدند به ابوطالب گفتند:
 محمّد «پیامبر اکرم»، به تو دستور می دهد که تحت فرمان این پسر بچه باشی و او
 را اطاعت کنی.

این حدیث را عبدالله بن حارث بن نوفل از وجود مقدّس حضرت امیر علیه السّلام

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۵۳، حدیث ۳.

امالی طوسی، جلد دوم، جلسه بیست و چهارم، صفحه ۴۳۹، حدیث ۲۰، «حدیث ۱۲۰۶».

نقل نموده است.^۱

توضیح:

موضوع انذار بستگان نزدیک که به حدیث **یوم الدار** معروف می باشد توسط بسیاری از علماء اهل تسنن نقل شده که اسامی تعدادی از آنها را ذیلاً ملاحظه می فرمائید.
ابن ابی جریر، ابن ابی حاتم، ابن مردویه، ابونعیم، بیهقی، ثعلبی، طبری، ابوالفداء، ابن اثیر، سیوطی و...^۲
انشاءالله تعالی در پایان بخش حدیث به سه حدیث که از طریق اهل سنت نقل شده اشاره خواهد شد.

قابل ذکر است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طی ۲۳ سال رسالت خویش بارها و بارها و به عناوین مختلف و به امر خداوند متعال موضوع ولایت و وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به مردم اعلام فرموده است.

همانطور که ذیل آیات سوره مؤمنون «آیه اول تا یازده» ملاحظه فرمودید هنگامی که علی علیه السلام طفل دو سه روزه ای بودند در آغوش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آیات اوائل سوره مؤمنون را تلاوت فرمودند و سپس پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
یا علی:

شیعه با ولایت تو رستگار می شود، والله تو امیر آنها هستی، تو راهنمای آنها هستی، یا علی به وسیله تو مردم هدایت می شوند و...
در زمان نزول آیه شریفه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نیز موضوع وصایت و امامت

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۵۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۹۱، حدیث ۸۹ «حدیث ۸۱۶۵».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۳۸.

۲. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۶۶-۶۷.

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۳۶ تا ۲۳۸.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۳۹۸ - ۳۹۹.

علی بن ابیطالب علیه السلام توسط پیامبر اکرم مطرح می شد که در این زمان علی علیه السلام حدود سیزده سال سن داشتند «سال سوّم بعثت».

همانطور که عرض شد پیامبر اکرم طیّ ۲۳ سال رسالت خویش بارها و بارها و به عناوین مختلف حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام مسلمین و جانشین خویش به مردم معرفی نمودند که آخرین آن ها سال دهم هجری و روز هیجدهم ذیحجه بود «حَجَّةُ الْوَدَاعِ» که طبق نقل مورّخین پیامبر اکرم در حضور بیش از یکصد هزار نفر موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را اعلام فرمودند و همه حضار با علی علیه السلام بیعت نمودند.

این قضیه در هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری در محلّ غدیر خم روی داد که سال آخر حیات پیامبر اکرم بود، و حدود هفتاد روز پس از این واقعه عظیم و تاریخی «یعنی عید سعید غدیر خم» پیامبر اکرم از دنیا رفته و جان به جان آفرین تسلیم نمودند و هنوز چند روز از رحلت پیامبر اکرم نگذشته بود که منافقین امت در سقیفه بنی ساعده گردهم آمده و خودشان فردی را به عنوان خلیفه مسلمین تعیین کردند و شد آنچه که نباید می شد.

ذیل آیه ۶۷ سوره مائده به طور مفصّل در این خصوص بحث شده است. همانطور که عرض شد حدیث **یوم الدّار** به طرق مختلف از طریق اهل سنت نیز نقل شده که به عنوان نمونه به سه حدیث که در معتبرترین کتب اهل سنت آمده اشاره می شود.

۱. سیوطی در درالمشور و بیهقی در کتاب دلائل باسندهای مختلف از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده اند که آن حضرت فرمودند:

پس از نزول آیه **وَ أَنْزَلْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ** «آیه ۲۱۴ سوره شعراء» وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به بنی عبدالمطلب فرمودند:

ای بنی عبدالمطلب:

به خدا سوگند:

من احدی را در عرب سراغ ندارم که برای قوم خود چیزی آورده باشد بهتر از آنچه که من برای قوم خودم آورده ام چرا که من خیر دنیا و آخرت را برای شما

آورده‌ام، و خداوند متعال مرا دستور داده تا شما را به سوی او دعوت نمایم.
 حال کدام یک از شما مرا در این مأموریت یاری می‌کند.
 وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:
 من که در آن روز از همه کوچک‌تر بودم «سنم از همه آنها کمتر بود» خدمت پیامبر
 اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم:
 من یا رسول الله.

پس از این قضیه حضار از جای خود بلند شده و خنده‌کنان از منزل بیرون رفتند.^۱

۲. در تفسیر ثعلبی آمده که:

وقتی که این آیه شریفه «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ - آیه ۲۱۴ سوره شعراء» نازل
 شد وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرزندان عبدالمطلب را که
 حدود چهل نفر بودند دعوت فرموده و به حضرت علی علیه‌السلام دستور دادند
 تا یک ران گوسفند را پخته و همه آن چهل نفر را با آن یک ران گوسفند طعام
 دادند به نحوی که همه آنها سیر شدند، و آنگاه دستور فرمودند قدحی از شیر
 آوردند و وجود مقدس پیامبر اکرم ابتدا جرعه‌ای از آن نوشیده و سپس به فرزندان
 عبدالمطلب فرمودند به نام خدا بنوشید و آنگاه همگی نوشیدند و سیراب شدند،
 و در این هنگام بود که ابولهب قبل از همه شروع به صحبت کرده و فرزندان
 عبدالمطلب را مورد خطاب قرار داده و به آنها گفت:

این مرد «یعنی وجود مبارک پیامبر اکرم» شما را سحر کرده است، لیکن وجود
 مبارک پیامبر اکرم پاسخی به او نداد.

روز بعد نیز از فرزندان عبدالمطلب دعوت به عمل آمد و مانند روز قبل از آنها
 پذیرایی شد و پس از پذیرایی از آنها وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
 و سلم فرزندان عبدالمطلب را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:
 ای فرزندان عبدالمطلب:

من از جانب خداوند متعال مأمورم که شما را انذار کنم و بشارت دهم، بنابراین

اسلام اختیار کنید و از من اطاعت کنید تا هدایت شوید.

وجود مقدّس پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش به فرزندان عبدالمطلب فرمود: هر کس با من برادری و همکاری کند و مرا یاری نماید بعد از من وصی من و جانشین من خواهد بود و این مطلب را سه بار تکرار فرمودند، لیکن در هر سه نوبت آحَدی سخن نگفت مگر علی بن ابیطالب علیه السّلام که در هر نوبت از جای خود برخاست و به پیامبر اکرم عرض کرد:

من حاضرَم یا رسول الله.

پس از این قضیه بود که پیامبر اکرم در همان جلسه و در حضور فرزندان عبدالمطلب به علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمود:

آری، تو همان هستی، «آری، تو وصی و جانشین من هستی».

پس از این قضایا بود که فرزندان عبدالمطلب از جای خود برخاسته و در حالی که منزل را ترک می کردند به حضرت ابوطالب علیه السّلام می گفتند:

ای ابوطالب از فرزندت اطاعت کن زیرا محمّد «یعنی پیامبر اکرم» او را بر تو امیر کرد «فرزندت را اطاعت کن چرا که او امیر تو شده است».

این حدیث را براء بن عازب نقل نموده است.^۱

قابل ذکر است که:

حاکم حسکانی هم در شواهد التّنزیل این حدیث را نقل نموده است.^۲

۳. در مُسند احمد بن حنبل آمده که:

عباد بن عبدالله اسدی از علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وقتی که آیه وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ «آیه ۲۱۴ سوره شعراء» نازل شد وجود مقدّس

۱. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۶۶-۶۷.

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۳۶-۲۳۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۴۹۱، حدیث ۹۰ «حدیث ۸۱۶۶».

تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۵۷، حدیث ۷.

۲. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۵۷-۷۵۸، حدیث ۷ «پاورقی».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تعدادی از اقوام و خویشاوندان نزدیک خویش را دعوت فرمود و همه آنها را با یک ران گوسفند پذیرایی کرد و پس از آنکه همه آنها سیر شدند به آنها فرمود:

کدام یک از شما قرض و دین و وعده‌های مرا تضمین می‌کند و می‌خواهد همراه من در بهشت باشد و جانشین من در بین اهل‌م باشد.

پس از این فرمایش پیامبر اکرم بود که علی بن ابیطالب علیه‌السلام به پیامبر اکرم عرض کرد من یا رسول‌الله.

آنگاه وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

علی بن ابیطالب به جای من دین مرا ادا می‌کند و وعده‌های مرا عملی می‌نماید.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۵۹، حدیث ۹.
تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۵۹، حدیث ۱۰.

آیه ۲۲۷ سوره شعراء:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا...».

ترجمه:

مگر کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند و خداوند متعال را بسیار یاد می کنند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

از جمله تهمت‌هایی که کفار و مشرکین و مخالفین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن حضرت می زدند این بود که آن حضرت را شاعر می خواندند و حتی بی شرمی را به جایی می رساندند که آن وجود مقدس را شاعر مجنون می نامیدند. (در آیه پنجم سوره انبیاء و آیه ۳۶ سوره صافات به این موضوع اشاره شده است.)

خداوند متعال در جواب این یاوه‌گویان در آیات ۶۹ و ۷۰ سوره یس می فرماید:

«وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ...» یعنی:

ما به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شعر نیاموختیم و شاعری و شعر گفتن شایسته ایشان نمی باشد.

خداوند متعال در آیه ۲۲۴ سوره شعرا و چند آیه بعد به شاعر نبودن پیامبر اکرم اشاره فرموده و خط مشی پیامبر اکرم را از خط شعر و شاعری جدا نموده و طی چند آیه در خصوص وضعیّت فکری و روحی شعرا مطالبی بیان می فرماید.

خداوند متعال در رابطه با شعرا و پیروان آنها در آیه ۲۲۴ سوره شعرا می فرماید:

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ، یعنی:

شعرا کسانی هستند که گمراهان از آنها تبعیّت و پیروی می کنند.

در دو آیه بعد خداوند متعال اینگونه استدلال می فرماید که:

الَّذِينَ تَرَأَتْهُمْ فِي كُلِّ وادٍ يَهِيمُونَ، وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۰۱.

آیا نمی‌بینی «نمی‌بینید» که شعرا در هر وادی سرگردان هستند و سخنانی می‌گویند که به آن‌ها عمل نمی‌کنند.

مقصود این است که شعرا بیشتر تابع احساسات و هیجانات خویش هستند تا تابع عقل و منطق و استدلال، لذا اگر از کسی خوششان بیاید او را مدح می‌کنند حتی اگر از بدترین افراد باشد، و اگر از کسی بدشان بیاید او را نکوهش و هجو می‌کنند حتی اگر آن شخص از بهترین انسان‌ها باشد.

شعرا اغلب اهل بزم و عیش و نوش بوده و در بند زلف و خال یار می‌باشند تا اهل رزم و جهاد و مبارزه با دشمن.

در این آیات شریفه خداوند متعال شعرا را افرادی عنوان می‌فرماید که این مشخصات را دارند:

۱. گمراهان از آن‌ها تبعیت و پیروی می‌کنند.

۲. آن‌ها در هر وادی سرگردان هستند «آن‌ها غرق در پندارهای شاعرانه هستند و چون بیشتر تابع احساسات می‌باشند این احساسات و خیال‌پردازی‌ها شعرا را به این سو و آن سو می‌کشاند».

این قسمت از آیه شریفه افسارگسیختگی آنان را در سخن گفتن بیان می‌فرماید، یعنی حساب و کتاب در حرف زدن ندارند و حدّ و مرز نمی‌شناسند.

۳. آن‌ها سخنانی می‌گویند که به آن عمل نمی‌کنند.

اما از آن‌جا که در بین شعرا افرادی نیز یافت می‌شوند که متدین و شریف بوده و سعی کرده‌اند با اشعار خویش حقایق دین را ترویج نموده و مخالفین دین را منکوب نمایند و با اشعار خویش اخلاق نیک را در بین مردم رواج دهند و با مدح بزرگان دین جاه و مقام آن‌ها را به مردم بشناسانند، لذا خداوند متعال برای اینکه حقّ این شعرای متقی و وارسته پایمال نشود صف این‌ها را از سایرین جدا فرموده و می‌فرماید:

مگر شعرایی که:

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا = مگر شاعرانی که ایمان آورده «ایمان به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم‌السلام و ایمان به روز جزا» و عمل صالح انجام می‌دهند «عمل به تکالیف شرعی یعنی عمل به واجبات و ترک محرّمات»

و خداوند متعال را بسیار یاد می‌کنند و اشعار آن‌ها مردم را به یاد خدا می‌اندازد.
در ادامه آیه شریفه آمده که:

وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا = هنگامی که مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند برای دفاع از خویشتن و مؤمنین به پا می‌خیزند و با سرودن اشعار از مؤمنین حمایت کرده و با اشعار خویش دشمنان آن‌ها را به مردم معرفی می‌کنند.
بنابراین، خداوند متعال برای شعرای متدین و متقی و متعهد چهار صفت و ویژگی بیان می‌فرماید.

۱. ایمان داشتن «ایمان به خداوند متعال و پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت و ایمان به روز قیامت».

۲. عمل صالح «عمل به واجبات و ترک محرّمات».

۳. بسیار به یاد خدا بودن «یاد کردن از دین خدا و ترویج دین، مخصوصاً یاد کردن و مدح چهارده معصوم علیهم‌السلام که حجّت و خلیفه خداوند متعال در روی زمین بر مردم هستند و این موضوع از مصادیق آشکار یاد خدا بودن می‌باشد».
اینکه مقصود از ذکر خدا «ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» چیست و مصادیق ذکر خدا چه می‌باشد انشاءالله تعالی در بخش حدیث اشاره خواهد شد.

۴. در برابر ظلم و ستم به پا خواستن و با کمک شعر از دین و مؤمنین و مظلومین متدین دفاع کردن.

پیامبر اکرم در مورد یکی از شعرا که مدافع اسلام و مروج دین بود فرمودند:
آن‌ها را «دشمنان اسلام را» هجو و مذمت کن که جبرئیل با تو است.
در حدیث است که پیامبر اکرم در خصوص شعرای متدین و متعهد و شعر آن‌ها فرموده:

با این اشعار، گویی تیرهایی به طرف دشمنان اسلام پرتاب می‌کنند «اشعاری که در حمایت دین و در مذمت بی‌دینان بوده».

در حدیث دیگری آمده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مؤمن با جان و شمشیر و زبانش در راه خدا جهاد می‌کند.^۱

مقصود از ذکر خدا چیست؟

در این آیه شریفه «آیه ۲۲۷» ویژگی‌های شاعران خوب و مورد تأیید دین بیان شده و آمده که:

این‌ها بسیار به یاد خدا هستند «ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا».

مقصود از ذکر کثیر این است که انسان با تمام وجود و همیشه به یاد خدا باشد به نحوی که در همه حال خداوند متعال را حاضر و ناظر بر اعمالش بداند، لذا ذکر فقط لفظ نیست که بر زبان انسان جاری می‌شود «گرچه آن‌ها نیز ذکر به حساب می‌آیند»، بلکه ذکر آن است که علاوه بر لفظ آثار آن در اعمال انسان نیز دیده شود، یعنی: ذکر کثیر این است که:

در حال عبادت به یاد خدا باشیم و خالصانه عبادت کنیم،
در حال مواجه شدن با گناه به یاد خدا باشیم و مرتکب گناه نشویم،
هنگام مواجه شدن با سختی‌ها و ناملایمات و بیماری و فقر و امثال این‌ها یاد خدا باشیم و صبر پیشه نمائیم و خدای ناکرده زبان به اعتراض نگشائیم،
هنگام خوشی و رفاه و ثروتمند شدن به یاد خدا باشیم و از ارتکاب گناه «یعنی اسراف و تبذیر» مصون بمانیم و حقوق شرعی اموالمان اعم از خمس و زکات را بپردازیم، یعنی در هر حال و وضعی که هستیم از محرّمات اجتناب کنیم و واجبات را به جا بیاوریم.

خلاصه کلام اینک:

ذکر کثیر «بسیار یاد خدا بودن» این است که: انسان باید در تمام احوال، چه زمان خوشی و لذّت و چه زمان ناخوشی و سختی،

۱. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۷۲ - ۷۳.

المیزان، جلد سی‌ام، صفحه ۲۲۹ تا ۲۳۱ - ۲۴۱.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۰۴ تا ۴۰۶ - ۴۱۲.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۹۵.

چه در سلامتی و چه در بیماری، چه در رفاه و ناز و نعمت و چه در فقر و گرفتاری خداوند متعال را حاضر و ناظر بر اعمال خویش بداند و هیچ‌گاه مرتکب گناه نشود، یعنی واجبات را ترک نکند و محرّمات را مرتکب نشود آن هم در تمام اوقات. بعضی از اذکار به علت اهمیت معنا و مفهوم آن‌ها ذکر کثیر عنوان شده‌اند، مثل تسبیحات اربعه.

در آیه ۴۱ سوره احزاب نیز خداوند متعال به مؤمنین امر فرموده که بسیار به یاد خدا باشند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا». در رابطه با ذکر کثیر به یک حدیث اشاره می‌شود. امام صادق علیه‌السلام فرمودند: از سخت‌ترین وظایفی که خداوند متعال بر خلق خویش واجب فرموده ذکر کثیر خدا است.

امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: منظورم از ذکر کثیر خدا «ذکر بسیار خدا» سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ نیست گر چه این نیز ذکر خدا است، لیکن ذکر خدا این است که انسان هنگام مواجه شدن با هر مسئله و موضوعی اگر اطاعت از خدا است آن را انجام دهد و اگر معصیت است آن ترک کند. از پیامبر گرامی اسلام سؤال شد چه کسانی در قیامت مقامشان از همه بالاتر است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اَلَّذَاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا، یعنی کسانی که خدا را بسیار یاد می‌کنند. بنابراین، ذکر خدا نمودن و بسیار یاد کردن هم با زبان است و هم با عمل، یعنی اعمال ما اگر طبق شرع مقدّس اسلام باشد «واجبات را انجام بدهیم و محرّمات را ترک کنیم» در این حال گویی ما در حال ذکر خدا هستیم. البته عملاً به یاد خدا بودن «مرتکب حرام نشدن - انجام دادن واجبات» نباید ما را از ذکر زبانی غافل نماید و این هر دو لازم هستند، یعنی باید در عین حال که عملاً به یاد خدا هستیم باید ذکر زبانی نیز داشته باشیم از قبیل:

تلاوت قرآن، خواندن ادعیه‌ای که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده، زیارت ائمه معصومین علیهم السلام از راه دور و نزدیک از قبیل زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا، و سایر زیارت‌ها. غیر از مواردی که عنوان شد از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام مصداق بارز و آشکاری برای ذکر کثیر خدا عنوان شده که در بخش حدیث خواهد آمد.^۱

دو روایت در اهمیت ذکر گفتن:

پیامبر اکرم فرمودند:

مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، یعنی:

خداوند متعال به هر کس زبانی داده باشد که مشغول به ذکر خدا باشد خداوند متعال به او خیر دنیا و آخرت را داده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

پدرم امام باقر علیه السلام کثیرالذکر بودند، هر وقت با او قدم می‌زدم او مشغول ذکر خدا بود، هنگام غذا خوردن مشغول ذکر خدا بود، وقتی با مردم سخن می‌گفت از ذکر خدا غافل نمی‌شد و به ما می‌فرمود که قرآن تلاوت کنیم و یا ذکر خدا را بگوئیم.^۲

حدیث:

۱. از امام صادق علیه السلام درباره ذکر کثیر سؤال شد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْهَا فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهُ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ، یعنی:

هر کس تسبیح خداوند متعال را بنماید به تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها، به تحقیق

۱. المیزان، جلد سی‌ام، صفحه ۲۴۲.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۱۳ - ۴۱۴.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۷۷ - ۳۸۸ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۲۰۸ تا ۲۱۰ «ذیل آیه ۴۱ تا ۴۸ سوره احزاب».

۲. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۲۰۸ - ۲۰۹ «ذیل آیات ۴۱ تا ۴۸ سوره احزاب».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۸۳ - ۳۸۴ «ذیل آیه ۴۱ تا ۴۴ سوره احزاب».

متذکر به ذکر کثیر خدا شده است «به تحقیق بسیار یاد خداوند متعال را نموده است»^۱.

تسبیح حضرت زهرا چیست و علت تشریح آن چه بود.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به دختر گرانقدر خویش حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها اذکاری را تعلیم فرموده‌اند که از جمله آنها تسبیحی است که مشهور و معروف به تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد.

سبب تشریح این تسبیح بدین قرار است «نقل به اختصار».

وجود مبارک صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها از محضر مبارک پدر بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم درخواست نمود که خدمتکاری به ایشان اعطا فرمایند تا در کارهای منزل به ایشان کمک کند.

پیامبر اکرم به حضرت زهرا فرمود:

دخترم فاطمه، آیا می‌خواهی تو را به چیزی بهتر از خدمتکار در دنیا آگاه کنم.

فاطمه زهرا سلام الله علیها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد:

بله یا رسول الله.

پس از این ماجرا بود که پیامبر اکرم این تسبیح را به فاطمه زهرا سلام الله علیها تعلیم فرمودند که معروف اوقات آن هنگام خواب و بعد از هر نماز می‌باشد.

چگونگی این تسبیحات:

سی و چهار مرتبه الله اکبر - سی و سه مرتبه الحمد لله - سی و سه مرتبه سبحان

الله.^۲

پس از ارائه توضیح مختصری راجع به تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها و علت

۱. معانی الاخبار، جلد اول، باب ۱۸۴، صفحه ۴۲۳، حدیث ۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۷۰، حدیث ۱۰ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۹۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۰۳، حدیث ۱۱۷ «حدیث ۸۱۹۳».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۱۳ - ۴۱۴.

۲. کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۲۷۳ تا ۲۷۵.

تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۳۰۷ «ذیل آیه ۲۵۵ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۷۸ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

تشریح آن بازمی‌گردیم به ادامه بخش حدیث.

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

هر مجلسی تشکیل شود و در آن مجلس ذکر خداوند متعال و ذکر ما به میان نیاید اهل آن مجلس روز قیامت حسرت خواهند خورد «عدم ذکر خدا و ذکر ما باعث حسرت اهل آن مجلس در روز قیامت خواهد بود».

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ،

وَ ذِكْرَ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ، یعنی:

ذکر ما ذکر خداوند متعال است «یاد کردن ما یاد کردن خداوند متعال است»،

و ذکر دشمن ما ذکر شیطان است «یاد کردن دشمنان ما یاد کردن شیطان است».

این حدیث را ابو بصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ، الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا - آیه ۴۱ سوره احزاب»، یعنی:

وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

تسبیح حضرت زهرا سلام‌الله علیها از مصادیق ذکر کثیر است که خداوند متعال

فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

این حدیث را زراره بن اعین از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.

سعید اعرج نیز مانند این حدیث را از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۱. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۴، حدیث ۲ «حدیث ۳۱۷۲».

۲. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۹، حدیث ۴ «حدیث ۳۱۸۷».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۴۴ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۶۶، حدیث ۲ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۲۵، حدیث ۱۵۰ «حدیث ۸۹۷۸».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۱۳ - ۴۱۴ «ذیل آیه ۲۲۷ سوره شعراء».

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هر کس تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را بگوید ذکر کثیر خدا را گفته است «هر کس تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را بگوید خداوند متعال را بسیار یاد کرده است و از بسیار یادکنندگان خداوند متعال شمرده می شود».

این حدیث را زرارۀ بن اعین و حمران بن اعین از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل نموده اند.^۱

۵. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

هر کس هنگام خواب «قبل از اینکه بخوابد» تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را بگوید از ذاکرین ذکر کثیر خداوند متعال محسوب خواهد شد «هر کس قبل از خوابیدن تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را بگوید و سپس به رختخواب برود و بخوابد خداوند متعال را بسیار یاد کرده است و از بسیار یادکنندگان خداوند متعال شمرده خواهد شد».^۲

۶. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها یکی از مصادیق ذکر کثیر خداوند متعال است که خداوند متعال در آیه ۴۱ سوره احزاب فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.

این حدیث را محمّد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۳

۷. اسماعیل بن عمّار می گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام درباره ذکر کثیر در این آیه شریفه «يَا أَيُّهَا

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۳۷ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۷۱، حدیث ۱۴ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

۲. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۷ «ذیل آیه ۳۵ سوره احزاب».

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۷، حدیث ۱۲۱ «حدیث ۸۹۴۹»، «ذیل آیه ۳۵ سوره احزاب».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۳۵ «ذیل آیه ۳۵ سوره احزاب».

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۷۰، حدیث ۱۱ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللهَ ذِكْرًا كَثِيرًا - آیه ۴۱ سوره احزاب» سؤال کردم.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به حضرت زهرا سلام الله علیها تعلیم فرمود که سی و چهار مرتبه الله اکبر، سی و سه مرتبه الحمد لله، و سی و سه مرتبه سبحان الله بگوید.

وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش اسماعیل بن عمّار را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

اگر تو یک بار در شب و یک بار در روز این تسبیح را بگویی ذکر کثیر خداوند متعال را گفته‌ای «خداوند متعال را بسیار یاد کرده‌ای»^۱.
قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۱۰۱ سوره کهف «الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي...» در رابطه با ذکر الله و مصادیق آن توضیحاتی ارائه شده است.

توضیح:

ملاحظه فرمودید که یکی از مصادیق روشن و آشکار ذکر کثیر خداوند متعال تسبیح فاطمه زهرا سلام الله علیها می باشد که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به آن حضرت تعلیم فرمودند.

همچنین ملاحظه فرمودید که ذکر و یاد ائمه معصومین علیهم السّلام ذکر و یاد خداوند متعال می باشد «حدیث دوّم که ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است»، بنابراین:

طبق آیه ۲۲۷ سوره شعراء، شاعرانی که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام و به روز قیامت ایمان داشته باشند و اعمال صالح انجام دهند «عمل به تکالیف شرعی یعنی انجام واجبات و ترک محرّمات» و ذکر کثیر خداوند متعال را بگویند «که مصادیق ذکر خداوند متعال بیان شد و ملاحظه نمودید»،

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۷۰، حدیث ۱۲ «ذیل آیه ۴۱ سوره احزاب».

در این صورت این شاعران نه تنها در هر وادی سرگردان نیستند و نه تنها گمراهان از آن‌ها تبعیت نمی‌نمایند و آن‌ها رفیق و همراه گمراهان نیستند، بلکه: چنین شعرایی به راه راست و صراط مستقیم الهی هدایت شده‌اند و رفیق و همراه آن‌ها مؤمنین حقیقی و راستین می‌باشند، یعنی شیعیان. یکی دیگر از صفات شعرای هدایت‌شده به صراط مستقیم الهی که در آیه ۲۲۷ سوره شعرا به آن اشاره شده این است که:

این شعرا وقتی مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند برای دفاع از خویش و دفاع از مؤمنین و دفاع از حق به پا خاسته و با سرودن اشعار از مؤمنین دفاع کرده و دشمنان آن‌ها را رسوا می‌نمایند، لذا:

سرودن اشعار در رابطه با وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السّلام و مدح و منقبت آن ذوات مقدّسه و بیان فضائل و مناقب آن بزرگواران و رسوا کردن دشمنان آن ذوات مقدّسه مصداق اتمّ و اکمل دفاع از حق و مقابله با باطل می‌باشد و رفیق و یاور و همراه سراینده چنین اشعاری ملائکه مقربّ خداوند متعال می‌باشند. به عنوان نمونه به چند حدیث شریف و نورانی اشاره می‌شود.

الف) وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام فرمودند:

مَا قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ حَتَّى يُؤَيِّدَ بِرُوحِ الْقُدُسِ، یعنی:

هیچ شاعری در حقّ ما یک بیت شعر نمی‌گوید مگر اینکه مؤید به روح القدس می‌باشد «هر کس یک بیت شعر در مدح و منقبت ما بگوید به وسیله جبرئیل علیه‌السّلام مورد تأیید و همراهی قرار می‌گیرد».

این حدیث را علی بن سالم از امام صادق علیه‌السّلام نقل نموده است.^۱

ب) وجود مقدّس امام باقر علیه‌السّلام به یکی از شعرای شیعه به نام کُمیّت که در مدح و منقبت ائمه معصومین علیهم‌السّلام شعر می‌سرود فرمود:

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السّلام، جلد اول، مقدّمه مؤلف، صفحه ۱۰.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۹۵.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۱۲، «پاورقی».

ای کُمیت:

تا زمانی که از ما دفاع می کنی «با سرودن شعر از ما دفاع می کنی»،
روح القدس «جبرئیل علیه السلام» همراه تو است.^۱

ج) وقتی بعضی از شعرای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در محضر ائمه معصومین علیهم السلام اشعاری در مدح و منقبت آن ذوات مقدسه می سرودند آن بزرگواران به سراینده آن اشعار می فرمودند:

إِنَّمَا نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ، یعنی:

روح القدس «جبرئیل امین - نیروی غیبی الهی» این اشعار را بر زبان تو جاری ساخت و آنچه که گفתי به یاری و کمک او بود.^۲
قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۲۴ و ۲۵ سوره نحل «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا آسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ...» در رابطه با روح القدس توضیحاتی ارائه شده است.

د) وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، یعنی:

هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید خداوند متعال برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد.

این حدیث را عبدالله بن فضل هاشمی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۳

ه) وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرمودند:

مَا قَالَ فِينَا مَوْمِنٌ شِعْرًا يَمْدَحُنَابَهُ إِلَّا بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ

۱. تفسیر برهان، جلد پنجم، صفحه ۶۷۳، حدیث ۸ «ذیل آیه ۲۴ و ۲۵ سوره نحل».

۲. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۳۹۳، «ذیل آیه ۸۷ سوره بقره».

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، مقدمه مؤلف، صفحه ۱۰.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۹۵ «ذیل آیه ۲۲۷ سوره شعراء».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۱۲ «ذیل آیه ۲۲۷ سوره شعراء» پاورقی.

مَرَاتٍ يَزُورُهُ فِيهَا كُلُّ مَلَكٍ مُّقْرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُّرْسَلٍ، یعنی:

هر مؤمنی «هر شیعه‌ای» درباره ما شعری بگوید و ما را مدح نماید خداوند متعال در بهشت برای او شهری بنا می‌کند که هفت برابر دنیا است، و هر ملک مقرب «ملائکه مقرب الهی» و نبی مرسل او را در آن شهر زیارت می‌کند.

این حدیث را حسن بن جهم از امام رضا علیه‌السلام نقل نموده است.^۱ با توجه به احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷ سوره شعرا «تأویل آیات شریفه» این می‌شود که:

وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ (آیه ۲۲۴) یعنی:

شاعران کسانی هستند که گمراهان از آنان تبعیت و پیروی می‌کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ (آیه ۲۲۵)، یعنی:

آیا نمی‌بینی آن‌ها در هر وادی سرگردان هستند.

وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ (آیه ۲۲۶)، یعنی:

آن‌ها سخنانی می‌گویند که به آن‌ها عمل نمی‌کنند.

در آیه بعد خداوند متعال صف شعرای متدین و متعهد و ولایتمدار را از صفوف سایر شعرا جدا نموده و می‌فرماید:

مگر شعرای که:

۱. آمَنُوا، یعنی:

مگر شعرای که به خداوند متعال و به پیامبر اکرم و به ائمه معصومین علیهم‌السلام و به روز قیامت ایمان داشته باشند،

۲. وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، یعنی:

و عمل صالح انجام می‌دهند «به تکالیف شرعی خویش عمل می‌کنند، یعنی واجبات را انجام داده و از محرّمات اجتناب نمی‌نمایند».

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد اول، صفحه ۱۰ «مقدمه مؤلف بزرگوار جناب شیخ صدوق».

۳. وَ ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا، یعنی:

خداوند متعال را بسیار یاد می کنند،

همچنین ائمه معصومین علیهم السلام را بسیار یاد می کنند، چرا که طبق فرمایش امام صادق علیه السلام «حدیث دوّم» ذکر و یاد ائمه معصومین علیهم السلام ذکر و یاد خداوند متعال است و آن حضرت فرمودند:

إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، یعنی:

ذکر و یاد ما ذکر و یاد خداوند متعال است.

۴. وَأَنْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا، یعنی:

هنگامی که مورد ظلم و ستم واقع می شوند به دفاع از خویش و به دفاع از حق و دفاع از مؤمنین می پردازند، یعنی:

با سرودن شعر از ساحت مقدّس ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام دفاع کرده و فضائل و مناقب ائمه معصومین علیهم السلام را با اشعار خویش بیان کرده و دشمنان آن بزرگواران را رسوا می سازند.

اگر شعری این چهار ویژگی را داشته باشد در این صورت:

الف) روح القدّس «جبرئیل» همراه آنان است و آنان را یاری می کند.

ب) خداوند متعال در مقابل یک بیت شعری که آن‌ها در رابطه با ائمه معصومین علیهم السلام سروده‌اند و فضائل و مناقب آن ذوات مقدّسه را بیان نموده‌اند یک خانه و یک شهر در بهشت به آن‌ها اعطا می فرماید.

آیه ۲۲۷ سوره شعراء:

«... وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ».

ترجمه:

آن‌هایی که ظلم و ستم نمودند به زودی خواهند دانست که بازگشتشان به کجا خواهد بود.^۱

شرح لغات و توضیحات:

خداوند متعال در این قسمت از آیه شریفه مشرکین و به طور کلی تمام افرادی را که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دشمنی کرده و آن حضرت را مورد استهزاء قرار می‌دادند مورد تهدید قرار داده و می‌فرماید:

وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ = کسانی که ظلم و ستم کردند به زودی خواهند فهمید که بازگشت آن‌ها به کجاست، یعنی بازگشت این افراد به آتش جهنم است و جایگاه ابدی آن‌ها جهنم می‌باشد.

به طوری که از سیاق آیه شریفه و دیگر آیات این سوره مبارکه برمی‌آید مراد از این افراد مشرکین هستند که خداوند متعال آن‌ها را تهدید نموده و آن‌ها را از عذاب جهنم با خبر می‌سازد، لیکن این بدان معنا نیست که این عذاب الهی فقط منحصر به مشرکین می‌باشد بلکه شامل تمام کسانی است که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دشمنی می‌کردند.^۲

بدیهی است آن‌هایی که ظاهراً اسلام آورده بودند لیکن بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اهل بیت آن حضرت را مورد ظلم و ستم قرار داده و حقوق آن‌ها را غضب نمودند در زمره ظالمینی هستند که خداوند متعال آن‌ها را در این آیه شریفه مورد تهدید قرار داده است، بلکه ظالمین به آل محمد علیهم السلام در صدر ستمکاران واقع شده‌اند و شدیدترین عذاب‌ها در انتظار آن‌ها می‌باشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۷۴.

۲. المیزان، جلد سی‌ام، صفحه ۲۳۲.

ذیل آیه ۱۶۸ سوره نساء حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

کسانی که کافر شده و در حق آل محمد علیهم السلام ظلم کردند خداوند متعال آنها را نخواهد آمرزید.

همچنین ذیل آیه ۴۴ سوره شوری حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

ظالمین به آل محمد علیهم السلام و کسانی که در دنیا به اهل بیت پیامبر اکرم ظلم نموده اند وقتی که قیامت به پا می شود و جایگاه خودشان را در آتش جهنم می بینند آرزوی بازگشت به دنیا را می کنند تا بلکه بتوانند گناهان خود را جبران نمایند.

آیات فراوانی در قرآن کریم آمده که خداوند متعال افرادی را تهدید به عذاب الیم و دردناک نموده که از جمله این تهدیدشوندگان کسانی هستند که در دنیا ظلم کرده اند و یا آیات الهی را تکذیب نموده اند، و تأویل بسیاری از این آیات شریفه مربوط به کسانی است که به آل محمد علیهم السلام ظلم کرده اند و یا آن ذوات مقدسه را انکار نموده و ولایت آن بزرگواران را نپذیرفته اند، مانند آیه ۱۲۶ سوره طه که مقصود از آیات خداوند متعال در این آیه شریفه ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.

اینکه مصداق اتم و اکمل ظالمین چه کسانی هستند که خداوند متعال آنها را مورد تهدید قرار داده در بخش حدیث خواهد آمد.

حدیث:

۱. وجود مقدس امام رضا علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کردند که آن حضرت فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِدِينِي وَيَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ بَعْدِي فَلْيَقْتَدِ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيُعَادِ عِدْوَهُ وَيُؤَالِ وَلِيِّهٖ،

فَإِنَّهُ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ وَفَاتِي،

وَ هُوَ إِمَامٌ كُلُّ مُسْلِمٍ وَ أَمِيرٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي،

قَوْلُهُ قَوْلِي، وَ أَمْرُهُ أَمْرِي، وَ نَهْيُهُ نَهْيِي، وَ تَابِعُهُ تَابِعِي، وَ نَاصِرُهُ نَاصِرِي،

وَ خَاذِلُهُ خَاذِلِي،
 مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا بَعْدِي لَمْ يَرِنِي وَ لَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ،
 وَ مَنْ خَالَفَ عَلِيًّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ جَعَلَ مَاوِيَهُ النَّارَ،
 وَ مَنْ خَذَلَ عَلِيًّا خَذَلَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَعْرُضُ عَلَيْهِ،
 وَ مَنْ نَصَرَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَصَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ،
 الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
 وَ أُمَّهُمَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ،
 وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أَيْمَةٍ تَسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي،
 طَاعَتُهُمْ طَاعَتِي، وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي،
 إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُتَكِرِينَ لِفَضْلِهِمْ وَ الْمُضْيِعِينَ لِحَقِّهِمْ بَعْدِي،
 وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ نَاصِرًا لِعِزَّتِي وَ أَيْمَةَ أُمَّتِي وَ مُنْتَقَمًا مِنَ الْجَاهِلِينَ لِحَقِّهِمْ،
 وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، یعنی:

امام رضا علیه السلام فرمودند که پیامبر اکرم فرمودند:

هر کس دوست دارد که به دین من تمسک نماید «چنگ بزند» و بعد از من به کشتی نجات سوار شود باید به علی بن ابیطالب علیه السلام اقتدا کند «از علی علیه السلام تبعیت و پیروی کند» و با دشمنان آن حضرت دشمنی کند و با دوستان آن حضرت دوستی نماید.

علی علیه السلام در زمان حیات من و پس از مرگ من وصی و جانشین من است به ائمت من.

علی علیه السلام امام هر مسلمان و امیر هر مؤمن است پس از من. کلام و فرمایش علی علیه السلام کلام و فرمایش من است، امر و فرمان او امر و فرمان من است، نهی او نهی من است، تبعیت و پیروی از او تبعیت و پیروی از من است، یاری کردن او یاری کردن من است و خوار کردن او خوار کردن من.

هر کس بعد از رحلت من از علی علیه السلام جدا شود روز قیامت مرا نخواهد دید و من هم او را نخواهم دید.

هر کس با علی علیه السلام مخالفت کند خداوند متعال بهشت را به او حرام خواهد کرد و او را در جهنم قرار خواهد داد.

هر کس علی علیه السلام را ترک کند خداوند متعال او را روز قیامت ترک خواهد نمود و او را خوار می نماید.

هر کس علی علیه السلام را یاری کند خداوند متعال او را روز قیامت یاری خواهد کرد.

حسن و حسین هر دو امام امت من هستند بعد از پدرشان، و هر دو سید و آقای جوانان اهل بهشت می باشند.

مادر حسن و حسین یعنی حضرت زهرا سیده بانوان عالم می باشد و پدر آنها یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام سید و آقای اوصیاء است.

از فرزندان امام حسین علیه السلام نه نفر امام می باشند که نهمین آنها قائم آل محمد علیهم السلام است که از فرزندان من است.

اطاعت از آنها «یعنی حضرت علی و زهرا سلام الله علیهما و یازده امام از نسل آن دو بزرگوار» اطاعت از من است و مخالفت با آنها مخالفت با من «نافرمانی از آنها نافرمانی از من است».

هر کس بعد از من فضائل آنها را انکار کند و حقوق آنها را ضایع و پایمال نماید از آنها به خدا شکایت می کنم «از منکرین فضائل آنها و ضایع کنندگان حقوق آنها به خداوند متعال شکایت می کنم».

خداوند متعال بهترین ولی و ناصر برای عترتم و ائمه امتم می باشد و بهترین منتقم از منکرین ایشان است، و آنگاه وجود مبارک پیامبر اکرم این آیه شریفه را تلاوت فرمودند:

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ «آیه ۲۲۷ سوره شعراء».

این حدیث شریف را حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱. کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد اول، باب ۲۴، صفحه ۴۸۹، حدیث ۶.
تفسیر برهان، جلد ششم، صفحه ۷۶۸، حدیث ۵.

توضیح:

یعنی کسانی که بعد از رحلت پیامبر اکرم به اهل بیت آن حضرت ظلم کردند مصداق اتم و اکمل ظالمین هستند که خداوند متعال در این آیه شریفه «آیه ۲۲۷ سوره شعراء» آن‌ها را تهدید نموده و فرموده که جایگاه آن‌ها جهنم می‌باشند.

۲. در جوامع الجامع نقل شده که:

وجود مقدس امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ - آیه ۲۲۷ سوره شعراء» اینگونه قرائت و تلاوت می‌فرمودند:

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، یعنی:

کسانی که به آل محمد علیهم السلام ظلم کردند «حقوق آن‌ها را غصب نموده و امامت آن‌ها را منکر شده و آن‌ها را به شهادت رساندند» به زودی خواهند فهمید که بازگشتشان به کجا است و به چه جایگاهی منتقل خواهند شد.^۱

توضیح:

همانطور که قبلاً نیز به عرض رسیده مقصود این حدیث شریف این نیست که جمله آل محمد حَقَّهُمْ در این آیه شریفه «آیه ۲۲۷ سوره شعراء» بوده و بعداً حذف شده است، بلکه قرائت و تلاوت امام صادق علیه السلام احتمالاً ناظر به تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن می‌باشد و در واقع مصداق اتم و اکمل ظالمین مد نظر آیه شریفه را بیان می‌فرماید.

۳. در تفسیر قمی آمده که:

در این آیه شریفه «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ - آیه ۲۲۷ سوره شعراء» خداوند متعال از دشمنان آل محمد علیهم السلام و از کسانی که به آن ذوات مقدسه ظلم نموده‌اند یاد کرده و تهدیدشان نموده و فرموده:

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۹۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۰۵، حدیث ۱۲۱ «حدیث ۸۱۹۷».

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَتَّىٰ آيَ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.^۱

۴. در مناقب ابن شهر آشوب آمده که:

بعد از واقعه جانسوز عاشورا و شهادت سیدالشهداء علیه السلام و اصحاب آن حضرت رأس مطهر آن حضرت و سایر شهدا از کربلا به کوفه و از آن جا به شام منتقل شد، و رأس مطهر آن حضرت گاهی بر بالای نیزه بود، و گاهی بر روی درخت «احتمالاً زمانی که لشگریان یزید معلون در بین راه توقف می کردند تا استراحت کنند»، و گاهی نیز در داخل منزل «مثل تنور خولی ملعون».

در مناقب ابن شهر آشوب آمده که:

بعضی از مواقع که رأس مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام بر روی درخت قرار داده شده بود شنیده می شد که رأس مطهر آن حضرت این آیه شریفه را تلاوت می فرمود:

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.^۲

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۹۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۰۵، حدیث ۱۲۲ «حدیث ۸۱۹۸».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۰۵، حدیث ۱۲۳ «حدیث ۸۱۹۹».

«سوره نمل»

آیه ۱۶ سوره نمل:

«وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ».

ترجمه:

حضرت سلیمان وارث داود شد و گفت: ای مردم، زبان پرندگان و سخن گفتن پرندگان به ما تعلیم داده شده و از هر گونه نعمت به ما عطا گردیده و این همان فضل و بخشش آشکار خداوند متعال است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

حضرت سلیمان و پدرش حضرت داود علیهما السلام از پیامبران بنی اسرائیل بودند که توفیق یافتند حکومت تأسیس کنند و بتوانند با استفاده از قدرت حکومت آئین الهی و آئین یکتاپرستی را گسترش دهند.

از جمله نعمت‌هایی که خداوند متعال به حضرت سلیمان داده بود این بود که:

۱. نطق و سخن پرندگان را می‌دانست.
۲. اجنه و حیوانات در تسخیر او بودند و تحت فرمان او انجام وظیفه می‌کردند.
۳. باد مسخر او بود «تحت امر ایشان بود».

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۰۱.

ممکن است این نعمات، هم به حضرت سلیمان و هم به حضرت داود اعطا شده باشد.

در آیه ۱۷ همین سوره آمده که حضرت سلیمان لشکریانی از جنّ و انس و پرندگان داشت و این سه گروه از لشکریان حضرت سلیمان در خدمت ایشان بودند. گفته شده که دایره حکومت حضرت سلیمان منطقه شام «سوریّه و لبنان فعلی»، بیت المقدس و نواحی اطراف آنها بوده است. در آیه قبل «آیه ۱۵» آمده که:

خداوند متعال می فرماید:

ما به حضرت داود و پسرش حضرت سلیمان علم دادیم «مجموعه علوم که برای تشکیل حکومت نیاز داشتند» و سپس در ادامه آیه شریفه حضرت داود و سلیمان در مقام شکرگزاری از نعمات الهی برآمده و می گویند:

حمد و سپاس از آن خداوندی است که ما را با دادن مجموعه علوم و نعمت‌هایی که برای تشکیل حکومت لازم داشتیم بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری داد. حضرت داود و حضرت سلیمان معیار برتری را علم و سایر نعمت‌های الهی دانسته و در مقابل این نعمات الهی حمد و ثنای خدا را به جا آورده و خدا را شکر نموده‌اند.

اینکه حضرت داود و حضرت سلیمان خدا را شکر و سپاس گفتند به خاطر برتری دادن آنها بر بسیاری از بندگان مؤمن خدا نه همه بندگان مؤمن خدا، به این خاطر است که هم قبل از حضرت داود و سلیمان و هم بعد از آنها پیامبرانی بوده‌اند که مقام و منزلت و علم و قدرت آنها به مراتب از آن دو پیامبر الهی بیشتر بوده است. در این آیه شریفه «آیه ۱۶ سوره نمل» آمده که:

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ = حضرت سلیمان وارث داود شد، یعنی بعد از فوت حضرت داود اموال و حکومت ایشان به ارث به پسرش یعنی حضرت سلیمان رسید، یعنی حضرت سلیمان وارث همه مواهب پدرش داود شد.

این آیه شریفه که پیامبران هم از خود ارث باقی می‌گذارند و ورث آنها اموال پیامبر از دنیا رفته را به ارث می‌برند یکی از استنادات وجود نازنین حضرت فاطمه

زهرای سلام الله علیها به غاصبین فدک بود که انشاء الله تعالی در پایان بخش به آن اشاره خواهد شد.

قابل ذکر است که:

آن دو نفر پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای اینکه بتوانند غصب فدک را توجیه کنند حدیثی از قول پیامبر اکرم جعل کردند که آن حضرت فرموده‌اند:

نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ، مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ، یعنی:

ما پیامبران ارثی از خودمان باقی نمی‌گذاریم و هر چه از ما بماند صدقه است و باید در راه خدا خرج شود «یعنی به وراثت پیامبر از دنیا رفته چیزی نمی‌رسد».

به طور قطع و یقین فدک متعلق به صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌باشد و شکی در این نیست، ذیلاً به دلایل این امر اشاره می‌شود «بعضی از دلایل»:

۱. حضرت زهرا سلام الله علیها طبق آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» مقام عصمت دارند و معصوم می‌باشند و کسی که مقام عصمت داشته باشد گفتار و فرمایشش حجت و سند است و لازم الاجرا می‌باشد.

ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب در رابطه با عصمت آل محمد علیهم السلام توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خویش «سال هفتم هجری» فدک را به دخترشان صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها هبه کردند و بخشیدند و اساساً فدک ارث نبود که به حضرت زهرا برسد یا نرسد، و اگر هم ارث بود طبق این آیه شریفه «آیه ۱۶ سوره نمل» به آن حضرت می‌رسید.

۳. طبق همین آیه شریفه «آیه ۱۶ سوره نمل» حضرت سلیمان، وارث حضرت داود شد و اموال او را به ارث برد،

۴. طبق آیه ششم سوره مریم حضرت زکریا از خداوند متعال درخواست فرزند می‌کند که وارث او باشد «بِرِثْنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»،

و به دنبال این درخواست بود که خداوند متعال حضرت یحیی را به حضرت زکریا اعطا فرمود.

حضرت سلیمان و داود و یحیی و زکریا علیهم السّلام پیامبر بودند و اموال آنها به عنوان ارث به ورث آنها رسید، حال چگونه ممکن است حدیثی از پیامبر اکرم به جای مانده باشد که مخالف صریح قرآن باشد.

حضرت سلیمان به بعضی از نعماتی که خداوند متعال به او و به پدرش حضرت داود اعطا فرموده اشاره می نماید که در ادامه آیه شریفه آمده است.

وَ قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ = سلیمان پیامبر همه اقشار مردم را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای مردم:

خداوند متعال نطق پرندگان و سخن گفتن پرندگان را به ما «سلیمان و پدرش حضرت داود» تعلیم فرموده است.

یعنی حضرت سلیمان و پدرش حضرت داود علیهما السّلام با پرندگان صحبت کرده و مطالب خود را به یکدیگر می گفتند، مثل اینکه دو نفر انسان با یکدیگر صحبت کرده و مطالب خویش را به یکدیگر می گویند.

این موضوع در آیات ۲۰ تا ۲۸ همین سوره آمده که قرآن کریم صحبت های حضرت سلیمان با هدهد و پاسخ های هدهد به ایشان در رابطه با ملکه کشور سبا را بیان می فرماید «ذیل آیه ۴۳ سوره رعد نیز در این خصوص مطالبی عرض شده است».

حضرت سلیمان در ادامه صحبت خویش که خطاب به مردم می فرماید:
وَ أَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ = از هر چیزی بخشی یاد داده شده ایم، یعنی خداوند متعال از هر چیزی بخشی و قسمتی را به ما تعلیم فرموده است، یعنی:

بخشی از هر چیز و بخشی از هر نعمت که برای تشکیل حکومت الهی نیاز داشتیم خداوند متعال به ما اعطا فرمود.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ = این است فضل و بخشش خداوند متعال که ظاهر و آشکار است.

این قسمت از آیه شریفه ممکن است فرمایش خداوند متعال باشد به منظور اعلام این مطلب که نعماتی را که خداوند متعال به حضرت سلیمان و داود اعطا فرموده فضل و بخشش آشکار خداوند متعال می باشد به آن دو بزرگوار، و ممکن است این قسمت از آیه شریفه از حضرت سلیمان باشد به منظور اعتراف به نعمات الهی و عنوان نمودن آنها تحت عنوان حدیث نعمت و بیان کردن نعمت «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ، آیه ۱۱ سوره ضحیٰ»^۱.

حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت به ابن عباس فرمود: خداوند متعال سخن گفتن پرندگان را به ما آموخت همانگونه که به سلیمان نبی آموخته بود،

همچنین خداوند متعال سخن گفتن هر موجود و جنبنده ای را در خشکی و دریا به ما آموخته است «یعنی سخن گفتن همه موجودات زنده کره زمین».
این حدیث شریف را زراره از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَاللَّهِ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَعِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

به خدا قسم: سخن گفتن پرندگان و علم همه چیز به ما آموخته شده است.

۱. مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۸۸ تا ۹۰.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۰۱-۱۰۲.

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۹.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۴۰ تا ۴۴۴، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۹.

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۰۳.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۱۸، حدیث ۵.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۵۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۲۱، حدیث ۳۹ «حدیث ۸۲۳۷».

این حدیث را فیض بن مختار از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۳. امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

بر امام معصوم کلام و سخن هیچ یک از مردم مخفی نیست «یعنی زبان همه مردم کره زمین را می‌داند و به زبان آن‌ها با آن‌ها سخن می‌گوید»، همچنین کلام و سخن هیچ پرنده و چهارپا و موجود زنده‌ای که روح دارد بر امام معصوم پوشیده نیست «یعنی سخن و کلام همه موجودات زنده را می‌داند»، پس هر کس این صفات در او نباشد امام نیست. این حدیث را ابو بصیر از امام کاظم علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

از جمله ویژگی‌ها و خصوصیات امام معصوم و حجت خدا این است که با تک تک انسان‌های کره زمین به زبان آن‌ها صحبت می‌کند، و سخن گفتن با همه موجودات کره زمین را خداوند متعال به آن ذوات مقدسه آموخته است. این ویژگی از ویژگی‌های انحصاری انبیاء الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، به انضمام ده‌ها ویژگی منحصر به فرد دیگر که غیر از حجج خداوند متعال یعنی چهارده معصوم علیهم‌السلام هیچ انسان دیگری آن‌ها را دارا نمی‌باشد.

۴. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

هر موجود زنده و دارای روح را که خداوند متعال خلق فرموده شنونده کلام و سخن ما می‌باشند و مطیع اوامر ما، مطیع‌تر از فرزندان آدم «مطیع‌تر از انسان‌ها».

۱. تفسیر برهان جلد هفتم، صفحه ۲۸، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۱۷، حدیث ۲۸ «حدیث ۸۲۲۶».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۰۳.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۸، حدیث ۷ «حدیث ۷۴۴».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۰۳ - ۱۰۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۱۳، حدیث ۱۴ «حدیث ۸۲۱۲».

داستان از این قرار است که روزی امام باقر سلام الله علیه در محلی حضور داشتند و با دو کبوتر که روی دیواری نشسته بودند صحبت می فرمودند. یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام که در خدمت آن حضرت بود از موضوع صحبت آن حضرت با دو کبوتر سؤال نمود.

امام باقر سلام الله علیه فرمود:

آن دو کبوتر بر سر موضوعی با هم اختلاف داشتند لذا یکی از آن دو کبوتر به کبوتر دیگر گفت:

آیا به حکمیت و داوری امام محمد بن علی الباقر علیه السلام راضی هستی. کبوتر دیگر جواب داد: آری؛

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

پس از اینکه آن دو کبوتر به حکمیت و داوری من رضایت دادند من حقیقت امر را برای آن‌ها بیان کردم و هر دو کبوتر پذیرفتند و اختلاف آن‌ها خاتمه یافت. پس از این قضیه بود که وجود مبارک امام باقر علیه السلام فرمودند: همه موجودات زنده و دارای روح را که خداوند متعال خلق فرموده شنونده کلام و سخن ما می باشند و مطیع اوامر و دستورات ما، مطیع تر از انسان‌ها. این حدیث را محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۵. ابو حمزه ثمالی می گوید:

در محضر مبارک امام سجّاد علیه السلام بودم و در همان حال تعدادی گنجشک مشغول سر و صدا کردن بودند.

امام سجّاد علیه السلام به من فرمود:

ای ابا حمزه:

آیا می دانی این گنجشک‌ها چه می گویند.

ابو حمزه می گوید:

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۷۵، حدیث ۴ «حدیث ۱۲۷۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۰۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۱۳، حدیث ۱۶ «حدیث ۸۲۱۴».

به امام سجّاد علیه السّلام عرض کردم:
خیر، نمی دانم.

امام سجّاد علیه السّلام به من فرمود:
ای ابا حمزه:

این گنجشک‌ها پروردگارشان را تقدیس و تسبیح می کنند و رزق و روزی خودشان
را از خداوند متعال درخواست می کنند.

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش به ابو حمزه ثمالی
فرمود:

ای ابا حمزه:

به ما زبان پرندگان آموخته شده،

و از هر علم و دانشی بهره مند گشته ایم.^۱

۶. فضیل بن یسار می گوید:

در محضر امام صادق علیه السّلام بودم و در همان حال دو کبوتر مشغول سر و صدا
بودند و یکی از آن دو کبوتر با صدای مخصوص خودش با جفت خویش صحبت
می کرد.

امام صادق علیه السّلام به من فرمود:

ای فضیل:

آیا می دانی این کبوتر به جفت خویش چه می گوید.

فضیل می گوید:

عرض کردم: خیر نمی دانم.

امام صادق علیه السّلام فرمود:

کبوتر به جفت خویش می گوید:

خداوند متعال کسی را محبوب تر از تو برای من نیافریده جز مولا و سرورم جعفر

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۶، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین جلد پنجم، صفحه ۵۱۷، حدیث ۲۵ «حدیث ۸۲۲۳».

بن محمد علیه السلام.^۱

۷. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

ای مردم:

ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به ما اعطا شده است،
و این همان فضل و بخشش آشکار خداوند متعال است.
این حدیث را محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۸. ابراهیم می‌گوید:

پدرم گفت خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم:
یابن رسول الله، آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارث همه پیامبران
است.

امام کاظم علیه السلام فرمود: آری،

امام کاظم علیه السلام سپس فرمود:

خداوند متعال هیچ پیامبری را مبعوث به رسالت نفرموده مگر اینکه حضرت محمد
صلی الله علیه و آله و سلم از او اعلم می‌باشد «از او عالم‌تر می‌باشد».
عرض کردم:

عیسی بن مریم به اذن خداوند متعال مرده‌ها را زنده می‌کرد.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

آری راست گفتی، و سلیمان بن داود نیز زبان پرندگان را می‌دانست، و سپس امام

کاظم علیه السلام فرمود:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر همه این کارها توانا بود.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۷، حدیث ۴ و ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۱۷، حدیث ۲۷ «حدیث ۸۲۲۵».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۸، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۱۷، حدیث ۲۳ «حدیث ۸۲۲۱».

ما هستیم کسانی که خداوند متعال ما را انتخاب کرده و برگزیده و قرآن کریم را که تبیان کُلِّ شئی می باشد «بیان کننده همه چیز است» به ما به ارث داده است.^۱

۹. اسحاق بن عمّار می گوید:

من در محضر مبارک امام کاظم علیه السلام بودم که مردی از اهالی خراسان وارد شد و با زبانی با امام کاظم علیه السلام صحبت کرد که تا آن زمان نشنیده بودم و گویا زبان آن مرد خراسانی همانند کلام و سخن پرندگان بود، و امام کاظم علیه السلام نیز به همه سؤالات او پاسخ داد و سپس او محل را ترک کرد.

خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم:

تا به حال اینگونه سخن گفتن از شما نشنیده بودم.

امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

این قضیه جای تعجب ندارد، و شگفت انگیزتر از این قضیه این است که امام، سخن و کلام هر پرنده و سخن و کلام هر موجود زنده ای را می داند و هیچ چیز بر امام مخفی و پوشیده نیست.^۲

توضیح:

ملاحظه فرمودید که در آیه ۱۶ سوره نمل آمده که:

و وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ، یعنی:

حضرت سلیمان وارث پدرش حضرت داود شد و همه مواهب او را به ارث برد. همانطور که عرض شد طبق این آیه شریفه و طبق آیه ششم سوره مریم «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» که حضرت زکریا از خداوند متعال درخواست فرزند می کند که وارث او و وارث آل یعقوب باشد پیامبران نیز از خود ارث باقی می گذارند و فرزندان

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۲۷، حدیث ۷ «حدیث ۵۹۹».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۰۷ - ۱۰۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۲، حدیث ۱ «ذیل آیه ۲۰ سوره نمل».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۲۷، حدیث ۴۷ «حدیث ۸۲۴۵».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۱۵، حدیث ۲۰ «حدیث ۸۲۱۸».

آن‌ها از آن‌ها ارث می‌برند.

پس از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود و فدک غصب شد وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها به این آیه شریفه «آیه ۱۶ سوره نمل» استناد فرمودند تا حق خودشان را بگیرند، با اینکه فدک را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال هفتم هجری به یگانه دخترش حضرت زهرا سلام الله علیها بخشیده بود، لذا:

أَوْلَا فِدْكَ ارْثٌ نَبُوْدُ كَه طَبَقْ حَدِيْثِ جَعَلِي «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ مَا تَرَكَنَاهُ صَدَقَةٌ» به حضرت زهرا علیها سلام نرسد،

ثانیاً حتّی اگر فدک به حضرت زهرا علیها سلام هبه نشده باشد در این صورت نیز طبق صریح آیه ۱۶ سوره نمل و آیه ۶ سوره مریم فدک باید به ارث به حضرت زهرا علیها سلام برسد و حدیث جعلی نمی‌تواند مانع این کار شود، زیرا اگر حدیث و روایتی موافق کتاب الله نباشد جعلی است و از درجه اعتبار ساقط است.

به یک حدیث شریف و نورانی اشاره می‌شود.

وقتی که ابوبکر و عمر برای منع حضرت زهرا سلام الله علیها از فدک همدست شدند و حضرت زهرا سلام الله علیها از این قضیه مطلع شد به همراه چند نفر از اطرافیان و بانوان قوم خود به سوی مجلس ابوبکر حرکت نموده و وارد مسجد شدند و سپس دستور فرمودند تا پرده‌ای زده شد و آنگاه آن حضرت پشت پرده جلوس فرموده و آه دردناکی از دل کشیدند که در نتیجه آن همه اهل مجلس به گریه افتادند و مجلس یکپارچه اندوه و عزا شد، سپس وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها شروع به صحبت نموده و پس از حمد و ثنای خداوند متعال و بیان گوشه‌ای از فضائل و مناقب پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت مسلمانان حاضر در مسجد را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ:

أَغْلَبَ عَلَيَّ إِرْثِيهِ، یعنی:

ای مسلمانان:

آیا شایسته است که من از ارث خودم محروم باشم.

وجود مقدس فاطمه زهرا سلام الله علیها سپس ابوبکر بن ابی قحافه را مورد خطاب قرار داده و فرمودند:

يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ:

أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا أَرِثُ أَبِي،

لَقَدْ جِئْتُ شَيْئًا فَرِيًّا،

أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَنَبَذْتُمُوهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ:

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ، یعنی:

فاطمه زهرا سلام الله علیها به ابوبکر بن ابی قحافه فرمود:

ای پسر ابو قحافه:

آیا در قرآن کریم است که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم،

این چیز عجیبی است،

به تحقیق از نزد خود حکم تازه و دروغی ساخته‌ای،

آیا قرآن کریم را فراموش کرده و آن را پشت سر افکنده‌اید،

آنجا که می‌فرماید:

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ «آیه ۱۶ سوره نمل»، یعنی:

حضرت سلیمان از حضرت داود ارث برد.^۱

قابل ذکر است که:

موضوع فدک و غصب آن در منابع اهل سنت نیز آمده که به عنوان نمونه فقط به

یک مورد اشاره می‌شود.

در سیره حلبی آمده که:

فاطمه دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد ابوبکر آمد در حالی که ابوبکر

روی منبر بود و در همین حال به ابوبکر گفت:

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت زهرا علیها سلام درباره فدک، صفحه ۲۲۶ تا ۲۴۵، حدیث ۴۹.

المیزان، جلد سی‌ام، صفحه ۲۹۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۱۱، حدیث ۹ «حدیث ۸۲۰۷».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۴۴.

ای ابوبکر:

آیا در کتاب خدا است «آیا در قرآن کریم است» که دختر تو از تو ارث ببرد اما من از پدرم ارث نبرم.

ابوبکر گریه کرد و اشک از چشمانش جاری شد و از منبر پائین آمد و نامه‌ای دایر به واگذاری فدک به حضرت فاطمه نوشت.

در همین حال عمر بن خطاب وارد شد و به ابوبکر گفت:

این چیست؟

ابوبکر گفت:

این نامه‌ای است که من نوشتم تا میراث فاطمه را از پدرش به او واگذارم. عمر بن خطاب به ابوبکر گفت:

اگر این کار را بکنی هزینه جنگ با دشمنان را از کجا فراهم خواهی کرد درحالی که عرب بر ضد تو قیام کرده است، و در همین حال عمر بن خطاب نامه را گرفت و پاره کرد.

همچنین در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید سنّی مذهب آمده که:

ابن ابی الحدید می گوید:

از استاد علی بن فارقی پرسیدم:

آیا فاطمه علیها السلام در ادّعی خود راجع به فدک راست می گفت.

علی بن فارقی پاسخ داد:

آری، فاطمه علیها السلام راست می گفت.

به علی بن فارقی گفتم:

پس چرا ابوبکر فدک را به فاطمه علیها السلام واگذار نکرد با اینکه او را صادق و

راستگو می دانست.

علی بن فارق تبسم پر معنایی کرد و به من گفت:

لَوْ أَعْطَاهَا الْيَوْمَ فَدَكَ بِمَجْرَدِ دَعْوَاهَا لَجَاءَتْ إِلَيْهِ غَدًا وَ ادَّعَتْ لِرِوَجِهَا الْخِلَافَةَ،

وَ زَحْزَحَتْهُ عَنْ مَقَامِهِ وَ لَمْ يَكُنْ يُمَكِّنُهُ الْأَعْتِدَارُ وَ الْمُوَافَقَةَ بِشَيْءٍ، یعنی:

اگر آن روز ابوبکر فدک را به ادّعی فاطمه علیها السلام به او می داد فاطمه

علیها السّلام فردای آن روز می آمد و خلافت را برای همسرش علی بن ابیطالب علیه السّلام ادّعا می کرد و ابوبکر را از مقامش دور می کرد و برکنار می نمود، و در این صورت ابوبکر نه عذر و بهانه ای برای بازگو کردن داشت و نه امکان موافقت.^۱

ذیل آیه ۲۶ سوره اسراء «وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ...» و ذیل آیه هفتم سوره مریم «یا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَىٰ...» در رابطه با فدک و اعطاء آن به فاطمه زهرا سلام الله علیها مطالبی به عرض رسیده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۴۵۳ تا ۴۵۵ «ذیل آیه ۱۵ و ۱۶ سوره نمل».

آیه ۸۹ و ۹۰ سوره نمل:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» آیه ۸۹.
 «وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ، هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» آیه ۹۰.

ترجمه:

کسانی که کار نیک انجام دهند پاداشی بهتر از آن خواهند داشت و آن‌ها از ترس و وحشت روز قیامت در امان هستند، (آیه ۸۹)،
 و آن‌ها که کار بد انجام دهند به صورت در آتش افکنده می‌شوند، آیا کیفر و جزایی جز آنچه عمل کردید خواهید داشت. (آیه ۹۰)^۱

شرح لغات و توضیحات:

حَسَنَةٌ = کار نیک، عمل صالح، عمل خیر، عمل بر وفق دستورات شرعی؛
 ضِدَّ حَسَنَةٍ، سَيِّئَةٌ می‌باشد.

حسنة معنی وسیعی دارد و شامل همه کارهای نیک می‌شود.

بعضی از مفسرین مقصود از حسنه را ایمان به خداوند متعال عنوان نموده‌اند.
 با توجه به اینکه اعمال صالح «اعم از واجبات یا مستحبات» زمانی به انسان فایده دارند که شخص ایمان به خدا و رسول داشته باشد، لذا حسنه می‌تواند جمع بین این دو باشد، یعنی ایمان و عمل صالح «کار نیک»، لذا:

حسنة = ایمان «ایمان به خدا و رسول و اوصیاء رسول خدا و ایمان به روز قیامت»،
 و عمل صالح؛

سَيِّئَةٌ = گناه، عمل بد، بسیاری از مفسرین معنی سَيِّئَةٌ در این آیه شریفه را کُفْر و شرک عنوان کرده‌اند، همانطور که حَسَنَةٍ را ایمان معنا نموده‌اند.

فَزَعٍ = ترس، وحشت، ترس و وحشتی که تمام قلب انسان را فرا می‌گیرد؛

وَجْهٍ = صورت «وجوه = صورت‌ها»؛

۱. تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۶۰۴.

كَبَّ = «بر و زن جَدَّ» یعنی افکندن چیزی با صورت به روی زمین - به رو انداختن^۱.

خداوند متعال در این آیات شریفه به بیان پاداش و عقاب اعمال نیکان و بدان «مؤمنین و غیرمؤمنین» در قیامت پرداخته و می‌فرماید:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ = هر کس عمل نیکی با خود بیاورد، یعنی:

هر کس در دنیا کار خیری انجام دهد «اعمال صالح به جای بیاورد».

با توجه به اینکه اعمال نیک و کارهای خوب زمانی برای شخص فایده دارند که شخص ایمان به خداوند متعال و سایر اصول دین داشته باشد،

لذا کسانی که ایمان به خدا و رسول خدا و اوصیاء رسول خدا و روز قیامت دارند

اگر حسنه‌ای به همراه خود بیاورند «کار نیکی انجام دهند»،

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال نتیجه آن را بیان می‌فرماید.

فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا = خداوند متعال پاداش بهتری به صاحب عمل می‌دهد.

مقصود از پاداش بهتر می‌تواند این موارد باشد:

۱. خداوند متعال چند برابر آن عمل پاداش می‌دهد، یعنی:

آن عمل هر قدر استحقاق پاداش داشته باشد خداوند متعال چندین برابر استحقاق

آن عمل پاداش می‌دهد.

۲. به این جهت پاداش بهتر گفته می‌شود، زیرا پاداش فعل خداوند متعال است،

ولی کار خیر و عمل صالح فعل انسان.

۳. پاداش خداوند متعال بهتر است چرا که همراه با رضایت و خشنودی خداوند

سبحان می‌باشد، و معلوم است که رضایت و خشنودی خداوند متعال از عمل ناچیز

انسان به مراتب بهتر و عالی‌تر می‌باشد.

قابل ذکر است که هر سه موضوع می‌تواند صحیح باشد چرا که یک معنا را بیان

می‌کنند و آن بهتر بودن پاداش الهی از عمل انسان می‌باشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۱.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۵۹۸ - ۶۰۵ تا ۶۰۷.

مفردات راغب.

وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ = این افراد در روز قیامت از ترس و وحشت در امان هستند.

روز قیامت روز فزع اکبر هم نامیده شده است یعنی روز ترس و وحشت عظیم و بزرگ، و این معنا در آیات مختلفی بیان شده که ترس و وحشت عظیم و بسیار بزرگی در روز قیامت گریبانگیر مردم می شود اما عده ای از مردم از این ترس و وحشت عظیم در امان هستند.

ذیل آیه ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره انبیاء اشاره شد که چه کسانی در روز فزع اکبر یعنی در روز قیامت در امان هستند و حُزن و اندوهی ندارند.

در این آیه شریفه «آیه ۸۹ سوره نمل» نیز خداوند متعال می فرماید که: کسانی که به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام و روز قیامت ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند در روز قیامت از ترس و وحشت در امان هستند. در این آیات شریفه «آیات ۸۹ و ۹۰ سوره نمل» آمده که هر کس با خود حَسَنَه و یا سیئه ای بیاورد نتیجه آن ها را روز قیامت می بیند.

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَيْتٌ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ = هر کس سیئه ای با خودش بیاورد، یعنی هر کس در دنیا مرتکب سیئه ای بشود در روز قیامت با صورت به داخل آتش جهنم افکنده می شود.

همانطور که عرض شد کَبَّ به معنی افکندن چیزی به صورت بر زمین می باشد، لذا آوردن کلمه وجوه «یعنی صورت ها» از باب تأکید می باشد، یعنی اگر کلمه وجوه «صورت ها» در آیه شریفه نیامده بود معنی آیه شریفه این بود که:

افرادی که مرتکب سَبِيَّة «گناه - عمل بد» شوند روز قیامت با صورت به آتش افکنده می شوند، لذا آمدن کلمه وجوه تأکید بر مطلب می باشد.

ضمناً اگر در آیه شریفه کلمه کَبَّ آمده که معنی انداختن با صورت می باشد حاکی از شدت غضب الهی است و گرنه وقتی قرار است شخصی به داخل آتش جهنم انداخته شود تفاوتی ندارد که چگونه داخل آتش جهنم شود، بنابر این آوردن کلمه کَبَّ یعنی انداختن با صورت و کلمه وجوه یعنی صورت ها هر دو مبین شدت غضب خداوند متعال به این گروه از گنهکاران می باشد.

اکثر مفسّرین مقصود از سیئه را در این آیه شریفه کُفر و شرک عنوان فرموده‌اند، یعنی کافرین و مشرکین روز قیامت با صورت به داخل جهنّم افکنده می‌شوند، البتّه غیر از کافرین و مشرکین گروه دیگری نیز هستند که به شدّت مورد خشم و غضب خداوند متعال می‌باشند و مانند کافرین و مشرکین با صورت به داخل جهنّم پرتاب خواهند شد که در بخش حدیث اشاره خواهد شد.

اینکه مقصود از حَسَنه و سَيِّئه چیست که کسانی که حَسَنه به همراه دارند از ترس و وحشت عظیم روز قیامت در امان هستند و کسانی که سَيِّئه به همراه دارند مثل کافرین و مشرکین با صورت به آتش جهنّم افکنده می‌شوند انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.

هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ = آیا جز کیفر اعمالتان به شما داده می‌شود، یعنی آیا جزا و کیفری جز آنچه عمل می‌کردید خواهید داشت. در واقع این قسمت از آیه شریفه علّت این عذاب شدید را بیان می‌فرماید و معنی آن این است که:

این عذاب شدیدی که گرفتار آن شده‌اید نتیجه اعمال و اعتقادات خود شما بوده که گریبانتان را گرفته است و دقیقاً جزا و کیفر اعمال و اعتقادات خودتان می‌باشد.^۱

ترس و وحشت روز قیامت از منظر قرآن کریم:

ترس و وحشت حاکم بر قیامت به قدری بزرگ و عظیم است که در آیه ۱۰۳ سوره انبیا از آن به عنوان فرع اکبر «بزرگ‌ترین ترس - خوف عظیم» یاد شده است. خداوند متعال در آیات متعددی از ترس و وحشت روز قیامت یاد فرموده و آن را بازگو نموده تا مردم بدانند اگر نافرمانی خدا را بکنند سرنوشتشان چگونه است و به کجا باز خواهند گشت.

۱. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۴۸ - ۱۵۱.

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۶۰۵ تا ۶۰۷.

المیزان، جلد سی‌ام، صفحه ۳۵۶ - ۳۶۳.

چند آیه از قرآن کریم به عنوان نمونه عرض می شود.

۱. آیه اوّل و دوّم سوره حج:

خداوند متعال می فرماید:

ای مردم، از خدا بترسید که زلزله روز قیامت امر عظیم و بزرگی است. روز قیامت آنچنان وحشت سراپای همه را فرا می گیرد که هر مادر شیردهی کودک شیرخوارش را فراموش می کند و هر باردار و حامله ای جنین خود را بر زمین می نهد «از ترس سقط جنین می کند».

روز قیامت مردم را به حالت مست می بینی درحالی که مست نیستند بلکه عذاب خدا شدید است «ترس و خوف روز قیامت باعث این قضایا می شود که ذکر شد».

۲. آیه ۸ تا ۱۴ سوره معارج:

روز قیامت آسمان مانند فلز گداخته می شود، کوه ها مانند پشم متلاشی می شوند، و در روز قیامت هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی گیرد. روز قیامت مجرمین دوست دارند و آرزو می کنند که همسر، برادر، قبیله خویش و همه مردم روی زمین را فدا کنند تا بلکه نجات پیدا کنند اما هرگز چنین نخواهد شد.

۳. آیه ۳۳ تا ۳۷ سوره عبس:

وقتی که قیامت می شود و صدای مهیب و گوشخراش قیامت می آید آن صیحه و آن صدا چنان عظیم و ترسناک است که انسان از برادر خود و مادر و پدرش و زن و فرزندش فرار می کند، یعنی:

ترس و وحشت به قدری زیاد است که انسان نزدیکان خویش را رها کرده و فرار می کند، اما جای فراری نیست.

ترس روز قیامت به حدّی زیاد است که هر کس مشغول خویش بوده و فرصت پرداختن به دیگران را ندارد.

معنی و توضیح آیات شریفه‌ای که ذکر شد از تفسیر نمونه انتخاب گردید. همانطور که عرض شد ترس و وحشت روز قیامت به حدی زیاد است که خداوند متعال آن را فرع اکبر و شیئی عظیم عنوان فرموده است. لیکن گروهی از انسان‌ها هستند که از این ترس و وحشت عظیم و وحشتناک روز قیامت در امان هستند و ترس و خوف قیامت شامل حال آن‌ها نمی‌شود و حُزن و اندوهی نیز ندارند.

اینکه این افراد چه کسانی هستند انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد. ضمناً، خاطر نشان می‌سازد که ذیل آیه ۶۲، ۶۳ و ۶۴ سوره یونس و ذیل آیه ۱۰۱، ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره انبیاء نیز احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده و طی آن احادیث شریف عنوان شده که شیعیان و محبین چهارده معصوم علیهم‌السلام روز قیامت خوف و حزنی ندارند و از وحشت عظیم روز قیامت در امان هستند.

حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام به یکی از اصحاب خویش به نام ابو عبدالله جدلی فرمود:

آیا از معنی این کلام خداوند متعال می‌خواهی تو را باخبر کنم که می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ، وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ - آیه ۸۹ و ۹۰ سوره نمل».

ابو عبدالله جدلی عرض کرد: آری فدایت شوم.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمود:

الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوَلَايَةِ وَحُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ السَّيِّئَةُ انْكَارُ الْوَلَايَةِ وَ بُعْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، یعنی: حَسَنه شناخت ولایت و امامت ما و دوستی و محبت ما اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد،

و سَيِّئَه انکار ولایت و امامت ما و دشمنی با ما اهل بیت پیامبر اکرم است.

این حدیث را هم زید بن علی بن حسین و هم عبدالرحمن بن کثیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده‌اند.^۱

۲. در تفسیر قمی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که فرموده‌اند: به خدا قسم منظور از حسنه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می‌باشد، و منظور از سیئه دشمنی با آن حضرت است.^۲

۳. امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از حسنه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است، و مراد از سیئه دشمنی و بغض با آن حضرت می‌باشد، و کسی که بغض علی علیه السلام را در دل داشته باشد هیچ عملی از او قبول نمی‌گردد.^۳

۴. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:
 يَا عَلِيُّ: لَوْ أَنَّ أُمَّتِي صَامُوا حَتَّى صَارُوا كَالْأَوْتَادِ وَ صَلُّوا حَتَّى صَارُوا كَالْخَنَاطِيَا، ثُمَّ أَبْغَضُوا
 لَا كَبَّهُمْ اللَّهُ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ، یعنی:
 یا علی:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۶۲، حدیث ۱۴ «حدیث ۴۷۳».

مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۳۵ - ۱۳۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۴، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۸، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۷۳، حدیث ۱۲۷ «حدیث ۸۳۲۵».

تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، صفحه ۶۰۵ - ۶۰۶.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۶۹، حدیث ۱۲۰ «حدیث ۸۳۱۸».

المیزان، جلد سی ام، صفحه ۳۶۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۷۰، حدیث ۱۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۳۵.

۳. تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۷۵، حدیث ۱۳۲ «حدیث ۸۳۳۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۳۶.

اگر ائمت من آنقدر روز بگیرند که مثل میخ باریک شوند «لاغر شوند» و آنقدر نماز بخوانند که کمرشان خمیده شود اما بغض تو را در دل داشته باشند خداوند متعال آن‌ها را با صورت به داخل جهنم خواهد انداخت.

این حدیث شریف را جابر بن عبدالله انصاری از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۱

۵. ابو جارود و ابی داود سیعی از ابو عبدالله جدلی نقل می‌کنند که:

ابو عبدالله جدلی گفت:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به من فرمود:

آیا می‌دانی آن حسنه چیست که هر کس آن را با خود بیاورد از فرع و وحشت روز قیامت در امان خواهد بود،

و آیا می‌دانی آن سیئه چیست که هر کس آن را با خود بیاورد با صورت به داخل جهنم انداخته خواهد شد.

به حضرت امیر علیه السلام عرض کردم:

خیر نمی‌دانم.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

الْحَسَنَةُ حُبُّنَا وَالسَّيِّئَةُ بُغْضُنَا، یعنی:

مقصود از حسنه حُب ما اهل بیت پیامبر اکرم می‌باشد،

و مقصود از سیئه بغض ما اهل بیت است، یعنی:

هر کس از دنیا برود درحالی که ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته باشد و آن ذوات مقدسه را دوست داشته باشد انشاءالله تعالی اهل بهشت است،

و هر کس از دنیا برود درحالی که بغض ائمه معصومین علیهم السلام را در دل داشته و با آن ذوات مقدسه دشمنی داشته باشد خداوند متعال او را با صورت به

۱. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۹، حدیث ۱۳.

داخل جهنم پرتاب خواهد نمود.^۱

توضیح:

این حدیث در تفسیر حبری «از تفاسیر اهل سنت» نیز آمده است.

در این تفسیر از ابو عبدالله جدلی نقل شده که:

ابو عبدالله جدلی می گوید:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به من فرمود:

آیا تو را از حسنه‌ای آگاه کنم که هر کس آن را با خود بیاورد خداوند متعال او را وارد بهشت می کند و با او آنگونه عمل می کند که او دوست دارد، و آیا تو را از سیئه‌ای آگاه کنم که هر کس آن را با خود بیاورد خداوند متعال او را با صورت به داخل جهنم می افکند و هیچ عملی از او پذیرفته نمی شود.

عرض کردم: بله یا امیرالمؤمنین

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

حسنة دوست داشتن ما است و سیئه دشمنی کردن با ما.^۲

۶. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس امام خود از آل محمد علیهم السلام را بشناسد و ولایت و امامت او را بپذیرد در آن صورت اگر عمل صالح و کار نیکی انجام داده باشد از وی پذیرفته می شود «عمل او مورد قبول درگاه الهی واقع می شود» و ثواب اعمال صالح او چند برابر می شود،

اما اگر افرادی امام جائری را که منصوب از ناحیه خداوند متعال نیست به عنوان

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۵، حدیث ۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷، حدیث ۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷، حدیث ۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۸، حدیث ۱۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۷۵، حدیث ۱۳۱ «حدیث ۸۳۲۹».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۷۱، حدیث ۱۷.

ولی و امام خویش انتخاب نمایند اعمال صالح و کار نیک آن‌ها پذیرفته نمی‌شود و اعمال آن‌ها مورد قبول درگاه الهی واقع نمی‌شود. فردی که در محضر امام صادق علیه‌السلام حضور داشت خدمت آن حضرت عرض کرد:

یابن رسول‌الله، مگر خداوند متعال نفرموده است:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمِيذٍ آمِنُونَ «آیه ۸۹ سوره نمل»،

پس چگونه حسنه و عمل صالح کسانی که امامان جور را به عنوان ولی و امام خویش انتخاب می‌کنند پذیرفته نمی‌شود و مقبول واقع نمی‌گردد.

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

منظور از حسنه در این آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمِيذٍ

آمِنُونَ - آیه ۸۹ سوره نمل»، شناخت امام معصوم و اطاعت از او است،

و منظور از سیئه در این آیه شریفه «وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ... - آیه

۹۰ سوره نمل» انکار امام معصوم منصوب از ناحیه خداوند متعال است، بنابراین:

هر کس ولایت امام جائر را پذیرفته باشد و امامت ما را انکار نموده باشد خداوند

متعال روز قیامت او را با صورت به داخل جهنم خواهد انداخت.

این حدیث را عمّار ساباطی از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۷. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

منظور از حسنه در این آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمِيذٍ

آمِنُونَ - آیه ۸۹ سوره نمل»، ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد،

و منظور از سیئه در این آیه شریفه «وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وَ جُوهُهُمْ فِي النَّارِ... - آیه

۹۰ سوره نمل»، دشمنی با آن حضرت است.

این حدیث را جابر جعفری از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۶ - ۶۷، حدیث ۵ و ۸.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۷۳، حدیث ۱۳۰ «حدیث ۸۳۲۸».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۸، حدیث ۱۰.

۸. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

وقتی که قیامت به پا می‌شود و همه مردم محشور می‌شوند وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و شیعیان حضرت امیر علیه السّلام بر روی منبرهایی از نور قرار می‌گیرند، در آن روز همه مردم محزون و غمگین هستند اما آن‌ها (شیعیان) حزن و اندوهی ندارند،

و در آن روز همه مردم در خوف و وحشت هستند اما آن‌ها (شیعیان) خوف و وحشتی ندارند،

و آنگاه وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام این آیه شریفه را «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرْعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» - آیه ۸۹ سوره نمل « تلاوت نموده و فرمودند: به خدا قسم منظور از حَسَنه در این آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد.

این حدیث را عمرو بن ابی شیبّه از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۹، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۶۹، حدیث ۱۲۱ «حدیث ۸۳۱۹».

«سوره قصص»

آیه ۵ و ۶ سوره قصص:

«وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» آیه ۵.
«وَنُفِخَ فِي الْأَرْضِ...» آیه ۶.

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

اراده و مشیت ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین روی زمین منت گذاشته و آن‌ها را مشمول نعمات و مواهب خویش نموده و آن‌ها را پیشوایان و رهبران و وارثین روی زمین قرار دهیم. آیه ۵.
آن‌ها را «مستضعفین را» نیرومند و قوی و صاحب قدرت نموده و حکومت آن‌ها را مستقر و پایدار سازیم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

نُرِيدُ = اراده می کنیم، اراده ما بر این قرار گرفته؛

نَمُنُّ = از منت می آید یعنی منت می گذاریم؛

مَنْتٌ = بخشیدن و اعطا کردن انواع نعمت‌ها و موهبت‌ها، نعمت زیاد و فراوان؛

مَنْتٌ = «نعمت فراوان به کسی اعطا کردن»، دو نوع می باشد:

۱. تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۲۷.

۱. **مَنْتَ عملی** = «مانند آیه ۵ سوره قصص و تُرِيدُ أَنْ نَمَنَّ...» یعنی اراده کرده ایم کسانی را که به ضعف کشیده شده اند «مستضعفین» نعمت های فراوان بدهیم، یعنی به آن ها حکومت روی زمین را عطا کنیم.

۲. **مَنْتَ زبانی** = بازگو کردن نعمت به قصد تحقیر طرف مقابل، یعنی اگر انسان به کسی کمک کرد «هر نوع کمکی» آن را با زبان خویش بیان کند و قصدش این باشد که او را تحقیر نماید که این نوع مَنْت «مَنْتَ زبانی» عملی است بسیار مذموم و زشت. **مُسْتَضْعَفٌ** = از مادّه ضعف می آید، یعنی کسی که او را به ضعف کشانده اند و در زنجیر نموده اند، لذا:

مستضعف به فرد ضعیف و ناتوان و بی اراده گفته نمی شود که در اثر سستی و تنبلی ضعیف شده باشد بلکه مستضعف کسی است که به وسیله مستکبران و ظالمان و جباران و زورگویان به ضعف کشانده شده است یعنی حقّ او را به زور گرفته اند و یا مال او را به زور تصرف کرده اند، لیکن این گروه راضی به این وضعیّت نبوده و همواره سعی می کنند تا حقّ خودشان را از مستکبرین و ظالمین بگیرند، و خداوند متعال به چنین گروهی وعده نصرت و وعده حکومت بر روی زمین را داده است. **ائمّه** = جمع امام، یعنی رهبران، پیشوایان.

وارث قراردادن مستضعفین در روی زمین = یعنی تسلّط و پیروزی دادن آن ها بر مستکبران و انسان های ناصالح، پس معنی این جمله که مستضعفین وارث زمین خواهند شد این است که مالک و صاحب اختیار زمین خواهند شد و زمین به تصرف آن ها در خواهد آمد.

ذیل آیه ۱۰۵ سوره انبیاء نیز در این خصوص توضیحاتی ارائه شده است. **تمکین** = تمکین هر چیز کنایه از ثبات آن چیز و زوال ناپذیری آن می باشد، پس تمکین دادن در روی زمین به مستضعفین یعنی قدرت بخشیدن به آن ها، یعنی فراهم کردن عوامل لازم برای آن ها تا آن ها به قدرت برسند، لذا:

تمکین مستضعفین در روی زمین یعنی اینکه خداوند متعال جا و مکانی به آن ها بدهد که مالک آن جا شوند و قدرت پیدا کنند و آن جا استقرار پیدا کنند و هیچ قدرتی

نتواند از آن جلوگیری کند. راجع به معنی تمکین ذیل آیه ۵۵ سوره نور و آیه ۴۱ سوره حج نیز توضیحاتی ارائه شده است.^۱

توضیح:

در قرآن کریم در پنج مورد سخن از مستضعفین به میان آمده و عموماً سخن از مؤمنینی است که به وسیله مستکبرین و جبّاران به ضعف کشانده شده‌اند و تحت فشار آن‌ها بوده‌اند.

اما در یک مورد سخن از کسانی است که با ظالمین و جبّاران و کافرین همکاری داشته و ادّعیای مستضعف بودن نموده و خودشان را مستضعف عنوان می‌نمایند، لیکن خداوند متعال ادّعیای آن‌ها را نفی فرموده و بیان می‌فرماید که زمین خداوند متعال گسترده و وسیع بود و شما می‌توانستید از آن سرزمین که تحت سلطه جبّاران و مستکبرین بود مهاجرت نموده و خودتان را از چنگال آن‌ها نجات بدهید «آیه ۹۷ سوره نساء».

قابل ذکر است که استضعاف انواع و اقسامی دارد، لذا مستضعف «کسی که توسط مستکبرین و جبّاران به ضعف کشانده شده» ممکن است مستضعف فکری باشد، ممکن است مستضعف فرهنگی باشد، ممکن است مستضعف اقتصادی باشد و یا مستضعف سیاسی، اخلاقی و...^۲

در آیات قبل خداوند متعال اوصاف فرعون را بیان فرموده که چگونه طغیان بزرگ و فساد عظیم و بزرگی در روی زمین به وجود آورد «مقصود از طغیان بزرگ و فساد عظیم همان ادّعیای خدایی فرعون بود»، چگونه ملّت و مردمش را فرقه فرقه کرد، گروهی از آن‌ها را سر برید، گروهی دیگر را به ضعف کشانده و مستضعف نمود و... . مقصود از گروهی که توسط فرعون به ضعف کشانده شده و مستضعف شدند بنی اسرائیل می‌باشند که از اولاد حضرت یعقوب پیامبر هستند.

۱. المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۱۴ - ۱۵.

تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۲۸ - ۳۱.

۲. تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۳۲.

فرعون شنیده بود که از بنی اسرائیل پسری متولد می‌شود که بساط تاج و تخت او را به هم می‌زند لذا هر فرزند پسری که از بنی اسرائیل به دنیا می‌آمد توسط عوامل فرعون کشته می‌شد لیکن نوزادان دختر را جهت کنیزی و خدمتکاری زنده نگه می‌داشتند. به طور کلی سیاست فرعون حمایت از قبطیان بود «بومیان مصر» و سرکوب و قتل و کشتار و به ضعف کشاندن سبطیان «یعنی مهاجران بنی اسرائیل که به صورت غلام و کنیز و برده در خدمت قبطیان بودند».

خداوند متعال پس از بیان طغیان و ظلم و فساد فرعون می‌فرماید:
ما اراده کرده‌ایم که آن‌هایی را که مستضعف شده‌اند «یعنی بنی اسرائیل» را قدرت بخشیم و به آن‌ها حکومت دهیم.

ظاهر آیات شریفه در رابطه با بنی اسرائیل است که خداوند متعال اراده فرموده تا آن‌ها را از دست مستکبرین یعنی فرعون نجات داده و به آن‌ها حکومت ببخشد، لیکن تأویل آیات شریفه در رابطه با آل محمد علیهم السلام و خصوصاً وجود مقدس بقیة الله الاعظم امام زمان سلام الله علیه می‌باشد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در رابطه با قدرت بخشیدن و اعطاء حکومت به مستضعفین «یعنی بنی اسرائیل که توسط فرعون به ضعف کشانده شده بودند» می‌فرماید:
وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ = خداوند متعال در این آیه شریفه به مستضعفین وعده می‌دهد که:

اراده و مشیت ما بر این قرار گرفته که به مستضعفین زمین منت بگذاریم و آن‌ها را مشمول نعمت‌ها و مواهب فراوان خویش نمائیم.

وَ نَجْعَلُهُمْ أُتْمَةً = و آن‌ها را رهبران و پیشوایان روی زمین قرار دهیم تا بقیه مردم به آن‌ها اقتدا کرده و تابع آن‌ها باشند و از آن‌ها پیروی نمایند.

وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ = آن‌ها را وارث حکومت جباران قرار دهیم، یعنی بنی اسرائیل را وارث حکومت و اموال و دیار فرعون و قوم فرعون گردانیم.

وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ = یعنی به آن‌ها حکومت قوی و محکم و پابرجا اعطا کنیم، یعنی بنی اسرائیل را در سرزمین مصر قدرت بخشیم و عوامل و امکانات لازم را فراهم

کنیم تا آن‌ها به حکومت برسند.

همانطور که عرض شد این آیات شریفه در رابطه با بنی اسرائیل می‌باشد که توسط فرعون به ضعف کشانده شده و به وسیله آن‌ها به شدت مورد ظلم و ستم قرار می‌گرفتند،

لذا مقصود از مستضعفین در این آیات شریفه به طور خاص قوم بنی اسرائیل می‌باشند لیکن تأویل و معنی باطنی آیات شریفه در رابطه با وجود مقدس امام زمان سلام‌الله‌علیه می‌باشد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد. خداوند متعال در این آیات شریفه پنج وعده مهم به مستضعفین می‌دهد که عبارتند از:

۱. تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ:

یعنی اراده کرده‌ایم که آن‌ها را مشمول انواع نعمات و مواهب خویش نمائیم.

۲. نَجْعَلُهُمْ أُيْمَةً:

یعنی آن‌ها را رهبران و پیشوایان روی زمین قرار دهیم.

۳. وَ نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ:

یعنی آن‌ها را وارث حکومت و اموال و دیار حاکمان قبلی قرار دهیم.

۴. وَ نُمَكِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ:

یعنی به آن‌ها قدرت ببخشیم و حکومت قوی و پابرجا به آن‌ها اعطا نمائیم.

۵. وَ تَرِي فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ:

یعنی به فرعون و هامان (وزیر فرعون) و لشکریانشان همان چیزی را نشان دهیم که از آن وحشت داشتند «یعنی از زوال حکومتشان توسط بنی اسرائیل در هراس بودند» و ما به وسیله بنی اسرائیل «حضرت موسی بن عمران» حکومت آن‌ها را ساقط می‌کنیم.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۷ تا ۱۵۹.

تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۲۸.

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۱۴ - ۱۵.

توضیح:

ذیل آیه ۳۲ و ۳۳ سوره توبه، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، آیه ۴۱ سوره حج و آیه ۵۵ سوره نور احادیثی در رابطه با وجود مقدس امام زمان سلام الله علیه و حکومت جهانی آن حضرت درج شده است.

حدیث:

۱. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
 سوگند به خدایی که دانه را شکافت و مخلوقات را هستی و حیات بخشید، دنیا بعد از همه چموشی‌ها و سرکشی‌هایش نسبت به ما، بالاخره به ما روی می‌آورد و در برابر ما مطیع و رام می‌شود، عیناً مانند شتری که در آغاز بچه خود را شیر نمی‌دهد و لگدپرانی می‌کند اما سرانجام به او محبت می‌نماید.
 حضرت علی علیه السلام پس از بیان این مطالب آیه ۵ سوره قصص «و تُرِيدُ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ...» را تلاوت فرمودند.^۱

۲. امام باقر علیه السلام به فرزند بزرگوارش امام صادق علیه السلام نظر نموده و فرمودند:

به خدا قسم این فرزندم از کسانی است که خداوند متعال درباره آنها فرموده است:
 «و تُرِيدُ أَنْ نَمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».
 این حدیث را ابو صباح کنانی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۸ تا ۹۲، حدیث ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۲.
 مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۸.
 تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۱۰ «حدیث ۸۳۴۶».
 المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۴.
 تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۳۹.
 تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۳۰.
 ۲. مجمع‌البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۸.
 تفسیر برهان، صفحه ۸۵، ۸۸، ۸۹، حدیث ۱، ۵ و ۸.
 تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰.
 تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۱۲ «حدیث ۸۳۴۸».

۳. امام سجّاد علیه السّلام فرمودند:

سوگند به خدایی که حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم را برای بشارت و انذار «بشارت دادن به نیکان و ترساندن بدکاران» برگزید، نیکان خاندان ما و شیعیانشان به منزله حضرت موسی و پیروان او هستند، و دشمنان ما و پیروانشان به منزله فرعون و پیروان فرعون می‌باشند.^۱

۴. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام درباره این آیه شریفه «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ... - آیه پنجم سوره قصص» فرمودند:

هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ، فَيَعِزُّهُمْ وَيُدِلُّ عَدُوَّهُمْ، يَعْنِي:

این گروه «کسانی که به ضعف کشانده شدند و مورد ظلم قرار گرفتند و مستضعف واقع شدند» آل محمّد و اهل بیت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم هستند. خداوند متعال مهدی آنها را «یعنی امام زمان سلام الله علیه را» برمی‌انگیزد و به آل محمّد علیهم السّلام عزّت می‌دهد و آنها را عزیز می‌کند و دشمنان آنها را خوار و ذلیل می‌نماید.^۲

۵. امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به علی بن ابیطالب و امام حسن و امام حسین علیهم السّلام نگاه کرد و گریست و سپس به آنها فرمود: شما بعد از من مستضعف خواهید شد.

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۹، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۹ «حدیث ۸۳۴۵».

مجمع البیان، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۸.

تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، جلد صفحه ۳۰.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴۱.

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۳۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۱۱ «حدیث ۸۳۴۷».

تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۳۰.

مفضل بن عمر که این حدیث را از امام صادق علیه السلام نقل نموده می گوید خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: یابن رسول الله: مقصود از کلام رسول الله چیست که به امیرالمؤمنین و امام مجتبی و امام حسین علیهم السلام فرمود شما بعد از من مستضعف می شوید. امام صادق علیه السلام فرمودند:

معنایش این است که مقصود از آیه شریفه «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ...» شما هستید، و شما «حضرت علی و حسنین علیهم السلام» بعد از من امام هستید و این امامت تا قیامت در ما جریان دارد.

این حدیث را مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است. قابل ذکر است که تفسیر برهان این حدیث شریف را هم از معانی الاخبار شیخ صدوق و هم از شواهد التنزیل حاکم حسکانی «از علمای اهل تسنن» نقل نموده است.^۱

۶. وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره آیه پنجم و ششم سوره قصص فرمودند:

این آیات شریفه اختصاص دارد به وجود مقدس صاحب الامر امام زمان سلام الله علیه که در آخر الزمان ظهور می فرماید و جبّاران و ستمگران را سرکوب نموده و سراسر زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. حدیث دیگری از ناحیه این دو امام بزرگوار نقل شده که مقصود از فرعون و هامان در این آیات شریفه دو نفر از جبّاران و ستمکاران قریش می باشند «یعنی فلانی و فلانی» که وقتی امام زمان سلام الله علیه ظهور می فرماید خداوند متعال آن دو ستمکار و ظالم را زنده می کند تا امام زمان علیه السلام از آن ها انتقام بگیرد.^۲

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰.

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۳ - ۲۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۵، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱۴ «حدیث ۸۳۵۰».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۹۲، حدیث ۱۳.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۹۲، حدیث ۱۴.

۷. وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب و وجود مقدّس امام صادق علیهما السلام فرمودند:

این آیه شریفه «و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - آیه ۵ سوره قصص» درباره ما و در حق ما است.^۱

۸. وجود مقدّس حکیمه خاتون سلام الله علیها دختر گرانقدر امام جواد سلام الله علیه نقل می کند که:

وجود مقدّس امام عسکری سلام الله علیه مرا احضار کرده و فرمود:
عمّه جان:

امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خداوند متعال امشب حجّت خود را که حجّت او در روی زمین است ظاهر می سازد.

حکیمه خاتون می گوید:

به امام عسکری علیه السلام عرض کردم:
مادر او کیست؟

امام عسکری علیه السلام فرمود:

نرجس «سلام الله علیها».

حکیمه علیها سلام می گوید:

به امام عسکری علیه السلام عرض کردم:

اثری از بارداری در او نیست.

امام عسکری علیه السلام به من فرمود:

همین است که به تو می گویم.

حکیمه علیها سلام می گوید:

در همین حال نرجس علیها السلام وارد شد و من به او گفتم:

دختر عزیزم:

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱۵، «حدیث ۸۳۵۱».

امشب خداوند متعال به تو پسری عطا می فرماید که در دنیا و آخرت سیّد و سرور است.

حکیمه علیها سلام می گوید:

شب مشغول نماز شب شدم و در حالی که صبح نزدیک می شد و آماده نماز صبح می شدم لیکن اثری از وضع حمل در نرجس خاتون علیها السلام نمی دیدم و به همین جهت شک بر دلم عارض شد که بلافاصله وجود مقدّس امام عسکری علیه السلام به من فرمود:

عمّه جان شتاب مکن که کار نزدیک شده است،

و در همین هنگام نرجس خاتون علیها سلام از خواب بیدار شد و پس از گذشت مدّت کوتاهی وضع حمل نمود و دیدم که نوزاد او سر به سجده گذاشته است و وقتی دقّت کردم دیدم کاملاً پاک و نظیف است و نیاز به تمیز کردن ندارد.

وجود مقدّس امام عسکری علیه السلام به من فرمود:

عمّه جان، پسر من را نزد من بیاور و من نیز نوزاد را خدمت آن حضرت بردم.

وجود مقدّس امام عسکری علیه السلام وقتی پسر خویش حضرت مهدی علیه السلام

را در آغوش گرفت به او فرمود:

فرزندم سخن بگو، و بلافاصله این نوزاد شروع به صحبت نمود و گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ،

و سپس به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت سلام

و درود فرستاد تا اینکه به پدر بزرگوارش رسید.

حکیمه علیها سلام می گوید:

امام عسکری علیه السلام به من فرمود:

پسر من را پیش مادرش ببر تا بر او سلام کند و من نیز همین کار را کردم و سپس

امام عسکری علیه السلام به من فرمود:

روز هفتم ولادت فرزندم نزد ما بیا، و من نیز روز هفتم ولادت خدمت امام

عسکری علیه السلام رسیدم و آن حضرت به من فرمود:

عمّه جان، پسرم را نزد من بیاور و من نیز امتثال امر نمودم و حضرت مهدی علیه السلام را که نوزاد هفت روزه‌ای بود نزد امام عسکری علیه السلام بردم و آن حضرت به فرزندش فرمود:

پسرم سخن بگو، و بلافاصله حضرت مهدی علیه السلام شروع به صحبت کرد و گفت:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و سپس به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت سلام و درود فرستاد تا رسید به امام عسکری علیه السلام و به آن حضرت نیز مانند ائمه قبل از آن حضرت سلام و درود فرستاد و سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - آیه ۵ سوره قصص».

«وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ - آیه ششم سوره قصص».^۱

۹. سلمان فارسی نقل می کند که:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ای سلمان:

آیا می دانی نقیبان دوازده گانه من که بعد از من امامت مردم را به عهده می گیرند

چه کسانی هستند.

عرض کردم:

خیر نمی دانم.

۱. کمال الدّین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۴۲، صفحه ۱۴۳ تا ۱۴۷، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶ تا ۸۸، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱۳ «حدیث ۸۳۴۹».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۱۶ «حدیث ۸۳۵۲».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۱۴۰.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
 خداوند متعال مرا از نور خویش خلق فرمود «آفرید»،
 و از نور من نور علی بن ابیطالب را خلق فرمود «آفرید»،
 و از نور علی بن ابیطالب نور فاطمه زهرا را آفرید،
 و از نور من و علی و فاطمه حسن را آفرید،
 و از نور من علی و فاطمه حسین را آفرید،
 و سپس ما را به پنج نام از نام‌های خودش نامگذاری فرمود،
 خداوند متعال محمود است و من محمد،
 خداوند متعال اعلی است و این علی،
 خداوند متعال فاطر است و این فاطمه،
 خداوند متعال قدیم الاحسان است و این حسن،
 خداوند متعال محسن است و این حسین،

و سپس خداوند متعال از نور ما و نور حسین^{نُه} امام خلق فرمود و این زمانی بود
 که نه آسمانی بنا شده بود و نه زمینی، نه فرشته‌ای بود و نه غیر از ما بشری «یعنی جز
 ما چهارده نفر مخلوقی خلق نشده بود»،
 و ما در آن زمان مشغول تسییح خداوند متعال بودیم و سخن او را می‌شنیدیم و
 مطیع فرمان خداوند عزوجل بودیم.

سلمان می‌گوید:

خدمت پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

کسی که این ذوات مقدسه را بشناسد چه بهره‌ای خواهد برد.
 وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای سلمان:

هر کس آن ذوات مقدسه را به درستی بشناسد،

و به ایشان اقتدا کند و از آنها تبعیت نماید،

و ولایت آن بزرگواران را بپذیرد،

و از دشمنانشان بیزاری جوید،
به خدا قسم او از ما است و هر کجا که برویم با ما است و هر کجا که ما سکونت
کنیم او سکونت می کند.

سلمان می گوید:

خدمت پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

من امام حسین علیه السلام را شناختم، بقیه امامان چه کسانی هستند.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

بعد از حسین سرور و سید عابدان علی بن الحسین است،

بعد از او فرزندش محمد بن علی است که باقر علوم اولین و آخرین می باشد،

بعد از او فرزندش جعفر بن محمد است که زبان صادق خداوند متعال می باشد،

بعد از او فرزندش موسی بن جعفر است که برای خداوند متعال کظم غیظ

می کند یعنی خشم خود را فرو می برد،

بعد از او فرزندش علی بن موسی است که راضی به رضای خداوند متعال می باشد،

بعد از او فرزندش محمد بن علی است،

بعد از او فرزندش علی بن محمد است،

بعد از او فرزندش حسن بن علی است،

و بعد از او فرزندش محمد بن حسن است یعنی حضرت مهدی که قائم به حق

خداوند متعال است،

و سپس وجود مبارک پیامبر اکرم به من فرمود:

ای سلمان:

تو او را «حضرت مهدی علیه السلام را» زیارت خواهی کرد و او را خواهی دید.

سلمان می گوید:

محضر پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

آیا تا زمان حضرت مهدی علیه السلام عمر خواهیم کرد.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود:
ای سلمان:

من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امامی که از نسل حسین می آیند این قول
را به تو می دهیم «که تو حضرت مهدی علیه السّلام را خواهی دید».

وجود مبارک پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
ای سلمان:

به خدا قسم، هر کس که ایمانش را به کمال رسانده حاضر می شود «زمان ظهور
امام زمان علیه السّلام»،

و هر کس نیز کفرش را به کمال رسانده حاضر می شود تا قصاص و مجازات
شود «یعنی زمانی که حضرت مهدی علیه السّلام ظهور بفرمایند مؤمنین دارای
ایمان کامل به امر خداوند متعال زنده می شوند و در رکاب آن حضرت هستند،
و دشمنان ائمه معصومین علیهم السّلام نیز زنده می شوند تا حضرت مهدی
علیه السّلام از آن ها انتقام بگیرد و آن ها را مجازات نماید»،

و آنگاه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

این قضیه «ظهور حضرت مهدی علیه السّلام و انتقام گرفتن از دشمنان ائمه
معصومین علیهم السّلام» تأویل این آیات شریفه است که خداوند متعال می فرماید:
وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ «آیه ۵
سوره قصص».

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ «آیه ۶
سوره قصص».

سلمان می گوید:

پس از این فرمایش پیامبر اکرم دیگر اهمیّت نمی دادم که کی به دیدار مرگ خواهم
رفت و یا چه زمانی مرگ به سراغ من خواهد آمد «زیرا خوشحال و مسرور بودم که
در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السّلام خداوند متعال مرا زنده خواهد کرد و من
در رکاب حضرت مهدی علیه السّلام خواهم بود».^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۹ تا ۹۱، حدیث ۱۰.

۱۰. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

روزی منّهال بن عمر به وجود مبارک امام سجّاد علیه‌السلام عرض کرد:

یا بن رسول‌الله:

کَيْفَ أَصْبَحْتَ، یعنی:

ای فرزند رسول خدا، چگونه شب را به صبح رساندی «یعنی اصطلاحاً حال شما چطور است و در چه حالی هستید».

وجود مبارک امام سجّاد علیه‌السلام به منّهال بن عمر فرمود:

اکنون وقت آن رسیده است که بدانی چگونه صبح کردم و در چه حالی هستم،

و سپس در ادامه فرمایش خویش به منّهال بن عمر فرمود:

ما در میان قوم خود مانند بنی اسرائیل در میان آل فرعون می‌باشیم که پسران ما را سر می‌برند «پسران ما را می‌کشند»،

در حالی صبح کردم که «کار به جایی رسیده که»:

بهترین خلق خدا پس از وجود مبارک پیامبر اکرم یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه‌السلام را بر روی منابر لعن و ناسزا می‌گویند،

در حالی صبح کردم که:

به دشمنان ما مال و مقام داده می‌شود «توسط حکام ظلم و جور»، اما محبّین ما

و دوستان ما حقیر شمرده می‌شوند «کوچک شمرده می‌شوند» و حقوق آنها

نقصان یافته است «حق آنها کاستی و نقصان یافته است»،

بله، وضع ما چنین است ای منّهال «ما اینگونه صبح کردیم ای منّهال».

در حدیث دیگری آمده که امام سجّاد علیه‌السلام فرمودند:

نیکان خاندان ما و شیعیانشان به منزله حضرت موسی و پیروان او هستند،

و دشمنان ما و پیروانشان به منزله فرعون و پیروان فرعون می‌باشند.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۹، حدیث ۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۹۴، حدیث ۱۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۸، «حدیث ۸۳۴۴».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۹، «حدیث ۸۳۴۵».

«سوره عنكبوت»

آیه ۴۹ سوره عنكبوت:

«بَلْ هُوَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ».

ترجمه:

قرآن کریم آیات روشن و آشکاری است در سینه‌های کسانی که خداوند متعال به آن‌ها علم داده «قرآن کریم آیات روشنی است که در سینه‌های صاحبان علم قرار دارد»، و آیات ما را انکار نکنند مگر ظالمان و ستمکاران.^۱

شرح لغات و توضیحات:

صُدُور = جمع صدر یعنی سینه‌ها؛

جَحَد = انکار کردن؛

أُمِّي = درس نخوانده، استاد ندیده.

خداوند متعال در آیه قبل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد خطاب قرار داده و فرموده:

ای رسول ما، تو قبل از مبعوث شدن به رسالت و نبوت و قبل از نزول قرآن کریم قادر به خواندن و نوشتن نبودی، یعنی قبل از مبعوث شدن به رسالت و قبل از نزول قرآن نمی‌توانستی بخوانی و نمی‌توانستی بنویسی چون اُمّی بودی «یعنی

۱. مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۶۹.

درس نخوانده» و اگر غیر از این بود یاوه‌گویان و کسانی که در صدد ابطال نبوت تو بودند بهانه به دست می‌آوردند و می‌گفتند که این قرآن را که تو به مردم می‌خوانی از کتاب‌های پیشین جمع‌آوری کرده‌ای و بدین وسیله در ایمان مردم تشکیک می‌کردند. بنابراین مقصود آیه ۴۸ این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

ای پیامبر، تو قبل از مبعوث شدن به رسالت و قبل از نزول قرآن نمی‌توانستی مطلبی را بنویسی و یا بخوانی و اگر غیر از این بود مخالفین تو و یاوه‌گویان می‌گفتند که آنچه را که تو به عنوان آیات قرآن کریم به آن‌ها تلاوت می‌کنی وحی نیست بلکه تو آن‌ها را از کتاب‌های پیشین یعنی تورات و انجیل و زبور و... جمع‌آوری کرده‌ای، اما مردم مکه تو را می‌شناسند و از بدو تولدت با تو آشنا هستند و می‌دانند که تو خواندن و نوشتن نمی‌دانی، لذا با این اوصاف باید یقین کنند که این قرآن از جانب خداوند متعال نازل شده است، آن هم کتابی که ادعا می‌کند که اگر همه جن و انس جمع شوند نمی‌توانند نظیر آن را بیاورند حتی نمی‌توانند یک سوره مانند قرآن بیاورند، پس:

۱. اُمّی بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «اُمّی یعنی درس نخوانده».

۲. عاجز بودن مردم مکه و بلکه همه انسان‌ها آن هم در تمام قرون و اعصار از آوردن یک سوره مانند قرآن کریم، دلایل محکم و قاطعی هستند مبنی بر اینکه قرآن کریم از جانب خداوند متعال می‌باشد «ذیل آیه ۱۷ سوره هود "أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ...» در رابطه با معجزه بودن قرآن کریم مطالبی به عرض رسیده است».

بنابراین وقتی خداوند متعال خواندن و نوشتن پیامبر اکرم را نفی نموده و فرموده که ای پیامبر تو قبل از بعثت و قبل از نزول قرآن خواندن و نوشتن نمی‌دانستی، لذا از این فرمایش خداوند متعال همگان می‌فهمند که قرآن کریم کتابی نیست که جمع‌آوری شده باشد و با خطوط مختلف روی کاغذ نوشته شده باشد، لذا در ذهن انسان این سؤال پیش می‌آید که پس این قرآن چیست و در کجا است.

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت این مطلب را بیان می‌فرماید که:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ = بلکه قرآن کریم آیات روشن و آشکاری

است در سینه‌های کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده است.^۱

توضیح:

قرآن کریم حقیقتی دارد و ظاهری، ظاهر قرآن کریم همین کلمات نورانی است که روی کاغذ نوشته شده و همین مُصحف شریفی است که در دست مؤمنین می‌باشد و عموم مؤمنین اعم از علما، فقها، مفسرین و ... هر کدام به اندازه بضاعت خویش از آن بهره می‌برند، لیکن حقیقت قرآن کریم وحی الهی است و در سینه کسانی قرار دارد که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده است «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ».

اینکه این بزرگواران چه کسانی هستند که قرآن کریم به آنها نازل شده و آیات الهی در سینه و قلب مبارک آنها جای گرفته در بخش حدیث خواهد آمد.

بنابراین حقیقت قرآن کریم در سینه و قلب انسان‌هایی است که:

۱. علم به تأویل آیات شریفه آن دارند و غیر از آن ذوات مقدسه احدی از تأویل آنها اطلاعی ندارد.

احادیث ذیل آیه هفتم سوره آل عمران مبین این مطلب است و ذیل این آیات شریفه توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

۲. علم کتاب یعنی علم قرآن کریم به طور کامل نزد آنها می‌باشد.

ذیل آیه ۴۳ سوره رعد احادیثی در این خصوص نقل شده و توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

به همین جهت است وقتی در جنگ صفین لشکر معاویه و عمروعاص قرآن‌ها را روی شمشیرها و نیزه‌های خود قرار دادند تا با این حيله از شکست خودشان جلوگیری کنند امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

آنچه که لشکریان معاویه و عمروعاص بر روی نیزه‌ها قرار داده‌اند قرآن نیست بلکه

۱. مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۷۳ - ۷۴.

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۳ - ۲۲۴.

نوشته‌هایی است بر روی پوست به منظور اغفال مسلمین، اما قرآن ناطق من هستم. همچنین ذیل آیه ۲۷، ۲۸ و ۲۹ سوره فرقان حدیثی نقل شد که طی آن حدیث شریف امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام قطره‌ای از دریای بیکران فضائل خویش را بیان نموده و فرمودند:

منم آن ذِکْر که آن دو نفر از آن گمراه شدند،

منم آن صراط مستقیمی که آن دو نفر از آن انحراف پیدا کردند،

منم آن ایمانی که آن دو نفر به آن کُفر ورزیدند،

منم آن قرآنی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن دو نفر و

پیروان آن‌ها آن را مهجور داشتند و آن را ترک نمودند،

این فرمایش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اشاره به آیه ۳۰ سوره مبارکه فرقان دارد که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز قیامت در پیشگاه خداوند متعال لب به شکایت باز کرده و به خداوند متعال عرضه می‌دارد:

وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا، یعنی:

خداوند، این قوم و این امت من بعد از رحلت من قرآن را ترک کرده و از آن دوری جستند و آن را کنار گذاشتند.

خداوند متعال در پایان این آیه شریفه می‌فرماید:

وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ = آیات ما را انکار نمی‌کنند مگر ظالمین و ستمکاران، یعنی آیات شریفه قرآن کریم و آیات این کتاب الهی را کسی آورده که اُمّی و درس نخوانده است، آن هم قرآنی که سراسر معجزه است و هر فرد آگاه و بصیری باید به اعجاز آن پی برده و یقین نماید که آیات این کتاب شریف وحی الهی است که به قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است، لیکن ظالمین و ستمکاران به آیات قرآن توجه ننموده و به آن ایمان نیاورده و با قرآن و اهداف عالی آن مبارزه کرده و مُنکر آن شدند و بدین وسیله به خودشان ظلم کردند «زیرا کسی که به حق ایمان نمی‌آورد بیشتر از همه به خودش ظلم می‌کند برای اینکه از رحمت الهی دور شده و مستوجب عذاب الهی می‌شود و باید در آتش جهنم بسوزد».

لازم به ذکر است که در آیه ۴۷ همین سوره مبارکه نیز خداوند متعال در خصوص

نزول قرآن کریم با نبی مکرم اسلام صحبت فرموده و بیان نموده که آیات ما را جز کافرین مُنکر نمی‌شوند.

بنابراین آنچه در آیه ۴۷ و ۴۹ این سوره مبارکه آمده این است که کافرین و ظالمین به قرآن کریم «آیاتِ الهی» ایمان نمی‌آورند.

توضیح:

الف) مقصود از آیات بینات که در اول این آیه شریفه آمده «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ» قرآن کریم است که خداوند متعال آن را آیات بینات «آیات روشن و آشکار» عنوان فرموده و در ادامه آیه شریفه آمده که این آیات بینات در سینه و قلب افرادی است که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده است. اینک این افراد چه کسانی هستند در بخش حدیث خواهد آمد.

ب) در انتهای آیه شریفه «آیه ۴۹» خداوند متعال فرموده آیات ما را انکار نمی‌کنند مگر ظالمین «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ»، همچنین در انتهای آیه ۴۷ خداوند متعال فرموده آیات ما را انکار نمی‌کنند مگر کافرین «وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ».

حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را تلاوت فرموده و سپس با دست مبارک خویش به سینه خودشان اشاره فرمودند «یعنی قرآن کریم در سینه ما است و ما هستیم آن کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده است».

این حدیث را ابو بصیر از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۱ «حدیث ۵۵۲».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۱.

تفسیر نورالقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۰ «حدیث ۸۵۴۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷.

۲. امام صادق علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فرمودند:

«انها ائمه معصومین علیهم السلام هستند» کسانی که قرآن کریم در سینه آنها است». این حدیث را عبدالعزیز عبدی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۳. امام باقر علیه السلام این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» را تلاوت فرموده و سپس به ابا بصیر فرمودند:

ای ابا بصیر:

به خدا قسم خداوند متعال نفرموده که قرآن آیه‌هایی است میان دو جلد قرآن.

ابا بصیر می‌گوید خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

پس قرآن و آیات آن کجا واقع شده‌اند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

در سینه چه کسانی غیر از ما می‌تواند باشد «توقع می‌رود که جز ما چه کسانی

باشند».^۲

توضیح:

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام سوگند یاد کرده و به ابا بصیر فرمودند:

خداوند متعال نفرموده که قرآن کریم آیات بیّنات و آیه‌های روشنی است که میان

دو جلد قرآن قرار گرفته، یعنی:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰، حدیث ۲ «حدیث ۵۵۳».

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۲۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۱ «حدیث ۸۵۴۱».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۰ و ۳۱۱، حدیث ۳ «حدیث ۵۵۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۲ «حدیث ۸۵۴۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۷۷ «حدیث ۸۵۴۷».

مقصود حقیقی و واقعی از قرآن کریم این قرآن نیست که الآن به صورت یک کتاب تنظیم شده و از سوره حمد تا سوره ناس در یک مجلد گردآوری شده است، چرا که در این صورت ممکن است عده‌ای از مسلمانان همین قرآن یک جلدی و صحافی شده را به عنوان حجّت خداوند متعال به خودشان بدانند و خودشان را بی‌نیاز بدانند از مراجعه به امام معصومی که مفسّر واقعی قرآن است و تأویل آیات شریفه آن را می‌داند، پس این قرآن کریم که در ۳۰ جزء و ۱۱۴ سوره و در یک مجلد جمع‌آوری شده قرآن کریم می‌باشد و کلام الهی است و هر کس به اندازه فهم و درک و علم خویش از آن بهره‌مند می‌شود، لیکن جایگاه اصلی و واقعی قرآن کریم سینه و قلب کسانی است که خداوند متعال به آن‌ها علم اعطا فرموده است، یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السّلام.

بنابراین حقیقت قرآن کریم و آیات شریفه آن در سینه و قلب وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السّلام می‌باشد، همان ذوات مقدّسه‌ای که طبق احادیث ذیل آیه هفتم سوره آل عمران و آیه چهل و سوم سوره رعد، هم تأویل آیات شریفه آن را می‌دانند و هم علم کتاب «قرآن» به طور تمام و کمال نزد آن‌ها می‌باشد.

۴. امام صادق علیه‌السّلام در رابطه با این آیه شریف «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فرمودند:

هُمُ الْأَيْمَةُ خَاصَّةً، یعنی آن‌ها فقط ائمه معصومین علیهم‌السّلام هستند، یعنی: کسانی که خداوند متعال به آن‌ها علم اعطا فرموده «الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» فقط و فقط ائمه معصومین و به عبارت دیگر چهارده معصوم علیهم‌السّلام می‌باشند و قرآن کریم فقط و فقط در سینه و قلب مبارک این ذوات مقدّسه می‌باشد.

این حدیث را هارون بن حمزه از امام صادق علیه‌السّلام نقل نموده است.^۱

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۱، حدیث ۴ «حدیث ۵۵۵».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۶، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۳ «حدیث ۸۵۴۳».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۷.

۵. امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال محمد بن فضیل که از آن حضرت در رابطه با این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» سؤال کرده بود فرمودند:

هُمُ الْأُمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ خَاصَّةً، يَعْنِي:

کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده و قرآن کریم در قلب و سینه آنها می باشد فقط و فقط ائمه معصومین علیهم السلام هستند.^۱

۶. از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرموده اند: مراد و مقصود از کسانی که خداوند متعال به آنها علم اعطا فرموده و قرآن کریم در قلب و سینه آنها می باشد ائمه معصومین از آل محمد علیهم السلام هستند.^۲

۷. وجود مقدس امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: منظور این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ...» - آیه ۴۹ سوره عنکبوت» ما هستیم. این حدیث را حمران از امام باقر علیه السلام و اسباط از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۳

۸. حسن صیقل نقل می کند: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که مقصود از این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ...» - آیه ۴۹ سوره عنکبوت» چه کسانی هستند. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۱۱، حدیث ۵ «حدیث ۵۵۶».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۷، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۷۴ «حدیث ۸۵۴۴».

۲. مجمع البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۷۴.

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۷، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۷۶ «حدیث ۸۵۴۶».

ما هستیم، و مقصود خداوند متعال ما می باشیم.^۱

۹. حمران می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم.

یابن رسول الله:

آیا منظور این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹

سوره عنكبوت» شما هستید.

وجود مقدس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

پس چه کسانی ممکن است باشند «توقع می رود که چه کسانی باشند».^۲

۱۰. ابو بصیر نقل می کند:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

آیا منظور این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ... - آیه ۴۹

سوره عنكبوت» شما هستید.

وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

در حالی که ما الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ هستیم منظور این آیه شریفه «آیه ۴۹ سوره عنكبوت»

جز ما چه کسانی می تواند باشد، یعنی:

رَاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ فقط ما هستیم،

و مصداق آیه ۴۹ سوره عنكبوت نیز فقط ما می باشیم.^۳

توضیح:

خداوند متعال در آیه هفتم سوره آل عمران می فرماید:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ، فَأَمَّا

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۷، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۷۸ «حدیث ۸۵۴۸».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۸، حدیث ۱۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۷۹ «حدیث ۸۵۴۹».

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۹، حدیث ۱۵.

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

ای پیامبر:

او «الله جلّ جلاله» کسی است که این قرآن کریم را بر تو نازل فرمود که بخشی از آیات قرآن کریم از آیات محکم است «از مُحکّمات آیات است» که اساس و شالوده قرآن کریم است،

و بخشی از آیات قرآن کریم از آیات متشابه است «از متشابهات است».

کسانی که در قلوبشان انحراف است به دنبال متشابهات می روند «به دنبال آیات متشابه می روند» تا فتنه انگیزی کنند و مردم را گمراه سازند و تفسیر نادرستی برای آن می طلبند «آیات شریفه را از پیش خودشان تأویل می کنند»، در حالی که:

تأویل آیات قرآن کریم را جز خداوند متعال و جز راسخون در علم احدی نمی داند.

ذیل این آیه شریفه «آیه هفتم سوره آل عمران» در رابطه آیات محکم و متشابه و همچنین در رابطه با تأویل و اینکه تأویل چه معنایی دارد توضیحاتی ارائه شده و به عرض رسیده است که:

تأویل آیات شریفه قرآن کریم را جز خداوند متعال و جز راسخون در علم هیچ کس نمی داند.

ذیل این آیه شریفه احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که مقصود از راسخون در علم وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن حضرت می باشند یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام، و همین ذوات مقدّسه هستند که تمام علم کتاب نزد آنان می باشد که در آیه ۴۳ سوره رعد آمده است «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»، بنابراین:

فرمایش امام باقر علیه السّلام مبنی بر اینکه ما راسخون در علم هستیم اشاره به آیه هفتم سوره آل عمران دارد، و نتیجه این فرمایش امام باقر علیه السّلام این می شود که:

الف) ما راسخون در علم هستیم و به اذن خداوند متعال جز ما هیچ کس علم به تأویل آیات شریفه قرآن کریم را ندارد « اشاره به آیه هفتم سوره آل عمران».

ب) قرآن کریم آیات بیّنات است که خداوند متعال آن‌ها را در سینه ما قرار داده است «اشاره به آیه ۴۹ سوره عنكبوت».

۱۱. برید بن معاویه می گوید:

از امام باقر علیه السلام سؤال کردم:

یابن رسول الله:

منظور خداوند متعال در این آیه شریفه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ - آیه ۴۹ سوره عنكبوت» چه کسانی هستند.

وجود مبارک امام باقر علیه السلام فرمودند:

منظور خداوند متعال در این آیه شریفه ما هستیم^۱.

توضیح:

خداوند متعال در انتهای آیه ۴۷ و ۴۹ سوره عنكبوت فرموده:

وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ «آیه ۴۷».

وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ «آیه ۴۹»، یعنی:

آیات ما را انکار نمی کنند مگر کافران،

آیات ما را انکار نمی کنند مگر ظالمین.

ذیل آیه ۱۲۶ سوره طه «قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا...»،

و ذیل آیه ۱۸ سوره هود «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا...» توضیحاتی به عرض

رسیده که ائمه معصومین علیهم السلام آیات عظمای خداوند متعال می باشند،

و طبق آیات ۴۷ و ۴۹ سوره عنكبوت آیات خداوند متعال را انکار نمی کنند مگر

کافرین و ظالمین، لذا:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۱۹، حدیث ۱۶.

تاویل آیه ۴۷ و ۴۹ سوره عنکبوت «انتهای این دو آیه شریفه» این می شود که: امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار نمی کنند مگر کافرین و ظالمین.

قابل ذکر است که:

کسی که شهادتین را بر زبان جاری کند مسلمان است و احکام اسلام بر او جاری است گرچه به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام ایمان نداشته باشد، لیکن اینگونه افراد روز قیامت با کافرین و ظالمین محشور خواهند شد. البته نواصب از این قضیه مستثنی هستند، یعنی آنها در زمره مسلمین نیستند و نجس می باشند.

قمی در تفسیر خویش عنوان نموده که:

منظور از وَ مَا يَجِدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ «آیه ۴۷ سوره عنکبوت» این است که: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار نمی کنند مگر کافران.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۱۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۲۰، حدیث ۱۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۰۳، حدیث ۶۷ «حدیث ۸۵۳۷».

«سوره روم»

آیه ۳۰ سوره روم:

«فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:
پس، روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن، این فطرتی است که خداوند متعال انسان‌ها را بر آن خلق فرموده است، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آئین استوار ولی اکثر مردم نمی‌دانند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

وَجْه = صورت.

در این آیه شریفه منظور از وجه صورت باطنی و روی دل می‌باشد؛
اَقِم = از ماده اقامه می‌باشد یعنی صاف و مستقیم کردن، به پا داشتن؛
حَنِيف = از ماده حَنَفُ می‌باشد یعنی تمایل از باطل به حق، تمایل از کجی به راستی؛

دین حنیف = دینی که از کجی‌ها و انحرافات و گمراهی‌ها به سوی راستی و درستی

۱. تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۴۳۹.

متمايل شده است يا به عبارت ديگر:

ديني كه از انحرافات و گمراهي و باطل به طرف حق تمايل پيدا کرده است و لذا از هر اعوجاج و انحراف به دور مي‌باشد. مراد از دين حنيف دين اسلام است. فطرت = گرايش و استعداد ذاتي انسان براي شناخت و معرفت خداوند متعال كه خداوند متعال در ذات انسان قرار داده است.^۱

اين آيه شريفه نتيجه مطالبی است كه در آيات گذشته راجع به مبدأ و معاد و خلقت انسان‌ها و مرگ آن‌ها و سپس زنده شدن دوباره آن‌ها در روز قيامت عنوان شده بود، و معنايش اين است كه:

وقتي ثابت شد كه خلقت تنها از آن خدا است، خدایی كه شريك ندارد، خدایی كه انسان‌ها را پس از مرگشان دوباره زنده کرده و در قيامت آن‌ها را محشور مي‌نمايد و به حساب آن‌ها رسيدگي مي‌كند،

و وقتي معلوم شد كه كسانی كه در دنيا از خداوند متعال اعراض نموده و به غير از خدا روي آورده‌اند روز قيامت راه نجات ندارند و كسی به داد آن‌ها نمي‌رسد، لذا بعد از اين قضایا خداوند متعال به پيامبر اكرم خطاب مي‌فرمايد:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً = روي خود را متوجه دين حنيف نما، يعنى:

تمام توجه خودت را دائماً به طرف ديني معطوف كن كه از هر اعوجاج و انحراف به دور مي‌باشد، يعنى به طرف دين اسلام.

به عبارت ديگر خداوند متعال به پيامبر اكرم و در واقع به همه مكلفين و به همه مردم امر مي‌كند كه تمام توجه خودتان را «توجه دروني و روي دل» به طرف دين حنيف يعنى دين اسلام معطوف نمايد كه اين دين از هر انحراف و اعوجاجي به دور بوده و دين خالص و پاكي است.

حرف «ل» در اوّل كلمه «لِلدِّينِ» لام عهد مي‌باشد يعنى اشاره به دين اسلام مي‌نمايد.

۱. تفسير نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۴۴۰ - ۴۴۲.

الميزان، جلد سي و يكم، صفحه ۲۸۶.
مفردات راغب.

مراد از اقامه وجه به دین حنیف، یعنی روی آوردن به دین اسلام و توجّه تمام و کمال به دین اسلام به نحوی که هیچگونه غفلت همراه آن نباشد.

اگر کلمه وجه «صورت» در این آیه شریفه آمده بدین جهت است که صورت در واقع به عنوان نماد و سمبل توجّه انسان به طرف هر چیزی می‌باشد، لیکن در این آیه شریفه منظور این است که تمام وجودتان را متوجّه دین حنیف «دین اسلام» نمائید، چرا که:

فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا = این دین حنیف خلقت و خواسته خداوند متعال است و همه انسان‌ها را خداوند متعال بر اساس آن خلق فرموده است.

به عبارت دیگر، این دین حنیف و این دین اسلام خلقت و خواسته خداوند متعال است و خداوند متعال این دین حنیف را در ذات و سرشت و فطرت انسان‌ها قرار داده است، بنابراین انسان‌ها ذاتاً و به طور فطری خدانشناس و موحد و مسلمان به دنیا می‌آیند و خلق می‌شوند و این خانواده و جامعه آلوده است که آن‌ها را به طرف ادیان دیگر و احیاناً به طرف بی‌دینی سوق می‌دهد.

لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ = در آفرینش و خلقت خداوند متعال تغییر و دگرگونی وجود ندارد، یعنی خداوند متعال یکتاپرستی و توحید و دین اسلام را در فطرت و ذات و سرشت انسان‌ها قرار داده و این امر همیشگی و جاودانی است.

خلاصه کلام اینکه، خلقت و خواسته خداوند متعال این است که دین اسلام در ذات و فطرت و سرشت آن‌ها باشد و این خلقت و خواسته خداوند متعال تغییرناپذیر است و فطری بودن دین همیشگی است و تغییرناپذیر است.

در واقع این قسمت از آیه شریفه می‌خواهد بفرماید تا روز قیامت و تا زمانی که دنیا به پایان نرسیده خواسته خداوند اینگونه است که انسان‌ها ذاتاً و فطرتاً مسلمان و موحد و خدانشناس به دنیا بیایند و این امر تغییر نخواهد کرد.

بعضی از مفسّرین اظهار کرده‌اند که خداوند متعال ضمن تأکید بر این قضیه به مردم دستور می‌دهد که جامعه را از مسیر اصلی و فطری خودش که اسلام و یکتاپرستی است به طرف شرک و به طرف سایر ادیان سوق ندهند.

ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ = این است دین و آئین محکم و استوار و مستقیم، یعنی این دین

حنیف دینی است محکم و استوار که کمترین انحرافی ندارد.
 وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ = ولی اکثر مردم نمی دانند و از حقیقت آن آگاهی ندارند.
 در قسمت های قبل عرض شد که خداوند متعال یکتاپرستی و آئین دین حنیف «دین اسلام» را در ذات و سرشت و فطرت انسانها قرار داده است و جمله «لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» و «ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» تأکیدی دیگر بر امر فطری بودن دین اسلام می باشد، گرچه بسیاری از مردم بر اثر عدم رشد کافی قادر به درک این واقعیت نباشند.^۱

توضیح:

همانطور که ملاحظه فرمودید خداوند متعال آئین اسلام و یکتاپرستی را در ذات و سرشت و فطرت انسانها قرار داده و هر انسانی که متولد می شود مسلمان و خداشناس است و بعدها خانواده و جامعه آلوده او را به طرف ادیان دیگر و احیاناً به طرف شرک سوق می دهد.

در این خصوص روایاتی نیز از ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده که جهت جلوگیری از طولانی شدن کلام از درج آنها خود داری می شود.
 انشاءالله تعالی در بخش حدیث اشاره خواهد شد که خداوند متعال امامت و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام را نیز در ذات و سرشت و فطرت انسانها قرار داده است، و معنی این جمله این است که: انسانهایی که متولد می شوند اگر خانواده و جامعه آلوده آنها را آلوده و منحرف نکنند این افراد به طور فطری سراغ ائمه معصومین علیهم السلام خواهند رفت و افتخار این را پیدا خواهند کرد که از شیعیان و محبین آن ذوات مقدسه باشند.

۱. مجمع البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۲۵-۱۲۶.

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۰۰، ۳۰۱.

تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۴۴۰ تا ۴۴۳ - ۴۵۳.

حدیث:

۱. امام رضا علیه‌السلام از امام باقر علیه‌السلام نقل نمودند که آن حضرت فرمودند:

فطرتی که خداوند متعال انسان‌ها را بر اساس آن خلق فرموده عبارت است از: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيُّ اللَّهِ، و سپس وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

توحید تا ولایت «امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام» ادامه دارد.

این حدیث را هیثم بن عبدالله زمانی از امام رضا علیه‌السلام نقل نموده است.^۱ مقصود این است که خداوند متعال این سه شهادت «شهادت به یگانگی خداوند متعال، شهادت به نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، و شهادت به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام» را در فطرت و ذات و سرشت انسان‌ها قرار داده است، لذا اگر بعد از تولد عوامل انحراف باعث گمراهی انسان‌ها نشوند انسان‌ها به طور فطری یگانگی خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم و ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم‌السلام را با طیب خاطر و با رضایت کامل می‌پذیرند، چرا که خداوند متعال در ذات و سرشت و فطرت آن‌ها قرار داده است،

و ادامه داشتن توحید تا ولایت یعنی اینکه موحد واقعی کسی است که پس از توحید به نبوت و امامت «ولایت» نیز معتقد باشد.

۲. امام باقر علیه‌السلام در خصوص این آیه شریفه «آیه ۳۰ سوره روم» فرمودند: این آیه شریفه در رابطه با ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام و سفارش به آن می‌باشد «مقصود از دین حنیف ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد».

۱. المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۹۸ - ۲۹۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۴۵ و ۲۴۷، حدیث ۱۹ و ۲۶.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۳۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۴۳، حدیث ۵۹ «حدیث ۸۶۲۲».

این حدیث را ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۳. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا...» آیه ۳۰ سوره روم» فرمودند:

خداوند متعال مردم را بر اساس توحید و خداشناسی و رسالت و نبوت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام خلق فرموده است. «خداوند متعال توحید و نبوت پیامبر اکرم و ولایت و امامت علی علیه السلام را در ذات و سرشت و فطرت انسانها قرار داده است».

این حدیث را عبدالرحمن «غلام امام باقر علیه السلام» از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۴. وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا - آیه ۳۰ سوره روم» فرمودند:

دین حنیفی که خداوند متعال در فطرت انسانها قرار داده توحید و یگانگی خداوند متعال است،

و اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا است،
و اینکه علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین است.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۶، حدیث ۳۵، «حدیث ۱۱۱۴».

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۹۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۴۱ و ۲۴۵، حدیث ۱ و ۱۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۴۱، حدیث ۴۹ و ۵۱، «حدیث ۸۶۱۲ و ۸۶۱۴».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۳۸.

تفسیر نمونه، جلد شانزدهم، صفحه ۴۵۳.

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۳۹.

المیزان، جلد سی و یکم، صفحه ۲۹۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۴۴، حدیث ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۷۴۵، حدیث ۶۳ «حدیث ۸۶۲۶».

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

مطلبی پیرامون فطرت و غریزه:

خداوند متعال در نهاد انسان و درون انسان «ذات و سرشت انسان» جاذبه و نیرویی قرار داده که به او تأثیر گذاشته و او را راهنمایی می‌کند، و این نیرو و جاذبه درونی در دو حوزه می‌باشد که حوزه مادی آن غریزه است و حوزه معنوی آن فطرت.

الف) غریزه:

اصطلاحاً به اعمال ناآموخته غریزه گفته می‌شود، یعنی انسان و یا هر حیوان وقتی که متولد می‌شود کارهایی را در جهت ادامه حیات خویش انجام می‌دهد که هیچ کس به او یاد نداده است که از آن به عنوان غریزه یاد می‌کنیم، مانند غریزه گرسنگی، غریزه تشنگی، غریزه جنسی «تلاش جهت رفع گرسنگی و تشنگی و ارضاء غریزه جنسی بدون اینکه کسی به انسان یا حیوان آموخته باشد».

کودک در همان ساعات اولیه تولد از سینه مادر شیر می‌نوشد، عمل مکیدن غریزه‌ای است که خداوند متعال در ذات و سرشت و درون کودک و موجود تازه متولد شده «اعم از انسان یا سایر پستانداران» قرار داده تا شیر بنوشد و سیر شود، و زمانی هم که سیر شد از نوشیدن شیر خودداری می‌کند.

عمل مکیدن سینه مادر و احساس گرسنگی و احساس تشنگی آن هم در بدو تولد عملی است که کسی به این موجود تازه مولد شده نیاموخته است، و به این اعمال ناآموخته غریزه گفته می‌شود که خداوند متعال در درون و ذات و سرشت موجودات قرار داده و این موجودات به طور ناخودآگاه آن‌ها را انجام می‌دهند تا نسل آن‌ها منقرض نشود، پس:

غریزه نیرو و جاذبه و کششی است درونی با این مشخصات:

۱. در رابطه با مسائل مادی «جسمی» موجودات است مانند غریزه گرسنگی، تشنگی، جنسی و... و سعی و کوشش جهت ارضاء آن‌ها.

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۴۶، حدیث ۲۳.

تفسیر نورالثقلین جلد پنجم، صفحه ۷۴۵، حدیث ۶۰ «حدیث ۸۶۲۳».

۲. در رابطه با غرایز و ارضاء آنها آموزشی در کار نبوده بلکه خداوند متعال آنها را در درون و سرشت و جان موجودات قرار داده است.

۳. موجودات به طور ناخودآگاه و بدون اختیار و اراده خویش آنها را می فهمند و انجام می دهند تا نسل آنها منقرض نشود، و اصطلاحاً گفته می شود که به طور غریزی این فعالیت ها را انجام می دهند.

(ب) فطرت:

فطرت نیز مثل غریزه نیرو و جاذبه ای است که خداوند متعال آن را در درون و نهاد و سرشت و ذات انسان قرار داده است، لیکن حوزه فطرت در رابطه با مسائل معنوی و غیرمادی است،

ضمن اینکه انسان اجبار به انجام آن ندارد بلکه آن را آگاهانه انجام می دهد. پی بردن به این موضوع که جهان خالق و آفریننده ای دارد در درون و نهاد و سرشت و ذات انسان ها قرار دارد «خداوند متعال آن را قرار داده است»، عدالت خواهی، حق جویی، راستگویی و دیگر فضائل از جمله مواردی هستند که خداوند متعال در درون جان انسان ها قرار داده که از آنها به عنوان فطرت یاد می شود،

لیکن انسان ها در دنیا مختار و آزاد خلق شده اند یعنی می توانند از این نیروی درونی خود یعنی از فطرت خویش تبعیت کرده و از پیامبران الهی که دستوراتشان به موازات همین نیروی درونی «فطرت» می باشد پیروی نموده و به سعادت دنیا و آخرت نائل شوند، همچنین انسان ها می توانند از این نیروی درونی «فطرت» فاصله گرفته و به موازات آن از دستورات انبیاء عظام الهی سرپیچی کرده و در دنیا و آخرت خودشان را از رحمت خداوند متعال محروم کنند و به اصطلاح *خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ* شوند.

معرفت به یگانگی خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم و امامت ائمه معصومین علیهم السلام در صدر فضائلی است که خداوند متعال در فطرت انسان ها قرار داده است.

«سوره لقمان»

آیه ۲۰ سوره لقمان:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً
وَبَاطِنَةً...».

ترجمه:

آیا ندیدید «نمی بینید» که خداوند متعال آنچه را که در آسمانها و زمین است
مُسخّر شما کرده و به تسخیر شما درآورده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به
طور فراوان به شما ارزانی داشته است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

سَخَّرَ لَكُمْ = مُسخّر شما نموده، به تسخیر شما درآورده؛
أَسْبَغَ = از ماده سَبَغُ یعنی توسعه دادن، سنگ تمام گذاشتن؛
نِعْمٌ = جمع نعمت یعنی نعمت‌ها.^۲

در این آیه شریفه خداوند متعال همه مردم را مورد خطاب قرار داده و نعمت‌هایی
را که به مردم اعطا فرموده بازگو کرده و آن‌ها را به شناختن نعمت‌ها و به دنبال آن
به شناخت مُنعم «نعمت دهنده، یعنی خداوند متعال» دعوت نموده و می‌فرماید:

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۳.

۲. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۵۱.

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ = خداوند متعال به همه انسان‌ها می‌فرماید آیا نمی‌بینند:

«آیا نمی‌بینید و فکر نمی‌کنید» که خداوند متعال آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است مُسَخَّرَ شما انسان‌ها نموده و به تسخیر شما درآورده است.

مقصود از اینکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است مُسَخَّرَ انسان‌ها می‌باشد این است که همه آن‌ها وسایل و ابزاری هستند جهت تأمین منافع انسان‌ها و امکان‌پذیر بودن ادامه حیات بشر.

بعضی از این چیزها اختیارشان به طور مستقیم در دست انسان‌ها است و خداوند متعال آن‌ها را برای انسان‌ها رام و مطیع نموده از قبیل موجودات زنده‌ای که اهلی هستند و مطیع انسان‌ها می‌باشند،

و بعضی دیگر ظاهراً مطیع و رام انسان‌ها نیستند و به تسخیر انسان‌ها درنیامده‌اند بلکه طبق نظمی که خداوند متعال برای آن‌ها قرار داده حرکت می‌کنند، مانند حرکت خورشید و زمین و ماه، لیکن نتیجه کار آن‌ها عاید انسان می‌شود، مثل حرکت وضعی زمین که روز و شب را پدید می‌آورد و یا نور خورشید که اگر نبود ادامه زندگی موجودات ممکن نبود و موارد فراوانی از این قبیل، بنابراین آنچه که در آسمان‌ها و زمین می‌باشد و خداوند متعال آن‌ها را خلق فرموده تماماً در خدمت انسان‌ها و تأمین منافع آن‌ها می‌باشد تا ادامه حیات متوقف نگردد، حال ممکن است اختیار آن‌ها مستقیماً در دست انسان‌ها باشد و نیازهای آن‌ها را برآورده سازد، و یا اینکه در اختیار مردم نباشند لیکن خداوند متعال آن‌ها را مامور نموده باشد که در خدمت انسان‌ها باشند، مانند خورشید، ماه، زمین، آب، باد و ...، و در واقع خداوند متعال اوضاع جهان را به نحوی قرار داده که گویا همه آن‌ها مسَخَّر و مطیع انسان‌ها می‌باشند و وظیفه‌ای جز تأمین منافع انسان‌ها ندارند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً = خداوند متعال انواع نعمت‌های خود اعم از نعمت‌های ظاهری و باطنی را به سوی شما انسان‌ها سرازیر نموده است، یعنی همه گونه نعمت به شما انسان‌ها اعطا فرموده است.

راجع به اینکه مقصود از نعمت‌های ظاهری و باطنی چیست مطالب فراوانی توسط مفسرین عنوان شده که خلاصه و چکیده آن را ملاحظه می‌فرمائید.

الف) نعمت‌های ظاهری «نعمت‌های محسوس - نعمت‌های آشکار»:

تمام نعمت‌هایی را که خداوند متعال به انسان‌ها اعطا فرموده و ما به وسیله حواس پنجگانه خویش آن‌ها را می‌بینیم و یا وجود آن‌ها را درک و احساس می‌کنیم در حوزه نعمت‌های ظاهری قرار می‌گیرند،

پس، محسوسات «آنچه که به وسیله حواس پنجگانه درک می‌شوند» در حوزه نعمت‌های ظاهری هستند که خداوند متعال به انسان اعطا فرموده است.

دین و شریعت نیز در این حوزه قرار می‌گیرد چرا که امور دنیا و آخرت انسان‌ها را تأمین می‌نماید و آثار آن کاملاً قابل درک است.

ب) نعمت‌های باطنی «نعمت‌های معقول، نعمت‌های غایب از حس»:

مقصود از نعمت‌های باطنی نعمت‌هایی هستند که خداوند متعال به انسان‌ها اعطا فرموده لیکن با حواس پنجگانه قابل درک نیستند بلکه در حوزه عقل و اندیشه می‌باشند مانند عقل، اراده، شعور و... .

مقامات معنوی که از طریق انجام اعمال صالح عاید انسان‌ها می‌شود در حوزه نعمت‌های باطنی واقع می‌شوند.

ممکن است در این تقسیم‌بندی بین مفسرین اختلاف سلیقه و اختلاف نظر مشاهده شود که آیا این نعمت در حوزه نعمت‌های ظاهری است یا در حوزه نعمت‌های باطنی، و مفسرین در رابطه با یک موضوع خاص نظر متفاوتی داشته باشند لیکن در اصل مطلب تغییری حاصل نمی‌شود چرا که در هر حال نعمت خداوند متعال است که خداوند سبحان آن را به انسان‌ها اعطا فرموده است.

نکته مهم در این آیه شریفه این است که ما انسان‌ها باید به نعمت‌هایی که خداوند متعال اعطا فرموده نگاه کرده و راجع به آن‌ها بیندیشیم و شکر مُنعم «نعمت‌دهنده» را به جای بیاوریم.

نکته مهم دیگر این آیه شریفه این است که خداوند متعال در جملات کوتاهی انسان‌ها را متوجه همه نعمت‌هایی می‌نماید که به انسان‌ها اعطا فرموده است زیرا هر

نعمتی را که در نظر بگیریم یا در حوزه نعمت‌های ظاهری است یا در حوزه نعمت‌های باطنی، لذا وظیفه انسان‌های شاکر و سپاسگزار این است که به همه نعمت‌های الهی توجه کرده و شکر آن‌ها را به جای بیاورند، و شکر نعمت یعنی صرف نعمت در راهی که خداوند متعال امر فرموده، و شکر نعمت یعنی اجتناب از محارم. اینک تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن در رابطه با نعمت ظاهری و نعمت باطنی چیست انشاء الله تعالی در بخش حدیث روشن خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. امام باقر علیه السلام فرمودند:

النُّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَا جَاءَ بِهِ النَّبِيُّ مِنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَتَوْحِيدِهِ، وَأَمَّا النُّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَعَقْدُ مَوَدَّتِنَا، يَعْنِي:

منظور از نعمت ظاهری وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و آنچه که آن حضرت درباره معرفت و شناخت خداوند متعال و توحید و معارف دین آورده‌اند «بیان فرموده‌اند».

و اما منظور از نعمت باطنی ولایت ما اهل بیت پیامبر اکرم و پیمان محبت به ما است.

این حدیث را جابر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۲. امام کاظم علیه السلام فرمودند:

النُّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرِ وَ النُّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبِ، يَعْنِي:

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۵۰ - ۵۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۴ - ۷۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۶۸.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۳ و ۲۹۷، حدیث ۱ و ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۸۰۷، حدیث ۸۳ «حدیث ۸۷۳۹».

مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۸۶.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۶۷.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۶۸.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۶.

نعمت ظاهری «نعمت آشکار» امام ظاهر می باشد،
و نعمت باطنی «نعمت پنهان» امام غائب است.
این حدیث را محمد بن مسلم از امام کاظم علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

الف) مقصود از امام ظاهر یعنی امام معصومی که در بین مردم زندگی می کند و مردم توفیق و سعادت این را دارند که آن حضرت را مشاهده کرده و ایشان را زیارت نمایند،

و مقصود از امام غائب امام معصومی است که در بین مردم زندگی می کند لیکن بنا به مصالحی که خداوند متعال می داند آن امام معصوم از نظر و از چشم مردم غائب می باشد، یعنی اینکه همگان سعادت و توفیق این را ندارند که خدمت آن حضرت مشرف شده و آن بزرگوار را زیارت نمایند.

مقصود از امام غائب در این حدیث شریف وجود مقدس امام زمان سلام الله علیه می باشد که از نظرها غایب است.

ب) هر کجا که صحبت از وجوب پذیرش ولایت اهل بیت پیامبر اکرم مطرح شده مقصود امامت آن بزرگواران می باشد که از جانب خداوند متعال به این مقام منصوب شده اند.

وقتی امامت آن بزرگواران بر همه مردم فرض و واجب می باشد به طریق اولی محبت و مودت آن ذوات مقدسه نیز لازم و واجب است.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم که:

وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، یعنی برای شما است مودت و محبت واجب، یعنی:

برای ما واجب است که نسبت به شما مودت و محبت داشته باشیم.

ج) همانطور که ملاحظه فرمودید در یک حدیث پیامبر اکرم به عنوان نعمت ظاهری

۱. تفسیر نورالثقلین جلد پنجم، صفحه ۸۰۷، حدیث ۸۲ «حدیث ۸۷۳۸».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۶۸.

معرفی شده و ولایت و محبت اهل بیت پیامبر اکرم به عنوان نعمت باطنی، و در حدیث دیگر امام ظاهر نعمت ظاهری عنوان شده و امام غائب نعمت باطنی، لذا معنی و خلاصه این دو حدیث شریف این می شود که:

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام هم نعمت ظاهری خداوند متعال هستند و هم نعمت باطنی خداوند سبحان که به مخلوقات اعطا شده‌اند.

به عبارت دیگر، وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام عالی ترین و عظیم ترین نعمت ظاهری و باطنی خداوند متعال می باشند که خداوند سبحان به جهان هستی اعطا فرموده است و بقیه نعمت‌هایی که به بشر اعطاء شده در مقام و رتبه بعد قرار گرفته‌اند و اصلاً قابل قیاس با این نعمت نمی باشند.

قابل ذکر است نعماتی که خداوند متعال به انسان‌ها اعطا فرموده به حدی زیاد است که مردم حتی نمی توانند آن‌ها را شمارش نمایند تا چه رسد به اینکه بتوانند شکر این نعمات فراوان و کثیر را به جای بیاورند. بی شمار بودن نعمات الهی در آیه ۱۸ سوره نحل آمده که خداوند متعال می فرماید:

وَ إِن تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا، یعنی:

نعمت‌هایی که خداوند متعال به شما اعطا فرموده به قدری زیاد است که اگر بخواهید آن‌ها را بشمارید قادر به شمارش و احصاء آن‌ها نخواهید بود.

۳. محمد بن زیاد ازدی می گوید:

از مولا و سرورم موسی بن جعفر علیهما السلام درباره این آیه شریفه «وَ اسْبِغْ عَلَیْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً - آیه ۲۰ لقمان» سؤال کردم که مقصود این آیه شریفه چیست.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ،

وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ، یعنی:

مقصود از نعمت ظاهر و آشکار امام ظاهر است،

و مقصود از نعمت باطن و پنهان امام غائب می باشد.

محمد بن زیاد آزادی می گوید:

خدمت امام کاظم علیه السلام عرض کردم:

آیا در میان ائمه معصومین علیهم السلام امامی هست که غایب شود.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

آری، شخص او «جسم او» از دیدگان مردم غایب می شود لیکن یاد او از قلوب مؤمنین غایب نمی شود.

وجود مقدس امام کاظم علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

امامی که از دیدگان مردم غایب می شود دوازدهمین امام است «دوازدهمین ما ائمه می باشد» که خداوند متعال:

هر امر سختی را برای او آسان می فرماید،

گنج های زمین را برای او آشکار می کند،

هر بعیدی را برای وی قریب می سازد «هر دوری را برای وی نزدیک می کند»،

توسط وی همه جبّاران و ستمگران را نابود می کند،

توسط وی هر شیطان متمرد و سرکش را به هلاکت می رساند،

او کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و پنهان است و خداوند متعال به وسیله

آن حضرت:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا، یعنی:

خداوند متعال به وسیله آن حضرت زمین را پر از عدل و داد می کند پس از اینکه

پر از ظلم و جور شده باشد.^۱

توضیح:

ذیل آیه ۲۸ و ۲۹ سوره ابراهیم «الْم تَرَىٰ إِلَىٰ الذِّينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ...»،

آیه ۸۳ سوره نحل «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا»،

۱. کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، جلد دوم، باب ۳۴، صفحه ۵۷ و ۵۸، حدیث ۶.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۶۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۳، حدیث ۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۸۰۷، حدیث ۸۱ «حدیث ۸۷۳۷».

و آیه ۸ سوره تکاثر «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه اعظم نعمات الهی هستند و بزرگترین و عظیمترین نعمتی هستند که خداوند متعال به بشریت اعطا فرموده است و روز قیامت از همه مردم درباره این نعمت عظیم یعنی نعمت ولایت وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام سؤال خواهد فرمود که آیا شکر نعمت به جای آوردند یا کفران نعمت نمودند.

آیه ۲۲ سوره لقمان:

«وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»

ترجمه:

هر کس روی خود را «روی دل و توجه درونی» متوجه خداوند متعال نماید، یعنی توجه کامل و بی شائبه و خالصانه به خدا داشته باشد و محسن و نیکوکار نیز باشد به دستگیره و دستاویز محکمی چنگ زده است، و عاقبت همه کارها به سوی خدا است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

تسلیم وجه برای خدا = توجه کامل به خدا داشتن - با همه وجود رو به خدا نمودن.

وجه = صورت. اگر اینجا صحبت از تسلیم وجه یعنی توجه صورت آمده به خاطر این است که اگر انسان بخواهد به جایی توجه کند صورت خود را متوجه آنجا می‌نماید و صورت در واقع سمبل و نماد می‌باشد، پس:

تسلیم وجه برای خدا یعنی اینکه انسان با همه وجودش رو به خدا کند و خدا را پرستش کرده و از غیر خدا اعراض نموده و رویگردان شود «خالصانه فقط و فقط خدا را پرستش کند و به درگاه الهی سر تسلیم فرود آورد و او را اطاعت کند».

مُحْسِنٌ = اسم فاعل احسان می‌باشد یعنی نیکوکار، یعنی به جای آورنده عمل صالح با داشتن اعتقاد به خدا.

تَمَسَّكَ = اعتصام = چنگ زدن = توسل نمودن و دست به دامن شدن.

عُرْوَةُ الْوُثْقَى = دستگیره محکم - دست‌آویزی که پاره شدن نداشته باشد.^۲

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۴۸ و ۵۳.

۲. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۸.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۵۳.

خداوند متعال در این آیه شریفه و آیه بعد «آیه ۲۳» به بیان احوالات دو گروه مؤمن و کافر پرداخته و آنها را با یکدیگر مقایسه می‌فرماید که چگونه مؤمنین رستگار می‌شوند و کفار گرفتار عقوبت الهی.

خداوند متعال در رابطه با گروه مؤمنین می‌فرماید:

وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ = کسی که با همه وجودش رو به خدا کند و تمام توجهش معطوف به خداوند متعال باشد و خالصانه خداوند متعال را پرستش کند و از غیر خدا اعراض نماید «سر تسلیم به خداوند متعال فرود آورد و قلب و جانش را تسلیم خدا کند، یعنی فقط خدا را پرستش کند آن هم پرستش خالصانه».

وَهُوَ مُحْسِنٌ = درحالی که محسن و نیکوکار باشد، یعنی اعمال صالح انجام دهد، یعنی تمام اوامر و نواهی خداوند متعال را اجرا کند «انجام واجبات و ترک محرّمات».

ملاحظه می‌فرمائید که:

قسمت اول آیه شریفه به ایمان اشاره می‌کند «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ»، و قسمت دوم آیه شریفه به عمل صالح اشاره می‌فرماید «وَهُوَ مُحْسِنٌ».

نتیجه و اثر ایمان و عمل صالح در ادامه آیه شریفه آمده است، یعنی اگر کسانی تمام توجه خودشان را معطوف به خدا نمایند و فقط خداوند متعال را خالصانه عبادت کنند و سپس عمل صالح نیز انجام دهند «محسن باشند» در این صورت :

فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى = به دستگیره و دستاویز محکمی چنگ زده‌اند. این قسمت از آیه شریفه کنایه از این است که چنین شخصی اهل نجات و رستگاری است.

چنگ زدن به دستگیره محکم تشبیه لطیفی از این حقیقت است که: انسان در دنیا برای جلوگیری از سقوط به قعر درّه ضلالت و گمراهی و مادیگری و ارتقاء به بلندترین قلّه‌های معرفت و معنویت نیاز به یک وسیله محکم و مطمئن دارد و این وسیله محکم و مطمئن چیزی نیست جز ایمان و عمل صالح.

وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ = عاقبت همه کارها و بازگشت تمام امور به سوی خداوند

متعال است و پاداش همه کارها نزد او می‌باشد.^۱

توضیح:

تفسیر آیه شریفه این شد که هر کس ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد به دستگیره محکمی چنگ زده که باعث نجات و رستگاری او می‌باشد، یعنی ایمان و عمل صالح دستگیره و دستاویز محکمی هستند «یعنی عُرْوَةُ الْوُثْقَى» که هر کس به آن دستگیره چنگ بزند و او را محکم بگیرد نجات می‌یابد. اینکه تأویل آیه شریفه چیست و معنی باطنی آیه شریفه در رابطه با عُرْوَةُ الْوُثْقَى چیست که هر کس به آن چنگ بزند و آن را محکم بگیرد اهل نجات و رستگاری است، و هر کس آن را رها کند و از آن اعراض نماید اهل عذاب می‌باشد در بخش حدیث اشاره خواهد شد.

حدیث:

امام رضا علیه‌السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌فرماید که آن حضرت فرمودند:

سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ، النَّاجِي مِنْهَا مَنْ تَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
 فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَلَايَةُ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ
 قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَنْ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
 قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي
 قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدَكَ

۱. مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۸۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۵۳.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۸.

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَعْنِي:
پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

بعد از رحلت من فتنه‌ای تاریک و ظلمانی و گمراه‌کننده خواهد آمد «خواهد بود»
و تنها افرادی از آن فتنه رهایی می‌یابند که به عُرْوَةُ الْوُثْقَى چنگ بزنند.

خدمت رسول خدا عرض شد:

یا رسول الله، عُرْوَةُ الْوُثْقَى چیست.

پیامبر اکرم فرمودند: عُرْوَةُ الْوُثْقَى ولایت و امامت سید اوصیاء است.

محضر رسول الله عرض شد: یا رسول الله، سید اوصیاء کیست.

پیامبر اکرم فرمودند: سید اوصیاء امیرالمؤمنین است.

خدمت پیامبر اکرم عرض شد: امیرالمؤمنین چه کسی است.

پیامبر اکرم فرمودند:

سرور و مولای مسلمانان و امام و رهبر آنان بعد از من.

خدمت پیامبر اکرم عرض شد:

سرور و مولای مسلمانان و امام و رهبر مسلمین بعد از شما چه کسی است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

سرور و مولای مسلمین و امام آنها بعد از من برادرم علی بن ابیطالب علیه السَّلَام

می‌باشد.

این حدیث را تفسیر برهان از منابع اهل سنت نقل نموده است.^۱

۲. وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

الْأَيُّمَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَيْمَةٌ مَعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ أَوْلَادِ إِمَامِ حُسَيْنِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ هَسْتَنْدُ،

مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، هَر كَسْ أَنْهَا رَا إِطَاعَتِ كَنْد خِدَاوَنْد مَتَعَالِ رَا إِطَاعَتِ كَرْدَه

اَسْتِ.

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۹، حدیث ۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۷۹ - ۸۰.

مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، هر کس از دستورات آن‌ها سرپیچی کند از دستورات خداوند
متعال سرپیچی کرده است،

هُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، آن‌ها عروۀ الوثقی هستند،
هُمْ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ، آن‌ها وسیله تقرّب به درگاه الهی هستند.^۱

۳. امام کاظم علیه‌السلام فرمودند:

مقصود از عُرْوَةُ الْوُثْقَى مودّت و محبّت ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
و سلّم می‌باشد.

این حدیث را حصین بن مخارق از امام کاظم علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۴. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى،

فَلْيَتَمَسَّكَ بِحَبِّ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِي، یعنی:

هر کس دوست دارد به عروۀ الوثقی تمسک نماید «هر کس دوست دارد به
دستگیره و دستاویز محکمی چنگ بزند»،

پس باید به ولایت و محبّت علی بن ابیطالب علیه‌السلام و اهل بیت من تمسک
نماید و چنگ بزند.^۳

۵. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا،

فَلْيَتَمَسَّكَ بِوَلَايَةِ أَخِي وَ وَصِيِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ،

فَإِنَّهُ لَا يَهْلِكُ مَنْ أَحَبَّهُ وَ تَوَلَّاهُ وَلَا يَنْجُو مَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَادَاهُ، یعنی:

هر کس دوست دارد به دستگیره و دستاویز محکم و غیرقابل گسست چنگ بزند،

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد دوم، باب ۳۱، صفحه ۹۴، حدیث ۲۱۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۸، حدیث ۵.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۸، حدیث ۲.

۳. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد دوم، باب ۳۱، «اخبار مجموعه» صفحه ۹۴، حدیث ۲۱۶.

پس باید به ولایت برادر و وصی من «جانشین من» علی بن ابیطالب علیه السلام چنگ بزند و تمسک نماید، زیرا:

هر کس ولایت و امامت آن حضرت را بپذیرد و او را دوست بدارد هرگز هلاک نمی شود،

و هر کس آن حضرت را دشمن بدارد هرگز نجات پیدا نمی کند.

این حدیث را عبدالله بن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۱

۶. شیخ طوسی در مصباح المتهجد نقل می کند:

یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام به نام ابو محمد عبدالله بن محمد عابد بدالیه از آن حضرت تقاضا نمود تا کیفیت صلوات فرستادن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیاء آن حضرت را بیان فرماید، و متعاقب آن وجود مقدس امام عسکری علیه السلام کیفیت و نحوه صلوات فرستادن به چهارده معصوم علیهم السلام را بیان فرمود که در قسمت مربوط به صلوات به امام حسن مجتبی و امام حسین سلام الله علیهما در بخشی از این صلوات به محضر مقدس امام حسین علیه السلام عرض می کنیم:

أَشْهَدُ أَنْكَ وَالْإِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، یعنی:

یا ابا عبدالله الحسین:

شهادت و گواهی می دهم که:

تو و ائمه معصومین علیهم السلام از نسل تو «از امام سجاد علیه السلام تا امام زمان علیه السلام» کلمه تقوا «حقیقت تقوا و پرهیزکاری» و باب هدایت و عروۃ الوثقی «دستگیره و دستاویز محکم» و حجت خداوند متعال بر تمام مردم دنیا هستید.

این حدیث شریف و نورانی تحت عنوان صلوات بر حجج طاهره «صلوات بر وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۱. معانی الاخبار صدوق، جلد دوم، باب ۴۱۶، صفحه ۳۶۳، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۲۹۸، حدیث ۴.

توضیح:

الف) ملاحظه فرمودید که ائمه معصومین علیهم السلام عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستند و مردم موظف هستند که به این ذوات مقدسه تمسک نمایند تا مشمول رحمت واسعه حق تعالی شده و وارد بهشت شوند.

ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره «لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدسه عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستند و فقط کسانی که به این بزرگواران تمسک نمایند و چنگ بزنند اهل نجات هستند، و در غیر این صورت اهل جهنم خواهند بود.

ب) ذیل آیه ۱۰۳ سوره آل عمران «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آن ذوات مقدس حَبْلُ اللَّهِ هستند و مردم موظف می‌باشند تا به آن بزرگواران اعتصام و تمسک نمایند تا مشمول رحمت حق تعالی واقع شده و وارد بهشت شوند.

قابل ذکر است که کلمه تمسک که در آیه ۲۲ سوره لقمان و آیه ۲۵۶ سوره بقره آمده، و کلمه اعتصام که در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران آمده دارای یک معنی می‌باشند، یعنی: تمسک و اعتصام به معنی چنگ زدن و متوسل شدن می‌باشد، و طبق این آیات شریفه که ملاحظه فرمودید و طبق احادیث ذیل این آیات شریفه مردم موظف هستند تا به عروۃ الوثقی و به حبل الله یعنی به ائمه معصومین علیهم السلام تمسک و اعتصام نمایند تا فائز و رستگار شوند یعنی وارد بهشت شوند،

در غیر این صورت اهل آتش خواهند بود و جایگاه آنها جهنم است.

آیه ۲۷ سوره لقمان:

«وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ».

ترجمه:

اگر همه درختان روی زمین قلم شوند و دریا مرکب گردد «جوهری که با آن می نویسند» و هفت دریا به آن دریا افزوده شود، این قلمها و این مرکبها تمام می شوند اما کلمات خدا پایان نمی گیرد «تمام نمی شود»، به درستی که خدا عزیز و حکیم است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

اقلام = جمع قلم؛

بَحْرٌ = دریا، الف و لام که با بَحْرُ آمده الف و لام جنس می باشد، یعنی همه اقیانوسها و دریاها روی زمین «جمع بَحْرٌ می شود بحار، أَبْحُرٌ، یعنی دریاها». يَمُدُّهُ = از ماده مداد یعنی مرکب «جوهر مخصوص نوشتن».

در قرون گذشته برای نوشتن ماده رنگینی به نام مرکب را داخل دوات ریخته و از چوب گیاهان مختلف قلم درست می کردند و سپس قلم را داخل دوات نموده و روی کاغذ یا پوست حیوانات می نوشتند.

سَبْعٌ = هفت «عدد هفت»، در زبان عرب و در لغت عرب کلمه سَبْعٌ تکثیر و کثرت را می رساند، لذا در این آیه شریفه:

سَبْعَةُ أَبْحُرٍ = یعنی دریاهای بی شمار، دریاهای فراوان؛

نَفَدٌ، يَنْفَدُ = تمام شدن، از بین رفتن؛

كَلِمَاتٍ = جمع کلمه.

كَلِمَةٍ = لفظی است که دلالت بر معنایی داشته باشد، و به همین جهت لفظ بی معنا را کلمه نمی گویند، بعدها کلمه معنای گسترده ای پیدا کرد و به هر چیزی که مبین و

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۸۳.

بیانگر مطلبی می باشد کلمه گفته شد، لذا:

از آن جا که همه مخلوقات الهی «آنچه را که خداوند متعال خلق فرموده اعم از جمادات، نباتات و حیوانات و سایر چیزها از قبیل آبها، گازها و...» نشانه‌هایی از ذات پاک خدا و قدرت و علم خداوند متعال می باشند به آن‌ها کَلِمَةُ اللَّهِ گفته می شود، پس: به هر موجود و هر مخلوقی کَلِمَةُ اللَّهِ اطلاق می شود، مخصوصاً در رابطه با موجودات و مخلوقات شریف تر مانند انسان‌ها و از بین انسان‌ها انبیاء عظام الهی، مثلاً در آیه ۴۵ سوره آل عمران و آیه ۱۷۱ سوره نساء آمده که:

يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ، یعنی:

ملائکه به حضرت مریم گفتند: خداوند متعال تو را به کلمه‌ای «موجودی - مخلوقی»

از طرف خودش بشارت می دهد، یعنی عیسی بن مریم.

إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ، یعنی:

به درستی که حضرت مسیح عیسی بن مریم، رسول خدا است و کلمه خدا «مخلوق خدا».

همانطور که عرض شد مخلوقات و موجودات نشانه‌هایی هستند از ذات پاک خداوند متعال «نشانه‌هایی از وجود خدا» و نشانه‌هایی از علم و قدرت خداوند متعال، لذا کَلِمَاتُ اللَّهِ به معنی علم و قدرت خداوند متعال نیز آمده است، پس:

كَلِمَاتُ اللَّهِ = ۱) مخلوقات خداوند متعال؛ ۲) علم و قدرت خداوند متعال.^۱

شأن نزول آیه شریفه:

گفته شده که گروهی یهودی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم راجع به روح سؤال کردند که روح چیست و کجاست و سؤالاتی از این قبیل.

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا «آیه ۸۵ سوره اسراء»، یعنی:

ای پیامبر، به آن‌ها بگو:

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۵۶-۵۷.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۸۷ تا ۸۹.

روح از امر و فرمان پروردگار من است، و بهره شما از علم اندکی بیش نیست
«مقدار ناچیزی از علم به شما داده‌ایم».

یهودیان از پیامبر اکرم سؤال کردند:

آیا این موضوع «بهره ناچیزی از علم داشتن» فقط درباره ما است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

نه، همه مردم را شامل می‌شود.

یهودیان به پیامبر اکرم عرض کردند:

ای محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» تو در مورد خودت گمان می‌کنی که بهره
کمی از علم داری درحالی که خداوند متعال به تو قرآن را داده است و در قرآن تو نیز
آمده که خداوند متعال به ما تورات را داده است، این قضایا چگونه توجیه‌پذیر است.
این جا بود که این آیه شریفه «آیه ۲۷ سوره لقمان» نازل شد.

مضمون آیه شریفه این است که:

علم بشر هر قدر گسترش پیدا کند و هر چقدر پیشرفت نماید در مقابل علم
خداوند متعال هیچ است و به اندازه یک ذره هم به حساب نمی‌آید، چرا که علم
خداوند متعال و قدرت خداوند متعال بی‌نهایت است، لذا علم محدود انسان‌ها در
مقابل علم و قدرت بی‌نهایت خداوند متعال هیچ است.^۱

توضیح:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت یعنی وجود مقدس
چهارده معصوم علیهم السلام مظهر اتم و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می‌باشند،
لذا علم و قدرت بشر به هر درجه‌ای از پیشرفت نیز که برسد در مقابل علم و قدرت
این ذوات مقدسه نیز مثل قطره‌ای است در مقابل دریا و بلکه به مراتب کمتر از آن.
برای خداوند متعال هزار اسم عنوان شده «هزار اسم به ما رسیده و گرنه اسماء و
صفات خداوند محدود نیست که منحصر به هزار شود» که هر اسمی دلالت بر معنایی

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۷۲.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۸۶-۸۷.

می‌کند و هر اسم خداوند متعال صفتی از صفات حق تعالی را بیان می‌کند، یعنی اگر اسم خداوند متعال سمیع می‌باشد یعنی سمیع بودن صفت خداوند متعال است یعنی همه چیز را می‌شنود،

و اگر اسم خداوند متعال بصیر است یعنی بصیر بودن صفت خداوند متعال است یعنی همه چیز را می‌بیند، و به همین ترتیب سایر اسماء و صفات خداوند متعال، لذا خداوند متعال همه این هزار اسم یعنی هزار صفت را به طور مطلق دارا می‌باشد، یعنی خداوند متعال عزیز مطلق است «یعنی همه قدرت‌ها مربوط به خدا است و غیر خدا اصلاً قدرتی ندارد»، غنی مطلق است، علیم مطلق است، بصیر مطلق است، خبیر مطلق است و همچنین سایر صفات خداوند متعال.

خداوند متعال از صفات خویش به انسان‌ها نیز اعطا فرموده است، یعنی: مقداری از علم بی‌نهایت خویش را به انسان‌ها اعطا فرموده و به همین ترتیب هر کدام از صفاتش را به هر مقدار که اراده فرموده به انسان‌ها اعطا نموده است، لذا خداوند متعال عالم است انسان نیز عالم است، خداوند متعال قادر است انسان نیز قادر است، خداوند متعال سمیع و بصیر است انسان نیز سمیع و بصیر است، و این است مقصود از مظهریت انسان برای اسماء و صفات خدا، و اینکه گفته می‌شود انسان مظهر اسماء و صفات خدا است یعنی همین که عرض شد.

چون انسان مظهریت دارد «مظهر اسماء و صفات خدا است» اگر قدر این نعمت را بداند و به وظایف بندگی و عبودیت خویش عمل نماید اشرف به همه مخلوقات است، و اگر به وظایف بندگی و عبودیت خویش عمل نکند پست‌ترین مخلوقات می‌باشد.

قابل ذکر است که مظهریت انسان‌ها برای صفات حق متفاوت است، یعنی بعضی از انسان‌ها مظهریت جامع و کاملی از صفات خداوند متعال را دارند و بعضی دیگر مظهریت در نازل‌ترین درجه،

و به عبارت دیگر انسان‌ها در کیفیت و کمیت مظهریت صفات خداوند متعال تفاوت دارند، یعنی علما مظهر علم خدا هستند، انبیاء اولوالعزم مظهر علم خدا هستند،

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نیز مظهر علم خدا می باشند، لیکن مظهریت علم خداوند متعال در این سه گروه که عرض شد به هیچ وجه یکسان نیست، چرا که چهارده معصوم علیهم السّلام مظهر اتمّ و اکمل صفات خداوند متعال می باشند و پس از این ذوات مقدّسه نوبت به انبیاء اولوالعزم و اوصیاء آنها می رسد بنابراین:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت آن بزرگوار «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» مظهریت اتمّ و اکمل نسبت به اسماء و صفات خداوند متعال دارند، یعنی:

خداوند متعال از علم و قدرت و اراده و رحم و سخاوت و بصیرت و سایر صفات خودشان را در عالی ترین کیفیت به این بزرگواران اعطا فرموده و این اعطا در اعلا درجه است، و پس از این بزرگواران انبیاء اولوالعزم الهی قرار گرفته اند.^۱

خداوند متعال برای ترسیم علم نامتناهی خویش، همچنین قدرت نامتناهی خویش می فرماید:

وَ لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ = اگر همه درختان روی زمین قلم شوند و همه دریاها مرکب گردند.

مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ = و هفت دریا نیز به این دریاها اضافه شود و بنخواهند علم و قدرت خداوند متعال را بنویسند همه این مرکبها تمام می شوند و قلمها فرسوده شده و از بین می روند، اما:

مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ = اما کلمات خداوند متعال پایان نمی پذیرند و تمام نمی شوند، یعنی:

اگر همه درختان روی کره زمین به قلم تبدیل شوند «هر درخت به هزاران قلم تبدیل خواهد شد» و اگر همه دریاها مرکب و جوهر شوند و هفت دریا نیز به این دریاها اضافه شود «عرض شد که کلمه هفت در لغت عرب کثرت را نیز می رساند، یعنی اگر تعداد بی شماری دریا نیز به دریاها موجود اضافه شود» تا بنخواهند

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، سیّد حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۲۲۷ تا ۲۲۹.

شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۱۴۲-۱۴۳.
«توضیح راجع به مَثَلِ الْأَعْلَى».

کلمات خداوند «(۱) مخلوقات خداوند متعال؛ (۲) علم و قدرت خداوند متعال و همچنین سایر صفات خداوند متعال» را بنویسند همه مرکب‌ها تمام می‌شوند و همه قلم‌ها فرسوده شده و از بین می‌روند درحالی‌که هنوز کلمات خداوند متعال پایان نیافته و تمام نشده است.

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ = به درستی که خداوند متعال عزیز است «یعنی قادر مطلق و قاهر غیر مقهور، یعنی قدرتمندی که همه قدرت‌ها از آن او است و اگر دیگران نیز قدرتی دارند از جانب خداوند متعال به آن‌ها اعطا شده است»، و خداوند متعال حکیم است یعنی با اینکه خداوند متعال علمش بی‌نهایت است، قدرتش بی‌نهایت است و قادر به هر کاری است، اما چون حکیم می‌باشد کارهایش بر اساس حکمت و مصلحت است.^۱

توضیح:

خداوند متعال فرموده‌اند که دریاها و درختان روی زمین تمام می‌شوند «اگر بنخواهند کلمات خدا را بنویسند» لیکن کلمات خدا تمام نمی‌شود.
 کره زمین حدود پانصد میلیون کیلومتر مربع مساحت دارد که حدود ۳۵۰ میلیون کیلومتر مربع آن را دریاها و اقیانوس‌ها تشکیل می‌دهند «حدود ۷۰ درصد مساحت کره زمین»، عمق این دریاها و اقیانوس‌ها نیز از چند صد متر تا ۱۰ هزار متر می‌شود.
 «گودال ماریان در اقیانوس آرام در حوالی فیلیپین حدود ده هزار متر عمق دارد». مقدار این آب‌ها به حدی است که به تصور انسان نیز نمی‌رسد، ضمن اینکه خداوند متعال فرموده اگر این دریاها چند برابر شوند «مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ». در اکثر نقاط کره زمین درخت یافت می‌شود لیکن در ناحیه استوایی کره زمین جنگل‌های متراکم و انبوهی است که امکان فعالیت انسان را در آن‌جا غیرممکن می‌سازد «به جهت تراکم درختان و انواع گیاهان».

۱. مجمع‌البیان، جلد نوزدهم، صفحه ۱۹۴.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۵۶-۵۷.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۸۷ تا ۸۹.

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال فرمودند:

این دریاها و درختان تمام می شوند اما کلمات خداوند متعال «۱- مخلوقات خداوند؛ ۲- علم و قدرت خداوند متعال و سایر صفات حق تعالی» تمام نمی شود. از جمله مخلوقات خداوند متعال خورشید و زمین و ماه و دیگر سیارات منظومه شمسی می باشند، همچنین سایر کرات که در کهکشان‌های دیگر قرار گرفته‌اند. میلیون‌ها ستاره تشکیل کهکشان می دهند و تعداد کهکشان‌ها نیز بی شمار است و وسعت آن‌ها زیاد، به نحوی که از این سوی کهکشان تا سوی دیگر همان کهکشان چند میلیون سال نوری فاصله است و تا کهکشان‌های دیگر ده‌ها میلیون سال نوری، یعنی میلیاردها ستاره در قالب تعداد کثیری کهکشان، که اگر بخواهیم از یک طرف کهکشان خودمان «یعنی کهکشان راه شیری» به طرف دیگر آخرین کهکشانی که شناخته شده است برویم «آن هم با سرعت نور یعنی ۳۰۰ هزار کیلومتر در یک ثانیه» چند صد میلیون سال طول می کشد.

این‌ها قسمتی از مخلوقات خداوند متعال هستند که تاکنون شناخته شده‌اند، لذا وقتی خداوند متعال مخلوقاتش را مثال می زند به این قصد می باشد که تقریب به ذهن شود «مطلب به ذهن انسان نزدیک شود» و انسان متوجه شود که علم و قدرت خداوند متعال بی نهایت است، همچنین مخلوقات الهی.

بنابراین اگر خداوند متعال دریاها و درختان را «با توضیحاتی که راجع به آن‌ها عرض شد» مثال می زند که اگر بخواهند کلمات خداوند متعال را بنویسند قادر به نوشتن نخواهند بود «آن‌ها تمام می شوند ولی کلمات خدا تمام نمی شود» به این خاطر است که خداوند متعال با این مثال محسوس، هم مخلوقات خویش «یعنی عظمت خلقت» را به مردم نشان می دهد و هم علم و قدرت بی پایان و نامتناهی خود را به مردم می نمایاند.

معنی کلماتُ الله بر اساس ظاهر آیه شریفه روشن شد، اما اینکه تأویل کلماتُ الله چیست که اگر همه درختان قلم شوند و همه دریاها مرکب و بخواهند آن را بنویسند قادر به آن نخواهند بود انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

حدیث:

۱. یحیی بن اکثم از وجود مقدس امام هادی سلام الله علیه در رابطه با این آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمْدُهُ، مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ، مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ...» سؤال نمود.

وجود مبارک امام هادی علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي لَا تُدْرِكُ فَضَائِلُنَا وَلَا تُسْتَقْصَى، یعنی:

ما هستیم آن کلمات الله «کلمات خدا» که فضائلمان درک نمی‌گردد و ژرفای وجودمان فهمیده نمی‌شود.^۱

توضیح:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام عالی‌ترین و بارزترین کلمات خدا «کلمات الله» هستند که اگر همه درختان روی زمین قلم شوند و همه دریاها و اقیانوس‌ها مرکب و بخوانند فضائل و مناقب آن بزرگواران را بنویسند قادر نخواهند بود، یعنی دریاها و اقیانوس‌ها تمام می‌شوند و قلم‌ها فرسوده شده و از بین می‌روند اما فضائل و مناقب آن ذوات مقدسه تمام نمی‌شود و پایان نمی‌پذیرد.

۲. در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه مقدسه امام هادی علیه السلام صادر شده هنگام زیارت ائمه معصومین علیهم السلام به آن ذوات مقدسه عرضه می‌داریم.

مَوَالِيَّ لَا أُحْصِي ثَنَائِكُمْ، یعنی:

ای موالی ما «موالی جمع مولی یعنی آقا»،

من نمی‌توانم مدح شما را شمارش نمایم،

یعنی ای امام و مولای من، من نمی‌توانم مدح و ثنای شما را به طور کامل شمارش کرده و احصاء نمایم چرا که مدح و ثنای شما به قدری زیاد است که من قادر به

۱. احتجاج طبرسی، جلد پنجم، صفحه ۵۴۱، حدیث ۳۳۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۸۱۵، حدیث ۹۲ «حدیث ۸۷۴۸».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۰۰، حدیث ۴.

شمارش آن‌ها نیستیم، زیرا مدح و ثنای هر فرد مبتنی بر فضیلت آن فرد می‌باشد و چون فضائل شما بیش از تصوّر ما می‌باشد پس شمارش مدح و ثنای شما نیز ممکن نیست و غیر از خداوند متعال هیچ‌کس قادر به شمارش و احصاء فضائل شما نمی‌باشد برای اینکه پی بردن به فضائل شما مستلزم بر معرفت به شما است، پس:

چون معرفت و شناخت ما نسبت به شما محدود است لذا قادر به درک فضائل شما نیستیم «علم به صفات همان فضائل است»،

و چون فضائل و مناقب شما را نمی‌شناسیم لذا مدح و ثنای شما را نیز نمی‌توانیم شمارش کرده و احصاء نمائیم، و به عبارت دیگر:

مدح و ثنای شما را نمی‌توانیم شمارش کنیم چرا که فضائل و مناقب شما را نمی‌شناسیم، فضائل و مناقب شما را نمی‌شناسیم چرا که معرفت و شناخت ما در رابطه با شما بسیار محدود و اندک می‌باشد.

و لَا أْبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، یعنی:

هر قدر در مدح و ثنای شما بکوشم نمی‌توانم حقّ مطلب را بیان کنم، برای اینکه مدح و ستایش هنگامی کامل و تمام است که مدح‌کننده به حقیقت وجود مدح‌شونده واقف باشد «مادح به کُنّه ذات ممدوح واقف باشد»، و چون شناخت امام به طور کامل برای ما مقدور نیست لذا مدح امام نیز به طور کامل برای ما مقدور نمی‌باشد.

وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرُكُمْ، یعنی:

قدرت و توان بیان قدر و منزلت شما را ندارم، یعنی هر چه درباره شما بگویم دون شأن شما است «کمتر از مقام و منزلت شما است»، زیرا مراتب صفات شما نامتناهی است، چرا که مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال هستید، لذا هر اندازه در وصف شما بکوشیم حقّ مطلب را ادا نکرده‌ایم، برای اینکه وقتی موصوف شناخته نشود وصف او نیز میسر نخواهد بود، و خلاصه کلام اینکه:

هر چه وصف شما را بگوئیم ناچیز است و در شأن شما نیست چرا که وصف ما در حدّ و اندازه فهم و درک و معرفت ما است نه در حدّ و اندازه قدر و منزلت شما.

واصف = وصف‌کننده؛

موصوف = وصف‌شونده؛

وصف کردن یعنی بیان کیفیت و کمیت صفات.

ثنا = مدح، ستایش، ستودن، وصف شیء؛

احصاء = شمارش؛

کُنْه = حقیقت؛

ذات = وجود؛

کُنْه ذات = حقیقت وجود؛

مادح = مدح کننده؛

ممدوح = مدح شونده.^۱

۳. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

در شب قدر بیان حکم همه امور به ولیّ امر «امام معصومی که در آن عصر و زمان زنده است و امامت مسلمین را بر عهده دارد» نازل می شود و به او ابلاغ می گردد که درباره خودش چنین دستور دارد و درباره دیگران چنان، لیکن:

علاوه بر این و افزون بر این غیر از شب قدر نیز در هر روز برای ولیّ امر و امام منصوب از ناحیه خداوند متعال علم مخصوص و پنهان و شگفت نازل می شود، و سپس امام باقر علیه السلام این آیه شریفه را «وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ - آیه ۲۷ سوره لقمان» تلاوت فرمود.^۲

۴. در زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که به زیارت صفوان جمال

معروف است به خداوند متعال عرض میکنیم:

وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى وَ أَمِينِكَ الْأَوْفَى وَ عَزْوَتِكَ الْوُثْقَى وَ يَدِكَ الْعُلْيَا وَ جَنَبِكَ الْأَعْلَى وَ كَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، یعنی:

۱. شرح زیارت جامعه کبیره تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۲۱-۵۲۲.

شرح زیارت جامعه کبیره تألیف، سید حسین همدانی درودآبادی، صفحه ۵۸۲.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۶۰، حدیث ۳ «حدیث ۶۳۹».

تفسیر نورالثقلین، جلد پنجم، صفحه ۸۱۳، حدیث ۹۰ «حدیث ۸۷۴۶».

خداوندا:

دروود بفرست بر امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب بنده پسندیده‌ات، امین وفادارت «امانت‌دار با وفایت»، عروءة الوثقای تو «دستگیره و دستاویز محکمت»، دست بلندت، جانب والایت، وَ كَلِمَتِكَ الْحُسْنَى یعنی کلمه نیکویت «یعنی حضرت امیر علیه السلام کلمه الله است، و کلمه نیکوی خداوند متعال می‌باشد».

این زیارت شریف که در مفاتیح الجنان نیز آمده «تحت عنوان زیارت ششم حضرت امیر علیه السلام» از وجود مبارک امام صادق علیه السلام صادر شده است. قابل ذکر است که عین این جملات در زیارت حضرت امیر علیه السلام در شب و روز مبعث نیز آمده است.

در قسمتی از زیارت آن حضرت در روز مبعث به آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ،
وَ تَمَّمْتَ بِكَ كَلِمَاتُ اللَّهِ، یعنی:

ای امیرالمؤمنین:

شهادت و گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را ادا نمودی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و اینکه:

وَ تَمَّمْتَ بِكَ كَلِمَاتُ اللَّهِ، یعنی:

به وسیله تو کلمات خداوند متعال کامل و تمام شد.

۵. هنگام زیارت امام جواد علیه السلام به محضر آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ اللَّهِ، یعنی:

سلام بر تو ای کلمه الله «ای کلمه خدا».

در قسمت دیگری از زیارت آن حضرت عرض می‌کنیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ،

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ التَّقِيِّ،

وَ حُجَّتِكَ الْعُلْيَا وَ مَثَلِكَ الْأَعْلَى وَ كَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، یعنی:

خداوندا:

به محمّد و اهل بیت آن حضرت درود فرست،
و به محمّد بن علی پاکیزه و پرهیزکار «یعنی امام محمّد تقی علیه السّلام» درود
فرست که حجّت والای تو و مثّل و نمونه برتر تو می باشد، و آن حضرت کلمه
حُسْنای تو است «کلمه نیکوی تو است».
این زیارت شریفه در مفاتیح الجنان آمده است.

توضیح:

ملاحظه فرمودید که اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه
معصومین علیهم السّلام کلمات الله هستند «با همان توضیحی که ذیل آیه شریفه به
عرض رسید» و مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می باشند، لذا:

اگر تمام درختان کره زمین قلم شوند،
و اگر تمام دریاها و اقیانوس ها مرکّب «جوهر» شوند و بنخواهند علم و قدرت آن
ذوات مقدّسه و همچنین فضائل و مناقب و کمالات معنوی آن بزرگواران را بنویسند
قادر به این کار نخواهند بود، یعنی:

همه قلم ها فرسوده می شوند «همه درختان روی زمین که به قلم تبدیل شده اند»،
و همه مرکّب ها تمام می شوند «تمام آب های موجود در کره زمین که به مرکّب
تبدیل شده اند»، لیکن:

علم و قدرت آن ذوات مقدّسه و فضائل و مناقب آن بزرگواران تمام نمی شود،
زیرا علم و قدرت و فضائل آن ذوات مقدّسه نامحدود است و قابل احصاء و
شمارش نمی باشد.

جهت روشن شدن مطلب توضیحات مختصری در این رابطه به عرض می رسد
«فقط اشاره ای به بعضی از صفات آن بزرگواران به عنوان قطره ای در مقابل دریا».

الف) علم و قدرت ائمه معصومین علیهم السّلام.

۱. خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره نحل به پیامبر اکرم می فرماید:

و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ، یعنی:

ما قرآن کریم را به تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است.

خداوند متعال در آیه ۴۹ سوره عنکبوت می‌فرماید:

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، یعنی:

قرآن کریم که بیانگر همه چیز است آیات آشکاری است که در سینه کسانی است که خداوند متعال به آن‌ها علم اعطا فرموده است، یعنی در سینه ائمه معصومین علیهم‌السلام.

همچنین طبق آیه ۴۳ سوره رعد «وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا، قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» تمام علم کتاب یعنی تمام علم قرآن نزد ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشد، آن هم قرآنی که تبیان کُلِّ شَيْءٍ می‌باشد.

در این صورت اگر همه درختان عالم قلم شوند و همه دریاها مرکب، باز هم نمی‌توانند مراتب علم ائمه معصومین علیهم‌السلام را بنویسند چرا که این ذوات مقدسه مظهر اتم و اکمل علم خداوند متعال هستند و طبق فرمایش امام هادی علیه‌السلام در زیارت جامعه کبیره این بزرگواران مخزن علم خداوند متعال می‌باشند و علم خداوند متعال نیز بی‌نهایت است و قابل احصاء و شمارش نمی‌باشد.

۲. خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره یس می‌فرماید:

وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ، یعنی:

ما همه چیز را در امام مبین احصاء و شمارش نموده‌ایم.

ذیل آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۴۹ سوره عنکبوت و آیه ۱۲ سوره یس توضیحات

کاملی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نقل شده که:

مقصود از کسانی که خداوند متعال به آن‌ها علم اعطا فرموده،

و مقصود از کسانی که علم کتاب به طور کامل نزد آن‌ها است،

و مقصود از امام مبین ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌باشند، لذا:

اگر همه درختان قلم شوند و همه دریاها مرکب، قلم‌ها فرسوده می‌شوند و مرکب‌ها تمام می‌شوند درحالی‌که کلمات الله تمام نشده است یعنی علم ائمه معصومین علیهم‌السلام به پایان نرسیده است.

۳. ذیل آیه ۴۳ سوره رعد به عرض رسید که آصف بن برخیا که علمی از کتاب را داشت توانست تاج و تخت ملکه سبا را در مدّت کمتر از یک چشم به هم زدن از سرزمین یمن به فلسطین انتقال دهد، حال ملاحظه بفرمائید قدرت ائمه معصومین علیهم السّلام چه مقدار است که تمام علم کتاب نزد آن ذوات مقدّسه می باشد.

از ائمه معصومین علیهم السّلام در رابطه با مقایسه قدرت آصف بن برخیا و قدرت ائمه معصومین علیهم السّلام سؤال شد و آن ذوات مقدّس در پاسخ فرمودند:

اگر پشه‌ای بر روی دریا پرواز کند و یک بال خویش را به آب دریا بزند، رطوبتی که بر بال پشه مشاهده می شود قدرت آصف بن برخیا است و تمام آب دریا قدرت ما، و آیا بشر قادر است این قدرت عظیم و خارق العاده را به تصویر بکشد و بیان نماید، لذا مطلب همان می شود که خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره لقمان می فرماید که:

اگر تمام درختان قلم شوند و همه دریاها مرکّب، نمی توانند کلمات الله یعنی علم و قدرت ائمه معصومین علیهم السّلام را بنویسند زیرا این بزرگواران مظهر اتمّ و اکمل همه اسماء و صفات خداوند متعال می باشند از جمله علم و قدرت خدا، و چون علم و قدرت و سایر صفات خداوند متعال بی نهایت می باشد لذا علم و قدرت و سایر صفات ائمه معصومین علیهم السّلام نیز نامحدود است و در فهم بشر نمی گنجد، یعنی قلم و زبان از نوشتن و بیان آنها عاجز و ناتوان می باشد، و این همه را خداوند متعال به آن ذوات مقدّسه اعطا فرموده است.

ب) فضائل و مناقب ائمه معصومین علیهم السّلام و مقام و منزلت آن ذوات مقدّسه: کتابی که هم اکنون در دست شما است از اوّل تا آخر در رابطه با فضائل و مناقب آن بزرگواران می باشد (به عنوان قطره‌ای از دریا)، که اگر در آنها تأمل و دقت بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که ائمه معصومین علیهم السّلام آنقدر فضیلت و منقبت دارند و آنقدر مقام و منزلتشان عالی و بالاست که انسان قادر به تصوّر آنها نیز نمی باشد،

و این همان فرمایش خداوند متعال است که در آیه ۲۲ سوره لقمان که محلّ بحث ما می باشد، آمده که:

اگر همه درختان قلم شوند و دریاها مرکب و بخوانند فضائل و مناقب و مقام و منزلت ائمه معصومین علیهم السلام را بنویسند قلمها فرسوده می شوند و مرکبها تمام می شوند درحالی که هنوز فضائل و مناقب و مقام آن بزرگواران به پایان نرسیده است.

ذیلاً به نمونه‌هایی از عظمت آن بزرگواران اشاره می شود تا مطلب روشن گردد.

۱. ذیل آیات شریفه سوره اخلاص «قُلْ هُوَ اللَّهُ» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که:

اگر کسی با قلب خویش حضرت امیر علیه السلام را دوست داشته باشد یک سوّم ثواب امت اسلام به او می رسد،

و اگر با قلب و زبان خویش آن حضرت را دوست داشته باشد برای او ثواب دو سوّم امت خواهد بود،

و اگر کسی قلباً آن حضرت را دوست داشته و با زبان خویش و همچنین با دست خویش آن حضرت را یاری کند برای او اجر و ثواب تمام امت اسلام منظور می شود. با این حساب مقام و منزلت خود آن حضرت چه مقدار می باشد فقط خدا می داند و بس، یعنی:

مقام و منزلت آن حضرت نه قابل گفتن است و نه قابل نوشتن، زیرا بی نهایت را نمی توان بیان کرد و نوشت.

۲. در حدیث است که اگر همه مردم محبّ امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می شدند و آن حضرت را دوست می داشتند خداوند متعال جهنّم را خلق نمی کرد. «حدیث هشتم ذیل آیه اوّل سوره مبارکه اسراء».

۳. حدیث مشهوری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

ضَرَبْتُ عَلِيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ، یعنی:

ثواب یک ضربه شمشیر حضرت امیر علیه السلام در جنگ خندق که عمرو بن عبدود را به هلاکت رساند از ثواب عبادت جنّ و انس برتر و بالاتر می باشد.

این حدیث شریف نفرموده که ثواب این یک ضربه شمشیر حضرت امیر

علیه‌السلام مساوی عبادت جنّ و انس می‌باشد بلکه فرموده بالاتر، و این بالاتر بودن ممکن است دو برابر باشد یا ده برابر و یا هزاران برابر.

اگر یک ضربت شمشیر آن حضرت این همه فضیلت دارد تمام عبادات و مجاهدات آن حضرت چه فضائلی خواهند داشت،

و آیا این فضائل بی‌شمار قابل نوشتن و بیان کردن می‌باشد، و آیا این مطلب همان فرمایش خداوند متعال در آیه ۲۲ سوره لقمان نیست که می‌فرماید:

اگر همه درختان قلم شوند و همه آب‌های عالم مرکب، قادر به نوشتن فضائل و مناقب و مقام و منزلت ائمه معصومین علیهم‌السلام نخواهند بود، زیرا آن ذوات مقدّسه کلمات الله هستند و مظهر اتمّ و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می‌باشند.

۴. در کتب بسیار معتبر شیعه از قبیل کافی، ثواب الاعمال، کامل الزیارات و دهها کتاب معتبر دیگر آمده که:

هر کس یکی از ائمه معصومین علیهم‌السلام را زیارت کند درحالی که عارف به حقّ آن امام باشد ثواب هفتاد هزار حجّ و عمره مقبول در پرونده او و در نامه عمل او نوشته می‌شود،

و در بعضی از احادیث آمده که ثواب هزار هزار حجّ و عمره مقبول «یک میلیون حجّ و عمره مقبول»،

و در بعضی از روایات آمده هر کس یکی از ائمه معصومین علیهم‌السلام را زیارت نماید گویا خداوند متعال را در عرش زیارت نموده است «خداوند متعال را، نه خانه خدا را».

در احادیث ذیل آیه دهم و هیجدهم سوره مبارکه فتح به این موضوع اشاره شده است.

اگر زائر یک امام معصوم علیه‌السلام اینقدر مقام داشته باشد و این همه ثواب نصیبش بشود خود آن امام معصوم چه مقامی دارد و چه فضائل و مناقبی دارد، و آیا این مقام و منزلت را می‌توان گفت و یا نوشت،

قطعاً قابل بیان کرد و نوشتن نیست زیرا به تصوّر ما نیز نمی‌گنجد چرا که گنجایش

و ظرفیت آن را نداریم.

۵. فضائل و مناقب آن ذوات مقدّسه به قدری زیاد است و مقام و منزلت آن بزرگواران در درگاه الهی به قدری رفیع است که اگر انسانی مقامات آن بزرگواران را انکار نماید از درگاه الهی رانده می شود.

ذیل آیه ۸۲ سوره طه «إِنِّي لَعَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا...»، و ذیل آیه ۲۳ سوره فرقان «وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا» احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که عمل بدون ولایت آن بزرگواران ذرّه‌ای ارزش ندارد. به عنوان نمونه به یک حدیث اشاره می شود.

در این حدیث شریف آمده که:

اگر به نامه عمل یک انسان اعمال هفتاد پیغمبر و نبی اضافه شود، لیکن صاحب پرونده منکر ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام باشد، این همه اعمال به حال او نفعی نخواهد داشت، یعنی:

مقام و منزلت ائمه معصومین علیهم السّلام به قدری رفیع است و این ذوات مقدّسه به حدّی قرب به درگاه الهی دارند که اگر کسی تمام عمر خویش مشغول عبادت باشد و اعمال هفتاد پیامبر نیز به اعمال او اضافه شود اگر ولایت ائمه معصومین علیهم السّلام را نپذیرفته باشد این همه اعمال صالح به حال او سود نخواهند داشت، و این‌ها همه حاکی از مقام رفیع ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد که طبق آیه ۲۲ سوره لقمان اگر همه درختان قلم شوند و همه دریاها مرکب، قادر به نوشتن علم و قدرت و مقام و فضائل آن بزرگواران نخواهند بود،

زیرا آن ذوات مقدّسه کلمات الله هستند و مظهر اتم و اکمل اسماء و صفات خداوند متعال می باشند، و آنچه که در کتاب حاضر در رابطه با فضائل و مناقب و مقامات ائمه معصومین علیهم السّلام بیان شده فقط اشاره‌ای به آن مقامات است، و به منزله قطره‌ای است در مقابل دریا.

«سوره احزاب»

آیه ۴ سوره احزاب:

«مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ».

ترجمه:

خداوند متعال برای هیچ کس دو قلب و دو دل در درون و داخل وجودش قرار نداده است.^۱

توضیح:

بعضی از مفسرین برای این آیه شریفه شأن نزولی نقل کرده‌اند که طبق این نقل فردی بود به نام جمیل بن معمر که از حافظه فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و هر مطلبی را که می‌شنید خیلی سریع آن را حفظ می‌کرد.

این شخص ادعا می‌کرد که در درون من دو قلب است که به وسیله آن‌ها فکر می‌کنم، لذا عقل من بهتر از عقل محمد «حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم» می‌باشد.

این شخص در جنگ بدر درحالی که یک لنگه کفش خود را پوشیده و لنگه دیگرش را در دست گرفته بود از ترس قوای اسلام در حال فرار بود.

ابوسفیان به او گفت چرا یک لنگه کفش خودت را به دست گرفته‌ای و فقط یک

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۱۰.

لنگه آن را پوشیده‌ای.

جمیل بن معمر به ابوسفیان گفت:

من خیال می‌کردم که هر دو لنگه را پوشیده‌ام، و پس از این قضیه بود که همگان به ادعای پوچ و بی‌اساس او پی بردند و فهمیدند که او نیز مثل سایر مردم یک قلب بیشتر ندارد و مثل همه مردم دچار فراموشی می‌شود.

اگر شأن نزول آیه شریفه همین قضیه باشد که عرض شد لیکن باید بدانیم که این آیه شریفه در صدد بیان مطلب مهمی است که انشاءالله تعالی عنوان خواهد شد، ضمن اینکه آیات شریفه قرآن معنی باطنی و تاویلی نیز دارند که ائمه معصومین علیهم‌السلام از آن مطلع می‌باشند و آن را بیان می‌فرمایند که انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.^۱

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید:

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ = خداوند متعال برای هیچ کس دو دل و دو قلب در درون و داخل وجودش قرار نداده است.

این آیه شریفه معنی بسیار عمیق و بسیار مهمی دارد و کنایه از این است که خداوند متعال دو قلب و دو دل در درون انسان قرار نداده که کسی بتواند دو عقیده متناقض و دو رأی و اندیشه متضاد را همزمان قبول داشته باشد و آن‌ها را بپذیرد، یعنی در عین حال که از پیامبر اکرم و قرآن و وحی الهی تبعیت و پیروی می‌کند از اهل کفر و شرک و نفاق نیز حرف‌شنوی داشته باشد،

و یا به عبارت دیگر انسان دو قلب ندارد که در عین حال که نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان و ارادت دارد و محب و علاقمند وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشد نسبت به دشمنان آن ذوات مقدس نیز مختصر علاقه‌ای داشته باشد «حتی به مقدار بسیار ناچیز و اندک».

خلاصه کلام اینکه:

مقصود و مراد آیه شریفه این است که خداوند متعال به هر انسان فقط و فقط

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۷ - ۸.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۱۰ - ۲۱۱.

یک قلب و یک دل اعطا فرموده و لذا انسان باید به عقیده حق یعنی به قرآن کریم و پیامبر اکرم و اهل بیت پیامبر اکرم معتقد باشد و نسبت به عقاید و افکار انحرافی رویگردان.

اگر بخواهیم با یک مثال این امر را بیان کنیم این می شود که: انسان یا طرفدار حق است و یا باطل و جمع بین این دو میسر و ممکن نیست و اگر کسی به چنین حالتی گرفتار شد باید بداند که از صراط مستقیم الهی منحرف شده است، لذا:

نمی شود که انسان ولایت چهارده معصوم علیهم السّلام را پذیرفته باشد و به آن ذوات مقدّسه ارادتمند باشد و در همان حال به مخالفین آن ذوات مقدّسه نیز محبت داشته باشد «حتّی به مقدار بسیار اندک»، بلکه باید در عین ارادت به پیامبر اکرم و اهل بیت آن بزرگواران از دشمنان آنها تبری جسته و اعلام بیزاری نماید و معنی تولّی و تبری نیز همین است، یعنی اعلام وفاداری و ارادت به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام و اعلام برائت و بیزاری از دشمنان آن ذوات مقدّسه.

امام صادق علیه السّلام در خصوص این آیه شریفه فرمودند: خداوند متعال برای انسان دو قلب در درونش قرار نداده که با یک قلب قوم و طایفه‌ای را دوست داشته باشد و با قلب دیگرش به دشمنان آن قوم و طایفه ارادت بورزد.^۱

توضیح:

مقصود از قلب آن عضو ماهیچه‌ای نیست که از دو دهلیز و دو بطن تشکیل شده و وظیفه خون‌رسانی به همه بدن را به عهده دارد، بلکه قلب و دل یعنی: عقل و درک، روح و جان، مرکز و کانون عواطف انسان. آیات شریفه‌ای که ذیلاً درج شده مبین این مطلب است.

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۹ تا ۱۲.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۲۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۱۰ - ۲۱۱.

«قَالَ أَوْلَمْ تَوْمِنَ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيطْمَئِنَّ قَلْبِي - آیه ۲۶۰ سوره بقره».
 «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ - آیه ۲۸ سوره رعد».
 «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا - آیه ۲۴ سوره محمد «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ».

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ - آیه ۴ سوره فتح».
 «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا - آیه ۱۷۹ سوره اعراف».
 «قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا - آیه ۱۰۳ سوره آل عمران».
 «وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ - آیه ۵۱ سوره احزاب».
 «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا - آیه ۸ سوره آل عمران».
 «حَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَ عَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَ عَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً - آیه ۷ سوره بقره».
 «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا - آیه ۱۰ سوره بقره».
 «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ - آیه ۷ سوره آل عمران».
 «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ - آیه ۱۶۷ سوره آل عمران».
 «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ - آیه ۲۸ سوره رعد، و آیات دیگر».

در زبان فارسی نیز از دل به عنوان مرکز و کانون عواطف، روح و جان، فکر و اندیشه، عقل و شعور، عشق و... یاد شده است، مثل:

۱. سنگدلی = کنایه از افراد بی‌رحم، که معادل آن می‌شود قسّی القلب یعنی کسی که قساوت قلب دارد.

۲. دل‌رحم = رحم‌دل، که نقطه مقابل سنگدل می‌باشد و کنایه از افرادی است که رقیق‌القلب هستند و رقت قلب دارند.

۳. گفته می‌شود که دل مردم را نشکنید بلکه سعی کنید دل مردم مؤمن را به دست آورید.

۴. گفته می‌شود که دلم برای او تنگ شده است.

۵. گفته می‌شود که فلان شخص یا فلان چیز دل‌ریا است.

۶. فلان کس کوردل است «کنایه از اینکه حقایق را نمی‌فهمد».

در دیوان شعرا و همچنین در ضرب‌المثل‌های فارسی از اینگونه موارد فراوان دیده می‌شود که جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌گردد.

معنی قلب در قرآن کریم:

قلب یعنی:

الف) عقل و درک:

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ «آیه ۳۷ سوره ق»، یعنی قطعاً در سرگذشت پیشینیان «اقوام گذشته» تذکر و اندرزی است برای آن کس که عقل دارد.

ب) روح و جان:

وَ إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ «آیه ۱۰ سوره احزاب»، یعنی هنگامی که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده بود و جان‌ها به لب رسیده بود.

ج) مرکز و کانون عواطف:

سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ «آیه ۱۲ سوره انفال»، وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا انْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ «آیه ۱۵۹ سوره آل عمران»^۱.

حدیث:

۱. امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند که وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

لَا يَجْتَمِعُ حُبُّنَا وَ حُبُّ عَدُوِّنَا فِي جَوْفِ إِنْسَانٍ،
إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ لِرَجُلٍ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ فَيُحِبُّ بِهَذَا وَ يُبْغِضُ بِهَذَا،
فَأَمَّا مُحِبُّنَا فَيُخَلِّصُ الْحُبَّ لَنَا كَمَا يُخَلِّصُ الذَّهَبُ بِالنَّارِ لَا كَدْرَ فِيهِ،
فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ،

۱. تفسیر نمونه، جلد اول، صفحه ۱۲۱ «ذیل آیه ۷ سوره بقره».

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۱۸۴، جلد هفتم، صفحه ۱۳۹، جلد نهم، صفحه ۲۳۸ و جلد ۲۲ صفحه ۲۹۳.

فَانْ شَارَكَ فِي حُبِّنا حُبَّ عَدُوِّنا فَلَيْسَ مِنَّا وَلَسْنَا مِنْهُ،
 وَاللّٰهُ عَدُوُّهُمْ وَ جَبْرئيلَ وَ ميكَائيلَ،
 وَاللّٰهُ عَدُوُّ لِّلْكَافِرِينَ، یعنی:

محبت ما «چهارده معصوم عليهم السلام» و محبت دشمنان ما در قلب یک انسان جمع نمی شود «محبت ما و محبت دشمنان ما در ضمیر و دل یک انسان نمی گنجد»، چرا که خداوند متعال برای یک انسان دو قلب و دو دل قرار نداده است که با یک دل محبت بورزد و با دل دیگر بغض و دشمنی داشته باشد. دوستان و محبین ما باید محبت خودشان را نسبت به ما خالص نمایند «دوستان و محبین واقعی ما فقط ما را دوست می دارند» همانگونه که طلا در کوره خالص می شود و هیچ ناخالصی در آن نمی ماند.

هر کس می خواهد این مطلب را بفهمد که آیا واقعاً خالصانه ما را دوست دارد یا نه به قلب خود مراجعه کند و قلبش را امتحان و آزمایش کند، اگر در قلبش غیر از محبت ما ذره ناچیزی از محبت دشمنان ما نیز وجود دارد این شخص از ما نیست و ما نیز از او نیستیم «نه او شیعه ما است و نه ما امام او هستیم»، خداوند متعال و جبرئیل و میکائیل دشمن این شخص می باشند «و اشخاصی که اینگونه هستند»، و خداوند متعال دشمن کافران می باشد «اینگونه اشخاص در شمار کافران قلمداد شده اند».

این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

محبت به ما و دشمنی با ما در درون یک انسان جمع نمی شود، زیرا خداوند متعال می فرماید:

مَا جَعَلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ «آیه ۴ سوره احزاب»، یعنی:

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۵، حدیث ۷ «حدیث ۸۸۳۴».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۲۹۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۴۳، حدیث ۳.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۱۲.

مؤمن کسی است که قلب و دلش مملو از محبت و مودت ائمه معصومین علیهم السلام باشد و در دلش ذره‌ای نسبت به آن ذوات مقدسه بغض و دشمنی نداشته باشد.^۱

۳. میثم تمار می گوید:

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: هیچ بنده‌ای نیست که خداوند متعال قلب او را به ایمان آزموده باشد مگر اینکه محبت ما را در قلب خویش می‌یابد «قلب مؤمنین واقعی و راستین مملو از محبت و مودت ما می‌باشد»،

و هیچ بنده‌ای نیست که خداوند متعال بر او غضب گرفته باشد مگر اینکه بغض و کینه ما را در قلب خویش می‌یابد «مغضوبین درگاه الهی قلبشان مملو از دشمنی با ما می‌باشد»، پس:

از محبت مؤمنین به ما خوشحال می‌شویم و کینه دشمنان خودمان را درک می‌کنیم.

مؤمن در محبت ما کوتاهی نمی‌کند،

هر کس که دشمن ما را دوست داشته باشد هرگز ما را دوست نخواهد داشت زیرا این دو امر در یک دل نمی‌گنجد، و آنگاه وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام این آیه شریفه را «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ - آیه ۴ سوره احزاب» تلاوت فرمودند.

وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از تلاوت این آیه شریفه فرمودند:

خداوند متعال دو قلب در درون انسان قرار نداده که با یکی از آنها یک قوم و گروه را دوست بدارد و با قلب دیگرش دشمنان آن قوم و گروه را دوست بدارد.

کسی که ما را دوست می‌دارد در محبت خویش اخلاص می‌ورزد «محبت او نسبت به ما خالص است» مانند طلایی که هیچگونه ناخالصی نداشته باشد.

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۴۳، حدیث ۲.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
هر کس دوست دارد حال خودش را درباره محبت ما بداند پس قلب خویش را
امتحان کند،

اگر در قلبش محبت کسانی است که مردم را بر علیه ما تشویق و ترغیب می کنند
«اگر در قلبش محبت دشمنان ما وجود دارد» باید بداند که:

إِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ وَ جَبْرِيْلَ وَ ميكَائِيْلَ،

وَ اللَّهُ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِيْنَ، یعنی:

خداوند متعال و جبرئیل و میکائیل دشمنان او هستند، و خداوند متعال دشمن
کافران است «چنین شخصی در زمره کافران است»^۱.

۴. وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

هر کس که خداوند متعال قلبش را به ایمان بیازماید در قلب خویش محبت و
مودت ما را می یابد «قلب مؤمن مملو از محبت ما است»،

و هر کس که خداوند متعال بر او خشم گرفته باشد دشمنی و کینه ما را در دلش
می یابد «یعنی خداوند متعال بر غیرمؤمنین خشم می گیرد و غیرمؤمنین کسانی هستند
که در دلشان نسبت به ائمه معصومین علیهم السلام بغض و دشمنی دارند».

دوستی و دشمنی ما هیچ گاه در یک قلب و یک دل جمع نمی شود، زیرا خداوند
متعال در درون هیچ کس دو قلب قرار نداده که با یک قلب او را دوست بدارد و با
قلب دیگر با او دشمنی بورزد.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پایان فرمایشات خویش فرمودند:
هر کس می خواهد بداند که از محبین واقعی ما هست یا نه باید قلب خود را
ببازماید و امتحان نماید،

اگر در دوستی و محبت ما دشمن ما را نیز سهیم نماید او از ما نیست و ما نیز از او

۱. امالی شیخ طوسی، جلد اول، صفحه ۳۲۱، مجلس پنجم، حدیث ۵۶ «حدیث ۲۴۳».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۵، حدیث ۶ «حدیث ۸۸۳۳».

نیستیم» هر کس هم ما را دوست داشته باشد و هم دشمنان ما را، او از ما نیست و ما نیز از او نیستیم، یعنی او شیعه واقعی ما نیست و ما نیز امام او نمی‌باشیم»، و خداوند متعال و جبرئیل و میکائیل دشمن او هستند، و خداوند متعال دشمن کافران است. این حدیث را ابو جارود از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۴۲، حدیث ۱.

آیه ۶ سوره احزاب:

«الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ...»

ترجمه:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیاردارتر است «پیامبر اکرم از خود مؤمنین نسبت به آنها اختیاردارتر است».^۱

شرح لغات و توضیحات:

أُولَىٰ = اختیاردارتر، صاحب اختیارتر، شایسته‌تر، سزاوارتر؛
أَنْفُسُ مُؤْمِنِينَ = خود مؤمنین.^۲

خداوند متعال در این آیه شریفه اولویّت رسول الله نسبت به همه انسان‌ها را در همه حال و در همه موارد «چه در امور دنیا چه در امور دین» بیان می‌فرماید.
خداوند متعال می‌فرماید:

الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ = یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اختیار دارتر است به مؤمنین از خود مؤمنین.

معنی اولویّت داشتن پیامبر اکرم به مؤمنین این است که چنانچه هر مسلمانی هر جا و هر زمان امر را دائر بیند بین حفظ منافع رسول خدا و حفظ منافع خودش، باید منافع رسول خدا را به منافع خودش مقدّم بدارد، بنابراین هر حق و منفعتی که مسلمان برای خودش قائل است «مثل حفظ جان خویش، دوست داشتن اموال خویش، دوست داشتن فرزندان و...» رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مقدّم بر او می‌باشد یعنی:

اگر امر دائر شد بین حفظ جان خودش و جان رسول الله، مسلمان باید جان خویش را فدای رسول الله کند تا رسول خدا محفوظ بماند،

یا اگر نفس انسان، انسان را به چیزی امر کند یا دعوت نماید، و یا اگر افرادی

۱. المیزان، جلد سی و دوّم، صفحه ۱۱۹.

۲. المیزان، جلد سی و دوّم، صفحه ۱۲۴.

انسان را به چیزی امر کنند یا دعوت نمایند و در همان حال رسول الله انسان را امر به چیز دیگری نماید اطاعت از رسول الله مقدّم بر اطاعت از دیگران می باشد «همچنین اطاعت از پیامبر اکرم مقدّم است بر اطاعت انسان از دستور نفس خویش».

خلاصه کلام اینکه وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نسبت به همه مسلمانان در تمام امور «چه امور دنیوی و چه امور مربوط به دین» به طور مطلق اولویّت دارد، یعنی در تمام مسائل اجتماعی، فردی، خصوصی، مسائل مربوط به حکومت، مسائل مربوط به قضاوت و به طور کلی در تمام امور مربوط به دین و دنیا اراده و خواست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم مقدّم بر اراده و خواسته فرد می باشد،

همچنین اراده و خواست پیامبر اکرم مقدّم بر اراده و خواسته همه مردم می باشد و این اولویّت و تقدّم امر و اراده پیامبر اکرم نسبت به همه مردم و همه مؤمنین عام است و شامل همه امور دین و دنیا می شود و علّت این قضیه نیز کاملاً روشن است، زیرا: پیامبر اکرم معصوم است و حجّت و خلیفه خدا بر مخلوقاتش، و این اطاعت بی چون و چرا از رسول الله را خداوند متعال مقرر فرموده است که ذیلاً به چند آیه و چند مورد از فرمایشات پیامبر اکرم در خصوص وجوب اطاعت از آن حضرت و اولویّت داشتن آن بزرگوار بر مردم اشاره می شود.

الف) آیات شریفه:

۱. قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ «آیه ۳۱ سوره آل

عمران».

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید، ای پیامبر به مردم بگو: اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی و تبعیت کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهان شما را ببخشد.

۲. قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ «آیه ۳۲ آل عمران».

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید، ای پیامبر به مردم بگو: از خدا و رسول خدا اطاعت کنید و اگر از امر خدا و رسول اعراض کنید و سرپیچی نمائید خداوند متعال کافران را دوست ندارد «عدم اطاعت از خدا و رسول

خدا یعنی کُفر».

۳. فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا «آیه ۶۵ سوره نساء».

خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید:

به پروردگارت سوگند، مردم مؤمن نخواهند بود مگر اینکه در اختلافات خویش تو را حَکَم و داور قرار دهند و پس از داوری و قضاوت تو در دل خویش احساس ناراحتی نکنند و کاملاً مطیع و مُتقَد و تسلیم تو و حُکَم و داوری تو باشند.

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ «آیه ۵۹ سوره نساء».

خداوند متعال می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا و از رسول خدا و از اولی الامر یعنی از اوصیاء و جانشینان پیامبر اکرم اطاعت کنید.

۵. مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ «آیه ۸۰ سوره نساء»، یعنی:

هر کس از پیامبر اکرم اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت کرده است. «یعنی سرپیچی از دستورات پیامبر اکرم مثل سرپیچی از دستورات خداوند متعال است».

ب) فرمایشات پیامبر اکرم.

۱. لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ، یعنی:

هیچ یک از شما مردم مؤمن نمی شوید «به حقیقت ایمان نمی رسید» مگر اینکه خواسته شما تابع خواسته من و آنچه که من آورده‌ام «از جانب خدا» باشد، یعنی مؤمن کسی است که خواسته‌هایش تابع خواسته‌های رسول الله باشد.

۲. وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ النَّاسِ

أَجْمَعِينَ، یعنی:

قسم به آن کسی که جانم در دست او است «یعنی قسم به خداوند یگانه» هیچ یک از شما ایمان نمی‌آورد «به حقیقت ایمان نمی‌رسد» مگر اینکه من نزد او محبوب‌تر از خودش، مالش، فرزندش و تمام مردم باشم، یعنی:

مؤمن کسی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را از خودش و مالش و فرزندانش و از همه مردم بیشتر دوست داشته باشد، پس شرط ایمان این است که ما پیامبر اکرم را بعد از خداوند متعال از هر کس و از هر چیزی بیشتر دوست داشته باشیم و اگر جز این باشد ایمان نیاورده‌ایم و مؤمن نیستیم.

۳. ما مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، یعنی:

هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه من «پیامبر اکرم» در دنیا و آخرت از او نسبت به خودش اولی هستم «اختیاردارتر - صاحب اختیارتر»، یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در دنیا و آخرت نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیاردارتر می‌باشد.

۴. أَنَا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ، یعنی:

من «پیامبر اکرم» از هر مؤمنی نسبت به او، اولی «اختیاردارتر و صاحب اختیارتر» هستم، یعنی:

جان همه مؤمنین باید فدا شود تا پیامبر اکرم محفوظ بماند، مؤمنین باید خودشان و فرزندانشان را سپر بلا کنند تا پیامبر اکرم محفوظ بماند، همچنین اختیار پیامبر اکرم بر اموال ما از خودمان بیشتر می‌باشد. همانطور که عرض شد اولویت داشتن پیامبر اکرم نسبت به مسلمین مطلق می‌باشد و شامل تمام امور دین و دنیای مسلمین می‌شود.^۱

انشاءالله تعالی در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که بعد از پیامبر اکرم ائمه معصومین علیهم السلام بر تمام مؤمنین اولویت دارند و نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیاردارتر می‌باشند.

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۹ - ۲۰ - ۳۰ - ۳۱.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۲۴ - ۱۲۵.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۱۹ تا ۲۲۲.

حدیث:

۱. ابن ابی شیبیه، احمد و نسائی از بریده روایت کرده‌اند که بریده می‌گفت: من همراه علی بن ابیطالب علیه‌السلام در جنگ یمن شرکت داشتم و در یمن از علی علیه‌السلام جفایی دیدم «حجّت خدا بر کسی جفا نمی‌کند بلکه این جفاکاران هستند که به حجّت خدا چنین نسبتی می‌دهند».

پس از بازگشت به مدینه خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شده و نزد آن حضرت از علی علیه‌السلام بدگویی کرده و عیب گفتم. بلافاصله پس از سخنان من رنگ چهره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دگرگون شد و به من فرمود:

یا بریده، اَلَسْتُ اَوْلٰی بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ، یعنی:

ای بریده، آیا من نسبت به مؤمنین از خود آن‌ها به خودشان اَوْلٰی نیستم و نبودم «آیا نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیاردارتر نبوده و نیستم».

بریده می‌گوید: عرض کردم بله یا رسول الله؛

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، یعنی:

هر کس که من مولای او هستم علی بن ابیطالب علیه‌السلام مولای او است. این حدیث را المیزان از درّالمنثور سیوطی «از تفاسیر معتبر اهل سنت» نقل نموده است.

«مَوْلٰی = صاحب اختیار، سرپرست، اختیاردارتر به انسان از خود انسان»^۱.

۲. سلیم بن قیس می‌گوید:

عبدالله بن جعفر بن ابیطالب «همسر زینب کبری سلام الله علیها» می‌گفت: من و امام حسن و امام حسین سلام الله علیهما و عبدالله بن عباس و أسامة بن زید و عمر بن امّ سلمه نزد معاویه بن ابی سفیان بودیم. بین من و معاویه راجع به موضوعی بحثی صورت گرفت و من در حضور این

جمع به معاویه گفتم:

ای معاویه، من از وجود مقدّس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم شنیدم که فرمودند:

من نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اُولی هستم «اختیاردارتر - صاحب اختیارتر»، و بعد از من این اولویّت با علی بن ابیطالب علیه السّلام می باشد.

هنگامی که علی بن ابیطالب علیه السّلام به شهادت برسد حسن بن علی اُولی به مؤمنین است از خود مؤمنین،

بعد از او فرزندم حسین بن علی بر مؤمنان اولویّت دارد «صاحب اختیار آنها است - امام آنها است»،

بعد از شهادت حسین بن علی فرزندش علی بن الحسین اُولی بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ می باشد.

عبدالله بن جعفر بن ابیطالب می گوید:

در این هنگام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام که در محضر آن حضرت بود فرمود:

یا علی، تو علی بن الحسین «امام سجاد علیه السّلام» را خواهی دید.

سپس پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

بعد از علی بن الحسین فرزندش محمد بن علی اُولی به مؤمنین از خود مؤمنین می باشد.

سپس پیامبر اکرم رو به امام حسین علیه السّلام نموده و به ایشان فرمود:

تو او را می بینی «یعنی امام باقر علیه السّلام را».

پیامبر اکرم در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

این اولویّت با ولایت دوازده امام کامل می گردد که نه نفر آنها از فرزندان حسین بن علی هستند.

عبدالله بن جعفر بن ابیطالب می گوید:

من پس از نقل این حدیث در نزد معاویه بن ابی سفیان از وجود مقدّس امام حسن و امام حسین علیهما السّلام و عبدالله بن عباس و أسامة بن زید و عمر بن امّ سلمه

تقاضا کردم که به صحت گفته‌های من شهادت دهند که این بزرگواران نیز در نزد معاویه صحت گفته‌های مرا تأیید نمودند.

سلیم بن قیس می‌گوید که من این حدیث را از سلمان و مقداد و ابوذر نیز شنیده‌ام.^۱

توضیح:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و امام مجتبی و سیدالشهدا علیهم‌السلام به همراه عده‌ای از صحابه از جمله عبدالله بن جعفر بن ابیطالب، عبدالله بن عباس، أسامه بن زید، عمر بن امّ سلمه، سلمان، مقداد، ابوذر و عده‌ای دیگر از اصحاب در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند که آن حضرت در رابطه با ولایت و امامت ائمه معصومین از حضرت علی علیه‌السلام تا امام زمان علیه‌السلام مطالبی بیان نموده و آن بزرگواران را اُولیِّ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ عنوان فرمودند.

۳. امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که پیامبر اکرم فرمودند:

أَنَا أَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَوْلَىٰ بِهِ مِنْ بَعْدِي، یعنی:

من از هر مومنی نسبت به خودش اُولی هستم «صاحب اختیارتر»،

و بعد از من علی بن ابیطالب علیه‌السلام صاحب اختیار همه مومنین می‌باشد.

این حدیث را سفیان بن عیینه از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۷۴، حدیث ۴ «حدیث ۱۳۸۳».

احتجاج طبرسی، جلد دوم، صفحه ۵۴، حدیث ۱۵۵.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۳۳.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۰۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۵، حدیث ۲۱ «حدیث ۸۸۴۸».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۹، حدیث ۲۶ «حدیث ۸۸۵۳».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۶۴، حدیث ۶ «حدیث ۱۰۵۹».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۰۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۹، حدیث ۲۳ «حدیث ۸۸۵۰».

توضیح:

أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ یعنی صاحب اختیارتر به همه مومنین از خود مومنین، یعنی اختیاردار همه مومنین، و این مقام، مقام حجج خداوند متعال می باشد «یعنی وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام» و این مقام را خداوند متعال به آن بزرگواران اعطا فرموده است، لذا اطاعت بی قید و شرط از کلیه دستورات آن ذوات مقدسه بر همه مخلوقات واجب می باشد زیرا آن بزرگواران بر همه مردم ولایت دارند.

۴. امام کاظم علیه السلام طی یک حدیث نسبتاً مفصل بیانات گهرباری فرمودند که قسمتی از این حدیث شریف و نورانی را که در رابطه با این آیه شریفه «آیه ششم سوره احزاب» می باشد ملاحظه می فرمایید.

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اولی هستند به مردم از خود آنها «صاحب اختیار مردم هستند»،

و بعد از پیامبر اکرم امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام صاحب اختیار مردم می باشد.

این حدیث را علی بن حسن فضال از امام کاظم علیه السلام نقل نموده است.^۱

۵. عبدالاعلی می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

شنیده ام که از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که آن

حضرت فرموده اند:

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، یعنی:

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است «مرگ در حال

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۰۱ - ۳۰۲.

علل الشرایع شیخ صدوق، جلد اول، صفحه ۴۳۵، باب ۱۰۶، حدیث ۲.

کفر و شرک جاهلیت قبل از اسلام».

و وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

به خدا سوگند درست است، و آنگاه وجود مبارک امام صادق علیه‌السلام چند آیه از آیات شریفه‌ای را که خداوند متعال درباره امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نازل فرموده تلاوت فرمودند، و آنچه را که خداوند متعال به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام اختصاص داده بیان نموده و سپس در رابطه با امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام و امامت آن دو بزرگوار مطالبی فرموده و آنگاه این آیه شریفه را «الَّتِي أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» - آیه ۶ سوره احزاب» تلاوت فرمودند.^۱

۶. عبدالرحیم بن روح قیصر می گوید:

از وجود مبارک امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «الَّتِي أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» - آیه ۶ سوره احزاب»، سؤال کردم.

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به سؤال من فرمودند:

این آیه شریفه درباره امر ولایت و امامت و در شأن حکومت نازل شده است، و این آیه شریفه پس از امام حسین علیه‌السلام در میان اولاد آن حضرت جریان یافته است،

پس ما نسبت به پیامبر اکرم و امر امامت از مؤمنین و مهاجرین و انصار سزاوارتر و شایسته‌تر هستیم.

امام باقر علیه‌السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

ای عبدالرحیم:

به خدا قسم، غیر از ما هیچ کس در امر امامت بهره‌ای ندارد.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۱۲، حدیث ۲ «حدیث ۹۷۸».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۷، حدیث ۲۲ «حدیث ۸۸۴۹».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۶، حدیث ۲ «حدیث ۷۵۱».

علل الشرایع، جلد اول، صفحه ۶۶۹، باب ۱۵۶، حدیث ۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۴۷، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۵، حدیث ۱۹ «حدیث ۸۸۴۶».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۵، حدیث ۲۰ «حدیث ۸۸۴۷».

۷. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ لِكَثْرَةِ مَا بَلَغَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَإِقَامَتِهِ لِلنَّاسِ وَأَخْذِهِ بِيَدِهِ، يَعْنِي: وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رحلت فرمود امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام از خود مردم نسبت به آن‌ها اَوْلَى بود «یعنی به همه انسان‌ها اولویّت داشت و نسبت به مردم از خود مردم اختیاردارتر بود، و به عبارت دیگر به همه مردم ولایت داشت در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اخروی»،

چرا که پیامبر اکرم در موارد بسیاری امر امامت ولایت او را به مردم ابلاغ کرده بود که یک مورد آن در غدیر خم بود که دست او را گرفت و او را به عنوان امام مسلمین منصوب فرمود.

این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۸. در روضه کافی از وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَحْضَلُ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا، يَعْنِي: امام صادق علیه السّلام فرمودند:

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام بعد از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بهترین مردم بود «با فضیلت‌ترین فرد بود»، و اَوْلَى بود به مردم از آن‌ها «اختیاردارتر و صاحب اختیارتر بود به مردم از خود مردم»،

و امام صادق علیه السّلام این کلام نورانی را سه مرتبه تکرار فرمودند:^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۰، حدیث ۱ «حدیث ۷۵۰».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۴۸، حدیث ۳.

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۹، حدیث ۲۴ «حدیث ۸۸۵۱».

۹. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در خطبه ۱۱۸ نهج البلاغه فرموده‌اند:

فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ، یعنی:

به خدا قسم:

من به مردم از خودشان اولی هستم «من به مردم از خودشان اختیاردارتر و صاحب اختیارتر هستم، یعنی به همه انسان‌ها ولایت دارم و واجب‌الاطاعه می‌باشم»^۱.

۱۰. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ایام خلافت خویش در شهر کوفه خطبه‌ای ایراد فرموده و در پایان خطبه خویش فرمودند:

أَلَا وَ إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ، وَ مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، یعنی:

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید که من از مردم به خود مردم اولی هستم و اولویت دارم «اختیار من به مردم از اختیار خود مردم بیشتر می‌باشد»^۲.

و من از آن روز که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت مورد ظلم واقع شده‌ام.

این حدیث را اسحاق بن موسی الکاظم از پدر بزرگوار خویش امام کاظم علیه السلام و آن حضرت نیز از جد بزرگوار خویش حضرت امیر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱۱. هنگام زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید سعید غدیر خدمت آن حضرت عرض می‌کنیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْوَرُ رَسُولِ اللَّهِ وَ وَصِيِّهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ،

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ،

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۹، حدیث ۲۵ «حدیث ۸۸۵۲».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۰۳.

۲. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۴۱۳، حدیث ۱۰۴.

فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ وَأَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ،
وَجَعَلَكَ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ، یعنی:

ای امیرالمؤمنین:

شهادت و گواهی می‌دهم که:

تو برادر رسول‌الله و وصی آن حضرت و خلیفه آن حضرت «جانشین آن حضرت»

در امتش هستی،

و شهادت و گواهی می‌دهم که:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنچه را که خداوند متعال درباره تو نازل فرموده بود به مردم ابلاغ نمود و با صدای بلند آن را به مردم رساند «اشاره به واقعه غدیر خم که ذیل آیه ۶۷ سوره مائده راجع به آن توضیحات کاملی به عرض رسیده است»

و واجب فرمود بر امتش لزوم و وجوب اطاعت از تو و ولایت را و برای تو از

مردم بیعت گرفت «در رابطه با امامت شما»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تو را نسبت به مؤمنین اولی و سزاوارتر و

اختیاردارتر از خودشان قرار داد آنچنان که خداوند متعال چنین مقرر فرموده بود.

در بخش دیگری از این زیارت نورانی و شریف آمده که:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز عید غدیر به مردم

فرمودند:

أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ،

قَالُوا بَلَىٰ.

فَأَخَذَ بِيَدِكَ وَقَالَ:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ،

اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ،

وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم در غدیر خم به مردم فرمود:

آیا من نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین اختیاردارتر نیستم.

همه افراد حاضر در غدیر خم عرض کردند:

بله یا رسول الله، شما نسبت به مؤمنین از خود مؤمنین صاحب اختیارتر می باشید.
در این هنگام پیامبر اکرم دست تو را گرفت «یعنی دست حضرت امیر علیه السلام
را» و فرمود:

هر کس که من مولای او هستم و بر او ولایت دارم این علی بن ابیطالب که من
دستش را گرفته ام مولای او است و بر او ولایت دارد،
و سپس پیامبر اکرم به خداوند متعال عرض کرد:
خداوندا:

دوست بدار هر که را که علی بن ابیطالب را دوست می دارد،
دشمن بدار هر که را که علی بن ابیطالب را دشمن می دارد،
یاری کن هر که را که علی بن ابیطالب را یاری می کند،
و خوار کن هر که را که دست از یاری علی بن ابیطالب برمی دارد.
این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر
شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

آیه ۲۳ سوره احزاب:

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

ترجمه:

در میان مومنان مردانی هستند که بر سر عهد و پیمانی که با خداوند متعال بسته‌اند صادقانه ایستاده‌اند. بعضی از این مؤمنین به عهد خود وفا نموده و پیمان خودشان با خداوند متعال را به پایان بردند «به شهادت رسیدند»، و بعضی از این مؤمنین نیز در انتظار هستند «تا به عهد و پیمان خویش عمل نموده و پیمان خودشان با خداوند متعال را به پایان برسانند». این عده که در انتظار هستند عهد و پیمانی را که با خداوند متعال بسته‌اند تغییر نداده‌اند «انحراف و تزلزلی پیدا نکرده‌اند»^۱.

شرح لغات و توضیحات:

نَحْبٌ = ۱) عهد و پیمان؛ ۲) نذر «نذری که اداء آن واجب است، یعنی نذری که محکوم به وجوب باشد». در این آیه شریفه و دو آیه قبل صحبت از مؤمنین راستین و واقعی و روحیه عالی و پایمردی و استقامت آن‌ها و سایر ویژگی‌های آن‌ها می‌باشد. خداوند متعال ابتدا از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که اشرف مخلوقات و اشرف انبیاء می‌باشد شروع نموده و وجود نازنین پیامبر اکرم را به عنوان اُسوه و الگو و سرمشق ممتاز و ویژه برای همه انسان‌ها و همه مسلمین معرفی می‌فرماید.

بعد از معرفی پیامبر اکرم به عنوان سرمشق و الگوی همه انسان‌ها و همه مسلمین به معرفی مؤمنین راستین و واقعی پرداخته و اوصاف آن‌ها را بیان می‌فرماید و سپس

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۵۹ - ۲۶۰ تا ۲۶۴.

به گروه خاصی از مؤمنین که در تأسی و تبعیت و پیروی از پیامبر اکرم در صف مقدم بوده‌اند اشاره نموده و در توصیف این گروه می‌فرماید:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ = در بین مؤمنین مردانی هستند که بر سر عهد و پیمانی که با خداوند متعال بسته‌اند صادقانه ایستادند «صادقانه ایستاده‌اند»، به عبارت دیگر:

در بین مؤمنین مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بسته‌اند کاملاً وفا کردند و به آن عمل نمودند.

فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ = بعضی از این مؤمنین عهد و پیمانی را که با خداوند متعال بسته بودند به پایان بردند یعنی با کفار و مشرکین جنگیدند و به شهادت رسیدند. این قسمت از آیه شریفه به شهدای جنگ بدر و اُحد اشاره می‌فرماید که با کفار و مشرکین جنگیده و به شهادت رسیدند که به عنوان نمونه می‌توان به حمزه بن عبدالمطلب «عموی پیامبر اکرم»، عبیدالله بن حارث بن عبدالمطلب «پسرعموی پیامبر اکرم»، حنظله غسیل الملائکه، عبدالله انصاری «پدر جابر معروف» اشاره نمود که در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با کفار و مشرکین جنگیده و به شهادت رسیدند.

وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ = بعضی دیگر از مؤمنین منتظر می‌باشند تا به عهد و پیمانی که با خداوند متعال بسته‌اند عمل کنند، یعنی منتظر هستند تا با کفار و مشرکین و مخالفین اسلام جنگیده و به شهادت برسند.

این قسمت از آیه شریفه به آن دسته از مؤمنین راستین و واقعی اشاره می‌فرماید که آماده هستند به عهد و پیمان خویش وفا نموده و طبق دستور خدا و رسول با کفار و مشرکین و مخالفین اسلام بجنگند تا به یکی از این دو هدف برسند،

یعنی یا پیروز شوند و یا به شهادت برسند «در هر دو صورت پیروز شده‌اند». وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا = این مؤمنین عهدی را که با خداوند متعال بسته‌اند «بستند» تغییر ندادند، یعنی کمترین انحراف و تزلزلی در افکار آن‌ها راه پیدا نکرد.

این قسمت از آیه شریفه به هر دو گروه مؤمنین یاد شده می‌تواند مربوط باشد، یعنی هم مؤمنین گروه اوّل «مؤمنینی که به عهد و پیمان خویش وفا کرده و به شهادت

رسیدند» و هم مؤمنین گروه دوم «مؤمنینی که منتظر هستند تا به عهد و پیمان خویش وفا کنند».

مؤمنین چه عهد و پیمانی با خداوند متعال بسته بودند.

مؤمنین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عهد و پیمان بسته بودند که هر وقت با دشمنان اسلام و دشمنان پیامبر اکرم مواجه شدند به هیچ وجه از میدان جهاد فرار نکنند و تا آخرین نفس با دشمنان پیامبر اکرم و دشمنان اسلام جهاد کنند و بجنگند تا پیروزی نصیب آنها شود یا اینکه به شهادت برسند.

لیکن همه مسلمانانی که این عهد و پیمان را با پیامبر اکرم بسته بودند به عهد و پیمان خویش وفا نکردند بلکه عده‌ای از این افراد به پیمان خویش وفا کرده و به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز سر عهد و پیمان خویش بودند تا در رکاب پیامبر بجنگند تا به یکی از این دو هدف «پیروزی یا شهادت» برسند.

این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره احزاب» به شرح حال این گروه از مؤمنین پرداخته که به عهد و پیمان خویش با خدا و رسول وفا کرده و به شهادت رسیدند و یا در انتظار شهادت می‌باشند.

چون عهد و پیمانی که پیامبر اکرم با مسلمانان می‌بست طبق دستور خداوند متعال بود لذا عهد و پیمان پیامبر اکرم با مؤمنین عهد و پیمان خداوند متعال با مؤمنین عنوان شده است «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ».

بعضی از مفسرین می‌گویند منظور از این عهد و پیمان عهد و پیمانی است که طایفه بنی حارثه در روز جنگ اُحُد با خدا و رسول منعقد نمودند.

افراد طایفه بنی حارثه در جنگ اُحُد تصمیم گرفتند که خودشان را از داخل لشکر اسلام خارج کرده و به مدینه مراجعت نمایند، لیکن از این عمل خویش پشیمان شده و با پیامبر اکرم عهد و پیمان بستند تا در خدمت رسول الله باشند و تا آخرین نفس با دشمنان اسلام بجنگند و هرگز از جنگ و جهاد با دشمنان اسلام فرار نکنند، لیکن عده‌ای از همین افراد در جنگ احزاب «جنگ خندق» مجدداً به فکر پیمان‌شکنی افتادند.

بعضی از مفسّرین این عهد و پیمان را عهد و پیمانی می‌دانند که در جنگ بدر با پیامبر اکرم منعقد شد.

عده‌ای دیگر از مفسّرین این عهد و پیمان را مربوط به قبل از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مکه به مدینه می‌دانند که عده‌ای از مسلمانان با پیامبر اکرم منعقد نمودند تا آن حضرت را یاری نموده و تا آخرین نفس از اسلام دفاع کنند.

به هر حال این آیه شریفه مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد و همه این پیمان‌ها را شامل می‌شود، لذا معنی آیه شریفه این می‌شود که:

از بین همه افرادی که در سنوات گذشته با پیامبر اکرم عهد و پیمان بستند که تا آخرین نفس در رکاب پیامبر اکرم باقی بمانند و از اسلام دفاع کنند عده‌ای از این افراد «نه همه این افراد» به عهد و پیمان خویش وفا نموده و به شهادت رسیدند، و عده‌ای دیگر نیز منتظر شهادت می‌باشند و این‌ها «شهادا و منتظرین شهادت» هیچ‌گاه متزلزل نشدند و انحراف پیدا نکردند و سر عهد و پیمان خویش بودند و هستند.

اینکه تأویل آیه شریفه چیست و معنی باطنی آن چه می‌باشد انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام فرمودند:

يا عَلِيُّ، مَنْ أَحْبَبَكَ ثُمَّ مَاتَ فَقَدْ قَضَىٰ نَجْبَهُ وَ مَنْ لَمْ يَمُتْ فَهُوَ مُنْتَظَرٌ، یعنی:
یا علی:

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۷۳ - ۷۴.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۴۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۵.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۴۹ - ۲۵۰ «ذیل آیه ۱۵ سوره احزاب».

هر کس تو را دوست بدارد و محبت تو را در دل داشته باشد و با محبت تو از دنیا برود عالی ترین و بارزترین مصداق فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ می باشد،
و هر کس تو را دوست بدارد و محبت تو را در دل داشته باشد ولی از دنیا نرفته باشد مصداق بارز و مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ می باشد.
این حدیث را عبدالله بن میمون قدّاح از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
این آیه شریفه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا» درباره ما نازل شده است.
وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سپس فرمودند:
به خدا قسم، من همان کسی هستم که منتظر شهادت هستم و من هرگز روش و طریقه خودم را تغییر نداده‌ام و بر سر عهد و پیمانم ایستاده‌ام.
این حدیث را مجمع البیان از حاکم حسکانی «از علمای معروف اهل تسنن» نقل نموده و راوی این حدیث ابی اسحاق می باشد.^۲

۳. امام صادق علیه السلام به ابا بصیر فرمودند:
خداوند متعال در قرآن کریم از شما شیعیان یاد نموده و می فرماید:
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ... وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا،
سپس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش و پس از تلاوت این آیه شریفه و تطبیق آن با شیعیان به ابا بصیر فرمودند:

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۲۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۳، حدیث ۴۹ «حدیث ۸۱۷۷».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۸۷، حدیث ۷.

۲. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۷۴ - ۷۵.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۶۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۵، حدیث ۵۳ «حدیث ۸۸۸۱».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۶۴ - ۲۶۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۲۴.

به درستی که شما شیعیان به عهد و پیمانی که خداوند متعال در رابطه با ولایت ما از شما گرفته بود وفادار ماندید و به جای ما و ولایت ما ولایت دیگران «غاصبین خلافت» را نپذیرفتید.^۱

۴. روز عاشورا وقتی اصحاب امام حسین علیه السلام می خواستند به میدان جنگ بروند، به منظور وداع خدمت سیدالشهداء سلام الله علیه شرفیاب شده و خدمت آن حضرت عرض می کردند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ «سلام وداع»،

وجود مقدس امام حسین علیه السلام جواب داده و می فرمودند:

عَلَيْكَ السَّلَامُ.

وجود مبارک سیدالشهداء سلام الله علیه پس از پاسخ دادن به سلام هر یک از اصحاب خویش این آیه شریفه را تلاوت می فرمودند:

فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ... «آیه ۲۳ سوره احزاب»، یعنی:

شما رفتید، من هم به زودی به شما ملحق خواهم شد.^۲

۵. وجود مقدس امام باقر علیه السلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال این آیه شریفه را «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا - آیه ۲۳ سوره احزاب» در شأن ما نازل فرموده است.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از تلاوت این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره احزاب» فرمودند:

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۲۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۸۷، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۳، حدیث ۴۸ «حدیث ۸۸۷۶».

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۲۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۷، حدیث ۵۷ «حدیث ۸۸۸۵».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۲۶۶.

عموی من حضرت حمزه و برادرم جعفر و پسرعمویم عبیده بن حارث به عهد خویش با خدا و رسول وفا نمودند «به شهادت رسیدند»، و من نیز به عهد خویش وفا خواهم کرد. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:

مقصود از وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ در این آیه شریفه «آیه ۲۳ سوره احزاب» من هستم، و سپس آن حضرت فرمود:

أَنَا وَاللَّهِ الْمُنْتَظَرُ، یعنی:

به خدا قسم، من آن منتظر هستم «منتظر هستم تا به عهد و پیمان خویش با خدا و رسول وفا کرده و به شهادت برسم». این حدیث را جابر جعفری از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۶. هنگام زیارت وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید سعید غدیر به محضر آن بزرگوار عرض می‌کنیم:

وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ،
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا «آیه ۲۳ سوره احزاب»، یعنی:

ای امیرالمؤمنین:

در مدح و ثنایی که خداوند متعال از تو نموده بی‌نیازی است از مدح ثناگویان و توصیف‌کنندگان «یعنی پس از اینکه خداوند متعال تو را مدح و ثنا نموده دیگر نیازی به توصیف و مدح شما وجود ندارد و ما انسان‌ها قادر به توصیف و مدح و ثنای تو نیستیم» و خداوند متعال در رابطه با تو فرموده:

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۲۳ - ۳۲۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۸۲، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۳۸۳، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۳، حدیث ۵۰ «حدیث ۸۸۷۸».

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا «آیه ۲۳ سوره احزاب»، یعنی:

ای امیرالمؤمنین:

تو و پس از تو دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام مصداق اتمّ و اکمل این آیه شریفه می‌باشید و خداوند متعال در این آیه شریفه شما ائمه معصومین علیهم السّلام را مدح و ثنا گفته است.

این زیارت شریف از ناحیه وجود مقدّس امام هادی علیه السّلام صادر شده و در مفاتیح‌الجنان نیز آمده است.

آیه ۳۳ سوره احزاب:

«أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

به درستی که خداوند متعال می خواهد پلیدی و گناه را فقط از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد و به شما عصمت اعطا فرماید.

به عبارت دیگر:

خداوند متعال اراده فرموده تا رجس و پلیدی را فقط و فقط از شما اهل بیت پیامبر دور کند و شما را پاک نماید، پاک کامل «اعطای مقام عصمت»^۱.

شرح لغات و توضیحات:

أَمَّا = اِنَّمَا در این آیه شریفه انحصار را می رساند، اینکه این انحصار مربوط به چیست و اِنَّمَا انحصار چه چیزی را می رساند بعداً عرض خواهد شد؛

رِجْسٌ = مطلق پلیدی و ناپاکی، چه از نظر عقل و چه از نظر شرع.

اگر رِجْسٌ به معنی گناه، شرک، ظلم، بخل، حسد، اعتقاد باطل و نظایر اینها بیان شده و تفسیر گردیده به این جهت است که گناه، شرک، ظلم، بخل و... از مصادیق آشکار پلیدی هستند، و گرنه رِجْسٌ مفهومی عام و فراگیر دارد و همه پلیدیها و ناپاکیها و گناهان را در بر می گیرد.

الف و لام که با رجس آمده «الرِّجْس» الف و لام جنس می باشد، لذا الرِّجْس یعنی همه پلیدیها، همه ناپاکیها، همه گناهان، و به طور کلی هر عملی که رضایت خداوند متعال در آن نباشد.

اهل البیت = به اتفاق همه علمای اسلام اعم از شیعه و سنی اشاره به اهل بیت پیامبر

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۷۵ - ۱۷۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۱۰.

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد.

اینکه منظور از اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند در بخش حدیث مشخص خواهد شد.

همه علمای اسلام و مفسرین متفق القول هستند که این آیه شریفه درباره افرادی است که در خانه و بیت رسول الله بودند و اهل آن خانه به حساب می آمدند، اما اینکه آیا همسران پیامبر نیز داخل در این آیه شریفه هستند یا نه «یعنی مقام عصمت دارند یا نه» در بخش حدیث روشن خواهد شد.

اِذْهَابِ رِجْسٍ = دور کردن پلیدی ها و گناهان، بردن پلیدی ها و گناهان.

تَطْهِيرٍ = پاک کردن، پاک ساختن.

آوردن کلمه تطهیر تأکیدی است بر مسئله اِذْهَابِ رِجْسٍ، یعنی وقتی خداوند متعال می فرماید که من اراده کرده ام تا همه پلیدی ها و گناهان را از اهل این خانه «خانه پیامبر» دور کنم یعنی دادن مقام عصمت به اهل این خانه «اهل بیت پیامبر»، لذا وقتی خداوند متعال جمله **يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيْرًا** را می آورد تأکید مجددی است بر اِذْهَابِ رِجْسٍ «دور کردن پلیدی ها و گناهان» از اهل بیت پیامبر.^۱

اِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيْرًا = خداوند متعال اراده فرموده تا رِجْسٍ و پلیدی یعنی همه پلیدی ها و زشتی ها و همه گناهان را تنها و فقط از شما اهل بیت پیامبر دور کند و شما اهل بیت پیامبر اکرم را پاک نماید، پاک کامل.

کلمه **اِنَّمَا** در این آیه شریفه انحصار اراده و مشیّت خداوند متعال را می رساند در تطهیر اهل بیت پیامبر اکرم، همچنین انحصار عصمت فقط و فقط برای اهل بیت پیامبر اکرم، یعنی:

اراده حتمی و مستمر خداوند متعال بر این تعلق گرفته تا فقط و فقط شما اهل بیت پیامبر اکرم را از رِجْسٍ و پلیدی و گناه دور کند،

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۷۵ - ۱۷۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۱۵ - ۳۱۶.

یعنی فقط به شما اهل بیت پیامبر اکرم مقام عصمت اعطا کند. معنی این انحصار این است که این اِذْهَابِ رِجْسٍ «دور کردن همه پلیدی‌ها و گناهان» فقط و فقط مربوط به اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشد تا غیر از اهل این خانه داخل در حُکْم نشوند.

قابل ذکر است که اراده در این آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» اراده تکوینی است نه تشریحی، یعنی مربوط به اراده و مشیّت خداوند متعال است در عالم تکوین، و اراده تکوینی به معنی خلقت و آفرینش می‌باشد.^۱

توضیح:

صدها روایت و حدیث از منابع شیعه و سنّی نقل شده که این آیه شریفه درباره پنج نفر می‌باشد یعنی حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام، فاطمه زهرا سلام الله علیها، امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین سیدالشهداء علیه السلام.

حاکم حسکانی از علمای بزرگ اهل تسنّن در کتاب شواهدالتنزیل نزدیک به یکصد و چهل حدیث با سندهای مختلف نقل نموده که آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» در رابطه با حضرت محمد، علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم السلام می‌باشد.

در منابع شیعه نیز صدها روایت و حدیث از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که آیه تطهیر در خصوص خمسه طیبه یعنی وجود مقدّس پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن مجتبی و امام حسین سیدالشهداء سلام الله علیهم اجمعین می‌باشد، لذا:

وقتی احادیث نورانی صادر شده از ناحیه ائمه معصومین علیهم السلام می‌فرمایند

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۱۵ تا ۳۱۷، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۷.

که آیه تطهیر در رابطه با خمسه طَیِّبه علیهم السَّلام می باشد دیگر دلیلی نیست که ما به این بحث پردازیم که آیا همسران پیامبر اکرم هم داخل مفاد این آیه شریفه هستند یا نه، لیکن در عین حال به دو سه نمونه از اعمال و رفتار همسران پیامبران اکرم در زمان حیات آن حضرت و پس از رحلت آن بزرگوار اشاره می شود تا همگان بدانند که عاملین و انجام دهندگان چنین اعمالی هرگز نمی توانند در زمره معصومین واقع شوند و به هیچ وجه نمی توانند مصداق آیه تطهیر باشند.

۱. بیست و پنج سال پس از رحلت پیامبر اکرم وقتی عثمان بن عفان کشته شد مردم با امیرالمؤمنین علی علیه السَّلام بیعت کردند و حضرت علی علیه السَّلام زمام امور را در دست گرفت.

طی پنج سال خلافت آن حضرت سه جنگ به ایشان تحمیل شد که اولین آن‌ها جنگ جَمَل بود که یکی از همسران پیامبر اکرم و طلحه و زبیر فرماندهی سپاهی را بر عهده داشتند که با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام جنگیدند.

طبق گفته بعضی از مورّخین حدود ۱۷ هزار نفر در این جنگ کشته شدند. در زیارت جامعه کبیره وقتی ائمه معصومین علیهم السَّلام را زیارت می کنیم به آن ذوات مقدّسه عرض می کنیم:

وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالْتَأَرْ مَثْوَاهُ، وَمَنْ حَادَّكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي
 اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، یعنی:

هر کس با شما مخالفت کند جایگاهش آتش جهنم است،

هر کس مُنکر شما شود کافر است،

هر کس با شما بجنگد مُشْرک است،

و هر کس شما را رد کند در پست ترین جای جهنم است.

آن همسر پیامبر اکرم که در جنگ جمل شرکت داشت تمام این ویژگی ها را دارا بود، یعنی با امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلام مخالفت کرد،

امامت آن حضرت را مُنکر شد،

با آن حضرت جنگید و...

لذا چنین شخصی نمی‌تواند مصداق آیه تطهیر باشد.

۲. پس از جنگ خیبر و پیروزی مسلمانان غنائم فراوانی به دست مسلمین افتاد و متعاقب آن همسران پیامبر اکرم به آن حضرت عرض کردند که از این غنائم به ما اعطا کن.

پیامبر اکرم به همسران خویش فرمود:

طبق دستور خداوند متعال غنائم را بین مسلمین تقسیم کردم.

پس از این ماجرا بود که همسران پیامبر اکرم خشمگین شده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند:

تو خیال می‌کنی که اگر ما را طلاق دهی در بین اقوام و فامیل ما همسری در شأن ما پیدا نمی‌شود که با ما ازدواج کند و خیال می‌کنی که شوهر برای ما قحط است. پس از این اعتراض همسران پیامبر اکرم به آن حضرت بود که خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور داد تا از همسران خویش کناره‌گیری کند و این کناره‌گیری نزدیک به یک ماه طول کشید و سپس خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود که همسران خودت را بین این دو چیز مخیر کن،

یعنی آن‌ها را مخیر کن بین طلاق و یا ادامه زندگی با تو.

ام سلمه که بعد از حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها از سایر همسران آن حضرت بهتر بود و مقام بالاتری داشت اولین کسی بود که عذرخواهی کرد و ادامه زندگی با آن حضرت را درخواست نمود.

۳. روزی یکی از همسران پیامبر اکرم به نام حفصه با آن حضرت مشاجره می‌نمود که پیامبر اکرم به او فرمود آیا مایل هستی فردی بین من و تو حکمیت و داوری کند. حفصه این پیشنهاد پیامبر اکرم را پذیرفت و به دنبال آن فردی را نزد عمر بن الخطاب روانه کردند تا او بین پیامبر اکرم و حفصه داوری کند.

عمر بن الخطاب وقتی خدمت پیامبر اکرم رسید به حفصه گفت:

حرف بزن:

حفصه گفت:

یا رسول الله، تو سخن بگو اما غیر از حق چیزی مگو.
عمر بن الخطاب که این حرف را از دخترش شنید دو سیلی محکم به صورت
حفصه زد و به او گفت:

ای دشمن خدا، رسول خدا جز حق نمی گوید،

به خدا قسم اگر احترام محضر رسول خدا نبود آنقدر تو را می زدم تا بمیری.
از این قبیل موارد فراوان وجود دارد که جهت جلوگیری از طولانی شدن کلام فقط
به همین موارد اکتفا می شود.

قابل ذکر است که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با پانزده
زن ازدواج کرد، و علاوه بر این پانزده زن دو کنیز هم داشت که با آن دو نیز
مانند همسران خویش رفتار می کرد «عدالت در حضور یافتن در منزل هر کدام از
همسران».

هنگام رحلت پیامبر اکرم نه زن همسر آن حضرت بودند.

افضل و اشرف بر همه همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وجود مبارک
خدیجه کبری سلام الله علیها «مادر گرانقدر حضرت زهرا سلام الله علیها» می باشد که
مقام ایشان بعد از مقام حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در بین همه بانوان عالم
بی نظیر می باشد، البته حضرت مریم مادر حضرت عیسی و آسیه (همسر فرعون) نیز
مقام والایی دارند.

بعد از حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها ام سلمه، و سپس میمونه نسبت به
دیگر همسران پیامبر اکرم مقام بالاتری دارند، اما همانطور که ملاحظه فرمودید ام
سلمه نیز از جمله معترضین به رسول الله بوده است. «یعنی همه همسران پیامبر اکرم
به آن حضرت اعتراض نمودند».

قابل ذکر است که ازدواج دائم با بیش از چهار زن در یک زمان برای همه مردان
حرام می باشد مگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که از این قاعده مستثنی
می باشد،

ضمن اینکه یک استثناء دیگر نیز در امر ازدواج در بین معصومین علیهم السلام

وجود دارد و آن این است که تا زمانی که حضرت زهرا سلام الله علیها در قید حیات بودند برای حضرت علی علیه السلام جایز نبود که با زن دیگری ازدواج کند، یعنی جایز نبود که حضرت علی علیه السلام غیر از حضرت زهرا سلام الله علیها همسر دیگری داشته باشد،

البته این حکم تا زمان حیات حضرت زهرا سلام الله علیها بود و علت آن نیز مقام و منزلت ویژه حضرت زهرا سلام الله علیه در پیشگاه الهی بود.^۱ همانطور که ملاحظه فرمودید آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» که موهبت عصمت الهی را به همراه دارد فقط و فقط شامل اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می شود،

همچنین ملاحظه فرمودید که هیچکدام از همسران پیامبر اکرم مشمول آیه تطهیر نمی شوند چرا که اعمال و رفتار و نحوه برخورد آنها با پیامبر اکرم هیچگونه سازگاری با مقام عصمت ندارد زیرا معصوم کسی است که هرگز مرتکب گناه نشود.

ذیل آیه چهارم سوره تحریم «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا...» در رابطه با اذیت و آزار پیامبر اکرم توسط دو تن از همسران ایشان مطالبی به عرض رسیده است.

حدیث:

۱. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در احتجاجی که با ابوبکر بن ابی قحانه داشت به ابوبکر فرمود:

تو را به خدا قسم، آیا آیه تطهیر از رجس در مورد من و اهل بیت و فرزندان من نازل شده است یا در مورد تو و اهل بیت تو.

ابوبکر گفت:

یا علی، آیه تطهیر در مورد تو و اهل بیت تو نازل شده است.

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۹۵، ۹۶، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۴.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۴ تا ۱۸۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۰۰ - ۳۲۶.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ابوبکر فرمود:
 تو را به خدا قسم، آیا مصداق دعای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در روز
 کساء «روز نزول آیه تطهیر و جمع شدن خمسه طیبه در داخل کساء» من و اهل بیت
 من و فرزندانم می باشیم یا تو و اهل بیت تو.
 ابوبکر گفت:

یا علی، تو و اهل بیت تو مصداق دعای پیامبر اکرم در روز کساء هستید.^۱

توضیح:

وقتی این پنج وجود مقدس و مبارک «پیامبر اکرم - حضرت علی - فاطمه زهرا
 - امام مجتبی و سیدالشهدا علیهم السلام» در زیر عبا و کساء قرار گرفتند پیامبر اکرم
 صلی الله علیه و آله و سلم دست به دعا برداشته و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَعِترَتِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خدایا، اینها «علی، فاطمه، حسن و حسین» اهل بیت من و خاندان من هستند،
 پس آنها را از هر گونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه دور کن و آنها را کاملاً پاک
 و طاهر قرار بده، پاک کامل.

بعد از این دعا و درخواست پیامبر اکرم بود که به امر خداوند متعال جبرئیل
 علیه السلام آیه تطهیر را به پیامبر اکرم آورد.^۲

۲. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز شورا به اعضاء شورا فرمود:
 شما را به خدا سوگند می دهم آیا در میان شما کسی غیر از من هست که خداوند

۱. خصال صدوق، جلد دوم، صفحه ۳۲۷، باب خصال چهل گانه و بیشتر، حدیث ۱۷.

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۶۵، حدیث ۵۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۱، حدیث ۸۹ «حدیث ۸۹۱۷».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۳، حدیث ۱۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵.

۲. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۰ - ۱۱۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۲.

متعال آیه تطهیر «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» را در مورد او و همسر و فرزندان او به پیامبر اکرم نازل کرده باشد.

حضرت امیر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
در آن روز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبا و کساء خبیری را برداشته و من و همسر فاطمه و حسن و حسین را زیر آن عبا و کساء جمع نمود و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِزَّتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:
خدایا اینها «علی، فاطمه، حسن و حسین» اهل بیت من و خاندان من هستند، پس هر گونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آنها دور کن و آنها را پاک و طاهر قرار بده، پاک کامل.

اعضاء شورا خدمت حضرت علی علیه السلام عرض کردند:
خیر، غیر از رسول خدا و شما و همسر و فرزندان شما کسی آنجا نبود.^۱

توضیح:

عمر بن الخطاب در پایان عمر خویش شش نفر را تعیین کرد تا پس از مرگ او از بین خودشان یک نفر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کنند، لیکن انتخاب اعضای این شورای شش نفره به نحوی بود که به هیچ وجه امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام انتخاب نمی شد.

حضرت علی علیه السلام در چنین روز و چنین شورایی قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب خویش را بیان نمودند که یکی از آنها اشاره به آیه تطهیر و شأن نزول آن بود که عرض شد.

اعضاء این شورای شش نفره عبارت بودند از:

۱. خصال صدوق، جلد دوم، صفحه ۳۴۲، باب خصال چهل گانه و بیشتر، حدیث ۱۸.
- احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۸۰ - ۲۸۹، حدیث ۵۵.
- تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۵.
- تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۳ و ۴۲۵، حدیث ۱۰ و ۲۴.
- تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۱، حدیث ۹۰ «حدیث ۸۹۱۸».

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، عثمان بن عفان، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف.

در بین افراد شش نفره شوری فقط زبیر بود که تمایل به علی علیه السلام داشت و بقیه افراد متمایل به عثمان بودند و نهایتاً نیز عثمان به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب شد. «زبیر پسر عمه حضرت علی علیه السلام بود».

امامت که امری انتصابی از جانب خداوند متعال می باشد به امری انتخاباتی تبدیل شد، آن هم به وسیله شورایی که عمر بن الخطاب آن‌ها را برگزیده بود. عمر را ابوبکر انتخاب کرد و هیچ کس نیز با این موضوع مخالفت نکرد، درحالی که حضرت علی علیه السلام را خداوند متعال روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری به امامت مسلمین نصب فرموده بود، لیکن عده‌ای از مسلمین آن را نادیده گرفته و ابوبکر را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کردند.

۳. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در ایام خلافت عثمان بن عفان در جمع مهاجرین و انصار در مدینه فرمودند:

ای مردم:

آیا می دانید که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً،

ای مردم:

در آن روز وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم من و فاطمه و حسن و حسین را جمع نموده و عبا و کساء خویش را روی ما انداخته و سپس به خداوند متعال عرضه داشت:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِزَّتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خدایا:

این‌ها «علی، فاطمه، حسن و حسین» اهل بیت من و خاندان من هستند، پس هر گونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آن‌ها دور کن، و آن‌ها را پاک و مطهر قرار بده، پاک کامل.

پس از این دعای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه تطهیر را نازل فرمود.
 امّ سلمه که در آنجا حضور داشت به پیامبر اکرم عرض کرد:
 یا رسول الله، آیا من هم در زمره اینها «اهل بیت تو» هستم.
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امّ سلمه فرمود:
 اِنَّكَ عَلٰی خَيْرٍ، یعنی:

ای امّ سلمه، تو بر خیر و نیکی هستی «یعنی تو خوبی و عاقبت به خیری» اما آیه
 تطهیر درباره من و برادرم علی بن ابیطالب و دخترم فاطمه و دو فرزندم حسن و حسین
 و نه فرزندم از نسل و ذریّه حسین نازل شده است و هیچ کس غیر از ما در زمره ما
 نخواهد بود و مشمول این آیه نیست.
 مهاجرین و انصار که فرمایشات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را شنیدند
 همگی اظهار داشتند:

یا علی، ما شهادت می دهیم که امّ سلمه نیز این قضیه را همینگونه برای ما بیان
 نمود، و ما این مطلب را از محضر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کردیم
 آن حضرت نیز مطلب را همانگونه که شما بیان فرمودید بیان فرمودند.^۱

۴. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام هفتاد فضیلت و منقبت خودشان را بیان
 فرمودند که یکی از آنها این بود که:

رسول خدا مرا و همسرم فاطمه را و دو فرزندم حسن و حسین را زیر عبا و کساء
 قرار دادند و در همین حال بود که جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را از طرف خداوند
 متعال آورد.^۲

۱. کمال الدّین و تمام النعمه، جلد اول، صفحه ۵۲۰، باب ۲۴، حدیث ۲۵.
 احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۳۰۹، حدیث ۵۶.
 تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۳، حدیث ۹۲، «حدیث ۸۹۲۰».
 تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۶.
 ۲. خصال صدوق، جلد دوم، صفحه ۳۶۸، حدیث ۲۲ «شماره ۷۰».
 تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۹، حدیث ۱۳.
 تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۳، حدیث ۹۱ «حدیث ۸۹۱۹».

۵. احتجاج صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها بر ابوبکر و عمر: بعد از رحلت وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، عده‌ای از مسلمین در سقیفه بنی ساعده گرد آمده و ابوبکر بن ابی قحافه را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کردند.

یکی از کارهایی که ابوبکر و عمر بن الخطاب در همان روزهای اول پس از رحلت پیامبر اکرم انجام دادند غصب فدک بود که پیامبر اکرم در زمان حیات خویش به امر خداوند متعال به دخترش فاطمه زهرا سلام الله علیها هبه کرده بود («بخشیده بود»).

حضرت زهرا سلام الله علیها به منظور بازپس گیری فدک در حضور عده‌ای از مردم مدینه ابوبکر و عمر و جمع حاضر را مورد خطاب قرار داده و به آنها فرمود:
ای مردم:

آیا نشنیدید که پدرم رسول خدا فرمودند:

إِنَّ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، یعنی:

به درستی که دخترم فاطمه سیده بانوان بهشت است.

همه افرادی که آنجا حضور داشتند عرض کردند:

ای دختر پیامبر، به خدا قسم این سخن را از پیامبر اکرم شنیدیم.

حضرت زهرا سلام الله علیها فرمود:

آیا سیده بانوان بهشت ادعای باطل و بی اساس می کند و می خواهد چیزی را تملک

و تصاحب کند که متعلق به او نیست.

وجود مقدس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها مجدداً ابوبکر و عمر و بقیه

افراد حاضر در محل را مور خطاب قرار داده و فرمودند:

بگوئید بینم، اگر دو مرد شهادت دهند که من مرتکب سرقت شده‌ام آیا شما

شهادت آن دو نفر را تصدیق می کنید.

ابوبکر ساکت ماند و حرفی نزد لیکن عمر بن الخطاب گفت:

بله، شهادت آن دو نفر را تصدیق کرده و بر تو حد جاری می کنیم.

حضرت زهرا سلام الله علیها به عمر بن الخطاب فرمود:

زمانی می‌توانی شهادت این دو نفر را تصدیق کنی و بر من حد جاری کنی که از دین و شریعت پدرم محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم خارج شوی، برای اینکه اگر کسی به سیده بانوان بهشت نسبت گناه بدهد و بخواهد به او حد جاری کند چنین شخصی ملعون و کافر است،

زیرا کسانی که خداوند متعال در شأن و منزلت آن‌ها آیه تطهیر را نازل نموده و هر گونه رجس و پلیدی و گناه را از آن‌ها دور کرده و آن‌ها را پاک و طاهر نموده شهادت بر علیه آنان جایز نمی‌باشد، چرا که این‌ها معصوم هستند و پاک و مطهر از هر عیب و گناه و آلودگی می‌باشند.

حضرت زهرا سلام الله علیها بار دیگر عمر بن الخطاب را مخاطب قرار داده و به او فرمود:

ای عمر، مرا به آیه تطهیر آگاه کن، آیا اگر گروهی از مردم نسبت به کسانی که آیه تطهیر در شأن آن‌ها نازل شده نسبت گناه بدهند و شهادت دهند که مرتکب گناه شده‌اند آیا به آن‌ها حد جاری می‌شود.

عمر بن الخطاب گفت:

بله، زیرا این‌ها «اهل بیت پیامبر» با مردم دیگر فرقی ندارند و با آن‌ها در یک سطح و یک ردیف می‌باشند.

حضرت زهرا سلام الله علیها به عمر بن الخطاب فرمود:

اهل بیت پیامبر اکرم و کسانی که آیه تطهیر درباره آن‌ها نازل شده با سایر مردم در یک سطح و در یک ردیف نیستند زیرا خداوند متعال به این‌ها عصمت اعطا فرموده و درباره عصمت و طهارت آن‌ها آیه تطهیر را نازل فرموده و از هر رجس و پلیدی و گناه آن‌ها را دور نموده است، پس ای عمر هر کس به این‌ها خطایی نسبت دهد و هر کس این خطا را تصدیق کند همانا خدا و رسول خدا را تکذیب نموده است.^۱

۶. امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی، فاطمه، حسن

۱. کتاب فاطمه زهرا سلام الله علیها، سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت الله احمد رحمانی همدانی، صفحه ۴۰۰ - ۴۰۱.

و حسین علیهم السلام را زیر کساءِ فدکیه «کساءِ بافتِ فدک که از آن به عنوان عبا و کساءِ خیبریه و یا عبا و کساءِ فدکیه یاد می شود» جمع نموده و به پیشگاه خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِثْرَتِي فَأَذِيبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوندا، این هایی که زیر کساء جمع شده اند اهل بیت من و عترت و خاندان من هستند، خداوندا هر گونه رجس و پلیدی و ناپاکی و گناه را از آن ها دور کن و آن ها را کاملاً پاک و مطهر گردان.

پس از این دعا و درخواست پیامبر اکرم بود که به امر خداوند متعال جبرئیل آیه تطهیر را به پیامبر اکرم نازل نمود.

جبرئیل خدمت پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله، من هم در زمره شما هستم.

پیامبر اکرم به جبرئیل فرمود:

یا جبرئیل، تو هم از ما هستی.

ام سلمه که قصد نزدیک شدن به آن جمع را داشت به پیامبر اکرم عرض کرد:

یا رسول الله:

آیا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به ام سلمه فرمود:

كُونِي مَكَانَكِ يَا أُمَّ سَلْمَةَ، أَنْتِ إِلَى خَيْرٍ، أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ نَبِيِّ اللَّهِ، یعنی:

در همان جایی که هستی باش «داخل کساء نشو»، تو در زمره اهل بیت پیامبر اکرم

نمی باشی، تو از همسران پیامبر اکرم هستی و تو عاقبت به خیر هستی.^۱

۷. امام صادق علیه السلام فرمودند:

آیه تطهیر «أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» درباره پیامبر

اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می باشد و در شأن آن ها نازل شده

است.

پیامبر اکرم در منزل امّ سلمه، حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را زیر عباى خود قرار داد و به خداوند متعال عرض کرد:
 خداوندا، اینها اهل بیت من هستند، هر گونه رجس و ناپاکی و گناه را از اهل بیت من دور کن و آنها را کاملاً پاک و مطهّر نما.
 پس از این دعا و درخواست پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه تطهیر را نازل فرمود.

امّ سلمه به پیامبر اکرم عرض کرد:

آیا من از اهل بیت تو نیستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

تو به خیر و نیکی هستی اما اهل بیت من اینها هستند.

این حدیث را ابو بصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۸. امام باقر علیه السّلام فرمودند:

این آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» در شأن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام نازل شده است، و این قضیه در منزل امّ سلمه همسر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد.

پیامبر اکرم حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام را زیر کساء خبیری قرار داد و دعا کرد که:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خدایا ایشان اهل بیت من هستند، آنها را از هر گونه رجس و پلیدی و گناه دور کن و آنها را کاملاً پاک و مطهّر گردان، و بعد از این دعای رسول الله بود که خداوند

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۴۰ و ۴۱، حدیث ۱ «حدیث ۷۵۰».

المیزان، جلد هشتم، صفحه ۲۶۵ «ذیل آیات ۵۹ تا ۷۰ سوره نساء».

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۹۵، حدیث ۹۷ «حدیث ۸۹۲۵».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۴ - ۳۳۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۰۷، حدیث ۴.

متعال آیه تطهیر را نازل فرمود.

امّ سلمه به پیامبر اکرم عرض کرد:

ایا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

توبه خیر و نیکی هستی و عاقبت به خیر هستی، اما در زمره اهل بیت من نمی باشی.

این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۹. امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور این آیه شریفه «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

ائمه معصومین علیهم السلام و ولایت آنها است،

هر کس در ولایت آنها وارد شود و ولایت و امامت آنها را بپذیرد به بیت النبی

صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است.

این حدیث را محمد بن علی حلی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» در مورد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و

حضرت فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است.

هنگامی که رسول خدا رحلت کرد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام جانشین

او شد و بعد از حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام جانشین او شدند،

و بعد از آن بزرگواران علی بن الحسین امام سجّاد علیه السلام به امامت رسید و بعد

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۲، حدیث ۳۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۸۹، حدیث ۸۴ «حدیث ۸۹۱۲».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۳، حدیث ۵۴ «حدیث ۱۱۳۳».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۰۷، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۵، حدیث ۹۶ «حدیث ۸۹۲۴».

از او این امر در اوصیاء بعد از وی ادامه پیدا کرد.

اطاعت و پیروی از این‌ها اطاعت و پیروی از خداوند متعال است، و سرپیچی از دستورات این‌ها سرپیچی از دستورات خداوند متعال می‌باشد. این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۱۱. جلسه‌ای در مرو در محضر مبارک امام رضا علیه‌السلام تشکیل شد که در این جلسه مأمون و تعدادی از علماء فریق مختلف نیز شرکت داشتند.

در این جلسه مأمون از وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام سؤالاتی نمود که یکی از سؤالات این بود که:

مأمون از وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام سؤال کرد که عترت طاهره و عترت پیامبر اکرم چه کسانی هستند.

وجود مبارک امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به سؤال مأمون فرمود:

عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همان کسانی هستند که خداوند متعال در قرآن کریم آن‌ها را توصیف نموده و فرموده:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.

وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش به مأمون فرمود:

عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همان کسانی هستند که وجود مبارک پیامبر اکرم درباره آن‌ها فرموده:

إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهَا، أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، یعنی:

من دو چیز گرانبها را میان شما به یادگار می‌گذارم،

یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم، این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه

کنار حوض کوثر به من ملحق شوند.

۱. علل الشرایع، جلد اول، صفحه ۶۶۵، باب ۱۵۶، حدیث ۲.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۱، حدیث ۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۵، حدیث ۹۴ «حدیث ۸۹۲۲».

پس خوب نگاه کنید و ببینید بعد از من در مورد آنها چه می کنید. ای مردم، به اهل بیت من چیزی نیاموزید چرا که آنها اَعْلَم از شما هستند «یعنی از همه مردم عالم تر هستند».

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند: این آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» و اعطای عصمت به اهل بیت پیامبر اکرم فضل خداوند متعال به اهل بیت پیامبر اکرم می باشد و هیچ کس از این موضوع بی اطلاع نیست، و هیچ کس آن را انکار نمی کند مگر معاند گمراه «فرد لجوجی که از صراط مستقیم الهی منحرف شده است»، زیرا:

فضلی بالاتر از طهارت «مقام عصمت» متصوّر نیست.

این حدیث را ریّان بن صلت از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۱۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم رحلت فرمود درحالی که ولایت امت در دستان او و در خانه او بود و نه در دست و خانه دیگران. حضرت امیر علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ولایت خاص اهل بیت پیامبر اکرم می باشد که خداوند متعال آنها را از هر گونه رجس و پلیدی و گناه دور نموده و آنها را پاک و مطهّر نموده است و آنها پس از پیامبر اکرم در رابطه با ولایت امت در تمام خصوصیات و ویژگی ها شایسته تر از دیگران هستند.

این حدیث را جابر جعفری از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۱. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد اول، باب ۲۳، حدیث ۱، صفحه ۴۶۹ - ۴۷۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۲، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۸۹، حدیث ۸۵ «حدیث ۸۹۱۳».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۸۹، حدیث ۸۶ «حدیث ۸۹۱۴».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۷، حدیث ۱۲.

۱۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

وقتی که با ابوبکر بیعت کردند او فردی را به سرزمین فدک روانه نمود و به او دستور داد تا نماینده و وکیل حضرت زهرا سلام الله علیها را از آنجا اخراج کند. پس از این قضیه وجود مقدّس صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها نزد ابوبکر آمده و به او فرمود:

چرا مرا از ارث پدری محروم کردی و نماینده و وکیل مرا از فدک اخراج نمودی در حالی که فدک را پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به دستور خداوند متعال به من واگذار کرده بود.

پس از وجود مقدّس صدیقه کبری سلام الله علیها وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به مسجد النبی وارد شد و به ابوبکر فرمود:

به چه علت حضرت زهرا سلام الله علیها را از میراث پدری او محروم ساختی در حالی که حضرت زهرا سلام الله علیها در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مالک فدک شده بود.

از جمله مطالبی که حضرت امیر علیه السّلام به ابوبکر فرمود این بود که آن حضرت به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

آیا قرآن خوانده‌ای و به آن اقرار داری

ابوبکر جواب داد:

آری خوانده‌ام و به آن اقرار دارم

حضرت امیر علیه السّلام به ابوبکر فرمود:

ای ابوبکر:

آیا این آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً -

آیه ۳۳ سوره احزاب» درباره ما و در شأن ما نازل شده است یا درباره شما و در شأن شما.

ابوبکر جواب داد:

این آیه شریفه درباره شما و در شأن شما نازل شده است.

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

اگر دو نفر مسلمان شهادت دهند که حضرت زهرا سلام الله علیها مرتکب گناهی شده چه خواهی کرد

ابوبکر جواب داد

بر او حد جاری می کنم همانگونه که بر دیگر زنان مسلمان گنهکار حد جاری می کنم.

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

در این صورت تو در نزد خداوند متعال از کافران شمرده می شوی.

ابوبکر پرسید چرا؟

حضرت امیر علیه السلام به ابوبکر فرمود:

برای اینکه تو شهادت خداوند متعال را رد کرده و شهادت غیر خدا را پذیرفته ای، زیرا خداوند متعال به عصمت و به طهارت حضرت زهرا سلام الله علیها در این آیه شریفه «أَنْتُمْ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» شهادت و گواهی داده است، لذا وقتی که تو شهادت خداوند متعال را رد نموده و شهادت غیر خدا را می پذیری نزد خداوند متعال کافر هستی.

این حدیث را هم حماد بن عثمان و هم ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱۴. وجود مقدس امام صادق علیه السلام از وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

خداوند متعال ما اهل بیت پیامبر اکرم را بر دیگران برتری داده و چگونه اینطور

نباشد که خداوند متعال در کتاب خویش می فرماید:

أَنْتُمْ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.

۱. علل الشرایع صدوق، جلد اول، باب ۱۵۱، صفحه ۶۱۹، حدیث ۱.

احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۲۱۴، حدیث ۴۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۱۹، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۳، حدیث ۹۳ «حدیث ۸۹۲۱».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۷ - حدیث ۹۹ «حدیث ۸۹۲۷».

این حدیث را محمّد بن عماره از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱
 ۱۵. پس از شهادت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام وجود مقدّس امام
 مجتبی علیه السّلام خطبه‌ای ایراد نموده و فرمودند:
 امشب مردی از دنیا رفت که گذشتگان بر او پیشی نگرفته‌اند و آیندگان او را درک
 نخواهند کرد.

آن حضرت طلا و نقره‌ای از خود به جای نگذاشت مگر هفتصد درهم.
 امام مجتبی علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 ای مردم:

هر کس مرا شناخته که شناخته، اما اگر کسی مرا نمی‌شناسد بداند که من حسن
 بن علی هستم و پسر کسی هستم که مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می‌کرد
 و چراغ هدایت بود.

امام مجتبی علیه السّلام در پایان فرمایش خویش فرمودند:
 أَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:
 من از اهل بیتی هستم «من از اهل بیت پیامبر اکرم هستم» که خداوند متعال آن‌ها
 را از هر گونه رجس و پلیدی و گناه دور نموده و آن‌ها را کاملاً پاک و مطهّر نموده و
 به آن‌ها مقام عصمت اعطا فرموده است.^۲

۱۶. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:
 وجود مقدّس امام حسن مجتبی علیه السّلام پس از صلح با معاویه در مجلسی که
 معاویه هم آن‌جا بود بر روی منبر رفته و فرمودند:
 ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هستیم و گوشت و خون و جان
 آن حضرت می‌باشیم و خداوند متعال در شأن ما این آیه شریفه را «أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ
 عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» نازل فرموده است.
 وجود مقدّس امام مجتبی علیه السّلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲۰، حدیث ۱۶.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲۰، حدیث ۱۷.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در منزل امّ سلمه عباى خيبرى را روى من و برادرم و مادر و پدرم انداخت و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي،
اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، يعنى:
خداوندا:

این‌ها اهل بیت من هستند، آن‌ها را از هر گونه رجس و پلیدی و گناه دور کن و آن‌ها را کاملاً پاک و مطهّر گردان، و پس از این دعای پیامبر اکرم بود که خداوند متعال آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» را نازل فرمود.

امّ سلمه به پیامبر اکرم عرض کرد:

ایا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به امّ سلمه فرمود:

تو به خیر و نیکی هستی، اما این آیه شریفه مخصوص من و اهل بیت من می‌باشد. این حدیث را هم عبدالرحمن بن کثیر و هم زاذان نقل نموده است.^۱

۱۷. وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

خداوند متعال وصف نشود،

چگونه می‌توان خداوند متعال را وصف نمود که خود در کتابش می‌فرماید:

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ «آیه ۹۱ سوره انعام»، لذا:

خداوند متعال به هر اندازه که وصف شود بزرگ‌تر از آن است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نیز وصف نشود،

چگونه وصف توان کرد بنده‌ای را که خداوند متعال در حقّ او فرموده:

هر کس او را اطاعت کند مرا اطاعت کرده است،

و هر کس از دستورات او سرپیچی کند از دستورات من سرپیچی کرده است.

وجود مقدّس امام باقر علیه‌السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲۸، حدیث ۲۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۳۷، حدیث ۲۷.

إِنَّا لَا نُوصَفُ وَ كَيْفَ يُوصَفُ قَوْمٌ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، یعنی:

ما ائمه معصومین علیهم السلام نیز وصف نشویم،

و چگونه می توان گروهی را وصف کرد که خداوند متعال هر گونه رجس و پلیدی و گناه را از آنها دور نموده است.

این حدیث را زراره از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱۸. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه

و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا،

كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِترَتِي، یعنی:

من میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم که اگر آنها را بپذیرید و به آنها

تمسک نمائید هرگز گمراه نمی شوید،

یکی قرآن کریم و دیگری اهل بیت و عترت من،

و من روز قیامت از آنچه که درباره ثقلین انجام داده اید از شما بازخواست می کنم.

امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

بنابراین حجّت خداوند متعال بر مخلوقاتش با فرمایش پیامبر اکرم و با قرآن کریم

روشن و ثابت شد.

پیامبر اکرم همواره فضائل اهل بیتش را با فرمایشات خودشان و با آیات قرآن کریم

برای مردم روشن می فرمودند که یک نمونه آن آیه تطهیر است که خداوند متعال در

رابطه با اهل بیت آن حضرت می فرماید:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمُ تَطْهِيراً «آیه ۳۳ سوره

احزاب».

این حدیث را عبدالحمید بن ابی دیلم از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. اصول کافی، جلد سوم، صفحه ۲۶۳، حدیث ۱۶ «حدیث ۲۱۰۲».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۷، حدیث ۹۸ «حدیث ۸۹۲۶».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۵۴، حدیث ۳ «حدیث ۷۵۹».

۱۹. پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام اهل بیت آن حضرت ابتدا به شهر کوفه و سپس به شام وارد شدند.

در شام پیرمردی به وجود امام سجّاد علیه‌السلام نزدیک شد و به آن حضرت عرض کرد:

حمد و سپاس خداوندی را که شما را کشت و به هلاکت رساند و شاخ فتنه را برید.

وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السلام پس از پایان یافتن سخنان پیرمرد شامی به او فرمود:

ای مرد شامی:

آیا قرآن خوانده‌ای

پیرمرد شامی عرض کرد:

بله؛

وجود مقدّس امام سجّاد علیه‌السلام چند آیه از آیات شریفه قرآن کریم را که در شأن اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نازل شده تلاوت نموده و به پیرمرد شامی فرمود که این آیات شریفه درباره ما و در شأن ما نازل شده، که یکی از آن آیات شریفه‌ای که وجود مبارک امام سجّاد علیه‌السلام تلاوت فرمود این آیه شریفه بود «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب».

پیرمرد شامی پس از شنیدن فرمایشات امام سجّاد علیه‌السلام دست‌های خویش را به آسمان بلند نمود و سه بار گفت:

خداوندا، به درگاهت توبه می‌کنم و از عداوت و دشمنی با آل محمّد علیهم‌السلام به درگاه تو استغفار می‌کنم و از قاتلین اهل بیت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم اعلام برائت و بیزاری می‌کنم.^۱

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۹۹، حدیث ۱۰۲ «حدیث ۸۹۳۰».

احتجاج طبرسی، جلد دوم، صفحه ۱۱۴، حدیث ۱۷۲.

۲۰. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام پس از نکث بیعت ناکثین «پس از عهدشکنی طلحه و زبیر» خطبه‌ای ایراد فرموده و طی آن قطره‌ای از دریای بیکران فضائل و مناقب خویش و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بیان فرمودند که قسمتی از فرمایشات آن حضرت این بود که فرمودند:

أَلَا وَنَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَدَّاهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، یعنی:

ای مردم:

بدانید و آگاه باشید ما آن اهل بیتی هستیم که خداوند متعال هر گونه رجس و پلیدی و گناه را از آن‌ها دور نموده است.^۱

۲۱. هنگام زیارت وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید غدیر به محضر آن بزرگوار عرض می‌کنیم.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ عَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ،
قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،
فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

ای امیرالمؤمنین:

سلام و تحیات و درود و رحمت خداوند متعال بر تو و بر ائمه معصومین از خاندان پاک و مطهر تو.

خداوند متعال درجه و مقام شما را بر امت برتر و والاتر گردانده و فضل و شرف شما را بر جهانیان آشکار فرموده و هر گونه رجس و پلیدی و گناه را از شما دور نموده و شما را کاملاً پاک و مطهر نموده، پاک ساختنی ویژه «یعنی به شما مقام عصمت اعطا فرموده».

این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۲۲. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که یک دوره کامل و جامع امام‌شناسی

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۳۳۷، حدیث ۶۶.

است هنگام زیارت وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام خدمت آن ذوات مقدّسه عرض می‌کنیم.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ...

یعنی:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم السّلام که اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشید،

سلام بر شما که جایگاه رسالت می‌باشید،

سلام بر شما که محلّ رفت و آمد ملائکه هستید،

و سلام بر شما که منزل و بیت محترم شما محلّ فرود آمدن و نزول وحی است.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ...، یعنی:

شهادت و گواهی می‌دهم که شما ائمه هدایت هستید،

و هدایت‌یافته و هدایت‌شده از ناحیه خداوند متعال می‌باشید،

و معصوم از هر گونه رجس و پلیدی و گناه می‌باشید.

عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ،

وَ آمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ،

وَ طَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ،

وَ أَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَكُم تَطْهِيراً، یعنی:

خداوند متعال شما را از همه گونه لغزش‌ها و خطاها حفظ فرمود،

و شما را از همه فتنه‌ها در امان داشت و ایمنی بخشید،

و از هر گونه پلیدی و آلودگی پاک فرمود،

و هر گونه رجس و پلیدی و گناه را از شما دور کرد و شما را کاملاً پاک و مطهّر

نمود یعنی به شما ذوات مقدّسه مقام عصمت اعطا فرمود، لذا شما بزرگواران معصوم

هستید.

قابل ذکر است که زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره از ناحیه وجود مقدّس امام

هادی علیه السّلام صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۲۳. شیخ طوسی در مصباح المتهجد نقل کرده که یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام به نام ابو محمد عبدالله بن محمد عابد بدالیه خدمت آن حضرت شرفیاب شد و کیفیت صلوات فرستان بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام را از آن حضرت سؤال نمود و آن حضرت نیز کیفیت صلوات فرستادن بر وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام را بیان فرمود که در صلوات به حضرت مهدی علیه السلام آمده که:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَلِيَّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوندا درود فرست بر نماینده‌ات و فرزند نمایندگان،

آنان که اطاعت از آن‌ها را بر همه واجب فرمودی،

و حَقشان را واجب کردی،

و هر گونه رجس و پلیدی و گناه را از آن‌ها دور نمودی و آن‌ها را کاملاً پاک و

مطهر کردی و به آن‌ها عصمت اعطا فرمودی.

این صلوات نورانی و شریف در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۲۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

پس از نزول آیه تطهیر «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً

- آیه ۳۳ سوره احزاب» وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر بامداد

هنگام نماز صبح به درب منزل ما می آمد و می فرمود:

الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، رَحِمَكُمُ اللَّهُ، یعنی:

نماز نماز ای اهل بیت پیامبر، خدا شما را رحمت کند، و آنگاه وجود مقدس پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه شریفه را «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ

الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت می فرمود.

این حدیث را هم حارث و هم ابوبکر محمد بن عمر از حضرت امیر علیه السلام

نقل نموده‌اند.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۲۱، حدیث ۱۹.

توضیح:

روایات و احادیثی که از ناحیه وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام در رابطه با آیه تطهیر و شأن نزول آن صادر شده و اینکه این آیه شریفه در رابطه با خمسه طیّبه «محمّد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السّلام» و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام می باشد به قدری زیاد است که بسیاری از محقّقین آن را متواتر می دانند.

منابع و راویان احادیثی که دلالت بر انحصار آیه تطهیر «آیه ۳۳ سوره احزاب» بر خسمه طیّبه و همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام می نماید به قدری زیاد است که برای هیچ کس جای تردید باقی نمی ماند. در احقاق الحق به بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت اشاره شده و منابع شیعه در این زمینه از هزار هم می گذارد.

همچنین در روایات و احادیث فراوان دیگری آمده که:

بعد از نزول آیه تطهیر وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به مدّت چند ماه هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها می گذشت صدا می زد:

الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً،

یعنی: هنگام نماز است ای اهل بیت، خداوند متعال اراده فرموده تا هر گونه رجس و پلیدی و گناه را از شما دور نماید و شما را کاملاً پاک و مطهّر سازد و به شما مقام عصمت اعطا فرماید.

برخی از اصحاب اظهار نموده اند که به مدّت چهار ماه شاهد این قضیه بوده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم هر روز صبح به درب منزل حضرت امیر و حضرت زهرا سلام الله علیهما آمده و این مطلب را بیان می فرمودند. بعضی از اصحاب تا شش ماه و بعضی از اصحاب نیز تا نه ماه شاهد این ماجرا بوده اند.

تداوم و تکرار این قضیه برای مدّت نه ماه و یا بیشتر در کنار خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها برای این است که:

مطلب کاملاً روشن شود و مشخص گردد و در آینده برای هیچ کس جای تردید باقی نماند که آیه تطهیر فقط و فقط در شأن خمسه طیبه «همچنین سایر ائمه معصومین علیهم السّلام» نازل شده و خداوند متعال فقط و فقط به این چهارده وجود مقدّس مقام عصمت اعطا فرموده و لاغیر.^۱

به عرض رسید که احادیث صادره از ناحیه ائمه معصومین علیهم السّلام در رابطه با آیه تطهیر و اختصاص آن به وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام بسیار زیاد است که به عنوان نمونه به تعدادی از آن‌ها اشاره شد.

در منابع اهل سنت و در کتب و تفاسیر معروف اهل سنت نیز به آیه تطهیر و شأن نزول آن و اختصاص آن به خمسه طیبه اشاره شده که به عنوان نمونه به تعدادی از این احادیث و روایات اشاره می‌شود.

۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه

۳۳ سوره احزاب «فِي خَمْسَةِ»:

فِيَّ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

این آیه شریفه «آیه ۳۳ سوره احزاب» درباره پنج نفر نازل شده،

درباره من و علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السّلام.

این حدیث شریف را ابوسعید خدری نقل نموده و در تفسیر ثعلبی و در المثنور و

شواهد التنزیل آمده است.^۲

۲. ثعلبی در تفسیر خود از امّ سلمه نقل می‌کند که پیامبر اکرم در خانه امّ سلمه بود

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۱ تا ۳۲۴.

۲. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۰ - ۱۱۲.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۰، حدیث ۴۵.

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۱۰۷ «حدیث ۸۹۳۵».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۵.

و به دخترش فاطمه زهرا علیهاسلام فرمود:

همسر و دو پسر را صدا کن تا نزد من حاضر شوند و پس از اینکه آنها حاضر شدند پیامبر اکرم عبا را بر روی علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام انداخت و به خداوند متعال عرض کرد.

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَعِثْرَتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، و پس از این قضیه بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «آیه ۳۳ سوره احزاب» نازل فرمود.

ام سلمه می گوید:

خدمت پیامبر اکرم عرض کردم

یا رسول الله:

آیا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

وجود مبارک پیامبر اکرم به من فرمود:

تو به خیر و نیکی هستی «عاقبت به خیر می شوی»،

اما در زمره اهل بیت من نیستی.^۱

۳. ثعلبی در تفسیر خویش از فردی به نام مُجَمَّع نقل می کند که:

مُجَمَّع می گوید:

من به همراه مادرم نزد عایشه رفتیم و مادرم از عایشه درباره علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کرد.

عایشه به مادرم پاسخ داد:

از من درباره کسی سؤال کردی که او و همسرش فاطمه محبوبترین مردم نزد رسول خدا بودند.

عایشه در ادامه صحبت خود گفت:

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۱.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۳ - ۴۵۱، حدیث ۳۳ و ۴۶.

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۱۰۵ «حدیث ۸۹۳۳».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۲.

من روزی دیدم که پیامبر اکرم، علی و فاطمه، حسن و حسین را جمع نمود و عباپی بر روی آنها انداخت و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ حَامَّتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوندا:

این‌ها اهل بیت من و خواص من هستند، پس آنها را از هر گونه رجس و پلیدی و گناه دور کن و آنها را کاملاً پاک و مطهر نما.

عایشه می‌گوید به پیامبر اکرم عرض کردم:

آیا من هم از اهل بیت شما هستم، و پیامبر اکرم به من فرمود:

در جای خود بمان «دور شو»^۱.

۴. ثعلبی در تفسیر خویش از واثله بن اسقع نقل می‌کند که واثله بن اسقع گفت:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا و حسن و حسین علیهم السلام را زیر عبا قرار داد و این آیه شریفه را «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت فرمود و سپس به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هُوَلاءِ أَهْلِ بَيْتِي، یعنی:

خداوندا:

این‌ها اهل بیت من هستند.^۲

این حدیث را احمد بن حنبل «از علمای معروف اهل تسنن» نیز از واثله بن اسقع نقل نموده است.^۳

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۱ و ۱۱۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۱، حدیث ۴۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۱، حدیث ۱۰۶ «حدیث ۸۹۳۴».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۲.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۲، حدیث ۴۹.

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۴ - ۴۴۷، حدیث ۳۴ و ۳۸ و ۳۹.

۵. ثعلبی در تفسیرش از ابو حمراء نقل می کند که گفت:

من نه ماه در مدینه اقامت داشتم و هر روز شاهد بودم که پیامبر اکرم به درب منزل حضرت علی و فاطمه سلام الله علیهما می آمد و می فرمود:
بشتابید به سوی نماز، و سپس این آیه شریفه را «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت می فرمود.^۱

۶. در کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری از صفیه بنت شیبه نقل شده که او از عایشه نقل می کند که عایشه گفت:

یک روز پیامبر اکرم عبایی را بر روی علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام انداخت و سپس این آیه شریفه را «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» - آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت فرمود.
قابل ذکر است که اهل سنت شش کتاب بسیار معتبر و معروف دارند که به صحاح سته مشهور می باشند که دو کتاب از این شش کتاب معتبر یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری این حدیث را از عایشه نقل نموده اند.^۲

۷. در مُسند احمد بن حنبل از ام سلمه نقل شده که او گفت:

پیامبر اکرم در خانه من بود که به حضرت فاطمه فرمود:
شوهر و دو پسر را صدا کن و وقتی آنها حاضر شدند پیامبر اکرم عبای خیبری را بر روی آنها انداخت و سپس دستش را از زیر عبا بیرون آورد و به طرف آسمان بلند کرد و به خداوند متعال عرض نمود:

اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِي وَ حَامَتِي، فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، یعنی:

خداوندا اینها اهل بیت من و خواص و حامیان من هستند، پس آنها را از هر گونه رجس و پلیدی و گناه دور کن و آنها را کاملاً پاک و مطهر نما، و پس از این قضیه

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۳، حدیث ۵۱.

۲. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۹، حدیث ۴۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۴، حدیث ۵۳.

بود که خداوند متعال این آیه شریفه را «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» نازل فرمود.

پس از این قضیه من به پیامبر اکرم عرض کردم که آیا من هم در زمره اهل بیت شما هستم.

پیامبر اکرم به من فرمود:

تو در مسیر خیر و نیکی هستی «تو عاقبت به خیری».

این حدیث را چند نفر از جمله ابومعدّل عطیه طفاوی، عطاء بن ابی ریح، شهر بن حوشب و.... از امّ سلمه نقل نموده‌اند.^۱

قابل ذکر است که:

این حدیث شریف در درّالمتثور سیوطی نیز به طرق مختلف از امّ سلمه نقل شده است.^۲

۸. موفق بن احمد که در میان اهل تسنن به أَخَطَبُ الْخُطَبَاءِ معروف می‌باشد در کتاب خویش به نام مناقب خوارزمی از ابوسعید خدری نقل می‌کند که او گفت:

پیامبر اکرم به مدّت نه ماه به درب منزل حضرت علی و حضرت فاطمه سلام‌الله علیهما می‌آمد و می‌فرمود:

بشتابید به سوی نماز، خداوند متعال شما را مورد رحمت خویش قرار دهد و سپس این آیه شریفه را «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيراً -

آیه ۳۳ سوره احزاب» تلاوت می‌فرمود.^۳

قابل ذکر است که:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۵، حدیث ۳۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۵، حدیث ۳۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۶، حدیث ۳۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۴۸، حدیث ۴۱.

۲. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۸۷.

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۸، حدیث ۶۱.

این حدیث شریف را در المثنور سیوطی نیز از ابو سعید خدری نقل نموده است. همچنین حاکم حسکانی در شواهد التنزیل و ثعلبی در تفسیر خویش این حدیث را از انس مالک نقل نموده اند.^۱

۹. حاکم ابوالقاسم حسکانی در شواهد التنزیل از زاذان و او از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل می کند که وقتی آیه تطهیر نازل شد «أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - آیه ۳۳ سوره احزاب» پیامبر اکرم من و برادرم و پدر و مادرم را زیر کساء خیرری ام سلمه قرار داد و به خداوند متعال عرض کرد:

اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَعِزَّتِي، يَعْنِي:

خداوندا، اینها اهل بیت من و عترت من هستند.^۲

توضیح:

همانطور که قبلاً به عرض رسید احادیثی که از طریق شیعه و سنی درباره آیه ۳۳ سوره احزاب «معروف به آیه تطهیر» و شأن نزول آن در رابطه با خمسه طیبه «حضرت محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام» نقل شده به حدی زیاد است که به عقیده بسیاری از محققین به حد تواتر رسیده است و برای هیچ کس جای تردید باقی نمی گذارد که آیه تطهیر فقط و فقط اختصاص به خمسه طیبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام دارد، یعنی مصداق انحصاری آیه تطهیر فقط و فقط وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام می باشند و لا غیر.

در کتاب غایة المرام بحرانی و کتاب عبققات به طور مشروح و مبسوط به این احادیث نورانی اشاره شده است.

قابل ذکر است که:

یکی از علمای معروف اهل تسنن به نام حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۵۶، حدیث ۵۶.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۴.

۲. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۱۲.

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۱۰۳، حدیث ۱۰۹ «حدیث ۸۹۳۷».

نزدیک به یکصد و چهل حدیث نقل نموده که آیه تطهیر اختصاص به خمسه طیبه و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام دارد و لاغیر. جهت رعایت اختصار فقط به تعدادی از این احادیث نورانی که از طریق شیعه و سنی نقل شده بود اشاره شد و اگر عزیزان بخواهند به تمام این احادیث شریف دسترسی پیدا کنند می‌توانند به غایه‌المرام بحرانی و عبقات میر حامد حسین مراجعه فرمایند.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۰۳ «پاورقی مترجم»، صفحه ۱۱۳.
المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۱۹۰.
تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۲۳ تا ۳۲۵.
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۳۶.

آیه ۵۶ سوره احزاب:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

ترجمه:

به درستی که «همانا» خداوند متعال و ملائکه خداوند متعال بر پیامبر اکرم صلوات می فرستند «درود می فرستند».

ای کسانی که ایمان آورده‌اید «ای مومنین»، به پیامبر اکرم صلوات و درود بفرستید و مطیع محض همه دستورات پیامبر اکرم باشید.^۱

شرح لغات و توضیحات:

صَلَاةٌ «صَلَاتٌ» = توجّه و عنایت خاص و ویژه.

کلمه صَلَاةٌ هر گاه به خداوند متعال نسبت داده شود به معنی نزول رحمت و فرستادن رحمت از طرف خداوند متعال می باشد. جمع صَلَاةٌ، صلوات می باشد. صلوات ممکن است از جانب خداوند متعال باشد، ممکن است از طرف ملائکه باشد، و ممکن است از طرف بندگان خدا «مردم» باشد، یعنی:

۱. اگر صلوات به خداوند متعال نسبت داده شود معنی رحمت الهی می دهد، یعنی نزول رحمت خداوند متعال، پس اگر گفته شود که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلوات می فرستد یعنی رحمت خاص خویش را به آن حضرت نازل می فرماید.

۲. اگر صلوات به ملائکه و به مردم نسبت داده شود معنی طلب رحمت می دهد، پس صلوات فرستان ملائکه و مردم به پیامبر اکرم یعنی درخواست و تقاضا از خداوند متعال تا رحمت خاص خویش را به پیامبر اکرم نازل فرماید.

سَلِّمُوا = تسلیم شدن نسبت به فرامین پیامبر اکرم - تسلیم مطلق اوامر پیامبر اکرم باشید.^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۴۴.

۲. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۷۹، ۴۴۴، ۴۴۵.

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ = خداوند متعال و ملائکه خدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلوات و درود می فرستند.

يُصَلُّونَ فعل مضارع می باشد و استمرار را می رساند، بنابراین معنی آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال پیوسته و مستمر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلوات می فرستد، یعنی خداوند متعال به طور مستمر و لاینقطع رحمت خاص و ویژه خویش را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل می فرماید، همچنین ملائکه و فرشتگان الهی نیز پیوسته و مستمر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلوات می فرستند، یعنی ملائکه و فرشتگان الهی به طور مستمر و لاینقطع از خداوند متعال درخواست می کنند تا خداوند متعال رحمت خاص خویش را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرماید.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه به مؤمنین دستور می دهد که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا = ای کسانی که ایمان آورده اید «ای مؤمنین»، شما نیز از خداوند متعال و ملائکه الهی تبعیت و پیروی کرده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستید و تسلیم محض دستورات پیامبر اکرم باشید.

منظور از سَلِّمُوا تَسْلِيمًا یعنی تسلیم مطلق همه اوامر رسول خدا باشید و هر دستوری که به شما داد بی چون و چرا و بلافاصله به مرحله اجرا در آورید.

بنابراین خداوند متعال در این آیه شریفه به مؤمنین امر می فرماید که:

۱. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صلوات بفرستید.

انشاء الله تعالی در بخش حدیث به نحوه و چگونگی صلوات فرستادن به پیامبر خدا و همچنین به ثواب و پاداش صلوات فرستادن به پیامبر اکرم اشاره خواهد شد.

۲. مطیع محض و تسلیم کامل همه دستورات پیامبر اکرم باشید و همه فرامین آن

حضرت را بی قید و شرط و بلافاصله اطاعت کرده و به مرحله اجرا در آورید.

در آیه ۶۵ سوره نساء خداوند متعال می فرماید:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا

قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

ای محمد، به پروردگارت قسم، مردم مؤمن نخواهند بود «ایمان به دل آن‌ها راه پیدا نخواهد کرد»، مگر اینکه تو را در مشاجرات و منازعات خویش حَکَم و داور سازند و از آنچه که تو قضاوت کرده‌ای احساس دلتنگی و ناراحتی نکنند «در خصوص حُکَم تو حتّی در دلشان نیز احساس ناراحتی نکنند»، و مطیع و منقاد و تسلیم محض تو باشند، تسلیم و مطیع محض تو و حُکَم تو. بنابراین نشانه ایمان واقعی این است که:

۱. مردم در مواردی که اختلاف دارند به پیامبر اکرم مراجعه کرده و آن حضرت را به عنوان حَکَم و داور قرار دهند.

۲. داوری و حکمیت آن حضرت را پذیرفته و آن را اجرا نمایند، ضمن اینکه قلباً هم به داوری و حکمیت پیامبر اکرم راضی و خشنود باشند و احساس ناراحتی در دلشان هم نباشد. «ظاهر و باطنشان به حُکَم رسول‌الله راضی باشد».

۳. تسلیم مطلق و تسلیم محض همه اوامر و فرامین پیامبر اکرم باشند، یعنی يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا همین اطاعت محض و بی‌چون و چرا از رسول‌الله می‌باشد در تمام امور، اعم از دنیوی و اخروی.

ذیل این آیه شریفه «آیه ۶۵ سوره نساء» توضیحات کاملی به عرض رسیده و احادیثی نقل شده که ائمه معصومین علیهم السلام نیز از مصادیق این آیه شریفه می‌باشند و این آیه درباره همه معصومین علیهم السلام جاری است، بنابراین اطاعت محض و بی‌چون و چرا از چهارده معصوم علیهم السلام واجب است، آن هم در تمام امور اعم از امور دنیوی و اخروی.^۱

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۴۴ - ۴۴۵.

تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۵۸۰ - ۵۸۱ «آیه ۶۵ سوره نساء».

مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۶۹ - ۱۷۰.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۵۶.

حدیث:

۱. از وجود مقدس رسول الله سؤال شد که یا رسول الله: سلام کردن به شما را دانستیم و فهمیدیم، اما صلوات فرستان به شما چگونه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند اینگونه بگوئید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، یعنی: خداوندا به محمد و آل محمد درود فرست همچنان که به ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، به درستی که خداوندا تو درخور ستایش و بزرگی هستی. خداوندا به محمد و آل محمد برکت بده همچنان که به ابراهیم و آل ابراهیم برکت دادی، به درستی که خدایا تو درخور ستایش و بزرگی هستی.

توضیح:

این حدیث را کعب بن عجره نقل نموده و موضوع از این قرار بود که وقتی آیه ۵۶ سوره احزاب نازل شد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نحوه صلوات فرستادن بر آن حضرت را سؤال کردند و در پاسخ به این سؤال بود که پیامبر اکرم چگونه صلوات فرستادن بر خودشان را بیان فرمودند. سیوطی در درالمنثور چندین حدیث نقل نموده که همه این احادیث نورانی دلالت بر این دارند که در صلوات فرستادن به پیامبر اکرم باید آل محمد را نیز ذکر نمود و باید گفت:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

روایاتی که از طریق منابع شیعه نقل شده «مبنی بر اینکه هنگام صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم باید آل محمد را نیز بیفزائیم و بگوئیم «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» به حدی زیاد است که اگر گفته شود از حدّ شمار بیرون است اغراق نمی باشد.^۱

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۶۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۹۳، حدیث ۹.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۲۳۰ - ۲۳۱.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۴۶ - ۴۴۷.

۲. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ أَلَى لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ أَنَّ رِيحَهَا لَيُوجَدُ مِنْ مَسِيرِ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ، يَعْنِي:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هر کس به من صلوات بفرستد و بر آل من نفرستد «یعنی صلوات ناقص بفرستد و بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ» بوی بهشت را استشمام نمی کند در حالی که بوی بهشت از فاصله پانصد سال راه استشمام می شود.

این حدیث را ابان بن تغلب از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

این حدیث شریف اهمیّت صلوات فرستادن کامل را بیان می فرماید که حتماً باید هنگام صلوات فرستان بعد از نام مبارک پیامبر اکرم آل پیامبر اکرم نیز افزوده شود و اگر کسی هنگام صلوات فرستادن آل محمد را عنوان نکند و به جای گفتن اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بگوید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، بوی بهشت را نیز استشمام نمی کند در حالی که بوی بهشت از فاصله پانصد سال راه استشمام می شود، و این موضوع کنایه از این است که کسانی که به آل محمد و اهل بیت پیامبر اکرم و عترت آن وجود مقدّس بی اعتنا و بی تفاوت باشند هرگز داخل بهشت نخواهند شد.

حال اگر کسانی با آل پیامبر اکرم و اهل بیت آن بزرگوار و عترت آن حضرت دشمنی و عداوت داشته باشند و اگر به آن ذوات مقدّسه ظلم کرده باشند ناگفته پیدا است که چه جایگاهی در جهنّم خواهند داشت و قطعاً پست ترین جای جهنّم اقامتگاه دائمی آن ها خواهد بود.

۳. از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که فرموده اند:

هنگام مناجات حضرت موسی بن عمران با خداوند متعال، خداوند سبجان به

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۹۶، حدیث ۱۷.

حضرت موسی فرمود:

ای پسر عمران، هر کجا نام محمّد «صلی الله علیه و آله و سلّم» را متذکّر شدی و نام آن حضرت را بُردی به او صلوات بفرست زیرا من و ملائکه نیز به او صلوات و درود می فرستیم.^۱

۴. وجود مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره احزاب» ظاهری دارد و باطنی، ظاهر آیه شریفه این قسمت از آیه شریفه است که خداوند متعال به مؤمنین دستور می دهد که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ، یعنی ای مؤمنین به پیامبر اکرم صلوات بفرستید، اما باطن آیه شریفه آخر این آیه شریفه یعنی سَلِّمُوا تَسْلِيمًا می باشد، یعنی خداوند متعال به مؤمنین دستور می دهد که تسلیم و مطیع محض کسی باشید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به امر خداوند متعال او را به عنوان وصی و جانشین خویش به مردم معرفی نمود.

توضیح:

خداوند متعال در انتهای این آیه شریفه به مؤمنین دستور می دهد تا تسلیم کامل و مطیع محض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم و اوصیاء آن حضرت باشند، لذا به مؤمنین واجب است که تسلیم کامل و مطیع محض وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام باشند در تمام امور، اعم از امور دنیوی و اُخروی.^۲

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۲۳۳، «حدیث ۹۰۶۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۵۷.

۲. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۵۶۶، حدیث ۱۳۷.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۵۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۹۷، حدیث ۱۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۶۵، حدیث ۲۳۴ «حدیث ۹۰۶۱».

۵. خداوند تبارک و تعالی فرمودند:

یا محمد، هر کس به تو یک صلوات بفرستد من در مقابل آن یک صلوات ده صلوات به او می فرستم و ده گناه او را محو می کنم و ده حسنه برای او در پرونده اش می نویسم.

این حدیث را ابی طلحه از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است.^۱

۶. امام صادق علیه السلام فرمودند:

لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، یعنی:

دعا همیشه محجوب است «میان دعا و استجاب دعا پرده و حائلی وجود دارد» تا زمانی که به محمد و آل محمد صلوات فرستاده شود «آنگاه حائل و پرده کنار می رود» و دعا مستجاب می شود.

توضیح:

وقتی شخصی دعا می کند و حاجتی را درخواست می نماید، پرده و حاجب و حائلی مانع استجاب دعا می شود و مانع می شود تا حاجت انسان برآورده شود، اما وقتی انسان به محمد و آل محمد صلوات می فرستد آن پرده و حاجب و حائل کنار می رود و دعای انسان مستجاب می شود، و این استجاب دعا از برکت صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام می باشد.

این حدیث را هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۷. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس به درگاه خداوند متعال حاجتی دارد باید ابتدا به محمد و آل محمد صلوات بفرستد و سپس حاجت خود را از خداوند متعال درخواست کرده و آنگاه مجدداً به محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات بفرستد، زیرا:

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۷۱.

۲. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه، ۲۴۷، حدیث ۱ «حدیث ۳۱۵۰».

خداوند تبارک و تعالی کریم‌تر از آن است که دو طرف دعا «یعنی اوّل و آخر دعا که صلوات بر محمّد و آل محمّد می‌باشد» را بپذیرد و اجابت نماید لیکن وسط آن را نپذیرد و اجابت نکند «وسط یعنی همان حاجت انسان که بین دو صلوات واقع شده است» چرا که صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام محجوب نیست «حائل و پرده‌ای مقابل آن وجود ندارد و به اجابت می‌رسد».

این حدیث را ابن‌جمهور از امام صادق علیه‌السّلام نقل نموده است.^۱

۸. امام باقر علیه‌السّلام فرمودند:

مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، يَعْنِي:

در میزان «ترازوی سنجش اعمال انسان‌ها در روز قیامت» هیچ چیزی «هیچ عملی» سنگین‌تر از صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام نیست.

این حدیث را محمّد بن مسلم از امام صادق علیه‌السّلام نقل نموده است.^۲

۹. عبدالسّلام بن نعیم می‌گوید خدمت امام صادق علیه‌السّلام عرض کردم:

يا بن رسول الله:

من وارد خانه خدا «کعبه» شدم و هیچ دعایی را به خاطر نداشتم غیر از صلوات بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السّلام.

امام صادق علیه‌السّلام به من فرمود:

آگاه باش و بدان که هیچ کس مانند تو «در فضیلت و ثواب و انجام عمل مستحب»

از خانه خدا خارج نشده است. «یعنی هیچ کس به اندازه تو ثواب نبرده است».^۳

۱۰. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السّلام فرمودند:

كُلُّ دُعَاءٍ يُدْعَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

یعنی:

۱. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱۶ «حدیث ۳۱۶۵».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۹۶، حدیث ۱۶.

۲. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱۵ «حدیث ۳۱۶۴».

۳. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱۷ «حدیث ۳۱۶۶».

هر دعایی که خداوند متعال به آن خوانده می شود از رفتن به آسمان محبوب است «به آسمان نمی رسد، یعنی بین آسمان و زمین باقی می ماند» تا آنکه بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده شود «یعنی پس از فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام دعا به آسمان می رسد و به اصطلاح دعا مستجاب می شود». این حدیث را صفوان جمال از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱۱. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس بر محمد و آل محمد علیهم السلام ده مرتبه صلوات بفرستد خداوند متعال و ملائکه الهی صد مرتبه بر او صلوات می فرستند، و هر کس بر محمد و آل محمد علیهم السلام صد مرتبه صلوات بفرستد خداوند متعال و ملائکه الهی هزار مرتبه بر او صلوات می فرستند. این حدیث را اسحاق بن فروخ از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱۲. وجود مقدس امام صادق علیه السلام فرمودند:

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: هر کس به من و اهل بیت من و آل من صلوات بفرستد درهای آسمان به روی او باز می شود و ملائکه الهی به او هفتاد مرتبه صلوات می فرستند، و خداوند متعال به او می گوید لبیک و سعیدیک ای بنده من.

وجود مبارک پیامبر اکرم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

اگر کسی به من صلوات بفرستد اما به دنبال آن به اهل بیت من و به آل من صلوات نفرستد «یعنی اگر شخصی صلوات ناقص بفرستد و بگوید اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ» میان او و آسمان و اهل آسمان هفتاد حجاب و هفتاد حائل ایجاد می شود و خداوند متعال

۱. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۰، حدیث ۱۰ «حدیث ۳۱۵۹».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۹۴، حدیث ۱۰.

۲. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۱، حدیث ۱۴ «حدیث ۳۱۶۳».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۹۵، حدیث ۱۴.

به چنین شخصی می گوید لَا لَبَّيْكَ وَ لَا سَعْدَيْكَ،

و سپس خداوند متعال به ملائکه خویش دستور می دهد که ای ملائکه من: دعای این شخص را بالا نیاورید تا اینکه او اهل بیت پیامبر اکرم و آل پیامبر اکرم را به پیامبر اکرم ملحق نماید «یعنی دعای او را بالا نیاورید تا اینکه او بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

وجود مبارک پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ در پایان فرمایش خویش فرمودند: او همواره در حجاب می ماند تا اینکه اهل بیت مرا به من ملحق کند «کسی که صلوات ناقص بفرستد در حجاب خواهد بود و دعای او بالا نخواهد رفت و خداوند متعال به او لبیک نخواهد گفت تا اینکه اهل بیت پیامبر اکرم را به آن حضرت ملحق نماید و صلوات کامل بفرستد و بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

یعنی هر کس آل محمد علیهم السّلام و اهل بیت پیامبر اکرم را قبول نداشته باشد خداوند متعال به او خواهد فرمود لَا لَبَّيْكَ وَ لَا سَعْدَيْكَ، و کسی که با لَا لَبَّيْكَ خداوند متعال مواجه شود جایگاهش جهنم است و برای همیشه از رحمت الهی محروم خواهد بود».

این حدیث را عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۱۳. وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در مرو در جلسه ای که مأمون و عده ای از علمای عراق و خراسان نیز شرکت داشتند در رابطه با تفاوت بین عترت و اهل بیت پیامبر اکرم با امت مطالبی فرمودند که یکی از آنها این بود که:

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام فرمودند:

وقتی که این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا - آیه ۵۶ سوره احزاب» نازل شد عده ای از مسلمانان خدمت پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله:

۱. امالی شیخ صدوق، صفحه ۹۰۹، مجلس ۸۵، حدیث ۱۸.

نحوه سلام کردن بر شما را می دانیم، اما چگونه و به چه نحو باید به شما صلوات بفرستیم.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اینگونه بر من صلوات بفرستید و بگوئید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ،

یعنی

خداوند!:

بر محمد و آل محمد درود فرست همانطور که به ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستاده‌ای،

به درستی که تو ستوده و بزرگ هستی.

این حدیث را ریّان بن صلت از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱۴. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

صَلُّوا عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ،

فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ دُعَائِكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، یعنی:

بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات بفرستید، زیرا:

خداوند متعال دعای شما را هنگام نام بردن محمد و آل محمد علیهم السلام

می پذیرد و آن را مستجاب می کند.^۲

۱۵. عبیدالله بن عبدالله دهقان می گوید:

خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم، آن حضرت به من فرمود:

معنی این فرمایش خداوند متعال چیست که می فرماید:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد اول، باب ۲۳، صفحه ۴۸۵، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۵۷، حدیث ۲۱۳ «حدیث ۹۰۴۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۵۶.

۲. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۲۳۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۵۹، حدیث ۲۱۷ «حدیث ۹۰۴۴».

وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى «آیه ۱۵ سوره اعلی».

خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم:

یعنی هر وقت که نام خدا را به یاد آورَد به دنبال آن نماز بخواند.

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمود:

اگر اینگونه باشد در این صورت خداوند متعال مسلمانان را به امر شاقّی مکلف ساخته است «تکلیفی خارج از طاقت و توان مردم تعیین فرموده است».

عبید الله بن عبدالله دهقان می گوید:

خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

پس معنی این آیه شریفه «وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى - آیه ۱۵ سوره اعلی» چیست.

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمود:

معنی این آیه شریفه این است که هر گاه نام خداوند متعال را ببرد به محمّد و آل محمّد علیهم السلام صلوات بفرستد.^۱

توضیح:

خداوند متعال در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره اعلی می فرماید:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى «آیه ۱۴ سوره اعلی».

وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى «آیه ۱۵ سوره اعلی»، یعنی:

مسلماً کسی رستگار می شود که خودش را تزکیه نماید «منظور از تزکیه پاکسازی روح است از شرک، و پاکسازی دل از «رذائل اخلاقی، و انجام اعمال صالح» «آیه ۱۴»

و نام پروردگارش را به یاد آورَد و به دنبال آن نماز بخواند «آیه ۱۵».

۱. اصول کافی، جلد چهارم، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱۸، «حدیث ۳۱۶۷».

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۵۰۹، «ذیل آیه ۱۵ سوره اعلی».

تفسیر برهان، جلد نهم، صفحه ۴۷۴، حدیث ۸ «ذیل آیه ۱۵ سوره اعلی».

تفسیر نورالثقلین، جلد هشتم، صفحه ۳۲۳، حدیث ۱۸ «حدیث ۱۲۶۶۶»، «ذیل آیه ۱۵ سوره اعلی».

قابل ذکر است که:

تزکیه معنی وسیعی دارد و موارد ذیل را شامل می‌شود:

پاکسازی روح از آلودگی شرک،

پاکسازی روح و دل از اخلاق رذیله،

پاکسازی عمل از محرّمات و هر گونه ریا،

پاکسازی مال و جان به وسیله دادن زکات «زکات به طور عام و زکات فطره به

طور خاص، که در این صورت مقصود از نماز در آیه ۱۵ سوره اعلیٰ نماز عید فطر

می‌باشد».

بنابراین:

معنی آیه ۱۴ و ۱۵ سوره اعلیٰ به طور خلاصه این می‌شود که:

مسلماً کسی رستگار می‌شود که خودش را تزکیه نماید «تزکیه با تمام معانی که

برای آن ذکر شده مخصوصاً زکات فطره»،

و سپس وقتی نام پروردگارش را به یاد آورد به دنبال آن نماز بخواند «خواندن نماز

عید فطر».

اما تأویل آیه ۱۴ و ۱۵ سوره اعلیٰ و معنی باطنی دو آیه شریفه طبق فرمایش امام

رضا علیه‌السلام این می‌شود که:

مسلماً کسی رستگار می‌شود که خودش را تزکیه نماید «آیه ۱۴»،

و هنگامی که نام پروردگارش را به یاد آورد به دنبال آن به محمّد و آل محمّد

علیهم‌السلام صلوات بفرستد، یعنی:

شرط رستگاری انسان تزکیه است و پس از ذکر نام خداوند متعال فرستادن صلوات

بر محمّد و آل محمّد علیهم‌السلام و پذیرش ولایت آن ذوات مقدّسه و اطاعت

محض و بی‌چون و چرا از آن بزرگواران.

قابل ذکر است که توضیحات ذیل آیه ۱۴ و ۱۵ سوره اعلیٰ از تفسیر نمونه می‌باشد.^۱

در رابطه با لزوم و وجوب فرستان صلوات کامل و گفتن اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ

مُحَمَّدٍ و نهی شدید از فرستادن صلوات ناقص در کتب معتبر اهل سنت نیز احادیثی

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۴۱۶ تا ۴۱۸.

نقل شده که به عنوان نمونه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

۱. وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

هرگز بر من صلوات ناقص نفرستید.

خدمت پیامبر اکرم عرض شد:

یا رسول الله:

صلوات ناقص چیست.

وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

صلوات ناقص این است که بگوئید اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در ادامه فرمایش خویش نحوه

صلوات فرستادن کامل را بیان نموده و فرمودند:

اینگونه بر من صلوات بفرستید و بگوئید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

این حدیث شریف را ابن حجر در کتاب صواعق المحرّقه نقل نموده است.^۱

۲. در تفسیر درالمنثور سیوطی آمده که:

مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم عرض کرد:

أَمَّا السَّلَامُ عَلَيْكَ فَقَدْ عَلِمْنَا، فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ، یعنی:

نحوه سلام دادن به شما را می‌دانیم اما چگونه باید به شما صلوات بفرستیم.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند این گونه صلوات

بفرستید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ،

اَللّهُمَّ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ.

قابل ذکر است که در تفسیر درالمنثور که یکی از معروف‌ترین تفاسیر روایی اهل

سنت می‌باشد علاوه بر حدیث فوق هیجده حدیث دیگر نیز نقل شده و در همه این

احادیث تصریح شده که آل محمّد را باید هنگام صلوات فرستان به پیامبر اکرم ذکر

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۴۸.

نمود و گفت اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.^۱

۳. در کتاب صحیح بخاری که یکی از شش کتاب بسیار معتبر اهل سنت می باشد احادیث متعددی نقل شده که:

از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد که یا رسول الله: نحوه سلام دادن به شما را می دانیم و از آن آگاهیم، نحوه صلوات فرستادن بر شما چگونه است.

وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

اینگونه بر من صلوات بفرستید و بگوئید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ عَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَ عَلٰى آلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ،

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ عَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ وَ آلِ اِبْرَاهِيْمَ اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ.^۲

توضیح:

در کتاب صحیح بخاری که معروف ترین منابع حدیث اهل سنت می باشد روایات و احادیث متعددی در این زمینه نقل شده است «احادیثی مبنی بر اینکه هنگام صلوات فرستادن به پیامبر اکرم باید آل محمد نیز در صلوات ذکر شود».

همچنین در کتاب صحیح مسلم نیز که یکی از شش کتاب بسیار معتبر و معروف اهل سنت می باشد دو حدیث در این زمینه نقل شده است.^۳

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۲۳۰.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۴۷.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۴۹۷ و ۴۹۸، حدیث ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳.

۳. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۴۶ - ۴۴۷.

آیه ۷۲ سوره احزاب:

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ما امانت را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمودیم لیکن آن‌ها از حمل این امانت ابا کردند و امتناع نمودند «اظهار ناتوانی کردند» و ترسیدند، اما انسان آن را قبول کرد و حمل نمود، به درستی که او بسیار ظالم و جاهل بود.^۱

شرح لغات و توضیحات:

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ = خداوند متعال می فرماید:

ما امانت را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمودیم.

مقصود از این امانت چیست که خداوند متعال آن را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمود لیکن آن‌ها این امانت را حمل نکردند و بر دوش نکشیدند اما انسان آن را قبول کرد و بر دوش کشید.

امانت هر چه که باشد به معنای چیزی است که شخصی به شخص دیگر به عنوان ودیعه و امانت می سپارد تا امانت گیرنده آن شیئی و آن چیز را حفظ کرده و آن را سالم به صاحب آن «یعنی امانت دهنده» تحویل دهد.

در این آیه شریفه امانت عبارت است از چیزی که خداوند متعال آن را به انسان به ودیعه سپرده تا انسان آن را حفظ کرده و سالم نگهداری نموده و سپس به صاحبش یعنی خداوند متعال تحویل دهد و برگرداند.

بنابراین این امانت لاجرم امری است مربوط به دین حق که دارنده آن متّصف به ایمان است «دارنده آن مؤمن است»، کسی که آن را ندارد متّصف به شرک است، و کسی که مدّعی داشتن آن است لیکن آن را ندارد متّصف به نفاق است، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۷۸ - ۴۷۹.

انسان‌ها بعد از حمل این امانت بزرگ الهی به سه گروه تقسیم شدند. (۱) مؤمنین؛ (۲) مشرکین؛ (۳) منافقین.

این امانت در واقع اعتقاد داشتن به همه عقاید دین حق و عمل به آن‌ها می‌باشد، یعنی ایمان داشتن و اعتقاد داشتن به آنچه که خداوند متعال فرموده، به اضافه عمل به احکام دین، لذا امانت کمالی است که از طریق پذیرش اعتقادات حقّه و انجام تکالیف شرعی «انجام واجبات - ترک محرّمات» حاصل می‌شود.

رسیدن به این کمال «رسیدن به کمال عبودیت و بندگی و رسیدن به عالی‌ترین درجه بندگی در پیشگاه خداوند متعال» مختصّ به انسان است و هیچ موجودی در زمین و آسمان قادر به رسیدن به این مقام نمی‌باشد.

و از سوی دیگر چنین شخصی که به این مرحله از عبودیت و بندگی می‌رسد فقط و فقط خداوند متعال است که متولّی امور او می‌باشد و غیر از خداوند متعال و ولایت حق تعالی هیچ موجودی در آسمان و زمین در امور این شخص دخالت ندارد زیرا خداوند متعال او را برای خود خالص نموده است.

بنابراین، منظور از امانت در این آیه شریفه عبارت است از:

ولایت خداوند متعال «ولایت الهیه» که ولایت پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت یعنی ولایت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام شعاعی نیرومند و قوی از آن ولایت کلّیه الهیه «ولایت کلّیه و مطلقه خداوند متعال» می‌باشد،

همچنین مراد از امانت، کمالی است که از طرق پذیرش اعتقادات حقّه و انجام تکالیف شرعی حاصل می‌شود و در نتیجه انسان به کمال عبودیت و بندگی و اوج اخلاص می‌رسد، یعنی باعث می‌شود تا انسان بنده خاص خدا و عبد صالح خداوند متعال بشود که عالی‌ترین مرحله تکامل انسان می‌باشد.

قابل ذکر است که خداوند متعال انسان را آزاد و مختار خلق فرموده است یعنی انسان می‌تواند ولایت خداوند متعال و اولیاء الهی را پذیرفته و به تکالیف شرعی خویش عمل نماید و در سایه ایمان و عمل صالح مرحله تکاملی خویش را طی نموده و به عالی‌ترین درجه بندگی و کمال عبودیت برسد و به اصطلاح عبد صالح خداوند متعال شود که نقطه اوج کمال انسان می‌باشد «رسیدن به اعلیٰ علیین»، از طرف دیگر

انسان می تواند ولایت خداوند متعال و اولیاء الهی را ترک کرده و ولایت غیر خدا «اعم از شیطان، طاغوت، تمایلات و شهوات نفسانی و دنیوی و...» را بپذیرد که در این صورت به اسفل السافلین سقوط می کند.

اما سایر مخلوقات اعم از آسمانها و زمین و کوهها و... گرچه دارای نوعی معرفت و شناخت نسبت به خداوند متعال هستند و تسبیح خداوند متعال را می گویند «ان من شئی الا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَکِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيْحَهُ... یعنی هیچ موجود و مخلوقی نیست مگر اینکه خداوند متعال را تسبیح می گوید اما شما انسانها تسبیح آنها را نمی فهمید و درک نمی کنید آیه ۴۴ سوره اسرا» و در مقابل عظمت خداوند متعال خاضع می باشند لیکن این خضوع و این تسبیح، ذاتی و تکوینی و اجباری است و به همین دلیل تکاملی در آن دیده نمی شود،

یعنی این موجودات نه قدرت تمرّد و سرکشی از دستورات خداوند متعال را دارند که باعث دور شدن آنها از رحمت الهی شوند،

و نه امکان این را دارند که تقرّب بیشتری به درگاه خداوند متعال پیدا کنند، لذا استعداد پذیرفتن این امانت را نداشته و ندارند و به همین جهت وقتی که این امانت را خداوند متعال به آسمانها و زمین و کوهها عرضه فرمود آنها از پذیرش و حمل این امانت ابا و امتناع نمودند که در ادامه آیه شریفه آمده است.

فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلُنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا = آسمانها و زمین و کوهها از پذیرفتن این امانت و حمل آن ابا کرده و امتناع نمودند و از آن ترسیدند.

خداوند متعال وقتی امانت را به آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود آسمانها و زمین و کوهها از پذیرفتن و حمل آن ابا کرده و امتناع نموده و ترسیدند.

ابا کردن آسمانها و زمین و کوهها از حمل این امانت از روی استکبار و نخوت و غرور نبود «آنچنان که در مورد ابلیس آمده که وقتی خداوند متعال به ملائکه امر فرمود که به آدم سجده کنند همه ملائکه سجده کردند غیر از ابلیس که ابا نمود و استکبار ورزید و از سجده کردن حضرت آدم خودداری نمود» بلکه این ابا کردن و امتناع نمودن با اشفاق آمده که معنی ترس توأم با توجّه و خضوع می باشد، یعنی:

آسمانها و زمین و کوهها از برداشتن و حمل امانت ابا و امتناع نمودند و

ترسیدند از اینکه نتوانند حقّ امانت را ادا کنند و لذا جهت جلوگیری از کوتاهی کردن در حقّ این امانت بزرگ و عظیم از قبول کردن آن خودداری کردند، و به عبارت دیگر:

اگر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از قبول کردن این امانت خودداری کردند به این جهت بود که این امانت آنقدر سنگین و عظیم بود که ترسیدند از عهده آن برنمایند لذا نپذیرفتند، و در واقع آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها استعداد پذیرفتن آن امانت را نداشتند و به همین جهت از پذیرش آن امتناع کردند.

وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا = انسان این امانت را پذیرفت و آن را بر دوش کشید به درستی که او «انسان» بسیار ظالم و جاهل بود.

خداوند متعال با عنوان فرمودن کلمه الْإِنْسَانُ در این آیه شریفه تمام افراد انسان و همه انسان‌ها را اراده نفرموده است، بلکه این آیه شریفه «آیه ۷۲ سوره احزاب» نیز مثل آیات ذیل فقط شامل انسان‌هایی می‌شود که در بعد اعتقادات و اصول و همچنین در بعد اعمال و فروع نقص و اشکال داشته باشند.

وَ الْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، به درستی که انسان در خسران و زیان می‌باشد «آیه ۱ و ۲ سوره عصر».

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ، به درستی که انسان نسبت به پروردگارش ناسپاس است «آیه ۶ سوره عادیات».

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ... هنگامی که انسان را خداوند متعال امتحان کند و به او نعمت ببخشد این انسان می‌گوید خداوند مرا گرامی داشته است، و اگر خداوند متعال انسان را امتحان کند و رزق و روزیش را بر او تنگ بگیرد و امکانات مالی فراوان به او ندهد این انسان می‌گوید خداوند مرا خوار کرده است «آیه ۱۵ و ۱۶ سوره فجر»، بنابراین:

امکان ندارد که خداوند متعال در قرآن کریم و آیات شریفه آن «از قبیل آیه ۳۳ سوره آل عمران و آیاتی نظیر این آیه شریفه» بفرماید إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ... «به درستی که خداوند متعال آدم و نوح را برگزید و انتخاب کرد»، و سپس ظلم و جهل را به آن‌ها نسبت بدهد آن هم با تعبیر ظُلُوم و جَهُول،

لذا انبیاء و اوصیاء آنها و مؤمنین واقعی و راستین از شمول این آیه شریفه که انسان را ظلوم و جهول نامیده خارج می‌باشند.
در آیه بعد «آیه ۷۳» خداوند متعال غرض و علت عرضه این امانت را بیان می‌فرماید، یعنی این امانت را خداوند متعال عرضه نمود تا:

۱. نفاق منافقین.

۲. شرک مُشرکین.

۳. و ایمان مؤمنین ظاهر و آشکار شود و در نتیجه:

خداوند متعال مردان و زنان منافق و مردان و زنان مُشرک را به خاطر ضایع کردن این امانت عذاب کند، و مردان و زنان مؤمن را به خاطر حفظ این امانت بیامرزد و رحمت خویش را به آنها بفرستد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از اجسام «جسم انسان‌ها» خلق فرمود و ارواح حضرت محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام را عالی‌ترین و برترین و شریف‌ترین آن ارواح قرار داد، و آنگاه ارواح این ذوات مقدّسه «ارواح چهارده معصوم علیهم‌السلام» را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمود و نور آن ذوات مقدّسه همه جا را فرا گرفت، و سپس خداوند متعال به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرمود:

هُؤُلَاءِ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجِي عَلَى خَلْقِي وَ أَيْمَةٌ بَرِيَّتِي،

ما خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، وَ لِمَنْ تَوَلَّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتِي، وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ

خَلَقْتُ نَارِي،

فَمَنْ ادَّعَى مِنْزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظْمَتِي عَذَّبْتُهُ عَذَابًا لَا أَعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ وَ

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۱۸۹، ۱۹۷، ۱۹۸.

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۲۳۷ تا ۲۳۹.

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۷۹ تا ۴۸۱ - ۴۸۶.

جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِّنْ نَّارِي، وَ مَن أَقْرَبُ بِلَايَتِهِمْ وَ لَمْ يَدْعُ مَنزِلَتَهُمْ مِنِّي وَ مَكَانَهُمْ مِّنْ عَظَمَتِي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ فِي رَوْضَاتِ جَنَّاتِي وَ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاؤُنَ عِنْدِي، فَوَلَايَتُهُمْ أَمَانَةٌ عِنْدَ خَلْقِي فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَثْقَالِهَا وَ يُدْعِيهَا لِنَفْسِهِ، فَابْتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَشْفَقْنَ مِنْهَا مَنِ ادَّعَى مَنزِلَتَهَا وَ تَمَنَّى مَحَلَّهَا مِّنْ عَظَمَةِ رَبِّهِمْ، یعنی:

خداوند متعال به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها «یعنی به همه مخلوقات» فرمود:

این‌ها «وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» دوستان من، اولیاء من و حجت‌های من بر مخلوقاتم می‌باشند و امامان و پیشوایان مخلوقات من هستند. هیچ مخلوقی را نیافریده‌ام و خلق نکرده‌ام که بیشتر از این‌ها دوستش بدارم «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام محبوب‌ترین مخلوق الهی نزد خداوند متعال می‌باشند و خداوند متعال آن ذوات مقدّسه را از همه مخلوقاتش بیشتر دوست می‌دارد»،

بهشت را برای آن‌ها و محبّین آن‌ها خلق کرده‌ام،

و جهنّم را برای دشمنان آن‌ها و مخالفین آن‌ها خلق نموده‌ام.

هر کس مقام و منزلتی را که آن‌ها نزد من دارند به خود نسبت بدهد و مقام و منزلت آن‌ها را ادّعا کند او را آنچنان عذاب کنم که احدی را آنگونه عذاب نکرده باشم و او را همراه با مشرکین در پائین‌ترین و بدترین نقطه جهنّم قرار می‌دهم.

هر کس به ولایت و امامت این‌ها اقرار نماید و مقام و جایگاه رفیع این‌ها را به خود منسوب نسازد «مقام رفیع آن ذوات مقدّسه را ادّعا نکند» او را همراه آن بزرگواران در بهشت مأوا و منزل می‌بخشم و در آن‌جا هر چه که بخواهد برایش فراهم می‌سازم و در جوار خود جای می‌دهم.

ولایت و امامت این‌ها امانتی است که نزد مخلوقم می‌سپارم، پس:

کدام یک از شما «کدام یک از مخلوقات» می‌تواند بار این امانت را با سنگینی‌های آن به دوش بکشد و آن را برای خویش ادّعا کند.

همه آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها از اینکه آن امانت را حمل کنند و بر دوش بکشند ابا و امتناع نمودند، و روشن است که امتناع آن‌ها از حمل این امانت به جهت سرکشی و استکبار نبود، بلکه به جهت ترس توأم با تواضع و فروتنی از عظمت خداوند متعال بود که مبادا به ناحق ادّعای چنین منزلتی را بنمایند و در سر پیروانند و چنین جایگاه

رفیعی را برای خویش آرزو نمایند.

در ادامه فرمایشات امام صادق علیه السلام آمده است که:

وقتی خداوند متعال حضرت آدم و حوا را در بهشت ساکن نمود به آنها فرمود هر چه می خواهید از هر کجای بهشت بی هیچ زحمتی بخورید لیکن به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.

آدم و حوا جایگاه و مقام و منزلت حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان پس از آنها را دیدند و مشاهده کردند که جایگاه آن بزرگواران بهترین و عالی ترین جایگاه های بهشت می باشد، لذا از خداوند متعال سؤال کردند که این جایگاه رفیع از آن کیست.

خداوند متعال به آدم و حوا فرمود:

سرهای خودتان را بالا بگیرد و به ساق عرش من نگاه کنید.

آدم و حوا به ساق عرش نگریسته و اسامی مبارک محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سایر ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین را دیدند که با نوری از انوار خداوند جبار جل جلاله نوشته شده است، پس به خداوند متعال عرض کردند: پروردگارا، صاحبان این منزلت و جایگاه در درگاهت چه بسیار گرامی هستند و چه قدر نزد تو محبوب می باشند.

خداوند متعال به آدم و حوا فرمود:

لَوْلَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ (اگر آنها نبودند شما را خلق نمی کردم)،

هُؤُلَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي،

اینها گمانی که انتظار اینهم بعین الحسد و تمنیاً منزلتتھم عندی و محلّهم من کرامتی فتدخلا بذلک فی نهی و عصیانی فتکوننا من الظالمین، یعنی:

اینها خزانه داران علم من و امینان سر من هستند «مورد اعتماد من برای سپردن اسرارم به آنها»،

بر حذر باشید از اینکه با چشم حسادت به آنها نگاه کنید «مبادا با چشم حسد به آنها نگاه کنید»،

و مبادا مقام و منزلتی را که آنان نزد من دارند آرزو کنید که در این صورت از

ظالمین و ستمکاران خواهید بود.

در ادامه فرمایشات امام صادق علیه السلام آمده است که: شیطان، آدم و حوّا را فریب داد و در نتیجه آن دو نفر از درخت گندم خوردند و به مقام و منزلت چهارده معصوم علیهم السلام به چشم حسد نگاه کردند و در نتیجه از بهشت هبوط نمودند.

آدم و حوّا پس از هبوط از بهشت به خداوند متعال عرض کردند: خداوندا، از تو درخواست می کنیم به حقّ محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه علیهم السلام توبه ما را بپذیری و به ما رحم کنی، و بعد از این قضیه بود که خداوند متعال توبه آدم و حوّا را پذیرفت.

امام صادق علیه السلام در پایان فرمایش خویش فرمودند: پس از این قضیه پیامبران الهی همواره این امانت را نگهداری نمودند و اوصیاء و جانشینان خویش و افراد مخلص از امت های خویش را از این امانت آگاه ساختند و همواره ابا داشتند که امانت را به ناحق بردارند و به خود نسبت بدهند و همواره می ترسیدند از اینکه آن مقام را «مقام امامت و ولایت چهارده معصوم علیهم السلام» برای خویش ادعا نمایند، ولی آن شخص شناخته شده «یعنی فلانی» به ناحق آن را تصرف کرد و تا روز قیامت ریشه هر ظلم و ستم به او بازمی گردد و از او است، و این است معنی و تفسیر فرمایش خداوند متعال که می فرماید:

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» - آیه ۷۲ سوره احزاب».

این حدیث را مفصل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام فرمودند:

مقصود از امانت در این آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ

۱. معانی الاخبار صدوق، جلد اول، صفحه ۲۵۴، باب ۴۳، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۵۹ «حدیث ۹۰۸۶».

فَابَيِّنَ اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهٗ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا - آيه ۷۲ سوره احزاب» ولایت و امامت اميرالمؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام می باشد. این حدیث را اسحاق بن عمّار از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۳. ابوبصیر می گوید:

از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلٰی السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ وَالْجِبَالِ فَاَبَيَّنَّ اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهٗ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا - آیه ۷۲ سوره احزاب» سؤال کردم.

وجود مبارک امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

الْاَمَانَةُ الْوِلَايَةُ، وَ الْاِنْسَانُ هُوَ اَبُو الشَّرُّورِ الْمُنَافِقِ، یعنی:

امانت در این آیه شریفه همان ولایت است،

و منظور از انسان در این آیه شریفه که ظلوم و جهول توصیف شده کسی است که صاحب گناهان بسیار است و منافق می باشد «همان کسی که به ناحق خود را امام مسلمین دانست».^۲

۴. حسین بن خالد می گوید:

از وجود مقدّس امام رضا علیه السلام درباره این آیه شریفه «اِنَّا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ عَلٰی السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ وَالْجِبَالِ فَاَبَيَّنَّ اَنْ يَّحْمِلْنَهَا وَاَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْاِنْسَانُ اِنَّهٗ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا - آیه ۷۲ سوره احزاب» سؤال کردم.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۷۷، حدیث ۲ «حدیث ۱۰۸۱».

المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۲۴۶.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۰، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۵، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۸۱، حدیث ۲۶۱ «حدیث ۹۰۸۸».

۲. معانی الاخبار، جلد اول، صفحه ۲۶۰، باب ۴۳، حدیث ۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۸۱، حدیث ۲۶۰، «حدیث ۹۰۸۷».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۸۳.

وجود مبارک امام رضا علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

الْأَمَانَةُ الْوَلَايَةُ، مَنِ ادَّعَاهَا بَعِيرٌ حَقٌّ كَفَرَ، يَعْنِي:

امانت همان ولایت است،

و هر کس به ناحق آن را ادعا کند و به ناحق مدعی آن شود کافر است.

«هر کس به ناحق ادعای امامت مسلمین را بنماید کافر است»^۱.

۵. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

منظور از امانت در این آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ

فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» - آیه ۷۲ سوره

احزاب» ولایت است که آسمانها و زمین و کوهها از اینکه آن را حمل کنند و به

دوش بکشند امتناع نمودند ولی انسان آن را پذیرفت،

و منظور از انسان که آن امانت را حمل کرد و به دوش کشید ابو فلان است «یعنی

فلانی».

این حدیث را جابر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۶. یکی از زندیقان از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال کرد که در این

آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» - آیه ۷۲ سوره احزاب» منظور از امانت

چیست و منظور از انسان چه کسی می باشد.

۱. معانی الاخبار، جلد اول، صفحه ۲۶۱، باب ۴۳، حدیث ۳.

عیون اخبار الرضا علیه السلام، صفحه ۶۱۷، باب ۲۸، حدیث ۶۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۷۷، حدیث ۲۵۸ «حدیث ۹۰۸۵».

تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۴۸۳.

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۴، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۸۵، حدیث ۲۶۷، «حدیث ۹۰۹۴».

وجود مقدّس مولی‌الموحّدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السّلام در پاسخ به سؤال زندیق فرمود:

امانت در این آیه شریفه امری است که واجب است در انبیاء و اوصیاء آنها باشد، زیرا خداوند متعال فقط این گروه را «انبیاء الهی و اوصیاء آنها» رهبران مخلوق خویش قرار داده و اینها را حجّت‌های خویش در زمین قرار داده است.

چون حمل این امانت «پذیرفتن امامت و ولایت مردم» اختصاص به افرادی دارد که خداوند متعال آنها را از هر گونه رجس و پلیدی دور نموده و آنها را پاک و مطهّر نموده «اشاره به آیه ۳۳ سوره احزاب»، و افراد دیگر صلاحیت حمل این امانت را ندارند «صلاحیت پذیرش امامت بر مردم را ندارند»، لذا:

سامری متحمّل گناه بزرگی شد و تا روز قیامت هر کس این راه را بپیماید گناه آن بر دوش سامری خواهد بود، و این فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد که فرمود:

هر کس سنّت حق و درستی را پایه‌گذاری نماید اجر و پاداش آن سنّت حسنه برای او است و تا روز قیامت هر کس به آن سنّت حسنه عمل نماید ثواب و پاداش آن برای کسی است که آن سنّت حسنه را پایه‌گذاری نموده است «بدون اینکه از اجر و پاداش عمل‌کنندگان به آن سنّت حسنه ذره‌ای کاسته شود»،

و همچنین است که هر کس سنّت باطلی را پایه‌گذاری نماید بار گناه آن بر دوش کسی است که آن سنّت باطل را بنیان‌گذاری نموده است و تا روز قیامت هر کس به آن سنّت باطل عمل نماید گناه آن بر دوش بنیان‌گذار آن سنّت باطل است «بدون اینکه ذره‌ای از گناه عمل‌کنندگان به آن سنّت باطل کاسته شود».^۱

توضیح:

مقصود از سامری کسی است که وقتی حضرت موسی به کوه طور رفت تا با

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج حضرت امیر علیه‌السّلام بر زندیق، صفحه ۵۲۹ تا ۵۲۸ «صفحه ۵۴۱ و ۵۵۹»،

حدیث ۱۳۷.

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۱۸۳، حدیث ۲۶۴، «حدیث ۹۰۹۱».

خداوند متعال مناجات نموده و الواح تورات را بیاورد در غیاب حضرت موسی «مدّت چهل روزی که حضرت موسی در میقات بود» امت حضرت موسی را اغفال نمود و آن‌ها را گوساله پرست کرد، درحالی که حضرت موسی برادر خویش حضرت هارون را به عنوان جانشین خویش تعیین فرموده بود، همچنین:

مقصود از سامری اشاره به فردی است «یا افرادی» که بلافاصله پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امانت بزرگ الهی یعنی ولایت و امامت مسلمین را غصب کرده و به ناحق آن را به دوش کشیدند یعنی آن را تصاحب کردند زیرا ظلوم و جهول بودند.

قابل ذکر است که مقام و منصب امامت و ولایت ودیعه و امانت بزرگ الهی است و اختصاص به افرادی دارد که مقام عصمت داشته باشند و حجّت خداوند متعال بر مخلوقات الهی باشند و خداوند متعال آن‌ها را به عنوان امام مسلمین منصوب فرموده باشد، و این افراد فقط و فقط وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشند و لاغیر، و همانگونه که در احادیث نورانی ملاحظه فرمودید هر کس این امانت بزرگ الهی یعنی امامت مردم را به ناحق عهده‌دار شود درحالی که مقام عصمت ندارد و خداوند متعال او را به عنوان امام مردم منصوب نفرموده چنین شخصی کافر است، یعنی چنین شخصی حقیقتاً کافر است و روز قیامت با کفّار محشور می‌شود گرچه در دنیا ظاهراً مسلمان باشد و احکام اسلام بر او جاری باشد، زیرا اسلام با گفتن شهادتین محقّق می‌شود گرچه گوینده شهادتین قلباً به گفته خویش اعتقادی نداشته باشد. قمی در تفسیر خویش می‌گوید:

منظور از امانت در این آیه شریفه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ...» آیه ۷۲ سوره احزاب» موضوع امامت می‌باشد و دلیل این امر نیز آیه ۵۸ سوره نساء است که خداوند متعال به ائمه علیهم السّلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.^۱

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۶۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۱۵، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۱۸۵، حدیث ۲۶۷ «حدیث ۹۰۹۵».

ذیل آیه ۵۸ سوره نساء «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» توضیحات لازم به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده است.

شئون مختلف ولایت چهارده معصوم علیهم السّلام:

ولایت چهارده معصوم علیهم السّلام را خداوند متعال برای آن ذوات مقدّسه مقرر فرموده و این بزرگواران در کلیه موارد به همه مخلوقات ولایت دارند. ذیلاً به چند نمونه از حوزه‌های ولایی چهارده معصوم علیهم السّلام اشاره می‌شود.

۱. ولایت مودّت.

محبت داشتن و مودّت داشتن به این ذوات مقدّسه واجب است.

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، یعنی:

دوست داشتن شما و مودّت داشتن به شما را خداوند متعال واجب کرده است.

در آیه ۲۳ سوره شوری خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى، یعنی:

ای پیامبر به مردم بگو: من از شما برای رسالت و نبوتم اجر و پاداش نمی‌خواهم جز دوست داشتن و مودّت داشتن به اهل بیتم.

۲. ولایت مرجعیّت

خداوند متعال بر ما واجب نموده تا احکام دین اسلام را از آن ذوات مقدّسه دریافت نموده و دقیقاً طبق دستور آن بزرگواران تکالیف شرعی خودمان را انجام دهیم.

۳. ولایت زعامت

امامت و زعامت و رهبری آن ذوات مقدّسه را خداوند متعال مقرر فرموده و به همه مخلوقات واجب نموده تا در کلیه امور «اعم از امور دنیوی و اخروی» تحت امر و مطیع محض آن بزرگواران باشند و اوامر آن ذوات مقدّسه را بلافاصله و بی‌چون و چرا اجرا نمایند.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، یعنی:

خداوند متعال اطاعت از شما را قرین به اطاعت از خودش قرار داده «در ردیف اطاعت از خداوند متعال».

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس از شما اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت کرده است،

و هر کس از دستورات شما سرپیچی کند از دستورات خدا سرپیچی کرده است.

۴. ولایت واسطه فیض بودن

خداوند متعال هر لطف و عنایتی که در حق مخلوقات مبذول می فرماید به احترام این ذوات مقدّسه و به خاطر این بزرگواران می باشد.

اساساً خلقت همه هستی و همه مخلوقات به خاطر این ذوات مقدّسه می باشد و این بزرگواران علت غایی خلقت می باشند.

ذیل آیه ۳۵ سوره بقره در این خصوص توضیحات لازم ارائه شده است.

روایات و احادیث فراوانی هست که خداوند متعال فرموده اند:

اگر به خاطر شما نبود «یعنی چهارده معصوم علیهم السّلام» افلاک و زمین و آسمان و... خلق نمی کردم.

در روایات دیگری نیز آمده که اگر حجّت خداوند متعال «یکی از این چهارده وجود مقدّس و معصوم علیهم السّلام» در روی زمین نباشد زمین مخلوقات و موجودات روی خودش را می بلعد و به داخل خودش «درون زمین» می برد.

الآن نیز هر نعمتی که خداوند متعال به مخلوقات اعطا می فرماید به خاطر این ذوات مقدّسه و مخصوصاً به خاطر وجود مقدّس امام زمان حجّة بن الحسن العسکری سلام الله علیه می باشد.

در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ...»، یعنی:

خداوند متعال به خاطر شما باران را نازل می کند،

و به خاطر شما مانع می شود تا آسمان به زمین بیفتد، یعنی: خداوند متعال نظم کهکشان‌ها را به خاطر شما برقرار نموده و به خاطر شما مانع می شود که این نظم به هم بخورد. بدیهی است به هم خوردن نظم کهکشان‌ها یعنی زوال و نابودی همه آن‌ها.

۵. ولایت تکوینی.

خداوند متعال همه هستی و تمام مخلوقات اعم از جاندار و بی جان را مطیع و منقاد آن ذوات مقدسه قرار داده و کُلّ خلقت و همه ذرات این عالم تحت فرمان و تحت امر آن بزرگواران هستند، لذا به آسمان و زمین و ماه و سنگ و کلوخ و گیاهان و جانوران و همه اشیاء هر دستوری که بدهند بلافاصله به مرحله اجرا می رسد، و در یک کلام: به اذن خداوند متعال همه هستی و همه مخلوقات تحت امر و فرمان آن ذوات مقدسه هستند و مطیع محض آن بزرگواران می باشند و اوامر آن‌ها را بلافاصله اجرا می کنند.

تفاوت مودّت و محبّت:

مودّت، محبّتی است عمیق و تأثیرگذار، یعنی:

۱. مودّت محبّتی مسئولیت پذیر است، یعنی:

انسان اگر به کسی مودّت داشته باشد نسبت به او احساس مسئولیت نیز می نماید نه اینکه فقط قلباً او را دوست می دارد.

۲. مودّت محبّتی است صرفاً برای نفس محبوب، نه برای منافع که برای مُحب به همراه دارد.

۳. مودّت یعنی ابراز محبّت و نشان دادن محبّت نسبت به محبوب، یعنی:

بروز دادن قولی و فعلی محبّت،

به عبارت دیگر اگر انسان به شخصی مودّت دارد باید گفتارش و اعمالش نشان دهد که محبوبش را دوست می دارد،

لذا در قرآن کریم خداوند متعال امر فرموده نسبت به چهارده معصوم علیهم السّلام
مودّت داشته باشیم، یعنی:

گفتار و رفتارمان به نحوی باشد که نشان دهنده ارادت ما به آن ذوات مقدّسه
باشد.

به عبارت دیگر با قول و فعل خودمان از حریم ولایت اهل بیت عصمت و طهارت
علیهم السّلام دفاع نموده و در ترویج معارف آن بزرگواران بکوشیم و تلاش کنیم تا
مورد تأیید آن ذوات مقدّسه واقع شویم.

«سوره سبأ»

آیه ۴۶ سوره سبأ:

«قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى...».

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می دهد که:

ای پیامبر به مردم بگو، من شما را تنها به یک چیز سفارش می کنم «اندرز می دهم»، و آن سفارش این است که دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر «به تنهایی» برای خدا قیام کنید.^۱

شرح لغات و توضیحات:

أَعْظُمُ = شما را موعظه می کنم، شما را سفارش می کنم، شما را اندرز می دهم؛
وَاحِدَةٍ = تنها یک چیز، با اینکه کلمه وَاحِدَةٍ تنها یک چیز معنی می دهد نه بیشتر، اما آمدن کلمه إِنَّمَا بر سر این جمله تأکید بیشتر را می رساند، یعنی:
به درستی و به تحقیق فقط یک چیز را به شما سفارش می کنم.
تَقُومُوا = قیام کنید. قیام کردن در این جا به معنی ایستادن روی دو پا نیست بلکه آمادگی برای انجام کار را می رساند.^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۱۴۹.

۲. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۰.

خداوند متعال در این آیه شریفه و چهار آیه بعد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مخاطب قرار داده و به پیامبر اکرم می‌فرماید که مردم را به سوی حق دعوت نموده و از گمراهی نجات دهد.

خداوند متعال در این پنج آیه شریفه پنج بار پیامبر اکرم را مخاطب قرار داده و پنج بار کلمه قُلْ «به مردم بگو» را در ابتدای هر آیه آورده و سپس موضوع دعوت مردم به سوی حق را بیان فرموده است.

در اولین آیه از آیات پنجگانه که با کلمه قُلْ شروع شده خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌دهد که:

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ = ای پیامبر، به مردم بگو که من شما را فقط به یک چیز سفارش می‌کنم «فقط به یک چیز موعظه می‌کنم و اندرز می‌دهم».

اینکه این یک چیز چیست که خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می‌دهد تا مردم را به آن چیز سفارش نماید مفسرین عنوان فرموده‌اند که:

۱. این یک چیز و یک موضوع که خداوند متعال با آوردن کلمه إِنَّمَا آن را مورد تأکید قرار داده کلمه توحید است.

۲. مقصود از این یک چیز و یک کلمه طاعت و بندگی خداوند متعال می‌باشد.

توضیح:

دو موضوع فوق که هر دو نیز صحیح می‌باشند و مفسرین آن را بیان کرده‌اند ناظر به معنی ظاهری آیه شریفه می‌باشد،

أَمَّا آيَةُ شَرِيفَةٍ تَأْوِيلِي نيز دارد که از لسان مبارک ائمه معصومین علیهم السلام صادر شده و ناظر به معنی باطنی آیه شریفه است که انشاءالله تعالی در بخش حدیث عرض خواهد شد.

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادِي = قیام کنید برای خدا، دو نفر دو نفر و یا به تنهایی «یک نفر یک نفر».

معنی این قسمت از آیه شریفه این است که:

ای مردم، به دور از هر گونه غوغا و جنجال تفکر و اندیشه کنید و دو نفر دو

نفر و یا به تنهایی «یک نفر یک نفر» برای خدا و به خاطر خداوند متعال قیام کنید و به پا خیزید.

بنابراین، معنی آیه شریفه «همه آیه شریفه» این می شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم دستور می دهد که ای پیامبر:

به مردم بگو که من شما مردم را فقط به یک چیز سفارش می کنم «به یک چیز موعظه می کنم و اندرز می دهم» و آن چیز این است که دور از هر گونه غوغا و جنجال و سر و صدا فقط برای خدا و به خاطر خدا دو نفر دو نفر یا به تنهایی قیام کنید و به پا خیزید «آماده انجام کار باشید» و در گوشه ای به فکر فرو بروید و تفکر کنید و نیک بیندیشید که دعوت من «پیامبر» جز بیم رسانی و هشدار دادن از عذاب الهی چیز دیگری نیست و غرض دیگری ندارم، و اگر نیک بیندیشید متوجه خواهید شد که من «پیامبر اکرم» خیرخواه شما هستم و سعادت شما را می خواهم.^۱

حدیث:

۱. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ...» آیه ۴۶ سوره سبأ» فرمودند:

منظور از این آیه شریفه این است که خداوند متعال می فرماید ای پیامبر به مردم بگو: من شما را فقط به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سفارش می کنم و اندرز می دهم.

امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام همان یک توصیه و سفارش خداوند متعال در این آیه شریفه است که می فرماید: **إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ.**

۱. المیزان، جلد سی و دوم، صفحه ۳۰۱.

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۱۵۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۹۵.

مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۲۸۹.

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال اصول و فرائض و واجبات دین اسلام را در اوقات و زمان‌های مختلف به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرمود.

اولین چیزی که خداوند متعال اقرار و شهادت به آن را واجب فرمود اقرار به شهادت به یگانگی خداوند متعال بود و اقرار به اینکه:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «یعنی اقرار و شهادت به اینکه خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد».

پس از اقرار به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال، خداوند سبحان اقرار و شهادت به رسالت و نبوت پیامبر اکرم را به همه مردم واجب فرمود.

پس از موضوع اقرار به یگانگی و وحدانیت خداوند متعال و رسالت و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم،

خداوند متعال نماز و روزه و حج و جهاد و زکات و صدقات و .. واجب فرمود، و پس از این قضایا بود که منافقین امت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند:

یا رسول الله:

آیا بعد از این واجبات فریضه و واجب دیگری مانده است تا آن را متذکر شوید و عنوان فرمائید تا اطمینان کنیم که همه فرائض و واجبات دین بیان شده و دیگر چیزی باقی نمانده است.

پس از این پرسش و سؤال منافقین امت بود که خداوند متعال آیه شریفه قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ رَا نازل فرموده و فقط به یک امر سفارش فرمودند و آن سفارش و

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۸ - ۲۸۹، حدیث ۴۱ «حدیث ۱۱۲۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۹۵.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۵۸، حدیث ۱.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۵۸، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۴۱، حدیث ۸۷ «حدیث ۹۱۸۳».

توصیه نیز موضوع ولایت و امامت بود.^۱

توضیح:

الف) در حدیثی که از امام باقر علیه السلام نقل شد آمده است که تنها توصیه و سفارش خداوند متعال درباره ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد. دلیل این موضوع کاملاً روشن است زیرا کسانی که به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام تا وجود مقدس امام زمان علیه السلام اعتقاد داشته باشند قطعاً این افراد به وحدانیت خداوند متعال و رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر واجبات دین نیز اعتقاد دارند، پس:

اعتقاد و اقرار به ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام تا امام زمان سلام الله علیه یعنی اعتقاد به همه فرائض و واجبات و اعتقاد و اقرار به همه دین و همه احکام آن.

ب) منافقین امت «یعنی همان کسانی که بلافاصله بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خلافت را غصب کرده و صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را به شهادت رساندند» با اینکه بارها و بارها و در مواقع مختلف از امامت علی علیه السلام و جانشینی آن حضرت مطالبی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بودند از پیامبر اکرم سؤال نمودند که آیا بعد از این فرائض و واجبات «نماز، روزه، خمس و سایر احکام دین» آیا فریضه دیگری باقی مانده است یا نه.

هدف منافقین امت این بود که اگر پیامبر اکرم فرمودند همه فرائض و واجبات اعلام شده و دیگر فریضه‌ای باقی نمانده است در آن صورت این ملحدین ظاهراً مسلمان اسلام بدون ولایت را اسلام کامل و جامع معرفی کرده و به اهداف شوم خود نائل شوند، لیکن برخلاف تصور آن‌ها خداوند متعال با نازل کردن آیه شریفه

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، صفحه ۵۴۴-۵۶۸، حدیث ۱۳۷ «احتجاج حضرت امیر علیه السلام بر زندق».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۳۹۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۴۱، حدیث ۸۸ «حدیث ۹۱۸۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۵۹، حدیث ۴.

إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ، موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را به عنوان تنها سفارش و توصیه خویش به مردم و مسلمین اعلام فرمودند.

همانطور که عرض شد پیامبر اکرم طیّ ۲۳ سال رسالت خویش بارها و بارها ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به مردم اعلام فرموده بود و این اعلام نیز یکی از این موارد بوده است.

«سوره فاطر»

آیه ۱۰ سوره فاطر:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...»

ترجمه:

کسی که خواهان عزت است باید آن را از خدا بخواهد، چون تمام عزت از آن خداوند است. سخنان طیب و پاکیزه به سوی خداوند متعال صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد.^۱

شرح لغات و توضیحات:

عِزَّتٌ = شکست‌ناپذیری، نقطه مقابل عزت، ذلت است؛
عَزِيزٌ = شکست‌ناپذیر، قاهر «ضدّ مقهور»، غالب «ضدّ مغلوب» نقطه مقابل عزیز،

ذلیل است؛

يَصْعَدُ = صعود می‌کند، بالا می‌رود؛

كَلِمٌ = جمع کلمه یعنی سخنان؛

طَيِّبٌ = پاکیزه، تمیز؛

كَلِمُ الطَّيِّبِ = سخنان پاکیزه، سخنان تمیز؛

پاکیزگی سخن به پاکیزگی محتوای آن می‌باشد، لذا:

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۲۰۵.

كَلِمُ الطَّيِّبُ «کلمه طیبه، سخنان پاکیزه» یعنی اعتقادات صحیح و عقاید حقّه، و اعتقادات صحیح و عقاید حقّه یعنی توحید که سایر عقاید حقّه نظیر نبوت و امامت و معاد از آن ناشی می‌شوند، پس:

كَلِمُ الطَّيِّبُ یعنی عقاید حقّه و اعتقادات صحیح و درست که همان اصول دین می‌باشند.

عمل صالح = عمل نیکو و شایسته - هر عملی که بر طبق عقاید حقّه از انسان صادر می‌شود - هر عملی که طبق دستور خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام انجام شود، چه در حوزه واجبات و چه در حوزه مستحبات^۱.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً = هر کس که خواهان عزّت است و طالب عزّت می‌باشد باید آن را از خداوند متعال بخواهد چرا که تمام عزّت از آن خداوند متعال است.

همانطور که قبلاً عرض شد عزّت یعنی شکست‌ناپذیری و عزیز یعنی شکست‌ناپذیر و قاهر و غالب.

چون فقط و فقط ذات پاک خداوند «ذات = وجود» شکست‌ناپذیر است و همیشه قاهر و غالب می‌باشد لذا عزّت مختصّ به خداوند متعال است و بس، و غیر از خداوند متعال همه موجودات بالذات فقیر و ذلیل می‌باشند مگر اینکه خداوند متعال اراده فرموده و به آن موجودات به هر مقدار که بخواهد عزّت اعطا بفرماید.

البته همه صفات خداوند متعال اینگونه است یعنی خداوند حکیم مطلق است، عزیز مطلق است، قادر مطلق است و... پس:

تمام عزّت از آن خداوند متعال است و خداوند متعال عزیز مطلق می‌باشد و هر کس هم که عزّتی دارد از دریای بیکران عزّت خداوند متعال دریافت نموده است.

بنابراین آیه شریفه می‌فرماید که:

هر کس عزّت می‌خواهد باید آن را از خداوند متعال درخواست کند زیرا عزّت

۱. المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۳۵ تا ۳۸.

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۲۱۲ - ۲۱۳.

تماماً نزد خداوند متعال است و هیچ موجودی نیست که بالذات عزّت داشته باشد.

خداوند متعال در آیه هشتم سوره منافقون می فرماید:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ، یعنی:

عزّت خاصّ خداوند متعال و پیامبر اکرم و مؤمنین می باشد.

معنی آیه ۱۰ سوره فاطر و آیه ۸ سوره منافقون این است که:

عزّت مختصّ خداوند متعال است و همه عزّت از آن خدا است و خداوند متعال عزیز مطلق است و به هر کس به هر اندازه که بخواهد عزّت اعطا می فرماید.

در صدر همه موجودات و مخلوقات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت آن حضرت «یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام» هستند که خداوند متعال در عالی ترین درجه به آنها عزّت اعطا فرموده است و بعد از آن ذوات مقدّسه، مؤمنین یعنی شیعیان آن بزرگواران مورد لطف خداوند متعال واقع شده و به آنها نیز عزّت اعطا شده است.

پس، عزّت بالذات متعلّق به خداوند متعال است و تمام عزّت از آن خداوند سبحان می باشد و به هر کس به هر اندازه که بخواهد اعطا می فرماید که در رأس همه انبیاء و اولیاء، چهارده معصوم علیهم السّلام هستند که خداوند متعال بیشترین عزّت را به آنها اعطا فرموده است.

ذیلاً به دو حدیث در خصوص عزّت اشاره می شود.

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ:

أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزًّا الدَّارَيْنِ فَلْيُطِيعِ الْعَزِيزَ، یعنی:

پروردگار شما همه روزه می فرماید:

منم عزیز، پس هر کس عزّت دو جهان را می خواهد «دنیا و آخرت» باید از آن

عزیز اطاعت کند،

یعنی خداوند متعال عزیز مطلق است و هر کس عزّت دنیا و آخرت را می خواهد

باید خداوند متعال را اطاعت کند.

۲. امام مجتبی سلام الله علیه فرمودند:

إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلاَ عَشِيرَةٍ وَهَيْبَةً بِلاَ سُلْطَانٍ فَأَخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ، یعنی: هر گاه خواستی بدون داشتن قوم و قبیله عزیز باشی و بدون قدرت حکومت هیبت داشته باشی از سایه ذلت معصیت خداوند متعال «نافرمانی خداوند» خارج شو و در پناه عزت اطاعت او قرار بگیر «از ذلت نافرمانی خدا خارج شو و در پناه عزت طاعت او قرار بگیر، یعنی خداوند متعال را اطاعت نما و از اوامر خدا سرپیچی نکن و مرتکب گناه نشو».^۱

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه راه وصول و رسیدن به عزت را بیان می فرماید که ملاحظه می کنید.

إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ، یعنی:

سخنان پاکیزه «اعتقادات صحیح و عقاید حقه» به سوی خدا صعود می کند.

وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ:

۱. یعنی سخنان پاکیزه و طیب «اعتقادات صحیح و عقاید حقه» عمل صالح را بالا می برد و باعث قبولی اعمال می شود؛

۲. عمل صالح را خداوند متعال بالا می برد و قبول می کند «چون صاحب عمل صالح اعتقادات صحیحی داشته خداوند آن ها را قبول می کند» پس، راه رسیدن به عزت:

۱. الْكَلِمُ الطَّيِّبُ می باشد، یعنی داشتن اعتقادات صحیح و درست یعنی ایمان به خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السّلام و ایمان به معاد.

۲. وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ یعنی اعمال صالح و شایسته انجام دادن، یعنی عمل به تکالیف شرعی که شامل انجام دادن واجبات و ترک محرمات می باشد.

به عبارت دیگر راه رسیدن به عزت:

۱. پذیرفتن اصول دین «الْكَلِمُ الطَّيِّبُ».

۲. به جای آوردن فروع دین یعنی انجام واجبات و ترک محرمات «وَالْعَمَلُ

۱. المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۳۵ - ۳۶.

مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۱۰.

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۲۱۲.

الصَّالِحُ»، پس:

عزیز واقعی کسی است که به توحید و نبوت و امامت اعتقاد داشته باشد و عمل صالح به جای بیاورد.

توضیحات بیشتر راجع به این دو قسمت از آیه شریفه را ذیلاً ملاحظه می کنید. اَلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ = سخنان پاکیزه و تمیز «کلام طیب، کلمه طیبه»، یعنی اعتقادات صحیح و عقائد حقّه خودش به سوی پروردگار اوج می گیرد و بالا می رود چرا که کَلِمُ الطَّيِّبُ ایمان و اعتقاد به یگانگی خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السّلام و معاد و سایر مبانی اعتقادی دین اسلام می باشد و آن عین اوج گرفتن به سوی خداوند متعال است و حقیقت ایمان نیز چیزی جز این نیست.

اما اینکه عمل صالح چگونه بالا می رود و اوج می گیرد «پذیرفته می شود» در ادامه آیه شریفه خواهد آمد.

وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ = و عمل صالح را خداوند متعال بالا می برد و قبول می کند. عرض شد که کَلِمُ الطَّيِّبُ «کلام و سخن طیب و پاکیزه» که همان عقاید حقّه می باشد خودش به سوی پروردگار اوج می گیرد،

لیکن عمل صالح را کلام و سخن طیب و پاکیزه بالا می برد و باعث می شود تا خداوند متعال آن را بپذیرد. بالا رفتن عمل صالح کنایه از قبول شدن اعمال و پذیرفته شدن آن توسط خداوند متعال می باشد.

اینکه عمل صالح را کَلِمُ الطَّيِّبُ بالا می برد و باعث پذیرفته شدن آن در پیشگاه خداوند متعال می شود به این علت است که تا زمانی که صاحب عمل، اعتقادات صحیح و درست نداشته باشد هیچکدام از اعمال او پذیرفته نمی شود،

بنابراین کَلِمُ الطَّيِّبُ که همان توحید و نبوت و امامت و دیگر مبانی اعتقادی دین «اصول دین» می باشد باعث بالا رفتن عمل صالح یعنی پذیرفته شدن آن می شود، لذا:

اگر کسی خداوند متعال را به یگانگی قبول داشته باشد و نبوت و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم تا وجود مقدّس امام زمان سلام الله علیه را پذیرفته باشد خداوند متعال عمل صالح چنین کسی را بالا می برد

یعنی آن را می‌پذیرد و قبول می‌کند، لیکن اگر کسی منکر یکی از این موارد سه‌گانه باشد «توحید - نبوت - امامت» هیچکدام از اعمال وی پذیرفته نمی‌شود. اگر به سایر مبانی اعتقادی نظیر معاد اشاره نشد به این علت است که نوعاً افرادی که توحید و نبوت و امامت را پذیرفته باشند به سایر مبانی اعتقادی نیز ایمان دارند. پس اگر گفته شود که عمل صالح را خداوند متعال بالا می‌برد (می‌پذیرد و قبول می‌کند) و یا اینکه گفته شود که عمل صالح را کلام طیب بالا می‌برد اشکالی ندارد چرا که در نهایت این خداوند متعال است که اعمال صالح انسان‌های با عقیده صحیح را می‌پذیرد.

عرض شد که کلام طیب باعث پذیرفته شدن عمل صالح و بالا رفتن آن می‌باشد زیرا فقط عمل صالح افرادی پذیرفته می‌شود که اعتقادات صحیح و درستی داشته باشند، و به همین دلیل است که در روایات فراوانی که از ناحیه ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده آمده است که اگر فردی تمام عمر خویش را مشغول عبادت خداوند متعال باشد «آن هم در بیت‌الله‌الحرام و خانه خدا»، و یا اگر کسی در نامه عملش عمل هفتاد پیامبر ثبت شده باشد لیکن این شخص ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام تا وجود مقدس امام زمان سلام‌الله علیه را نپذیرفته باشد هیچکدام از اعمال او پذیرفته نمی‌شود و جایگاه چنین شخصی در آتش جهنم می‌باشد. ذیل آیه ۵ سوره مائده، آیه ۸۲ سوره طه و آیه ۲۳ سوره فرقان احادیث و روایاتی در این خصوص نقل شده است.^۱

حدیث:

۱. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:
مقصود از این آیه شریفه «آیه ۱۰ سوره فاطر» ولایت ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی

۱. مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۱۱ - ۳۱۲.

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۳۷ - ۳۸.

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۲۱۳ - ۲۱۷.

الله علیه و آله و سلم می باشد.

امام صادق علیه السلام سپس با دستشان به سینه مبارکشان اشاره نموده و فرمودند:
 فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا، یعنی:
 کسی که ولایت ما را نداشته باشد و امامت ما را نپذیرفته باشد خداوند متعال هیچ
 عمل او را بالا نمی برد «هیچکدام از اعمال او را قبول نمی کند».
 این حدیث را عمّار اسدی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از کَلِمَةُ الطَّيِّبَةِ عقیده مؤمن است بر اینکه:

(الف) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، یعنی خدایی نیست جز خدای یگانه.

(ب) مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداوند
 است.

(ج) عَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ، یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام ولی خدا و
 حجت خداوند متعال است و خلیفه و جانشین رسول الله می باشد.^۲

۳. امام رضا علیه السلام از اجداد گرانقدر خویش روایت فرموده که:

خداوند متعال فرمودند:

هر کس مرا ملاقات کند درحالی که با اخلاص به یگانگی من شهادت داده باشد
 من او را وارد بهشت می کنم و او از عذاب من در امان است.

از امام رضا سلام الله علیه سؤال شد:

یابن رسول الله:

اخلاص در لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «شهادت به یگانگی خداوند متعال دادن» یعنی چه.

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۶، حدیث ۸۵ «حدیث ۱۱۶۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۷۸، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۶۹، حدیث ۴۰ «حدیث ۹۲۳۵».

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۰۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۸۱، حدیث ۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۶۷، حدیث ۳۷ «حدیث ۹۲۳۲».

امام رضا سلام الله عليه فرمودند.

اخلاص در شهادت دادن به یگانگی خداوند متعال و اخلاص در لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، یعنی: طَاعَةُ اللَّهِ، وَ طَاعَةَ رَسُولِهِ، وَ وِلَايَةَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، یعنی: اخلاص در توحید عبارت است از:
الف) اطاعت از خداوند متعال.

ب) اطاعت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

ج) پذیرفتن ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السَّلَام. این حدیث شریف قدسی را ابوصلت عبدالسَّلَام بن صالح هروی از وجود مقدس امام رضا علیه السَّلَام و آن حضرت نیز از امام کاظم علیه السَّلَام و آن حضرت نیز از پدر بزرگوارشان و به همین ترتیب از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام و آن حضرت نیز از وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ نقل نموده که خداوند تبارک و تعالی چنین فرموده اند.^۱

مقصود از ملاقات با خداوند متعال محسوس شدن در روز قیامت می باشد که مؤمنین وعده های خداوند متعال را از نزدیک می بینند.

آخرین آیه سوره کهف نیز در رابطه با لقاء خداوند متعال است و ذیل آن آیه شریفه در رابطه با لقاء خداوند متعال توضیحاتی ارائه شده است.

۴. وجود مقدس امام رضا علیه السَّلَام درباره این آیه شریفه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» - آیه ۱۰ سوره فاطر» فرمودند:

منظور از الْكَلِمُ الطَّيِّبُ در این آیه شریفه این است که مؤمن بگوید:

لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «نیست خدایی جز خدای یکتا»،

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ «حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ رسول خدا است»،

عَلَيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ حَقًّا «امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السَّلَام ولی خداوند متعال و حجت خداوند متعال بر مخلوقات الهی است و خلیفه و جانشین خدا و رسول خدا است»،

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۸۰، حدیث ۴.

وَ خُلَفَائِهِ خُلَفَاءُ اللَّهِ «اوصیاء و جانشینان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
 خلفاء الله هستند یعنی جانشینان خداوند متعال می باشند».
 وجود مقدس امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
 الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ «توحید، نبوت، امامت» عمل صالح انسان را بالا می برد و راهنمای او
 است.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۵۷۹، حدیث ۲.

آیه ۳۴ سوره فاطر:

«وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ»

ترجمه:

افراد صالح که وارد بهشت می شوند می گویند:
حمد و سپاس برای خداوندی است که حزن و اندوه را از ما برداشت، به درستی
که خداوند متعال آمرزنده و سپاسگزار است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

حَزْنٌ = غم و اندوه.

«حُزْنٌ» و «حَزْنٌ» هر دو یک معنی می دهند، یعنی غم و اندوه.^۲

در آیه قبل «آیه ۳۳» به قسمتی از نعمات بهشتی که خداوند متعال به اهل بهشت
اعطا می فرماید اشاره شده است.

در این آیه شریفه «آیه ۳۳» آمده که:

پاداش بهشتیان جَنَّاتٍ عَدْنُ «باغهای بهشتی جاویدان» می باشد که به آنها اعطا
می شود و افراد صالح و خوش عمل وارد آن می شوند.

مومنینی که وارد بهشت می شوند به دستبندهایی از طلا و مروارید «لؤلؤ» آراسته
شده و زینت داده شده اند و لباس هایی از جنس حریر «ابریشم» بر تن دارند.

قابل ذکر است که نعمات بهشتی فراوان هستند و اساساً هر چه که اهل بهشت آرزو
کنند و دلشان بخواهد به آنها اعطا می شود «آیه ۷۱ سوره زخرف»، لذا نمونه هایی از
نعمت های بهشتی که در آیه ۳۳ عنوان شده فقط اشاره کلی و گذرا به نعمات بهشتی
می باشد و گرنه نعمات بهشتی قابل احصاء و شمارش نیستند.

مؤمنینی که وارد بهشت می شوند و آن همه نعمت را که خداوند متعال برای آنها
قرار داده مشاهده می کنند می گویند.

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۲۸۶.

۲. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۲۸۸.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ = حمد و سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که غم و اندوه را از ما برطرف کرد و دور ساخت.

غم و غصه‌ای که اهل بهشت از آن صحبت می‌کنند و حمد سپاس خدا را به جای می‌آورند که این غم و غصه و اندوه را از آن‌ها برطرف کرده و دور ساخته می‌تواند یکی از موارد ذیل یا همه آن‌ها باشد چرا که منافاتی با یکدیگر ندارند.

۱. این غم و اندوه غم و اندوهی است که اهل بهشت در دنیا با آن مواجه بوده‌اند.

۲. این غم و اندوه غم و اندوهی بوده که اهل بهشت در عالم برزخ با آن مواجه بودند.

۳. این غم و اندوه مربوط به روز قیامت و ترس از رسیدگی به اعمال بوده و می‌ترسیدند از اینکه مبادا مستوجب آتش جهنم شوند،

اما وقتی که به حساب مردم در روز قیامت رسیدگی شد و مؤمنین با فضل و لطف خداوند متعال وارد بهشت شدند با مشاهده نعمت‌های فراوان بهشتی حمد و سپاس و ستایش خداوند متعال را به جا می‌آورند که تمام حزن و اندوه و غم و غصه آن‌ها را برطرف کرد و به جنات عدن و باغ‌های بهشتی جاویدان واردشان نمود.

مؤمنینی که وارد بهشت شده‌اند در ادامه شکرگزاری و سپاسگزاری خویش می‌گویند:

إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ = به درستی که پروردگار ما آمرزنده و شکور «سپاسگزار» است.

خداوند متعال را بهشتیان با صفت غفور توصیف نموده‌اند چرا که گناهان آن‌ها را آمرزیده است و با صفت شکور از خداوند متعال یاد کرده‌اند زیرا خداوند متعال سپاسگزار است و اعمال اندک آن‌ها را پذیرفته و با شکوریت خویش به اعمال اندک آن‌ها مزد و پاداش فراوان داده است.

قابل ذکر است که شکور بودن خداوند متعال «شکرگزار بودن - سپاسگزار بودن» به تلافی شکور بودن اهل بهشت در دنیا می‌باشد و خداوند متعال بدین وسیله شکور بودن آن‌ها را پاسخ می‌دهد و تلافی می‌کند، وگرنه حقیقت شکرگزاری «شکور بودن»

برای خداوند متعال جایز نیست زیرا شکرگزاری را کسی انجام می دهد که نعمتی به او رسیده باشد، و در واقع شکرگزاری اعتراف به دریافت نعمت است و این موضوع برای خداوند متعال صدق نمی کند چرا که خداوند متعال خالق همه مخلوقات است و قادر مطلق، و این خداوند متعال است که نعمات فراوان خویش را به انسانها اعطا می فرماید، بنابراین خداوند متعال است که در دنیا به مخلوقات انواع نعمات را اعطا فرموده و در آخرت نیز به مؤمنین انواع نعمات را اعطا می فرماید.

این اعطاءِ نعمات به مؤمنین در بهشت مربوط به فضل خداوند متعال است نه بر اساس عدل، زیرا فضل خداوند متعال باعث می شود تا اعمال اندک و ناچیز مؤمنین پذیرفته شود و آنها وارد بهشت شوند.^۱

حدیث:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

وقتی قیامت به پا می شود دخترم فاطمه «سلام الله علیها» به صحرای محشر وارد می شود و در همین حال از جانب خداوند متعال به همه اهل محشر خطاب می شود: ای مردم، چشمان خودتان را ببندید و سرهای خودتان را پائین بیاورید که این فاطمه دختر پیامبرتان حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» و همسر امام شما علی بن ابیطالب «علیه السلام» و مادر حسن و حسین «علیهما السلام» است که وارد صحرای محشر شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

وقتی دخترم فاطمه وارد بهشت می شود و به نعمات فراوانی که به امر خداوند متعال برای او مهیا و آماده شده نگاه می کند این آیه شریفه را تلاوت می کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ - الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ، یعنی:

حمد و سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که حزن و اندوه و غم و غصه

۱. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۴۲ - ۳۴۳.

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۲۸۸ - ۲۸۹.

را از ما برطرف نمود و از ما دور ساخت، همان خداوندی که با فضل خویش ما را در این خانه اقامت جای داد «یعنی در بهشت عدن و بهشت جاویدان» که در این جا نه رنج و تعب و سختی به ما می‌رسد و نه سُستی و خستگی «نه عوامل مشقت بار جسمی در این جا وجود دارد و نه عوامل رنج روحی».

پس از اینکه فاطمه زهرا سلام‌الله علیها آیات ۳۴ و ۳۵ سوره فاطر را تلاوت فرمودند از طرف خداوند متعال به آن حضرت خطاب می‌شود:

یا فاطمه:

از ما سؤال کن و درخواست نما تا به تو عطا کنیم.

فاطمه زهرا سلام‌الله علیها به محضر خداوند متعال عرضه می‌دارد:

خداوندا:

محبین و دوستداران من و محبین و دوستداران عترت و اهل بیت مرا عذاب نکن.

خداوند متعال به فاطمه زهرا سلام‌الله علیها می‌فرماید:

یا فاطمه:

به عزت و جلالم سوگند که من دو هزار سال قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین عهد کردم که محبین و دوستداران تو و محبین و دوستداران عترت و اهل بیت تو را عذاب نکنم.

این حدیث شریف را ابوذر از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۱

۲. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

محبین و دوستداران امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام وقتی وارد منازل و جایگاه‌های خویش در بهشت می‌شوند با ملائکه و فرشتگان مواجه می‌شوند که به امر خداوند متعال به آن‌ها خوشامد می‌گویند.

وقتی محبین و دوستداران امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در منازل و جایگاه‌های خویش استقرار یافتند ملائکه و فرشتگان الهی به آن‌ها می‌گویند:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۰۲، حدیث ۲۱.

آیا وعده‌هایی که به شما داده شده بود دیدید و به آن‌ها رسیدید «آیا وعده‌هایی که به شما داده شده بود محقق شد».

محبین و دوستان علی علیه‌السلام در حالی که در منازل بهشتی خویش آرمیده‌اند به ملائکه می‌گویند:

بله، همه وعده‌ها محقق شد «به آنچه که به ما وعده داده شده بود رسیدیم» و ما از خداوند متعال راضی هستیم، و سپس از پیشگاه خداوند متعال درخواست می‌کنند که خداوندا تو نیز از ما راضی باش.

خداوند متعال به آن‌ها می‌فرماید:

به خاطر رضایتی که از شما دارم و به خاطر محبت شما به اهل بیت پیامبرم این منازل و جایگاه‌های بهشتی را برای شما مقرر فرمودم،

این نعمات فراوان بهشت گوارای شما باد،

این نعمات همیشگی و جاوید است و هیچ‌گاه نقصان نمی‌پذیرد.

پس از این قضایا است که محبین و دوستان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

علیه‌السلام می‌گویند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ^۱

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۱۹ - ۴۲۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۹۹، حدیث ۱۰۴ «حدیث ۹۲۹۹».

آیه ۴۱ سوره فاطر:

«إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»

ترجمه:

به درستی که «محققاً» خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند «خداوند متعال مانع می‌شود تا آسمان‌ها و زمین نابود شوند»، و چنانچه آسمان‌ها و زمین از نظام خود منحرف شوند و رو به زوال و نابودی بگذارند چه کسی جز خداوند متعال می‌تواند آن‌ها را نگه دارد و مانع نابودی آن‌ها شود. به درستی که خداوند متعال بردبار و آمرزنده است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

امساک = جلوگیری کردن، حفظ کردن،

در این آیه شریفه امساک کنایه از باقی داشتن نگه داشتن است «نگهداری کردن»؛

زوال = نابود شدن، نابودی، از بین رفتن؛

حلیم = بردبار؛

غفور = آمرزنده.^۲

خداوند متعال در دو آیه قبل راجع به اینکه خلقت موجودات مختصّ خداوند متعال می‌باشد مطالبی بیان فرموده و در واقع موضوع توحید خالقیت و ربوبیت را بیان نموده است، یعنی اینکه خلقت همه مخلوقات و موجودات مختصّ خداوند متعال است و جز خداوند متعال هیچ کس قادر به چنین کاری نیست و هیچ کس نمی‌تواند خلقت مخلوقات را به غیر خدا نسبت دهد.

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۰۰.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۲۲.

۲. المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۸۹.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۲۲.

این دو آیه شریفه پاسخی است به مشرکین و بت پرستان «که به خدایانی غیر از خداوند متعال معتقد بودند» و بدین وسیله شرک و بت پرستی را نفی نموده و همگان را به توحید و پرستش خدای یگانه دعوت می کند.

در آیه ۴۰ سوره فاطر خداوند متعال به پیامبر اکرم می فرماید که ای پیامبر: به مشرکین بگو که این خدایانی را که شما می پرستید و معبود خودتان قرار داده اید چه چیزی از زمین را خلق کرده اند، و آیا این خدایان شما «یعنی بُت ها» در خلقت آسمان ها با خداوند متعال شریک هستند.

بنابراین، آیه ۳۹ و ۴۰ سوره فاطر مبین این مطلب است که ربّ و آفریدگار و خالق انسان ها و آسمان ها و زمین «یعنی همه مخلوقات» خداوند متعال و معبود یگانه است، یعنی الله.

خداوند متعال پس از نفی دخالت معبودهای ساختگی «بُت ها» در جهان هستی و جهان آفرینش در این آیه شریفه «آیه ۴۱» از بزرگی و عظمت قدرت خویش و وسعت ملکش سخن گفته و حاکمیت خویش بر آسمان ها و زمین را بیان نموده و فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا = به درستی که خداوند متعال آسمان ها و زمین را نگه می دارد و حفظ می کند تا از مسیر خویش منحرف نشوند و زائل نگردند. به عبارت دیگر، خداوند متعال آسمان ها و زمین را نگه می دارد و آن ها را حفظ می کند و مانع می شود که نظام آن ها به هم برخورد و مانع می شود که آن ها از مسیر خودشان خارج شده و نابود شوند.

در واقع آیه شریفه می فرماید که:

نه تنها آفرینش و خلقت آسمان ها و زمین «همه مخلوقات» فقط و فقط به دست خداوند متعال است بلکه بقاء آن ها نیز فقط و فقط در دست خداوند متعال می باشد.

بنابراین، همه مخلوقات هم در پدید آمدن محتاج خالق و پدید آورنده هستند و هم در بقاء خویش، لذا:

فقط و فقط خداوند متعال است که همه مخلوقات را خلق فرموده و فقط و فقط

خداوند متعال است که آن‌ها را حفظ و نگهداری می‌کند و مانع زوال و نابودی آن‌ها می‌شود.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكْتَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ = اگر آسمان‌ها و زمین از محل و مسیر حرکت خویش خارج شوند و از نظام خودشان منحرف گردند «نظامی که طبق آن به طور منظم حرکت می‌کنند» هیچ کس غیر از خداوند متعال نمی‌تواند آن‌ها را نگهداری کند و هیچ کس جز خدا نمی‌تواند مانع نابودی آن‌ها شود.

منظور از لَئِنْ زَالَتَا این است که اگر آسمان‌ها و زمین در معرض سقوط و نابودی قرار بگیرند و در آستانه زوال و نابودی باشند خدایان مشرکین «یعنی بُت‌ها» و سایر موجودات قادر به نگهداری آسمان‌ها و زمین نخواهند بود و نمی‌توانند مانع زوال و نابودی آن‌ها شوند، بلکه این فقط و فقط خداوند متعال است که آسمان‌ها و زمین و همه مخلوقات را خلق فرموده و فقط و فقط این خداوند متعال است که مانع زوال و نابودی آن‌ها می‌شود.

در پایان آیه شریفه برای اینکه خداوند متعال راه توبه را به مشرکان نبندد و اجازه بازگشت به آن‌ها بدهد می‌فرماید:

إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا = به درستی که خداوند متعال بردبار و آمرزنده است، یعنی خداوند متعال به مقتضای حلم و بردباری خویش در مجازات مشرکین تعجیل نمی‌کند، و به مقتضای غفوریّت و آمرزندگی خویش توبه آن‌ها را می‌پذیرد و در صورت توبه آن‌ها را می‌آمرزد.^۱

حدیث:

۱. ابو حمزه ثمالی می‌گوید:
خدمت امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:
أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۰۵ تا ۳۰۷.
المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۸۴، ۸۸، ۸۹.

آیا زمین بدون امام باقی می ماند.
 وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام در پاسخ به سؤال من فرمود:
 لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ، یعنی:
 اگر زمین لحظه ای بدون امام باشد فرو خواهد رفت «زیر و رو خواهد شد».^۱

۲. محمّد بن فضیل می گوید:

خدمت امام رضا علیه السّلام عرض کردم:

أَتَبَقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ، یعنی:

آیا زمین بدون امام باقی می ماند.

امام رضا علیه السّلام فرمودند:

خیر، زمین بدون امام باقی نمی ماند.

خدمت امام رضا علیه السّلام عرض کردم:

یابن رسول الله:

از امام صادق علیه السّلام روایتی به ما رسیده که آن حضرت فرموده اند:

أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، یعنی:

زمین بدون امام باقی نخواهد ماند جز آنکه خداوند متعال بر اهل زمین خشم می گیرد.

وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

اگر زمین بدون امام باقی بماند فرو خواهد رفت «زیر و رو خواهد شد».

این حدیث را احمد بن عمر حلال نیز از امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۲

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱۱۵، «حدیث ۹۳۱۰».

کمال الدین و تمام النعمه صدوق، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۴، حدیث ۱.
 اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۵۲، حدیث ۱۰، «حدیث ۴۵۱».

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱۱۶، «حدیث ۹۳۱۱».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱۱۷، «حدیث ۹۳۱۲».

کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۴، حدیث ۲.

کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۵، حدیث ۵.

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۵۳، حدیث ۱۱ و ۱۳ «حدیث ۴۵۲ و ۴۵۴».

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو سَاعَةً مِنَ الْحُجَّةِ، يَعْنِي:

زمین لحظه‌ای خالی از حجّت خدا نخواهد بود «زیرا زمین اگر لحظه‌ای بدون حجّت خدا باشد زیر و رو می‌شود».

این حدیث را زرارة بن أعین از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴. وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَخُلُقَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَأَمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ،

نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،

نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَاعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ،

بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا،

بِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ وَيُنْشُرُ الرَّحْمَةَ،

لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِمَّنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ، يَعْنِي:

ما حجّت‌های خداوند متعال در بین مخلوقات الهی هستیم،

ما خلفا و جانشینان خداوند متعال در میان بندگان خدا هستیم،

ما امینان خداوند متعال بر اسرار خدا هستیم،

ما کلمه تقوا هستیم،

ما عروة الوثقی هستیم،

ما گواهان خداوند متعال و نشانه‌های خداوند متعال در میان مخلوقات خدا هستیم،

خداوند متعال به خاطر ما آسمان‌ها و زمین را از زوال و نابودی نگه می‌دارد،

به خاطر ما باران می‌بارد،

و به خاطر ما رحمت الهی منتشر می‌شود،

زمین هرگز از ما خالی نیست که یا آشکار است یا نهان «یا مثل امام زمان علیه السلام

در پرده غیبت است، و یا مثل سایر ائمه معصومین علیهم السلام که همه مردم توفیق

زیارت آن ذوات مقدّسه را داشتند».

۱. کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۵، حدیث ۴.

این حدیث را ابراهیم بن ابی محمود از امام رضا علیه السلام نقل نموده است.^۱

۵. وجود مقدّس امام کاظم علیه السلام فرمودند:

اگر زمین بدون امام باشد فرو خواهد رفت «زیر و رو خواهد شد».

این حدیث را احمد بن عمر از امام کاظم علیه السلام نقل نموده است.^۲

۶. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام فرمودند:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِإِلاَءِ إِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ، یعنی:

اگر زمین بدون امام باشد «امامی از ما اهل بیت پیامبر اکرم» اهلش را فرو خواهد

برد و خداوند متعال آنها را به شدیدترین نحو عذاب خواهد کرد.

وجود مقدّس امام باقر علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، لَمْ يَزَلُوا فِي
أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهَرِهِمْ،

فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ ثُمَّ لَا يُمَهِّلُهُمْ وَ لَا يُنْظِرُهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَ رَفَعْنَا إِلَيْهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ
اللَّهُ مَا شَاءَ وَ أَحَبَّ، یعنی:

خداوند متعال ما را حجت در روی زمین قرار داده و وسیله امان و آسایش اهل آن
قرار داده است،

مادامی که ما در بین مردم هستیم از اینکه زمین آنها را در خود فرو ببرد در امان
هستند «مادامی که ما در بین مردم هستیم مردم در امان هستند و زمین آنها را در خود
فرو نخواهد برد»،

هر گاه خداوند متعال اراده فرماید که اهل زمین را نابود کند ما را از بین مردم بیرون
برده و به سوی خود می برد و سپس خواسته و اراده خویش را نسبت به اهل زمین
انجام می دهد.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۲۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۳، حدیث ۱۱۴ «حدیث ۹۳۰۹».

کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۶، حدیث ۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۶، حدیث ۸.

این حدیث را عمرو بن ثابت از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۷. سلیمان جعفری می گوید:

از وجود مقدّس امام رضا علیه السلام سؤال کردم که آیا زمین بدون حجّت می ماند.

وجود مقدّس امام رضا علیه السلام فرمودند:

لَوْ خَلَّتْ مِنْ حُجَّةٍ طَرْفَةٌ عَيْنٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، یعنی:

اگر زمین چشم به هم زدنی از حجّت خدا خالی بماند اهلش را فرو خواهد برد.^۲

۸. وجود مقدّس امام صادق علیه السلام از وجود مقدّس امام باقر علیه السلام و آن

حضرت از وجود مقدّس امام سجّاد علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

نَحْنُ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ،

نَحْنُ أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ،

نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ،

بِنَا يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا،

بِنَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ،

لَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا،

لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتَوْرٍ، یعنی:

وجود مقدّس امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

ما امامان مسلمین هستیم «ما ائمه مسلمانان هستیم»،

ما حجّت خداوند متعال بر جهانیان هستیم «حجّت خداوند متعال به همه عالم»،

ما سیّد و آقا و مولای مؤمنین هستیم،

ما امان اهل زمین هستیم «تا ما هستیم مردم و اهل زمین در امان هستند و زمین

آن ها را فرو نخواهد برد».

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱۱۹، «حدیث ۹۳۱۴».

کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، صفحه ۳۸۸، حدیث ۱۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول، باب ۲۱، حدیث ۱۵.

ما کسانی هستیم که خداوند متعال به خاطر ما آسمان را نگه داشته و مانع زوال آن می‌شود،

به خاطر ما خداوند متعال مانع می‌شود که زمین اهلش را بلرزاند و آن‌ها را در خودش فرو ببرد،

به خاطر ما خداوند متعال باران را می‌فرستد،

به خاطر ما خداوند متعال رحمت خویش را منتشر می‌کند،

ما اگر در روی زمین نباشیم زمین اهلش را فرو می‌برد،

از روزی که خداوند متعال حضرت آدم را خلق فرموده زمین هیچ‌گاه خالی از حجت نبوده است،

و این حجت خدا یا ظاهر و مشهور است «همه مردم او را می‌بینند»،

و یا غایب و مستور و نهان «همه مردم توفیق زیارت او را ندارند»،

و تا روز قیامت زمین از حجت خدا خالی نخواهد بود.

این حدیث را سلیمان بن مهران اعمش از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۹. جابر بن عبدالله انصاری خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض

کرد:

يا رَسُولَ اللَّهِ:

مِنَ الْاِئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،

ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ الْبَاقِرَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ سَتَدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَكْتَهُ

فَاقْرَأْهُ مِنْي السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الْكَاطِمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، ثُمَّ الرَّضَا عَلِيَّ بْنَ

مُوسَى، ثُمَّ التَّقِيَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، ثُمَّ النَّقِيَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الزَّكِيَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، ثُمَّ ابْنَهُ

الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِي الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.

۱. تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۳۰۵، حدیث ۱۲۰ «حدیث ۹۳۱۵».

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۱۹، حدیث ۲۱۱ «حدیث ۷۴۶۱».

هُؤْلَاءِ جَابِرٌ خُلَفَائِي وَ اَوْصِيَائِي وَ اَوْلَادِي عِتْرَتِي،
 مَنْ اَطَاعَهُمْ فَقَدْ اَطَاعَنِي، وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِي،
 وَ مَنْ اَنْكَرَهُمْ اَوْ اَنْكَرَ وَاِحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ اَنْكَرَنِي،
 بِهِمْ يُمْسِكُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ السَّمَاءَ اَنْ تَقَعَ عَلَيَّ الْاَرْضُ،
 وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللهُ الْاَرْضَ اَنْ تَمِيدَ بِاَهْلِهَا، يعنى:

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

خدمت پیامبر اکرم عرض کردم:

یا رسول الله:

ائمه از فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام چه کسانی هستند؟

وجود مبارک پیامبر اکرم در پاسخ به سؤال من فرمود:

ائمه از فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام حسن و حسین هستند که سید و آقای

جوانان اهل بهشت می باشند،

سپس علی بن حسین سید العابدین، سپس محمد بن علی الباقر، و آنگاه وجود

مبارک پیامبر اکرم جابر بن عبدالله انصاری را مورد خطاب قرار داده و به او فرمود:

ای جابر:

تو او را درک می کنی و موفق به زیارت او می شوی «یعنی زیارت امام باقر

علیه السلام»، لذا هنگامی که او را دیدی و زیارت کردی سلام مرا به او برسان،

پس از او جعفر بن محمد الصادق امام است، سپس موسی بن جعفر الکاظم، سپس

علی بن موسی الرضا، سپس محمد بن علی التقی سپس علی بن محمد النقی، سپس

حسن بن علی الزکی، و سپس فرزند او قائم به حق مهدی امتم می باشد که زمین را پر

از عدل و داد خواهد نمود پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

ای جابر:

آنها اوصیاء و جانشینان من و عترت و اهل بیت من هستند،

هر کس از آنها اطاعت نماید مرا اطاعت کرده است،

و هر کس از دستورات آنها سرپیچی نماید از دستورات من سرپیچی نموده

است،

هر کس آن‌ها را یا یکی از آن‌ها را انکار نماید مرا انکار کرده است «یعنی انکار یکی از ائمه معصومین علیهم‌السلام انکار رسالت پیامبر اکرم است و انکار رسالت پیامبر اکرم یعنی کفر، لذا در حدیث بعد یعنی حدیث چهارم همین کتاب "کمال‌الدین و تمام‌التعمه" آمده که وَ الْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ».

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در پایان فرمایش خویش فرمودند:

خداوند متعال به خاطر این‌ها «یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام» مانع می‌شود که آسمان به زمین بیفتد و نابود شود، و خداوند متعال به خاطر این‌ها زمین را حفظ می‌کند تا اهلیش را نلرزاند و در خود فرو نبرد.^۱

۱۰. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه‌السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم‌السلام به محضر آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

بِكُمْ يُنْزَلُ الْغَيْثُ،

وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ، یعنی:

خداوند متعال به خاطر شما «چهارده معصوم علیهم‌السلام» باران را نازل می‌فرماید، و به خاطر شما مانع افتادن آسمان به زمین می‌شود «خداوند متعال به خاطر شما مانع انهدام و نابودی و زوال آسمان و زمین می‌شود».

این فرمایش امام هادی علیه‌السلام مبین این مطلب است که:

ثبات و بقای آسمان یعنی کرات و کهکشان‌ها و نزول برکات الهی به وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام بسته است و خداوند متعال به خاطر آن ذوات مقدسه مانع انهدام کهکشان‌ها و کرات می‌شود و به خاطر آن بزرگواران رحمت و برکات

۱. کمال‌الدین و تمام‌التعمه، جلد اول، باب ۲۴، صفحه ۴۸۴ تا ۴۸۷، حدیث ۳ و ۴.

تفسیر صافی، جلد چهارم، صفحه ۵۳۱ و ۵۳۲ «ذیل آیه ۶۵ سوره حج».

تفسیر نورالتقلین، جلد پنجم، صفحه ۱۱۹، حدیث ۲۱۰ «حدیث ۷۴۶۰»، «ذیل آیه ۶۵ سوره حج».

خویش را بر مخلوقاتش نازل می فرماید.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که:

خداوند متعال به خاطر وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام مانع نابودی و زوال آسمان و زمین می شود و به خاطر آن ذوات مقدّسه انواع نعمات و برکات خویش را بر مخلوقات خویش نازل می فرماید، بنابراین:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

الف) علّت و عامل بقاء و دوام آسمانها و زمین و کهکشانها می باشند و خداوند متعال به خاطر آن ذوات مقدّسه مانع نابودی و زوال آسمانها و زمین و کهکشانها می شود.

ب) واسطه فیض می باشند، یعنی خداوند متعال به خاطر آن بزرگواران انواع نعمات و برکات خویش را بر مخلوقات نازل می فرماید و در واقع در هر عصر و زمان حجّت خدا عامل بقاء و دوام آسمانها و زمین است و باعث نزول برکات حق تعالی می باشد و به همین لحاظ است که عنوان شده:

بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَىٰ وَ بِوُجُودِهِ تَبَتَّ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

قابل ذکر است که:

وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام نه تنها عامل دوام و بقاء آسمانها و زمین و سایرات کرات می باشند بلکه این ذوات مقدّسه علّت نهایی و علّت غایی خلقت هستند،

یعنی خداوند متعال آسمانها و زمین و کهکشانها را به خاطر این بزرگواران خلق فرموده است که در این رابطه به یک حدیث نورانی و شریف اشاره می شود.

جابر بن یزید جعفری حدیث طولانی و مفصّلی از وجود مبارک امام باقر علیه السّلام نقل نموده که در قسمتی از این حدیث نورانی و شریف آمده که:

۱. شرح زیارت جامع کبیره، تألیف آیت الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۵۳۴.

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

لَوْلَاكَ وَ لَوْلَا عَلِيٌّ وَ عَرَّتُكُمَا الْهَادُونَ الْمَهْدِيُّونَ الرَّاشِدُونَ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا مَكَانَ وَ لَا الْأَرْضَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا خَلْقًا...، یعنی:

خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود:

اگر تو و علی بن ابیطالب و عترت و اهل بیت شما را که هادی و مهدی هستید خلق نمی کردم، بهشت و جهنم و مکان و زمین و آسمان و ملائکه و سایر مخلوقات را نمی آفریدیم «یعنی نظام خلقت و نظام هستی را به خاطر شما چهارده معصوم علیهم السلام خلق نمودم».

ذیل آیه ۳۵ سوره بقره «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ...» نیز حدیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شد که خداوند متعال آسمان و زمین و بهشت و جهنم و کائنات را به خاطر وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام خلق فرموده است، لذا:

وجود مقدس چهارده معصوم علیهم السلام هم علت غایی و نهایی خلقت و آفرینش مخلوقات هستند،

هم علت بقاء و دوام آسمانها و زمین و سایر مخلوقات الهی می باشند.

در قسمت دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره آمده که:

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، یعنی:

خداوند متعال به خاطر شما چهارده معصوم علیهم السلام ابتدا نمود خلقت را و به

شما هم ختم خواهد شد، یعنی:

عالم ایجاد به نور شما ابتدا شد و ختم آن نیز به وجود شما است.

در حدیث است که وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي، یعنی:

اولین چیزی را که خداوند متعال خلق فرمود نور من بود.

در حدیث دیگری آمده که وجود مقدس پیامبر اکرم فرمودند:

أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوحِي، یعنی:

اولین چیزی که خداوند متعال خلق فرموده روح من بود.

بنابراین:

و جود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام:

(الف) عَلَّتْ غَايِبِي خَلَقْتُ هَسْتَنْد «حدیث معروفی است که خداوند متعال به پیامبر اکرم فرمود لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ، یعنی اگر به خاطر تو نبود افلاک را خلق نمی‌کردم».

(ب) عَلَّتْ بَقَاءِ وَ دَوَامِ آسْمَانِهَا وَ زَمِينِ وَ سَائِرِ مَخْلُوقَاتِ مِی بَاشَنْد.

(ج) اوّلین مخلوق خداوند متعال نور پاک این ذوات مقدّسه بود.

(د) آخرین انسانی که از دنیا می‌رود یکی از این ذوات مقدّسه است،

یعنی حَجَّتْ خداوند متعال همواره باید باشد تا آسمان و زمین زوال پیدا نکنند و مخلوقات از بین نروند، لذا:

دنیا هیچ‌گاه از وجود حَجَّتْ خالی نبوده و نخواهد بود، زیرا:

لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، یعنی:

اگر حَجَّتْ خدا در روی زمین نباشد زمین اهلش را به خود فرو می‌برد،

پس:

بقای آسمان و زمین و سایر مخلوقات الهی به وجود حَجَّتْ است،

همچنان‌که خلقت آسمان‌ها و زمین و سایر مخلوقات به خاطر حَجَّتْ خدا بود،

و لذا در حدیث آمده که:

الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ، یعنی:

حَجَّتْ خداوند متعال قبل از همه مخلوقات خلق شده،

و همواره همراه مخلوقات بوده،

و بعد از همه مخلوقات خواهد بود، زیرا:

دنیا هیچ‌گاه نباید خالی از حَجَّتْ خدا باشد، لذا:

اوّلین مخلوق خداوند متعال انوار چهارده معصوم علیهم السّلام می‌باشند، و این

است معنای بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ،

و آخرین انسانی هم که از دنیا می‌رود یکی از این ذوات مقدّسه می‌باشد تا مخلوق

بدون حَجَّتْ نباشد و به همین جهت بعد از حَجَّتْ خدا مخلوقی نخواهد بود،

و به عبارت دیگر:

انقراض عالم وجود مساوی است با انقراض حجّت،
و این است معنای بکُم یختم، یعنی:
خداوند متعال عالم هستی را به مرگ یکی از شما چهارده معصوم علیهم السّلام که
حجّت خداوند متعال بر مخلوقات می‌باشید خاتمه می‌دهد،
همچنان که عالم هستی را به خاطر وجود شما خلق و ایجاد فرمود.^۱

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۵۲۳ تا ۵۲۳.
«ذیل این قسمت از جامعه کبیره که آمده: أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ - بَكُمُ فَتَحَ اللَّهُ وَ بَكُمُ يَخْتِمُ.»
اصول کافی، جلد اول، صفحه ۲۵۰، حدیث ۴ «حدیث ۴۴۱».

«سوره یسی»

آیه ۱۱ سوره یسی:

«إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذُّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشَّرَهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ».

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
ای پیامبر، تو فقط کسی را انذار می کنی که از ذکر پیروی و تبعیت کند و از خداوند
رحمان در نهان و پنهان بترسد.
ای پیامبر، چنین کسی را به مغفرت و آمرزش و همچنین به پاداشی پر ارزش
بشارت ده.^۱

شرح لغات و توضیحات:

انذار = ترساندن، بیم دادن؛

انذار یعنی ترساندن و بیم دادن کسانی که در گمراهی هستند و دعوت آنها از
بیراهه به صراط مستقیم، یعنی بیم دادن کفار و مشرکین از عذاب الهی و دعوت آنها
به اسلام.

مُنذِر = بیم دهنده؛

۱. تفسیر نمونه جلد هیجدهم، صفحه ۳۴۶.

مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۷۴.

خَشِيَّتٌ = ترس آمیخته با تعظیم، ترس آمیخته با احساس عظمت؛
 خَشِيَّتٌ از خداوند رحمان = ترس آمیخته با تعظیم و ترس آمیخته با احساس
 عظمت خداوند رحمان؛
 مَغْفِرَةٌ = آمرزش؛
 اجر کریم = پاداش پرارزش.^۱

در آیات گذشته صحبت از مردمی بود که انذار و بیم دادن آن‌ها برای آن‌ها نفعی نداشت زیرا این گروه «کفار و مشرکین» آمادگی پذیرش انذار و دعوت پیامبر اکرم را نداشتند و چون این عناصر کوردل و لجوج گوش شنوا و قلب آماده برای پذیرش حق یعنی پذیرش اسلام را نداشتند، لذا خداوند متعال در آیات قبل به پیامبر اکرم فرمود:

اگر آن‌ها را انذار کنی و بیم دهی و به سوی حق دعوت کنی،
 و یا آن‌ها را انذار نکنی و نترسانی برای آن‌ها یکسان است و برای آن‌ها تفاوتی ندارد زیرا آن‌ها ایمان نمی‌آورند، یعنی انذار و عدم انذار برای آن‌ها یکسان است،
 اما در این آیه شریفه «آیه ۱۱» صحبت از مردمی است که انذار و بیم دادن آن‌ها و دعوت آن‌ها به سوی حق به حال آن‌ها سود دارد، و در واقع با مقایسه این دو گروه که نقطه مقابل یکدیگر می‌باشند موضوع کاملاً روشن می‌شود.
 خداوند متعال در این آیه شریفه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:
 اِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ خَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ = ای پیامبر، انذار و بیم دادن تو و دعوت تو به سوی حق فقط به افرادی تأثیر دارد که:

۱. تبعیت و پیروی از ذکر بنمایند.

ذکر را اغلب مفسرین قرآن کریم عنوان نموده‌اند،
 و بعضی از مفسرین ذکر را علاوه بر قرآن کریم معنی لغوی آن نیز دانسته‌اند که معنی هر گونه پند و اندرز و یادآوری می‌باشد، بنابراین:
 انذار و بیم دادن پیامبر اکرم فقط برای کسانی مفید و موثر است که از ذکر تبعیت

۱. تفسیر نمونه، جلد دهم، صفحه ۱۵۵ «ذیل آیه ۷ سوره رعد».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۴۸.

و پیروی کنند یعنی از قرآن کریم، و همچنین از هر گونه پند و اندرز و یادآوری و فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیروی نمایند. علاوه بر این مصادیق که برای کلمه ذکر عنوان شد این کلمه مصداق بارز و اتم و اکملی نیز دارد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.

۲. از خداوند رحمان خشیت و ترس داشته باشند، آن هم در نهان و پنهان. تعبیر ترس از خداوند رحمان در غیب می تواند موارد ذیل باشد:

الف) انسان با برهان و استدلال به شناخت خداوند متعال برسد چرا که ذات پاک خداوند متعال از حواس انسان پنهان است، و نتیجه این شناخت و معرفت این شود که انسان در دل خویش و باطن خویش از خداوند متعال ترس و خشیت داشته باشد، آن هم خشیت و ترس توأم با رجاء و امیدواری به رحمت خداوند رحمان.

ب) این خشیت از خدا پنهان از چشم مردم باشد، یعنی این خشیت از خداوند متعال جنبه ریا و خود نمایی نداشته باشد. خداوند متعال در این آیه شریفه خشیت را متعلق به رحمان عنوان فرموده است، یعنی این انذار برای کسانی فایده و اثر دارد که از خداوند متعال خشیت داشته باشند. رحمان که یکی از اسماء مبارک خداوند متعال می باشد دلالت بر صفت رحمت خداوند متعال می کند، و تعبیر رحمان در این آیه شریفه نکته لطیفی دارد و آن نکته این است که انسان در عین خشیت و ترس از عظمت خداوند متعال باید امیدوار به رحمت خداوند متعال نیز باشد چرا که خداوند متعال رحمان است و رحمت از صفات خداوند متعال است، لذا:

ترس مؤمن از خداوند متعال ترسی است آمیخته با رجاء «امید به رحمت حق داشتن»، یعنی هر دو صفت باید در مؤمن باشد، هم صفت خوف هم صفت رجاء. خوف از اینکه اعمال ما مورد قبول درگاه احدیت واقع نشود چرا که اگر خداوند متعال با عدالت به حساب انسانها رسیدگی کند «نه با فضل خویش» در آن صورت اعمال بیشتر مردم با مشکل مواجه شده و مردود خواهد شد، و رجاء از اینکه اگر گناهان و معاصی ما زیاد می باشد اما رحمت خداوند متعال

نیز عظیم است و انشاءالله گناهان ما را می‌آمرزد، و معنی زندگی بین خوف و رجاء یعنی همین.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این شد که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید که ای پیامبر: انذار و بیم دادن تو و دعوت تو به سوی حق فقط به افرادی تأثیر می‌گذارد که تبعیت و پیروی از ذکر بنمایند «از قرآن کریم و دیگر مصداق بارز ذکر که در بخش حدیث خواهد آمد» و همچنین از خداوند متعال خشیت و ترس داشته باشند. تبعیت از ذکر یعنی تصدیق آن و قبول کردن آن و گوش کردن و عمل نمودن به دستورات آن.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید به افرادی که این خصوصیات را داشته باشند «تبعیت از ذکر - خشیت و ترس از خدا»، مژده و بشارت بده که:

فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ = ای پیامبر به کسانی که از ذکر تبعیت کرده و از خداوند رحمان خشیت و ترس داشته و دارند آن‌ها را به مغفرت و آمرزش و اجر و پاداش پرارزش بشارت بده، یعنی نتیجه پیروی از ذکر و ترس از خدا مغفرت و آمرزش الهی و همچنین اجر کریم و پرارزش می‌باشد.

بنابراین معنی آیه شریفه به اختصار این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید ای پیامبر:

انذار تو فقط به کسانی موثر واقع می‌شود که از ذکر تبعیت کنند «از قرآن کریم و دیگر مصداق ذکر که در بخش حدیث عرض خواهد شد» و از خداوند رحمان خشیت داشته باشند، خشیتی آمیخته با رجاء و امیدواری به رحمت خداوند متعال، پس ای پیامبر این افراد را به آمرزش عظیم و اجر و پاداش پرارزش بشارت بده.^۱

۱. تفسیر نمونه، جلد هجدهم، صفحه ۳۴۷ - ۳۴۸ - ۳۴۹.

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۰۵ - ۱۰۶.

مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۷۶.

حدیث:

امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ...» - آیه ۱۱ سوره یس» فرمودند:

منظور از تبعیت و پیروی از ذکر در این آیه شریفه پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد. «یعنی مقصود از ذکر در این آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد، و در نتیجه تبعیت از ذکر یعنی پذیرش ولایت آن حضرت و تبعیت و پیروی از ایشان.»
این حدیث را ابو بصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

طبق فرمایش امام صادق علیه‌السلام مصداق بارز و مصداق اتمّ و اکمل ذکر در این آیه شریفه ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد و در این صورت معنی آیه شریفه «تأویل آیه شریفه» این می‌شود که:
خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:
ای پیامبر، انذار تو و دعوت تو «دعوت به صراط مستقیم و دعوت به اسلام» فقط برای افرادی موثر است و فقط افرادی به دعوت تو پاسخ مثبت داده و ایمان می‌آورند که:

۱. ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را پذیرفته باشند و حضرت علی علیه‌السلام را امام واجب‌الاطاعه بدانند و از ایشان تبعیت و پیروی کنند و اطاعت از آن حضرت را مانند اطاعت از تو «یعنی پیامبر اکرم» بدانند.

۲. از خداوند رحمان خشیت و ترس داشته باشند آن هم ترس و خشیت توأم با رجاء.

گرچه موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در ۱۸

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۳۰۸، حدیث ۹۰ «حدیث ۱۱۶۹».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۲۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۱۹، حدیث ۶.

ذیحجه سال دهم هجری «در پایان عمر مبارک پیامبر اکرم و حدود سه ماه قبل از رحلت آن حضرت» برای همه مسلمین اعلام شد لیکن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طی ۲۳ سال رسالت خویش بارها و بارها حضرت علی علیه السلام را در موقعیت‌های مختلف به عنوان وصی و جانشین خویش و امام مسلمین معرفی فرموده بود و اصحاب از این امر مطلع بودند،

لیکن نصب ایشان به عنوان جانشین پیامبر اکرم در روز عید غدیر خم اعلام عمومی امامت ایشان بود برای همه مسلمین تا حجت به همه مسلمین تمام شود. آیات فراوانی که قبلاً بحث شده «و احادیث ذیل آن‌ها» مبین این مطلب می‌باشد و انشاءالله تعالی در آیات بعد نیز که مورد بحث واقع خواهد شد به موضوع امامت و ولایت علی علیه السلام و فضائل آن حضرت اشاره خواهد شد. فقط به دو نمونه که قبلاً به تفصیل به آن‌ها پرداخته شده اشاره می‌شود.

۱. ذیل آیه ۱ تا ۱۱ سوره مؤمنون حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شد که وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را درحالی که طفل دو سه روزه‌ای بودند در آغوش گرفتند به او فرمودند: یا علی، قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ بِكَ»، أَنْتَ وَاللَّهِ أَمِيرُهُمْ...، یعنی: ای علی:

مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو رستگار و سعادت‌مند می‌شوند، به خدا قسم تو امیر و آقا و امام مؤمنین هستی، به خدا قسم، مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو به راه راست هدایت می‌شوند.

۲. ذیل آیه ۲۱۴ سوره شعرا احادیثی نقل شد که طبق آن‌ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سال سوم بعثت حدود چهل نفر از اقوام و بستگان خویش را به مهمانی دعوت نموده و پس از صرف غذا مهمانان را که همگی از بستگان آن حضرت بودند به دین اسلام دعوت فرموده و در همان جلسه علی بن ابیطالب علیه السلام را که سیزده سال از عمر مبارکش می‌گذشت به عنوان جانشین خویش معرفی فرموده و اطاعت

از ایشان را واجب فرمودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آن چهل نفر فرمودند:

این علی بن ابیطالب، برادر من، وصی من، وزیر و خلیفه و جانشین من در بین شما است، پس سخنان او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید، بنابراین:

طبق این آیه شریفه «آیه ۱۱ سوره یس» و حدیث شریف ذیل آن، انذار و دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به افرادی تأثیر داشته و دارد که علاوه بر ترس و خشیت از خداوند رحمان ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را پذیرفته و از آن حضرت تبعیت و پیروی نمایند، و به عبارت دیگر:

پذیرفتن ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین تا وجود مقدس امام زمان سلام الله علیه و تبعیت از آن بزرگواران دال بر این است که ما به دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ مثبت داده و به آن حضرت ایمان آورده ایم،

و با عنایت به خشیت و ترس توأم با رجاء که نسبت به خداوند رحمان داریم، انشاءالله تعالی مشمول مغفرت الهی شده و خداوند رحمان اجر کریم به ما اعطا خواهد فرمود،

و به همین نحو کسانی که امامت و ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام تا وجود مقدس امام زمان سلام الله علیه را نپذیرفته و از آن ذوات مقدسه تبعیت و پیروی نمی کنند، انذار و دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آن‌ها تأثیر نداشته و در واقع به دعوت پیامبر اکرم پاسخ مثبت نداده و به آن حضرت ایمان نیاورده اند،

لذا این افراد مشمول رحمت و مغفرت و آمرزش الهی نخواهند شد و اعمال آن‌ها نیز اجر و پاداشی نخواهد داشت.

ده‌ها حدیث که فقط در این مجموعه حاضر ذیل آیات شریفه درج شده موید این موضوع می باشند،

و احادیث ذیل آیه ۵ سوره مائده، آیه ۸۲ سوره طه، آیه ۲۳ سوره فرقان و... از نمونه این احادیث شریف و نورانی هستند که این مطلب را با صراحت و با وضوح

و روشنی هر چه تمام تر بیان فرموده‌اند.

قابل ذکر است که:

ذیل آیات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ سوره فرقان «يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ... لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذُّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي...» حدیثی نقل شد که طبق آن حدیث شریف و نورانی وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مصداق اتم و اکمل ذکر در این آیه شریفه «آیه ۲۹ سوره فرقان» می باشد.

ضمناً ذیل آیه ۴۳ سوره نحل «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذُّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» در رابطه با معانی ذکر در قرآن کریم و مصادیق آن توضیحات کاملی به عرض رسیده است.

آیه ۱۲ سوره یس:

«وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ».

ترجمه:

خداوند متعال می فرماید:

ما همه چیز را در لوح محفوظ ثبت کرده و احصاء نموده ایم «برشمرده ایم».^۱

توضیح:

تفسیر مجمع البیان، المیزان و نمونه نیز منظور از امام مبین را لوح محفوظ عنوان نموده اند «ذیل آیه ۱۲ سوره یس و ذیل آیه ۷۹ سوره حجر و ذیل آیه ۷۱ سوره اسراء».^۲ خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید:

وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ = ما همه چیز را در امام مبین که همان لوح محفوظ می باشد برشمرده ایم و احصاء کرده ایم، یعنی آنچه را که خداوند متعال برای همه مخلوقات خویش مقرر فرموده با تمام جزئیات در لوح محفوظ آمده است، و همه حوادثی که پیش خواهد آمد در لوح محفوظ ثبت و ضبط شده است. قابل ذکر است که:

لوح محفوظ در قرآن کریم با عناوین امّ الكتاب، کتاب مبین، امام مبین و کتاب مکنون آمده که ذیلاً راجع به آن‌ها توضیحات مختصری ارائه می شود.^۳

لوح محفوظ چیست؟

در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره بروج آمده که:

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ «آیه ۲۱».

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰.

۲. مجمع البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۷۷، همچنین جلد سیزدهم، صفحه ۲۰۷ «ذیل آیه ۷۹ سوره حجر». المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۰۷، همچنین جلد بیست و پنجم، صفحه ۲۸۲ «ذیل آیه ۷۱ سوره اسراء».

۳. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۰-۳۵۵.

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۰۷.

فی لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ «آیه ۲۲»، یعنی:

این قرآن مجید و قرآن با عظمت و بلند مقام است که در لوح محفوظ جای دارد و در لوح محفوظ ثبت و ضبط می‌باشد.

لَوْحٌ = صفحه عریضی است که چیزی بر آن می‌نویسند.

منظور از لوح محفوظ در این آیه شریفه صفحه‌ای است که قرآن مجید بر روی آن ثبت و ضبط شده است، البتّه نه صفحه‌ای همچون صفحه‌ها و الواحی که در میان ما متداول است و آن را می‌بینیم.

گفته شده که لوح محفوظ اگر به صفحه‌ای تشبیه شود که ما بتوانیم آن را در فکر و ذهن خودمان مجسم کنیم صفحه و لوحی خواهد بود که طول آن فاصله بین آسمان و زمین و عرض آن به اندازه فاصله شرق تا مغرب می‌باشد، لذا به نظر می‌رسد که لوح محفوظ همان صفحه علم خداوند متعال باشد که شرق و غرب عالم را فرا گرفته و همه چیز در آن آمده و همه حقایق عالم در آن ثبت و ضبط است.

قرآن کریم از این لوح محفوظ و از این معدن علم بی‌پایان و بی‌نهایت خداوند متعال سرچشمه گرفته است.

این دو آیه شریفه در واقع پاسخ محکمی است به کفار و مشرکین و منحرفین در همه زمان‌ها و مکان‌ها که بدانند قرآن کریم ساخته و پرداخته ذهن بشر نیست و سحر و جادو نمی‌باشد، بلکه کلام و سخن خداوند متعال است که از لوح محفوظ و از معدن علم بی‌پایان الهی سرچشمه گرفته و به پیامبر اکرم نازل شده است.

همچنان‌که که قبلاً نیز عرض شد لوح محفوظ در قرآن کریم به عنوان امّ الکتاب، کتاب مبین، امام مبین و کتاب مکنون تعبیر شده که انشاءالله تعالی در ادامه سخن به آن‌ها پرداخته خواهد شد و راجع به آن‌ها توضیحاتی به عرض خواهد رسید.^۱

الف) امّ الکتاب:

در آیه ۴ سوره زخرف آمده که:

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلٌّ حَكِيمٌ، یعنی:

قرآن کریم در امّ الکتاب یعنی در لوح محفوظ نزد ما «خداوند متعال» بلندپایه و

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و ششم، صفحه ۳۶۵ - ۳۶۶ «ذیل آیه ۲۱ و ۲۲ سوره بروج».

استوار است.

عَلِيٌّ = والا مقام؛

حکیم = استوار، محکم، خلل ناپذیر. حکیم معمولاً برای انسان به کار می‌رود اما چون قرآن کریم معلّمی بزرگ و حکمت‌آموز است درباره قرآن به کار رفته است. امّ = در لغت به معنی اصل و اساس هر چیز است و اینکه عرب به مادر ام می‌گوید به خاطر این است که ام «مادر» ریشه و پناهگاه خانواده است: بنابراین:

امّ الکتاب «کتاب مادر» که همان لوح محفوظ می‌باشد کتابی است که اصل و اساس همه کتب آسمانی است و این امّ الکتاب یا لوح محفوظ لوحی است «صفحه‌ای است» که نزد خداوند متعال از هر گونه تغییر و تبدیل و تحریف محفوظ است و در واقع این لوح همان کتاب علم خداوند متعال است که همه حقایق عالم و همه حوادث گذشته و آینده و همه کتب آسمانی در آن لوح است.

در این آیه شریفه قرآن کریم والا مقام و بلند مرتبه و محکم و استوار توصیف شده است چرا که از کتاب علم بی‌پایان و بی‌نهایت خداوند متعال یعنی از امّ الکتاب یا همان لوح محفوظ سرچشمه گرفته است.

همین علوّ مقام قرآن کریم است که باعث شده تا قرآن کریم بر تمام کتب آسمانی پیشین «از قبیل تورات، انجیل، زبور و...» پیشی گرفته و آنها را نسخ نماید، ضمن اینکه بالاترین و عالی‌ترین معجزه است برای همیشه تاریخ و تا روز قیامت.^۱

(ب) کتاب مبین

در آیه ۵۹ سوره انعام و آیه ۶۱ سوره یونس آمده که:

لَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ - آیه ۵۹ سوره انعام، یعنی:

هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتاب مبین که همان لوح محفوظ می‌باشد ثبت شده است.

این آیه شریفه با این عبارت کوتاه علم بی‌نهایت و نامحدود خداوند متعال را

۱. تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۱-۲۲ «ذیل آیه ۴ سوره زخرف».

مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۱۸۱ «ذیل آیه ۴ سوره زخرف».

درباره همه مخلوقات بیان می‌فرماید و هیچ استثنایی قائل نشده است، زیرا منظور از تر و خشک معنی لغوی آن نیست بلکه این تعبیر تر و خشک عمومیت را می‌رساند، یعنی:

علم درباره همه مخلوقات و حقایق همه مخلوقات و حقایق همه عالم در کتاب مبین که همان لوح محفوظ می‌باشد موجود است.

همانطور که قبلاً نیز توضیح داده شد مقصود از کتاب مبین یا همان لوح محفوظ همان مقام علم خداوند سبحان است، یعنی همه موجودات و همه مخلوقات در علم بی‌پایان و علم بی‌نهایت خداوند متعال ثبت است.^۱

وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ - آیه ۶۱ سوره یونس، یعنی:

هیچ چیز در زمین و آسمان از پروردگار تو مخفی نیست و حتی به اندازه سنگینی ذره بی‌مقدار، نه کوچک‌تر از این ذره و نه بزرگ‌تر از این ذره نیست مگر اینکه همه آن‌ها در کتاب مبین که همان لوح محفوظ می‌باشد ثبت است.
به عبارت دیگر:

کوچک‌ترین چیز در زمین و آسمان حتی به اندازه سنگینی یک ذره بی‌مقدار از علم پروردگار تو مخفی و غیب و پنهان نیست، چه کوچک‌تر از ذره باشد و چه بزرگ‌تر از ذره، همه آن‌ها در کتاب مبین که همان لوح محفوظ باشد درج است.

ذره = جسم بسیار بسیار کوچک؛

يَعْزُبُ = از ماده عزوب یعنی پنهان بودن، غایب بودن.^۲

ج) امام مبین

در آیه ۱۲ سوره یس آمده است که:

وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد پنجم، صفحه ۳۳۷ - ۳۳۸ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

مجمع‌البیان، جلد هشتم، صفحه ۱۲۰ «ذیل آیه ۵۹ سوره انعام».

۲. تفسیر نمونه، جلد هشتم، صفحه ۳۹۷ - ۴۰۱ «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».

مجمع‌البیان، جلد یازدهم، صفحه ۳۱۹ «ذیل آیه ۶۱ سوره یونس».

ما «خداوند متعال» همه چیز را در امام مبین که همان لوح محفوظ باشد شمرده‌ایم و احصاء کرده‌ایم، یعنی حقایق همه عالم، حوادث گذشته و آینده، آنچه که خداوند متعال برای مخلوقاتش مقرر فرموده با تمام جزئیاتش و همه کتب آسمانی در امام مبین که همان لوح محفوظ می‌باشد درج و ثبت است.^۱

د) کتاب مکنون

در آیه ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه آمده است که:

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ - آیه ۷۷.

فی کتاب مکنون - آیه ۷۸، یعنی:

به درستی که آنچه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده قرآن کریم است که این قرآن کریم در کتاب مکنون «کتاب محفوظ - کتاب مستور» که همان لوح محفوظ باشد جای دارد.^۲

بنابراین مقصود از امّ الكتاب و کتاب مبین و امام مبین و کتاب مکنون همان لوح محفوظ است، لیکن:

کتاب مبین علاوه بر اینکه به لوح محفوظ تعبیر شده در چندین آیه به عنوان قرآن کریم نیز آمده است، یعنی:

کتاب مبین شامل دو موضوع می‌شود:

۱. لوح محفوظ که قبلاً راجع به آن بحث شد.

۲. قرآن کریم که ذیلاً به چند آیه اشاره می‌شود.

در آیه ۱۵ سوره مائده، آیه ۱ سوره یوسف و آیه ۱ و ۲ سوره زخرف به این موضوع اشاره شده است.

۱. المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۰۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۳۷۷ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۰ - ۳۵۵ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰ «ذیل آیه ۱۲ سوره یس».

۲. تفسیر نمونه، جلد بیست و سوم، صفحه ۲۷۴ - ۲۷۸ «ذیل آیه ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه».

تفسیر صافی، جلد ششم، صفحه ۲۵۱ - ۲۵۲ «ذیل آیه ۷۷ و ۷۸ سوره واقعه».

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ - آیه ۱۵ سوره مائده، یعنی:
از طرف خداوند متعال نور و کتاب مبین «یعنی قرآن کریم» به سوی شما آمد.^۱
الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ - آیه ۱ سوره یوسف، یعنی:
اینها آیات کتاب مبین یعنی آیات قرآن کریم هستند.^۲
حَم، وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ، آیه ۱ و ۲ سوره زخرف، یعنی:
سوگند به کتاب مبین یعنی سوگند به قرآن کریم.
و در آیه چهارم سوره زخرف آمده که:
وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ، یعنی:
کتاب مبین یعنی این قرآن کریم در امّ الکتاب که همان لوح محفوظ می باشد نزد ما
«خداوند متعال» بلند پایه و استوار است.^۳

توضیح:

همانطور که ملاحظه فرمودید منظور از امام مبین در آیه دوازدهم سوره یس لوح محفوظ است و این مطلب در تفاسیر مجمع البیان، المیزان، صافی و نمونه با صراحت و با قاطعیت بیان شده است،
اما اینکه تأویل آیه ۱۲ سوره یس چه می باشد و معنی باطنی آیه شریفه در رابطه با
امام مبین چیست انشاءالله تعالی در بخش حدیث روشن خواهد شد.

حدیث:

۱. امام باقر علیه السلام فرمودند:
هنگامی که آیه شریفه «وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ - آیه ۱۲ سوره یس» به پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد ابوبکر بن ابی قحافه و عمر بن الخطاب از
جای خود بلند شده و به پیامبر اکرم عرض کردند:

۱. تفسیر نمونه، جلد چهارم، صفحه ۴۱۰ - ۴۱۱ «ذیل آیه ۱۵ سوره مائده».
- تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۳۸۸ «ذیل آیه ۱۵ سوره مائده».
۲. تفسیر نمونه، جلد نهم، صفحه ۳۵۷ «ذیل آیه ۱ سوره یوسف».
۳. تفسیر نمونه، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۹ تا ۲۱ «ذیل آیه ۱ تا ۴ سوره زخرف».

یا رسول الله: آیا منظور از امام مبین در این آیه شریفه تورات است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خیر.

ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله: آیا منظور از امام مبین در این آیه شریفه انجیل است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خیر.

ابوبکر و عمر به پیامبر اکرم عرض کردند:

یا رسول الله: آیا منظور از امام مبین در این آیه شریفه قرآن کریم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خیر

در همین حال وجود مقدس امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شده و خدمت پیامبر اکرم رسیدند، و وقتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چشمشان به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام افتاد فرمودند:

هُوَ هَذَا، إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، يَعْنِي:

امام مبین این مرد است،

او است امام مبین که خداوند متعال علم همه چیز را در او احصاء فرموده است «این علی بن ابیطالب علیه السلام امام مبینی است که خداوند متعال علم همه چیز را در او احصاء نموده است» (در او قرار داده است).

این حدیث را ابو جارود از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

قابل ذکر است که این حدیث را ابن عباس نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است.^۲

۱. معانی الاخبار صدوق، جلد اول، باب ۳۵، صفحه ۲۲۴، حدیث ۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۷، حدیث ۱۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۲۳۵، حدیث ۲۷ «حدیث ۹۳۴۴».

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۱۲.

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۴.

امالی صدوق، صفحه ۲۷۱، مجلس ۳۲، حدیث ۵.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۲۲.

۲. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
 اَنَا وَ اللهُ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، أُبَيِّنُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ وَرِثَتُهُ مِنْ رَسُولِ اللهِ، يَعْنِي:
 به خدا قسم، من امام مبین هستم که حق را از باطل آشکار می‌کنم و این علم و این
 مقام را از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به ارث برده‌ام.
 این حدیث را ابن عباس از وجود مقدس حضرت امیر علیه السلام نقل نموده
 است.^۱

۳. عمّار یاسر نقل می‌کند که من در خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام
 بودم و از بیابانی عبور می‌کردیم که تعداد زیادی مورچه در آن بیابان دیده می‌شد.
 خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردم:
 ای امیرالمؤمنین: آیا از بندگان خدا کسی هست که تعداد این مورچه‌ها را بداند.
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:
 بله یا عمّار، من کسی را می‌شناسم که آن شخص تعداد این مورچه‌ها را می‌داند،
 همچنین می‌داند که چه تعداد از مورچه‌ها نر هستند و چه تعداد ماده.
 عمّار یاسر می‌گوید خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردم:
 ای امیرالمؤمنین: این فرد کیست که همه این‌ها را می‌داند.
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:
 ای عمّار: آیا این آیه شریفه را در سوره یس نخوانده‌ای که خداوند متعال
 می‌فرماید:

وَ كُلِّ شَيْءٍ أَخَصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ.

عمّار یاسر می‌گوید خدمت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کردم:
 بله یا امیرالمؤمنین: این آیه شریفه را خوانده‌ام.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۳، حدیث ۱۱.

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۱۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۲۵، حدیث ۲۸ «حدیث ۹۳۴۵».

تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۴.

امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

منم آن امام مبین که خداوند متعال علم همه چیز را در او قرار داده است.^۱
قابل ذکر است که نظیر و شبیه این حدیث را ابوذر نیز از وجود مقدس امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام نقل نموده است.^۲

۴. صالح بن سهل نقل می کند که امام صادق علیه السلام وقتی این آیه شریفه را «و
كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ - آیه ۱۲ سوره یس» تلاوت می کردند فرمودند:
این آیه شریفه در مورد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نازل شده است.^۳

۵. وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال
دهم هجری پس از پایان مناسک حج و هنگام مراجعت از مکه به مدینه در محل
غدیر خم و در حضور دهها هزار از حجاج بیت الله الحرام که در خدمت آن حضرت
بودند «جمعیت حجاج حاضر در محضر مبارک پیامبر اکرم تا یکصد و بیست هزار
نفر نیز گفته شده است» خطبه بسیار مهم و مفصلی ایراد فرموده و پس از حمد ثنای
خداوند متعال قطره ای از دریای بیکران فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و به دستور خداوند متعال آن حضرت را به
عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.
وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات نورانی
خویش فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ:

مَا مِنْ عِلْمٍ وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ،
وَ كُلِّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ،
وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، يَعْنِي:
وجود مبارک پیامبر اکرم فرمودند:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۲۱.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۹، حدیث ۲۰.

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۲۸، حدیث ۱۸.

ای مردم:

علمی نیست مگر آنکه خداوند متعال آن را به من آموخته و در سینه من به ودیعت نهاده است «خداوند متعال تمام علوم را به من آموخته و اعطا فرموده است»، و من هم تمام آن علوم را به امام متّین علی بن ابیطالب آموخته‌ام. هیچ علمی نیست مگر اینکه آن را به علی بن ابیطالب آموخته‌ام، و او است امام مبین.^۱

توضیح:

ملاحظه فرمودید که خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس فرمودند:

وَ كُلِّ شَيْءٍ أَخَصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ، یعنی:

ما همه چیز را در امام مبین احصاء کرده و برشمرده‌ایم.

در توضیحات ذیل آیه شریفه به عرض رسید که:

تقریباً تمام مفسّرین اتفاق نظر دارند که مقصود از امام مبین در این آیه شریفه لوح

محفوظ می‌باشد.

همچنین ملاحظه فرمودید که طبق احادیث شریف ذیل آیه شریفه وجود مقدّس مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام امام مبین هستند و مقصود از امام مبین در این آیه شریفه وجود مقدّس حضرت امیر علیه السّلام هستند که خداوند متعال همه چیز را در سینه مبارک آن حضرت احصاء فرموده و قرار داده است، لذا:

نتیجه این بحث این می‌شود که:

وجود مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام لوح محفوظ خداوند تبارک

و تعالی می‌باشد، و خداوند سبحان چنین مقرر فرموده است.

در توضیح این قضیه به دو مطلب که در تفسیر نمونه و در شرح جامعه کبیره

آیت الله سیّد محمد تقی نقوی آمده اشاره می‌شود.

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۲۸ و ۱۲۹»، حدیث ۳۳.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۳۰.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۲۷، حدیث ۲۹ «حدیث ۹۳۴۶».

الف) در تفسیر نمونه آمده است که:

گرچه بعضی از مفسرین اهل سنت از قبیل آلوسی از نقل اینگونه روایات از طریق شیعه وحشت کرده‌اند «که مقصود از امام مبین در آیه ۱۲ سوره یس لوح محفوظ حق تعالی است، و حضرت امیر علیه‌السلام امام مبین می‌باشد، یعنی آن حضرت لوح محفوظ الهی است»، لیکن با کمی دقت روشن می‌شود که اینگونه احادیث منافاتی با تفسیر امام مبین به لوح محفوظ ندارد، زیرا:

قلب مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در درجه اوّل و قلب مقدّس وصی و جانشین آن حضرت یعنی قلب مقدّس امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در درجه بعد آینه‌هایی هستند که لوح محفوظ را منعکس می‌کنند و قسمت عظیمی از آنچه که در لوح محفوظ الهی است از سوی خداوند متعال به آن ذوات مقدّس الهام می‌گردد، و به این ترتیب قلب مقدّس آن دو بزرگوار «و سایر معصومین علیهم‌السلام» نمونه‌ای از لوح محفوظ خداوند متعال می‌باشد، و به هر حال در اینکه منظور از امام مبین در آیه ۱۲ سوره یس لوح محفوظ می‌باشد شکّی نیست و طبق احادیث شریفی که از پیامبر اکرم و حضرت امیر علیهما‌السلام نقل شد حضرت امیر علیه‌السلام امام مبین می‌باشد، یعنی آن حضرت لوح محفوظ الهی است.^۱

ب) در شرح جامعه کبیره تألیف آیت‌الله سیّد محمّد تقی نقوی ذیل این قسمت از زیارت جامعه کبیره که ائمه معصومین علیهم‌السلام اهل الذکر معرفی و توصیف شده‌اند آمده است که:

در قرآن کریم کلمه ذکر بسیار آمده است و معنای آن هم مختلف است، و ائمه معصومین علیهم‌السلام با توجه به تمام آن معانی اهل ذکر می‌باشند. در ادامه بحث برای کلمه ذکر دوازده معنی بیان شده که یکی از آنها لوح محفوظ می‌باشد.

در این کتاب شریف پس از ذکر سه معنا برای ذکر، در صفحه ۲۱۱ این کتاب عنوان شده که:

۱. تفسیر نمونه، جلد هیجدهم، صفحه ۳۵۴-۳۵۵.

چهارم: ذکر به معنای لوح محفوظ آمده است.
 خداوند متعال در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می فرماید:
 وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ، یعنی:
 نوشتیم در زبور داود بعد از آنچه در لوح محفوظ نوشته بودیم.
 سپس در ذیل این آیه شریفه، عنوان شده که:
 معلوم است که ائمه معصومین علیهم السّلام عالم به لوح محفوظ هستند،
 بلکه لوح محفوظ سینه امام است.^۱

خلاصه کلام اینکه:

۱. مقصود از امام مبین در آیه ۱۲ سوره یس لوح محفوظ الهی است «طبق گفته مجمع البیان، المیزان، صافی، نمونه و دیگر تفاسیر».
۲. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام «همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» امام مبین است که در آیه ۱۲ سوره مبارکه یس آمده «طبق احادیث شریفی که ذیل آیه ۱۲ سوره مبارکه یس ملاحظه فرمودید».
۳. بنابراین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام «همچنین دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام» لوح محفوظ خداوند سبحان می باشد،
 و خداوند تبارک و تعالی همه حقایق عالم وجود را در سینه آن ذوات مقدسه ثبت و ضبط فرموده و به همین جهت است که آن بزرگواران از گذشته و حال و آینده انسانها و همه مخلوقات الهی مطلع و آگاه می باشند.
 ضمناً ذیل آیه ۴۳ سوره نحل «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» نیز توضیحات کاملی ارائه شده است.

۱. شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۲۱۰ تا ۲۱۳.

«سوره صافات»

آیه ۲۴ سوره صافات:

«وَقَفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ».

ترجمه:

آن‌ها را نگه دارید و متوقف سازید چون که باید مورد بازپرسی و مورد بازخواست قرار بگیرند «آن‌ها را متوقف کنید چرا که باید به سؤالات مختلف پاسخ دهند».^۱

شرح لغات و توضیحات:

وَقَفُّهُمْ = آن‌ها را نگه دارید و نگذارید بروند، آن‌ها را متوقف کنید؛
إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ = آن‌ها باید مورد سؤال قرار بگیرند، آن‌ها باید بازخواست شوند،
آن‌ها باید به سؤالات مختلفی پاسخ دهند.^۲
در آیات ۲۲ و ۲۳ این سوره آمده که ملائکه مأمور عذاب یعنی ملائکه‌ای که وظیفه انتقال ظالمین و گنهکاران را به داخل جهنم دارند ظالمین و گنهکاران را به همراه معبودان آن‌ها «یعنی خدایان دروغین آن‌ها اعم از بُت و غیربُت» به طور گروهی و یک‌جا به طرف جهنم حرکت می‌دهند.

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۸.

۲. المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۲۱۲.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۸.

در حالی که این ملائکه، ظالمین «کفار، مشرکین و...» و همفکران آنها و خدایان دروغین آنها را به طرف جهنم می‌برند در بین راه از جانب خداوند متعال به این ملائکه امر می‌شود که:

وَقِفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُورُونَ = آنها را نگه دارید و نگذارید بروند زیرا آنها باید مورد بازخواست قرار گیرند «آنها را متوقف کنید زیرا باید به سؤالات مختلفی پاسخ دهند»^۱.

افرادی که رهسپار دوزخ هستند به چه سؤالاتی باید پاسخ دهند:

مفسرین عنوان نموده‌اند که مسائل مختلفی از این افراد سؤال می‌شود از قبیل:

۱. سؤال درباره توحید.
۲. سؤال در خصوص بدعت‌هایی که گذاشته‌اند.
۳. سؤال در رابطه با گناهایی که مرتکب شده‌اند.
۴. سؤال در رابطه با نعمت‌هایی که خداوند متعال به آنها داده بود که با این نعمت‌ها چه معامله‌ای کردند،

آیا آنها را در راه حلال استفاده کردند یا جهت ارتکاب گناه.

۵. مواردی که اشاره شد با هم منافاتی ندارند، زیرا در روز قیامت از همه چیز سؤال می‌شود، از عقاید حقه «توحید، نبوت، امامت»، از اعمالی که انسان‌ها انجام داده‌اند، از مواهب و نعماتی که خداوند متعال به انسان‌ها اعطا فرموده و به عبارت دیگر، علاوه بر عقاید حقه و اصول دین از واجبات سؤال می‌کنند که آیا به آنها عمل شده یا نه «از قبیل نماز، روزه، خمس، زکات و...»، همچنین اگر انسان مرتکب گناه شده باشد مورد سؤال قرار می‌گیرد که چرا مرتکب گناه شده است،

یعنی انسان‌ها در روز قیامت هم در خصوص مسائل اعتقادی و هم در خصوص اعمالی که انجام داده‌اند مورد سؤال و بازخواست قرار خواهند گرفت.

یکی از مهم‌ترین سؤالات در رابطه با ولایت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام می‌باشد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث

۱. المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۲۱۲.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۸.

به آن اشاره خواهد شد.

اهمیت ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به این جهت است که موضوع امامت و ولایت مربوط به اصول دین است و واضح است که اصول مقدم بر فروع می باشد، یعنی ابتدا باید انسان اعتقاد و ایمان صحیح و درستی داشته باشد و سپس به دستورات دینی عمل نماید.

بدیهی است کسی که امامت ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته قطعاً چنین شخصی رسالت و نبوت پیامبر اکرم را نیز پذیرفته است، و یقیناً این افراد از نظر توحید نیز مشکلی ندارند،

اما چه بسا افرادی که از نظر توحید ظاهراً مشکلی ندارند لیکن به نبوت پیامبر اکرم ایمان نیآورده اند و یا اینکه خدا را به یگانگی قبول دارند و به نبوت و رسالت پیامبر اکرم نیز ایمان دارند لیکن به امامت ائمه معصومین علیهم السلام ایمان ندارند.

بنابراین، ایمان کامل و صحیح ایمانی است که به یگانگی خداوند متعال و نبوت پیامبر اکرم و امامت ائمه معصومین علیهم السلام تا وجود مقدس امام زمان علیه السلام اعتقاد داشته باشد، و این جا است که اهمیت ولایت و امامت روشن می شود، بنابراین:

کسانی که ولایت چهارده معصوم علیهم السلام را پذیرفته اند قطعاً به خداوند متعال نیز عقیده راسخ دارند و به سایر مبانی اعتقادی از قبیل معاد نیز معتقد می باشند و این یعنی ایمان کامل و صحیح،

اما عکس این قضیه صادق نیست یعنی ممکن است افرادی خدا را ظاهراً به یگانگی بشناسند و به پیامبر اکرم نیز ظاهراً ایمان داشته باشند لیکن به امامت ائمه معصومین اعتقادی نداشته باشند که در این صورت اهل آتش خواهند بود.

چرا در بین راه دوزخ از گنهکاران سؤال می شود؟

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا در بین راه دوزخ از گنهکاران سؤال می شود و چرا ابتدا از آن ها سؤال نمی شود تا بعد از سوالات آن ها را به جهنم ببرند، یعنی اول باید بازخواست شوند و پس از اثبات گناهان به طرف جهنم برده شوند نه اینکه در بین راه اعزام به جهنم مورد بازخواست قرار بگیرند.

پاسخ این است که:

۱. جهنمی بودن این افراد قبلاً مشخص شده و خود آنها نیز از این قضیه اطلاع دارند، لذا این سؤال و بازپرسی برای این است که حدود و میزان و مقدار جرم آنها مشخص شود تا به همان اندازه مجازات شوند.

۲. ممکن است مقدار جرم و به تبع آن مقدار مجازات نیز تعیین شده باشد، در این صورت این سؤال و بازپرسی یک نوع سرزنش و شماتت و مجازات روانی می باشد. قابل ذکر است که رسیدگی به اعمال انسانها در روز قیامت فقط به این منظور می باشد که انسانها از اعمال خودشان مطلع شوند و گرنه خداوند متعال به اعمال یکایک انسانها آگاهی کامل دارد و نیاز به حسابرسی نیست.

۳. ممکن است این سؤالات مربوط به آیه بعد باشد، زیرا در آیه بعد آمده که به این گنهکاران گفته می شود و از آنها سؤال می شود که چرا به یاری یکدیگر بر نمی خیزید و چرا از هم یاری نمی طلبید.

ممکن است همه اینها درست باشد یعنی این سؤال و بازپرسی در بین راه جهنم هم برای مشخص شدن میزان و مقدار مجازات گنهکاران است تا داخل جهنم متناسب با گناهان خویش مجازات شوند، هم برای سرزنش و شماتت آنها است، هم برای تشدید مجازات روحی و روانی آنها است، و هم سؤال کردن از اینکه چرا به یاری یکدیگر بر نمی خیزند و از یکدیگر یاری نمی طلبند درحالی که در دنیا با همدیگر متحد بودند و انواع جنایات و گناهان را مرتکب می شدند.
در ادامه آیات شریفه آمده که:

این گنهکاران که به طرف جهنم برده می شوند در برابر فرمان خداوند متعال تسلیم و خاضعند و قدرت اظهار وجود ندارند که بتوانند به یکدیگر کمک نموده و با خداوند متعال مخالفت نمایند.

گنهکاران که به طرف جهنم برده می شوند در همین حال که به طرف جهنم می روند به سرزنش یکدیگر پرداخته و هر کدام از آنها سعی می کند تا گناه خودش را به گردن دیگران بیندازد، یعنی:

پیروان گمراه به رهبران گمراه‌کننده خود می‌گویند:

شما شیطان‌صفت‌ها به صورت نصیحت و خیرخواهی و دلسوزی و به عنوان هدایت و راهنمایی به سراغ ما آمدید در حالی که جز مکر و فریب و نیرنگ هدف دیگری نداشتید و ما را گمراه کردید و به همین دلیل همه گناهان ما به گردن شما است. رهبران کفر و شرک و ضلالت که به دنبال خودشان عدّه کثیری را نیز به ضلالت و گمراهی کشیده‌اند در جواب پیروان گمراه خویش که در دنیا از آن‌ها تبعیّت و پیروی کرده بودند می‌گویند:

تقصیر با خود شما بود، چرا که شما اهل ایمان نبودید و گرنه ما که در دنیا هیچگونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم و زور و اجباری در کار نبود، بلکه شما قومی طغیانگر و متجاوز بودید که به دعوت ما پاسخ مثبت داده و از ما تبعیّت و پیروی کردید در حالی که می‌توانستید از پیروان حق تبعیّت کرده و پشت سر آن‌ها حرکت کنید، بنابراین گناهتان تماماً به گردن خودتان می‌باشد.

خلاصه کلام اینکه رهبران کفر و شرک و ضلالت و پیروان آن‌ها هر کدام گناه خودشان را به گردن طرف مقابل می‌اندازند ولی این حرف‌ها و بهانه‌ها فایده‌ای به حال هیچکدام از آن‌ها نخواهد داشت و رهبران ضلالت به همراه پیروان خویش در آتش جهنّم گرفتار خواهند شد.^۱

توضیح:

۱. ظالمینی که به جهنّم می‌روند مصادیق فراوانی دارند لیکن مصداق اتمّ و اکمل ظالمین، ظالمین به آل محمّد علیهم‌السّلام هستند که در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

۲. همانطور که عرض شد روز قیامت همه اعمالی که انسان‌ها در دنیا انجام داده‌اند مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و طیّ آن به اعمال صالح انسان‌ها «اعم از واجبات

۱. المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۲۱۲-۲۱۳.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۸ تا ۵۲.

مجمع‌البیان، جلد بیستم، صفحه ۴۶۵ - ۴۶۶.

یا مستحبات» پاداش نیک و به اعمال بد و گناهان کیفر و عقوبت داده خواهد شد، لیکن مقدم به اعمال انسان‌ها اعتقادات آن‌ها می‌باشد، یعنی ابتدا درباره توحید و نبوت و امامت سؤال خواهد شد و در صورتی که اصول اعتقادی انسان‌ها صحیح باشد آنگاه نوبت به اعمال انسان‌ها می‌رسد که به آن‌ها رسیدگی شود.

همانطور که در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود از جمله مسائلی که روز قیامت از مردم سؤال خواهد شد موضوع ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و یازده امام معصوم از نسل آن بزرگوار تا وجود مقدس امام زمان سلام الله علیهم اجمعین می‌باشد که معتقدین به امامت و ولایت آن ذوات مقدسه انشاءالله تعالی به لطف و فضل حق تعالی به بهشت خواهند رفت و منکرین آن بزرگواران به جهنم رانده خواهند شد.

حدیث:

۱. از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که فرموده‌اند:
ظالمینی که توسط ملائکه به طرف جهنم رانده می‌شوند کسانی هستند که به آل محمد علیهم السلام ظلم کرده و حق آن ذوات مقدسه را غصب نمودند.^۱

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ، لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ جَوَازُ فِيهِ وَ لِيَاةٌ عَلَيَّ
بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى:

وَقَفُّهُمْ أَنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، يَعْنِي عَنِ وَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يَعْنِي:

وقتی که قیامت می‌شود و صراط بر روی جهنم نصب می‌شود هیچ کس حق عبور از آن را ندارد و هیچ کس نمی‌تواند از روی آن «پُل صراط» عبور کند مگر اینکه جوازی در دست داشته باشد و آن جواز ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۶۳ «ذیل آیه ۲۲ و ۲۳ سوره صافات».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۶۸ و ۶۶۹، حدیث ۱ «ذیل آیه ۲۲ و ۲۳ سوره صافات».

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۳۷۷، حدیث ۱۱ «حدیث ۹۴۲۸».

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۲۲۷ «ذیل آیه ۲۲ و ۲۳ سوره صافات».

علیه السّلام می باشد، و این مطلب همان است که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده:
وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، یعنی:

آن‌ها را نگه دارید و متوقف کنید و از آن‌ها درباره ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام سؤال کنید « یعنی اگر ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام را پذیرفته‌اند و به آن معتقد می‌باشند اجازه دهید تا از روی پُل صراط عبور کرده و وارد بهشت شوند و اگر ولایت و امامت آن حضرت را نپذیرفته‌اند مانع ورود آن‌ها به بهشت شوید».

این حدیث را انس بن مالک از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۱

توضیح:

علاوه بر شیعه بسیاری از علمای اهل تسنن نیز این حدیث شریف را از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده‌اند که آن حضرت فرمودند: این آیه شریفه در رابطه با سؤال کردن از ولایت علی علیه السّلام می‌باشد که ذیلاً اسامی تعدادی از آن‌ها را ملاحظه می‌فرمائید.

عبد الرزاق حنبلی.

ابن حجر هیثمی.

سبط ابن جوزی در تذکره.

تفسیر حبری.

آلوسی در روح المعانی.

ثعلبی در تفسیر خویش.

ابونعیم اصفهانی.

خطیب خوارزمی.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۶۴.

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۲۲۷.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۳ - ۵۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۱، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۷۷، حدیث ۱۴ «حدیث ۹۳۳۱».

حاکم ابوالقاسم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل.^۱

۳. وجود مبارک امام باقر علیه السلام از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:
 لَا تَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْئَلَ عَنْ أَرْبَعٍ:
 عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلِ
 الْبَيْتِ، يَعْنِي:

روز قیامت هیچ بنده ای قدم از قدم بر نمی دارد «نمی تواند حتی یک قدم بر دارد» تا اینکه به چهار سؤال پاسخ دهد و مورد بازخواست قرار بگیرد:
 از عمرش سؤال می شود که آن را در چه کاری تباه نمود،
 از جوانیش که در چه کاری به سر بُرد و آن را چگونه صرف کرد،
 از مال و ثروتش که آن ها را چگونه به دست آورد و در چه راهی خرج کرد،
 از دوستی و محبت ما اهل بیت.^۲

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خصوص این آیه شریفه «آیه ۲۴ سوره صافات» فرمودند:

سؤال از مردم در رابطه با ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.^۳

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۳ - ۶۷۴، حدیث ۷-۱۰ و ۱۱.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۳، حدیث ۹.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۱۹ و ۲۰ «حدیث ۹۴۳۶ و ۹۴۳۷».

خصال صدوق، جلد اول، باب خصلت های چهارگانه، صفحه ۲۳۱، حدیث ۱۱۲.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۶۴.

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۲۲۷.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم، باب ۳۱ «اخبار مجموعه»، صفحه ۹۵، حدیث ۲۲۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۱، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۱۷ «حدیث ۹۴۳۴».

المیزان، جلد سی و سوم، صفحه ۲۲۷.

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

هنگامی که قیامت برپا می شود و روز قیامت می رسد خداوند متعال امر می فرماید که دو فرشته بر صراط «کنار یا روی پُل صراط» بنشینند و به هیچ کس اجازه عبور از پُل صراط و ورود به بهشت را ندهند مگر اینکه جواز و برات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به همراه داشته باشند،

هر کس که جواز و برات امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به همراه نداشته باشد خداوند متعال او را با صورت به داخل جهنم خواهد انداخت و این قول و فرمایش خداوند متعال است که می فرماید وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ.

ابی سعید خدری که راوی این حدیث نورانی است می گوید که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم:

یا رسول الله: پدر و مادرم فدای شما، مقصود و مراد از جواز و برات امیرالمؤمنین

علی بن ابیطالب علیه السلام چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مکتوب و نوشته ای است که روی آن نوشته شده:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ اميرالمؤمنين علي بن ابیطالب وصي رسول الله.^۱

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْبَأُ أَنَا وَعَلِيٌّ عَلَى الصِّرَاطِ، بِيَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَّا سَيْفٌ،

فَلَا يَمُرُّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا سَأَلْنَاهُ عَنْ وَايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

فَمَنْ مَعَهُ شَيْءٌ مِنْهَا نَجَا وَإِلَّا ضَرَبْنَا عُنُقَهُ وَ الْقَيْنَاهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ تَلَا:

وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ - مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ - بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ، یعنی:

وقتی که روز قیامت می شود، من «پیامبر اکرم» و علی بن ابیطالب علیه السلام بر کنار

پُل صراط می ایستیم «کنار پُل صراط قرار می گیریم» در حالی هر کدام از ما شمشیری

در دست داریم.

هیچ کس از خلق خدا از کنار ما عبور نمی کند مگر آنکه از ولایت و امامت

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۱، حدیث ۳.

علی بن ابیطالب علیه السلام از او سؤال می‌کنیم،
هر کس ولایت و امامت علی علیه السلام را پذیرفته باشد و به آن معتقد باشد نجات
پیدا می‌کند،

و اگر کسی ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام را نپذیرفته باشد و به آن
معتقد نباشد گردن او را با شمشیر می‌زنیم و او را به داخل جهنم پرتاب می‌کنیم.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آنگاه آیات ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ سوره صافات را
تلاوت فرمودند:

وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ - مَا لَكُمْ لَا تَنصُرُونَ - بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ.

این حدیث شریف را عبدالله بن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
نقل نموده است.^۱

ترجمه آیات ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ سوره صافات:

خداوند متعال به ملائکه مأمور انتقال ظالمین به طرف جهنم امر می‌فرماید که آنها
را «ظالمین را» متوقف کنید و نگذارید بروند زیرا آنها باید بازخواست شوند و به
سؤالات مختلف پاسخ دهند. «آیه ۲۴».

به این ظالمین گفته می‌شود «از طرف خداوند متعال»:

شما را چه شده، چرا از یکدیگر یاری و کمک طلب نمی‌کنید «آیه ۲۵».

آنها در آن روز «در روز قیامت» در برابر خداوند متعال و دستورات خداوند متعال
تسلیم محض می‌باشند، زیرا قدرت مخالفت و قدرت اظهار وجود ندارند «آیه ۲۶».

۷. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

به عزت پروردگارم قسم:

روز قیامت همه امت من ننگه داشته می‌شوند و از همه آنها درباره ولایت
امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام سؤال خواهد شد و این همان فرمایش خداوند
متعال است که می‌فرماید:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۳، حدیث ۸.

وَقَفَّوْهُمْ اِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (آیه ۲۴ سوره صافات).

این حدیث را عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام از وجود مبارک امام هادی علیه‌السلام و آن حضرت نیز از آباء گرانقدر خویش و آن بزرگواران نیز از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده‌اند.^۱

۸. ابن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

قسم به خداوندی که مرا به حق به رسالت مبعوث فرمود، خداوند متعال از بنده خویش هیچ عمل صالحی را نمی‌پذیرد تا اینکه او را درباره محبت علی بن ابیطالب علیه‌السلام بازخواست کند «هیچ عمل صالح از بنده‌ای پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه آن شخص ولایت حضرت امیر علیه‌السلام را پذیرفته باشد».^۲

۹. وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آل و سلم نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، یعنی:

نخستین چیزی که درباره آن سؤال می‌شود حب و دوستی ما اهل بیت می‌باشد.^۳

توضیح:

ذیل حدیث دوم به عرض رسید که:

علاوه بر منابع شیعه بسیاری از علمای اهل سنت نیز از طریق ابن عباس، ابوسعید خدری، ابو اسحاق، ابو برزه و... از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند.

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد اول، باب ۲۸، صفحه ۶۳۰، حدیث ۸۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۴۶۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۰، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۱۶ «حدیث ۹۴۳۳».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۵، حدیث ۱۴.

۳. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، جلد دوم، باب ۳۱، صفحه ۱۰۸، حدیث ۲۵۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۳۷۹، حدیث ۱۸ «حدیث ۹۴۳۵».

سَلَّمَ نَقْلَ نَمُودَه‌اَنَدَ كِهَ اَيْنَ اَيَهَ شَرِيْفَه «وَقَفُوْهُمُ اِنَّهُمْ مَسْئُوْلُوْنَ - اَيَه ۲۴ سُوْرَه صَافَات»
 دَر رَابَطَه بَا سَوَّالِ شَدَن اَز وِلَايَتِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِيْ بَاشَدَ كِهَ
 بَه عَنَوَانِ نَمُونَه بَه يَكِ حَدِيْثِ اِشَارَه مِيْ شُوْد.

يَكِي اَز عِلْمَايِ مَعْرُوْفِ اَهْلِ سُنَّتْ بَه نَامِ خَطِيْبِ خَوَارِزْمِي دَر كِتَابِ خُوْيِشِ بَه نَامِ
 مَنَاقِبِ نَقْلِ مِيْ كُنْدَ كِهَ:

وَجُوْدِ پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اَلِهَ وَ سَلَّمَ فَرْمُوْدَنَدَ:
 رُوْزِ قِيَامَتِ بِنْدَه قَدَمِ اَز قَدَمِ بَرْنَمِي دَارَدَ تَا اَيْنَكِهَ خُدَاوَنَدِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى دَر بَارَه چَهَار
 چِيْزِ اَوْ رَا بَا زَخَوَاسْتِ نَمَايَدَ،

اَز عَمْرَشِ كِهَ دَر چَه رَاهِي گِذْرَانَدَه،
 اَز جِسْمَشِ كِهَ دَر چَه رَاهِي فَرْسُوْدَه،
 اَز مَالَشِ كِهَ اَز چَه رَاهِي بَه دَسْتِ آوْرَدَه وَ دَر چَه رَاهِي خَرْجِ كَرْدَه،
 وَ اَز دُوَسْتِي وَ مَحَبَّتِ مَا اَهْلِ بَيْتِ.

عَمْرُ بْنُ خَطَّابٍ كِهَ دَر مَحْضَرِ پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ بُوْدَ بَه اَنِّ حَضْرَتِ عَرْضِ كَرْدَ:
 يَا رَسُوْلَ اللهِ:

عِلَامَتِ وَ نَشَانَه دُوَسْتِي وَ مَحَبَّتِ اَهْلِ بَيْتِ شَمَا چِيْسْتِ.
 وَجُوْدِ مَبَارَكِ پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اَلِهَ وَ سَلَّمَ دَسْتِ خُوْيِشِ رَا بَرِ رُوِي
 سَرِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كِهَ دَر مَحْضَرِ اَنِّ حَضْرَتِ بُوْدَ گِذَاشْتَه وَ
 فَرْمُوْدَنَدَ:

عِلَامَتِ وَ نَشَانَه مَحَبَّتِ دَاشْتَنِ بَه مَنِ دُوَسْتِ دَاشْتَنِ وَ مَحَبَّتِ دَاشْتَنِ بَه اَيْنِ شَخْصِ
 اِسْتِ «يَعْنِي عَلِيَّ بْنَ اَبِيْطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

وَجُوْدِ مَبَارَكِ پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اَلِهَ وَ سَلَّمَ دَر پَايَانِ فَرْمَايِشِ خُوْيِشِ
 فَرْمُوْدَنَدَ:

اِطَاعَتِ اَزِ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْطَالِبِ اِطَاعَتِ اَزِ مَنِ اِسْتِ،
 وَ مَخَالَفَتِ بَا اَنِّ حَضْرَتِ مَخَالَفَتِ بَا مَنِ مِيْ بَاشَدَ.

اَيْنِ حَدِيْثِ رَا اَبُو بَرَزَه اَزِ وَجُوْدِ مَبَارَكِ پِيَامْبِرِ اَكْرَمِ نَقْلِ نَمُوْدَه اِسْت.^۱

۱. تَفْسِيْرِ بَرَهَانَ، جِلْدِ هَفْتَمِ، صَفْحَه ۶۷۴، حَدِيْثِ ۱۲.

این حدیث را یکی دیگر از علمای اهل سنت به نام ثعلبی نیز در تفسیر خویش از طریق ابوسعید خدری از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۱

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۶۷۴، حدیث ۱۳.

«سوره ص»

آیه ۶۷ و ۶۸ سوره ص:

«قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ» آیه ۶۷.

«أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ» آیه ۶۸.

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
ای پیامبر، به آنها «کفار، مشرکین، کسانی که به تو ایمان نیاورده اند» بگو:
این یک خبر بزرگ است که شما از آن رویگردان هستید.^۱

شرح لغات و توضیحات:

نَبَأٌ = خبر؛

اعراض کردن = روی برگردان؛

در دو آیه قبل خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:
ای پیامبر، به کفار و مشرکین بگو که من تنها یک انذارکننده و بیم‌دهنده هستم،
و به آنها بگو که معبود و خدایی جز خداوند یگانه قهار نیست،
همان خدایی که پروردگار آسمان و زمین است، و خالق و مالک و صاحب همه
جهان و همه هستی نیز همان خداوند یگانه قهار و عزیز و غفار می باشد.

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۳۵۰.

توضیح:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم مُبَشِّرُ هستند و هم مُنذِرُ، یعنی هم بشارت‌دهنده هستند و هم اندازکننده و بیم‌دهنده، یعنی مؤمنان و شیعیان را بشارت می‌دهد و کفار و مشرکین و بدکاران را انداز می‌کند و می‌ترساند، و چون در این آیات شریفه روی سخن با کفار و مشرکین و غیرمومنین می‌باشد لذا پیامبر اکرم مُنذِرُ نامیده شده و به صفت انداز و بیم دادن اشاره شده است.

۲. در این آیات شریفه هم به قَهَّارِیت و عزّت خداوند متعال اشاره شده که حاکی از قدرت بی‌نهایت خداوند است و اینکه خداوند متعال همیشه و بر همه چیز غالب است و هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شود، و هم به غَفَّارِیت خداوند متعال اشاره شده که حاکی از کثرت آمرزش گناهان می‌باشد.

در واقع اشاره به قَهَّارِیت و عزّت خداوند متعال بیان خوف است که مردم باید خائف و ترسان باشند، و اشاره به غَفَّارِیت خداوند سبحان بیان رجاء و امیدواری به رحمت و آمرزش خداوند متعال می‌باشد، و خلاصه کلام اینکه: انسان‌ها باید هم حالت خوف از خدا را داشته باشند و هم حالت رجاء به رحمت حضرت حق.

خداوند متعال پس از این آیات شریفه در آیات ۶۷ و ۶۸ به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:
 قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ = ای پیامبر، به کفار و مشرکین و مفسدین و کسانی که به تو ایمان نیاورده‌اند بگو این یک خبر بزرگ و عظیم است.

اینکه این نبأ عظیم و این خبر بزرگ و عظیم چیست که خداوند متعال به آن اشاره فرموده و آن را عظیم و بزرگ توصیف نموده است اقوال مختلفی وجود دارد که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. مراد و منظور از نبأ عظیم و خبر بزرگ که مردم از آن رویگردان هستند قرآن

کریم است.

قرآن کریم تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ می باشد و همه چیز در آن آمده و بیان شده است «آیه ۸۹ سوره نحل» و مصداق خبر عظیم است که در آن زمان کَفَّار و مشرکین از آن رویگردان بوده و قرآن کریم را سحر و جادو می دانستند و یا آن را شعر می پنداشتند و کلام خداوند متعال را مورد استهزاء و تمسخر قرار می دادند.

۲. ممکن است مقصود از نبأ عظیم و خبر بزرگ قیامت باشد که کَفَّار و مشرکین آن را تکذیب کرده و از آن غافل بودند.

۳. نبأ عظیم و خبر بزرگ که در این آیه شریفه آمده تأویلی نیز دارد که مربوط به معنی باطنی این آیه شریفه است که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

أَنْتُمْ عَنْهُ مَعْرُضُونَ = که شما «کَفَّار، مشرکین، کسانی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان نیاورده بودند» از آن رویگردان هستید.

بنابراین معنی این دو آیه شریفه به اختصار این است که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید که ای پیامبر: به کَفَّار و مشرکین و کسانی که به تو ایمان نیاورده اند بگو که این یک نَبَأٌ عَظِيمٌ و یک خبر بزرگ است که شما از آن اعراض می کنید و از آن رویگردان هستید.^۱

حدیث:

۱. امام باقر علیه السلام درباره این آیات شریفه «قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ - أَنْتُمْ عَنْهُ مَعْرُضُونَ - آیه ۶۷ و ۶۸ سوره ص» فرمودند.

به خدا قسم منظور از نبأ عظیم وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۳۴۹ تا ۳۵۱.

مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۲۹.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۳۶.

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

منظور از نبأ عظیم در این آیات شریفه «قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ - أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ - آیه ۶۷ و ۶۸ سوره ص» امامت می باشد.

این حدیث را سدید از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۳. هنگام زیارت وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به آن

حضرت عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الرَّشِيدُ،

این زیارت شریف و نورانی از ناحیه امام صادق علیه السلام صادر شده و زیارت سَوم از زیارات مطلقه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد که در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۴. هنگام زیارت وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید

سعید غدیر به آن حضرت عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ، یعنی:

سلام بر تو ای نبأ عظیم، همان نبأ عظیمی که مردم درباره آن اختلاف دارند، و مردم درباره آن نبأ عظیم مورد سؤال قرار خواهند گرفت «که آیا این نبأ عظیم

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۲۷.

بصائر الدرجات، جلد اول، جزء دوم، باب دهم، صفحه ۳۰۶، حدیث ۳ «حدیث ۳۲۱».

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۲۷.

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۵۲۳، حدیث ۸۳ «حدیث ۹۶۳۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۱۸، حدیث ۲.

بصائر الدرجات، جلد اول، جزء چهارم، باب یازدهم، صفحه ۷۴۰، حدیث ۱ «حدیث ۷۷۳».

یعنی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان اولین امام و به عنوان وصی بلافصل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفتند و از آن حضرت اطاعت نمودند یا نه».

این زیارت شریفه اینگونه شروع می شود.

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

این زیارت شریف و نورانی از ناحیه امام هادی علیه السلام صادر شده و در مفاتیح الجنان در بخش زیارت آن حضرت در روز عید سعید غدیر آمده است.

توضیح:

ذیل آیات اول تا پنجم سوره نبأ «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ» روایاتی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که مقصود از نبأ عظیم وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و ولایت و امامت آن بزرگوار و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام می باشد.

«سوره زمر»

آیه ۹ سوره زمر:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ».

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسان و مساوی هستند، نه به هیچ وجه یکسان نیستند اما تنها عقلا «صاحبان خرد و اندیشه» متذکر می شوند و می فهمند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

این آیه شریفه یکسان و هم ارزش نبودن عالمان و جاهلان را بیان می فرماید و می خواهد بفرماید که عالمان و جاهلان هرگز با یکدیگر مساوی و یکسان نیستند. خداوند متعال در این آیه شریفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مخاطب قرار داده و می فرماید:

ای پیامبر:

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ = ای پیامبر به مردم بگو:

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۱۴.

مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۳.

آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان و مساوی هستند. این آیه شریفه استفهام انکاری می‌باشد و معنی آیه شریفه این است که: خیر، هرگز این دو گروه با یکدیگر یکسان و مساوی و هم‌ارزش نیستند، بلکه ارزش و اعتبار تماماً متعلق به کسانی است که می‌دانند، و کسانی که نمی‌دانند ارزش و اعتباری ندارند.

این مقایسه مقایسه‌ای است آشکار و روشن میان عالمان و جاهلان و آگاهان و ناآگاهان و بیان این مطلب که این دو گروه «گروه عالم - گروه جاهل» هرگز با یکدیگر مساوی و یکسان نیستند.

از آن‌جا که این نابرابری به صورت مطلق ذکر شده معلوم می‌شود که عالمان و جاهلان «آن‌ها که می‌دانند - آن‌ها که نمی‌دانند» نه در پیشگاه خداوند متعال یکسان و برابر هستند و نه در نظر خَلق، نه در دنیا در یک صف قرار دارند و نه در آخرت. اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُو الْاَلْبَابِ = فقط صاحبان عقل و خرد «عقلا» متذکر می‌شوند، یعنی فقط صاحبان عقل و خرد متذکر می‌شوند و می‌فهمند و پند می‌گیرند «فقط عاقلان تفاوت این دو جریان را می‌فهمند».

منظور از علم داشتن «دانستن» در این آیه شریفه چیست.

علم در این آیه شریفه و سایر آیات شریفه قرآن کریم به معنی دانستن یک مشت اصطلاحات و یا پی بردن و آگاهی یافتن از روابط مادی بین اشیاء و به اصطلاح علوم رسمی و متداول نمی‌باشد،

بلکه منظور از علم در این آیه شریفه و سایر آیات شریفه قرآن کریم علم به خداوند متعال می‌باشد که انسان را به کمال می‌رساند و نافع به حال انسان است و نداشتن آن به انسان ضرر می‌رساند،

اما علوم دیگر مانند مال و ثروت هستند که تنها در دنیا به درد انسان می‌خورند و با فانی شدن دنیا آن‌ها نیز فانی می‌شوند.

به عبارت دیگر:

آن علمی که در قرآن کریم معیار برتری انسان‌ها به انسان‌های دیگر شناخته شده

و خداوند متعال به صاحب و دارنده آن علم ارزش و اعتبار قائل شده علمی است مربوط به خداوند متعال یعنی علم دین، که به دنبال آن اطاعت از پروردگار و اجتناب از محرّمات حاصل می شود و نتیجه این ها رسیدن به کمال انسان است.
بنابراین:

مقصود از علم در این آیه شریفه و دیگر آیات شریفه قرآن کریم که برای صاحب و دارنده آن ارزش و اعتبار و مقام می آورد علم و معرفت نسبت به خداوند متعال و به تبع آن علم و معرفت نسبت به احکام دین می باشد که باعث اطاعت انسان از خداوند متعال شده «انجام واجبات - ترک محرّمات» و موجب قُرب به درگاه الهی می شود و انسان را به کمال می رساند.

سایر علوم چنانچه در خدمت علم و معرفت دین باشند «علم و معرفتی که در سطور فوق به آن ها اشاره شد» علم تلقی خواهند شد،
لیکن چنانچه این علوم متداول و رسمی در خدمت علم و معرفت دینی نباشند و باعث غرور و غفلت انسان ها شوند و ظلم و فساد را گسترش دهند علم حقیقی نبوده و قیل و قالی بیش نیستند و برای صاحبان خویش ارزش و اعتباری نزد خداوند متعال کسب نخواهند کرد.

در پایان این آیه شریفه آمده که این مطلب را فقط اولوالالباب می فهمند، یعنی فقط صاحبان عقل فرق بین علم حقیقی و جهل را تشخیص می دهند زیرا غیر طایفه اولوالالباب ارزش علم را هم نمی دانند.

بنابراین معنی آیه شریفه این می شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

ای پیامبر به مردم بگو:

آیا آن هایی که علم دارند و می دانند «علوم مربوط به دین که باعث تقرب انسان به درگاه الهی شده و انسان را به کمال می رساند»،

با آن هایی که علم ندارند و نمی دانند «جاهل به علوم دین هستند که نتیجه آن دور شدن انسان از خداوند متعال می شود» یکسان و مساوی هستند،

خیر هرگز عالمان «عالمان دین» با جاهلان یکسان و مساوی نیستند.

تفاوت بین این دو جریان را اولوالالباب «صاحبان عقل و اندیشه» می فهمند.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» فرمودند:
 نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ، وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ عَدُوْنَا، وَ شِيعَتُنَا أُولُو الْأَلْبَابِ، یعنی:
 ما هستیم که عالمیم و می دانیم،
 آن‌ها که جاهلند و نمی دانند دشمنان ما می باشند، و صاحبان عقل شیعیان ما هستند.
 این حدیث را جابر از وجود مقدس امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

۲. وجود امام صادق علیه السلام فرمودند:
 خداوند متعال ما اهل بیت پیامبر اکرم و شیعیان ما و دشمنان ما را در یک آیه جمع
 نموده و فرموده:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر».
 وجود مقدس امام صادق علیه السلام پس از تلاوت این آیه شریفه فرمودند:
 نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ، وَعَدُوْنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، وَ شِيعَتُنَا أُولُو الْأَلْبَابِ، یعنی:
 آن‌هایی که عالمند و می دانند ما اهل بیت پیامبر اکرم هستیم،

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۳۸.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۶۸.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۱۴ - ۴۱۶.

مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۳.

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۰۷، ۳۰۸، حدیث ۱ «حدیث ۵۴۷».

اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۰۸، حدیث ۲ «حدیث ۵۴۸».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۳۸.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۷۰.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۱ - ۸۴۲، حدیث ۳ و ۴.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۳ و ۸۴۴، حدیث ۸، ۱۴ و ۱۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۵ - ۵۴۶، حدیث ۲۰ و ۲۱، «۹۶۷۵ و ۹۶۷۶».

آن‌هایی که جاهلند و هیچ نمی‌دانند دشمنان ما هستند،
و آن‌هایی که عقل و خرد دارند و عاقل هستند شیعیان ما می‌باشند.
این حدیث را ابو بصیر از وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۳. یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام به نام ابن خالد نقل می‌کند که من به
همراه مُعلی بن خُنَیس خدمت امام صادق علیه‌السلام شرفیاب شدیم، هنگامی که
چشمان مبارک امام صادق علیه‌السلام به ما افتاد فرمود:
«أَنْتُمْ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ فِي كِتَابِ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى:
«إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر»، یعنی:
شما شیعیان صاحبان عقل هستید «شما شیعیان عاقل هستید و عقل دارید»، چنانکه
خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

به درستی که فقط صاحبان عقل می‌فهمند و پند می‌گیرند «یعنی فقط شیعیان عقل
دارند و می‌فهمند و درک می‌کنند، و دلیل این امر نیز پیروی و تبعیت آن‌ها از وجود
مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام می‌باشد».^۲

۴. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» فرمودند:
نَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ،
وَ عَدُوُّنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ،
إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلُوا الْأَلْبَابِ شِيعَتُنَا، یعنی:

ما همان کسانی هستیم که علم داریم و همه چیز را می‌دانیم،
دشمنان ما کسانی هستند که هیچ نمی‌دانند و غرق در جهالت می‌باشد،

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۲، حدیث ۵.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۵، حدیث ۱۷ «حدیث ۹۶۷۲».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۳۸.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۴، حدیث ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۲۴ «حدیث ۹۶۷۹».

فقط شیعیان ما هستند که صاحب عقل و اندیشه هستند.
این حدیث را ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۵. محمّد بن مروان می گوید از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» سؤال کردم.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

نَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ،

وَ عَدُوُّنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ،

وَ شِيعَتُنَا أُولُو الْأَلْبَابِ، یعنی:

مائیم عالمان «آنان که عالمند و همه چیز را می دانند ما هستیم»،
دشمنان ما جاهلانند «آنان که جاهلند و هیچ نمی دانند دشمنان ما هستند»،
و شیعیان ما اولوالالباب هستند «شیعیان ما صاحب عقل و خرد هستند».^۲

۶. ابن علی حسان عجلی نقل می کند که در محضر امام صادق علیه السلام بودم که فردی از آن حضرت درباره این آیه شریفه «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ - آیه ۹ سوره زمر» سؤال نمود.

وجود مقدّس امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال او فرمود:

نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ،

وَ عَدُوُّنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ،

وَ شِيعَتُنَا أُولُو الْأَلْبَابِ، یعنی:

-
۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۳، حدیث ۹.
 - تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۲۵ «حدیث ۹۶۸۰».
 ۲. مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۳.
 - تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۳، حدیث ۱۰.
 - تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۴۹، حدیث ۲۶ «حدیث ۹۶۸۱».
 - تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۱۷.

آن‌هایی که عالمند و همه چیز را می‌دانند ما هستیم،
 آن‌هایی که جاهلند و هیچ نمی‌دانند دشمنان ما هستند،
 و آن‌هایی که صاحب عقل و اندیشه هستند شیعیان ما می‌باشند.^۱

۷. هنگام زیارت مولی‌الموحدین امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در روز
 عید سعید غدیر به محضر آن بزرگوار عرض می‌کنیم.
 لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ:
 «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ - آیه ۹ سوره زمر»، یعنی:
 به محضر حضرت امیر علیه‌السلام عرض می‌کنیم:
 خدا لعنت کند کسی را که «کسانی را که» تو را با دشمنانت برابر و مساوی کرد
 در حالی که خداوند متعال در آیه ۹ سوره زمر می‌فرماید:
 آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان و مساوی هستند «آیا عالمان
 با جاهلان یکسان و برابر و مساوی هستند».
 این زیارت شریف از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه‌السلام صادر شده و در
 مفاتیح‌الجنان نیز آمده است.

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۴، حدیث ۱۳.

آیه ۱۷ سوره زمر:

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى...»

ترجمه:

کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند متعال بازگشتند بشارت از آن‌ها است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

اجتناب کردن = پرهیز کردن، امتناع کردن؛

طاغوت = از ماده طغیان می‌آید و به معنی تجاوز و تعدی از حد و مرز می‌باشد، بنابراین طاغوت به هر متجاوز و هر معبودی جز خداوند متعال اطلاق می‌شود، و اگر به شیطان، بُت‌ها، و حاکمان جبار و ظالم و هر فردی که به عبادت غیر خدا دعوت می‌کند طاغوت گفته می‌شود به همین جهت می‌باشد.^۲

در آیات ۱۵ و ۱۶ این سوره مبارکه راجع به مشرکین مطالبی عنوان شده و بیان شده که سرنوشت مشرکین عذاب جهنم می‌باشد و این مشرکین داخل آتش جهنم هستند و آتش آن‌ها را از هر طرف احاطه نموده است.

خداوند متعال پس از بیان سرنوشت مشرکین سخن از بندگان خاص و خالص و حقیقت جوی خویش به میان آورده و می‌فرماید:

وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى = بشارت باد بر کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به سوی خداوند متعال بازگشت نمودند.

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۳۰.

۲. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۷۷.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۳۱.

مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۹.

توضیح:

۱. عبادت طاغوت «شیطان، بُت، حاکمان جبّار و ظالم، هر کسی که انسان را به پرستش غیر خدا دعوت کند» تنها به معنی رکوع و سجود نیست بلکه هر گونه اطاعتی را شامل می‌شود.

در حدیثی که از امام صادق علیه‌السلام نقل شده آمده که:

مَنْ أَطَاعَ جَبَّاراً فَقَدْ عَبَدَهُ، یعنی:

هر کس حاکم و زمامدار جبّار و ستمگری را اطاعت و پیروی نماید او را عبادت و پرستش کرده است، یعنی:

هر کس حاکم و زمامدار جبّار و ستمگری را اطاعت و پیروی نماید او را عبادت و پرستش کرده و در واقع به خداوند متعال شرک ورزیده و مُشرک شده است.

۲. در این آیه شریفه فقط به اجتناب و پرهیز کردن از عبادت طاغوت اکتفا نشده بلکه اَنَابُوا إِلَى اللَّهِ نیز به آن اضافه شده است، و این مسئله حکایت از آن دارد که فقط اجتناب از عبادت طاغوت نمی‌تواند باعث نجات و رستگاری انسان بشود،

بلکه باید پس از نفی طاغوت به طرف خداوند متعال بازگشت نماید،

یعنی فقط خداوند متعال را پرستش کند و اوامر و نواهی خداوند متعال را اجرا نماید.

۳. بشارت «بُشْرَى» شامل حال اینگونه افراد خواهد بود «اجتناب‌کنندگان از طاغوت و بازگشت‌کنندگان به سوی خدا»، ضمن اینکه مژده و بشارت خداوند متعال مطلق می‌باشد و شامل همه گونه نعمات مادی و معنوی می‌شود.

لذا معنی آیه شریفه این می‌شود که:

بشارت باد بر کسانی که از عبادت طاغوت «تبعیت و اطاعت از شیطان، بُت، حاکمان جبّار و ظالم و کسانی که دعوت به غیر از خدا می‌کنند» اجتناب کرده و به سوی خدا بازگشتند،

یعنی فقط خدا را پرستش و عبادت کرده و اوامر و نواهی خداوند متعال را اجرا نمودند.^۱

بنابراین:

بشارت و مژده خداوند متعال به انواع نعمت‌ها مخصوصاً به نعمت‌های جاویدان و همیشگی بهشتی شامل حال کسانی است که:

۱. از عبادت طاغوت اجتناب کنند، یعنی:
از اطاعت شیطان و بت و حاکمان جبار و ظالم، مخصوصاً ائمه ضلالت و گمراهی یعنی خلفای غاصب اجتناب نمایند.

۲. به سوی خداوند متعال بازگردند، یعنی:

فقط خدا را پرستش کنند و اوامر و نواهی خداوند متعال را دقیقاً اجرا نمایند.
بنابراین کسانی که ولایت و امامت حجج خداوند متعال یعنی ائمه معصومین علیهم‌السلام و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را نپذیرفته و از اطاعت این ذوات مقدسه سرپیچی کرده و به جای این بزرگواران از ائمه ضلالت و گمراهی یعنی از غاصبین خلافت تبعیت و پیروی نموده و می‌نمایند مصداق بارز کسانی هستند که طاغوت را پرستش نموده و در زمره مشرکین قرار می‌گیرند، لذا:

بشارت خداوند متعال شامل حال کسانی است که ولایت چهارده وجود مقدس و معصوم علیهم‌السلام را پذیرفته و از آن ذوات مقدسه که حجج خداوند متعال می‌باشند اطاعت و پیروی و تبعیت می‌نمایند.

در بخش حدیث انشاءالله تعالی به این موضوع اشاره خواهد شد.

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۳۱، ۴۳۲.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۷۷.

مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۹.

حدیث:

وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام در رابطه با این آیه شریفه «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى - آیه ۱۷ سوره زمر» به ابو بصیر فرمودند: شما شیعیان و پیروان اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بشارت داده شدگان در این آیه شریفه هستید،

چرا که هر کس ظالم و جبّاری را اطاعت کند او را عبادت و پرستش نموده است. «یعنی خداوند متعال به شما شیعیان مژده و بشارت بهشت و نعمات بهشتی را داده است زیرا از اطاعت طاغوت یعنی از اطاعت ائمه ضلالت و گمراهی اجتناب کرده و از ما ائمه معصومین علیهم‌السلام که حجّت خداوند متعال هستیم اطاعت نمودید»^۱.

توضیح:

طبق این حدیث شریف و نورانی شیعیان اثنی عشری «دوازده امامی» مشمول بشارت و مژده خداوند تبارک و تعالی هستند و انشاءالله تعالی از انواع نعمات بهشتی بهره‌مند خواهند شد زیرا از ائمه معصومین علیهم‌السلام اطاعت و پیروی نموده‌اند که آن بزرگواران حجج خداوند متعال بر مخلوقات هستند و اطاعت از آن ذوات مقدّسه را خداوند متعال به همه مخلوقات واجب کرده است.

در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم.

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، یعنی:

هر کس شما چهارده معصوم علیهم‌السلام را اطاعت کند خداوند متعال را اطاعت نموده و هر کس از دستورات شما سرپیچی کند و از شما نافرمانی نماید از دستورات خداوند متعال سرپیچی کرده و خدا را نافرمانی نموده است.

اما غیر شیعه از حاکمان جبّار و ظالم و ستمگر یعنی از خلفای غاصب اطاعت و

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۵۹، ۱۶۰.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۴۹، حدیث ۱.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۸۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۵۱، حدیث ۳۱ «حدیث ۹۶۸۶».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۴۲.

پیروی می‌نمایند، و طبق فرمایش امام صادق علیه‌السلام هر کس از حاکم جبّار و ستمگر و از خلیفه غاصب اطاعت و پیروی کند مثل این است که او را عبادت و پرستش نموده است، لذا:

غیر شیعیان به جهت اطاعت از خلفای غاصب که به منزله عبادت آن‌ها می‌باشد در زمره مشرکین هستند و بدترین جایگاه جهنّم در انتظار آن‌ها می‌باشد.

طبق فرمایش صریح امام هادی علیه‌السلام در زیارت جامعه کبیره، هر کس با چهارده معصوم علیه‌السلام بجنگد یا مخالفت کند یا آن ذوات مقدّسه را رد کرده و انکار نماید، هم کافر است و هم مُشرک، و منزلگاه کافر و مُشرک نیز پست‌ترین و بدترین جای جهنّم می‌باشند

در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه مقدّسه امام هادی علیه‌السلام صادر شده هنگام زیارت هر کدام از این ذوات مقدّسه علیه‌السلام به آن بزرگواران عرض می‌کنیم:

مَنْ خَالَفَكُمْ فَالْتَأَرْ مَثْوَاهُ،

مَنْ حَجَدَكُمْ كَافِرٌ،

مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ،

وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، یعنی:

هر کس با شما مخالفت کند جایگاهش آتش است،

هر کس شما را انکار کند کافر است،

هر کس با شما بجنگد مُشرک است،

و هر کس شما را رد کند و ولایت شما را نپذیرد منزلگاه او پست‌ترین و بدترین

جای جهنّم است.

آیه ۲۹ سوره زمر:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ...»

ترجمه:

خداوند متعال در این آیه شریفه برای فرد مشرک و موحد «خداشناس و یکتاپرست» مثالی زده است.

خداوند متعال مردی را مثال زده که مملوک و برده چند نفر است و این چند مالک درباره مملوک و برده خویش پیوسته مشاجره و نزاع دارند، و در طرف مقابل مردی است که مملوک و برده یک نفر می باشد «مردی که فقط تسلیم یک نفر می باشد»، آیا این دو نفر و این دو مرد یکسان هستند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

تَشَاكُسٌ = تنازع، اختلاف؛

مُتَشَاكِسٌ = به کسانی گفته می شود که با عصبانیت و بدخلقی به جر و بحث و نزاع مشغول هستند؛

شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ = شرکایی که همیشه با هم مشاجره و نزاع داشته باشند؛
رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ = مردی که مملوک چند نفر می باشد، یعنی مردی که برده چند نفر می باشد و چند نفر مالک او هستند؛

به عبارت دیگر مردی که چندین مالک و صاحب دارد و این مالکین همواره درباره مملوک و برده خویش نزاع و مشاجره دارند.

سَلَمٌ = ۱- چیزی که فقط متعلق به یک نفر باشد و فقط یک نفر صاحب آن باشد
نه اینکه عده‌ای صاحب و مالک او باشند؛ ۲- تسلیم بودن.^۲

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۶۱.

۲. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۹۱.

مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۷۲.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۶۴.

خداوند متعال در این آیه شریفه با ذکر مثالی به وضعیّت و سرنوشت فرد موحد «یکتاپرست» و مُشرک «کسی که معبودهای متعدّدی دارد» اشاره نموده تا با این مثال روشن و واضح مردم به حقیقت موضوع پی ببرند، لیکن در آخر همین آیه شریفه آمده که علی‌رغم این دلایل روشن و واضح اکثر مردم «به علت‌های مختلف از قبیل حبّ دنیا، پیروی هوای نفس و ...» به این حقیقت پی نمی‌برند.

ضَرَبَ اللهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ = خداوند متعال مردی را مثال زده که مملوک شرکایی است که پیوسته درباره او مشاجره و نزاع دارند و این چند شریک ناسازگار بر سر او نزاع می‌کنند.

خداوند متعال در این آیه شریفه مثلی زده که بیان حال مُشرک و موحد می‌باشد. خداوند متعال در این آیه شریفه مردی را مثال می‌زند که مملوک و برده چند نفر می‌باشد و این برده چند ارباب و مالک دارد.

این مالکین و این ارباب‌ها به این برده هر لحظه دستورات مختلفی می‌دهند، یک ارباب به او می‌گوید این کار را انجام بده ارباب دیگر می‌گوید انجام نده، یک ارباب او را به دنبال کاری می‌فرستد اما در همان لحظه ارباب دیگر او را از انجام آن کار نهی کرده و او را سراغ کار دیگری می‌فرستد، و این برده بیچاره متحیر و سرگردان است که امر کدام یک از اربابان خویش را اطاعت کند. چون این برده نمی‌تواند دستور همه اربابان خویش را اجرا کند لذا اربابان او نیز حوائج و نیازمندی‌های این برده را برآورده نمی‌کنند، ضمن اینکه خود اربابان نیز با یکدیگر پیوسته مشاجره دارند.

بنابراین، این برده بیچاره مردّد و سرگردان است و نیازهای او نیز هیچ‌گاه برآورده نمی‌شود، یعنی این برده فردی است کاملاً مستأصل و درمانده و بدبخت.

مثلی که برای این مرد زده شد بیان حال مُشرکین است که بین خدایان و معبودهای متعدّد گرفتار شده‌اند و در میان انواع تضادها و تناقض‌ها غوطه‌ور می‌باشند.

مُشرکین چون خدایان و معبودهای فراوان دارند «از قبیل مال دنیا، ثروت، مقام، شهوات نفسانی و ...» لذا هر روز به معبودی دل می‌بندند و هر روز به اربابی روی می‌آورند و به همین جهت همواره متحیر و سرگردان هستند و هیچ‌گاه به آرامش و

اطمینان نمی‌رسند.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال برای بیان وضع و حال موحدین و یکتاپرستان مثال مردی را زده که:

وَ رَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ = مردی که فقط مملوک یک نفر می‌باشد و تنها تسلیم یک نفر است.

چون این مرد برده و مملوک یک نفر می‌باشد و فقط یک ارباب دارد لذا نه گرفتار تردید است و نه سرگردانی، نه گرفتار تضاد است و نه تناقض، و چون این مشکلات را ندارد با آرامش کامل و با اطمینان خاطر به پیش می‌رود. مثل این مرد مثل فرد موحد و یکتاپرستی است که دل در گرو عشق خداوند یگانه و بی‌همتا دارد و طبق دستور خدای احد و واحد انجام وظیفه می‌کند و به همین خاطر در دنیا و آخرت رستگار و کامیاب است.

بنابراین، فرد مشرک مثل فردی است که اربابان و خدایان و معبودهای فراوان دارد و به همین دلیل همیشه از نظر مادی و روحی در نهایت بدبختی است، اما فرد موحد برخلاف مشرک فقط یک خدای قادر بی‌نیاز را اطاعت می‌کند و به همین جهت همواره خوشبخت و رستگار می‌باشد.

در ادامه آیه شریفه عنوان می‌شود که:

هَلْ يَسْتَوِيَانِ = آیا این دو یکسان و مساوی هستند، یعنی:

آیا مردی که چند صاحب و ارباب دارد «کنایه از مشرکین» با مردی که فقط یک صاحب و یک ارباب دارد «کنایه از موحدین و خداپرستان» یکسان و مساوی است. معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

هرگز فرد موحد و خداپرست با فرد مشرکی که خدایان متعددی را می‌پرستد یکسان و برابر نمی‌باشد، چرا که فرد موحد خداوند یگانه قادری را می‌پرستد که در دنیا و آخرت حامی و پشتیبان او است و سعادت او را تضمین نموده است، لیکن فرد مشرک خدایان متعددی از قبیل بُت، مال و ثروت، جاه و مقام، حکام جبّار و ستمگر، شهوات نفسانی و... را اطاعت می‌کند و می‌پرستد که نه در دنیا می‌توانند سعادت او را تأمین کنند و نه در آخرت، لذا کامیابی و رستگاری و

نجات فقط مربوط به موحدین می باشد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام درباره این آیه شریفه «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ - آیه ۲۹ سوره زمر» فرمودند:

أَنَا ذَاكَ الرَّجُلُ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَعْنِي: من هستم آن مردی که همواره تسلیم رسول خدا بود. این حدیث را مجمع البیان از حاکم حسکانی «از علمای اهل تسنن» نقل نموده است.^۲

۲. امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا... - آیه ۲۹ سوره زمر» فرمودند:

الرَّجُلُ السَّلَامُ لِلرَّجُلِ حَقًّا عَلِيٌّ وَشِيعَتُهُ، يَعْنِي: مردی که حقیقتاً تسلیم بود «تسلیم محض خدا و رسول» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و شیعیان او بودند.^۳

-
۱. مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۷۳-۱۷۴.
المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۹۱-۹۲.
تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۶۳-۴۶۴.
 ۲. مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۷۴.
المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۹۸.
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۴۸.
تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۱، حدیث ۸.
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۶۱، حدیث ۴۵ «حدیث ۹۷۰۰».
تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۶۵.
 ۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۱، حدیث ۵.
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۶۱، حدیث ۴۶ «حدیث ۹۷۰۱».
مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۷۴.
المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۹۸.
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۴۸.
تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۶۵.

۳. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام درباره این آیه شریفه «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ - آیه ۲۹ سوره زمر» فرمودند: آن مردی که شرکاء متعدّد در مورد او با یکدیگر نزاع و اختلاف داشتند فلانی است که افراد منحرف و افکار باطله برخلاف او اجتماع کردند، درحالی که همین افراد در این زمینه و در این کار یکدیگر را لعنت می کردند و از هم بیزاری می جستند، اما مردی که خالصانه تسلیم بود «تسلیم خدا و رسول خدا» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و شیعیان آن حضرت بودند. این حدیث را ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

افراد منحرف و فاسدی که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سقیفه بنی ساعده اجتماع کرده و برخلاف دستور خدا و رسول خدا فرد دیگری غیر از حضرت امیر علیه السّلام را به عنوان خلیفه مسلمین انتخاب کردند در حقیقت مالک و ارباب او بودند و خودشان نیز قلباً و باطناً خودشان را قبول نداشتند و فقط برای رسیدن به حکومت و به خاطر منافع مادی خودشان دور یکدیگر جمع شده بودند، لذا:

این افراد منحرف و بی دین نه تسلیم و مطیع خدا و رسول خدا بودند و نه یکدیگر را قبول داشتند «البته ظاهراً با هم خوب بودند اما در باطن هر کس به فکر منافع مادی خویش بود و با دیگران تضاد داشت».

اما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام تسلیم و مطیع محض خدا و رسول خدا بود و شیعیان واقعی آن حضرت نیز به تبع آن حضرت تسلیم و مطیع محض خدا و رسول خدا و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السّلام بودند و هستند.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۴۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۵۹، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۶۱، حدیث ۴۳ «حدیث ۹۶۹۸».

۴. وجود مقدس امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

من آن مردی هستم که تسلیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشم و خداوند متعال در این رابطه می فرماید:

وَ رَجُلًا سَلَّمَ لِرَجُلٍ «آیه ۲۹ سوره زمر».

این حدیث را جابر جعفری از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۵. محمد حنفیه از وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند که آن حضرت درباره این آیه شریفه «وَ رَجُلًا سَلَّمَ لِرَجُلٍ - آیه ۲۹ سوره زمر» فرمودند: من آن مردی هستم که تسلیم و مطیع محض پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشم.^۲

۶. وجود مقدس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه «وَ رَجُلًا سَلَّمَ لِرَجُلٍ - آیه ۲۹ سوره زمر» فرمودند:

مقصود از رَجُلًا سَلَّمَ در این آیه شریفه وجود حضرت امیر علیه السلام می باشد، و مقصود از لِرَجُلٍ در این آیه شریفه وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

این حدیث را حمران از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۳

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۴۷ - ۵۴۸.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۰، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۶۱، حدیث ۴۴ «حدیث ۹۶۹۹».

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۰، حدیث ۳.

۴. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۰، حدیث ۴.

آیه ۳۳ سوره زمر:

«وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ».

ترجمه:

کسی که سخن راست و سخن حق بیاورد و کسی که آن را تصدیق کند و قبول نماید آن‌ها پرهیزکاران واقعی هستند.^۱

در آیات قبل و این آیه شریفه صحبت از دو گروه می‌باشد.

۱. گروه مُکذِّبان «گروه تکذیب‌کنندگان».

مشخصه این گروه این بود که به خداوند متعال دروغ می‌بستند یعنی ملائکه را دختران خدا به حساب می‌آوردند، و یا اینکه حضرت عیسی را پسر خدا قلمداد می‌نمودند، و یا اینکه بُت‌ها را شفیع درگاه الهی می‌دانستند، و یا اینکه احکامی در زمینه حلال و حرام جعل کرده و آن را به خداوند متعال نسبت می‌دادند.

دیگر مشخصه گروه مکذبان این بود که وقتی سخن صدق «یعنی وحی - یعنی دین حق» به سراغ آن‌ها می‌آمد آن را تکذیب کرده و از ایمان آوردن به دین حق «یعنی دین اسلام که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وحی شده بود» خودداری و امتناع می‌کردند.

۲. گروه مُصدِّقان «گروه تصدیق‌کنندگان».

این گروه کسانی بودند که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به رسالت مبعوث شد به آن حضرت ایمان آورده و دین حق را تصدیق کرده و تمام اوامر و نواهی آن حضرت را نیز به اجرا درآوردند، یعنی:

هم رسالت و نبوت آن حضرت را تصدیق کرده و پذیرفتند و هم اینکه دستورات آن حضرت را که وحی الهی بود به مورد اجرا گذاشتند.

قابل ذکر است که شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که این سخن صدق و راست را آورده «یعنی دین اسلام را که خداوند متعال به آن حضرت وحی

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۷۲.

فرموده بود» در رأس گروه مُصَدِّقَان قرار دارد.

خداوند متعال در توصیف آورنده حق «آورنده سخن صدق» و تصدیق‌کنندگان حق می‌فرماید:

وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ = کسی که سخن صدق و سخن راست را آورد.

مقصود از کسی که سخن صدق را آورد وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد،

و مقصود از سخن صدق «سخن راست» دین حق یعنی دین اسلام می‌باشد که خداوند متعال از طریق وحی به پیامبر اکرم نازل فرمود.

اگر به جای دین حق «دین اسلام» تعبیر به صدق شده به این جهت است که راست‌ترین سخنان وحی الهی است، و در واقع وحی الهی سخن صدق و راستی است که هیچگونه احتمال دروغ و خلاف و خطا در آن راه ندارد و به همین لحاظ به جای کلمه وحی کلمه صدق در این آیه شریفه به کار رفته است.

وَ صَدَّقَ بِهِ = کسی که این سخن صدق یعنی این وحی الهی را تصدیق کرد و آن را پذیرفت و به آن ایمان آورد، یعنی:

کسی که دین حق یعنی دین اسلام را تصدیق کرد و آن را پذیرفت و به آن ایمان آورد.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ = پرهیزکاران واقعی آن‌ها هستند، یعنی:

متقین حقیقی و پرهیزکاران واقعی عبارتند از:

۱. وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ، یعنی:

کسی که سخن صدق یعنی دین حق «دین اسلام» را از طرف خداوند متعال آورده و آن را ارائه فرموده تا مردم به راه راست هدایت شوند، و این فرد کسی نیست جز وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.

۲. وَ صَدَّقَ بِهِ، یعنی:

کس یا کسانی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورده و این سخن

صدق یعنی دین حق «دین اسلام» را تصدیق کرده و آن را پذیرفتند. کلیه افرادی که حقیقتاً به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورده و اسلام را پذیرفتند و دستورات پیامبر اکرم را اجرا نمودند در زمره کسانی هستند که خداوند متعال آن‌ها را پرهیزکار حقیقی نامیده است، اما این گروه یعنی تصدیق‌کنندگان پیامبر اکرم و ایمان‌آوردگان به آن حضرت مصداق اتم و اکملی دارد که انشاء الله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. امام کاظم علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ - آیه ۳۳ سوره زمر» فرمودند: منظور از وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ «کسی که دین حق یعنی دین اسلام را آورد» وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد، و منظور از وَصَدَّقَ بِهِ «کسی که دین حق یعنی دین اسلام را تصدیق نمود و به آن ایمان آورد» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد. این حدیث را اسماعیل بن همّام از وجود مقدس امام کاظم علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۲. از امام باقر و امام صادق و امام رضا سلام‌الله علیهم اجمعین نقل شده که آن ذوات مقدسه فرمودند:

منظور از صَدَّقَ بِهِ «کسی که دین حق یعنی دین اسلام را تصدیق نمود و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد» وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام می‌باشد.^۳

۱. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۹۴.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۷۲ - ۴۷۳.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۴، حدیث ۷.

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۴، حدیث ۸.

۳. از وجود مقدّس ائمه معصومین علیهم السّلام نقل شده که فرموده‌اند:
 منظور از وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ «کسی که دین حق یعنی دین اسلام را آورد» وجود
 مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌باشد،
 و منظور از صَدَقَ بِهِ «کسی که دین حق یعنی دین اسلام را تصدیق نمود و به پیامبر
 اکرم ایمان آورد» وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد.^۱
 قابل ذکر است که:

بسیاری از مفسّرین اسلام اعم از شیعه و سنّی این حدیث را ذیل این آیه شریفه «وَ
 الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ - آیه ۳۳ سوره زمر» نقل کرده‌اند که:
 منظور از الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وجود مبارک پیامبر اکرم است،
 و منظور از صَدَقَ بِهِ حضرت امیر علیه السّلام می‌باشد. طبرسی در مجمع‌البیان و
 ابوالفتح رازی این حدیث را از ائمه معصومین علیهم السّلام نقل نموده‌اند، و علما و
 مفسّرین اهل سنّت از قبیل ابن مغازلی در مناقب، علامه گنجی در کفایة الطالب، قرطبی
 در تفسیر معروف خویش، سیوطی در درّالمنثور، و آلوسی در روح المعانی این حدیث
 را از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده‌اند.^۲

توضیح:

الف) همه علماء اسلام اعم از شیعه و سنّی متفق القول هستند که اولین کسی
 که از مردان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم ایمان آورد وجود مقدّس
 امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام می‌باشد که در زمان مبعوث شدن پیامبر
 اکرم به رسالت ده سال سن داشت و در سنّ ده سالگی به پیامبر اکرم صلی الله علیه

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۱۷۸.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۴۹.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۹۹.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۶۵، حدیث ۱۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۶۳، حدیث ۵۱ «حدیث ۹۷۰۶».

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۷۳ - ۴۷۷.

۲. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۴۷۶ - ۴۷۷.

و آله و سلم ایمان آورد.

در بین بانوان نیز اولین بانویی که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آورد وجود نازنین خدیجه کبری سلام الله علیها «مادر گرانقدر فاطمه زهرا سلام الله علیها» بود.

۴. در زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید سعید غدیر که از ناحیه مقدسه امام هادی علیه السلام صادر شده به محضر مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام اینگونه عرض سلام می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا امِينَ اللهِ فِي اَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ
عَلَى عِبَادِهِ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ وَ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ،
أَشْهَدُ أَنَّكَ اَخُو رَسُولِ اللهِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَارِثُ عِلْمِهِ وَ امِينُهُ عَلَى شَرَعِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي اُمَّتِهِ وَ
أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ، یعنی:

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سید و آقای اوصیاء و وارث علم پیامبران،
سلام بر تو ای امیر مؤمنان، ای امین خدا در زمین خدا و سفیر و نماینده خدا بر مخلوقات و حجت رسای خدا بر بندگان خدا،

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، ایمان آوردی به خداوند متعال در آن زمان که مردم مشرک بودند، و تصدیق کردی حق را «ایمان آوردی به دین حق یعنی دین اسلام و ایمان آوردی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم» هنگامی که مردم، پیامبر اکرم و دین اسلام را تکذیب می کردند،

سلام بر تو ای سید و آقای همه مسلمانان.

شهادت و گواهی می دهیم که تو ای امیرالمؤمنین، برادر رسول الله و وصی او و وارث علم او و امین رسول الله بر شریعت و دین او و خلیفه و جانشین رسول الله بر امت او هستی،

و اولین کسی هستی که به خدا و رسول خدا ایمان آورد،
و اولین کسی هستی که تصدیق نمود آنچه را که خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی
الله علیه و آله و سلم نازل فرمود.
این زیارتنامه شریف و نورانی در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

ب) ایمان آوردن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام به پیامبر اکرم و اسلام
آوردن علی علیه السلام در سنّ ده سالگی ظاهر قضیه است و گرنه حقیقت امر چیز
دیگری است، یعنی:

۱. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام زمانی که طفل دو سه روزهای بود وقتی
در آغوش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت و چشم مبارک خویش
را باز نمود و چهره نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نمود به
پیامبر اکرم اینگونه عرض سلام نمود:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ،

سپس وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام چند آیه از آیات
آغازین سوره مبارکه مؤمنون را تلاوت فرمود و پس از تلاوت این آیات شریفه
توسط علی علیه السلام بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین
علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا علی، مؤمنین به وسیله تو و با پذیرش امامت و ولایت تو رستگار می شوند.

یا علی، به خدا قسم تو امیر و آقا و سرور مؤمنین هستی و...

۲. پیامبر اکرم در سال سوّم بعثت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به
عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی فرمود.
این قضیه در سال سوّم بعثت بود و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در آن
هنگام سیزده سال از عمر مبارکشان می گذشت.
ذیل آیه ۲۱۴ سوره شعراء، آیات اوّل تا یازدهم سوره مؤمنون و آیه یازدهم سوره
یس در این خصوص مطالبی عنوان شده است.

آیه ۵۳ سوره زمر:

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

ترجمه:

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:
ای پیامبر، از جانب من به مردم بگو:
ای بندگان من که بر خودتان اسراف کرده‌اید «به خودتان ظلم کرده‌اید» از رحمت
خدا نومید و مایوس نشوید که خداوند همه گناهان را می آمرزد،
زیرا خداوند متعال بسیار آمرزنده و مهربان است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

اسراف = زیاده‌روی، تجاوز از حد در هر کاری.
هر چند کلمه اسراف بیشتر در رابطه با خرج کردن بیش از حد و اندازه مال و ثروت
به کار رفته است لیکن اسراف یعنی زیاده‌روی و تجاوز از حد و اندازه در هر کاری.
اسراف بر نفس = تعدی بر نفس و ظلم بر نفس «جنایت به نفس و ظلم به خویش
با ارتکاب گناه»؛

تَقْنَطُوا = از قنوط می آید و قنوط یعنی نومید شدن، مایوس شدن؛

ذُنُوبٌ = جمع ذَنْبٌ یعنی گناهان؛

غَفُورٌ = آمرزنده؛

رَحِيمٌ = مهربان.^۲

این آیه شریفه از امیدبخش‌ترین آیات قرآن کریم می باشد و وعده آمرزش همه
گناهان را داده است.

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۲۰.

۲. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۲۴ - ۱۲۵.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۲۱ - ۵۲۲.

از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمودند:

مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ أَوْسَعُ مِنْ: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ...، یعنی:

هیچ آیه‌ای در قرآن کریم وسیع‌تر و گسترده‌تر از این آیه شریفه وجود ندارد. در حدیث دیگری نیز آمده که در قرآن کریم هیچ آیه‌ای امیدوارکننده‌تر از آیه پنجم سوره صُحی نیست که طیّ آن خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید:

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ.^۱

این آیه شریفه و شش آیه بعد در یک سیاق و در یک زمینه می‌باشند و در واقع این آیات شریفه هفتگانه کلامی واحد و متصل به یکدیگر می‌باشند. در اولین آیه از این آیات هفتگانه «آیه ۵۳» خداوند متعال گنهکاران را از یأس و نومید شدن از رحمت خدا نهی نموده و سپس در آیات بعد امر به توبه و سپس تسلیم شدن در مقابل حق و انجام عمل صالح می‌فرماید.^۲

در این آیه شریفه خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید ای پیامبر:

از طرف من و از جانب من به مردم بگو:

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ = ای بندگان من که بر خودتان اسراف کرده‌اید. اسراف بر نفس یعنی ظلم به خود نمودن و به خویشتن ستم کردن، و ظلم و ستم نمودن بر خویش یعنی گناه کردن و خویشتن را گرفتار عذاب جهنّم نمودن.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این می‌شود که:

خداوند متعال به پیامبر اکرم می‌فرماید که از جانب من به مردم بگو:

ای بندگان من که به خودتان ظلم و ستم روا داشته‌اید، به عبارت دیگر:

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۶.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۳۳.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۲۱.

۲. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۲۶.

ای بندگان من که در گناه و معصیت غرق شده‌اید و خیلی گناه نموده‌اید و بدین وسیله به خودتان ظلم کرده‌اید.

توضیح:

وقتی انسان مرتکب گناه و معصیت می‌شود و خودش را مستوجب عذاب جهنم می‌کند در واقع به نفس خویش یعنی به خودش ظلم می‌کند چرا که می‌توانست با انجام عمل صالح خودش را به بهشت ببرد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه همه گنهکاران را از یأس و نومی‌دی از رحمت خداوند متعال بر حذر داشته و می‌فرماید:

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ = یعنی ای گنهکاران از رحمت خداوند متعال مأیوس نباشید و از رحمت خداوند متعال ناامید نگردید.

نومید نشدن و مأیوس نشدن از رحمت خداوند متعال در این آیه شریفه مربوط به آخرت می‌باشد، بنابراین معنی رحمت در این قسمت از آیه شریفه مغفرت می‌باشد «یعنی آمرزش گناهان»، لذا معنی آیه شریفه این می‌شود که:

ای گنهکاران، هرگز از مغفرت خداوند متعال ناامید و مأیوس نشوید چرا که خداوند متعال غفور و آمرزنده است و مغفرتِ الهی «آمرزش گناهان توسط خداوند متعال» شامل حال شما خواهد بود.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال دلیل و علتِ نهی کردن از یأس و نومی‌دی از رحمت خویش را بیان می‌فرماید.

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً = به درستی که خداوند متعال همه گناهان را می‌آمرزد و می‌بخشد، یعنی:

ای گنهکارانی که مرتکب گناه شده‌اید و در ارتکاب گناه نیز افراط کرده و از حد گذرانده‌اید، در این حال باز هم از رحمت و مغفرت خداوند متعال مأیوس و ناامید نشوید، زیرا:

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً، یعنی خداوند متعال همه گناهان را می‌آمرزد و همه گناهان

را می‌بخشد زیرا خداوند متعال غفور و رحیم است، یعنی آمرزنده و مهربان است.^۱

آیا همه گناهان آمرزیده می‌شوند؟

در آخر آیه شریفه عنوان شد که خداوند متعال غفور و رحیم است و همه گناهان را می‌آمرزد و به همین دلیل همه گنهکاران حتی گنهکارانی که افراط در گناه کرده‌اند نباید از رحمت خداوند متعال «مغفرت الهی» ناامید و مأیوس شوند.

این مغفرت الهی عام است و همه گناهان را در بر می‌گیرد، و خلاصه کلام اینکه همه گناهان قابل آمرزش می‌باشند لیکن بهانه و دلیل و سببی باید باشد تا خداوند متعال گناه گنهکاران را ببخشد.

بهانه و سببی که می‌تواند باعث این شود که خداوند متعال همه گناه گنهکاران را ببخشد و بیامرزد دو چیز است.

۱. توبه

اگر شخصی مرتکب گناهان فراوانی بشود لیکن پس از مدتی نادم و پشیمان شود و توبه نماید خداوند متعال گناهان او را می‌آمرزد.

حتی اگر مُشْرک نیز توبه کند و از اینکه مُشْرک بوده به درگاه خداوند متعال توبه نماید خداوند متعال توبه او را می‌پذیرد و گناهان او را می‌آمرزد.

اگر در آیه ۴۸ سوره نساء عفو و بخشش مشرکان استثنا شده و آمده که:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ...، یعنی:

خداوند متعال شِرْک را نمی‌بخشد «اما کمتر از آن را برای هر کس که بخواهد می‌آمرزد» به این دلیل است که این آیه شریفه در رابطه با مشرکینی است که در حال شِرْک از دنیا بروند، اما اگر مُشْرکی قبل از مرگ توبه کند این فرد نیز در زمره کسانی خواهد بود که خداوند متعال گناهانش را می‌آمرزد، بنابراین:

خداوند متعال گناه همه گنهکاران را می‌بخشد مشروط بر اینکه:

الف) توبه کنند و از گناهان خویش نادم و پشیمان شوند و به طرف خداوند متعال

۱. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۲۴-۱۲۵.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۲۱-۵۲۲.

روی بیاورند و گذشته خویش را جبران نمایند.

ب) تسلیم و مطیع اوامر و نواهی خداوند متعال باشند.

ج) عمل صالح انجام دهند «به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند».
سه مورد فوق‌الشاره در آیات ۵۴ و ۵۵ سوره زمر آمده است.

۲. شفاعت

دوّمین بهانه و سببی که باعث می‌شود خداوند متعال گناه گنهکاران را ببخشد موضوع شفاعت می‌باشد، لیکن به نص قرآن کریم شفاعت شامل مشرکین نمی‌شود، یعنی اگر کسی مشرک از دنیا برود مشمول شفاعت نخواهد شد.

آیه ۴۸ سوره نساء که قبلاً ذکر شد ناظر به شفاعت است، یعنی کسانی که پائین‌تر از شرک گناهدار بوده باشند شفیعان آنها اگر شفاعت کنند خداوند متعال گناهانشان را می‌آمرزد و می‌بخشد.^۱

توضیح:

کسانی که اصول اعتقادی آنها صحیح و درست باشد، یعنی خداوند متعال را به یگانگی بشناسند و رسالت و نبوت پیامبر اکرم و ولایت و امامت اهل بیت آن حضرت را پذیرفته باشند چنانچه پس از ارتکاب گناه از گناهان خویش توبه نموده و نادم و پشیمان شوند و پس از توبه، به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند خداوند متعال طبق وعده‌ای که در این آیه شریفه داده همه گناهان گذشته آنها را می‌آمرزد.

اما اگر کسانی در توحید مشکل داشته‌اند یعنی مشرک بوده‌اند، یا ولایت وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم‌السلام را نپذیرفته‌اند چنانچه قبل از مرگ خویش اصول اعتقادی خویش را اصلاح نمایند، یعنی خداوند متعال را به یگانگی بشناسند و چهارده وجود مقدّس و معصوم علیهم‌السلام را حجج خداوند متعال و واجب‌الاطاعه بدانند و سپس توبه نموده و به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند انشاءالله تعالی گناهان این افراد نیز با لطف و فضل الهی آمرزیده می‌شود،

۱. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۲۵ - ۱۲۶.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۲۳ - ۵۲۵.

لیکن اگر کسی مشرک از دنیا برود و یا اینکه امامت ائمه معصومین را نپذیرفته باشد مشمول آمرزش الهی نخواهد شد. در بخش حدیث ملاحظه خواهید فرمود که آمرزش و مغفرت الهی فقط شامل حال گنهکاران شیعه است، یعنی گنهکارانی که امامت و ولایت چهارده معصوم علیهم السلام را پذیرفته باشند و قبول کرده باشند مشمول مغفرت و آمرزش خداوند متعال خواهند بود.

حدیث:

۱. امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمودند:
 لَقَدْ ذَكَرَكُمْ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ إِذْ يَقُولُ «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً...»،
 وَ اللهُ مَا أَرَادَ بِذَلِكَ غَيْرَكُمْ، یعنی:
 امام صادق علیه السلام به ابو بصیر فرمود:
 یا ابا بصیر:

خداوند متعال از شما شیعیان در کتاب خود «قرآن کریم» یاد کرده و فرموده: یا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ...، سپس وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش به ابو بصیر فرمودند:

به خدا قسم، خداوند متعال در این آیه شریفه جز شما شیعیان افراد دیگر را اراده نفرموده است.^۱

۲. امام صادق علیه السلام به عباد بن زیاد فرمود:
 غیر از شما شیعیان اعمال دیگران مورد قبول درگاه الهی واقع نمی شود،

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۷۵، حدیث ۷۰ «حدیث ۹۷۲۵».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۱، حدیث ۱.

و جز گناهان شما شیعیان گناهان دیگران آمرزیده نمی شود.^۱

توضیح:

اگر کسی به خدا و رسول خدا ایمان داشته باشد و ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام را پذیرفته باشد چنانچه گناهان فراوانی نیز مرتکب شده باشد اگر توبه نماید و پس از توبه اعمال صالح انجام داده و به تکالیف شرعی خویش عمل نماید انشاءالله تعالی خداوند متعال گناهان او را می بخشد و می آمرزد.

اما اگر کسی به خدا و رسول ایمان داشته باشد لیکن ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام را نپذیرفته باشد اگر هزار بار نیز از گناهان خویش توبه کند توبه اش پذیرفته نشده و گناهانش آمرزیده نمی شود و بلکه بالاتر از این، یعنی:

افرادی که ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام را نپذیرفته اند، چنانچه حتی گناهی نیز مرتکب نشده باشند و در نامه عملشان اصلاً گناه و معصیتی وجود نداشته باشد و حتی عمل هفتاد پیغمبر هم در نامه عمل آنها باشد خداوند متعال همه اعمال آنها را حَبْطٌ و هَبَاءٌ مَّنْثُوراً می کند «هیچ و پوچ و تباه می کند» و آنها را روانه جهنم می سازد.

ذیل آیه ۱۸۰ سوره اعراف، آیه ۵ سوره مائده، آیه ۸۲ سوره طه و آیه ۲۳ سوره فرقان احادیثی در این خصوص نقل شده است که اعمال بدون ولایت پذیرفته نخواهد شد.

قابل ذکر است که هر کس حقیقتاً به خدا و رسول خدا ایمان آورده باشد قطعاً چنین شخصی ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام را نیز با جان و دل می پذیرد، بنابراین کسانی که ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۷۹، حدیث ۷۸ «حدیث ۹۷۳۳».

و ائمه معصومین علیهم السلام را نپذیرفته و از دیگران تبعیت و پیروی می نمایند قطعاً چنین افرادی به خدا و رسول خدا نیز ایمان نداشته و ندارند و دروغ می گویند. اما توبه غیرشیعیه «کافرین، مشرکین، منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام و...» این است که این افراد بایستی ابتدا مبانی اعتقادی خویش را اصلاح نمایند، یعنی به یگانگی خداوند متعال ایمان بیاورند، نبوت و خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت و امامت اهل بیت آن حضرت و ائمه معصومین علیهم السلام را بپذیرند و سپس از معاصی و گناهان گذشته خویش توبه نموده و نادم و پشیمان شوند و به تکالیف شرعی خویش عمل نمایند که در این صورت توبه آنها پذیرفته می شود و خداوند متعال گناهان آنها را می بخشد و می آمرزد.

در زیارت وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در روز عید سعید غدیر آمده که وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

وَ الَّذِي بَعْنِي بِالْحَقِّ:

مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ،

وَ لَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِكَ،

وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ،

وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا إِلَى مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ، یعنی:

قسم به خداوندی که مرا به حق برانگیخت و به رسالت مبعوث فرمود، به من ایمان نیاورده کسی که به تو کافر است و کفر می ورزد «کسی که به امامت تو ایمان نیاورد به رسالت من نیز ایمان نیاورده است»،

و به خداوند متعال اقرار نکرده است کسی که تو را انکار کند «کسی که امامت تو را انکار کند و امامت تو را نپذیرد به خداوند متعال نیز ایمان نیاورده است»،
گمراه است کسی که مردم را از تو بازدارد «گمراه است کسی که مردم را از پذیرش امامت تو منع نماید»،

و کسی که به وسیله تو هدایت و رهبری نشود به سوی خداوند متعال و به سوی من راه نیافته و هدایت نشده است.

این زیارت نورانی و شریف از ناحیه وجود مقدس امام هادی علیه السلام صادر شده و در مفاتیح الجنان نیز آمده است.

۳. وجود مقدس امام باقر علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال روز قیامت کسی را نمی بخشد و نمی آمرزد که بگوید من نمی دانستم که فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها به همه مردم ولایت دارند و حاکم و والی همه مردم هستند «هیچ کس نمی تواند بهانه بیاورد و بگوید که من نمی دانستم فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها والیان امر و اولی الامر می باشند و به همه مردم ولایت دارند»، در حالی که خداوند متعال این آیه شریفه را «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» - آیه ۵۳ سوره زمر» فقط در شأن فرزندان آن حضرت نازل فرموده و مخصوص شیعیان فرزندان آن حضرت می باشد.

این حدیث را ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴. فردی به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام عرض کرد:

یا امیرالمؤمنین:

مرگ را برای من وصف بفرمائید.

وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

مرگ یکی از سه امری است که بر آدمی وارد می شود:

یا بشارت و نوید به نعمات جاوید و همیشگی است،

یا خبری است به عذاب ابدی و همیشگی،

و یا اندوهگین ساختن و ترساندن است که در این صورت کار شخص محتضر

مبهم است زیرا نمی داند در زمره کدام یک از این سه گروه می باشد.

۱. تفسیر قمی، جلد چهارم، صفحه ۲۴۸.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۶.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۲، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۷۵، حدیث ۶۹، «حدیث ۹۷۲۴».

اما انسانی که مُحبّ و مطیع ما باشد به نعمات جاوید بشارت و نوید داده می شود
 «نعمات جاوید بهشتی»،

دشمنان ما عذاب ابدی در پیش خواهند داشت،

اما آن کس که وضعش نامعلوم است و نمی داند سرانجامش چه خواهد شد مؤمنی
 است که «شیعه‌ای است که» بر نفس خویش اسراف نموده است «یعنی به زیان خود
 زیاده‌روی نموده یعنی مرتکب گناهان زیادی شده است» لذا به این شیعه گنهکار اخبار
 مبهم و ترسناک می رسد،

لیکن خداوند متعال هرگز او را با دشمنان ما برابر نخواهد کرد و به شفاعت ما او
 را از جهنم بیرون می آورد.

وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام در پایان فرمایشات خویش
 فرمودند «خطاب به شیعیان»:

عمل صالح انجام دهید «به تکالیف شرعی خویش عمل نمائید»،

و خداوند متعال را اطاعت کنید،

و عقوبت و عذاب الهی را کوچک شمارید و مطمئن نباشید، زیرا:

شفاعت شامل حال مسرفین نخواهد شد مگر بعد از سیصد هزار سال.^۱

قابل ذکر است که در این جا معنی مسرفین، اسراف‌کنندگان در گناه می باشد،

لذا مسرفین در اینجا یعنی کسانی که گناهان زیادی مرتکب می شوند.

۱. معانی الاخبار صدوق، جلد دوم، باب ۳۲۲ «معنی مرگ» صفحه ۱۹۴، حدیث ۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۷۷، حدیث ۷۷ «حدیث ۹۷۳۲».

آیه ۵۶ سوره زمر:

«أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ».

ترجمه:

دستوراتی که در آیات قبل داده شد برای این است که مبدا روز قیامت کسی بگوید:

افسوس بر من از کوتاهی‌هایی که در اجرای اوامر خداوند متعال نمودم و از مسخره‌کنندگان آیات الهی و حجج خداوند متعال بودم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

تَفَرِّطٌ = کوتاهی و قصور و اهمال در عملی است که باید انجام می‌شد لیکن به علّت سهل‌انگاری وقت آن گذشته است؛

حَسْرَتٌ = اندوه خوردن و غمگین شدن برای چیزهایی که از دست رفته و پشیمانی به بار آورده است، و یا:

اندوه خوردن و غمگین شدن بر چیزی که وقت آن گذشته و جبران آن ممکن نیست، پس معنی خلاصه شده این دو کلمه این است:

تَفَرِّطٌ = کوتاهی، قصور «برای کاری که وقت آن گذشته»؛

حَسْرَتٌ = اندوه خوردن، غمگین شدن «برای از دست دادن چیزی که جبران آن ممکن نیست»؛

جَنْبٌ = جَنْبٌ در لغت به معنی پهلو است، و سپس به هر چیزی که در کنار چیزی قرار گرفته باشد اطلاق می‌شود.

جَنْبُ اللَّهِ = اموری که مربوط به خداوند متعال است و در جانب پروردگار قرار دارد، از قبیل:

اوامر خداوند متعال، اطاعت از خداوند متعال، قُرب و نزدیکی به خدا، حجج خداوند متعال، دین خدا، راه خدا، کتاب خدا و...

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۳۲ - ۵۳۳.

تَفْرِيطُ در جَنْبِ اللَّهِ = یعنی:

۱. کوتاهی و قصور در انجام اوامر و دستورات خداوند متعال؛
۲. کوتاهی در حق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم.^۱
در سه آیه قبل به گنهکاران «حتی گنهکارانی که اسراف بر نفس کرده‌اند یعنی غرق در گناه شده و افراط در گناه نموده‌اند» دستور داده شده بود تا از رحمت و مغفرت خداوند متعال مأیوس و نومید نشوند و تا دیر نشده توبه کرده و تسلیم اوامر الهی شده و اعمال صالح انجام دهند تا خداوند متعال گناهان آن‌ها را ببخشد و بیامرزد.
این دستورات «توبه، تسلیم اوامر خدا شدن، انجام اعمال صالح و عمل به تکلیف شرعی» به این منظور به همه مردم و خصوصاً گنهکاران داده شد تا آن‌ها به اصلاح امور خویش پرداخته و مشمول رحمت و مغفرت الهی شوند.
- همچنین این دستورات به این منظور داده شد که مبدا روز قیامت کسی بگوید:
أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ = این دستورات به این منظور است که مبدا کسی روز قیامت بگوید:
۱. افسوس بر من از اینکه از اطاعت خداوند متعال و اجرای دستورات او کوتاهی کردم؛
۲. افسوس بر من از اینکه در دنیا از اطاعت حجج خداوند متعال و اجرای دستورات آن‌ها کوتاهی نمودم؛
۳. افسوس بر من از اینکه در دنیا از انجام کارهایی که ثواب داشت کوتاهی کردم؛
۴. افسوس بر من از اینکه در دنیا از انجام کارهایی که باعث قُرب به درگاه الهی می شد کوتاهی کردم؛
۵. افسوس بر من از اینکه در دنیا از خدمت در راه خدا «فی سبیل الله» کوتاهی کردم؛
۶. افسوس بر من از اینکه در دنیا از انجام کارهایی که باعث جلب رضایت

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۰۱.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۳۳ - ۵۳۴.

خداوند متعال می شد کوتاهی کردم.

همه مواردی که ذکر شد صحیح می باشد زیرا جَنْبُ اللَّهِ یعنی همه اموری که به خداوند متعال مربوط می شود.

خلاصه کلام اینکه:

ای انسانها:

مبادا دستورات خداوند متعال را اجرا نکنید و از گناهان خویش توبه نکنید و درحالی که غرق گناه شده اید از دنیا بروید و وارد جهان آخرت بشوید و در روز قیامت با کمال حسرت و اندوه بگوئید:

افسوس بر من، وای بر من از اینکه در دنیا از انجام اوامر خداوند متعال «همه اموری که مربوط به خدا می شوند» و اطاعت خداوند متعال کوتاهی و قصور کردم و:

إِنْ كُنْتُ لِمَنِ السَّخِرِينَ = آیات الهی و رسولان او را به تمسخر گرفتم و از مسخره کنندگان آیات خداوند متعال بودم «از مسخره کنندگان پیامبر اکرم، قرآن، اسلام و مؤمنین بودم».

این آیه شریفه هشدار است به انسانها تا در انجام تکالیف شرعی خویش بکوشند و از گناهان خویش توبه کنند و گنهکار از دنیا نروند تا در روز قیامت و روز رسیدگی به اعمال انسانها با حسرت و اندوه بگویند:

افسوس بر من، وای بر من از اینکه تا زمانی که در دنیا بودم و تا زمانی که زنده بودم در انجام اوامر الهی و اطاعت از خداوند متعال کوتاهی و قصور کردم و به جای اطاعت از اوامر الهی آیات الهی یعنی پیامبر اکرم، ائمه معصومین علیه السلام، قرآن، اسلام و مؤمنین را مسخره می کردم.

اگر در این آیه شریفه پس از کوتاهی و قصور در انجام اوامر الهی موضوع تمسخر و استهزاء آیات الهی مطرح شده شاید به این علت باشد که عامل اصلی تفریط و کوتاهی گنهکاران در انجام اوامر الهی همین بی اعتنائی و بی توجهی به آیات الهی و شوخی پنداشتن این آیات خداوند متعال «پیامبر اکرم، ائمه معصومین

عليهم السّلام و...» بوده است.^۱

توضیح:

معنی جَنبُ الله را آنچه که مفسّرین بیان نموده‌اند ملاحظه فرمودید، اما اینکه تأویل آیه شریفه و معنی باطنی آن چه می‌باشد و مصداق اتم و اکمل جَنبُ الله چه کسی است انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان خواهد شد.

حدیث:

۱. امام صادق علیه‌السلام از وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

أَنَا قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْآمِنِينَ، أَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى، أَنَا عَيْنُ اللَّهِ وَ لِسَانُهُ الصَّادِقُ وَ يَدُهُ، أَنَا جَنبُ اللَّهِ الَّذِي تَقُولُ نَفْسُ «يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ»، أَنَا يَدُ اللَّهِ الْمَبْسُوطَةِ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ، أَنَا بَابُ حِطَّةٍ، مَنْ عَرَفَنِي وَ عَرَفَ حَقِّي فَقَدْ عَرَفَ رَبِّي، لِأَنِّي وَصِيُّ نَبِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ، لَا يَنْكِرُ هَذَا إِلَّا رَادُّ عَلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، يَعْنِي:

وجود مبارک حضرت امیر علیه‌السلام فرمودند:

من رهبر مؤمنین در سوق دادن آنها به بهشت هستم،

من حبلُ الله هستم «ریسمان محکم الهی»،

من عُرْوَةُ الْوُثْقَى هستم «دستگیره و دستاویز محکم الهی»،

من چشم خدا و زبان صادق خدا و دست خدا هستم،

من جَنبُ الله هستم که در قرآن کریم آمده که «أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ

فِي جَنبِ اللَّهِ، يَعْنِي:

آن‌هایی که در دنیا در حق من کوتاهی کردند و به من ظلم کردند و حق مرا غصب

کردند و ولایت مرا انکار کردند روز قیامت می‌گویند:

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۰۲-۲۰۳.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۳۲ تا ۵۳۴-۵۳۷.

وای بر من، افسوس بر من که در حقّ جَنْبِ اللَّهِ یعنی در حقّ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام کوتاهی نمودم»،
 من هستم دست پربرکت خداوند متعال که سبب رحمت و مغفرت و آمرزش
 بندگان خدا می شود،
 منم باب آمرزش گناهان،
 هر کس مرا بشناسد و عارف به حقّ من گردد خداوند متعال را خواهد شناخت،
 به این جهت که:
 من وصی و جانشین پیامبر او در روی زمین هستم و حجّت خداوند متعال بر همه
 مخلوقات، بنابراین:
 کسی این واقعیّات را انکار نمی کند مگر آنکه خدا و رسول خدا را انکار کند.
 این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۲. امام کاظم علیه السّلام درباره آیه شریفه «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَى عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُ لِمَنْ السَّاحِرِينَ - آیه ۵۶ سوره زمر» فرمودند:
 جَنْبِ اللَّهِ در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و
 اوصیاء آن حضرت تا آخرین آنها «وجود مقدّس امام زمان سلام الله علیه» می باشد.
 این حدیث را هم علی بن سوید و هم علی سائی از امام کاظم علیه السّلام نقل
 نموده اند.^۲

۳. امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام فرمودند:
 أَنَا عَيْنُ اللَّهِ، أَنَا يَدُ اللَّهِ، أَنَا جَنْبُ اللَّهِ، أَنَا بَابُ اللَّهِ، يَعْنِي:

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۴، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۱، حدیث ۸۲، «حدیث ۹۷۳۷».

۲. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۱۹۹، حدیث ۹، «حدیث ۳۵۷».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۸۵، «حدیث ۹۷۴۰».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۴ - ۸۷۸، حدیث ۲، ۹ و ۱۷.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۳۷.

منم چشم خدا،

منم دست خدا،

منم جنبُ الله،

منم باب الله «هر کس که طالب شناخت و معرفت خداوند متعال است و رضایت خداوند متعال را طالب است باید از باب آن وارد شود و من آن باب هستم». این حدیث را هاشم بن ابو عمّار جنبی از حضرت امیر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۴. امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

أَنَا جَنْبُ اللَّهِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ، یعنی:

من جنبُ الله هستم، من صراط الله هستم «من صراط مستقیم الهی هستم».^۲

۵. امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا

فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاحِرِينَ - آیه ۵۶ سوره زمر» فرمودند:

مقصود از جنبُ الله در این آیه شریفه ولایت محمّد و آل محمّد علیهم السلام می باشد که منکرین ولایت ما در روز قیامت خواهند گفت:

يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، یعنی:

افسوس بر ما، وای بر ما که در حق اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

کوتاهی کردیم «امامت آنها را منکر شدیم، حقوق آنها را غصب کردیم و...»

این حدیث را سدید صیرفی از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۳

۶. امام باقر علیه السلام در یک حدیث مفصّل فرمودند:

نَحْنُ جَنْبُ اللَّهِ، نَحْنُ صِفْوَةُ اللَّهِ، نَحْنُ حُجْبُ اللَّهِ، نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ، یعنی:

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۱۹۹، حدیث ۸ «حدیث ۳۵۶».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۴، حدیث ۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۱، حدیث ۸۴ «حدیث ۹۷۳۹».

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۹۲ «حدیث ۹۷۴۷».

۳. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۸، حدیث ۱۰.

ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:
 جَنُبُ اللهُ هَسْتِیْم،
 برگزیدگان الهی هَسْتِیْم،
 حجج خداوند متعال بر مخلوقات هَسْتِیْم،
 حَبْلُ اللهُ هَسْتِیْم.

این حدیث را خیشمه جعفری از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.
 نظیر این حدیث را ابراهیم بن محمد حموینی «از علمای اهل سنت» نیز از امام
 صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۷. امام صادق علیه السلام فرمودند:

نَحْنُ جَنُبُ اللهُ، یعنی:

ما اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام
 جَنُبُ اللهُ هَسْتِیْم.^۲

۸. امام رضا علیه السلام فرمودند:

این آیه شریفه «آیه ۵۶ سوره زمر» درباره ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه السلام نازل شده است «مقصود از جَنُبُ اللهُ ولایت حضرت امیر علیه السلام
 می باشد».^۳

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۸، حدیث ۱۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۱، حدیث ۸۳ «حدیث ۹۷۳۸».

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم - تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۹۹ «ذیل حدیث پنجم».

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۳، حدیث ۱.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۸۶ «حدیث ۹۷۴۱».

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۳۷.

۳. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۷.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۹، حدیث ۱۳.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۹۱ «حدیث ۹۷۴۶».

۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابوذر فرمود:

یا اباذر:

منکرین ولایت و امامت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در حالی که طوقی از آتش بر گردن آنها انداخته شده و چشم آنها نیز نمی بیند «کور می باشند» در روز قیامت محشور می شوند و در همان حال می گویند:

یا حَسْرَتِي عَلِي مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، یعنی:

افسوس بر ما، وای بر ما که در دنیا در حق علی بن ابیطالب علیه السلام کوتاهی کردیم «یعنی حق او را غصب کردیم، همسر گرانقدرش صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام الله علیها را به شهادت رساندیم، بنیانگذار ظلم و جور به خاندان وحی و رسالت شدیم، عامل شهادت ائمه معصومین علیهم السلام شدیم و...»^۱.

۱۰. امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند:

خداوند متعال در بیان رفعت و بزرگی شأن و مقام و منزلت حجج خویش و اولیاءِ خویش اینگونه فرموده است.

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلِي مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ.

حضرت امیر علیه السلام در ادامه فرمایشات خویش فرمودند:

خداوند متعال در مورد حجج و اولیاءِ خویش تعبیر به جَنْبِ اللَّهِ فرموده است و این تعبیر در مورد شخصی به کار می رود که مقام و منزلت ویژه ای نزد شخص دیگری داشته باشد «کنایه از مقام ویژه حجج خدا نزد خدا می باشد که در آیه شریفه از آن بزرگواران به عنوان جَنْبِ اللَّهِ یاد شده است».

مگر نمی بینید که در مورد قُرب و نزدیکی یک نفر به یک نفر دیگر گفته می شود که فلان شخص در جَنْبِ فلان شخص «کنار فلان شخص» قرار دارد.

خداوند متعال این رمز را «یعنی آوردن کلمه جَنْبِ اللَّهِ» در مورد اولیاءِ و حجج

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۹، حدیث ۱۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۸۹ «حدیث ۹۷۴۴».

خویش و در مورد مقربان در گاهش به کار برده است، زیرا مخالفان و معاندان خدا و حجج خدا همیشه و همواره در صدد دستبرد و تحریف و حذف اسامی حجج خدا و اولیاء خداوند متعال در قرآن کریم بوده‌اند تا بدین وسیله امت اسلام را گمراه کرده و آن‌ها را منحرف نمایند، لذا: خداوند متعال این رموز را در قرآن کریم قرار داد «به جای اسم حجج خویش رمزها و نشانه‌هایی مانند جَنْبُ اللَّهِ به کار برد» تا مخالفین خدا و مخالفین اولیاء خدا و مخالفین حجج خدا نتوانند به قرآن کریم دستبرد زده و اسامی حجج خداوند متعال را از قرآن کریم حذف کنند.^۱

۱۱. وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری «عید سعید غدیر» در محل غدیر خم خطبه مفصلی ایراد فرموده و طی آن گوشه‌ای از فضائل و مناقب مولی الموحّدين امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را بیان فرموده و سپس به امر خداوند متعال علی بن ابیطالب علیه السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در قسمتی از بیانات نورانی خویش در مورد امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: ای مردم، علی بن ابیطالب علیه السلام همان جَنْبُ اللَّهِ است که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده:

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ «آیه ۵۶ سوره زمر».^۲

۱۲. در زیارت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام که از ناحیه امام صادق علیه السلام صادر شده «زیارت ششم آن حضرت که در مفاتیح الجنان آمده» خدمت

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۹، حدیث ۱۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۷ - ۵۵۸.

نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۸۷ «حدیث ۹۷۴۲»

۲. تفسیر صافی، جلد دوم، صفحه ۴۴۹ «ذیل آیه ۶۷ سوره مائده».

احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۱۸ تا ۱۴۶ «صفحه ۱۳۰»، حدیث ۳۲.

آن حضرت عرض می کنیم.

أَشْهَدُ أَنْكَ جَنْبُ اللَّهِ وَبَابُهُ، یعنی:

شهادت می دهم که شما جَنْبُ اللَّهِ هستی و بابُ اللَّهِ «از طریق شما به معرفت خداوند متعال نائل می شویم».

این زیارتنامه شریف را صفوان جمّال از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.

۱۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام

نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

أَنَا جَنْبُ اللَّهِ،

أَنَا يَدُ اللَّهِ، یعنی:

حضرت امیر علیه السّلام فرمودند:

من جَنْبُ اللَّهِ هستم،

من یدالله هستم «من دست قدرت خداوند متعال هستم».

این حدیث را عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۱۴. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام

نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

أَنَا جَنْبُ اللَّهِ،

وَ أَنَا حَسْرَةٌ لِلنَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، یعنی:

حضرت امیر علیه السّلام فرمودند:

من جَنْبُ اللَّهِ هستم،

و من موجب حسرت مردم در روز قیامت می باشم «یعنی آنهایی که در دنیا ولایت و امامت مرا نپذیرفته و آن را انکار نمودند وقتی روز قیامت جایگاه رفیع مرا می بینند و جایگاه خودشان را در بدترین نقطه جهنّم مشاهده می کنند حسرت می خورند که چرا در دنیا ولایت و امامت مرا نپذیرفتند و آن را انکار نمودند».

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۵، حدیث ۵.

این حدیث را عطاء همدانی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۱

۱۵. وجود مقدّس امام سجّاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام درباره این آیه شریفه « أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ - آیه ۵۶ سوره زمر» فرمودند:

جَنْبُ اللَّهِ عَلَى بِنِيبِطَالِبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

وَ هُوَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَعْنِي:

مقصود از جَنْبُ اللَّهِ در این آیه شریفه وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد،

و آن حضرت روز قیامت حجّت خداوند متعال بر مخلوقات است.^۲

۱۶. وجود مقدّس امام باقر علیه السلام درباره این آیه شریفه « أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ - آیه ۵۶ سوره زمر» فرمودند:

مقصود از جَنْبُ اللَّهِ در این آیه شریفه ما هستیم.

این حدیث را ابو جارود از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۳

۱۷. وجود مقدّس امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در یک مجلس چهارصد باب علمی به اصحاب خویش آموخت که در یکی از آن موارد چهارصدگانه آمده که آن حضرت فرمودند:

هر کس از ما تبعیت و پیروی کند گمراه نمی شود،

۱. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۷، حدیث ۸.

شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت الله سید محمدتقی نقوی، صفحه ۱۹۸-۱۹۹، حدیث پنجم.

۲. تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۷۹، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۹۰ «حدیث ۹۷۴۵».

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۷۷.

۳. مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۰۳.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۸۰، حدیث ۱۸.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۳، حدیث ۸۸ «حدیث ۹۷۴۳».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۹۳ «حدیث ۹۷۴۸».

هر کس ما را انکار کند «هر کس امامت و ولایت ما را انکار نماید» به راه راست هدایت نمی‌شود،

هر کس دشمن ما را یاری کند نجات نمی‌یابد «اهل نجات نیست».
ای مردم:

به خاطر دنیا و تمتعات دنیوی که از دست رفتنی است از دستورات ما تخلف و سرپیچی نکنید، زیرا:

کسی که دنیا را به آخرت ترجیح دهد،
و به جای ما دنیا را برگزیند،
و دنیا را بر ما مقدم بدارد،

روز قیامت دچار حسرت بزرگی خواهد شد «حسرت از اینکه چرا از ما تبعیت و پیروی نمود»، و این همان فرمایش خداوند متعال است که می‌فرماید:

«أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ - آیه ۵۶ سوره زمر»^۱.

توضیح:

با توجه به احادیث شریفی که ملاحظه فرمودید معنی باطنی و تأویل این آیه شریفه «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ، وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّآخِرِينَ - آیه ۵۶ سوره زمر» این می‌شود که:

مبادا دستورات خداوند متعال را اجرا نکنید،

و مبادا از ائمه معصومین علیهم السلام تبعیت و پیروی ننمائید که نتیجه انکار امامت و ولایت وجود مقدس ائمه معصومین علیهم السلام و نتیجه عدم تبعیت از آن ذوات مقدسه این می‌شود که روز قیامت وقتی جایگاه ابدی خودتان را در بدترین نقطه جهنم مشاهده می‌کنید در آن روز عظیم خواهید گفت:

افسوس بر من، وای بر من از اینکه در دنیا در رابطه با جَنْبِ اللَّهِ یعنی در رابطه با ائمه

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۱، حدیث ۸۱ «حدیث ۹۷۳۶».

خصال صدوق، جلد دوم، باب خصال از یک تا صد، حدیث ۹، صفحه ۴۲۵، شماره ۲۹۳.

معصومین علیهم السّلام کوتاهی و قصور کردم،
و از پذیرش امامت و ولایت آن بزرگواران امتناع نمودم،
و در زمره مسخره‌کنندگان آیات الهی «یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام» بودم.

آیه ۶۰ سوره زمر:

«وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ».

ترجمه:

روز قیامت تکذیب‌کنندگان خدا «کسانی که به خدا دروغ بستند» را می‌بینی که چهره‌ها و صورت‌های آن‌ها سیاه است «نشانه ذلت و خواری است»، آیا در جهنم جایی برای متکبران نیست.^۱

در آیات گذشته صحبت از کفار و مشرکین و منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام بود که در روز قیامت از اعمال خویش نادم و پشیمان می‌شوند و از خداوند متعال درخواست می‌کنند تا به آن‌ها اجازه داده شود تا به دنیا بازگردند و اعمال صالح انجام دهند، اما افسوس که پشیمانی و ندامت در روز قیامت فایده‌ای ندارد و جایگاه مجرمین و گنهکاران آتش سوزان جهنم می‌باشد.

این آیه شریفه نیز در ادامه آیات گذشته بوده و حال و وضع گنهکاران را در روز قیامت بیان می‌فرماید.

در این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ = روز قیامت تکذیب‌کنندگان بر خدا «یعنی کسانی که به خداوند متعال دروغ بستند» را می‌بینی که چهره‌ها و صورت‌های آن‌ها سیاه می‌باشد و این سیاهی چهره و صورت حاکی از ذلت و بدبختی و خواری آن‌ها است.

الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ = کسانی که به خداوند متعال دروغ بستند.

کذب بر خدا «دروغ بستن به خداوند متعال»، یعنی:

۱. گفته شود که خداوند متعال شریک دارد.

۲. گفته شود که خداوند متعال فرزند دارد.

۳. بدعت گذاشتن در دین، یعنی:

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۳۹.

کسی از طرف خود و با نظر خود احکام دین را کم یا زیاد کند، یعنی حکمی را به دین اضافه کند و یا کم کند، مانند:

حرام نمودن مُتعه «صیغه» و حرام نمودن طواف نساء توسط خلفای غاصب، درحالی که زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مُتعه «صیغه» حلال بود و امری رایج در بین مسلمین، همچنین طواف نساء نیز زمان پیامبر اکرم از اعمال واجب حج شمرده می شد، لیکن بعد از رحلت پیامبر اکرم حکام وقت هر دو را حرام اعلام نمودند و الآن نیز غیر شیعه مُتعه و طواف نساء را حرام می داند، لیکن در فقه شیعه مُتعه حلال است و طواف نساء نیز واجب.

۴. کسی که به چهارده معصوم علیهم السّلام دروغ ببندد.

۵. کسی که امام منصوب از ناحیه خداوند متعال نیست خودش را امام و خلیفه مسلمین بداند.

سَوَادٌ وَجْهٌ = سیاه بودن چهره و صورت

مجرمین و گنهکاران در روز قیامت چهره و صورتشان سیاه است و این مسئله حاکی از ذلّت و خواری و بدبختی آنها است و این سیاه بودن چهره مبین گنهکار بودن آنها است و نشان می دهد که اهل آتش هستند.

بنابراین، معنی آیه شریفه تا اینجا این می شود که:

روز قیامت کسانی را که به خداوند متعال دروغ بستند می بینی که چهره و صورت آنها سیاه می باشد و این امر حاکی از جهنمی بودن آنها است که به زودی وارد آتش خواهند شد.

سیاه بودن صورت و چهره گنهکاران در روز قیامت نتیجه تکبر آنها در دنیا می باشد، و در واقع سیاهی چهره و صورت گنهکاران در روز قیامت سزای تکبر و خوی استکباری آنها در دنیا است، چرا که در دنیا دچار کبر شده و تکبر ورزیدند و از اطاعت خداوند متعال و حجج خداوند متعال یعنی وجود مقدّس چهارده معصوم علیهم السّلام امتناع نموده و سایر احکام دین را نیز زیر پا گذاشتند، که نتیجه آن سیاه شدن چهره ها و صورت های آنها در روز قیامت می باشد و جایگاه این افراد شقی و

بدبخت نیز جایی جز جهنم نیست.

در ادامه آیه شریفه خداوند متعال هم به صفت و ویژگی این گنهکاران و هم به جایگاه آن‌ها اشاره می‌فرماید.

أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ = آیا در جهنم جایی برای متکبرین نیست.

این استفهام و سؤال برای تثبیت و تقدیر مطلب است، یعنی:

حتماً در جهنم جایی برای متکبرین وجود دارد، و به عبارت دیگر:

حتماً و یقیناً جهنم جای متکبرین است و حتماً متکبرین به جهنم خواهند رفت.

متکبر در این آیه شریفه چه معنایی دارد:

به تمام کسانی که خود بزرگ‌بین بوده و خودشان را برتر و بالاتر از دیگران دانسته و تکبر می‌ورزند متکبر اطلاق می‌شود، اما در این آیه شریفه بیشتر منظور کسانی هستند که در برابر دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام استکبار ورزیده و از پذیرش دعوت آن ذوات مقدسه امتناع کرده و از اطاعت و پیروی آن بزرگواران خودداری کردند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که:

در جهنم وادی و سرزمین و مکان خاص و ویژه‌ای است برای متکبران به نام سَقْر. این سرزمین و مکان مخصوص متکبران از شدت گرما و حرارتش به خداوند متعال شکایت کرد و از خداوند متعال درخواست نمود تا به او اجازه داده شود تا تنفسی بکند و نفسی بکشد.

به سَقْر اجازه تنفس داده شد و سَقْر نفسی کشید و همین نفس سَقْر باعث شد تا تمام جهنم را آتش فرا بگیرد و آن را بسوزاند.

خلاصه کلام این‌که:

کسانی که به خداوند متعال دروغ ببندند و در برابر دعوت حجج خداوند متعال استکبار بورزند و از پذیرش دعوت آن بزرگواران امتناع نموده و از اوامر آن ذوات مقدسه سرپیچی نمایند در زمره متکبرین هستند که روز قیامت با چهره و صورت سیاه

محشور می شوند و جایگاه آن‌ها نیز بدترین جای جهنم می باشد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امام باقر علیه السلام در رابطه با این آیه شریفه «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ - آیه ۶۰ سوره زمر» فرمودند:

مَنْ قَالَ إِنِّي إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ، يَعْنِي:

کسی که بگوید «ادعا کند» که من امام هستم در حالی که امام نباشد «چنین شخصی مصداق بارز این آیه شریفه است زیرا به خداوند متعال دروغ بسته است».

از امام باقر علیه السلام سؤال شد حتی اگر آن شخص علوی باشد و از فرزندان علی بن ابیطالب علیه السلام باشد.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

حتی اگر علوی باشد و از اولاد علی بن ابیطالب علیه السلام باشد.

این حدیث شریف را سوره بن کلیب از امام باقر علیه السلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

یعنی هر کس به دروغ خود را امام منصوب از طرف خداوند متعال و امام مسلمین و خلیفه و جانشین پیامبر اکرم بداند مشمول این آیه شریفه می باشد، یعنی این شخص:

۱. مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۰۴ - ۲۰۵.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۳۲.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۴۰ - ۵۴۳.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۸ - ۵۵۹.

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۱۹۹، حدیث ۱ «حدیث ۹۵۲».

مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۰۵.

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۹۹ «حدیث ۹۷۵۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۱۱ و ۸۱۲، حدیث ۱، ۳ و ۴.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۸.

الف) به خداوند متعال دروغ بسته و خود را امام منصوب از طرف خدا معرفی کرده است.

ب) چنین فردی در روز قیامت با چهره و صورت سیاه محشور می شود که مبین گنهکار بودن او و جهنمی بودن او می باشد.

ج) اینگونه افراد مصداق بارز و آشکار متکبرین می باشند و جایگاه آنها بدترین جای جهنم است چرا که در دنیا تکبر ورزیده و از اطاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام امتناع کرده و حتی به عدم اطاعت از آن ذوات مقدسه اکتفا و قناعت نکرده بلکه خودشان را به دروغ به عنوان امام و خلیفه مسلمین قلمداد نموده و دیگران را به اطاعت از خود مجبور نمودند.

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ ادَّعى الأمامةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ، یعنی:

هر کس ادعای امامت کند و اهلش نباشد «منصوب از جانب خدا نباشد» کافر است.

این حدیث را فضیل از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

۳. حسین بن مختار می گوید که از وجود مقدس امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه «يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ...» سؤال کردم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

كُلُّ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ، وَإِنْ كَانَ فَاطِمِيًّا عَلَوِيًّا، یعنی:

هر کس خودش را امام بداند «خلیفه مسلمین و جانشین پیامبر اکرم» و امام نباشد «منصوب از طرف خدا نباشد» مشمول این آیه شریفه است، گرچه این شخص از فرزندان حضرت امیر و حضرت زهرا علیهما السلام باشد.^۲

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۱۹۹، حدیث ۲ «حدیث ۹۵۳».

۲. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۰۰، حدیث ۳ «حدیث ۹۵۴».

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۸۳، حدیث ۸.

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۷، حدیث ۹۸ «حدیث ۹۷۵۳».

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوهَا عَلَى اللَّهِ - آیه ۶۰ سوره زمر» فرمودند:
 مَنْ ادَّعى أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ، وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا، یعنی:
 کسی که ادّعی امامت کند در حالی که امام منصوب از ناحیه خداوند متعال نباشد،
 مشمول این آیه شریفه است گرچه این شخص از اولاد امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه‌السلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها باشد.

توضیح:

امامت منصبی است الهی و امام باید معصوم و منصوب از ناحیه خداوند متعال باشد، لذا هر کس خود را امام و خلیفه مسلمین بداند در حالی که منصوب از جانب خداوند متعال نباشد چنین شخص یا چنین اشخاصی به خداوند متعال دروغ بسته‌اند و روز قیامت با چهره و صورت سیاه محشور می‌شوند و بدترین جای جهنم جایگاه آن‌ها می‌باشد.

این حدیث را هم یونس بن ظبیان و هم ابو مغرا از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده‌اند.^۱

۵. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

هر کس از ما حدیثی نقل کند ما روزی از او سؤال خواهیم کرد و او را درباره حدیث مورد بازخواست قرار خواهیم داد،
 اگر او راست گفته باشد «یعنی حدیثی باشد که ما فرموده باشیم» سخن حقی را به خداوند متعال و پیامبر اکرم نسبت داده است،
 اما اگر بر ما دروغ بسته باشد «یعنی حدیث و روایتی را به ما نسبت دهد در حالی که ما آن را نفرموده باشیم» به خدا و رسول خدا دروغ بسته است، زیرا:

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۵۸.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۸۲ و ۸۸۳، حدیث ۲ و ۵.

تفسیر نورالتقلین، جلد ششم، صفحه ۵۸۵، حدیث ۹۶ «حدیث (۹۷۵۱)».

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۴۱.

وقتی ما حدیثی را بیان می‌کنیم نمی‌گوئیم که فلان کس این حرف را زده بلکه می‌گوئیم که این حرف را خداوند متعال و پیامبر اکرم فرموده‌اند. امام صادق علیه‌السلام سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمودند «يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ... - آیه ۶۰ سوره زمر».^۱ این حدیث را خیثمه بن عبدالرحمن از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

اگر شخصی کلامی را جعل نموده و آن را به عنوان حدیث و روایت به وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یا به اهل بیت آن حضرت یعنی به ائمه معصومین علیهم‌السلام نسبت دهد آن شخص به خداوند تبارک و تعالی دروغ بسته و مصداق «الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ» می‌باشد که در آیه ۶۰ سوره زمر آمده است. همچنان که در این آیه شریفه آمده جایگاه چنین افرادی بدترین جای جهنم می‌باشد.

بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حکام ظلم و جور و اعوان و انصار آنها برای اینکه اهل بیت پیامبر اکرم را منزوی نموده و حقوق آن ذوات مقدسه را غصب کنند اقدام به جعل حدیث نمودند که نمونه بارز آن حدیثی است مجعول که به پیامبر اکرم نسبت دادند که آن حضرت فرمودند ما طبقه انبیاء از خودمان ارث باقی نمی‌گذاریم تا بدین وسیله و با تمسک به این حدیث جعلی فدک را غصب نمایند که غصب نمودند.

ذیل آیه ۲۶ سوره اسراء، آیه ۷ سوره مریم و آیه ۱۶ سوره نمل در این رابطه توضیحاتی ارائه شده است.

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۰۵.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۴۲.

تفسیر برهان، جلد هفتم، صفحه ۸۸۴، حدیث ۹.

آیه ۷۳ سوره زمر:

«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤَهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ».

ترجمه:

کسانی که از خداوند متعال ترس داشتند و تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می شوند. هنگامی که این ها به بهشت می رسند درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان و ملائکه موکل بهشت به آن ها می گویند: سلام بر شما، خوش آمدید، نعمت های بهشتی گوارای شما باد، داخل بهشت شوید و جاودانه داخل بهشت بمانید.^۱

شرح لغات و توضیحات:

سِيقَ = از ماده سوق «بر وزن شوق» می آید یعنی راندن، حرکت دادن «سوق دادن یعنی حرکت دادن»؛

زُمَرٌ = جمع زمره یعنی گروه، دسته، جماعت؛

طِبْتُمْ = از ماده طِيبُ «بر وزن صید» یعنی:

۱. پاکیزگی «با انجام عمل صالح در دنیا پاک و پاکیزه شدید».

۲. پاک و پاکیزه باشید و خوش و خرم بمانید.

۳. گوارا باد بر شما نعمت های بهشتی ای پاک سرشتان پاک دل.

۴. روایتی نیز نقل شده که بر درب بهشت درختی است که دو چشمه آب زلال و صاف و گوارا از پای آن می جوشد و افرادی که می خواهند وارد بهشت شوند از یکی از این چشمه ها می نوشند که بر اثر آن باطن آن ها پاک می شود «از هر گونه آلودگی احتمالی مانند حرص و حسد و کینه و...»،

و در چشمه دیگری خودشان را شستشو می دهند که بر اثر آن ظاهر آن ها و جسم

۱. تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۷۸.

آن‌ها برای همیشه پاک و پاکیزه می‌شود.

خُلُود = جاودانه، همیشگی.^۱

در آیه ۷۱ و ۷۲ وضع و حال اهل آتش مورد بحث واقع شده و آمده که: وقتی روز قیامت فرا می‌رسد آن‌هایی که اهل جهنم هستند گروه گروه به طرف جهنم رانده می‌شوند.

وقتی این گنهکاران و مجرمین به جهنم می‌رسند درهای جهنم برای آن‌ها گشوده می‌شود و نگهبانان جهنم و ملائکه موکل آتش به آن‌ها می‌گویند: آیا از جانب خداوند متعال پیامبران و رسولانی به سوی شما نیامدند و آیات خداوند متعال را به شما تلاوت نکردند و شما را از ملاقات این روز «روز قیامت و رسیدگی به اعمال انسان‌ها» بر حذر نداشتند و هشدار ندادند.

اهل جهنم «کسانی که وارد جهنم خواهند شد» در جواب می‌گویند:

بله، پیامبرانی آمدند لیکن ما با آن‌ها مخالفت کردیم.

ملائکه موکل بر آتش و نگهبانان جهنم به این گنهکاران و مجرمین می‌گویند:

وارد جهنم شوید و جاودانه «برای همیشه» آن‌جا بمانید.

در آیه ۷۳ و ۷۴ خداوند متعال به اوضاع مؤمنین در روز قیامت اشاره فرموده و شرح حال آن‌ها را بیان می‌فرماید.

در آیه ۷۳ سوره زمر آمده که:

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا = کسانی که تقوای الهی پیشه کرده و در دنیا اعمال صالح انجام دادند و از محرّمات اجتناب کرده و از حجج خداوند متعال اطاعت و پیروی کردند گروه گروه و دسته دسته به طرف بهشت سوق داده می‌شوند. قابل ذکر است که:

سوق دادن معمولاً در مواردی به کار برده می‌شود که شوق و تمایل درونی در کار نباشد، لذا اگر کلمه سوق برای اهل جهنم به کار برده شود جای تعجب ندارد زیرا گنهکاران و مجرمین اشتیاق و تمایلی برای رفتن به جهنم ندارند و به همین جهت

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۱۸ - ۲۱۹.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۷۹ - ۵۸۱.

عنوان شده که آن‌ها را به طرف جهنم سوق می‌دهند و می‌برند،
 اما تعبیر سوق دادن متّین و نیکوکاران به بهشت چه معنایی دارد.
 در این خصوص مطالبی عنوان شده که همه آن‌ها و یا بعضی از آن‌ها می‌تواند دلیل
 این امر باشد.

۱. متّین و مؤمنینی که خداوند متعال آن‌ها را مورد لطف قرار داده و آن‌ها را
 مستحقّ بهشت نموده آنقدر شوق و اشتیاق به خداوند متعال را دارند که به غیر از
 خداوند متعال به چیز دیگری فکر نمی‌کنند حتّی به بهشت، لذا ملائکه موکّل بهشت
 و نگهبانان بهشت آن‌ها را به بهشت سوق می‌دهند «می‌برند».

۲. این عده‌ای که قرار است به بهشت بروند منتظر دوستان و رفقای خویش هستند
 تا به اتفاق آن‌ها وارد بهشت شوند.

۳. مؤمنینی که با لطف و فضل الهی استحقاق رفتن به بهشت را یافته‌اند سوار
 مرکب‌هایی می‌شوند و این مرکب‌ها آن‌ها را به بهشت می‌برند و به همین جهت آن‌ها
 به بهشت سوق داده می‌شوند «برده می‌شوند».

۴. هر قدر و هر اندازه که مؤمنین مشتاق بهشت می‌باشند بهشت و ملائکه داخل
 بهشت به دیدن این مؤمنین مشتاق‌تر هستند، لذا این فرشتگان و ملائکه رحمت الهی
 به استقبال مؤمنین آمده و آن‌ها را به بهشت می‌برند «سوق می‌دهند».

حتّی إذا جاؤها = تا اینکه آن‌ها به بهشت برسند، یعنی:
 نگهبانان بهشت و ملائکه موکّل بر بهشت نیکان و مؤمنین و اهل تقوا را گروه گروه
 و دسته دسته به طرف بهشت سوق می‌دهند تا اینکه به درب بهشت برسند، و این در
 حالی است که:

وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا = از قبل درب بهشت به روی آن‌ها باز شده است، یعنی قبل از
 اینکه مؤمنین به بهشت برسند درب‌های بهشت به روی آن‌ها گشوده شده و بهشت
 در انتظار ورود آنان می‌باشد.

وَ قَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا = نگهبانان بهشت و ملائکه موکل بر بهشت به آنها می گویند:
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ = سلام بر شما، یعنی:

سلامتی از جانب خداوند متعال بر شما باد که برای همیشه داخل بهشت از سلامتی مطلق برخوردار خواهید بود، سلامتی مطلق جسمی و سلامتی مطلق روحی، یعنی اینکه شما در بهشت برای همیشه از هر آفت و گزند و بیماری و غم و حزن و اندوه به دور خواهید بود.

ملائکه رحمت الهی با گفتن این کلام شادی و سرور تازه واردین به بهشت را مضاعف می کنند.

ملائکه رحمت الهی پس از گفتن سلام علیکم در ادامه صحبت خودشان با این مؤمنین به آنها می گویند:

طِبُّتُمْ = گوارای شما باد نعمات بهشتی، شما از هر آلودگی و پلیدی پاک شده اید و با ایمان و عمل صالح قلب و روح شما پاک شده است.

به عبارت دیگر معنی طِبُّتُمْ که ملائکه به مؤمنین وارد شده به بهشت می گویند این است که:

گوارا باد بر شما همه نعمات بهشتی ای پاک سرشتان پاک دل،
 گوارا باد بر شما نعمات بهشتی، ای کسانی که جسم و روح شما پاک و پاکیزه است.

قابل ذکر است که کلمه طِبُّتُمْ فقط یک بار در قرآن کریم آمده و آن هم در این آیه شریفه است که ملائکه رحمت الهی به گروهی از مؤمنین که وارد بهشت می شوند می گویند و این امر حاکی از احترام ویژه و خاصی است که ملائکه رحمت الهی و ملائکه موکل بهشت به این گروه از واردشوندگان به بهشت قائل می شوند.

اینکه این گروه چه کسانی هستند که ملائکه الهی اینگونه به آنها احترام قائل می شوند انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.

ملائکه موکل بهشت در ادامه صحبت خویش با این گروه از مؤمنین که وارد بهشت شده اند به آنها می گویند:

فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ = داخل بهشت شوید و از انواع نعمات بهشتی که به امر خداوند

متعال برای شما آماده و مهیا شده بهره‌مند شوید و برای همیشه داخل بهشت بمانید که سکونت شما در بهشت جاوید و همیشگی است و نعمات بهشتی نیز جاوید و همیشگی است.

در آیه بعد «آیه ۷۴» آمده که:

این گروه از مؤمنین وقتی داخل بهشت می‌شوند می‌گویند:

حمد و سپاس مخصوص خداوند متعال است که به وعده خویش درباره ما عمل کرد و بهشت را به ما ارزانی داشت و به ما اعطا فرمود و به ما اجازه فرمود که هر جایی از بهشت را که می‌خواهیم منزلگاه خویش قرار دهیم.

اینکه این گروه چه کسانی هستند که اینگونه لطف خداوند متعال شامل حال آنها شده و در هر قسمت از بهشت که بخواهند می‌توانند مستقر شوند و سکونت نمایند انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.^۱

حدیث:

وجود مقدّس و مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم روز هیجدهم ذیحجه سال دهم هجری هنگام بازگشت از خانه خدا به مدینه منوره «در حَجَّةِ الْوِدَاعِ» که در واقع آخرین حجّ پیامبر اکرم بود در محلّ غدیر خم و در حضور هزاران نفر از حجّاج بیت‌الله الحرام «تا ۱۲۰ هزار نفر در تواریخ آمده است» به امر خداوند متعال امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام را به عنوان وصی و جانشین خویش و به عنوان امام مسلمین معرفی و منصوب فرمودند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم طیّ خطبه مفصلی پس از حمد و ثنای خداوند متعال به بیان فضائل و مناقب بیکران امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام پرداخته و در کُفر و نفاق و الحاد دشمنان آن حضرت مطالبی فرمودند و سپس به امر خداوند متعال موضوع ولایت و امامت آن حضرت و یازده امام معصوم از نسل علی

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۲۰ تا ۲۲۲.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۵۴ - ۱۵۵.

تفسیر نمونه، جلد نوزدهم، صفحه ۵۷۹ تا ۵۸۲.

علیه السّلام و فاطمه زهرا سلام الله علیها را بیان فرموده و همگان را به اطاعت از این ذوات مقدّسه فرا خواندند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بیانات مبسوطی ایراد فرموده و خطبه مفصّلی خواندند که فقط به چند فراز این خطبه نورانی اشاره می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

ایها النّاس:

خداوند متعال علی بن ابیطالب علیه السّلام را ولیّ و سرپرست و امام واجب الاطاعه برای شما قرار داده است و اطاعت از او به همه واجب است.

مردم بدانید که خداوند متعال ولیّ و سرپرست شما است، بعد از خداوند متعال رسول خدا محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم ولیّ و سرپرست شما است،

و بعد از رسول الله امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام به امر خداوند متعال ولیّ و سرپرست شما است،

و بعد از او امامت و سرپرستی امت تا روز قیامت در ذریّه و نسل او است. ای مردم، هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند متعال آن را به من آموخته و من نیز آن ها را تماماً به امام المتّقین علی بن ابیطالب علیه السّلام آموخته ام.

ای مردم، علی بن ابیطالب علیه السّلام از طرف خداوند متعال امام است و هر کس که علی بن ابیطالب را انکار کند خداوند متعال توبه اش را نمی پذیرد و او را نمی آمرزد.

ای مردم، علی بن ابیطالب بعد از من برترین انسان ها است. ای مردم، هر کس علی بن ابیطالب را دوست نداشته باشد و از او پیروی نکند لعنت و خشم خدا را خریده است.

ای مردم، هر کس که من مولا و آقا و سرپرست او هستم بعد از من علی بن ابیطالب علیه السّلام مولا و آقا و سرپرست او است.

ای مردم، علی بن ابیطالب علیه السّلام، برادر، وصی و جانشین من است. ای مردم، بدانید و آگاه باشید که امیر المؤمنین غیر از این علی بن ابیطالب که برادر من می باشد شخص دیگری نیست و سرپرستی مؤمنین جز علی بن ابیطالب بر شخص

دیگری جایز نیست.

ای مردم، علی بن ابیطالب علیه السلام هر چه به شما امر کرد اطاعت کنید و از هر چه که نهی کرد به سراغش نروید.

ای مردم، دشمنان علی علیه السلام همگی اهل نفاق و شقاوت هستند و از برادران شیطان می باشند.

ای مردم، من پیامبر خدا هستم و علی بن ابیطالب علیه السلام وصی و جانشین من بر شما است.

ای مردم، بدانید که ختم کننده امامت حضرت مهدی صلوات الله و سلامه علیه از ما اهل بیت می باشد.

ای مردم، من از طرف خداوند متعال مأمور شده ام که برای علی بن ابیطالب علیه السلام و فرزندان او تا حضرت مهدی صلوات الله علیه از شما بیعت بگیرم.

وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایشات خویش در رابطه با محبین و دوستان اهل بیت خویش و محبین و دوستان ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُمْ فِي الْوَيْدِ وَالَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ،

وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ أَنْ:

طِبُّتُمْ فَأَدْخَلُوهَا خَالِدِينَ «آیه ۷۳ سوره زمر»، یعنی:

پیامبر اکرم فرمودند:

محبین و دوستان علی بن ابیطالب علیه السلام و محبین اهل بیت من با سلامت و ایمنی کامل وارد بهشت می شوند و در همان حال ملائکه الهی به استقبال آنها آمده و به آنها می گویند:

طِبُّتُمْ فَأَدْخَلُوهَا خَالِدِينَ «آیه ۷۳ سوره زمر»، یعنی:

گوارا باد بر شما نعمات بهشتی، وارد بهشت شوید و جاودانه در بهشت بمانید.^۱

۱. احتجاج طبرسی، جلد اول، احتجاج پیامبر اکرم در غدیر خم، صفحه ۱۳۸، حدیث ۳۲.

تفسیر برهان، جلد دوم، صفحه ۴۵۳ «ذیل آیه ۶۷ سوره مائده».

تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۶۰۹، حدیث ۱۴۰ «حدیث ۹۷۹۴».

«سوره مؤمن (غافر)»

آیه ۷ سوره مؤمن:

«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ، وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا...».

ترجمه:

فرشتگانی که حامل عرش هستند و فرشتگانی که اطراف عرش طواف می‌کنند تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و در حالی که به یگانگی خداوند متعال ایمان دارند برای اهل ایمان طلب مغفرت و آمرزش می‌نمایند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

عَرْشٌ = عرش در لغت به معنی:

۱. سقف؛

۲. تخت پایه بلند «تختی با پایه‌های بلند»؛

کُرْسِيٌّ = تخت پایه کوتاه «تختی با پایه‌های کوتاه».

معنی لغوی عرش همان دو کلمه‌ای بود که ملاحظه فرمودید لیکن مقصود از عرش خدا تخت قدرت خداوند متعال است.

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۰.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۷۰.

با توجه به اینکه الفاظ و کلماتی که ما انسانها از آنها استفاده می‌کنیم «در همه زبانهای رایج دنیا» برای بیان زندگی محدود و ناچیز ما انسانها وضع شده‌اند لذا این کلمات و الفاظ نه تنها نمی‌توانند عظمت خداوند متعال را بیان کنند حتی نمی‌توانند عظمت مخلوقات عظیم خداوند متعال را نیز بیان کنند، بنابراین با استفاده از معانی کنایی این الفاظ سعی می‌کنیم تا شَبَح و تصویری از آن همه عظمت را ترسیم کنیم و بیان نمائیم.

از جمله الفاظ و کلماتی که چنین سر نوشتی دارند عرش می‌باشد که معنی لغوی آن عرض شد، اما اینکه منظور از عرش خدا چیست و کنایه از چه معنایی می‌باشد مفسرین مطالب مختلفی گفته‌اند که هر کدام از آن معانی می‌تواند معنی عرش باشد و در موارد مختلف باید از قرائن و شواهد پی ببریم که کدام معنا مد نظر می‌باشد. معانی مختلفی که برای عرش گفته شده بدین قرار است:

۱. جایی که همه اوامر و احکام خداوند متعال از آنجا صادر می‌شود و حاملان عرش نیز ملائکه‌ای هستند که آن اوامر و احکام را اجرا می‌کنند، و در واقع حاملان عرش اجراکنندگان حاکمیت و تدبیر خداوند متعال هستند «اجرای اوامر خداوند متعال در جهت تدبیر امور عالم».

۲. علم بی‌پایان خداوند متعال.

۳. مالکیت و حاکمیت خداوند متعال بر عالم هستی و تدبیر عالم هستی.

۴. مجموعه عالم هستی.

گفته شده که آسمان و زمین در برابر کُرسی مانند یک حلقه انگشتر است در یک بیابان پهناور و وسیع، و کُرسی نیز در برابر عرش همچون یک حلقه انگشتر است در یک بیابان وسیع و پهناور.

برای فهم و درک معنی عرش باید در موارد مختلف از قرائن و شواهد پی برد که کدام یک از این معانی که ذکر شد به حقیقت نزدیکتر است، لذا بهترین راه این است که موارد استعمال آن در قرآن کریم دقیقاً مورد بررسی قرار بگیرد.

در آیات مختلفی از جمله آیه ۵۴ سوره اعراف، آیه ۳ سوره یونس، آیه ۲ سوره رعد، آیه ۵۹ سوره فرقان، آیه ۴ سوره حدید آمده که:

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ = یعنی خداوند متعال پس از خلقت جهان و پس از پایان یافتن خلقت عالم بر عرش تسلط یافت، یا بر عرش استیلا یافت، یا بر عرش قرار گرفت، یا بر عرش قدرت قرار گرفت، یا بر تخت قدرت قرار گرفت «اینها همه معانی مختلف ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ بودند».

در بسیاری از آیات شریفه پس از ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ جمله يُدَبِّرُ الْأَمْرَ آمده است، یعنی:

خداوند متعال پس از خلقت جهان و پس از پایان یافتن خلقت هستی بر عرش استیلا و تسلط یافت «بر عرش قدرت»، و به تدبیر امر جهان هستی پرداخت. حاملان عرش الهی ملائکه‌ای هستند که پایه‌های تدبیر این جهان به امر خداوند متعال بر دوش آن‌ها است، و به عبارت دیگر:

حاملان عرش الهی اجراکنندگان حاکمیت و تدبیر خداوند متعال هستند. قابل ذکر است که خداوند متعال در قرآن کریم عرش را عظیم توصیف فرموده است.^۱

در آیات قبل صحبت از کفاری بود که آیات خداوند متعال را منکر بودند و خداوند متعال نیز به همه آن‌ها وعده عذاب دردناک جهنم را داده است.

در این آیه شریفه خداوند متعال به مؤمنین حقیقی و راستین بشارت می‌دهد که شما هرگز تنها نیستید و لذا هیچ‌گاه احساس تنهایی و غربت نکنید چرا که حاملان عرش الهی «ملائکه حامل عرش الهی» و دیگر ملائکه مقرب درگاه خداوند متعال با شما همصدا و هم‌نوا هستند و طرفدار شما مؤمنین می‌باشند و پیوسته شما را دعا می‌کنند و سعادت و رستگاری شما را در دنیا و آخرت از خداوند متعال مسئلت دارند.

اینکه این ملائکه مقرب الهی که حامل عرش «حمل‌کنندگان عرش» هستند و گرداگرد عرش به طواف مشغول می‌باشند چه افراد و چه گروه‌هایی را دعا می‌کنند و برای چه کسانی طلب مغفرت می‌نمایند انشاءالله تعالی در بخش حدیث بیان

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۷ تا ۵۱.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۷۰-۱۷۱.

خواهد شد.^۱

بنابراین در این آیه شریفه و آیات قبل مردم به دو دسته تقسیم شده‌اند.
 ۱. یک دسته آن‌ها مؤمنینی هستند که ملائکه حامل عرش الهی برای آن‌ها استغفار می‌کنند «طلب مغفرت و طلب آمرزش» و این دسته و گروه انشاءالله تعالی و به لطف و فضل خداوند متعال فائز و رستگار می‌باشند و جای آن‌ها بهشت برین می‌باشد. اینک این گروه شامل چه افرادی می‌شوند انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.

۲. دسته دیگر غیرمؤمنین هستند «از قبیل کفار و مشرکین و منافقین و منکرین ولایت ائمه معصومین علیهم السلام» که مستحق عذاب جهنم بوده و خداوند متعال به آن‌ها وعده عذاب دردناک جهنم را داده است.^۲
 در این آیه شریفه خداوند متعال درباره حاملان عرش و مؤمنینی که برای آن‌ها طلب مغفرت می‌شود می‌فرماید:

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ = کسانی که عرش را حمل می‌کنند، یعنی ملائکه‌ای که عرش الهی را حمل می‌کنند.

اگر عرش الهی را مالکیّت و حاکمیّت «حکومت خداوند متعال» خداوند سبحان بر عالم هستی بدانیم و اگر عرش را جایی بدانیم که تمام اوامر و احکام الهی از آنجا صادر می‌شود، «این جمله یکی از معانی عرش بود که قبلاً عرض شد» در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که:

ملائکه حامل عرش الهی که مأمور اجرای مالکیّت و تدبیر خداوند متعال هستند و اوامر صادره از ناحیه خداوند متعال را اخذ می‌کنند تا آن را به مرحله اجرا بگذارند، و: وَمَنْ حَوْلَهُ = و ملائکه‌ای که اطراف و گرداگرد عرش طواف می‌کنند.

این ملائکه حامل عرش خداوند متعال و ملائکه‌ای که در اطراف و گرداگرد عرش الهی مشغول طواف می‌باشند تسبیح خداوند متعال را می‌نمایند در حالی که ایمان کامل به خداوند متعال دارند و:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۱.

۲. المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۷۰.

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ = این دو گروه از ملائکه «ملائکه حامل عرش الهی، و ملائکه‌ای که گرداگرد عرش مشغول طواف می‌باشند» از ملائکه مقرب خداوند متعال می‌باشند که به طور مدام و پیوسته تسبیح خداوند متعال را گفته و خداوند متعال را منزّه می‌دارند «تنزیه خداوند متعال نمودن یعنی خدا را از هر عیب و نقص مبرا دانستن». مقصود از تسبیح خداوند متعال، گفتن الله اکبر، الحمد لله، سبحان الله، لا اله الا الله و دیگر اذکار می‌باشد.

و يُؤْمِنُونَ بِهِ = این دو گروه از ملائکه مقرب الهی در حالی به تسبیح خداوند متعال مشغول می‌باشند که به خداوند متعال و به یگانگی او ایمان دارند.

ایمان داشتن ملائکه به خداوند متعال به این معنی است که این ملائکه مقرب الهی به وحدانیت و یگانگی خداوند متعال در ربوبیت و الوهیت ایمان دارند، و این موضوع ردّ و نفی عقیده مشرکین است که ملائکه مقرب خدا را شرکاء خدا در ربوبیت و الوهیت می‌پنداشتند و آنها را به جای خداوند متعال به عنوان ارباب خویش می‌پرستیدند.

ملائکه مقرب الهی علاوه بر حمد و تسبیح و تنزیه خداوند متعال استغفار نیز می‌کنند که در ادامه آیه شریفه بیان خواهد شد.

و يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا = این دو گروه از ملائکه مقرب الهی با داشتن ایمان کامل به خداوند سبحان مشغول حمد و تسبیح و تنزیه خداوند متعال می‌باشند و به طور مدام و پیوسته و لاینقطع برای اهل ایمان استغفار می‌کنند «طلب مغفرت و آمرزش».

هر جا در قرآن کریم صحبت از این است که:

کسانی که ایمان آوردند و عمل صلح انجام دادند جای آنها در بهشت است، مقصود ایمان کامل و بی نقص می‌باشد، یعنی ایمان به یگانگی خداوند متعال و رسالت و خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام تا وجود مقدس حجة بن الحسن المهدي سلام الله علیه، چرا که منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم السلام نه رسالت پیامبر اکرم را قبول دارند و نه خدا را می‌شناسند، بنابراین:

این دو گروه از ملائکه مقرب خداوند متعال به طور مدام و پیوسته برای کسانی

طلب مغفرت می کنند که:

۱. خداوند متعال را به یگانگی می شناسند.
 ۲. به رسالت و نبوت پیامبر اکرم ایمان دارند.
 ۳. به امامت دوازده امام معصوم از حضرت امیر علیه السلام تا وجود مقدس امام زمان علیه السلام ایمان داشته و از آن ذوات مقدسه تبعیت و پیروی می نمایند.
- انشاءالله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد.^۱

حدیث:

۱. امام صادق علیه السلام فرمودند:
خداوند متعال ملائکه ای دارد که بار گناهان را از دوش شیعیان ما برمی دارند «باعث آمرزش گناهان شیعیان می شوند» همانگونه که باد برگ درختان را در فصل خود «فصل پائیز» می ریزد،

و مصداق این موضوع فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:
«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ، وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا... - آیه ۷ سوره غافر».

سپس وجود مقدس امام صادق علیه السلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
به خدا قسم، استغفار و طلب مغفرت ملائکه مقرب الهی فقط مخصوص شما شیعیان است نه دیگران.

این حدیث را محمد بن سلیمان از پدرش و او از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۲

۱. مجمع البیان، جلد بیست و یکم، صفحه ۲۳۴.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۱۷۰-۱۷۱.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۴۱-۵۱.

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۷۰-۵۷۱.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۶، حدیث ۴.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۲۱، حدیث ۱۰ «حدیث ۹۸۱۳».

۲. امام رضا علیه السلام از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود:

یا عَلِيُّ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَائَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ،
وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ،
وَ الْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِأَيَّةٍ مِنْ بَعْدِكَ،

یا عَلِيُّ:

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا وَ خُدَامُ مُحَبِّبِنَا، یعنی:

وجود مبارک پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه السلام فرمود:

یا علی:

خداوند تبارک و تعالی مرا بر تمام انبیاء و مرسلین برتری داده،
و بعد از من این فضیلت و برتری برای تو و امامان بعد از تو می باشد.

یا علی:

ملائکه الهی خادمان ما و خادمان محبین ما هستند.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمایش خویش
این آیه شریفه را «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ، يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ، وَيُؤْمِنُونَ بِهِ
وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا... - آیه ۷ سوره غافر» تلاوت نموده و فرمودند:

ملائکه حامل عرش الهی و ملائکه ای که اطراف عرش هستند خداوند متعال را
حمد و تسبیح می نمایند و برای کسانی که به ولایت ما ایمان آورده اند استغفار می کنند
و طلب مغفرت می نمایند.

وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مطالب بسیار مهم دیگری نیز
فرمودند که به عنوان تیمن و تبرک به دو قسمت از فرمایشات آن حضرت اشاره
می شود.

وجود مبارک پیامبر اکرم به حضرت امیر علیه السلام فرمود:

اگر ما نبودیم خداوند متعال آدم و حوا و بهشت و جهنم و آسمان و زمین را خلق
نمی فرمود.

خداوند متعال پس از اینکه حضرت آدم را خلق فرمود و ما را «چهارده معصوم علیهم السّلام» در صُلب او قرار داد به تمام ملائکه دستور فرمود تا برای تعظیم و احترام ما به حضرت آدم سجده کنند،
لذا سجده ملائکه به حضرت آدم از یک جهت عبادت و پرستش خداوند متعال بود،

و از جهت دیگر احترام و اکرام به حضرت آدم به خاطر اینکه ما در صلب او بودیم. این حدیث را عبدالسلام بن صالح هروی از وجود مقدّس امام رضا علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۳. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام به ابو بصیر فرمود:
ای ابو محمّد:

خداوند متعال ملائکه ای دارد که گناهان را از دوش شیعیان ما برمی دارند همچنان که باد در زمان برگریزان «فصل پائیز» برگها را از درختان فرو می ریزد، و این همان مصداق فرمایش خداوند متعال است که می فرماید:
«الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ، يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ، وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا... آیه ۷ سوره غافر».

امام صادق علیه السّلام در ادامه فرمایش خویش فرمودند:
ای ابو محمّد:

به خدا قسم، استغفار و طلب مغفرت ملائکه الهی فقط برای شما شیعیان است و مخصوص شما است نه برای دیگران.^۲

۱. عیون اخبار الرضا علیه السّلام، جلد اول، باب ۲۶، صفحه ۵۳۸، حدیث ۲۲.
تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۵۷۰.
تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۷، حدیث ۵.
تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۶۲۱، حدیث ۱۲ «حدیث ۹۸۱۵».
۲. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۶، حدیث ۳.
تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۹، حدیث ۱۰.
تفسیر نورالقلین، جلد ششم، صفحه ۶۲۱، حدیث ۱۱ «حدیث ۹۸۱۴».

۴. وجود مقدّس امام صادق علیه السّلام فرمودند:

ملائکه الهی هر روز با ولایت ما اهل بیت پیامبر اکرم به خداوند متعال تقرب می‌جویند و برای دوستان و محبّین ما طلب مغفرت و طلب آمرزش می‌نمایند و دشمنان ما را نفرین کرده و آن‌ها را لعنت می‌کنند و از خداوند متعال مسئلت می‌کنند و می‌خواهند که عذاب خویش را به شدّت به دشمنان ما نازل نماید.

این حدیث را حمّاد از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۵. وجود مقدّس امام باقر علیه السّلام فرمودند:

منظور از لَّذِينَ آمَنُوا در این آیه شریفه « الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ، يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ، وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا - آیه ۷ سوره غافر » شیعیان اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السّلام می‌باشند.

این حدیث را جابر بن یزید از وجود مبارک امام باقر علیه السّلام نقل نموده است.^۲

توضیح:

ملاحظه فرمودید که ملائکه حامل عرش خداوند متعال و ملائکه‌ای که اطراف و گرداگرد عرش الهی مشغول طواف می‌باشند برای مؤمنین و اهل ایمان طلب مغفرت می‌نمایند،

و ملاحظه فرمودید که طبق احادیث شریف صادره از ناحیه مقدّسه ائمه معصومین علیهم السّلام منظور از این مؤمنین و منظور از این اهل ایمان که ملائکه مقرب خداوند متعال برای آن‌ها طلب آمرزش و مغفرت می‌نمایند فقط و فقط شیعیان اثنی عشری هستند و لا غیر.

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۱۹، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۲۱، حدیث ۱۳ «حدیث ۹۸۱۶».

۲. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۲۰، حدیث ۱۳.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۲۲، حدیث ۱۷.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۶۲۱، حدیث ۱۳ «حدیث ۹۸۱۶».

ملائکه حامل عرش الهی و ملائکه اطراف عرش از خداوند متعال برای شیعیان دوازده امامی چهار درخواست و چهار تقاضا دارند که این آیه شریفه «آیه ۷ سوره غافر» و دو آیه بعد به آنها اشاره شده است که ذیلاً ملاحظه می فرمائید.

اولین دعا و درخواست ملائکه مقرب الهی طلب مغفرت و آمرزش شیعیان اثنی عشری است که در آیه هفتم سوره غافر آمده:

يَسْتَعْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا: یعنی:

ملائکه حامل عرش الهی و ملائکه اطراف عرش پیوسته و مدام از خداوند متعال تقاضا می کنند تا گناهان شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام را بخشیده و آنها را بیامرزد.

قابل ذکر است که *يَسْتَعْفِرُونَ* فعل مضارع می باشد و استمرار را می رساند، یعنی ملائکه مقرب الهی پیوسته و لاینقطع برای شیعیان طلب مغفرت و آمرزش می نمایند.

دومین دعا و درخواست ملائکه مقرب الهی از خداوند متعال این است که شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام را از عذاب جهنم دور نماید و این موضوع نیز در آیه هفتم سوره غافر آمده که این ملائکه به خداوند متعال عرض می کنند:

وَقِهِمْ عَذَابَ الْحَجِيمِ، یعنی:

خداوندا:

شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام را از عذاب جهنم دور نگه دار.

سومین دعا و درخواست ملائکه حامل عرش الهی و ملائکه اطراف عرش از خداوند متعال این است که شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام را داخل بهشت نماید و این موضوع در آیه هشتم سوره غافر آمده که این ملائکه به خداوند متعال عرض می کنند:

رَبَّنَا وَادْخُلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ، یعنی:

خداوندا:

شیعیان ائمه معصومین علیهم السلام را داخل بهشت عدن بفرما که به آنها وعده فرموده‌ای.

چهارمین دعا و تقاضای ملائکه حامل عرش الهی و ملائکه اطراف عرش از

خداوند متعال این است که شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام را از هر گونه بدی در روز قیامت دور نماید و این موضوع در آیه نهم سوره غافر آمده که این ملائکه به خداوند متعال عرض می کنند:

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ، یعنی:

خداوندا:

شیعیان ائمه معصومین علیهم السّلام را روز قیامت از همه بدی ها و مکروهات نگه دار «از قبیل هول و وحشت روز قیامت، رسوایی در مقابل خلائق، طول کشیدن رسیدگی به اعمال و...» تا آنها با فراغت خاطر و با احترام و تکریم وارد بهشت عدن بشوند و برای همیشه از نعمات الهی بهره مند باشند.

«سوره فصلت (حم سجده)»

آیه ۲۷ و ۲۸ سوره فصلت:

«فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» آیه ۲۷.
«ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» آیه ۲۸.

ترجمه:

یقیناً به کافران عذاب سخت و شدیدی خواهیم چشاند و آنها را به خاطر بدترین اعمالی که انجام می‌دادند مجازات خواهیم نمود. «آیه ۲۷».
این آتش کیفر و مجازات دشمنان خدا است و این آتش جهنم سرای جاوید و جایگاه ابدی آنها است.
این مجازات به خاطر آن است که آنها «کافرین» آیات ما را انکار کردند. «آیه ۲۸»^۱.

شرح لغات و توضیحات:

لام در کلمه لَنَذِيقَنَّ لام سوگند است.

أَسْوَأَ = بدتر، بدترین؛^۲

در آیات قبل و احادیث مرتبط با این آیات شریفه آمده که:

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۸۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۳.

۲. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۸۴.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۳۰۲.

وقتی کفار و مشرکین در مقابله با قرآن کریم عاجز شدند یعنی نتوانستند آیه‌ای نظیر آیات شریفه قرآن کریم بیاورند، و همچنین وقتی نتوانستند دلیل و برهانی در ردّ آیات شریفه قرآن کریم اقامه کنند، و از طرفی می‌دیدند آیات نورانی قرآن کریم و کلام نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باعث جذب مردم به طرف اسلام می‌شود،

لذا این کفار و مشرکین لجوج و کوردل به اعوان و انصار خویش سفارش می‌کردند که گوش به آیات قرآن کریم ندهند و هر زمان که پیامبر اکرم شروع به تلاوت قرآن کریم نمودند آن‌ها با جار و جنجال و سوت زدن و هورا کشیدن مانع این بشوند که صدای پیامبر اکرم و آیات الهی به گوش مردم برسد، یعنی کفار و مشرکین نه تنها خودشان به آیات قرآن کریم گوش نمی‌دادند بلکه با ایجاد سروصدا و سوت کشیدن و کارهایی از این قبیل مانع می‌شدند که آیات قرآن کریم که به وسیله پیامبر اکرم تلاوت می‌شد به گوش دیگران نیز برسد. خداوند متعال در آیات ۲۷ و ۲۸ این سوره مبارکه کفار و مشرکین و تکذیب‌کنندگان آیات الهی را مورد تهدید قرار داده و می‌فرماید:

فَلَنْذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا = لام در کلمه فَلَنْذِيقَنَّ لام سوگند است، یعنی: به طور مسلم و یقیناً همه کافران مخصوصاً کافرانی را که با ایجاد سروصدا مانع می‌شدند که آیات قرآن کریم به گوش مردم برسد عذاب سخت و شدیدی می‌چشانیم یعنی آن‌ها را به سختی عذاب خواهیم کرد.

این وعده عذاب الهی ممکن است در دنیا گریبانگر کفار شده باشد «کشته شدن به وسیله مسلمین در جنگ بدر و اسیر شدن آن‌ها توسط قوای اسلام» و یا اینکه کفار در آخرت به شدت عذاب خواهند شد.

وعده عذاب الهی در این آیه شریفه مطلق می‌باشد یعنی این وعده عذاب سخت و شدید هم مشمول کفاری است که خودشان به آیات الهی گوش نمی‌دادند و نمی‌گذاشتند که دیگران نیز گوش دهند، و هم شامل همه کافرین در تمام دوران‌ها و زمان‌ها می‌باشد.

منکرین ولایت ائمه معصومین علیهم السلام نیز در زمره همین کفار هستند که

خداوند متعال آن‌ها را به عذاب سخت تهدید فرموده است که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

خداوند متعال در ادامه آیه شریفه می‌فرماید:

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ = آن‌ها را به خاطر اینکه بدترین اعمال را انجام

می‌دادند کیفر و مجازات خواهیم نمود.

چه عملی بدتر از کفر و شرک و انکار آیات خداوند متعال می‌باشد مخصوصاً اینکه مانع هدایت دیگران نیز بشود و تلاش گردد تا مردم در گمراهی و ضلالت نگه داشته شوند.

با اینکه کفار و مشرکین و انکارکنندگان آیات خداوند متعال کیفر و مجازات همه گناهانشان را خواهند دید لیکن در این آیه شریفه به بدترین آن‌ها «أَسْوَأَ» تکیه شده و این امر ممکن است:

۱. تأکید بر شدت مجازات باشد.

۲. مانع شدن مردم از شنیدن صدای پیامبر اکرم که قرآن کریم را تلاوت می‌فرمودند می‌تواند در زمره بدترین گناهان باشد «مانع شدن مردم از هدایت به صراط مستقیم بدترین و یا از بدترین گناهان می‌باشد».

در ادامه این آیه شریفه و در آیه ۲۸ به شدت عذاب این گمراهان و دلیل گرفتار شدن آن‌ها در آتش جهنم اشاره شده است.

در آیه ۲۸ این سوره مبارکه آمده که:

ذَلِكْ = این عذاب‌های سخت و شدید که به کفار و مشرکین و منکرین آیات

خداوند متعال وعده دادیم.

جَزَاءِ أَعْدَاءِ اللَّهِ = کیفر و مجازات دشمنان خدا است.

در ادامه آیه شریفه به این عذاب اشاره شده و آمده که:

النَّارُ = این عذاب سخت و شدیدی که در انتظار دشمنان خداوند متعال می‌باشد

«کفار، مشرکین، انکارکنندگان آیات خداوند متعال، کسانی که مانع می‌شدند تا آیات

قرآن کریم به گوش مردم برسد، کسانی که مانع می‌شوند تا ندای حق به گوش مردم

برسد» آتش جهنم است.

لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ = برای آن‌ها در آتش خانه ابدی است، یعنی این‌ها توقف کوتاه مدت و زودگذر در آتش جهنم نخواهند داشت بلکه جایگاه آن‌ها آتش جهنم است آن هم جایگاهی ابدی و همیشگی.

در ادامه آیه شریفه دلیل این عذاب سخت و ابدی بیان شده است.

جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ = آن‌ها به این علت به عذاب سخت و دردناک مجازات می‌شوند که آیات ما را انکار می‌کردند، یعنی:
آن‌ها به این دلیل گرفتار آتش جهنم شدند آن هم آتش سخت و شدید و ابدی و همیشگی، زیرا:

آیات خداوند متعال را منکر بودند و آیات الهی را انکار می‌کردند.

انکار آیات خداوند متعال یعنی:

۱. انکار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و انکار رسالت و نبوت آن حضرت «ایمان نیاوردن به پیامبر اکرم یعنی انکار آن حضرت».

۲. انکار قرآن کریم و آیات شریفه آن «ایمان نیاوردن به این موضوع که آیات شریفه قرآن کریم وحی الهی است».

۳. انکار ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام «نپذیرفتن ولایت و امامت آن ذوات مقدسه».
انشاء الله تعالی در بخش حدیث به این موضوع اشاره خواهد شد.^۱

حدیث:

امام صادق علیه السلام درباره آیات ۲۷ و ۲۸ سوره فصلت فرمودند:

خداوند متعال در این آیات شریفه می‌فرماید:

فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِتُرْكِهِمْ وَايَةَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ
أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ «آیه ۲۷».

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۴۹، ۵۰.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۳۰۱، ۳۰۲.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۸۲ تا ۲۸۴.

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ... جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَحْجِدُونَ، وَ الْآيَاتِ الْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 «آیه ۲۸»، یعنی:

خداوند متعال می فرماید:

به کسانی که به ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام کفر ورزیدند «ولایت آن حضرت را نپذیرفتند» عذاب سخت و شدیدی خواهیم چشاند،
 و آن‌ها را به خاطر بدترین عملی که انجام دادند «انکار ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام» کیفر و مجازات خواهیم نمود.
 این آتش جهنم کیفر و مجازات دشمنان خدا است «منکرین ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام»،
 و جهنم جایگاه ابدی و همیشگی این افراد می باشد،
 و این عذاب شدید و ابدی برای این است که آن‌ها آیات خدا را انکار کردند،
 و مقصود از آیات خداوند متعال ائمه معصومین علیهم السلام می باشند.
 این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

مقصود این حدیث شریف و نورانی این نیست که نام مبارک امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام در قرآن کریم بوده و توسط مخالفین ائمه علیهم السلام حذف شده است،
 بلکه مقصود این حدیث شریف و نورانی بیان تأویل آیات شریفه می باشد و معنی باطنی این دو آیه شریفه را بیان می فرماید که:
 الف) منکرین ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام مانند کفار مورد تهدید خداوند متعال قرار گرفته‌اند و عذاب الیم و دردناک جهنم در انتظار آن‌ها است.

ب) جهنم با شدیدترین عذابش جایگاه ابدی کافران می باشد چرا که آن‌ها دشمنان

۱. اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۹۱، حدیث ۴۵ «حدیث ۱۱۲۴»

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۴، حدیث ۲.

خدا هستند و آنها کسانی هستند که آیات خداوند متعال یعنی ائمه معصومین
علیهم السّلام را انکار کردند.

ذیل آیه ۱۲۶ سوره طه، آیه ۱۸ سوره هود و آیه ۴۹ سوره عنکبوت احادیثی از ائمه
معصومین علیهم السّلام به عرض رسید که آن ذوات مقدّسه بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین
آیت خداوند متعال می‌باشند.

آیه ۲۹ سوره فصلت:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ آضَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ».

ترجمه:

کافران در جهنم می گویند:
خداوند، آنهایی که ما را در دنیا گمراه کردند از انس و جن، خدایا آنها را به ما نشان بده تا زیر پای خودمان لگدمالشان کنیم تا از پست‌ترین مردم باشند.^۱

شرح لغات و توضیحات:

در آیات قبل آمده بود که کافران نه تنها خودشان به خدا و رسول خدا ایمان نداشتند بلکه دیگران را نیز مانع می شدند که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورند.

خداوند متعال نیز در آیه ۲۷ و ۲۸ همین سوره کافرین را به عذاب شدید جهنم وعده داده و تهدید فرموده که آنها را به خاطر کفرشان و به خاطر انکار آیات الهی به شدیدترین وجه مجازات خواهد نمود.

خداوند متعال در این دو آیه شریفه کافرین را دشمن خدا عنوان فرموده و دلیل عذاب کردن کافران را اینگونه عنوان فرموده که:

آتش جهنم کیفر و مجازات کافرین می باشد که دشمن خدا هستند و مجازات آنها به این علت است که آنها آیات خداوند متعال را انکار نمودند.

در روایت و حدیث ذیل این دو آیه شریفه عنوان شد که:

آشکارترین و بارزترین مصداق دشمنان خدا کسانی هستند که به ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام کفر ورزیده و از آن ذوات مقدسه اطاعت و پیروی نکردند.

همچنین در همان حدیث عنوان شد که منظور از آیات الهی که کافران آنها را انکار

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۸۳.

نموده و به آن‌ها ایمان نیاوردند ائمه معصومین علیهم السّلام می‌باشند، بنابراین:
 کسانی که آیات خداوند متعال یعنی ائمه معصومین علیهم السّلام را انکار نموده و
 به آن ذوات مقدّسه ایمان نیاورده باشند در زمره کفّار واقع شده و عذاب سخت و
 همیشگی جهنّم در انتظار آنان می‌باشد و احادیث ذیل آیه ۲۹ این سوره نیز موید این
 مطلب است که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.
 همانطور که عرض شد خداوند متعال همه کافرین از جمله منکرین ولایت و
 امامت ائمه معصومین علیهم السّلام را در آیات ۲۷ و ۲۸ تهدید فرموده که در جهنّم به
 شدّت عذابشان خواهد کرد.

در آیه ۲۹ به وضعیت این افراد ملحد و بی‌دین اشاره شده و آمده که:
 وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا = کافرین وقتی وارد جهنّم شده و عذاب سخت و دردناک جهنّم
 را می‌چشند به خداوند متعال عرض می‌کنند:
 رَبَّنَا ارِنَا الَّذِيْنَ اَصَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْانْسِ = خداوندا، گمراه‌کنندگان انسی و جنی
 «گمراه‌کنندگان از جنس انسان یا جن» که در دنیا ما را گمراه کرده و از راه راست
 منحرف نمودند به ما نشان بده.

این درخواست و این تقاضا مربوط به پیروان می‌باشد که وقتی گرفتار آتش جهنّم
 می‌شوند از خداوند متعال درخواست می‌کنند که خدایا:
 رهبران ضلالت و گمراهی را به ما نشان بده تا آن‌ها را چنین و چنان کنیم.
 علّت این درخواست نیز این است که این پیروان بدبخت همه بدبختی‌های خودشان
 را از چشم رهبران ضلالت و گمراهی می‌دانند که آن‌ها را در دنیا گمراه کرده و از
 صراط مستقیم الهی منحرفشان نمودند.
 درخواست و تقاضای پیروان گمراه در جهنّم از خداوند متعال این است که
 خداوندا:

رهبران و پیشوایان کفر و ضلالت و گمراهی را به ما نشان بده تا:
 نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ اَقْدَامِنَا = آن‌ها را زیر پای خود بگذاریم و لگدمالشان کنیم، زیرا آن‌ها
 «رهبران ضلالت و گمراهی که از آن‌ها تحت عنوان گمراه‌کنندگان انسی و جنی یاد
 شده است» باعث گمراهی ما در دنیا بودند.

لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ = تا آن‌ها از پست‌ترین مردم باشند.

افرادی که در دنیا گمراه شده و به جای تبعیت و پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام از رهبران و پیشوایان ضلالت و گمراهی و خلفای غاصب تبعیت و پیروی کردند وقتی خودشان را داخل جهنم و آتش سوزان جهنم می‌بینند تمام تقصیرهای خودشان را به گردن رهبران ضلالت و گمراهی انداخته و از خداوند متعال درخواست می‌کنند تا گمراه‌کنندگان انسی و جنی یعنی رهبران ضلالت و گمراهی را به آن‌ها بسپارد و به دست آن‌ها بدهد تا آن‌ها را لگدمال کنند تا این رهبران فاسد و گمراه از پست‌ترین مردم باشند.

مقصود از اینکه از پست‌ترین مردم باشند یعنی:

۱. رهبران ضلالت و گمراهی زیر پای پیروان خویش لگدمال شوند تا در جهنم علاوه بر تحمل عذاب الهی در بین سایر جهنمیان نیز خوار و ذلیل شوند.
۲. عذاب رهبران ضلالت و گمراهی از عذاب پیروان آن‌ها سخت‌تر باشد چرا که رهبران ضلالت و گمراهی باعث گمراهی پیروان خویش بودند.
۳. پیروان گمراه آرزو می‌کنند که رهبران ضلالت و گمراهی گرفتار سخت‌ترین و شدیدترین عذاب‌ها شوند و عذاب آن‌ها از عذاب همه اهل جهنم بیشتر باشد.^۱

حدیث:

۱. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا - آیه ۲۹ سوره فصلت» فرمودند:

مقصود از دو گمراه‌کننده انسی «از جنس انسان» آن دو نفر هستند،
و مقصود از گمراه‌کننده از جنس جن شیطان می‌باشد.

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۵۰ - ۵۱.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۸۵.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۳۰۲ - ۳۰۳.

این حدیث را حسین جمّال از امام صادق علیه السّلام نقل نموده است.^۱

۲. وجود مقدّس امام کاظم علیه السّلام درباره این آیه شریفه «قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا - آیه ۲۹ سوره فصّلت» فرمودند: منظور از گمراه کننده از جنس جن همان ابلیس است که بعد از رحلت پیامبر اکرم به طرف فلانی آمده و با او بیعت نمود، و منظور از گمراه کننده انسی نیز فلانی است که نخستین بیعت کننده با او بود «نخستین بیعت کننده از بین انسان‌ها».^۲

۳. امام صادق علیه السّلام درباره این آیه شریفه «قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ - آیه ۲۹ سوره فصّلت» فرمودند: به خدا قسم منظور از دو گمراه کننده در این آیه شریفه همان دو نفر می باشند. راوی این حدیث شریف و نورانی که سوره بن کلب می باشد نقل می کند که امام صادق علیه السّلام سه مرتبه این جمله را تکرار فرمودند.^۳

توضیح:

وقتی قیامت به پا می شود و به حساب مردم رسیدگی می گردد مؤمنین و نیکان به بهشت می روند و مجرمین و بدکاران به جهنّم. مجرمین و گنهکاران وقتی به جهنّم وارد شده و عذاب شدید جهنّم را می چشند

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۴.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۵، حدیث ۱.
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۰۱، حدیث ۳۳ «حدیث ۹۹۵۶».

۲. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۴.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۶، حدیث ۵.
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۰۱، حدیث ۳۲ «حدیث ۹۹۵۵».

۳. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۴.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۵، حدیث ۲.
تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۰۱، حدیث ۳۴ «حدیث ۹۹۵۷».

از خداوند متعال درخواست می‌کنند تا رهبران کفر و شرک و پیشوایان ضلالت و گمراهی را به آن‌ها نشان دهد تا رهبران و پیشوایان ضلالت و گمراهی را زیر پای خویش لگدمال نمایند چرا که عامل انحراف و گمراهی آن‌ها در دنیا همین رهبران و پیشوایان ضلالت و گمراهی بودند.

از جمله این گنهکاران و جهنمیان منکرین ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام و ظلم‌کنندگان به اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند که وقتی در آتش جهنم گرفتار می‌شوند و سزای جنایات خودشان را می‌بینند به خداوند متعال عرض می‌کنند:

خداوندا:

آن دو نفر در دنیا عامل و باعث گمراهی و ضلالت ما بودند و ما را به گمراهی کشانده و باعث دشمنی و خصومت ما با اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شدند بنابراین آن دو نفر را به ما نشان بده تا زیر پاهای خویش لگدمالشان کنیم تا از پست‌ترین جهنمیان باشند.

آیه ۳۰ سوره فصلت:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا، تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ، أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ».

ترجمه:

کسانی که گفتند پروردگار ما خداوند یگانه است و سپس بر سر گفته خویش و عقیده خویش استقامت و پایداری نشان دادند ملائکه به آنها نازل شده و به آنها می‌گویند:

نترسید و محزون و غمگین نباشید، بشارت باد بر شما آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.^۱

شرح لغات و توضیحات:

در آیات قبل سخن از کافران و منکران لجوجی بود که بر کفر خویش پافشاری می‌کردند و خداوند متعال نیز در آیات ۲۷ تا ۲۹ این سوره مبارکه آنها را تهدید به عذاب نموده بود.

در آن آیات شریفه آمده بود که:

ما «خداوند متعال» به کسانی که کفر ورزیدند عذاب شدید جهنم را می‌چشانیم و این عذاب شدید نیز به این خاطر است که آنها آیات ما را انکار کردند و نتیجه کارشان نیز ورود به جهنم است و اقامت دائمی و همیشگی در آنجا.

همانگونه در ذیل آیات شریفه مذکور به عرض رسید ظاهر آیات شریفه راجع به همه کسانی بود که به خداوند متعال کفر ورزیده بودند، لیکن تأویل آیات شریفه مربوط به کسانی بود که به ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام کفر ورزیده و آیات خداوند متعال یعنی ائمه معصومین علیهم السلام را انکار نموده بودند.

اما در این آیه شریفه «آیه ۳۰» سخن از مؤمنینی است که در ایمان و عمل خویش راسخ و استوار هستند و خداوند متعال به این مؤمنین بشارت داده که به بهشت وارد

۱. تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۸۷ - ۲۸۸.

خواهند شد و از همه نعمات بهشتی بهره‌مند خواهند شد. اینک این مؤمنین چه کسانی هستند که خداوند متعال بهشت را به آنها وعده فرموده است انشاءالله تعالی در بخش حدیث خواهد آمد.

خداوند متعال در توصیف مؤمنینی که با لطف و فضل خداوند سبحان به بهشت وارد خواهند شد و برای همیشه از همه نعمات بهشتی بهره‌مند خواهند شد می‌فرماید:
 إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ = به درستی که «یقیناً» کسانی که گفتند خدای ما الله است «کسانی که می‌گویند خدای ما الله است»، یعنی:

کسانی که به خداوند متعال ایمان آورده و خداوند متعال را به یگانگی شناختند و به زبان خویش به یگانگی خداوند متعال اعتراف کرده و پیامبران و انبیاء الهی را تصدیق نمودند و:

ثُمَّ اسْتَقَامُوا = سپس بر سر گفته خویش و اعتقاد خویش ایستادند و کمترین انحرافی پیدا نکردند.

ثُمَّ اسْتَقَامُوا = می‌تواند معانی ذیل را داشته باشد:

۱. در اعتقاد خویش به یگانگی خداوند متعال ثابت‌قدم و پابرجا باشند یعنی تا دم مرگ بر همین عقیده باقی بمانند.

۲. بر انجام دستورات خداوند متعال و انجام واجبات استقامت داشته باشند و پایمردی کنند، یعنی:

همچنانکه در گفتار خویش و عقیده خویش استقامت به خرج داده و انحراف پیدا نکردند در اعمال خویش نیز استقامت داشته باشند و در انجام اعمال واجب خویش کوتاهی نکنند.

بنابراین معنی آیه شریفه تا این جا این می‌شود که:

کسانی که به خداوند یگانه ایمان آورده و پیامبران الهی را تصدیق نموده و سپس در این راه استقامت به خرج دادند «از راه راست انحراف پیدا نکرده و به تکالیف شرعی خویش عمل نموده و ایمان را محور زندگی خویش قرار دادند».

در ادامه آیه شریفه اشاره شده که افرادی که اینگونه باشند ملائکه به آنها نازل شده و ...

تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ = ملائکه رحمت الهی به آنها نازل می‌شوند.

نزول ملائکه رحمت الهی به مؤمنینی که خدا را به یگانگی شناخته و در این راه استقامت به خرج داده و دچار انحراف نشده‌اند به منظور دلداری دادن و بشارت دادن به آنها می‌باشد.

نزول ملائکه رحمت الهی به مؤمنین در موافقی است که ذیلاً آمده است.

۱. هنگام مرگ.

۲. در قبر «عالم برزخ».

۳. هنگام بیرون آمدن از قبر در روز قیامت.

ملائکه رحمت الهی به امر خداوند متعال در سه موقعی که نام برده شد به مؤمنین نازل شده و به آنها می‌گویند:

الَّا تَخَافُوا = نترسید و خوف نداشته باشید، یعنی ای مؤمنین:

شما عذاب نخواهید شد پس خوف از عذاب نداشته باشید و از حوادث آینده بیمناک نباشید «از قیامت و رسیدگی به اعمال و حوادث هولناک آن روز».

وَلَا تَحْزَنُوا = ملائکه رحمت الهی در ادامه صحبت خویش به مؤمنین می‌گویند:

محزون و غمگین نباشید.

خوف «ترس» مربوط به آینده است،

و حُزْن «غم و اندوه» مربوط به گذشته، لذا:

وقتی ملائکه رحمت الهی به مؤمنین می‌گویند محزون نباشید یعنی:

۱. بابت گناهان خودتان که در گذشته مرتکب شده‌اید محزون نباشید که انشاءالله

تعالی آمرزیده می‌شود.

۲. از ثواب‌های از دست رفته خودتان محزون نباشید که خداوند متعال آنها را

جبران می‌کند.

۳. برای خانواده خودتان و اموالتان غمگین و محزون نباشید که خداوند متعال

حافظ خانواده شما است و بهتر از آن اموال را به شما اعطا خواهد فرمود.

از بین رفتن خوف و ترس و حزن و اندوه به هنگام مرگ و داخل قبر «عالم برزخ»

و هنگام بیرون آمدن از قبر در روز قیامت نهایت آرزوی هر مؤمن است که خداوند

متعال با لطف و فضل خویش اعطا می فرماید.

ملائکه رحمت الهی در ادامه صحبت خویش با مؤمنین به آن‌ها می گویند:
 وَأَبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ = بشارت باد بر شما آن بهشتی که به آن وعده
 داده می شدید، یعنی:
 شما را بشارت و مژده می دهیم به همان بهشتی که پیامبر اکرم در دنیا به شما وعده
 می داد.

صحبت ملائکه رحمت الهی با مؤمنین در آیه بعد نیز ادامه دارد و طی آن به مؤمنین
 گفته می شود که:
 ما ملائکه رحمت الهی یاران و دوستان شما هستیم و در بهشت هر نعمتی که
 بخواهید و آرزو کنید برای شما فراهم شده است و مهیا می باشد و همه این نعمت‌ها
 «اعم از مادی و معنوی» از جانب خداوند غفور و رحیم به شما اعطا شده است.^۱

توضیح:

این بشارت‌ها و نویدها را ملائکه رحمت الهی به کسانی می دهند که:
 ۱. به یگانگی خداوند متعال ایمان داشته باشند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و
 سلم را تصدیق نمایند.

۲. استقامت در دین و ایمان خود داشته باشند، یعنی:
 بر سر گفته خویش و اعتقاد خویش که می گفتند رَبُّنَا اللهُ باقی بمانند و ثابت قدم
 باشند و انحراف پیدا نکنند «نسبت به عقیده خویش محکم و استوار باشند و به آن
 پایدار بمانند»، و توضیحات دیگری که ذیل این قسمت از آیه شریفه «ثُمَّ اسْتَقَامُوا»
 داده شد.

۱. مجمع البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۵۱ تا ۵۷.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۳۰۳ تا ۳۰۵.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۸۷ تا ۲۹۵.

توضیحاتی که ذیل **ثُمَّ اسْتَقَامُوا** به عرض رسید مطالبی است که مفسرین بزرگوار عنوان نموده‌اند، اما اینکه این‌ها چه کسانی هستند که استقامت و استواری در دین و ایمان خویش داشتند و بر سر گفته خویش و اعتقاد خویش ثابت قدم بوده و کمترین انحرافی از صراط مستقیم پیدا نکردند انشاءالله تعالی در بخش حدیث اشاره خواهد شد که تأویل آیه شریفه و معنی باطنی **ثُمَّ اسْتَقَامُوا** می‌باشد.

به عبارت دیگر:

کسانی که پس از اعتقاد به یگانگی خداوند متعال و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر سر گفته و اعتقاد خویش ثابت قدم و استوار باقی ماندند و کمترین انحرافی پیدا نکردند افراد خاصی هستند که بشارت ملائکه رحمت الهی مخصوص و منحصر به آن‌ها است که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.

حدیث:

۱. از امام صادق علیه‌السلام در رابطه با این آیه شریفه «**إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...**» آیه ۳۰ سوره فصلت» سؤال شد، و آن حضرت در پاسخ به این سؤال فرمودند:

اسْتَقَامُوا عَلَى الْأَيْمَةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشَرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ،

یعنی:

این آیه شریفه درباره کسانی است که به امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم‌السلام یکی پس از دیگری معتقد شدند و در این عقیده خویش ثابت قدم و استوار مانده و استقامت به خرج دادند.

این حدیث را محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۱. اصول کافی، جلد اول، صفحه ۳۲۰، حدیث ۲ «حدیث ۵۸۱».

اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۲۸۸، حدیث ۴۰ «حدیث ۱۱۱۹».

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۰۳، حدیث ۳۷ «حدیث ۹۹۶۰».

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۷ - ۸۹، حدیث ۷ و ۱۱.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۶.

۲. از امام رضا علیه‌السلام درباره معنی استقامت در این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» آیه ۳۰ سوره فصلت» سؤال شد.

وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام در پاسخ به این سؤال فرمودند:

به خدا قسم، استقامت همین ولایتی است که شما شیعیان دارید.

این حدیث را محمد بن فضیل از امام رضا علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

توضیح:

تأویل آیه شریفه و معنی باطنی این آیه شریفه «آیه ۳۰ سوره فصلت» این است که: کسانی که خداوند متعال را به یگانگی بشناسند و به رسالت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایمان بیاورند و ولایت و امامت اهل بیت پیامبر اکرم یعنی ولایت و امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام از حضرت امیر علیه‌السلام تا وجود مقدس امام زمان علیه‌السلام را بپذیرند و از آن ذوات مقدسه اطاعت و پیروی نمایند مشمول این آیه شریفه می‌شوند که:

ملائکه رحمت الهی هنگام مرگ، در عالم برزخ و هنگام بیرون آمدن از قبر «در روز قیامت» به آنها نازل شده و ترس و خوف همچین حُزن و اندوه آنها را برطرف کرده و به بهشت‌ترین با همه نعماتش مژده و بشارت می‌دهند و به آنها می‌گویند: هر چه که در بهشت آرزو کنید برای شما آماده و مهیا است و همه این نعمات را خداوند متعال به شما اعطا فرموده است.

بنابراین فقط شیعیان و محبّین و ارادتمندان وجود مقدس چهارده معصوم علیهم‌السلام مشمول این آیه شریفه بوده و نزول ملائکه رحمت الهی نیز مختص به شیعیان است و لا غیر.

۳. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۵۲.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۹۱، حدیث ۱۵.

تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۴۱ «حدیث ۹۹۶۴».

ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ
- آیه ۳۰ سوره فصلت» فرمودند:

مصدق این آیه شریفه ما و آن دسته از شیعیان ما هستند که در عقیده و ایمان خویش استقامت ورزیدند «در عقیده و ایمان خویش به امامت و ولایت ما»، و خودشان را تسلیم اوامر و فرامین ما نمودند و راز ما را از دشمنان ما مخفی نگه داشتند،

و ملائکه الهی از چنین بندگانی استقبال کرده و بهشت را به آن‌ها بشارت می‌دهند. این حدیث را ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل نموده است.^۱

۴. وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»
- آیه ۳۰ سوره فصلت» فرمودند:

این آیه شریفه در رابطه با کسانی است که از خداوند متعال و از پیامبر اکرم اطاعت کردند و ولایت اهل بیت پیامبر اکرم را به طور کامل پذیرفته و سپس به آن‌ها استقامت ورزیدند.

ملائکه الهی روز قیامت به این افراد نازل شده و به آن‌ها می‌گویند: نترسید و اندوهگین نباشید زیرا تا زمانی که شما وارد بهشت شوید ما همراه شما هستیم و از شما دور نخواهیم شد.

ملائکه الهی در ادامه سخن خویش به این افراد «شیعیان ائمه علیهم‌السلام» می‌گویند: بشارت باد بر شما بهشتی که به آن وارد خواهید شد و به شما وعده داده شده بود.

این حدیث را ابوجارود از امام باقر علیه‌السلام نقل نموده است.^۲

۵. ابوبصیر می‌گوید از وجود مقدس امام باقر علیه‌السلام درباره این آیه شریفه «إِنَّ

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۸، حدیث ۹.
۲. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۸، حدیث ۱۰.

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ - آیه ۳۰ سوره فصلت» سؤال نمودم.

وجود مبارک امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

ای ابابصیر:

به خدا قسم منظور این آیه شریفه همان ولایتی است که شما شیعیان به آن اعتقاد دارید که خداوند متعال در آیه شانزدهم سوره جن نیز به آن اشاره نموده و فرموده:

وَالْوِاسْتِقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا.

ابوبصیر می گوید:

خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم:

ملائکه الهی چه زمانی به شیعیان شما نازل می شوند و به آن‌ها می گویند نترسید و اندوهگین نباشید «خوف و حزن نداشته باشید»، و به آن‌ها مژده و بشارت بهشت را می دهند.

وجود مبارک امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال من فرمود:

ملائکه الهی هنگام مرگ و همچنین در روز قیامت به شیعیان ما نازل شده و خوف و حزن آن‌ها را برطرف نموده و به آن‌ها مژده و بشارت بهشت را می دهند.^۱

توضیح:

ذیل آیه شانزدهم سوره جن «وَالْوِاسْتِقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا» نیز در این رابطه توضیحاتی به عرض رسیده و احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است.

۶. وجود مقدس امام عسکری علیه السلام فرمودند:

مؤمن همواره از عاقبت خویش نگران است و یقین به وصول رضوان الهی ندارد

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۹، حدیث ۱۲.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۰۵، حدیث ۴۳ «حدیث ۹۹۶۶».

تا اینکه زمان مرگش فرا برسد «تا زمان مرگ خویش نمی‌داند که آیا خداوند متعال واقعاً از او راضی است یا نه».

وقتی که زمان مرگ مؤمن «یعنی شیعه» فرا می‌رسد و ملک الموت برای قبض روح این فرد شیعه «فرد مؤمن» حاضر می‌شود این فرد در تشویش و اضطراب است که از اهل و عیال خویش و از اموال خویش جدا می‌شود و این در حالی است که به بسیاری از آرزوهای خویش در دنیا نرسیده است.

ملک الموت به شیعه در حال احتضار می‌گوید:

آیا انسان عاقل برای از دست دادن یک درهم جعلی بی‌تابی می‌کند در حالی که در مقابل آن هزاران هزار برابر اموال دنیا به او داده می‌شود.

شیعه در حال احتضار به ملک الموت «فرشته مرگ» می‌گوید: نه.

ملک الموت به شیعه در حال احتضار می‌گوید:

به بالای سرت نگاه کن.

شیعه در حال احتضار به بالای سر خویش نگریسته و درجات بهشتی و قصرهای مجلل و باشکوهی را می‌بیند که در آرزوها هم دست نیافتنی هستند و تمام آرزوها در مقابل آنها ناچیز می‌باشد.

ملک الموت به شیعه در حال احتضار می‌گوید:

این‌ها منازل و نعمات و اموال تو هستند و در آن‌جا اهل و عیال و فرزندان صالح تو نیز همراه تو خواهند بود.

ملک الموت به شیعه در حال احتضار می‌گوید:

آیا در مقابل به دست آوردن این همه نعمات بهشتی حاضر هستی آنچه را که در دنیا داری از دست بدهی «آیا به جای اموال و دارایی‌های دنیوی به این نعمات بهشتی رضایت می‌دهی».

شیعه در حال احتضار می‌گوید:

بله راضی هستم.

در این هنگام شیعه در حال احتضار وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام

را در اعلیٰ علیین و در عالی‌ترین درجات مشاهده می‌کند.
 ملک الموت به شیعه در حال احتضار می‌گوید:
 آیا پیامبر اکرم و حضرت امیر و دیگر ائمه معصومین علیهم‌السلام را مشاهده
 می‌کنی و آن ذوات مقدسه را می‌بینی.
 شیعه در حال احتضار می‌گوید:
 بله، آن ذوات مقدسه را می‌بینم
 ملک الموت به شیعه در حال احتضار می‌گوید:
 این ذوات مقدسه، موالی «سروران» و ائمه تو هستند و تو در بهشت افتخار این را
 خواهی داشت که همنشین آن ذوات مقدسه باشی،
 آیا راضی نیستی در مقابل از دست دادن نزدیکانت همنشین این ذوات مقدسه
 باشی؟

شیعه در حال احتضار پاسخ می‌دهد:

آری، به خدا قسم راضی هستم.

در انتهای فرمایش امام عسکری صلوات الله و سلامه علیه آمده که:

این است مصداق فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا
 بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ - آیه ۳۰ سوره فصلت»^۱

۷. وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

کسی که ولایت ما را پذیرفته و بغض دشمنان ما را در دل دارد هنگام مرگ
 وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
 علیه‌السلام، امام حسن و امام حسین علیهما‌السلام را زیارت می‌کند و در همان حال
 آن ذوات مقدسه او را خوشحال نموده و به او بهشت را بشارت می‌دهند.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۶ - ۶۱۷

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۹۰، حدیث ۱۳.

این حدیث را ابن سنان از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل نموده است.^۱
قابل ذکر است که:

ذیل آیه ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ سوره یونس، آیه ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ سوره آل عمران، آیه ۴۹ سوره اعراف، آیه ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره انبیاء، آیه ۸۹ و ۹۰ سوره نمل و آیه ۱۲ سوره حدید احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده که شیعیان در قبر و قیامت خوف و حزنی ندارند و بهشت به آنها مژده و بشارت داده می شود.

۱. تفسیر صافی، جلد پنجم، صفحه ۶۱۶.

تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۸۷، حدیث ۶.

تفسیر نورالثقلین، جلد ششم، صفحه ۷۰۷، حدیث ۴۵ «حدیث ۹۹۶۸».

آیه ۳۳ سوره فصلت:

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

ترجمه:

چه کسی خوش سخن تر و خوش گفتارتر از آن شخصی است که مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می کند و عمل صالح «کار نیکو» انجام می دهد و می گوید من از مسلمانان هستم.^۱

شرح لغات و توضیحات:

احسن قول = بهترین سخن، بهترین گفتار؛

در آیات گذشته «آیه ۲۶ تا ۲۹» سخن از کفار و مشرکینی بود که مردم را از شنیدن آیات الهی و آیات قرآن کریم نهی می کردند و خداوند متعال نیز آن ها را به عذاب شدید تهدید نموده بود که ذیل آن آیات شریفه توضیحات لازم به عرض رسید. از آیه ۳۰ به بعد «از جمله آیه ۳۳» سخن از مؤمنینی است که در ایمان خویش راسخ و استوار هستند و خداوند متعال نیز وعده بهشت به آن ها داده است.

بنابراین در این آیات شریفه صحبت از دو گروه می باشد.

۱. گروهی که مردم را از شنیدن آیات قرآن کریم نهی کرده و مانع هدایت مردم به راه راست بودند یعنی دعوت کنندگان به سوی ضلالت و گمراهی.

۲. گروهی که مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می کنند یعنی دعوت کنندگان به طرف هدایت و رشد که سخنانشان و گفتارشان بهترین سخنان و بهترین گفتارها می باشد چرا که دعوت به طرف خداوند متعال است.

خداوند متعال در توصیف کسانی که مردم را به سوی خدا دعوت می کنند می فرماید:

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ = چه کسی خوش سخن تر از آن شخصی است که مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می کند.

این قسمت از آیه شریفه استفهام انکاری است و در این صورت معنی این قسمت از آیه شریفه این می شود که:

هیچ کس خوش سخن تر از کسی نیست که مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می کند، و به عبارت دیگر:

دعوت کنندگان به سوی خداوند متعال «منادیان توحید و یکتاپرستی» خوش سخن ترین و خوش گفتارترین انسان ها می باشند.
در ادامه آیه شریفه به سایر ویژگی های این منادیان توحید اشاره شده و آمده است که:

وَعَمَلٌ صَالِحًا = این منادیان توحید و این دعوت کنندگان به طرف خدا ضمن اینکه مردم را به طرف خداوند متعال دعوت می کنند خودشان نیز عمل صالح انجام می دهند.

به عبارت دیگر:

این دعوت کنندگان به طرف خدا و این منادیان توحید و یکتاپرستی با انجام اعمال صالح و کارهای شایسته و نیکو «اعم از واجبات یا مستحبات» دعوت زبانی خویش را تأکید و تثبیت می کنند.

چون ممکن است در بین افرادی که مردم را به سوی خدا دعوت می کنند کسانی باشند که به دنبال اغراض شخصی و منافع شخصی خودشان باشند لذا خداوند متعال انجام عمل صالح را نیز آورده تا منادیان واقعی و دعوت کنندگان واقعی به سوی خداوند متعال از منادیان دروغین شناخته شوند، لذا:

دعوت کنندگان واقعی به سوی خداوند متعال کسانی هستند که خودشان نیز اعمال صالح را مقدم بر همه مردم انجام می دهند.

خداوند متعال علاوه بر انجام عمل صالح شرط دیگری را نیز برای این منادیان توحید و یکتاپرستی عنوان فرموده که در ادامه آیه شریفه آمده است

وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ = و می گوید من از مسلمانان هستم و تسلیم اوامر الهی می باشم، یعنی با تمام وجود اسلام را پذیرفته ام و تسلیم محض اوامر و دستورات خداوند متعال می باشم.

کلمه **قَالَ** که در این قسمت از آیه شریفه آمده از ماده قول است و قول دو معنی دارد:

۱. سخن، گفتار

۲. اعتقاد، عقیده

هر دو معنی فوق‌الاشاره با این آیه شریفه تطبیق می‌کند، یعنی اگر قول را به معنی سخن و گفتار بدانیم معنی این قسمت از آیه شریفه این می‌شود که: منادیان توحید و یکتاپرستی مردم را دعوت به سوی خداوند متعال می‌نمایند و اعمال صالح انجام می‌دهند و از روی افتخار و با مباهات هر چه تمام‌تر می‌گویند ما از مسلمین هستیم و از مسلمانانیم و با تمام وجود اسلام را پذیرفته‌ایم، و اگر قول را به معنی اعتقاد و عقیده بدانیم معنی آیه شریفه این می‌شود که: منادیان توحید و یکتاپرستی مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می‌کنند ضمن اینکه خودشان مقدم بر همه مردم اعمال صالح انجام می‌دهند و اعتقاد راسخ به اسلام دارند.

بنابراین، کسی که:

۱. مردم را به سوی خدا دعوت کند «دَعَا إِلَى اللَّهِ»

۲. عمل صالح انجام دهد «عَمِلَ صَالِحًا»

۳. اعتقاد به اسلام داشته باشد یعنی مسلمان باشد «وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»،

چنین شخصی سخن و گفتارش **أَحْسَنُ الْقَوْلِ** «بهترین سخنان» می‌باشد.

این آیه شریفه دلالت بر این دارد که دعوت مردم به سوی خداوند متعال و دین اسلام از بزرگ‌ترین عبادات و از واجب‌ترین واجبات می‌باشد.

هر چند آیه شریفه عمومیّت دارد و شامل همه کسانی می‌شود که مردم را به سوی خدا و دین اسلام دعوت می‌کنند لیکن این آیه شریفه مصداق اتم و اکملی دارد که انشاءالله تعالی در بخش حدیث به آن اشاره خواهد شد.^۱

۱. مجمع‌البیان، جلد بیست و دوم، صفحه ۵۸ - ۵۹.

المیزان، جلد سی و چهارم، صفحه ۳۰۶.

تفسیر نمونه، جلد بیستم، صفحه ۲۹۷ - ۲۹۸.

حدیث:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:
پس از من علی بن ابیطالب علیه السلام باب هدایت است و دعوت کننده مردم به
سوی خداوند متعال،
و او است صالح المومنین و آن حضرت مصداق این آیه شریفه است که خداوند
متعال می فرماید:
«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ - آیه ۳۳ سوره
فصلت».

این حدیث را ابن عباس از وجود مبارک پیامبر اکرم نقل نموده است.^۱

۲. در زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره که از ناحیه وجود مقدس امام هادی
علیه السلام صادر شده و حقیقتاً یک دوره کامل و جامع امام شناسی است هنگام
زیارت هر کدام از ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام به محضر آن بزرگواران
عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، یعنی:

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا.

داعی = دعوت کنند «جمع داعی می شود دعاء».

قابل ذکر است که:

داعی إِلَى اللَّهِ «دعوت کننده به سوی خدا» به معنای واقعی کلمه کسی غیر از معصوم

نمی تواند باشد، زیرا:

غیر معصوم هر کس که باشد کم و بیش تابع نفس اماره است لذا در دعوت مردم

به سوی خداوند متعال صد در صد خالص و مخلص نمی باشد،

اما معصوم چون دارای مقام عصمت است از متابعت هوی و هوس بر کنار است

و جز رضای خداوند متعال را نمی طلبد،

ضمن اینکه ائمه معصومین علیهم السلام حجت خدا و خلیفه خدا هستند و وظیفه

۱. تفسیر برهان، جلد هشتم، صفحه ۹۲، حدیث ۲.

آن‌ها دعوت مردم به سوی خداوند متعال و دعوت به صراط مستقیم الهی می‌باشد و سایر مردم اعم از علما و فقها و صالحین نیز اگر مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند در واقع دعوت آن ذوات مقدسه را تأکید و تکرار می‌کنند،

زیرا دعوت‌کنندگان حقیقی مردم به سوی خداوند متعال ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند که حجت خدا بر مخلوقات بوده و بعد از پیامبر اکرم دعوت مردم به سوی خدا و هدایت مردم به صراط مستقیم الهی از جانب خداوند متعال بر عهده آن بزرگواران محوّل شده است.

در قسمت دیگری از این زیارت شریف به محضر آن ذوات مقدسه عرض می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الدُّعَاةِ، یعنی:

سلام بر شما ائمه معصومین علیهم‌السلام که دُعاة الی الله می‌باشید و مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می‌کنید.

در فراز دیگری از زیارت نورانی و شریف جامعه کبیره خدمت ذوات مقدسه معصومین علیهم‌السلام عرض می‌کنیم:

إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، یعنی:

مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می‌فرمائید،

وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، یعنی:

مردم را به سوی خداوند متعال دلالت و راهنمایی می‌فرمائید.

قابل ذکر است که:

مقام دلالت با دعوت تفاوت دارد، زیرا:

دعوت فقط به گفتن است لیکن دلالت علاوه بر گفتن ارائه طریق را نیز به همراه

دارد،

و بِهِ تُؤْمِنُونَ، یعنی:

شما بزرگواران فقط به خداوند متعال ایمان دارید و لازمه ایمان کامل به خدا

اطاعت از خدا و پرهیز از مخالفت با او است.

در این قسمت از زیارت شریف آمده که:

بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ نَفَرَمُودَةٌ تُؤْمِنُونَ بِهِ، و این قضیه افاده حصر می‌نماید،

یعنی شما معصومین علیهم السّلام فقط به خداوند متعال ایمان دارید،
یعنی اعلا درجه توحید و اعلا درجه ایمان اختصاص به شما دارد.^۱

توضیح:

خداوند متعال در آیه ۴۵ و ۴۶ سوره احزاب وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (آیه ۴۵)
وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (آیه ۴۶)، یعنی:
خداوند متعال می‌فرماید:

ای پیامبر، ما تو را به عنوان شاهد و گواه اعمال امت و بشارت‌دهنده و اندازکننده فرستادیم (آیه ۴۵)

ای پیامبر، ما تو را به فرمان خدا دعوت‌کننده مردم به سوی الله قرار دادیم،
همچنین به عنوان سراج منیر (چراغ روشنی‌بخش).
این احتمال وجود دارد که قید بِإِذْنِهِ به تمام اوصاف گذشته بازگردد،
لیکن ظاهر آیه شریفه مبین این مطلب است که قید بِإِذْنِهِ به مسئله دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ
بازمی‌گردد، یعنی:

با اینکه همه کارهای پیامبر اکرم به اذن و فرمان خداوند متعال است لیکن در این
آیه شریفه (آیه ۴۶) تنها دعوت به سوی خداوند متعال مقید به اذن خداوند متعال شده
است و این به خاطر آن است که مشکل‌ترین و مهم‌ترین کار پیامبر اکرم همان دعوت
مردم به سوی خداوند متعال است، چرا که باید مردم را در مسیری برخلاف هوس‌ها
و شهوات سیر دهد و در این مرحله باید اذن و فرمان و یاری خداوند متعال باشد تا
به انجام برسد و بدیهی است این وظیفه خطیر بعد از آن حضرت به دستور خداوند
متعال برعهده امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلام و یازده امام معصوم از نسل آن
حضرت و نسل حضرت زهرا سلام الله علیها محوّل شده است.^۲

۱. شرح زیارت جامع کبیره، تألیف آیت‌الله سیّد محمدتقی نقوی، صفحه ۱۸۱، ۱۸۲، ۳۸۶، ۳۸۷.

۲. تفسیر نمونه، جلد هفدهم، صفحه ۳۸۸ تا ۳۹۱.

لازم به ذکر است که:

ذیل آیه ۱۸۱ سوره اعراف، آیه ۷ سوره رعد، آیه ۳۵ سوره یونس و آیه ۷۳ سوره انبیاء توضیحاتی ارائه شده و به عرض رسیده است که بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ائمه معصومین علیهم السّلام به امر خداوند متعال وظیفه هدایت مردم به صراط مستقیم الهی را بر عهده دارند و مردم را به سوی خداوند متعال دعوت می نمایند.

فهرست احاديث

- السَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهُدَى، وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى، ٣٠
- إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ؛ ٣٢
- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدَى بِهِ الْمُهْتَدُونَ..... ٣٢
- النُّورُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الظُّلُمَاتُ عَدُوَّهُمْ، ٣٦
- لَوْ كُشِفَ الْعِطَاءُ مَا أزدَتْ يَقِينًا، ٤٣
- نَعَمْ، مِنْ أَفْضَلِهَا، ٤٦
- بُيُوتُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ أَوْمَىءَ بَيْدِهِ إِلَى بَيْتِ بِنْتِهِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَا، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، ٤٧
- خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشِهِ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ ٤٨
- هَمْ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ النَّبِيِّتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدِي رَجُلٍ مِنَّا وَ هُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَ هُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَلِي رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي، اسْمُهُ اسْمِي، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، ٥٥
- يَا بُنَيَّةَ: لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ، أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكِ ٦١
- يَا فَاطِمَةَ: إِنَّهَا لَمْ تَنْزِلْ فِيكَ وَ لَا فِي أَهْلِكَ وَ لَا فِي نَسْلِكَ، أَنْتِ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكِ، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَ، وَ إِنَّ قَوْلَكَ يَا أَبَتِ فَإِنَّهَا أَحْيَى لِلْقَلْبِ وَ أَرْضَى لِلرَّبِّ، ٦٢

«إِنَّ هَذِهِ آيَاتِ نَزَلَتْ فِي رَجُلَيْنِ مِنْ مَشَايخِ قُرَيْشٍ أَسْلَمَا بِالْإِسْتِثْمَا وَكَانَا يُنَافِقَانِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ...»..... ٧٥

الْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَ مِنْكُمْ وَ إِلَيْكُمْ..... ٧٦

إِنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيِّ وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوهُ..... ٩٣

مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ..... ١٠٦

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْهَا فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهُ الذِّكْرَ الْكَثِيرَ..... ١٠٦

إِنَّ ذِكْرَنَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَ ذِكْرُ عَدُوِّنَا مِنْ ذِكْرِ الشَّيْطَانِ، تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ، الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:..... ١٠٨

مَا قَالَ فِيْنَا بَيْتَ شَعْرٍ حَتَّى يُؤَيِّدَ بَرُوحَ الْقُدُسِ،..... ١١١

إِنَّمَا نَطَقَ رُوحَ الْقُدُسِ عَلَى لِسَانِكَ،..... ١١٢

مَنْ قَالَ فِيْنَا بَيْتَ شَعْرٍ بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ،..... ١١٢

مَا قَالَ فِيْنَا مُؤْمِنٌ شِعْرًا يُمَدِّحُنَابَهُ إِلَّا بَنَى اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ أَوْسَعَ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ يَزُورُهُ فِيهَا كُلُّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ..... ١١٢

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِدِينِي وَ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النِّجَاةِ بَعْدِي فَلْيَقْتَدِ بَعْلِي بِنِ ابْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيُوَالِ وَلِيَّهُ، فَإِنَّهُ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ وَفَاتِي، وَ هُوَ إِمَامٌ كُلِّ مُسْلِمٍ وَ أَمِيرٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ بَعْدِي، قَوْلُهُ قَوْلِي، وَ أَمْرُهُ أَمْرِي، وَ نَهْيُهُ نَهْيِي، وَ تَابِعُهُ تَابِعِي، وَ نَاصِرُهُ نَاصِرِي،..... ١١٦

وَ خَاذِلُهُ خَاذِلِي، مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا بَعْدِي لَمْ يَرْنِي وَ لَمْ أَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ خَالَفَ عَلِيًّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ جَعَلَ مَا وَبِهِ النَّارَ، وَ مَنْ خَذَلَ عَلِيًّا خَذَلَهُ اللَّهُ يَوْمَ يُعْرَضُ عَلَيْهِ، وَ مَنْ نَصَرَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ نَصَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِمَامَا أُمَّتِي بَعْدَ أَبِيهِمَا وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ أُمَّهُمَا سَيِّدَةُ الْعَالَمِينَ وَ أَبُوهُمَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةُ أَيْمَةٍ تَاسِعُهُمُ الْقَائِمُ مِنْ

وُلْدِي، طَاعْتُهُمْ طَاعَتِي، وَ مَعْصِيَتُهُمْ مَعْصِيَتِي، إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُتَكِرِينَ لِفَضْلِهِمْ وَالْمُضِيِّعِينَ لِحَقِّهِمْ
بَعْدِي، وَ كَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ نَاصِرًا لِعِثْرَتِي وَ أُمَّةَ أُمَّتِي وَ مُنْتَقِمًا مِنَ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّهِمْ، وَ سَيَعْلَمُ
الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ،..... ١١٧

وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ،..... ١١٩

وَ اللَّهُ عَلِمْنَا مِنْطِقَ الطَّيْرِ وَ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ،..... ١٢٥

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ: أَاغْلَبَ عَلَى إِرْتِيئِهِ،..... ١٣١

يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ: أَفَى كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَا أَرِثَ أَبِي، لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا، أَفَعَلَى عَمْدٍ
تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: وَ وِرثَ سُلَيْمَانَ دَاوُدَ، يَعْنِي:..... ١٣٢

الْحَسَنَةُ مَعْرِفَةُ الْوَلَايَةِ وَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ السَّيِّئَةُ انْكَارُ الْوَلَايَةِ وَ بُغْضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ،..... ١٤٠

يَا عَلِيُّ: لَوْ أَنَّ أُمَّتِي صَامُوا حَتَّى صَارُوا كَالْأَوْتَادِ وَ صَلُّوا حَتَّى صَارُوا كَالْحَنَائِبِ، ثُمَّ ابْغَضُوا
لَا كَبَّهُمْ اللَّهُ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ،..... ١٤١

الْحَسَنَةُ حُبُّنَا وَ السَّيِّئَةُ بُغْضُنَا،..... ١٤٢

هُمُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَّهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ، فَيَعْرِضُهُمْ وَ يُدِلُّ
عَدُوَّهُمْ،..... ١٥٣

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ،..... ١٥٦

هُمُ الْأَيُّمَةُ خَاصَّةً،..... ١٦٩

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيُّ اللَّهِ،..... ١٧٩

النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ مَا جَاءَ بِهِ النَّبِيُّ مِنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ
تَوْحِيدِهِ، وَ أَمَّا النَّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ وَ لَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَقْدُ مَوَدَّتِنَا،..... ١٨٦

سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ مُظْلِمَةٌ، النَّاجِي مِنْهَا مَنْ تَمَسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَ مَا الْعُرْوَةُ

- الْوُثْقَى، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَلَا يَتَّبِعُ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَنْ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ:
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَنْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ أَمَامُهُمْ
 بَعْدِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: وَمَنْ مَوْلَى الْمُسْلِمِينَ وَ أَمَامُهُمْ بَعْدَكَ، ١٩٣
- الْأَيْمَةَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، ١٩٤
- مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ١٩٥
- مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِي، ١٩٥
- مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا، فَلْيَتَمَسَّكَ بِوَلَايَةِ أَخِي وَ وَصِيِّ عَلِيٍّ
 بِنِ ابِيطَالِبٍ، فَإِنَّهُ لَا يَهْلِكُ مِنْ أَحَبَّهُ وَ تَوَلَّاهُ وَلَا يَنْجُو مَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَادَاهُ، ١٩٥
- أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ الْإَيْمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ
 الدُّنْيَا، ١٩٦
- نَحْنُ الْكَلِمَاتُ الَّتِي لَا تُدْرِكُ فِضَائِلُنَا وَ لَا تُسْتَقْصَى، ٢٠٥
- مَوَالِيٍّ لَا أَحْصَى ثَنَائِكُمْ، ٢٠٥
- وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، ٢٠٦
- وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، ٢٠٦
- وَ صَلَّى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ الْمُرْتَضَى وَ أَمِينِكَ الْأَوْفَى وَ عَزْوَتِكَ الْوُثْقَى وَ يَدِكَ الْعُلْيَا
 وَ جَنِبِكَ الْأَعْلَى وَ كَلِمَتِكَ الْحُسْنَى، ٢٠٧
- أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ تَمَّتْ بِكَ
 كَلِمَاتُ اللَّهِ، ٢٠٨
- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ اللَّهِ، ٢٠٨
- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ التَّقِيِّ، وَ حُجَّتِكَ الْعُلْيَا

وَمَثَلِكَ الْأَعْلَى وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى..... ٢٠٨

ضَرَبْتُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ،..... ٢١٢

لَا يَجْتَمِعُ حُبُّنَا وَحُبُّ عَدُوِّنَا فِي جَوْفِ إِنْسَانٍ، إِنْ اللَّهُ لَمْ يَجْعَلْ لِرَجُلٍ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ فَيَحِبُّ بِهَذَا وَ يُبْغِضُ بِهَذَا، فَأَمَّا مُحِبُّنَا فَيُخَلِّصُ الْحُبَّ لَنَا كَمَا يُخَلِّصُ الذَّهَبُ بِالنَّارِ لَا كَدِرَ فِيهِ، فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَعْلَمَ فَلْيَمْتَحِنْ قَلْبَهُ،..... ٢١٩

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ،..... ٢٢٦

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ،..... ٢٢٦

مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ،..... ٢٢٧

أَنَا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ، يَعْنِي:..... ٢٢٧

يَا بَرِيدَةَ، أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ،..... ٢٢٨

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ،..... ٢٢٨

أَنَا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَوْلَى بِهِ مِنْ بَعْدِي،..... ٢٣٠

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً،..... ٢٣١

كَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ أَفْضَلَ النَّاسِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا،..... ٢٣٣

قَوْلَ اللَّهِ إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ،..... ٢٣٤

أَلَا وَ إِنِّي لَأَوْلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ، وَ مَا زِلْتُ مَظْلُومًا مُنْذُ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ،..... ٢٣٤

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَ وَصِيِّهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ

فيك، ٢٣٤

السُّتِ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ، قَالُوا بَلَىٰ. فَآخِذْ بِبَيْدِكَ وَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نصرَهُ وَأخذُلْ مَنْ خذَلَهُ، ٢٣٥

يا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّكَ ثُمَّ ماتَ فَقَدْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مَنْ لَمْ يَمُتْ فَهُوَ مُنْتَظِرٌ، ٢٤٠

وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَىٰ لَكَ غِنَىٰ عَنِ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِيطِ الْوَاصِفِينَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ: مِنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا ٢٤٣

وَ مَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ، وَ مَنْ حَجَدَكُمْ كَافِرٌ، وَ مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي اسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، ٢٤٨

اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ عِثْرَتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا، ٢٥٢

اللَّهُمَّ هُوَ لِأَهْلِ بَيْتِي وَ عِثْرَتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا، ٢٥٤

إِنْ أَبْتَنِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ٢٥٦

كُونِي مَكَانَكَ يَا أُمَّ سَلَمَةَ، أَنْتِ إِلَىٰ خَيْرٍ، أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ نَبِيِّ اللَّهِ، ٢٥٨

إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهَا، أَيُّهَا النَّاسُ، لَا تَعْلَمُوهُمْ فَانَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، ٢٦١

أَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرْهُمْ تَطْهِيرًا، ٢٦٥

إِنَّا لَا نُوصَفُ وَ كَيْفَ يُوصَفُ قَوْمٌ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، ٢٦٧

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا، كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِثْرَتِي، ٢٦٧

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ عَلَيَّ الْاِثْمَةُ مِنْ آلِكَ الطَّاهِرِينَ،

قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،
فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، ٢٦٩

السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ ٢٧٠

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ ٢٧٠

عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَ آمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ
طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، ٢٧٠

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَارَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ
الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، ٢٧١

الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، رَحِمَكُمُ اللَّهُ، ٢٧١

الصَّلَاةَ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً، ٢٧٢

نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً - فِي خَمْسَةِ:
فِي وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنٍ وَ حُسَيْنٍ، ٢٧٣

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَ بَارِكْ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ، ٢٨٣

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ٢٨٣

مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَى آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ أَنْ رِيحَهَا لِيُوجَدُ مِنْ مَسِيرِ خَمْسِ مِائَةٍ
عَامٍ، ٢٨٤

لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوباً حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، ٢٨٦

مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، ٢٨٧

كُلُّ دُعَاءٍ يُدْعَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، ٢٨٧

صَلُّوا عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ دُعَائِكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ٢٩٠

أَمَّا السَّلَامُ عَلَيْكَ فَقَدْ عَلِمْنَا، فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ، ٢٩٣

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ٢٩٤

هُؤْلَاءِ أَحِبَّائِي وَ أَوْلِيَائِي وَ حُجَجِي عَلَى خَلْقِي وَ أَيْمَةَ بَرِيَّتِي، مَا خَلَقْتَ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، وَ لِمَنْ تَوْلَاهُمْ خَلَقْتَ جَنَّتِي، وَ لِمَنْ خَالَفَهُمْ وَ عَادَاهُمْ خَلَقْتَ نَارِي، ٢٩٩

لَوْ لَا هُمْ مَا خَلَقْتُكُمْ، هُؤْلَاءِ خَزَنَةُ عِلْمِي وَ أَمْنَائِي عَلَى سِرِّي، إِيَّا كَمَا أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بَعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنِّيَا مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدِي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كِرَامَتِي فَتَدْخُلَا بِذَلِكَ فِي نَهْيِي وَ عِصْيَانِي فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ، ٣٠١

الْأَمَانَةُ الْوَلَايَةُ، وَ الْإِنْسَانُ هُوَ أَبُو الشَّرِّ وَالْمُنَافِقِ، ٣٠٣

الْأَمَانَةُ الْوَلَايَةُ، مَنْ ادَّعَاهَا بَعِيرٍ حَقٌّ كَفَرَ، ٣٠٤

مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، ٣٠٧

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ٣٠٨

بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ ٣٠٨

إِنْ رَبِّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ: أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيَطِيعِ الْعَزِيزَ، ٣١٩

إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلا عَشِيرَةٍ وَ هَيْبَةً بِلا سُلْطَانٍ فَأَخْرِجْ مِنْ دُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ، ٣٢٠

فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا، ٣٢٣

طَاعَةُ اللَّهِ، وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ، وَ وِلَايَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ٣٢٤

أَتَبَقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ..... ٣٣٣

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ،..... ٣٣٤

أَنَّهَا لَا تَبَقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ،..... ٣٣٤

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا سَاعَةً مِنَ الْحُجَّةِ،..... ٣٣٥

نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَخَلْفَاؤُهُ فِي عِبَادِهِ وَأَمْنَاؤُهُ عَلَى سِرِّهِ، نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى،

نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ وَ أَعْلَامُهُ فِي بَرِّيَّتِهِ، بِنَا يُمَسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا، بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ

وَ يُنَشِّرُ الرَّحْمَةَ، لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مِمَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ،..... ٣٣٥

لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِإِلا إِمَامٍ مِمَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ،..... ٣٣٦

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، لَمْ يَزَلُوا فِي أَمَانٍ

مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهَرِهِمْ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ ثُمَّ لَا يُمَهِّلُهُمْ وَ لَا يُنْظِرُهُمْ

ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَ رَفَعْنَا إِلَيْهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا شَاءَ وَ أَحَبَّ،..... ٣٣٦

لَوْ خَلَّتْ مِنْ حُجَّةٍ طَرْفَةٌ عَيْنٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا،..... ٣٣٧

نَحْنُ أَيْمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ وَ سَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوَالِي الْمُؤْمِنِينَ، نَحْنُ أَمَانٌ

لِأَهْلِ الْأَرْضِ،..... ٣٣٧

نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُمَسِكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، بِنَا يُمَسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ

بِأَهْلِهَا، بِنَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يُنَشِّرُ الرَّحْمَةَ، لَوْلَا مَا فِي الْأَرْضِ مِمَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، لَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ

مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ غَائِبٍ مَسْتُورٍ،..... ٣٣٧

يَا رَسُولَ اللَّهِ: مِنَ الْإِيْمَةِ مَنْ وَدَّ عَلَى بِنِ ابِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

وَ سَلَّمَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، ثُمَّ الْبَاقِرُ

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ سَتْدْرُكُهُ يَا جَابِرٌ فَإِذَا أَدْرَكَتَهُ فَاقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ، ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، ثُمَّ

الْكَاطِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، ثُمَّ الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، ثُمَّ النَّبِيُّ عَلِيُّ بْنُ

- مُحَمَّدٍ، ثُمَّ الزَّكَاةِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، ثُمَّ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ مَهْدِيَّ أُمَّتِي الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا
وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، ٣٣٨
- بِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ، ٣٤٠
- بِيُنْهِهِ رِزْقَ الْوَرَى وَبُجُودِهِ تَبَتَّ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، ٣٤١
- لَوْلَاكَ وَ لَوْلَا عَلِيٍّ وَ عَتَرْتُمَا الْهَادُونَ الْمَهْدِيُّونَ الرَّاشِدُونَ مَا خَلَقْتَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا مَكَانَ
وَ لَا الْأَرْضَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ لَا الْمَلَائِكَةَ وَ لَا خَلْقًا، ٣٤٢
- بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، ٣٤٢
- أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي، ٣٤٢
- أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ رُوحِي، ٣٤٢
- لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتَ الْأَفْلاكَ، ٣٤٣
- لَوْلَا الْحُجَّةُ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، ٣٤٣
- الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ، ٣٤٣
- يَا عَلِيَّ، قَدْ أَفْلَحُوا بِكَ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ بِكَ»، أَنْتَ وَ اللَّهُ أَمِيرُهُمْ، ٣٥٠
- هُوَ هَذَا، إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْصَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، ٣٥٩
- أَنَا وَ اللَّهُ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، أُبَيِّنُ الْحَقَّ مِنَ الْبَاطِلِ وَرِثْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، ٣٦٠
- مَعَاشِرَ النَّاسِ: مَا مِنْ عِلْمٍ وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَ كُلِّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ
مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ، ٣٦١
- إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ، لَمْ يَجْزُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ جَوَازٌ فِيهِ وَ لِيَاةٌ
عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، يَعْنِي عَنْ وَ لِيَاةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ، ٣٧٠

لا تَزُولُ قَدَمُ عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ، وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، ٣٧٢

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْبُ أَنَا وَ عَلِيٌّ عَلَى الصِّرَاطِ، بِيَدِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَّا سَيْفٌ، فَلَا يَمُرُّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا سَأَلْنَاهُ عَنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَمَنْ مَعَهُ شَيْءٌ مِنْهَا نَجَا وَ إِلَّا ضَرَبْنَا عُنُقَهُ وَ الْقَيْنَاهُ فِي النَّارِ، ثُمَّ تَلَا: وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ - مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ - بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ، ٣٧٣

أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، ٣٧٥

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبِرُّ التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الرَّشِيدُ، ٣٨٢

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ٣٨٣

نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ، وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ عَدُوَّنَا، وَ شِيعَتُنَا أَوْلِيَا الْأَلْبَابِ، ٣٨٨

أَنْتُمْ أَوْلِيَا الْأَلْبَابِ فِي كِتَابِ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «أَنْمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلِيَا الْأَلْبَابِ» ٣٨٩

نَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ، وَ عَدُوَّنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، أَنْمَا يَتَذَكَّرُ أَوْلِيَا الْأَلْبَابِ شِيعَتُنَا، ٣٨٩

نَحْنُ الَّذِينَ نَعْلَمُ، وَ عَدُوَّنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، وَ شِيعَتُنَا أَوْلِيَا الْأَلْبَابِ، ٣٩٠

نَحْنُ الَّذِينَ يَعْلَمُونَ، وَ عَدُوَّنَا الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، وَ شِيعَتُنَا أَوْلِيَا الْأَلْبَابِ، ٣٩٠

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»، ٣٩١

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، ٣٩٥

مَنْ خَالَفَكُمْ فَالْتَأَرْ مِثْوَاهُ، مَنْ حَجَدَكُمْ كَافِرٌ، مَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، ٣٩٦

أَنَا ذَاكَ الرَّجُلُ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، ٤٠٠

الرَّجُلُ السَّلَامُ لِلرَّجُلِ حَقًّا عَلَيَّ وَ شَيْعَتُهُ، ٤٠٠

السَّلَامُ عَلَيكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَ وَاثَرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
يَا امِينَ اللهُ فِي اَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَيَّ عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ وَ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ، السَّلَامُ عَلَيكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، أَشْهَدُ
أَنَّكَ اخُو رَسُولِ اللَّهِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَاثَرُ عِلْمِهِ وَ آمِينُهُ عَلَيَّ شَرَعِهِ وَ خَلِيقَتُهُ فِي أُمَّتِهِ وَ أَوَّلِ مَنْ
آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَدَقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ نَبِيِّهِ، ٤٠٧

لَقَدْ ذَكَرَكُمْ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ إِذْ يَقُولُ «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللهِ إِنَّ اللهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا...»، وَ اللهُ مَا أَرَادَ بِذَلِكَ غَيْرَكُمْ، ٤١٤

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ: مَا آمَنَ بِي مَن كَفَرَ بِكَ، وَ لَا أَقَرَّ بِاللَّهِ مَن جَحَدَكَ، وَ قَدْ ضَلَّ مَن صَدَّ
عَنكَ، وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللهِ وَ لَا إِلَى مَن لَا يَهْتَدِي بِكَ، ٤١٦

أَنَا قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَنَا حَبْلُ اللهِ الْمَتِينُ، أَنَا عُرْوَةُ اللهِ الْوُثْقَى، أَنَا عَيْنُ اللهِ وَ لِسَانُهُ الصَّادِقُ وَ
يَدُهُ، أَنَا جَنْبُ اللهِ الَّذِي تَقُولُ نَفْسُ «يَا حَسْرَتِي عَلَيَّ مَا فَرَطْتُ فِي جَنْبِ اللهِ»، أَنَا يَدُ اللهِ الْمَبْسُوطَةِ
عَلَيَّ عِبَادِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ، أَنَا بَابُ حِطَّةٍ، مَن عَرَفَنِي وَ عَرَفَ حَقِّي فَقَدْ عَرَفَ رَبِّي، لِأَنِّي وَصِيٌّ
نَبِيِّهِ فِي اَرْضِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَيَّ خَلْقِهِ، لَا يَنْكِرُ هَذَا إِلَّا رَادُّ عَلَيَّ اللهُ وَ رَسُولُهُ، ٤٢٢

أَنَا عَيْنُ اللهِ، أَنَا يَدُ اللهِ، أَنَا جَنْبُ اللهِ، أَنَا بَابُ اللهِ، ٤٢٣

أَنَا جَنْبُ اللهِ، أَنَا صِرَاطُ اللهِ، ٤٢٤

نَحْنُ جَنْبُ اللهِ، نَحْنُ صِفْوَةُ اللهِ، نَحْنُ حُجُجُ اللهِ، نَحْنُ حَبْلُ اللهِ، ٤٢٤

أَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللهِ وَ بَابُهُ، ٤٢٨

أَنَا جَنْبُ اللهِ، أَنَا يَدُ اللهِ، أَنَا جَنْبُ اللهِ، وَ أَنَا حَسْرَةٌ لِلنَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ٤٢٨

جَنْبُ اللهِ عَلَيَّ بِنِ ابِطَالِبِ عَلَيْهِ السَّلَامِ، وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ٤٢٩

مَن ادَّعَى الْإِمَامَةَ وَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا فَهُوَ كَافِرٌ، ٤٣٦

يَا عَلِيُّ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ أَنْبِيَائَهُ الْمُرْسَلِينَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَفَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ
النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِلْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِكَ، يَا عَلِيُّ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا
وَ خُدَامُ مُحِبِّينَا،..... ٤٥٣

فَلْتَذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِتَرْكِهِمْ وَ لِيَاةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَذَابًا شَدِيدًا وَ لَنَنْجِزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ
الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ٤٦٢

اسْتَقَامُوا عَلَى الْأَيْمَةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ ابْشُرُوا
بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ،..... ٤٧٤

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ،..... ٤٨٤

منابع و ماخذ

- ۱- تفسیر مجمع‌البیان، تألیف امین‌الاسلام طبرسی،
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء،
تهران موسسه انتشارات فراهانی.
- ۲- تفسیرالمیزان، تألیف علامه سید محمدحسین طباطبائی،
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء،
قم، انتشارات موسسه مطبوعات دارالعلم،
تهران، کانون انتشارات محمدی.
- ۳- تفسیر نمونه، تألیف جمعی از علما و فضلاء، زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی،
تهران، درالکتب الاسلامیه.
- ۴- تفسیر صافی، تألیف عالم ربانی آیت‌الله ملامحمد محسن فیض کاشانی،
ترجمه: جمعی از علماء و فضلاء، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،
قم، نشر نوید اسلام.
- ۵- تفسیر برهان، تألیف علامه سید هاشم بحرانی،
ترجمه: دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان و دکتر صادق خورشاه،
تهران، نشر کتاب صبح با همکاری نهاد کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور.

۶- تفسیر نورالثقلین، تألیف علامه حویزی،
ترجمه: جمعی از علما و فضلا، زیر نظر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی،
قم، نشر نوید اسلام.

۷- اصول کافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی،
ترجمه: سید جواد مصطفوی،
تهران، انتشارات علمیه اسلامیة.

۸- احتجاج طبرسی، تألیف ابومنصور احمد بن علی طبرسی،
ترجمه: بهزاد جعفری،
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۹- عیون اخبارالرضا علیه السلام، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: علی اکبر غفاری، حمیدرضا مستفید،
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۰- معانی الاخبار، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی،
تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۱- کمال الدین و تمام النعمه، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: منصور پهلوان،
قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث.

۱۲- خصال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: محمدباقر کمره‌ای،
تهران، انتشارات کتابچی.

۱۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: علی اکبر غفاری،
تهران، کتابفروشی صدوق.

۱۴- علل الشرایع، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،
قم، انتشارات مومنین.

۱۵- کلیات حدیث قدسی، «ترجمه کتاب جواهر السنیه»، تألیف شیخ حرّ عاملی،
ترجمه: زین العابدین کاظمی خلخالی،
تهران، انتشارات دهقان.

۱۶- امالی، تألیف محمد بن علی بن بابویه «شیخ صدوق»،
ترجمه: کریم فیضی،
قم، انتشارات چهارده معصوم علیهم السلام.

۱۷- امالی، تألیف محمد بن حسن طوسی «شیخ طوسی»،
ترجمه: صادق حسن زاده،
قم، انتشارات اندیشه هادی.

۱۸- امالی، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،
ترجمه: عقیقی بخشایشی،
قم، انتشارات نوید اسلام.

۱۹- ارشاد، تألیف محمد بن محمد بن نعمان «شیخ مفید»،
ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی،
تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۰- ارشاد القلوب، تألیف حسن بن ابی‌الحسن محمد دیلمی،
ترجمه: علی سلگی نهماوندی، با تصحیح و پاورقی علامه شعرانی،
قم، چاپ امین.

۲۱- کامل الزیارات، تألیف ابن قولویه،
ترجمه: سید محمدجواد ذهنی تهرانی،
تهران، انتشارات پیام حق.

۲۲- بصائر الدرجات، تألیف محمد بن حسن صفار قمی،
ترجمه: علیرضا زکی زاده رنانی،
قم، انتشارات وثوق.

۲۳- شرح خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی،
تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی منیر.

۲۴- شرح زیارت جامعه کبیره، تألیف آیت‌الله سید محمدتقی نقوی،
تهران، انتشارات قائن.

۲۵- شرح زیارت جامعه کبیره، «ترجمه کتاب الشَّموس الطَّالعه»، تألیف علامه سید حسین همدانی
درودآبادی،

ترجمه: محمدحسین نائیجی،
قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

۲۶- فاطمه زهرا سرور دل پیامبر اکرم، تألیف آیت‌الله احمد رحمانی همدانی،
ترجمه: مهدی جعفری،
نشر مرکز فرهنگی انتشارات منیر.